[illegible]

[illegible]

[illegible]

ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة
شکر و سپاس خدا را که گردانید عبادت را وسیله برای تحصیل سعادت در آن جهان
والاولی والصلوة والسلام علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی
و این جهان و درود و سلام بر سرور انام محمد و اولاد او که پیشوایان هدایت
اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفا الله عنهما [illegible] برادران [illegible]
ایمانی و اخلاء روحانی می نگارد که چون جناب مقدس ایزد تعالی شانه برای هدایت [illegible]
بوادی ضلالت و جهالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات که اشرف قربات [illegible] سعادات
اند مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین [illegible]
و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب علما مشحون است از آنها و این حقیر [illegible]
صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار [illegible]
اشتغال بانواع اشتغال دنیویه [illegible] تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها [illegible]

و غرض بیان فضایل ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است
درین رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها محروم نباشند و شاید که این بنده عاصی را بدعای مغفرت
یاد نمایند و مسمی گردانیدم آنرا بزاد المعاد عَسَى اللهُ أَنْ يَهْدِيَنَا وَإِيَّاهُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ چون
اتمام این رساله و اختتام این عجاله در زمان دولت عدالت شعار و اوان سلطنت سعادت آثار اعلی حضرت
سلاطین پناه سرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ
گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فریدون حشم شجاعت آثاری
که تیغ جهادش شب های کفار زهره گسوی دار البوار و حسام آتش بارش برای خرمن حیات
مخالفان و معاندان بمصداق يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ دستهای اعیان فرمدیر فعت
شان در گلستان رفیع بنیانش با کف الخضیب بوستان خرمن صوفیان صفوت نشان بر فرزند دعای
خلود دولت ابد توامان با غلغله ان افلاک سدره المنتهی همداستان که تیغ خلاف از نیام کین کشیده
چون بیدرخود بلرزیده و برگ بیدهای غنچه افاق بر شبیه صورت مرگ خود را در آن معاینه دیده
جبین عرش عقیده گشای رمحهای کار بستگان گشاده کف دربار نوش سحاب ابر المعانی پر در گان
موسس قواعد ملت دین و شریعت آبای طاهرین جامع ... ذکات خلائق بیا مشن التقبیل
شفاه سلاطین زمان ... خواقین دوران بمصحح .. دغرت و جلالش زبان ... ذاقل مسنا
الضر تبا العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم مجاال الاکاسره و ملاذ
القیاصره محی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء السلطان بن السلطان و الخاقان
بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان لازالت رایات دولته
مرفوعة و ... اعدائه مقموعة ... گردید تحفه آن بارگاه خلائق امیدگاه گردانیده امید که مقبول
طبع اشرف گردیده و آن اعلی حضرت از فوائد آن منتفع گردد بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق
والمعین و آن مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه **باب اول** در فضائل و اعمال ماه
مبارک رجب است و آن مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول** در بیان فضائل
این ماه و عبادات است بدانکه این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای سال اند

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بدارد و وصل نماید روزه آنها را
بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد خدای تعالی و در آن
روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و ماه رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما
و طاعت او از برای خدا آن ماهها گویند که این بنده توشه گرفت در ما از برای طاعت تو و استمداد فضل
و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس
گواهی دهند ملائکه که موکل اند برین ماهها که ما نیز شاهدیم این بنده اگر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو
و امیدوار رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده بودی بسوی
آنها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه
بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را با تشنگی بشب رسانید و در شبها خود را بتعب
انداخت برای بندگی تو و تصدق بفقرا و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان
تو نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن آنها
پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حقتعالی فرماید ببرند این بنده را بسوی بهشت
و استقبال کنند او را ملائکه مقربان با تحفه و کرامتها او را بر شتران و اسبان بهشت سوار کنند و ببرند بسوی بهشت
که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرای که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال
ندارد و هرگز ایشان را تعب نمی باشد و از عذاب ایمن میگردد و مشقت حساب برای ایشان نیست
و ایضا از آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت
بآن نمیرسد و قتال با کافران درین ماه حرام است و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست
و ماه رمضان ماه امت منست کسیکه یکروز از ماه رجب روزه دارد مستوجب خشنودی
بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد
و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که یکروز از ماه رجب روزه دارد آتش جهنم
یکساله راه از او دور گردد و هر که سه روز از آن روزه دارد بهشت از برای او واجب گردد
و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرینتر کسیکه یک روز

از رجب روزه دارد البته از این شهر با نشاند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت من است پس بسیار در این ماه طلب آمرزش
کنید که خدا آمرزنده و مهربان است و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار بگوئید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب آمرزش میکنم از خدا و سؤال میکنم از او توفیق توبه را

و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که سه روز از ماه رجب روزه بدارد بهره و فور ثواب روزه
یکسال برای او بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد درهای جهنم بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز
از آن روزه بدارد درهای بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدا او را حساب
آسان کند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی خشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خشنودی
خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه رحمه الله بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت
رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب چند روز از آن ماه مانده بود چون نظر
مبارک آن حضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود
آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه این ماهی است که خدا آن را بر
ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آن را عظیم گردانیده است و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن
را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یا ابن رسول الله اگر در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا بعضی از
ثواب روزه داران آن را مییابم فرمود که ای سالم هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را ایمن
گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه روزه
بدارد بر صراط با آسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت
و از شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم را به او عطا کنند و ایضا از حضرت امیرالمؤمنین
منقول است که حضرت رسول فرمود که هر که یک روز از ماه رجب روزه بدارد گناهان
گذشته او آمرزیده شود و هر که سه روز از اول یا میان یا آخر ماه رجب روزه بدارد گناهان گذشته و آینده او آمرزیده
گردد و هر که شبی از آن احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در

گناهکار و هر که درین ماه تصدق از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید
که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی بیرون آیند که نور
رویهای ایشان جمیع اهل محشر را روشن کرده اند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد بیاقوت [illegible]
و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه ایشان را ندا کنند که گوارا باد ترا
کرامتهای حق تعالی ای بندهٔ خدا پس خداوند رحمان ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بحق جلال
خود سوگند یاد میکنم که شما را در مأوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت
غرفه ها که نهرها در زیر آنها جاری باشند و همیشه در آن غرفه ها باشید و نیکو مزدیست مزد کارکنان از برای آنکه
بر شما واجب گردانم روزه را و شما داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته
بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی
است که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه بدارد اگر چه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از
حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت
از و خوشنود باشد و هر که دو روز روزه دارد خدا بغایت از و خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود
گرداند و هر که سه روز از آن روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند
در قیامت و هر که هفت روز از آن روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا
تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد در هشت در بهشت بر روی او گشوده شود
و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد برآورده شود مگر آنکه سؤال
او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند
روزیکه از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان
و نیکوکاران و احادیث درین باب بسیار است این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد

فصل دوم

در بیان اعمالی است که کسی که از روزه عاجز باشد یا دشوار باشد عوض آن عمل کند و در بعضی
از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزهٔ مستحب یک درم تصدق کند که [illegible]

تقریباً هشتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یکمد گندم یا جو وارد شده است و احوط
دو صد درم شاهی است و ظاهر آنست صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه رجب
یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه پریشان
باشد و قادر بر درم و مد نباشد و ایضا در خصوص ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است
که بعوض روزه اگر قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد

سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ

پاک است معبود بزرگوار پاک است کسی که سزاوار نیست بپاکی یاد کردن مگر برای او پاک است آنکه

الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ

غالبتر و گرامی تر است پاک است آنکه پوشید بزرگی را و حال آنکه او برای پوشیدن آن سزاوار است

و در روایت معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر مومن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده
باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است
هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است برابر یکساله روزه است زن را روزه سنت
داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار
و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه سنت مملوک
بدون اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست
روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی رخصت پدر باطل است
و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت مهماندار
نیز خلاف است و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچیک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارد و اگر چه اظهر
آنست که مکروه است **فصل سوم** در بیان اعمال هر شب و هر روز است بسند معتبر منقول است که حضرت امام
زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا را خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن

یَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ

ای آنکه مالک است حاجتهای درخواهندگان را و میداند اندرون دل خاموشان را برای هر سوال از تو

سَمعٌ حاضِرٌ وَجَوابٌ عَتِيدٌ اَللّهُمَّ وَمَواعِيدُكَ الصّادِقَةُ وَاَيادِيكَ الفاضِلَةُ

گوشی است بینا و جوابی مهیا خداوندا وعده های تو راست است و نعمتهای تو افزون است

وَرَحْمَتُكَ الواسِعَةُ فَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ حَوائِجِي

و رحمت تو فراخ است پس میخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه برآوری حاجتهای مرا

لِلدُّنْيا وَالآخِرَةِ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام

که بجهت دنیا و آخرت است بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی در هر روز ماه رجب این دعا را میخواندند

خابَ الوافِدُونَ عَلى غَيْرِكَ وَخَسِرَ المُتَعَرِّضُونَ اِلّا لَكَ وَضاعَ المُلِمُّونَ اِلّا بِكَ

ناامید شدند واردشدگان بر غیر تو و زیان کردند فراپیش آیندگان مگر تو و تباه شدند فرودآیندگان مگر بتو

وَاَجْدَبَ المُنْتَجِعُونَ اِلّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرّاغِبِينَ وَخَيْرُكَ

و قحط زده شدند طالبان معروف مگر آنکه طلب نمود فضل ترا در تو گشوده است برای خواهش مندان و خیر تو

مَبْذُولٌ لِلطّالِبِينَ وَفَضْلُكَ مُباحٌ لِلسّائِلِينَ وَنَيْلُكَ مُتاحٌ لِلآمِلِينَ

بخشیده شده است برای طلب کنندگان احسان تو حلال است برای خواهندگان عطای تو مقدر است برای امیدواران

وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواكَ عادَتُكَ

و روزی تو پهن کرده شده برای آنکه نافرمانی و رزد ترا و بردباری تو فراپیش آینده است مر کسی که دشمنی کند با تو خوی

الاِحْسانُ اِلَى المُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ الاِبْقاءُ عَلَى المُعْتَدِينَ اَللّهُمَّ

نیکوئی کردن بسوی بدکاران و طریقه تو مدارا و رحم کردن است بر تجاوز نمایندگان خداوندا

فَاهْدِنِي هُدَى المُهْتَدِينَ وَارْزُقْنِي اجْتِهادَ المُجْتَهِدِينَ وَلا تَجْعَلْنِي

پس هدایت کن مرا مانند هدایت راه یافتگان و روزی کن مرا کوشش کوشش نمایندگان و مگردان مرا

مِنَ الغافِلِينَ المُبْعَدِينَ وَاغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ

از بیخبران دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا

و ایضا بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجب است

مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا بان نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب صبح و شام بعد از نمازهای روز و شب این دعا بخوان

يا من أرجوه لكل خير وآمن سخطه عند كل شر يا من يعطي

ای آنکه امید دارم از او برای هر نیکی و ایمنم از غضب او نزد هر بدی ای آنکه می بخشد

الكثير بالقليل يا من يعطي من سأله يا من يعطي من لم يسأله

بسیاری را به برابر اندک ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال کند از او و ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال نکند از او

ومن لم يعرفه تحنناً منه ورحمة أعطني بمسألتي إياك جميع خير

و آنرا که نشناسد او را بجهت عطوفت و مهربانی خود عطا کن مرا بسوال من از تو همه نیکیهای

الدنيا وجميع خير الآخرة واصرف عني بمسألتي إياك جميع شر الدنيا

دنیا و همه نیکیهای عقبی را و بگردان از من بسوال من از تو همه بدیهای دنیا

وشر الآخرة فإنه غير منقوص ما أعطيت وزدني من فضلك يا كريم

و بدیهای آخرت را زیرا که بتحقیق کم نمی گردد آنچه بخشیدی و زیاده کن برای من از احسان خود ای کریم

پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست خود را بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را خواندند

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا النعماء والجود يا ذا المن والطول

ای خداوند بزرگواری و کرامت و بخشش ای خداوند نعمت و بخشش ای خداوند عطا و احسان

حرم شيبتي على النار

حرام گردان موی سفید مرا بر آتش

و دست بر پشت نهادند تا از آب دیده اثر ریش مبارکش تر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام به معلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان

اللهم إني أسألك صبر الشاكرين لك وعمل الخائفين منك ويقين

خداوندا سؤال میکنم از تو شکیبائی شکر کنندگان ترا و کردار ترسندگان از تو و یقین

العابدين لك اللهم أنت العلي العظيم وأنا عبدك البائس الفقير

پرستندگان ترا خداوندا تو بلند مرتبه بزرگ مقداری و من بنده تو بدحال محتاج

فصل سوم

وَاَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ

و تو بی نیازی و ستوده و من بندهٔ خوارم بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و منت گذار

بِغِنَاكَ عَلٰى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلٰى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلٰى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ

به بی نیازی خود بر تنگدستی من و به بردباری خود بر نادانی من و به توانائی خود بر ناتوانی من ای توانا

يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي

ای غالب خداوندا رحمت بفرست بر محمد و فرزندان او که جانشینان پیغمبر اند پسندیده کفایت کن

مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنچه را که غمگین سازد مرا از دنیا و عقبی ای مهربانی کننده‌ترین مهربانی کنندگان

و از روایت سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر می شود که این دعا جامع ترین دعاهاست و در همه

اوقات می تواند خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر

علیه السلام روایت کرده اند که سنت است که در هر روز از روزهای ماه مبارک

رجب این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد بن علی دوم و پسر او

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِمَا اِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ اِلَيْهِ

علی بن محمد برگزیده و نزدیکی میجویم بوسیلهٔ آن هر دو بسوی تو بهترین نزدیکیها ای آنکه بسوی

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ اَسْاَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ

او احسان طلب کرده میشود و در آنچه نزد اوست رغبت کرده میشود سؤال میکنم از تو مانند سؤال گناهکار

قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ

تحقیق هلاک کرده او را گناهان او و استوار بسته او را عیبهای او پس طول کشیده بر گناهان مداومت او

وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ يَسْاَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ

و از مصیبتها امور عظیمه او خواهد از تو توبه را و خوبی بازگشت را و باز ایستادن

عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو عما في ربقته

از گناه ها و از آتش آزادی گردن خود را و درگذشتن از آنچه در گردن بنده او

فانت يا مولاي اعظم امله وثقته اللهم واسألك بمسائلك

پس توئی ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد او خداوندا و سوال میکنم ترا بسوالهای

الشريفة ووسائلك المنيفة ان تتغمدني في هذا الشهر

بلند پایه و وسیلهای با رفعت تو اینکه بپوشانی مرا در این ماه

برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها

برحمتی از خود فراگیرنده و نعمتی بازدارنده و نفسی که بوده باشد بآنچه روزی کرده بآن

قانعة الى نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هي اليه صائرة

خشنود تا فرود آمدن در قبر و مکان آن سرای آخر و آنچه آن نفس بسوی آن چیز بازگشت کننده است

وازحضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که در جمیع ماه رجب بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید

استغفر الله واتوب اليه

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید

اللهم اغفر لي وتب علي

بارخدایا بیامرز مرا و بپذیر توبه مرا

واین استغفار در جمیع ایام سال سنت است هزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اگر خواهد در یکروز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقول است که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود وحق تعالی شهری در بهشت برای او بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقول است و در جمیع این ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بپوشیدن کتان بدن فربه میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما جامه خز به پانصد درهم می خریدند و در زمستان می پوشیدند و چون زمستان میگذشت می فروختند و قیمت آن را تصدق می فرمودند

فصل چهارم در بیان رنگهائی که در جامه سنت یا مکروه است بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن [illegible]

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدائیکه نیست سزاوار پرستش مگر او در حالیکه یگانه است نیست انبازی برای او و رجوع میکنم بسوی او

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در شب بیست و پنجم شعبان

صد مرتبه سوره حمد و آیة الکرسی و سوره قل یا ایها الکافرون و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و ده مرتبه

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

پاکست خدا و جمیع سپاس خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگترست و نیست بازگشتی و نیست توانائی

إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه مرتبه بگوید

مگر بیاری خدای بلند قدر بزرگ مرتبه — خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را — طلب آمرزش میکنم خدا را و رجوع میکنم بسوی او

بگوید گناهانش را بیامرزد اگرچه بعدد قطرهای باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روایتی دیگر

حق تعالی او را ندا کند که راستی تو دوست منی و بهر حرفی ترا شفاعتی میدهیم در برادران و خواهران مؤمن تو

و حضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این العمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه با و عطا کند

هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت مردن و هفتصد حاجت او را در قبر و هفتصد

حاجت او را در وقت بیرون آوردن از قبر و مثل آنرا در وقت پرواز کردن نامه های اعمال و نزد سنجیدن

اعمال در میزان و نزد صراط بر آورده و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب کند او را

آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و با و عطا کند آنچه هیچ چشمی ندیده

و هیچ گوشی نشنیده باشد **فصل چهارم در بیان فضائل و اعمال شب و روز اول** ...

پانزدهم و شب اول ماه غسل سنتست و منقولست که هر که در شب اول ماه و شب نیمه و

شب آخر آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده ...

و در وقت دیدن ماه دعای صحیفه کامله را بخواند ... [illegible]

تا از درد چشم ایمن گردد و در ... این سنت منقول ... ماه رجب ... [illegible]

اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ رَبِّيْ وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ

خداوندا طالع گردان این ماه را بر ما با ایمنی از بلاها و ایمان و سلامتی و اسلام پروردگار من و پروردگار تو خداست که غالب و بزرگوار است

و در شب اول ماه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فضیلت بسیار دارد و در حدیث وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته و احیای شب اول رجب سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تا توانی احیا بکن چهار شب را شب اول ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان و در شب‌ها عبادت دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيْكٌ وَاَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بآنکه تو پادشاهی و بآنکه بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و آنکه بتحقیق تو

مَا تَشَاۤءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

آنچه خواهی از امری میشود خداوندا بدرستیکه من رو آوردم بسوی تو بوسیله پیغمبر تو محمد پیغمبر رحمت

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنِّيْ اَتَوَجَّهُ اِلَى اللّٰهِ رَبِّيْ وَرَبِّكَ

رحمتهای تو بر او و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا بدرستیکه من رو آورده‌ام بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو

لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِيْ اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتِيْ

تا برآورد بسبب تو حاجت مرا بار خدایا بحق پیغمبر خود محمد و بحرمت پیشوایان از خانواده او برآور حاجت مرا

پس حاجت خود را طلب نماید و بیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده‌اند که حضرت امام موسی علیه السلام در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ می‌شدند این دعا را در سجده میخواندند

لَكَ الْمَحْمَدَةُ اِنْ اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِيْ وَلَا لِغَيْرِيْ فِيْ

از برای تو است ستودن اگر فرمان‌برداری کنم ترا و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست کاری مرا و نه غیر مرا در نیکوئی

فصل پنجم در آداب جامه پوشیدن

الا بك يا كائنا قبل كل شيء ويا مكون كل شيء انك على كل شيء

مگر بتوفیق تو ای موجود پیش از هر چیز و ای پدید آورنده هر چیز بدرستیکه تو بر هر چیز

قدير اللهم اني اعوذ بك من العديلة عند الموت ومن شر المرجع في

توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از عدیله نزد مردن و از بدی بازگشت در

القبور ومن الندامة يوم الازفة فاسألك ان تصلي على محمد وآله

قبرها و از پشیمانی در روز رستخیز پس میخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او

وان تجعل عيشي عيشة نقية وميتتي ميتة سوية ومنقلبي منقلبا

و آنکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست هموار و بازگشت مرا بازگشت

كريما غير مخز ولا فاضح اللهم صل على محمد وآله الائمة ينابيع الحكمة

گرامی که نباشد خوار سازنده و نه رسوا نماینده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او پیشوایان چشمه های دانش

واولي النعمة ومعادن العصمة واعصمني بهم من كل سوء ولا تأخذني

و صاحبان نعمت و کانهای عصمت نگاهدار مرا بسبب ایشان از هر بدی و مگیر مرا

على غرة ولا على غفلة ولا تجعل عواقب اعمالي حسرة وارض عني فان

بر فریفتگی و نه بر غفلت و مگردان آخرهای کردارهای مرا افسوس خوشنود باش از من پس بدرستیکه

مغفرتك للظالمين وانا من الظالمين اللهم اغفر لي ما لا يضرك و

آمرزش تو برای ستمکاران است و من از ستمکارانم خداوندا بیامرز برای من گناهی را که ضرر نمیرساند ترا

اعطني ما لا ينقصك فانك الوسيع رحمته البديع حكمته واعطني

بده چیزی که کم نمیکند ترا زیرا که تو آنکسی که فراخ شونده است رحمت او بی نظیر است حکمت او و ببخش مرا

السعة والدعة والامن والصحة والبخوع والقنوع والشكر والمعافاة

فراخی و رفاهیت و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت و سپاس گذاری و عافیت

والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى اوليائك واليسر والشكر واعمم

و پرهیزکاری و شکیبائی و راستگوئی بر تو و بر دوستانت و توانگری و شکرگذاری و فرو گیر

بذلك يا رب اهلي وولدي واخواني فيك ومن احببت واحبني

این عطا ای پروردگار من اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا درراه تو و هر که دوست دارم و آنکه دوست مرا دارد

وولدت وولدني من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات يا رب العالمين

و آنرا که زائیده ام من و آنکه زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان گرونده و زنان گرونده ای پروردگار جهانیان

وایضاً باسند معتبر منقولست که مستحب است بعد از سلام تعقیب از نماز نافله چنانچه شب نشسته است این دعا را بخواند

الحمد لله الذي لا ينفد خزائنه ولا يخاف به ربنا ان ركبت المعاصي

سپاس خدا را که بپایان نمی رسد خزانه او و نمی ترسد امان یا ای پروردگار من اگر مرتکب شوم گناهان را

فذلك ثقة بكرمك انك تقبل التوبة عن عبادك وتعفو عن

پس آن بسبب اعتماد بکرم تست بدرستیکه تو می پذیری توبه را از بندگان خود و در میگذری از

سيئاتهم وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك ومنه قريب فانا

بدیهای ایشان و می آمرزی لغزش را پس بدرستیکه تو اجابت کننده مر خواننده خود را و از او نزدیکی پس

تائب اليك من الخطايا وراغب اليك في توفير حظي من العطايا

رجوع کننده ام بسوی تو از گناهان و رغبت نماینده ام بسوی تو در وافر گردانیدن بهره من از بخششها

يا خالق البرايا يا منقذي من كل شديدة يا مجيري من كل محذور

ای پدید آورنده خلایق ای رهاننده من از هر سختی ای پناه دهنده من از هر مخوف

وفر علي السرور واكفني شر عواقب الامور فانت الله على نعمائك

تمام گردان بر من شادی را و دفع کن از من بد انجام کارها را زیرا که بتحقیق توئی خدا بر نعمتهای خود

وجزيل عطائك مشكور ولكل خير مذخور

و عطای وافر خود شکر کرده شده و برای هر نیکی ذخیره کرده شده

وایضا از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که بعد از نماز وتر این دعا را نیز بخواند

يا نور النور يا مدبر الامور يا مجري البحور يا باعث من في القبور يا كهفي

ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزنده مردگان در قبرها ای پناه من

حين تعييني المذاهب وكنزي حين تعجزني المكاسب ومؤنسي حين

تخفق بي الاباعد وتملني الاقارب ومنزهي بمجالسة اوليائه ومرافقة

احبائه في رياضه وساقيّ من انهاره ... من نمير حياضه ...

مجاورته من ورطة الذنوب الى ربوة التقرب ومبدلي بولايته

عزة العطايا من ذلة الخطايا اسألك يا مولاي بالفجر والليالي العشر

والشفع والوتر والليل اذا يسر وبما جرى به قلم الاقلام بغير

كف ولا ابهام وباسمائك العظام وبحججك على جميع الانام

منك افضل السلام وبما استحفظتهم من اسمائك الكرام

ان تصلي عليهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من الشهور والايام

وان تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا وفي كل عام يا ذا الجلال

والاكرام والمنن الجسام وعلى محمد وآله منا افضل السلام

واعمال و ادعیه این شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز اول ماه رجب حضرت نوح ع بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند روزه بدارند و هر که آن روز را روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب از برای رغبت در ثواب خدا بهشت از برای او واجب شود و هر که یک روز از وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله عظیم اند از قبایل عرب و هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله او و جمیع همسایگان او و آشنایان او هر چند همه مستوجب جهنم بوده باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانی رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مومن و زن مومنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی که در خردی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی که تمام آن ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده حق تعالی او را از نماز گزارندگان بنویسد و بهر روز آن ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای آن بآسمان برند و بهر روزی که آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را از برای من آورد و گفت یا محمد این علامتست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا می آوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و
نيست معبودى بحق مگر خدا درحاليكه يكانه است نيست شريكى براى او مر او راست پادشاهى و مر او راست سپاس زنده مى سازد و مى ميراند
هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم لا مانع لما
او زنده است كه نمى ميرد بدست اوست نيكى او بر همه چيز تواناست بار خدايا نيست بازدارنده آنچه را
اعطيت ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك الجد
بخشش كنى و نه بخشنده آنچه كه باز دارى تو و سود نمى بخشد خداوند بخت را از تو بخت
پس دست ها را بر روى خود ميكشى و در روز وسط ماه يعنى روز پانزدهم ده ركعت بهمان نحو بجا
و بعد از سلام دست ها بسوى آسمان بر ميدارى و ميگوئى
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و
نيست معبودى بحق مگر خدا حال آنكه يكانه است نيست شريكى براى او و مر او راست پادشاهى و مر او راست سپاس
هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير الها
او زنده ايست كه نمى ميرد بدست اوست نيكى و او بر همه چيز تواناست
واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
كه بى مانند يكانه يكتا پناه محتاجان است كه فرا نگرفته هيچ زنى و نه فرزندى
پس دست ها را بر روى خود ميكشى و در روز آخر ماه ده ركعت بهمان نحو ميكنى و بعد از سلام
دست بر ميدارى و ميگوئى
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و
نيست معبودى بحق مگر خدا حال آنكه يكانه است نيست شريكى براى او و مر او راست پادشاهى و مر او راست سپاس زنده مى سازد و مى ميراند
هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير وصلى الله على
او زنده ايست كه نمى ميرد بدست اوست نيكى و او بر همه چيز تواناست و رحمت فرستد خدا
محمد وآله الطاهرين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
محمد و آل پاكان او و نيست باز گرديدن از گناه و نه توانائى بر طاعت مگر بتوفيق خداوند بلند قدر بزرگ

فصل ششم

پس دستهارا بر روی خود بمالد و حاجت خود را بطلب که البته برآورده است و حق تعالی
میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین آسمان و زمین بوده باشد
و بعدد هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو می نویسد و برات بیزاری از جهنم و گذشتن
بر صراط برای تو می نویسد و منقولست که هر که در روز جمعه اول ماه رجب صد مرتبه قل هو الله احد بخواند
حق تعالی در روز قیامت باو نوری عطا کند که بآن نور داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد
شده است که حضرت امام محمد باقر در روز جمعه اول ماه رجب متولد شده و موجب زیادت شرف این
روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز
دوم ماه رجب واقع شده و بروایت دیگر روز سوم ماه رجب واقع شده و بروایت ابراهیم بن
هاشم وفات آنحضرت در روز سوم واقع شده است و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در
روز پنجم این ماه واقع شده است و ولادت حضرت امام محمد تقی ع در دهم این ماه واقع شده است
و ببعضی از روایت در فضیلت خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث
معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی از امتهای
گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای
دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است
که مثل آنها بامتهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو
الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع
کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این
سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب
چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بخواند بعد از حمد این سه
سوره را و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از
حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود

بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روز ثواب عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل المینان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت با سعادت حضرت امیر المومنین ع در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود و از ده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول ص و علی بن ابراهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی نیز در روز دوم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقولست که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان عمل مومنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و بهر روز که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیره او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود و در وقتیکه از قبر بیرون می آید و نزد میزان و نزد صراط و جنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کنند در هفتاد نفر از اهلبیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی بنا کند برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هزار حوریه باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می آوری که بهر دو رکعتی بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه بخوانی پس چهار مرتبه میگوئی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس میگوئی

پاک است خدا و سپاس خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است

اَللهُ اَللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ

خدا خدا پروردگار من است شریک نمیکنم با او هیچ چیز را و آنچه میخواهد خدا و نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

[illegible]

و در شب و روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت موکده است و بسند صحیح از ابن ابی نصر روایتست

که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که زیارت امام حسین علیه السلام در کدام وقت بهترست فرمود

که در نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع درین روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود

و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته کرب و شدت او زایل

میگردد و این چهار رکعت را باید و سلام کند و هر سوره که میخواهد بخواند در آن

اَللّٰهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ اَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ

ای خدایا ای خوار سازنده هر گردنکشی و عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامیکه عاجز کند مرا راهها

وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ

و تو پدید آورنده خلقت مرا از راه مهربانی بمن حال آنکه بتحقیق بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودمی

مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى اَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ اِيَّايَ

از نابودگان و تو قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان من اگر نمی بود یاری دادن تو مرا

لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ

هر آینه می بودم از رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و آفریننده برکت

مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا

از جاهای آن ای آنکه مخصوص است به بلندی و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیز اند ای

مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان لباده خواری بر گردنهای خود پس ایشان از حملهای او ترسانند

اَسْاَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَاَسْاَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ

میخواهم از تو بکینونیت تو که بیرون آورده آنرا از بزرگواری خود و درمیخواهم از تو به بزرگواری تو

الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ

که بیرون آورده آنرا از عزت خود و درمیخواهم از تو بعزت تو که استیلا داری بآن بر عرش خود

[illegible]

[illegible]

فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِیعَ خَلْقِكَ فَهُوَ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ

پس آفریدی آن همه خلق را پس ایشان برای تو منقادند اگر رحمت بفرستی بر محمد و خوبان اهل بیت او پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید بدانکه عمدهٔ اعمال نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای برآمدن حاجات و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجرب است و مجمل روایتش آنست که فاطمه مادر داود بن الحسن پسرزادهٔ حسن مجتبی علیه السلام دایهٔ حضرت امام جعفر صادق بود و بشیر داود آنحضرت را شیر داده بود و چون محمد بن عبدالله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی لشکر فرستاد و او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان آنها بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من گذشت و از و خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و بزرگان و برادران مومن استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم او زنده در زیر عمارت گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیمتر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید شدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق را علتی عارض شده است بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم و خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود و بر آنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست و در عراق محبوس است من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شما است حضرت فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح دعای اجابت و نجاح آن دعائیست که درهای آسمان برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و این دعائیست که از حجب الهی محجوب نمیگردد و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند نظیر پیغمبر ... آن دعا حضرت فرمود که ای ام داود ... محترم ... رجب ... شده است و آن ماهیست مبارک که حرمت آن عظیم است و دعاها

در ان مستجاب است چون آن ماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آنرا که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن مگر به سیم بدست کسی افتد که از برای امر باطل و ناشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریف است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته حاجت او بر آورده میشود و اگر در یا آسمان و زمین بسته شود یا دریا یا حائل باشد میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا بر می آورد هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد باشد خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن پسر تو باشد خداوند قادر کفایت شر ایشان میکند و زبان ایشانرا می بندد و ایشانرا منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه برگشتم و چون ماه رجب شد آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کردم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عبّاد را که بر من و بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول مرا خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تواند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا باینکه حاجت تو بر آورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای خیر دهد شاد باش که حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند و بتو بر میگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن باندک زمانی که سوار تند رو از عراق بمدینه آید داود به نزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر بود و جامه های بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسالت پناه جد من است

... نعلین ... احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبره وارد شده است که نعلین سیاه پوشیدن چشم را ضعیف میکند ...

خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که حق تعالی دعاهای در ترا در حق تو مستجاب گردانید چون بیدار شدم رسولان منصور دو از نقبی به زندان رسیده بطلب من آمدند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را نجدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا درین آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتشی در زیر پای خود دید از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرائط بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ

ای روا کننده حاجتهای درخواست کنندگان

پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب و شرائط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله بعد از حمد سه مرتبه سوره قل هو الله احد و یک مرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آورد ... [illegible] رو بقبله بنشیند آنگاه بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس بعد از آن سوره های ... بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف ... و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

و تبارک الذی بیده الملک و نون و القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن اگر نتوانی این سوره‌ها

را از مصحف درست بخوانی بعوض هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته

است که اگر نتوانی این سوره‌های مخصوص بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی هزار

مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید

پاک است خدا و سپاس خدا را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است

اللهم صل علی محمد و آل محمد

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و خاندان محمد

و اگر آیة الکرسی [illegible] خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد

[illegible] است که تا هم فیها خالدون بخواند و دعا اینست

[illegible] صدق الله العلی العظیم الذی لا اله الا هو الحی

[illegible] مهربان راست گفت خدای بزرگ که نیست سزاوار پرستش مگر او زنده

[illegible] ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی

[illegible] گواری و گرامی داشتن بخشاینده مهربان بردبار بزرگوار که

[illegible] شیء و هو السمیع البصیر العلیم الخبیر شهد الله انه لا اله

[illegible] او چیزی و او ست شنوا بینا دانا آگاه گواهی داد خدا اینکه نیست معبود بحق

[illegible] الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم

[illegible] گواهی داده اند فرشتگان و صاحبان دانش حال آنکه خدا ایستاده است بعدل نیست سزاوار پرستش مگر او غالب درستکردار

ان الدین عند الله الاسلام و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین

بدرستیکه دین پسندیده نزد خدا اسلام است و رسانیدند آنرا فرستادگان بزرگوار او و من از جمله گواهانم

اللهم لک الحمد و لک المجد و لک العز و لک الفخر و لک القهر و لک النعمة

[illegible]

خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که حق تعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب گردانید چون بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی بدر زندان رسیده بطلب من آمده بودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که باو فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتشی در زیر پای خود دید از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامههای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرائط بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

يا قاضي حوائج الطالبين

ای روا کننده حاجتهای درخواهندگان

پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب و شرائط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه سوره قل هو الله احد و یک مرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سوره ها را یک مرتبه بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

تبارک الذی بیده الملک و نون والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سوره ها

را از روی مصحف درست بخوانی بعوض هر سوره هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته

است که اگر ندانی یا نتوانی این سوره های مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار

مرتبه سوره قل هو الله احد را بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پس از حمد صد مرتبه بگوید

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید

پاک است خدا و سپاس خدا را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است

اللهم صل علی محمد و آل محمد

خدایا رحمت کن بر محمد و خاندان محمد

و اگر آیة الکرسی ... ده مرتبه ... خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد

... آیة الکرسی ... تا هم فیها خالدون بخواند و دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله العلی العظیم الذی لا اله الا هو الحی

بنام خدای بخشاینده مهربان راست گفت خدای بزرگ که نیست سزاوار پرستش مگر او زنده

القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی

پاینده صاحب بزرگواری و گرامی داشتن بخشاینده مهربان بردبار بزرگوار که

لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر العلیم الخبیر شهد الله انه لا اله

نیست مانند او چیزی و اوست شنوا بینا دانا آگاه گواهی داد خدا اینکه نیست معبود بحق

الا هو والملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم

مگر او گواهی داده اند فرشتگان و صاحبان دانش که خدا برپا است بعدل نیست سزاوار پرستش مگر او غالب درست کردار

ان الدین عند الله الاسلام و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین

بدرستیکه دین پسندیده نزد خدا اسلام است و رسانیده اند فرستادگان بزرگواران او و من بر این از جمله گواهانم

اللهم لک الحمد و لک المجد و لک العز و لک الفخر و لک القهر و لک النعمة

بار خدایا ترا است ستایش و ترا است بزرگواری و ترا است عزت و ترا است نازش و ترا است غلبه و ترا است نعمت

وَلَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ

و مر تراست بزرگی و مر تراست مهربانی و مر تراست ترسانیدن و مر تراست پادشاهی و مر تراست نیکویی

وَلَكَ الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ

و مر تراست منت نهادن و مر تراست تسبیح و مر تراست تنزیه و مر تراست تهلیل و مر تراست

التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا لَا يُرَى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلَى

تکبیر و مر تراست آنچه دیده میشود و مر تراست آنچه دیده نمیشود و مر تراست آنچه بر آسمانهای بلند است

وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَلَكَ الْاَرَضُونَ السُّفْلَى وَلَكَ الْآخِرَةُ وَالْاُولَى وَلَكَ

و مر تراست آنچه زیر خاک است و مر تراست همه زمینهای پست و مر تراست آنجهان و این جهان و مر تراست

مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

آنچه دوست داری و پسندی آنرا از ستودن و ستایش و سپاس گزاری و نعمت خداوندا رحمت بفرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى جَبْرَئِيلَ

بنده تو و فرستاده تو و امانت دار تو و دوست تو و بر آل محمد خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل

اَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ عَلَى اَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ

که امانت دار است بر پیغام تو و توانا است بر فرمان تو و اطاعت کرده شده بر آسمانهای تو و جاهای

كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَنْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

نوازشهای تو بردارنده کلمات تو یاری دهنده پیغمبران تو هلاک سازنده دشمنان تو خداوندا رحمت بفرست

عَلَى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِاَهْلِ

بر میکائیل فرشته رحمت تو و آفریده شده برای مهربانی تو و آمرزش خواهنده و یاری دهنده مر اهل

طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِكَ وَالْوَجِلِ

طاعت ترا خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و خداوند صور انتظار دارنده فرمان ترا و ترسنده

الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَزْرَائِيلَ قَابِضِ اَرْوَاحِ جَمِيعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

هیبناک از ترس تو خداوندا رحمت بفرست بر عزرائیل گیرنده جانهای همه خلق تو خداوندا

صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى مَلَائِكَةِ الذِّكْرِ أَهْلِ التَّأْمِينِ عَلَى دُعَاءِ
بر حاملان عرش که پاکانند و بر فرشتگان ذکر که گویندگان آمین اند بر دعای
الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ
گروندگان و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکان و بر فرشتگان تو که بزرگواران
الْكَاتِبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْجِنَانِ وَخَزَنَةِ النِّيرَانِ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ
نویسندگان اند و بر فرشتگان بهشتها و خازنان دوزخ و ملک الموت و مددکاران او
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَبِينَا آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ الَّذِي
ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن خداوندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پدید آمده آفرینش تو که
كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَأَبَحْتَهُ جَنَّتَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمِّنَا حَوَّاءَ
گرامی داشتی او را بسجده فرشتگان خود و حلال کردی برای او بهشت خود را خداوندا رحمت بفرست بر مادر ما
الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجْسِ الْمُصَفَّاةِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ
پاک کرده شده از هر پلیدی پاکیزه شده از هر چرکی برگزیده شده از آدمیان و آمد شد کننده
بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَشَيْثٍ وَإِدْرِيسَ وَنُوحٍ وَهُودٍ
میان جاهای پاک خداوندا رحمت بفرست بر هابیل پیغمبر و شیث پیغمبر و ادریس پیغمبر و نوح پیغمبر و هود پیغمبر
وَصَالِحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطِ
و صالح پیغمبر و ابراهیم پیغمبر و اسماعیل پیغمبر و اسحق پیغمبر و یعقوب پیغمبر و یوسف پیغمبر و فرزندان یعقوب پیغمبر
وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ وَأَيُّوبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَيُوشَعَ وَمِيشَا وَالْخِضْرِ وَذِي الْقَرْنَيْنِ
و لوط پیغمبر و شعیب پیغمبر و ایوب پیغمبر و موسی پیغمبر و هارون پیغمبر و یوشع پیغمبر و میشا و خضر پیغمبر و ذی القرنین پیغمبر
وَيُونُسَ وَإِلْيَاسَ وَالْيَسَعَ وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَزَكَرِيَّا
و یونس پیغمبر و الیاس پیغمبر و الیسع پیغمبر و ذی الکفل پیغمبر و طالوت پادشاه و داود پیغمبر و سلیمان پیغمبر و زکریا پیغمبر
وَشَعْيَا وَيَحْيَى وَتُورَخَ وَمَتَّى وَإِرْمِيَا وَحَيْقُوقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسَى
و شعیا پیغمبر و یحیی پیغمبر و تورخ پدر ابراهیم که آسمان بود و متی پدر یونس و ارمیا پیغمبر و حیقوق پیغمبر و دانیال پیغمبر و عزیر پیغمبر و عیسی

وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان

وشمعون پیغمبر وجرجیس پیغمبر واصحاب حضرت عیسی واتباع او وخالد پیغمبر وحنظله پیغمبر ولقمان حکیم

اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد ومهربانی کن محمد وآل محمد را وبرکت ده بر محمد

وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك

وآل محمد چنانچه رحمت فرستادی تو ومهربانی نمودی تو وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو

حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة

ستوده بزرگواری بارخدایا رحمت بفرست بر وصیهای پیغمبران ونیکبختان وشهیدان وپیشوایان

الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين

هدایت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال واوتاد وروزه داران وعبادت کنندگان ودوستان خالص

والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل

وزاهدان واهل سعی وکوشش وخاص گردان محمد وخاندان او را به بهترین

صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما

رحمتهای خود وافزونترین نوازشهای خود وبرسان روح او وتن او را از من درود وسلامی

وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف

وافزون کن او را بزرگی وبلندی وبخشش تا آنکه برسانی او را به بلندترین درجه‌های اهل شرف

من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم صل على من سميت

از پیغمبران وفرستادگان وصاحبان فضل که مقربند بارخدایا رحمت بفرست بر آنکه نام بردم

ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك

وآنکه نام نبردم از فرشتگان وپیغمبران تو وفرستادگان تو وفرمانبرداران تو

واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على [illegible]

[illegible]

اللهم إني أستشفع بك إليك وبكرمك إلى كرمك وبجودك إلى جودك

بار خدایا بدرستیکه من شفاعت میخواهم بتو بسوی تو و به بزرگواری تو بسوی بزرگواری تو و به بخشش تو بسوی بخشش تو

وبرحمتك إلى رحمتك وبأهل طاعتك إليك وأسألك اللهم بكل

و برحمت تو بسوی رحمت تو و باهل طاعت تو بسوی تو و میخواهم از تو خداوندا بهرچه

ما سألك به أحد منهم من مسألة شريفة غير مردودة وبما دعوك

درخواسته از تو بآن یکی از ایشان از سوال بزرگ که نباشد برگردانیده شده و بآنچه خواندند ترا

به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم

بآن از دعای پذیرفته که نگردیده بی بهره از قبول ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار

يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير

ای بزرگ ای بزرگوار ای بسیار دهنده ای نیکو ای ضامن ای نیکو دارنده ای درگذرنده ای پناه دهنده

يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير

ای آگاه ای روشن سازنده ای هلاک کننده ای ارجمند ای دولت دهنده ای قوت بخش ای بزرگوار ای توانا

يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن

ای بینا ای بغایت جزا دهنده ای آمرزگار ای بسیار خیر ای بسیار پاکیزه ای پاک ای خداوند قهر و غلبه ای هویدا ای پنهان

يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد

ای پوشنده ای فراگیرنده ای توانا ای نگاه دارنده ای بغایت بزرگوار ای نزدیک ای دوست دارنده ای ستوده

يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل

ای بزرگوار ای پدید آورنده نخست ای آفریننده دیگر بار ای دانا ای احسان کننده ای نیکوکار ای نعمت بخش ای بخشنده

يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع

ای گیرنده ای گشاینده ای راه نماینده ای فرستنده ای راه نماینده ای راست کننده ای دهنده ای منع کننده

يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح

ای دفع کننده ای بلند کننده ای پاینده ای نگاه دارنده ای بسیار آفریننده ای بسیار بخشنده ای توبه پذیرنده ای گشاینده ای بسیار بخشاینده ای راحت دهنده

فصل سوم در فضیلت عقیق

منقول است از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که فرمودند حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر عقیق در دست کنید

يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي

ای آنکه بدست اوست هر کلیدی ای سود بخش ای مهربان ای بسیار مهربان ای بسنده ای شفا دهنده ای عافیت دهنده

يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا

ای جزا دهنده ای وفا کننده ای نگاه دهنده ای ارجمند ای کار فرما ای قهر کننده ای بزرگوار ای سالم از نقص ای امان دهنده ای

احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس

یگانه ای بی نیاز ای روشن ای تدبیر کننده ای یکتا ای بی همتا ای بسیار منزه ای یاور ای غمگسار

يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم

ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای پدید آورنده ای بلند مرتبه ای نگارنده ای سلامتی بخش

يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار

ای دوستی کننده ای پاینده ای موجود ای دانا ای استوار ای بخشنده ای آفریدگار ای نیکوکار ای شادی بخش

يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بصير

ای داد خواه ای خداوند فضل ای بسیار غالب ای بسیار مهربان ای بیشمار بخشنده ای شنوا ای بینا

يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا كريم يا مسهل

ای نو پدید آورنده ای پناه دهنده ای مدد کننده ای انگیزنده ای بخشنده ای پیشینه ای بزرگوار ای آسان سازنده

يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث

ای آسان کننده ای میراننده ای زنده نماینده ای سود بخش ای روزی دهنده ای اندازه کننده ای سبب سازنده ای فریاد رس

يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد

ای بی نیاز کننده ای ذخیره بخش ای آفریدگار ای نگهبان ای یکتا ای دانا ای شکسته بند ای نگاهدارنده ای توانا

يا غياث يا عائد يا قابض يا منيب يا مبين يا طاهر يا مجيب يا متفضل

ای فریاد رس ای نفع بخش ای گیرنده ای پذیرنده توبه ای جدا کننده حق از باطل ای پاک ای اجابت کننده ای بخشنده

يا مستجيب يا عادل يا بصير يا مؤمل يا مسدي يا تواب يا وفي

ای پذیرنده ای دادخواه ای بینا ای امید دهنده ای نیکی کننده ای بخشنده ای پذیرنده توبه

حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ... عقیق ... دفع بلاها ... سلامتی ...

يا راشد يا مالك يا رب يا مذلّ يا معزّ يا ماجد يا رازق يا ولى يا فاضل

اى خداوند رشد اى پادشاه اى پروردگار اى خوار سازنده اى عزيز دارنده اى بزرگوار اى روزى دهنده اى ولى اى خداوند فضل

يا سبحان يا باسط يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب

اى پاك اى گستراننده اى آنكه بلند گرديد پس بلندى رسيد پس شد در ديدگاه برتر اى آنكه نزديك شد

فدنى وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير

پس نزديك گشت و دور گشت پس دور گشت و دانست نهان و نهانتر را اى آنكه بسوى اوست تدبير و اندازه

يا من العسير عليه سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل

اى آنكه دشوار بر او سهل و آسان است اى آنكه او بر آنچه خواهد تواناست اى فرستنده

الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح

بادها اى شكافنده صبح اى برانگيزنده روحها اى خداوند بخشش و نوازش

يا رادّ ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء

اى بر گرداننده آنچه بتحقيق فوت شده اى زنده سازنده مردگان اى فراهم آورنده پراكنده ها اى روزى دهنده كسى كه خواهد

بغير حساب يا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام

بى شمار اى كننده آنچه خواهد هر قسم كه خواهد اى خداوند بزرگوارى و گرامى داشتن

يا حىّ يا قيوم يا حىّ حين لا حىّ يا حىّ يا محيى الموتى يا حىّ لا اله الا

اى زنده اى پاينده اى زنده هنگاميكه نيست زنده اى زنده كننده مردگان اى زنده نيست سزاوار پرستش مگر

انت بديع السموات والارض يا الهى وسيدى صل على محمد وآل محمد

تو اى پديد آورنده آسمانها و زمين اى معبود من و سردار من رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت

و رحم كن محمد و آل محمد را و بركت ده بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادى و افزودى

وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد

و رحم نمودى بر ابراهيم و آل ابراهيم بدرستيكه تو ستوده بزرگوارى

وارحم ذلي وفقري وفاقتي وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين

ورحم کن خواری مرا وتنگدستی مرا واحتیاج مرا وتنهائی مرا وبیکسی مرا وفروتنی مرا پیش

يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع

تو وتکیه مرا برتو وزاری مرا بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده

الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير

خوار زاری نماینده ترسان بیمناک سخت محتاج ذلیل خوار گرسنه محتاج

العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء

پناه گیرنده زنهار جوینده اعتراف کننده بگناه خود طلب آمرزش نماینده از گناه فروتنی کننده پروردگار

من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء حرق

کسی که واگذاشته او را اعتماد او وترک نموده باشد او را دوستان او و بزرگ باشد مصیبت او وهمچو دعای سوخته

حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم واسألك

غمگین ناتوان خوار بسیار حاجتمند فروتنی کننده بتو پناه جوینده بار خدایا و میخواهم از تو

بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير

بسبب آنکه تو مالکی وبدرستیکه تو آنچه میخواهی از امری میشود وبدرستیکه تو برآنچه میخواهی توانائی

واسألك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام

ومیخواهم از تو بحرمت این ماه محرم وخانه محترم وبلده محترم

والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه وآله

وبحرمت رکن کعبه ومقام ابراهیم وعبادتگاههای بزرگ وبحق پیغمبر تو محمد بر او وآل او

السلام يا من وهب لآدم شيئا ولابراهيم اسماعيل واسحاق ويا

سلام ای آنکه بخشید مر آدم را شیث و ابراهیم را اسمعیل واسحاق وای

من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد

آنکه برگردانید یوسف را بر یعقوب وای آنکه زایل کرد پس از امتحان سختی ایوب ای باز گرداننده

موسى على امه ويا رائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان

موسی بر مادرش و ای یاری دهنده خضر در علم او و ای که بخشید مر داود را سلیمان

ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد ام

و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر شعیب ای کفیل پسر مادر

موسى اسالك ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها

موسی میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من گناهانم را همه

وتعطيني سؤلي كله وتجيرني من عذابك وتوجب لي

و بدهی مرا حاجت مرا و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم گردانی برای من

رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسالك

خشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشت های خود را و میخواهم از تو

ان تفك عني كل حلقة ضيق بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كل

اینکه بگشائی از من هر دائره تنگی که میان کسی است که ایذا میرساند مرا و بگشائی برای من

باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير وتخرس عني

هر دری را و نرم کنی برای من هر سختی را و آسان گردانی برای من هر دشواری را و گنگ سازی از ذکر من

كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت لي كل عدو لي

هر گوینده بدی را و باز داری از من هر تجاوز کننده را و خوار سازی برای من هر دشمنی را مرا

وحاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين

و حاسدی او باز داری از من هر ستمکاری را و دفع کنی از من هر مانعی که حائل شود میان من و میان

ولدي ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك

فرزندم و جهد کند به اینکه جدائی اندازد میان من و میان طاعت تو و اینکه باز دارد مرا از عبادت تو

يا من الجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين واذل رقاب

ای آنکه لجام کرد دیوان سرکشان و مغلوب کرد شیاطین نافرمان را و خوار کرد گردن

فصل چهارم در فضیلت یاقوت

الْمُتَجَبِّرِينَ وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

متکبران را و بازگردانید مکر دست یافتگان را از ناتوانان سیخواهم از تو بتوانائی تو

عَلَىٰ مَا تَشَاءُ وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ

برانچه می خواهی و آسان کردن تو مر انچه را اراده نمائی بهر روشی که اراده کنی اینکه بگردانی بر آوردن حاجت مرا در انچه میخواهی

پس بسجده برو و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي

خداوندا مر ترا سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و کوشش مرا

وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ

و زاری مرا و بی چیزی مرا و احتیاج مرا بسوی تو ای پروردگار من

پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد که آن علامت استجابت دعاست و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده

این دعا را بخوان

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ

خداوندا برای تو سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا در پیش تو

وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ وَارْحَمِ انْفِرَادِي وَخُشُوعِي وَاجْتِهَادِي

و درویشی مرا و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و فروتنی مرا و کوشش مرا

بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ

پیش تو و اعتماد مرا بر تو خداوندا بتو طلب فتح و گشایش میکنم

أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ

و بتو رستگاری میجویم و بوسیله محمد بنده تو و فرستاده تو و بوسیله آل او روی می آورم بسوی تو خداوندا

سَهِّلْ لِي كُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ

هموار کن برای من هر ناهمواری را و آسان کن برای من هر دشواری و ببخش مرا از نیکی

اَكْثَرُ مِمَّا اَرْجُو وَعَافِنِي مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ

بیشتر از آنچه امیدوارم وسالم دار مرا از هر گزندی و بگردان از من هر بدی را

و بروایت دیگر صد مرتبه در سجده بگو

يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ اقْضِ حَاجَتِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ يَا لَطِيفُ

ای بر آورنده حاجتهای سؤال کنندگان بر آور حاجت مرا بمهربانی خود ای آنکه پنهانست الطاف او و در روایت معتبره وارد شده است که مادر داود بخدمت حضرت عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را می آمرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنرا روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش بر آورده میشود و در روایت دیگر وارد شده که حضرت فرمود که در روز عرفه و هر روز که این دعا بخواند حاجتش بر آورده میشود مولف گوید که ازین احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آنرا یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فائز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سائر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرام که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا را نبیند از و بهتر باشد فصل پنجم در بیان فضائل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در بیست و هفتم این ماه ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که درین مصیبت شماتت کردند نیز مناسب است خصوصا عائشه علیها اللعنة و ابن عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگر چه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه رسالت پناه که عمده آنها عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب است و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسب است

بنحویکه مذکور خواهد شد و شیخ مفید رحمه الله گفته است که در روز بیست و دوم این ماه معویه علیه اللعن
بجهنم واصل شده است مستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سوم
این ماه خارجیان بخنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند زیارت
آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسبت و در روز بیست و چهارم این ماه فتح
خیبر بر دست معجز نمای اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب علیه الصلوة و السلام جاری شد و مرحب
یهودی بدست آنحضرت کشته شد گفته اند روزه آن روز بشکرانه این نعمت و زیارت آنحضرت
مستحب است و شیخ علیه الرحمه ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه در روز بیست و پنجم این ماه واقع شد اما احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب
روزه اش وارد شده است و روایتی نقل کرده اند ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در روز بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار
است که بعد از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که روزه اش کفاره دویست سال گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت
امام رضا مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره
هفتاد سال گناه گرداند و ایضاً از آنحضرت علیه السلام مرویست که هر که روز بیست و ششم ماه
رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست و هفتم
این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز برسالت
برحق مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست
بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای
مردم از آنچه آفتاب بر آن می تابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح این شب حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث شد و کسیکه عبادت کند این شب را اجر
شصت سال عبادت خدا باو عطا میفرماید پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون
نماز خفتن کردی بخواب و هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب خواه بعد از آن

برخیزو دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره

از سوره های کوچک بعد از آن یس را بخوان و چون از همه فارغ شوی چنانچه نشسته سوره

حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون

و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان

الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و لم یکن له شریک فی

سپاس خدایرا که فرا نگرفته زنی و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در

الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسألک

پادشاهی و نیست از برای او یاوری از مذلت و بعظمت یاد کن خدا را یاد کردنی بعظمت خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک

بجاهای انعقاد عزت تو بر اطراف عرش تو و بحق نهایت رحمتی که مستفاد میشود از کتاب تو

و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی

و بحرمت نام تو آن نامیکه بزرگترست بزرگتر بزرگتر و بحرمت ذکر تو که بلندترست بلندتر بلندتر

و بکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد و آل محمد

و بحرمت کلمهای تو که تمام و کامل اند همه آن کلمها آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

و ان تفعل بی ما انت اهله

و آنکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی

پس هر حاجت که خواهی بطلب که البته هر چه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی

یا هلاک جمعی از مومنان را طلب کنی و روز شنبه را روزه بدار که از برای تو حساب میشود دو روزه

یکسال و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که در شب بیست و هفتم

رجب هر وقت که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه سوره

قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت

فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا

نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگ تر است و سپاس خدا را و پاک است خدا و نیست باز گردیدن از گناهان

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ

توانائی بر طاعت مگر بتوفیق خدای برتر بزرگ

پس هر حاجت که خواهی بطلب مولف گوید که بهر یک ازین دو روایت که عمل کند خوب است و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب که بسند صحیح مذکور شد درین شب بجا آورد خوبست و دران روایت وارد شده است که درین شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که غسل درین شب مستحب است و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام علی آلهما الطاهرین درین شب مناسب است و این دعا نیز وارد شده که درین شب بخوانند

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِالتَّجَلِّی الْاَعْظَمِ فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ

بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بحق آن عطیه بزرگتر که عطا شده درین شب ازین ماه بزرگ کرده شده

وَالْمُرْسَلِ الْمُکَرَّمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا اَنْتَ بِهٖ

و بحرمت آن فرستاده گرامی نموده شده اینکه رحمت بفرستی بمحمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناهی که تو بآن

مِنَّا اَعْلَمُ یَا مَنْ یَعْلَمُ وَلَا یَعْلَمُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِیْ لَیْلَتِنَا هٰذِهِ الَّتِیْ

داناتری از ما ای آنکه میداند هر چیز را و آموخته نمیشود بار خدایا برکت ده ما را در شب این شب که

بِشَرَفِ الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا وَبِکَرَامَتِكَ اَجْلَلْتَهَا وَبِالْمَحَلِّ الشَّرِیْفِ اَحْلَلْتَهَا

بشرافت فرستادن پیغمبر زیادتی دادۀ آنرا و بکرامت خود بزرگ گردانیدۀ آنرا و بجایگاه بلند فرود آوردۀ آنرا

اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَسْأَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِیْفِ وَالسَّیِّدِ اللَّطِیْفِ وَالْعُنْصُرِ

بار خدایا پس بتحقیق که ما میخواهیم از تو بحرمت آن بعثت شریف و بوسیله مرد با لطف و بوسیله اصل

الْعَفِیْفِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنَا فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ

پرهیزکار اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی کردارهای ما را درین شب

وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً

و در باقی شبها پذیرفته وگناهان ما را آمرزیده ونیکیهای ما را جزا داده شده

وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً وَأَرْزَاقَنَا مِنْ

و بدیهای ما را پوشیده ودلهای ما را به نیکو گفتار شادمان و روزیهای ما را از

لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ

نزد خود باسانی روان گردیده خداوندا بدرستیکه تو می بینی و دیده نشوی و تو در دیدگاه

الْأَعْلَى وَإِنَّ إِلَيْكَ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى وَإِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا وَإِنَّ لَكَ

بلندتری و بتحقیق که بسوی تست بازگشت ومنتهی و بدرستیکه برای تست مردن و زنده شدن و بتحقیق برای تست

الْآخِرَةَ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ

آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه ما پناه میگیریم بتو از اینکه ذلیل گردیم و خوار شویم و اینکه بکنیم آنچه از آن

تَنْهَى اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِذْنَا

منع نموده بار خدایا بدرستیکه ما سوال میکنیم از تو بهشت را بوسیله رحمت تو و پناه میجوئیم بتو از دوزخ پس پناه ده

مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ وَنَسْأَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ

ما را از آن بتوانائی خود و سوال میکنیم از سیاه دیدگان فراخ چشم پس روزی کن ما را بعزت خود و گردان

أَوْسَعَ أَرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنَا وَأَحْسَنَ أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ

فراخ‌ترین روزیهای ما را نزد زیادتی عمر ما و نیکوترین کردارهای ما را هنگام نزدیک شدن

آجَالِنَا وَأَطِلْ فِي طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ إِلَيْكَ وَيُحْظِي عِنْدَكَ

اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود وآنچه نزدیک گرداند بسوی تو وبهره مند سازد نزد تو

وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ أَعْمَارَنَا وَأَحْسِنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا

و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو گردان در همه حالات وکارهای ما

مَعْرِفَتَنَا وَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنَا وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا

شناخت ما را و وامگذار ما را بسوی هیچیک از آفریدگان خود پس منت نهد بر ما و احسان کن بما

بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا

بهمه حاجتهای ما که بجهت دنیا و عقبی است و ابتدا کن به پدران ما و پسران ما و همه برادران

المؤمنين في جميع ما سألناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا

که گرویدگان اند در تمام آنچه خواستیم ما از تو بجهت نفسهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه ما

نسألك باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل

سوال میکنیم از تو بحرمت نام بزرگ تو و پادشاهی دیرینهٔ تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر الذنب العظيم

محمد و آنکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را

الا العظيم اللهم وهذا رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر

مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب گرامی داشته شده که گرامی داشتی ما را بآن اول ماههای

الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم

حرامست که گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها پس مر تراست سپاس ای خداوند بخشش و بزرگواری

فاسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم

پس سوال میکنیم ترا بحرمت نام تو که بزرگترست بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر

الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي

که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایهٔ تو پس بیرون نرود از نزد تو بسوی غیر تو آنکه رحمت فرستی

على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين

بر محمد و خاندان محمد که پاکانند و آنکه بگردانی ما را از عمل کنندگان

فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم اهدنا الى سواء

در این ماه بطاعت تو و آرزومندان در این ماه بشفاعت تو بار خدایا هدایت کن ما را براه

السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل وملك

راه و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی در سایهٔ عظیم و غرت

جَزِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اللّٰهُمَّ اقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ

بسیار پس بدرستیکه تو کافی مارا و نیکو کار گذاری خداوندا بگردان مارا رستگاران فیروزی یافتگان

غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا وَلَا الضَّالِّينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ

نه غضب کرده شده برما و نه گمراهان برحمت خودای بخشنده ترین بخشایندگان خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بوسیله مغفرت ثابت تو و برحمت واجب تو سلامتی از

كُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ

هر گناهی و غنیمت از هر نیکی و رستگاری به بهشت و خلاصی از

النَّارِ اللّٰهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ

دوزخ خداوندا خواندند ترا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواستند از تو درخواهندگان

وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ

و درخواستم از تو و رغبت نمودند بسوی تو رغبت کنندگان رغبت نمودم بسوی تو خداوندا توئی

الثِّقَةُ وَالرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعَاءِ اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى

اعتماد و امید و بسوی تست منتهای رغبت و دعا بارخدایا پس رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي

محمد و آل او و بگردان یقین را در دل من و روشنائی را در دیده من و پند را در

صَدْرِي وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ

سینه من و ذکر خود را در شب و روز بر زبان من و روزی فراخی که نباشد

مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ

مقطوع و نه حرام پس روزی کن مرا و برکت ده برای من در آنچه روزی کرده مرا و بگردان

غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بی نیازی مرا در نفس من و رغبت مرا در آنچه نزد تست برحمت تو ای بخشنده ترین بخشایندگان

پس بسجده برو و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ وَ
سپاس مر خدا را که رسانیده ما را بشناخت خود و مخصوص کرد ما را بدوستی خود
وَفَّقَنَا لِطَاعَتِهِ پس بگو شُكْراً شُكْراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اَللّٰهُمَّ
توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنم ستایش میکنم خداوندا
إِنِّي قَصَدْتُكَ بِحَاجَتِي وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْأَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بلطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی
بِأَئِمَّتِي وَسَادَتِي اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنَا
تو بوسیله پیشوایان خود و بزرگان خود بار خدایا سود مند گردان ما را بمحبت ایشان فرود آور ما را در جایگاه ایشان و روزی کن
مُرَافَقَتَهُمْ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
رفاقت ایشان را و داخل گردان ما را ببهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشنده

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از
حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال
و ایضاً منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی
هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر همه روزیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردید
است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما درین روز منقولست و
این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که کنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که
چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت
را بحمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هریک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار

مرتبه بگویند

لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله

نیست معبودی بحق بجز خدا و خدا بزرگتر است و پاکست خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و توانائی بر طاعت مگر بیاری خدای

العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا

بلند قدر بزرگ مرتبه خدا خدا پروردگار من است انباز نمیگردانم با او چیزی شریک نمیگردانم با پروردگار خود احدی

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که در روز جمعه دوازده رکعت نماز بجا آورند

و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی این دعا میخوانی

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی

سپاس مر خدای را که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی در پادشاهی و نیست او را یاری

من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی

از مذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی

در سختی من ای یاور من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای فیروزبخش من در حاجت من

یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت

ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای پاسدارنده من در تنهائی من ای انیس من در حال رمیدن من تو

الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد

پوشاننده عورت مرا پس مر تراست سپاس و توئی درگذرنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

و انت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد و استر

و توئی برانگیزنده افتادگی مرا پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عورتی و آمن روعتی و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز

عورت مرا و ایمنی بخش خوف مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

پس بسجده برو و بگو الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصنا بولایته و
سپاس مر خدا را که رسانیده ما را بشناخت خود و مخصوص کرد ما را بدوستی خود

وفقنا لطاعته پس بگو شکرا شکرا صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللهم
توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنیم ستایش — خداوندا

انی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسألتی وتوجهت الیک
بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بلطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی

بائمتی وسادتی اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا
تو بوسیله پیشوایان خود و بزرگان خود بار خدایا سود مند گردان ما را بمحبت ایشان فرود آور ما را در جایگاه ایشان و روزی کن ما را

مرافقتهم وادخلنا الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین
رفاقت ایشان را و داخل گردان ما را ببهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشنده

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از
حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال
و ایضا منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی
هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر همه روزیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردید
است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما درین روز منقولست و نماز
این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که
چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک ازین دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
را بحمد و هر سوره که خواهند بخوانند چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار
مرتبه بگویند

لا اله الا الله والله اکبر و سبحان الله والحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله

نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و نه قوت بر طاعت مگر بخدای

العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا

بلند قدر بزرگ مرتبه   خدا خدا پروردگار من است انباز نمیگردانم با او چیزی   شریک نمیگردانم با پروردگار خود احدی

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقول است که در روز دوازده رکعت نماز بجای آوری

و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی این دعا بخوانی

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی

سپاس مر خدایرا که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی در پادشاهی و نیست او را یاوری

من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی

از مذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی

در سختی من ای یار من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای فیروزبخش من در حاجت من

یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت

ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای پاسدارنده من در تنهائی من ای انیس من در حال ترسیدن من تو

الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد

پوشاننده عورت مرا پس مر تراست سپاس تو فرو گذرنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

و انت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد واستر

و تو بر پای دارنده افتادگی مرا پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عورتی و آمن روعتی و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز

عورت مرا و ایمن بخش خوف مرا و در گذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

عن سیئاتهم فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

از بدیهای من در حالتی که بوده باشم در زمره یاران بهشت وعده کن وا را وعده راستی که آن اصحاب وعده داده میشوند

و چون از دعا و نماز فارغ شوی سوره حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوانی پس هفت مرتبه بگوید

لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول

نیست معبودی بحق بجز خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس مر خدا را و نیست حرکتی

ولا قوة الا بالله پس هفت مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا

و نه توانائی مگر بخواست خدا خدا خدا پروردگار منست و انباز نمیکنم با او هیچ چیزی را

پس آنچه خواهی از خدا طلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست

که سنت است این دعا را در روز بعث بخواند

یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن نفسه العفو والتجاوز یا من

ای آنکه فرمان داد بعفو و درگذشتن و ضامن کرد خود را بر عفو و درگذشتن ای آنکه

عفا وتجاوز اعف عنی وتجاوز یا کریم اللهم وقد اکدی

عفو نموده و درگذشته عفو کن از من و درگذر ای بزرگوار بارخدایا بتحقیق مشکل گردید

الطلب واعیت الحیلة والمذهب ودرست الآمال وانقطع الرجاء

طلب و عاجز گردید چاره و راه کسب معاش و کهنه شده آرزوها و بریده شد امید

الا منک وحدک لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب

مگر از تو در حالتیکه یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها

الیک مشرعة ومناهل الرجاء لدیک مترعة وابواب الدعاء لمن

بسوی تو گشاده و آبخورهای امید نزد تو لبریز و درهای خواندن برای کسی

دعاک مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة واعلم انک لداعیک

خواند ترا گشوده و یاری جستن برای آنکه یاری جست بتو حلال شده و میدانم آنکه بتحقیق تو برای خواننده خود

بموضع اجابةٍ وللصارخ اليك بمرصد اغاثةٍ وان في اللهف الى
در جایگاه اجابتی برای استغاثه نماینده بسوی خود در انتظارگاه فریادرسی و اینکه بتحقیق در استغاثه بسوی
جودك والضمان بعدتك عوضاً من منع الباخلين ومندوحةً عما
بخشش تو و در ضامن شدن بوعدهٔ تو عوض بزرگ از منع سفلگان و وسعت و بی نیازی از آنچه است
في ايدي المستاثرين وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم
در دستهای آنانکه متفرد و اندیشه‌وانکری و اینکه بتحقیق که تو پنهان نمیگردی از خلق خود مگر آنکه باز دارد ایشانرا
الاعمال دونك وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادةٍ
کردارهای ایشان از رسیدن بتو و بدرستیکه دانستم اینکه بهترین توشهٔ کوچ کننده بسوی تو اراده ثابت ا
وقد ناجاك بعزم الارادة قلبي فاسألك بكل دعوةٍ دعاك بها
وتحقیق که راز گفته ترا با اراده ثابت دل من پس سوال میکنم ترا بهر دعائیکه خوانده باشد ترا بآن
راجٍ بلغته امله او صارخ اليك اغثت صرخته او ملهوفٍ
امیدواری که رسانیده باشی با آرزوی او او را یا استغاثه نماینده بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او یا درمانده
مكروبٍ فرجت عن قلبه او مذنبٍ خاطئ غفرت له او معافى
غمگین که کشف نموده باشی از دل او یا گنه‌کار خطاکاری که آمرزیده باشی مر او را یا عافیت بخشیده شده
اتممت نعمتك عليه او فقيرٍ اهديت غناك اليه ولتلك
که تمام گردانیده باشی نعمت خود را بر او یا محتاجی که تحفه فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او و مر آن
الدعوة عليك حق وعندك منزلة الا صليت على محمد وآله وقضيت
دعوت را بر تو حقی و نزد تو مرتبه‌ایست مگر آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و روا کنی
حوائج الدنيا والآخرة وهذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا
حاجتهای این جهان و آنجهان را و این ماه رجب بزرگ گردانیده گرامی است که گرامی داشتی ما را
به اول اشهر الحرم واكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم
بآن اول ماههای حرام است و گرامی داشتی ما را بآن از میان امتهای ای خداوند بخشش و بزرگوار

اشهد
اعوذ بجلال الله
اعوذ بكلمات الله
اعوذ برسول الله

فَاسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ

پس میخواهم از تو بحرمت آن وبحرمت نام تو که بزرگترست بزرگترست بزرگترست بزرگوارتر گرامی تر

الَّذِى خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ [illegible] فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى غَيْرِكَ

آن نامی که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو

اَنْ تُصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ

اینکه رحمت بفرستی بر محمد وخاندان او که پاکانند وبگردانی ما را از آنانکه عمل کنند

فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْاٰمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنَا اِلَى

در این ماه بطاعت تو وامیدوارانند در این ماه مر شفاعت ترا بارخدایا و برسان ما را بسوی

سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِى ظِلٍّ ظَلِيلٍ

راه راست وبگردان آرامگاه ما را نزد خود بهترین آرامگاهی در سایه عظیم

فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ

پس بدرستیکه تو کافی ما را ونیکو کارگذاری ودرود بر بندگان او که برگزیدگانند

وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِى يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِى فَضَّلْتَهُ

ورحمتهای او بر ایشان همه خداوندا وبرکت ده برای ما در روز ما این روز که زیادتی دادی آنرا

وَبِكَرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظِيمِ مِنْكَ اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلَى مَنْ فِيهِ

وبکرامت خود بزرگ کردانیده آنرا وبمرتبه بزرگی از خود فرود آورده آنرا ورحمت بر آنکه در این روز

اِلَى عِبَادِكَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ اَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوٰةً

بسوی بندگان خود فرستاده آنرا وبجایگاه گرامی فرود آورده آنرا بارخدایا رحمت بفرست بر او رحمتی

دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا وَاخْتِمْ

همیشه که بوده باشد برای تو شکر وبجهت ما ذخیره وبگردان برای ما از جمله امر ما توانگری وختم کن

لَنَا بِالسَّعَادَةِ اِلَى مُنْتَهَى اٰجَالِنَا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ مِنْ اَعْمَالِنَا وَبَلِّغْنَا

برای ما نیکبختی تا آخر اجلهای ما وحال آنکه تحقیق پذیرفته باشی اندک از کردارهای ما وبرسان ما را

بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ آمالِنا اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى

به مهربانی خود بهترین آرزوهای ما بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و رحمت کند خدا بر

سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

سردار ما محمد و آل او و سلام فرستاد

و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب روزه بدارد کفاره نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه او باشد و هر که روز سی ام این ماه را روزه بدارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و آخر روز نماز سلمان سنت است چنانچه در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاط بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون بسند معتبر بنظر نرسیده نخواستیم ایراد نمائیم و چون بسیار مشهورست ایراد مینمائیم بسبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست نماز شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه سوره جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد نماز شب دوم ده رکعت با حمد و جحد نماز شب سوم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت نماز شب چهارم صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس نماز شب پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید نماز شب ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی نماز شب هفتم چهار رکعت در هر رکعت توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات اربع نماز شب هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه نماز شب نهم دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر نماز شب دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید نماز شب یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی نماز شب دوازدهم دو رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه نماز شب سیزدهم ده رکعت در هر دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره والعادیات و در دوم الهیکم التکاثر نماز شب چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از

[illegible]

حمد سورهٔ توحید و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره نماز شب پانزدهم و شب شانزدهم و هفدهم
سی رکعت با حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید در هر رکعت نماز شب هجدهم ده رکعت در هر رکعت بعد
از حمد توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه نماز شب نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی نماز شب بیستم دو رکعت در هر رکعت سوره حمد و پنج مرتبه
انا انزلناه نماز شب بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر
و ده مرتبه توحید نماز شب بیست و دوم هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه
قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار
نماز شب بیست و سوم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره و الضحی نماز شب بیست و چهارم
چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ امن الرسول و سورهٔ توحید یک مرتبه نماز شب بیست و
پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ توحید
یک مرتبه نماز شب بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید نماز شب
بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ
اعلی و ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و
آل محمد و صد مرتبه استغفار نماز شب سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید
و در هر یک ازین نمازها ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و
جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارد و میان شام
و خفتن واقع شده است و باید که بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود و کردن آن خالی
از اشکال نیست لهذا نماز شب غایب را درین رساله ایراد نمودم با آنکه بطریق سنی نقل
شده است و معتبر نیست باب دوم در فضائل و اعمال ماه مبارک شعبان است و ایام
و لیالی آن و در آن نیز پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه است و
ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان [illegible] از ماه رجب است و منسوب است بحضرت
سید انبیا صلی الله علیه و آله چنانچه منقول است از حضرت صادق علیه السلام که چون حضرت رسول صلعم

ماه شعبان را مشاهده نمودید امر فرمودند که منادی ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه
من رسول خدایم از جانب خدا بسوی شما امر فرمود که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری
کند مرا در ماه من پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت
را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد ان شاء الله تعالی و فرمود
که روزه ماه شعبان و ماه مبارک رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضا
منقولست از ام سلمه که حضرت رسول در هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که از اول
پیوند میکرد بماه مبارک رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سوال کردند که کدام روزه از روزهای
سنت افضل است فرمود که روزه ماه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حضرت رسول شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که بر دو
ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر علیه السلام
منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را پاک گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و بدیهای
در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که ماه شعبان ماهی است شریف
و آن ماه منست و حاملان عرش الهی آن را تعظیم مینمایند و حق حرمت آن را میشناسند و آن ماهی است
که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان زینت میکنند در آن بهشتها را و آن
را شعبان نام کرده اند برای آنکه تشعب بسیار میکرد در آن روزیهای مومنان و حسنه در آن ماه
مضاعف میگردد به هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن
مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه پس مباهات
میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز این ماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب
تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه شعبان ذخیره ایست
از برای روز قیامت و هر بنده که از شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی معیشت او را اصلاح
آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بر روزه دار روزی از شعبان میدهند آنست که
بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول فرمود

که ماه شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که یک روز از ماه من روزه بدارد من شفیع
او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بگیرد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر که
سه روز از ماه من روزه بگیرد واجب گرداند برای او بهشت را ... هیچ گناه نداشته باشد ... از حضرت
امام رضا منقول است که هر که یک روز شعبان از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت گردد
و هر که در شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول محشور گردد و گرامی
داشتن خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق کند اگر چه نصف دانه خرما باشد خدا بدن او را
بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز از آخر شعبان روزه دارد و وصل کند به ماه رمضان خدا ثواب
روزه دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام
ماه را حضرت رسول خدا زیاده از ماههای دیگر روزه می گرفت گفت شعبان را و می فرمود که مردم
از آن غافل اند و آن ماهیست که در آن ماه عملها بسوی خدا بالا می برند و دوست میدارم که عمل من
بالا رود و من روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آن حضرت پرسیدند روزه
رجب می فرمود که چرا غافل اید از روزه شعبان یعنی افضل است از آن و ایضا روایت کرده است
از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست هر که از ماه من یک روز روزه دارد بهشت او را
واجب شود و هر که دو روز روزه دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد
و پیوند کند به ماه رمضان کفاره او باشد از گناه کوچک و بزرگ هر چند داخل جهنم حرام شده باشد
که او را نفع می دهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان
را روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و بسند بسیار معتبر
از حضرت صادق روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین
اصحاب خود را جمع می نمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست این ماه شعبان
است و حضرت رسول میفرمود شعبان ماه منست پس روزه بدارید در این ماه برای محبت پیغمبر
خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که جان علی بن الحسین بدست
اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از حسین بن علی علیهما السلام که گفت شنیدم از امیر المومنین

که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد
و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت از برای او واجب گرداند و ایضاً از حضرت
امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خدا
است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد
ماه خدا را حق تعالی مونس او گرداند در وحشت قبر او و تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت
با روی سفید نورانی و نامهٔ عمل او بدست راستش دهند و نامهٔ مخلد بودن در بهشت ابد بدست چپ او
دهند تا آنکه او را بپای عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی ندا کند که ای بندهٔ من او گوید لبیک ای
خداوند من پس خدا گوید روزه داشتی برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند
ملائکه را که بگیرید دست بندهٔ مرا و بپیغمبر من بسپارید پس بیاورند او را به نزد من با او گویم ماه مرا
روزه داشتی او گوید بلی من بگویم با او که من امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید که
من حقوق خود را به بندهٔ خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از و عفو کند من آنقدر عوض با و بدهم
که او راضی شود پس من بگیرم دست او را و بیاورم نزد صراط پس ببینم که صراط لغزنده
است میلرزد و با گناهکاران بران بند نمی شود پس دست او را بگیرم ملکی که موکل است بر
صراط گوید کیست این مرد من گویم این فلان کس است از امت من که ماه مرا در دنیا روزه
گرفته است باید بشفاعت من و ماه خدا را روزه داشته از برای طلب وعدهٔ خدا پس
او را بگذرانم از صراط بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت برسانم پس رضوان گوید که امروز
روزیست که در را برای امت تو می گشائیم و او را داخل بهشت میکنیم پس حضرت امیر المؤمنین
فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در قیامت و روزه
بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دوم** در بیان اعمال روز
ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان
استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستاره های آسمان باشد و در کتاب
حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که

ماه من است پس درین ماه بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان بر ماه
شفاعت گویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات برا و بر
آل او فرستند و از حضرت صادق ع منقول است که بهترین دعاها در ماه شعبان
استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد
که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد راوی پرسید چگونه بگویم فرمود که بگو

استغفر الله واسأله التوبة

طلب مغفرت میکنم خدارا و سوال میکنم از و توفیق توبه

و بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است

که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید

استغفر الله واسأله التوبة

طلب مغفرت میکنم خدارا و سوال میکنم از و توفیق توبه

بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت
گرداند و بسندهای معتبر منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه

استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم واتوب الیه

طلب مغفرت میکنم خدائی را که نیست معبودی بجز او بخشاینده مهربان زنده توانا و رجوع میکنم بسوی او
بگوید حق تعالی روح او را در افق مبین جای دهد و آن فضای وسیعی است در پیش
عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرها هست بعدد ستاره های
آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست
و بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در هر روز ماه شعبان در وقت
زوال و در شب نیمه آن این صلوات را میخواندند

اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جای رسالت

فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان

وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

ومحل آمد وشد فرشتگان وكان علم وخانواده وحى خداوندا درود بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَاْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ

وآل محمد كشتيهائى روان در درياهاى فرو شونده در امان است كسيكه سوار آن شود وغرق

مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَاَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ

كسيكه ترك كند آنرا پيشى گيرنده ايشان را مرتد است وپس مانده از ايشان مضمحل وباطل وملازم ايشان

لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ

پيوسته خداوندا درود بفرست بر محمد واولاد محمد پناه محكم وفريادرس

الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَاِ الْهَارِبِينَ وَمَنْجَى الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةِ

مضطر عاجز وپناه گريزندگان ورستگاه ترسندگان وپناه

الْمُعْتَصِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً

چنگ زنندگان خداوندا درود بفرست بر محمد وآل محمد درودى بسيار پاكيزه

تَكُونُ لَهُمْ رِضًى وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ

كه باشد مر ايشان را موجب خوشنودى ومر حق محمد واولاد محمد را ادا وقضا بقدرتى از تو

وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ

وتوانائى اى پروردگار عالميان خداوندا درود بفرست بر محمد وآل محمد پاكيزگان

الْاَبْرَارِ الْاَخْيَارِ الَّذِينَ اَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوِلَايَتَهُمْ

نيكوكاران برگزيدگان كه واجب كردى براى ايشان حقهاى ايشان را وواجب كردى طاعت ايشان را ودوستى

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي

خداوندا درود بفرست بر محمد واولاد محمد وآباد كن دل مرا به بندگى خود ورسوا مگردان

بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ

بنافرمانى خود وروزى كن مرا همراهى كسيكه تنگ كرده باشى براو از روزى خود بچيزى كه فراخ كردى

عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَنَشَرْتَ عَلَیَّ مِنْ عَدْلِکَ وَاَحْیَیْتَنی تَحْتَ ظِلِّکَ وَهٰذا

بر من از فضل خود و پهن کردی بر من از عدل خود و زنده داشتی مرا در سایهٔ خود و این

شَهْرُ نَبِیِّکَ سَیِّدِ رُسُلِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ شَعْبانُ الَّذی حَفَفْتَهُ

ماه شعبان ماه پیغمبر تو سرور پیغمبران تست درود خدا باد بر او و اولاد او شعبانی که فرا گرفتی آن را

مِنْکَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ الَّذی کانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

از جانب خود به بخشش و خوشنودی آنکه بود رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولاد او

یَدْأَبُ فی صِیامِهِ وَقِیامِهِ فی لَیالیهِ وَاَیّامِهِ بُخُوعاً لَکَ فی اِکْرامِهِ

که کوشش مینمود در روزهٔ آن و قیام آن در شبهای آن و روزهای آن جهت فروتنی برای تو در گرامی داشتن آن

وَاِعْظامِهِ اِلی مَحَلِّ حِمامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنّا عَلَی الْاِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فیهِ

و تعظیم کردن آن تا فرود آمدن موت او خداوندا پس یاری کن ما را بر جاری شدن بطریقهٔ او در آن

وَنَیْلِ الشَّفاعَةِ لَدَیْهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لی شَفیعاً مُشَفَّعاً وَطَریقاً اِلَیْکَ مَهْیَعاً

و رسیدن به شفاعت نزد او خداوندا پس گردان او را شفاعت کننده پذیرفته شفاعت و راه بسوی تو گشاده

وَاجْعَلْنی لَهُ مُتَّبِعاً حَتّی اَلْقاکَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ عَنّی راضِیاً وَعَنْ ذُنُوبی

و بگردان مرا برای او تابع تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت در حالیکه از من بوده باشی خوشنود و از گناهانم

غاضِیاً قَدْ اَوْجَبْتَ لی مِنْکَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوانَ وَاَنْزَلْتَنی دارَ الْقَرارِ

درگذرنده بتحقیق واجب ساخته باشی برای من از لطف خود رحمت و خوشنودی را و فرود آورده باشی مرا در سرای بقا

وَمَحَلَّ الْاَخْیارِ

و در جایگاه نیکوکاران

و سید بن طاوس علیه الرحمة بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات حضرت امیر المؤمنین و امامان از فرزندان اوست علیهم السلام که در ماه شعبان میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعائی اِذا دَعَوْتُکَ وَاسْمَعْ

بارخدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بپذیر دعای مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو

ندائی إذا نادیتك وأقبل علیّ إذا ناجیتك فقد هربت إلیك ووقفت

صدای مرا هرگاه ندا کنم ترا و رو کن بر من هرگاه راز گویم ترا پس بتحقیق که گریخته ام بسوی تو و ایستاده ام

بین یدیك مستكیناً لك متضرعاً إلیك راجیاً لما لدیك

پیش تو عاجزی کننده مر ترا زاری نماینده بسوی تو امیدوار بجهت آنچه نزد تست

ثوابی وتعلم ما فی نفسی وتخبر حاجتی وتعرف ضمیری ولا یخفی

ثواب خود را و میدانی آنچه در نفس منست و می‌پویندی حاجت مرا و میدانی راز مرا و پوشیده نیست

علیك أمر منقلبی ومثوای وما أرید أن أبدئ به من منطقی

بر تو حال بازگشت من و آرامگاه من و آنچه خواهم که ابتدا کنم من بآن از سخن خود

وأتفوه به من طلبتی وأرجوه لعاقبتی وقد جرت مقادیرك

و تلفظ نمایم بآن از حاجت خود و امیدوارم آنرا بجهت آخرت خود و بتحقیق روان شده تقدیرهای تو

علیّ یا سیدی فیما یكون منی إلی آخر عمری من سریرتی وعلانیتی

بر من ای آقای من در آنچه خواهد شد از من تا آخر زندگانی من از نهانی من و آشکار من

وبیدك لا بید غیرك زیادتی ونقصی ونفعی وضری إلهی إن حرمتنی

و بدست تست و نه بدست غیر تو بیشی من و کمی من و سود من و زیان من خدای من اگر ناامید کنی مرا

فمن ذا الذی یرزقنی وإن خذلتنی فمن ذا الذی ینصرنی إلهی أعوذ بك

پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار گذاری مرا پس کیست آنکه یاری کند مرا خدای من پناه می‌برم بتو

من غضبك وحلول سخطك إلهی إن كنت غیر مستأهل لرحمتك

از خشم تو و فرود آمدن غضب تو خدایا من اگر باشم غیر سزاوار برای رحمت تو

فأنت أهل أن تجود علیّ بفضل سعتك إلهی كأنی بنفسی واقفة

پس تو سزاواری بآنکه بخشش نمائی بر من بزیادتی گشایش خود خدای من گویا می‌بینم نفس خود را ایستاده

بین یدیك وقد أظلها حسن توكلی علیك فقلت ما أنت أهله

پیش تو و حال آنکه سایه افکنده بر آن نیکوئی اعتماد من بر لطف تو پس گفتی آنچه را که تو سزاوار آنی

وتعمدني بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان

و بو شانیدی مرا بعفو خود خدای من اگر درگذری از گناهان من پس کیست سزاوارتر از تو بان اگر بوده

قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب

که براستی نزدیک شده است اجل من و نزدیک نگردانیده است مرا بتو کردار من بتحقیق گردانیدم اقرار را بگناه خود

اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي في النظر لها فلها الويل

بسوی تو وسیلهٔ خود خدای من بتحقیق که ستم کرده‌ام بر ذات خود در نظر کردن بران پس مر او راست عذاب

ان لم تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام حياتي فلا تقطع برك عني في

اگر نیامرزی او را خدای من همیشه است نیکوئی تو بر من در ایام زندگانی من پس نیکوئی خود را از من در

مماتي الهي كيف ايس من حسن نظرك لي بعد مماتي

وقت مردن من خدای من چگونه ناامید شوم از حسن نظر تو مرا بعد از مردنم

وانت لم تولني الا الجميل في حياتي الهي تول من امري ما انت

و حال آنکه تو ندادی بمن مگر جمیل را در زندگانی من خدای من متولی شو از امر من آنچه تو

اهله وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت

سزاوار آنی و عود کن بفضل خود بر گنهکاری که بتحقیق فرو پوشیده او را نادانی او خدای من بتحقیق پوشانیدی

على ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى سترها على منك في الاخرى

بر من گناهان را در دنیا و من محتاج ترم بسوی پوشیدن آنها بر خود از تو در عقبی

الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين

خدای من بتحقیق که نیکوئی کردی بسوی من هنگامی که ظاهر نساختی آنها را برای هیچ یکی از بندگان نیکوکاران

فلا تفضحني يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي

پس رسوا مکن مرا در روز رستخیز بر سر حاضران خدای من بخشش تو فراخ کرده امید مرا

وعفوك افضل من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك

و درگذشتن تو بهتر است از کردار من خدای من پس شاد گردان مرا بملاقات خود در روزیکه حکم کنی در آن میان بندگان خود

إلهي اعتذاري إليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل

خدای من عذر خواهی من بسوی تو عذر خواهی کسی است که بی نیاز نشد از پذیرفتن عذر خود پس بپذیر

عذري يا أكرم من اعتذر إليه المسيئون إلهي

عذر مرا ای بزرگوار ای گرامی ترکسیکه عذر خواهی نمودند بسوی او بدکاران خدای من

لا تردّ حاجتي ولا تخيّب طمعي ولا تقطع منك رجائي وأملي إلهي

رد مکن حاجت مرا و محروم مکن طمع مرا و مبر از خود امید مرا و آرزوی مرا خدای من

لو أردت هواني لم تهدني ولو أردت فضيحتي لم تعافني إلهي

اگر میخواستی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر میخواستی رسوائی مرا عافیت نمی بخشیدی مرا خدای من

ما أظنّك تردّني في حاجة قد أفنيت عمري في طلبها منك إلهي

گمان نمیبرم ترا که رد کنی مرا در حاجتی که بتحقیق بپایان رسانیدم عمر خود را در طلب آن از تو خدای من

فلك الحمد أبداً أبداً دائماً سرمداً يزيد ولا يبيد كما تحبّ وترضى

پس مر تراست سپاس همیشه همیشه مدام پیوسته که زیاده شود و نیست نشود چنانچه دوست داری و بپسندی

إلهي إن أخذتني بجرمي أخذتك بعفوك وإن أخذتني بذنوبي

خدای من اگر بگیری مرا بگناه من بگیرم ترا بعفو تو و اگر بگیری مرا بگناهان من

أخذتك بمغفرتك وإن أدخلتني النار أعلمت أهلها أنّي

بگیرم ترا بآمرزش تو و اگر داخل کنی مرا در آتش آگاه کنم اهل آتش را اینکه من

أحبّك إلهي إن كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في

دوست میدارم ترا خدای من اگر حقیر شد در پهلوی طاعت تو کردار من بتحقیق بزرگ شد در

جنب رجائك أملي إلهي كيف أنقلب من عندك بالخيبة محروماً و

جنب امید من از تو امید من خدای من چگونه برگردم از نزد تو با زیان کاری محروم و حال آنکه

قد كان حسن ظنّي بجودك أن تقلبني بالنجاة مرحوماً إلهي وقد أفنيت

بتحقیق بود حسن گمان من بجخشش تو اینکه برگردانی مرا با رستگاری رحم کرده شده خدای من و بتحقیق بپایان رسانیدم

عمري في شرة السهو عنك وأبليت شبابي في سكرة

عمر خود را در نشاط بی خبری از تو و کهنه کردم جوانی خود را در مستی

التباعد منك إلهي فلم أستيقظ أيام اغتراري بك وركوني

دوری از تو خدای من پس بیدار نشدم در روزهای فریفتگی من بتو و مایل بودنم

إلى سبيل سخطك إلهي وأنا عبدك وابن عبدك قائم بين

بسوی راه خشم تو خدای من و من بنده تو و پسر بنده توام ایستاده ام پیش

يديك متوسل بكرمك إليك إلهي أنا عبد أتنصل إليك

تو توسل جوینده ام بکرم تو بسوی تو خدای من من بنده ام عذر خواهی مینمایم بسوی تو

مما كنت أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك

از آنچه بودم که مواجهه میکردم ترا بآن از راه کمی شرم از اطلاع تو

وأطلب العفو منك إذ العفو نعت لكرمك إلهي لم يكن لي

و میخواهم عفو از تو در گذشتن را از تو زیرا که در گذشتن وصفی است برای بزرگواری تو خدایا نبود مرا

حول فأنتقل به عن معصيتك إلا في وقت أيقظتني لمحبتك وكما

توانائی پس بگردم بسبب آن از نافرمانی تو مگر در وقتی که بیدار کنی مرا بمحبت دوستی خود و چنانچه

أردت أن أكون كنت فشكرتك بإدخالي في كرمك ولتطهير

خواستی که شوم شدم پس شکر کردم ترا بسبب داخل کردانیدن تو مرا در کرم خود و پاک کردن

قلبي من أوساخ الغفلة عنك إلهي انظر إلي نظر من ناديته

دل مرا از چرکهای بی خبری از تو خدای من نگر بسوی من مانند نگریستن کسیکه خوانده باشی او را

فأجابك واستعملته بمعونتك فأطاعك يا قريبا لا يبعد

پس اجابت کرده باشد ترا و بکار داشته باشی او را بیاری خود پس اطاعت کرده باشد ترا ای نزدیکی که دور نمیباشد

عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه إلهي هب لي قلبا يدنيه

از فریفته بخود و ای بخشنده که بخل نمیورزد از کسیکه امید داشته باشد ثواب او را خدای من ببخش مرا دلی که نزدیک کند

مِنْكَ شَوْقُهُ وَلِساناً يُرْفَعُ اِلَيْكَ صِدْقُهُ وَنَظَراً يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ اِلهى

تو آرزومندی او و زبانی که بالا برده شود بسوی تو راستگوئی او و نظری که نزدیک گرداند مرا او را بتو درستی او خدا

اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَمَنْ

بدرستیکه کسی که معروف شد بتو غیر مجهول است و کسیکه پناه برد بتو غیر زیانکار است و آنکه

اَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ اِلهى اِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنيرٌ وَاِنَّ

روکردی تو بر او نیست مغلوب خدای من تحقیق آنکه راه یافت بتو هر آینه روشنی یافته است و تحقیق

مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجيرٌ وَقَدْ لُذْتُ بِكَ يا اِلهى فَلا تُخَيِّبْ ظَنّى

کسیکه چنگ زد بتو هر آینه امان جوینده است و تحقیق که پناه گرفتم بتو ای خدای من پس محروم مکن گمان مرا

مِنْ رَحْمَتِكَ وَلا تَحْجُبْنى عَنْ رَاْفَتِكَ اِلهى اَقِمْنى فى اَهْلِ وِلايَتِكَ

از رحمت خود و منع مکن مرا از مهربانی خود خدای من برپا دار مرا در میان اصحاب ولایت خود

مُقامَ مَنْ رَجَا الزِّيادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ اِلهى وَاَلْهِمْنى وَلَهاً بِذِكْرِكَ

در جای کسیکه امید داشته باشد زیادتی از دوستی تو خدای من و بدل انداز مرا حرصی بذکر خود

اِلى ذِكْرِكَ وَاجْعَلْ هِمَّتى فى رَوْحِ نَجاحِ اَسْمآئِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ

بسوی ذکر خود و بگردان آهنگ مرا بسوی راحت فیروزی نامهای خود و جایگاه قدس خود

اِلهى بِكَ عَلَيْكَ اِلاّ اَلْحَقْتَنى بِمَحَلِّ اَهْلِ طاعَتِكَ وَالْمَثْوَى

خدای من بذات تو قسم بر تو مگر آنکه برسانی مرا بجایگاه فرمانبرداران خود و جایگاه

الصّالِحِ مِنْ مَرْضاتِكَ فَاِنّى لا اَقْدِرُ لِنَفْسى دَفْعاً وَلا اَمْلِكُ لَها

شایسته از خشنودیهای خود زیرا که بتحقیق من توانا نیستم برای نفس خود دفع مکروهی را و مالک نیستم برای آن

نَفْعاً اِلهى اَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الْمُذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ الْمُنيبُ الْمَعيبُ

نفعی را خدای من منم بنده تو ناتوان گنه کار و منم بنده تو رجوع نماینده عیب دار

فَلا تَجْعَلْنى مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ اِلهى

پس مگردان مرا از آنان که گردانیده‌ای از ایشان روی خود را و باز داشته ایشان را غفلت ایشان از عفو تو ای خدای من

هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك

ببخش مرا کمال بریدگی بسوی خود و روشن کن دیده‌های دلهای ما را بروشنائی نگریستن آنها بسوی تو

حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة

تا آنکه بدرد دیده‌های دلها حجابهای نور را پس برسد بسوی قرارگاه بزرگواری

وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته

و بگردد نفوس ما درآویخته بعزت پاکی تو خدای من و بگردان مرا از آنانکه خواندی ایشان را

فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا وعمل لك

پس اجابت نمودند ترا و نگریستی بآنها پس بیهوش شد از هیبت بزرگواری تو پس گفتی با آنها راز و کار کردند

جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع

آشکارا خدای من مسلط نساختم بر نیکوئی اعتقاد خود شدت نومیدی را و بریده نشد

رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني

امید من از کرم نیک تو خدای من اگر بوده باشند گناهان که بتحقیق انداختند مرا

لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك الهي ان حطتني

نزد تو پس درگذر از من بسبب نیکوئی توکل من بر تو خدای من اگر فرود آورد مرا

الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم

گناهان از نوازشهای مهربانی تو پس بتحقیق بلند گردانیده اذعان داشتن بسوی بزرگی

عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد

لطف تو خدای من اگر خوابانید مرا بی‌خبری از آماده شدن برای ملاقات تو پس بتحقیق

نبهتني المعرفة بكرم آلائك الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك

بیدار کرد مرا شناختن بزرگی نعمتهای تو خدای من اگر بخواند مرا بسوی آتش عقاب بزرگ تو

فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك الهي فلك اسأل واليك

پس بتحقیق بخواند مرا بسوی بهشت ثواب وافر تو خدای من پس تو سؤال میکنم و بسوی تو

ابتهل وارغب واسألك ان تصلّي على محمد وآل محمد وان

تضرع مینایم و رغبت میکنم و سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تجعلني ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك ولا يغفل عن

بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند ذکر ترا و نشکنند پیمان ترا و غافل نمیشوند از

شكرك ولا يستخفّ بأمرك الهي والحقني بنور عزّك الابهج

سپاس گزاری تو و سبک نشمارند فرمان ترا ای خدای من و برسان مرا بنور عزت خود که نیکوتر است

فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا

پس بوده باشم مر ترا شناسا و از غیر تو میل کننده و از تو ترسان هیمناک

يا ذا الجلال والاكرام وصلّى الله على محمد رسوله

ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا بر محمد فرستادهٔ خود

وآله الطاهرين وسلّم تسليما كثيرا

و خاندان او که پاکانند و درود فرستد درود بسیار

و این از مناجاتهای جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسب است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید

لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره المشركون

نیست خدائی بجز خدا و نمی پرستیم مگر او را در حالتیکه خالص گردانیدیم برای او دین را هر چند ناخوش دارند کافران

حق تعالی عبادت هزار ساله در نامهٔ عمل او بنویسد و گناهان هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روئی نورانی مانند ماه شب چهارده و او را از صدیقان بنویسند و بسند معتبر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام سوال کردند از فضیلت روزهٔ رجب حضرت فرمود چرا غافل گردیده اید از روزهٔ شعبان راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه یکروز از شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب او است گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها درین ماه چیست فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش

نمودن هر که در این ماه تصدق کند حق تعالی آن را تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه خود را تربیت کند تا آنکه روز قیامت مانند کوه احد بصاحبش برسد **فصل سوم** در بیان اعمال و فضائل ایام مخصوصهٔ اول ماه است تا ایام بیض بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز سوم ماه شعبان روز بسیار مبارک است موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که روز سوم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق آنکه متولد شده درین روز وعده داده شد بشهادت او پیش از استهلال او

وَوِلادَتِهِ بَکَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها

و ولادت او گریست بر او آسمان آنکه در آسمانست و زمین و هر چه بر اوست و حال آنکه قدم ننهاده بود دو سنگستان

قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْکَرَّةِ

آن شهید سرشک و بزرگ قوم و مدد کرده شده بیاری در روز رجعت

الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ

عوض داده شده از کشتن خود اینکه پیشوایان از فرزندان اویند و شفا در خاک مدفن اوست

وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ

و رستگاری با او در وقت بازگشت او و اوصیا که از فرزندان اوست بعد از ظهور قائم ایشان

وَغَیْبَتِهِ حَتّٰی یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَیَثْأَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ

و غیبت او تا آنکه دریابند عوض خونها را و مطالبه کنند خون را و خشنود سازند خدای غالب را

ويكونوا خير انصار صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار

و بوده باشند بهترين ياران رحمت فرستد خدا بر ايشان با آمد و شد شب و روز

اللهم فبحقهم اليك اتوسل واسئل سؤال مقترف معترف

بار خدايا پس بحق ايشان بسوى تو توسل ميجويم و سؤال ميكنم مانند سؤال گنهكار اعتراف كننده

مسيء الى نفسه مما فرط فى يومه وامسه يسألك العصمة الى

بدى كننده بسوى خود از آنچه تقصير كرده در روز حاضر خود و روز گذشته خود ميخواهد از تو عصمت را بسوى

محل رمسه اللهم صل على محمد وعترته واحشرنا فى زمرته

جايگاه دفن خود بار خدايا رحمت فرست بر محمد و آل او و برانگيز ما را در گروه ايشان

وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما

و ساكن گردان ما را با او در سراى نوازش و جايگاه اقامت بار خدايا و چنانكه

اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته

گرامى داشتى ما را بشناخت او پس گرامى دار ما را به نزديكى او و روزى كن ما را رفاقت او و پيشى گرفتن او

واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى

و بگردان ما را از آنكه گردن مى نهند براى فرمان او و بسيار مى فرستند رحمت بر او نزد ذكر او و بر

جميع اوصيائه واهل اصطفائه الممدودين منك بالعدد

همه اوصياى او و برگزيدگان او كشيده شده اند از لطف تو بعدد

الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا

دوازده ستارگان روشن و حجت ها بر همه او ميان خداوندا و ببخش ما را

فى هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين

در اين روز بهترين بخششى و برآور براى ما درين روز هر حاجتى را چنانچه بخشيدى حسين را

لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده

براى محمد جد او و پناه گرفت فطرس بمهد او پس ما پناه گيرنده ايم بقبر او از پس او

فصل سوم در بيان بعضى از آداب و اوقات طعام خوردن

نشهد تربته و ننتظر اوبته آمین رب العالمین

حاضری شویم قبر او را و انتظار میکشیم بازگشت او را به پذیرای پروردگار جهانیان
و زیارت آنحضرت و غسل زیارت در این روز مستحب است و کیفیت زیارت بعد از این مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی و شیخ طوسی رحمه الله روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین صلوات الله علیه در روز
پنجم این ماه متولد شده اگر احتیاطاً ظاهر در روز را حرمت بدارند و اعمال را در این روز نیز بعمل آورند خصوصاً
زیارت بهتر است و ایضاً شیخ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در
ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را در این روز
بعمل آورند مناسب است **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه شعبانست اعنی سیزدهم
چهاردهم و پانزدهم چنانچه در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است که شب سیزدهم دو رکعت
و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد
از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سلت سورها که از حفظ
نتواند خواند از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضائل و اعمال شب پانزدهم
زیاده از آنست که درین رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بآنچه صحیح است از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون نصف شعبان شود
شب آنرا بعبادت بایستید و در روزش را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب ندا میرسد از جانب
حق تعالی که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش از گناهان خود کند که گناهان او را بیامرزیم
آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند و ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل درین شب سنت است
و از حضرت صادق منقول است که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که
باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که هر که
خواهد با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام

را در شب نصف ماه شعبان پس اگر ملائکه و پیغمبران درین شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت
آنحضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوشا حال کسی که این بزرگواران با او مصافحه کنند و از
جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین
که مبعوث گردیده اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت
کند در ان شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بربامی یا بصحن گشاده در آید و بجانب راست
آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب سمت قبله و بگوید

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا ابْنَ
درود باد بر تو ای ابا عبدالله درود باد بر تو ای فرزند
رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
رسول خدا درود بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

و اگر یکی از زیارات مبسوطه را بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها این است

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
درود بر تو باد ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد
يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ
ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده ابراهیم
خَلِيلِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسى كَلِيمِ اللهِ السَّلامُ
دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث موسی هم سخن خدا سلام
عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسى رُوحِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ
بر تو باد ای وارث عیسی روح الله سلام بر تو باد ای وارث محمد
حَبِيبِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
حبیب خدا سلام بر تو باد ای وارث پادشاه گروندگان دوست خدا سلام بر تو باد

يا ابن محمد المصطفى السلام عليك يا ابن علي المرتضى السلام

ای پسر محمد مصطفی سلام بر تو باد ای پسر علی مرتضی سلام

عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى

بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سلام بر تو باد ای فرزند خدیجه کبری

السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انك

سلام بر تو باد ای خون طلب خدا و فرزند خون طلب خدا و ای کشته که گرفته نشده عوض خون او

قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت

بتحقیق تو برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر فرمودی به نیکی و منع نمودی

عن المنكر واطعت الله ورسوله حتى اتاك اليقين فلعن الله

از بدی و فرمان برداری نمودی خدا و رسول او را تا آنکه آمد ترا موت پس دور کند خدا از رحمت خود

امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك

گروهی که کشتند ترا و دور کند خدا از رحمت خود گروهی که ستم کردند بر تو و دور کند خدا گروهی که شنیدند آن را

فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب

پس خوشنود شدند بآن ای آقای من ای ابا عبدالله گواهی میدهم آنکه بتحقیق تو بودی نور در صلبهای

الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها و

بلند و رحمهای پاک نجس نگردانید ترا جاهلیت بنجاستهای خود و

لم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم الدين

نپوشانید ترا از جامهای تیره خود و گواهی میدهم بآنکه بتحقیق تو از ستونهای دینی

واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي

و رکنهای گروندگان و گواهی میدهم آنکه بتحقیق تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاک

الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام

رهنما راه یافته و گواهی میدهم بآنکه پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای

اَلْهُدٰی وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰی وَالْحُجَّةُ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیَا وَاُشْهِدُ اللّٰهَ وَ

هدایت و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا اند و گواه میگیرم خدارا و

مَلٰئِکَتَهُ وَاَنْبِیَاءَهُ وَرُسُلَهُ اَنِّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیَابِکُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِیْنِی

فرشتگان اورا و پیغمبران اورا و رسولان اورا باینکه من بشما ایمان آورنده ام و برجعت شما یقین دارنده ام بطریقهای دین خود

وَخَوَاتِیْمِ عَمَلِی وَقَلْبِی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِی لِاَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ

و خاتمه های کردار خود و دل من دل شمارا گردن نهنده است و امر من امر شمارا پیروی کننده رحمتهای

اللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَعَلٰی اَرْوَاحِکُمْ وَعَلٰی اَجْسَادِکُمْ وَعَلٰی اَجْسَامِکُمْ وَعَلٰی

خدا بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهای شما و بر تنهای شما و بر

شَاهِدِکُمْ وَعَلٰی غَائِبِکُمْ وَعَلٰی ظَاهِرِکُمْ وَعَلٰی بَاطِنِکُمْ

حاضر شما و بر غائب شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما

پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند نیز خوبست و اگر

از دور زیارت کند پس قصد زیارت حضرت علی بن الحسین شهید علیه السلام بکند و بگوید

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ نَبِیِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند پیغمبر خدا سلام

عَلَیْکَ یَا ابْنَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْحُسَیْنِ الشَّهِیْدِ اَلسَّلَامُ

بر تو ای فرزند پادشاه مومنان سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام

عَلَیْکَ اَیُّهَا الشَّهِیْدُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْمَظْلُوْمُ وَابْنَ الْمَظْلُوْمِ

بر تو ای شهید سلام بر تو ای ستم رسیده و ای ستم رسیده

لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

لعنت کند خدا گروهی که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی که ستم کردند بر تو و لعنت کند خدا گروهی

سَمِعَتْ بِذٰلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ

که شنیدند آنرا پس خشنود شدند بآن

پس قصد زیارت سایر شهدا رضی الله عنهم بکند و بگوید

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَوْلِیاءَ اللهِ وَاَحِبّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَصْفِیاءَ

سلام بر شما ای محبان خدا و دوستان او سلام بر شما ای برگزیدگان

اللهِ وَاَوِدّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ دینِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ

خدا و دوستداران او سلام بر شما ای یاوران دین خدا سلام بر شما

یا اَنْصارَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ

ای یاوران رسول الله سلام بر شما ای یاوران امیر المؤمنین سلام

عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ

بر شما ای یاوران فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان سلام بر شما

یا اَنْصارَ اَبی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّکِیِّ النّاصِحِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ

ای یاوران ابی محمد حسن بن علی پاک نصیحت نماینده سلام بر شما

یا اَنْصارَ اَبی عَبْدِ اللهِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتی فیها

ای یاوران ابی عبد الله فدا باد پدر من شما را و مادر من خوش شد حال شما و خوش شد حال زمینی که در آن

دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظیماً فَیا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَاَفُوزَ مَعَکُمْ

مدفون شدید و فیروزی یافتید شما فیروزی بزرگ پس ای کاش من بودمی با شما پس فیروزی یافتمی با شما

و در شب اول و پانزدهم شهر رجب و در سوم و پنجم ماه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای

عید و سایر ایامیکه زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت آنحضرت میتوان کرد و زیارات

مسنونه و مخصوصه او در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله اوقات

[illegible] شب [illegible] ولادت [illegible] السعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه [illegible] شب واقع شده

[illegible] سنت [illegible] شب [illegible] بخوانند که بمنزلهٔ زیارت آنحضرت است

اَللّٰهُمَّ [illegible] لَیْلَتِنا هٰذِهِ وَمَوْلُودِها وَحُجَّتِکَ وَمَوْعُودِهَا الَّتی قَرَنْتَ

[illegible] این شب که [illegible] نماینده شده [illegible] حجت تو و وعده داده شده [illegible]

إلى فضلها فصلاً فتمت كلماتك صدقاً وعدلاً لا مبدل لكلماتك
بسوی تفضل آن فضل بزرگ را پس تمام شد کلمه تو از روی راستی و انصاف نیست بدل کننده مر کلمه های ترا
ولا معقب لآياتك نورك المتألق وضياؤك المشرق والعلم النور
و نه بازپس دارنده مر نشانهای ترا نور تو درخشنده و روشنی تو روشن شونده و نشانه روشن
في طخياء الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم محتده والملائكة
در شب تیره و تار پنهان پوشیده بزرگ است ولادت او و گرامی است اصل او و فرشتگان
شهّده والله ناصره ومؤيده إذا آن ميعاده والملائكة
شاهدان اویند و خدا یاری دهنده او و توانائی دهنده او هرگاه نزدیک شود زمان وعده ظهور و فرشتگان
أمداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم
مددکنندگان اویند شمشیر خدا که برنمیگردد و روشنائی او که فرو نمی‌نشیند و خداوند بردباری
الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الأمر والمنزل
که میل نمیکند مدار زمانه و رازدار روزگار و صاحبان فرمان و آنانکه فرو فرستاده شده
عليهم الذكر وما ينزل في ليلة القدر وأصحاب الحشر والنشر
برایشان ذکر و آنچه فرود می‌آید در شب قدر و خداوندان روز قیامت بیان کنندگان
وحيه وولاة أمره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور
وحی و موالیان امر او و نهی او بار خدایا پس رحمت بفرست بر آخر ایشان و قائم ایشان پنهان
عن عوالمهم وأدرك بنا أيامه وظهوره وقيامه واجعلنا من
از عالمهای ایشان و برسان ما را به روزگار دولت او و ظاهر شدن او و برپا شدن او و بگردان ما را از
أنصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في أعوانه وخلصائه وأحينا
از یاوران او و نزدیک گردان خون ما را بخون او و بنویس ما را در مددکاران او و خالصان او و زنده گردان ما را
في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين ومن السوء
در زمان دولت خوش عیش شوندگان و به صحبت او غنیمت گیرندگان و بحق او برپا شوندگان و از هر بدی

حضرت رسول صلی ... امام موسی علیه السلام منقول است

سالمین یا ارحم الراحمین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد
رهایی یابندگان ای بخشاینده ترین بخشایندگان وستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و رحمت خدا بر محمد
خاتم النبیین والمرسلین وعلی اهل بیته الصادقین وعترته الناطقین
آخر پیغمبران و فرستادگان و بر خاندان او که راستگویانند و خویشان او که بحق گویانند
والعن جمیع الظالمین واحکم بیننا وبینهم یا احکم الحاکمین
ولعنت کن همه ستمکاران را حکم کن میان ما و میان ایشان ای حکم کننده ترین حکم کنندگان

و زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین علیه السلام ما همه را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد ما آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نمازهای این شب بسیار است و از جملهٔ آنها چهار رکعت است هر دو رکعت بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام این نماز را از آنحضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند

اللهم انی الیک فقیر ومن عذابک خائف وبک مستجیر رب لا تبدل
خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسانم و بتو پناه جوینده ام پروردگارا تبدیل مکن
اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی
نام مرا و تغییر مده بدن مرا پروردگار من بغایت مرسان بلای مرا پروردگار من شاد مگردان بعیب من دشمنان مرا
اعوذ بعفوک من عقابک واعوذ برحمتک من عذابک واعوذ
پناه میگیرم بعفو تو از عذاب تو و پناه میگیرم برحمت تو از عذاب تو و پناه میگیرم
برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل ثناؤک
بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم بتو از تو بزرگ است ستایش تو
انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون فیک
تو چنانی که ستایش نموده تو بآن خود را و بالاتری از آنچه گویند گویندگان در بارهٔ تو

شعبان

و بروایت دیگر باز چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد و الست و
پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند

اللهم انی الیک فقیر و انی من عذابک خائف و بک مستجیر رب

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و بدرستیکه من از عذاب تو ترسانم و بتو زنهار جوینده ام پروردگار من

لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ

بدل مکن نام مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگار من بنهایت مرسان بلای مرا خداوندا بتحقیق که من پناه میگیرم

بعفوک من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ برحمتک من

بعفو تو از عقوبت تو و پناه میگیرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم برحمت تو از

عذابک و اعوذ بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک و لا احصی

عذاب تو و پناه میگیرم بتو از تو نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگست ثنای تو و نمی توانم شمرد

مدحتک و لا الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک و فوق

ستایش ترا و نستودن ترا تو چنانی که ستوده بر ذات خود و بالای

ما یقول القائلون رب صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا

آنچه گویند گویندگان پروردگار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنان و چنان

و بجای کذا و کذا حاجات خود را یاد کنند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بجا آورد موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام و در فضیلت آن احادیث بسیار است و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبها است بعد از شب قدر و حق تعالی فضل خود را درین شب بر بندگان عطا می نماید و باحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی کنید در عبادت درین شب که این شبی است که حق تعالی بذات مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدای تعالی برای ما اهل بیت قرار داده است برابر شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نمائید درین شب در دعا

ثنا کردن بر خدا تعالی بدرستیکه هر که درین شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه
الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را
برآورد و خواه طلب نماید و خواه نماید. آورده اند که پرسید که بهترین دعاها درین شب کدام است فرمود که بعد از
نماز خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم
سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و چهار مرتبه الله اکبر بگو و
اگر به ترتیب تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بخواند ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخوان

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهِمَّاتِ وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلِمَّاتِ يَا عَالِمَ
ای آنکه بسوی اوست پناه بردن بندگان در کارهای سخت و بسوی او پناه می گیرند آفریدگان بلاها که نازل می شود
الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ
آشکارا و نهانیها ای آنکه پنهان نیست براو اندیشه های وهمها و گردش خیالات
يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَرَضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ
ای پروردگار خلایق و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمینها و آسمانها
أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَمُتُّ إِلَيْكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَيَا لَا إِلٰهَ
تویی خدا نیست خدایی مگر تو توسل میجویم بسوی تو به کلمه لا اله الا انت پس ای آنکه نیست خدایی
إِلَّا أَنْتَ اجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَسَمِعْتَ
مگر تو بگردان مرا درین شب از آنانکه نظر افکندی بسوی او پس رحم کردی او را و شنیدی
دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ
دعای او را پس اجابت کردی او را و دانستی طلب گذشتن او را پس گذشتی از او و تجاوز نمودی از گذشته
خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَلَجَأْتُ
گناه او و بزرگ خطای او پس بتحقیق امان خواسته ام بتو از گناهان خود و پناه آورده ام
إِلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي اللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَاحْطُطْ
بسوی تو در پوشانیدن عیبهای خود خداوندا پس بخشش کن بمن به بزرگواری و بخشش خود و فرو ریز

خطایای بحلمك وعفوك وتغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتك

گناهان مرا به بردباری خود و درگذشتن خود و بپوشان مرا در این شب بنوازش کامل خود

واجعلنی فیها من اولیائك الذین اجتبیتهم لطاعتك واخترتهم

و بگردان مرا درین شب از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را

لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلنی ممن سعد

از برای عبادت خود و گردانیدی ایشان را دوست خالص خود و برگزیدهٔ خود بارخدایا بگردان مرا از آنانکه نیکو شد

جده وتوفر من الخیرات حظه واجعلنی ممن سلم فنعم وفاز فغنم

بخت ایشان و وافر گشته از نیکیها بهرهٔ ایشان و بگردان مرا از آنانکه سلامتی یافتند پس مرفه شدند و فیروزی یافتند پس غنیمت بردند

واکفنی شر ما اسلفت واعصمنی من الازدیاد فی معصیتك وحبب

و دفع کن از من گزند آنچه پیش داشته ام و نگاه دار مرا از زیادتی در نافرمانی خود و دوست گردان

الی طاعتك وما یقربنی منك ویزلفنی عندك سیدی الیك

بسوی من فرمانبرداری خود و آنچه را که نزدیک گرداند مرا بتو و نزدیک نماید مرا نزد تو ای آقای من بسوی تست

ملجأ الهارب ومنك ملتمس الطالب وعلی کرمك یعول المستقیل

پناه آوردن گریزنده و از تست درخواستن طلب کننده و بر بزرگواری تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده

التائب ادبت عبادك بالتکرم وانت اکرم الاکرمین وامرت

رجوع کننده ادب آموختی بندگان خود را به بزرگواری و تو بزرگوارترین بزرگوارانی و فرمان دادی

بالعفو عبادك وانت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی

بدرگذشتن بندگان خود را و توئی بغایت آمرزنده مهربان بارخدایا پس محروم مکن مرا

ما رجوت من کرمك ولا تؤیسنی من سابغ نعمك ولا تخیبنی من

از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمتهای کامل خود و بی بهره مکن مرا از

جزیل قسمك فی هذه اللیلة لاهل طاعتك واجعلنی فی جنة

قسمتهای وافر خود که تقدیر کرده درین شب برای اهل طاعت خود و بگردان مرا در حفظ

مِنْ شَرارِ بَرِیَّتِکَ رَبِّ اِنْ لَمْ اَکُنْ مِنْ اَهْلِ ذٰلِکَ فَاَنْتَ اَهْلُ الْکَرَمِ

از بدترین خلق خود پروردگار من اگر نبوده باشم از اهل آن پس تو سزاوار بخشش

وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَیَّ بِما اَنْتَ اَهْلُهُ لا بِما اَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ

و درگذشتن و آمرزشی و بخشش کن بر من بانچه تو سزاوار آنی نه بانچه من سزاوار آنم پس تحقیق

حَسُنَ ظَنّی بِکَ وَتَحَقَّقَ رَجائی لَکَ وَعَلِقَتْ نَفْسی بِکَرَمِکَ فَاَنْتَ

نیکوست گمان من و ثابت است امید من مر ترا و درآویخته است نفس من ببزرگواری تو و تو

اَرْحَمُ الرّاحِمینَ وَاَکْرَمُ الْاَکْرَمینَ اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنی مِنْ کَرَمِکَ

بخشنده‌ترین بخشندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی بار خدایا و مخصوص کردان مرا از کرم خود

بِجَزیلِ قِسَمِکَ وَاَعِذْنی بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاغْفِرْ لِیَ الذَّنْبَ الَّذی

بفراوان قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو خود از عقوبت خود و بیامرز برای من گناهی را که

یَحْبِسُ عَلَیَّ الْخُلُقَ وَیُضَیِّقُ عَلَیَّ الرِّزْقَ حَتّٰی اَقُومَ بِصالِحِ رِضاکَ وَاَنْعَمَ

باز میدارد از من خلق را و تنگ میکند بر من روزی را تا آنکه برپا شوم بشایسته خشنودی تو و تنعم کنم

بِجَزیلِ عَطائِکَ وَاَسْعَدَ بِسابِغِ نَعْمائِکَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِکَ وَتَعَرَّضْتُ

بسیاری عطای تو و نیکبخت شوم بنعمتهای کامل تو پس تحقیق پناه آورده‌ام بحرم تو و فرا پیش آمده‌ام

لِکَرَمِکَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَبِحِلْمِکَ مِنْ غَضَبِکَ

ببزرگواری تو و پناه میجویم بعفو تو از عقوبت تو و ببردباری تو از غضب تو

فَجُدْ لی بِما سَاَلْتُکَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْکَ اَسْاَلُکَ بِکَ لا بِشَیْءٍ

پس ببخش مرا آنچه سوال کردم ترا و عطا کن آنچه درخواستم از تو میخواهم از تو نه بچیزی

اَعْظَمَ مِنْکَ پس سجده میروی و میگوئی یا رَبِّ بیست مرتبه یا اَللّٰهُ هفت مرتبه لا حَوْلَ وَلا

بزرگتر از تو ای پروردگار من ای خدا نیست گردیدنی و نه

قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ هفت مرتبه ما شاءَ اللّٰهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ ده مرتبه لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ

توانائی مگر بتوفیق خدا هر چه خدا میخواهد میشود نیست توانائی مگر بتوفیق خدا نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

ده مرتبه بخیس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بعد از آن حاجت خود را از خدا بطلبد بخدا

سوگند که اگر بعدد قطرات باران حاجت ... باشد ... بکرم و فضل خود ... برآورد

یا الله ... بحق محمد ... وشیخ گفته است پس بگو الهی تعرّض لک فی

ای خدا ... ای پروردگار محمد ... خدایا پیش تو فرا آمدند ... درین

هذا اللیل المتعرّضون وقصدک القاصدون وامّل فضلک ومعروفک

شب فرا رسیدگان و قصد کردند ترا قصد کنندگان و آرزو نمودند فضل ترا و احسان ترا

الطالبون ولک فی هذا اللیل نفحات وجوائز وعطایا ومواهب تمنّ

خواهندگان و مر تراست درین شب عطیه ها و صله ها و عطاها و بخشش ها که بخشش میکنی

بها علی من تشاء من عبادک وتمنعها من لم تسبق له العنایة منک

بآنها بر هر که میخواهی از بندگان خود و باز میداری آنها را از آنکه پیشی نگرفته او را عنایت از تو

وها انا ذا عبیدک الفقیر الیک المؤمّل فضلک ومعروفک

و آگاه باش که من بنده حقیر تو محتاج بسوی تو امیدوار فضل تو و احسان توام

فان کنت یا مولای تفضّلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک

پس اگر بوده باشی ای آقای من که بخشش نموده باشی درین شب بر یکی از خلق خود

وعدت علیه بعائدة من عطفک فصلّ علی محمد وآل محمد الطیبین

و نفع رسانیده باشی او را نفعی از مهربانی خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان

الطاهرین الخیّرین الفاضلین وجد علیّ بطولک ومعروفک یا ربّ العالمین

پاکیزگان نیکان زیادتی یافتگان و بخشش کن بر من بانعام خود و احسان خود ای پروردگار جهانیان

وصلّی الله علی محمد خاتم النبیّین وآله الطاهرین الذین اذهب الله عنهم

و درود فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران و آل او که پاکانند آنانکه دور داشته خدا از ایشان

الرجس وطهّرهم تطهیرا وسلّم تسلیما انّ الله حمید مجید

پلیدی را و پاک گردانید ایشان را پاک گردانیدنی و درود فرستد درود فرستادنی بدرستیکه خدا ستوده و بزرگوار است

اللهم انی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد

بارخدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده تو پس مستجاب کن مرا چنانچه وعده فرموده بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را

مولف گوید این دعا بسیار خوبی است و از دعاهای ... شب است نماز ظاهر اخبر و آن عمل ساقط نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند

اللهم لک سجد سوادی و خیالی و بیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی

بارخدایا مر ترا سجده کرده سیاهی من و خیال من و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگ بیامرز از برای من

ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم

گناه مرا که بزرگست زیرا که بتحقیق نیامرزد آن را غیر تو ای بزرگ مرتبه

پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از و هفتاد و دو هزار گناه او مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نماز یست که عامه و خاصه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی درین شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است پس برخیز و برو بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبی است که درهای آسمان درین شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی خداوند درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان درین شب بعدد موی گوسفند ... ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بتکبیر

الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله

و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که درین شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند

چون از ... شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره ... بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی
... هلاک کند ... او را ... بعدد هر سوره و تسبیح قصری در بهشت او عطا کند و شفاعت
او را قبول کند ... از اهل ... خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب
روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را با و عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس
احیا کن این شب ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند او را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت
آن بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد من چون بزد تو می آیدم جمیع ملائکه آسمانها پاهای خود در صف
کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در
سجده و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه حق تعالی
درین شب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مومنی را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته
مشغول بتسبیح شده یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول بیاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته
دعایش مستجاب میشود و هر که سوال کند با و عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده شود و هر که توبه
کند توبه اش مقبول شود و محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقول است که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند یا هزار مرتبه سوره قل هو الله احد یعنی
در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را
به بیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر آنها با
که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میدارند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار
میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که حفظ میکردند او را از شر دشمنان و منقول است که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله درین شب این دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ
بار خدایا قسمت کن ما را از ترس خود آنچه حائل شود میان ما و میان نافرمانی تو و از
طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يَهُونُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ
فرمان برداری خود آنچه برسانی ما را بسبب آن بخشنودی خود و از یقین آنچه آسان شود بر ما بسبب آن مصیبتهای

فصل پنجم در بیان دعا وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است

الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعلها

دنیا بارخدایا بهره ورکن ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و توانائی ما تا وقتیکه زنده داری ما را و بگردان آنرا

الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا

میراث برنده از ما و بگردان خون ما را بر کسیکه ستم کرده ما را و یاری ده ما را بر آنکه دشمنی کرده ما را

ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ

و مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین قصد ما و نه منتهای

علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

دانش ما و دست مده بر ما آنرا که رحم نکند ما را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

واین دعا جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرتست و چون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است بهترین دعاهاست از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواندن با ترجمه در اینجا ایراد مینمائیم که در وقت خواندن متنبه معانی آن باشند تا فائده اش تمامتر و ثوابش عظیمتر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده که آن شب را احیا کند و دعای خضر علیه السلام را بخواند البته دعای او مستجاب گردد و چون حضرت بمنزل برگشت شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیرالمؤمنین بطلب دعای خضر علی نبینا و علیه السلام آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماه یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن شد که ترا چنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز گردانم پس گفت بنویس دعا

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدا بخشاینده مهربان

اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی قَهَرْتَ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق رحمت تو که فرا گرفته است هر چیز را و بتوانائی تو که غلبه کردی

بِها كُلَّ شَیْءٍ وَخَضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَذَلَّ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتی

بآن هر چیز را و فروتنی کرده برای آن هر چیز و خوار شده برای آن هر چیز و بجبروت و بزرگواری تو که

غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتی لا یَقُومُ لَها شَیْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتی

غالب کردیدی بآن هر چیزی را و بعزت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و ببزرگواری تو که

مَلَأَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَبِسُلْطانِكَ الَّذی عَلا كُلَّ شَیْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْباقی

پر کرده هر چیزی را و به پادشاهی تو که برتر شد هر چیز را و بذات مقدس تو که باقیست

بَعْدَ فَناءِ كُلِّ شَیْءٍ وَبِاَسْمائِكَ الَّتی مَلَأَتْ اَرْكانَ كُلِّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ

بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده اند اجزا و ارکان هر چیز را و بدانش تو

الَّذی اَحاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذی اَضاءَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ یا نُورُ

که فرا گرفته است هر چیز را و بروشنی ذات تو که روشن شده برای آن هر چیز ای روشنی

یا قُدُّوسُ یا اَوَّلَ الْاَوَّلینَ وَیا آخِرَ الْآخِرینَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

ای بسیار منزه ای اول پیشینیان و ای آخر پسینیان خداوندا بیامرز برای من گناهانی را

الَّتی تَهْتِكُ الْعِصَمَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ النِّقَمَ اللّٰهُمَّ

که می درد عصمتها را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که فرو می آرد عذابها را خداوندا

اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ

بیامرز برای من گناهانی که تغییر میدهند نعمتها را بار خدایا بیامرز برای من گناهانی را که حبس میکند

الدُّعاءَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَقْطَعُ الرَّجاءَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لی

دعا را بار خدایا بیامرز برای من گناهانی که قطع میکنند امید را بار خدایا بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ الْبَلاءَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لی كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ

گناهانی را که نازل میگرداند بلا را بار خدایا بیامرز برای من هر گناهی که کرده ام آن را و هر

خطيئة اخطأتها اللهم اني تقربت اليك بذكرك واستشفعت بك

خطائيكه بادو آن كردم آنرا بار خدايا بدرستيكه من نزديكى ميجويم بسوى تو بياد تو و شفيع ميسازم ترا

الى نفسك واسألك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني

بسوى تو و سوال ميكنم بسبب بخشش تو آنكه نزديك گردانى مرا بقرب خود و توفيق دهى مرا

شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسألك سؤال خاضع

شكر خود و آنكه الهام نمائى مرا ذكر خود خداوندا بدرستيكه من سوال ميكنم از تو مانند سوال فروتنى كننده

متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا

خوار لرزان آنكه مسامحه نمائى با من و رحم كنى و بگردانى مرا بقسمت خود خشنود شونده و قناعت كننده

وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسألك سؤال من اشتدت

و در تمام احوال تواضع كننده خداوندا و سوال ميكنم از تو سوال كسيكه سخت شده است

فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته

فقر او و فرود آورده است بتو نزد سختيها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تست خواهش او

اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك

خداوندا بزرگ شد پادشاهى تو و بلند شد مكان تو و منزلت تو و پنهان شد مكر تو و ظاهر شد امر تو

وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك

و غالب شد قهر تو و جارى شد قدرت تو و ممكن نميشود گريختن از حكومت تو

اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي

بار خدايا نمى يابم براى گناهان خود آمرزنده و نه براى قبائح خود پوشنده و نه براى چيزى از عمل خود

القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي

كه قبيح است بعمل نيك بدل كننده غير تو نيست خدائى بجز تو بپاكى ياد ميكنم ترا و بحمد تو مشغولم ستم كردم بنفس خود

وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي

و جرات كردم بنادانى خود و اعتماد كردم بسوى پيشين ياد كردن تو مرا و انعام تو بر من خداوندا اى آقاى من

كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته

بسیار قبیح که پوشیدی آنرا و چه گران بلاها که زایل کردی آنرا و چه بسیار لغزشها که نگاه داشتی از آن

وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم

و چه بسیار ناخوشی که دفع کردی آنرا و چه بسیار ثنای نیکو که نبودم سزاوار آن پهن کردی آنرا خداوندا بزرگ شده است

بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي و

بلای من و از حد گذشته است بدی حال من و نارسا است از جانب من کردارهای من و عاجز کرده است مرا غلهای من

حبسني عن نفعي بعد آمالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي

منع کرده است مرا از نفع خود دوری آرزوهای من و بازی داده است مرا دنیا بفریب خود و فریب داده مرا نفس من

بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان لا يحجب عنك

بجنایات خود و پس انداختن من ای آقای من پس سوال میکنم از تو بعزت تو که منع نکند از تو

دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري

دعای مرا بدی عمل من و کردار من و رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از راز من

ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي

و زود مگیر مرا بعقوبت بر آنچه کرده ام آنرا در خلوتهای خود از بدی کردار خود و بدکردن خود

ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم

و همیشگی تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا

بعزتك لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي

بعزت خود برای من در احوال همه آن رحم کننده و بر من در همه امور مهربان ای خداوند من و پروردگار

من لي غيرك اسأله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي

کیست مرا غیر تو که سوال کنم از او گشودن بدحالی خود را و نظر کردن در کار خود ای خداوند من و آقای من

اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين

جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه داری نکردم خود را در آن از زینت دادن

شعبان

الحمد لله الذي اطعمنا وسقانا وكفانا وايدنا وانعم علينا وافضل

حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد ... از ضعف معده

عدوّي فغرّني بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى
دشمن من پس فریب داد مرا بآنچه خواست ویاری او کرد برآن امر قضا خدایا پس تجاوز کردم بسبب آنچه جاری شد
عليّ من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد عليّ
بر من از قضا پاره از حدهای تو ومخالفت کردم پاره از امرهای تو پس تو راست حمد لازم است بر من
في جميع ذلك ولا حجّة لي فيما جرى عليّ فيه قضاؤك والزمني حكمك
در جمیع این احوال ونیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو ولازم کرد بر من حکم تو
وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي
وامتحان تو بتحقیق آمده ام بنزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود وبسیار ضرر رسانیدن بنفس خود
معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا
عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو طلب کننده آمرزش توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده
معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير
اعتراف کننده بآنکه نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شده از من ونه پناهی که رو کنم بسوی آن در کار خود بغیر
قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل
قبول کردن تو عذر مرا وداخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود خداوندا پس قبول کن
عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم
عذر مرا ورحم کن شدت بدحالی مرا ورها کن مرا از بستن بند گناهان مرا ای پروردگار من رحم کن
ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدا خلقي وذكري
ضعف بدن مرا وتنکی پوست مرا وباریکی استخوان مرا ای آنکسی که ابتدا کردی آفریدن مرا ویاد کردن
وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي
وتربیت کردن مرا ونیکی مرا وغذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود وبرای نیکیهای پیش تو بمن
يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد
ای خدای من وآقای من پروردگار من آیا میبینی تو که عذاب کننده من باتش خود بعد از یگانه دانستن تو

مَا انْطَوى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ

از آنچه پیچیده شده است بر آن دل من از شناخت تو و گویا شده است بآن زبان من از یاد تو و محکم کرده است

ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافِي وَدُعائِي خاضِعاً

دل من از محبت تو و بعد از راستی اعتراف من بگناه خود و دعا کردن من از روی خضوع

لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ

برای پروردگاری تو دور است این سخن تو کریم تری از آنکه ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده یا دور گردانی

مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

کسی که نزدیک کرده باشی او را یا برانی کسی را که جا داده او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که کفایت کرده و رحم کرده

وَلَيْتَ شِعْرِي يا سَيِّدِي وَإِلهِي وَمَوْلايَ أَتُسَلِّطُ النّارَ عَلى وُجُوهٍ خَرَّتْ

و کاش میدانستم ای بزرگ من و خدای من و آقای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر رویهائی که افتاده اند

لِعَظَمَتِكَ ساجِدَةً وَعَلى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صادِقَةً وَ

نزد عظمت تو سجده کنندگان و بر زبانها که گویا شده اند بیگانگی تو راست گویان و

بِشُكْرِكَ مادِحَةً وَعَلى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلى

بشکر تو مدح گویان و بر دلها که اعتراف کرده اند بخدائی تو از روی یقین و بر

ضَمائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّى صارَتْ خاشِعَةً وَعَلى جَوارِحَ

خاطرها که احاطه کرده اند از دانائی تو تا آنکه گردیده اند با خشوع و بر عضوهائی چند که

سَعَتْ إِلى أَوْطانِ تَعَبُّدِكَ طائِعَةً وَأَشارَتْ بِاسْتِغْفارِكَ مُذْعِنَةً

سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت و آوازه برداشته اند بطلب آمرزش تو از روی اذعان

ما هكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلا أُخْبِرْنا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يا كَرِيمُ يا رَبِّ وَ

نیست چنین گمان با تو و چنین خبر داده شده ایم بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار من

أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا وَعُقُوباتِها وَما يَجْرِي فِيها

و میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در آن

مِنَ الْمَكارِهِ عَلى اَهْلِها عَلى اَنَّ ذلِكَ بَلاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَليلٌ مَكْثُهُ

از مکروهات بر اهل آن با آنکه این بلا و ناخوشی سبب کم است ماندن آن

يَسيرٌ بَقاؤُهُ قَصيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمالي لِبَلاءِ الآخِرَةِ وَجَليلِ

و کمست بقای آن و کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من بلای آخرت را و بزرگ

وُقُوعِ الْمَكارِهِ فيها وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقامُهُ وَلا يُخَفَّفُ عَنْ

واقع شدن ناخوشیهای که در آن میباشد و حال آنکه آن بلائیست که طول است مدت آن و دائم است اقامت آن و سبک کرده نمیشود

اَهْلِهِ لاَنَّهُ لا يَكُونُ اِلاّ عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ وَهذا

اهل آن زیرا که آن نمیباشد مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین

ما لا تَقُومُ لَهُ السَّمٰواتُ وَالاَرْضُ يا سَيِّدي فَكَيْفَ بي وَاَنَا عَبْدُكَ

امری که نتواند در برابر آن ایستادن تاب آوردن آسمانها و زمین ای آقای من پس چگونه است حال من و حال آنکه من بنده توام

الضَّعيفُ الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ يا اِلهي وَرَبّي وَسَيِّدي وَمَولاي

ناتوان و خوار و بیمقدار و مسکنت و شکسته کننده ای خدای من و پروردگار من و سید من و ای آقای من

لاَيِّ الاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِما مِنْها اَضِجُّ وَاَبْكي لاَليمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ

برای کدام یک امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک بخروشم و بگریم آیا برای عذاب دردناک و سختی آن

اَوْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَني فِي الْعُقُوباتِ مَعَ اَعْدائِكَ

یا برای درازی بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود

وَجَمَعْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَحِبّائِكَ وَاَوْلِيائِكَ

و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود

فَهَبْني يا اِلهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَرَبّي صَبَرْتُ عَلى عَذابِكَ فَكَيْفَ

پس گرفتم ای خدای من و سید من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه

اَصْبِرُ عَلى فِراقِكَ وَهَبْني صَبَرْتُ عَلى نارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ

صبر کنم بر مفارقت تو و گرفتم که صبر کردم بر آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر

شعبان

الی کرامتک ام کیف اسکن فی النار ورجائی عفوک فبعزتک یا سیدی

بسوی کرامت ای آقای من تو آیا چگونه ساکن شوم در آتش و حال آنکه امیدم آن است که عفو کنی از من پس قسم بعزت تو ای آقای من

ومولای اقسم صادقا لئن ترکتنی ناطقا لاضجن الیک بین اهلها

و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی که اگر وا گذاری مرا گویا هر آینه ضجه کنم بسوی تو در میان اهل جهنم

ضجیج الآملین ولاصرخن الیک صراخ المستصرخین ولابکین

خروش امیدواران و هر آینه ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و هر آینه بگریم

علیک بکاء الفاقدین ولانادینک این کنت یا ولی المؤمنین

بر تو گریه از لطف و رحمت تو گریستن آنانکه دست خود را گم کرده اند و البته فریاد برآورم ترا که کجائی ای دوست مؤمنان

یا غایة آمال العارفین یا غیاث المستغیثین یا حبیب قلوب الصادقین

ای نهایت آرزوهای عارفان ای فریادرس یاری جویان ای دوست دلهای راستگویان

ویا اله العالمین افتراک سبحانک یا الهی وبحمدک تسمع فیها صوت

و ای خداوند عالمیان آیا پس میشود منزه میکنم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم که بشنوی در جهنم صدای

عبد مسلم سجن فیها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصیته وحبس

بنده مسلمانی را که انداخته شده باشد در آن بسبب مخالفت و چشیده مزه عذاب آن را بسبب نافرمانی خود و حبس کرده شده

بین اطباقها بجرمه وجریرته وهو یضج الیک ضجیج مؤمل لرحمتک

در میان طبقات جهنم بجرم او و جنایات او و او خروش کند بسوی تو خروش کسیکه امیدوار رحمت تو باشد

ویناديك بلسان اهل توحیدک ویتوسل الیک بربوبیتک یا مولای

و ندا کند ترا بزبان یگانه پرستان تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو ای آقای من

فکیف یبقی فی العذاب وهو یرجو ما سلف من حلمک ورأفتک و

پس چگونه باقی ماند در عذاب و حال آنکه امیدوار است به آنچه پیش دیده است از بردباری تو و مهربانی تو

رحمتک ام کیف تؤلمه النار وهو یأمل فضلک ورحمتک ام کیف

رحم کردن تو آیا چگونه درد آورد او را آتش و او امیدوار فضل ترا و رحمت ترا آیا چگونه

يحرقه لهيبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه

بسوزد او را زبانه آتش و تو شنوی صدای او را و بینی جای او را آیا چگونه مشتمل شود بر او

زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتقلقل بين اطباقها وانت

زبانه های صاحب صدای آن تو دانی ناتوانی او را آیا چگونه مضطرب شود در میان طبقات جهنم و تو

تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف

دانی راستگویی او را آیا چگونه زجر نمایند او را زبانیه جهنم و او ندا کند ترا ای پروردگار من آیا چگونه

يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك

امید دارد فضل ترا در آزاد کردن خود از جهنم پس خواهی گذاشت او را در آن دور است این خیال و چنین نیست گمان به تو

ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من

و نه شناخته شده است از فضل تو و نه شبیه است بآنچه معامله کرده با یگانه پرستان از

برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب

نیکی تو و احسان تو پس بیقین قطع دارم که اگر نه آن بودی که حکم کرده به آن که عذاب کنی

جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها

منکران خداوندی خود را و مقرر کرده ای که همیشه در جهنم بدارد معاندان خود را هر آینه می گردانیدی آتش را تمام

بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست

سرد و سلامت و نه بودی مر آن احدی را محل قرار و نه جای اقامتی ولیکن تو که مقدس است

اسماؤك اقسمت ان تملأها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين

نامهای تو قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و آدمیان همه

وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت

و آنکه همیشه بداری در جهنم معاندان را و تو که بزرگ است ستایش تو گفته ابتدا کننده بخشش کردی

بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون

به نعمت دادن کرم کننده آیا کسی که بود مومن مانند کسی است که بود فاسق مساوی نیستند

إلهی وسیدی فأسألك بالقدرة التی قدرتها وبالقضیة التی حتمتها

ای الرین آقای من پس سؤال میکنم از تو بتقدیری که مقدر کرده آنرا و بحکمی واجب کردی آنرا

وحکمتها وغلبت من علیه أجریتها أن تهب لی فی هذه اللیلة و

وحکم کردی بدان و غالب شده برکسیکه آنرا بر وجاری کرده آنکه ببخشی بمن در این شب و

فی هذه الساعة کل جرم أجرمته وکل ذنب أذنبته وکل

در این ساعت هر جرمی که کسب کرده ام آنرا و هر گناهی که مرتکب آن شده ام و هر کار

قبیح أسررته وکل جهل عملته کتمته أو أعلنته أخفیته أو أظهرته

بدی که پنهان کرده ام و هر نادانی که بعمل آورده ام خواه پنهان کرده باشم آنرا خواه آشکار خواه مخفی کرده باشم

وکل سیئة أمرت بإثباتها الکرام الکاتبین الذین وکلتهم

و هر بدی که امر کرده بنوشتن آنها بزرگواران نویسندگانرا که موکل گردانیده

بحفظ ما یکون منی وجعلتهم شهوداً علی مع جوارحی وکنت

آنها را که حفظ کنند آنچه صادر میشود از من و گردانیده ایشانرا گواهان بر من با اعضای من و من که بودی

أنت الرقیب علی من ورائهم والشاهد لما خفی عنهم وبرحمتك

تو نگهبان بر من بغیر ایشان و گواه بر آنچه پنهانست از ایشان و برحمت خود

أخفیته وبفضلك سترته وأن توفر حظی من کل خیر

پنهان کردی آنرا و بفضل خود پوشانیدی آنرا و آنکه فراوان کردانی بهره مرا از هر نیکی

تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب

که فرو فرستی یا احسانی که تفضل نمائی یا خوبی که پهن کنی آنرا یا روزیی که گشایش دهی آنرا یا گناهی

تغفره أو خطأ تستره یا رب یا رب یا رب یا إلهی وسیدی ومولای

که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من

ومالك رقی یا من بیده ناصیتی یا علیماً بضری ومسکنتی

و مالک بندگی من ای آنکسی که بدست اوست موی پیش سر من ای دانا به بدحالی من و بیچارگی من

يا بصيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب أسألك بحقك وقدسك

ای مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار ای پروردگار سؤال میکنم از تو بحق تو و بپاکی تو

وأعظم صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي في الليل والنهار

و ببزرگترین صفات تو و بنامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز

بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي عندك مقبولة

بیاد خود آبادان و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده

حتى تكون أعمالي وأورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك

تا آنکه بوده باشد کارهای من و اورادهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو

سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت

پیوسته بی نهایت ای آقای من ای آنکه بر او ست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم

أحوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد

احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من توانا گردان بخدمت خود اعضای مرا و محکم کن

على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في

بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا جهد در ترس خود و مداومت در

الاتصال بخدمتك حتى أسرح إليك في ميادين السابقين

متصل بودن در خدمت تو تا آنکه روانه شوم بسوی تو در میدانهای پیشروان

وأسرع إليك في المبادرين وأشتاق إلى قربك في المشتاقين

و تند روم بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان

وأدنو منك دنو المخلصين وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في

و نزدیک شوم از تو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین و گرد آیم در

جوارك مع المؤمنين اللهم ومن أرادني بسوء فأرده ومن كادني

همسایگی قرب تو با مؤمنان بارخدایا و هر که اراده کند مرا به بدی پس تو اراده کن او را به بدی و هر که مکر کند

[illegible]

فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً

پس قصد کن آن کس را و بگردان مرا از نیکوترین بندگان خود در بهره نزد خود و نزدیکترین ایشان در منزلت

مِنْكَ وَأَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

نسبت بخود و مخصوص ترین ایشان در قرب نزد خود زیرا که نمی توان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو

وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ

و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من ببزرگواری خود و نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان

لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهِجاً وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ

زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت نه بر من به نیکی اجابت خود

وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ لِي زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ

و درگذر از لغزش من و بیامرز لغزش مرا بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود

وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ

و امر کرده ایشان را بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن را پس بسوی تو ای پروردگارا

نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ

پیش کرده ام روی خود را و بسوی تو ای پروردگار کشیده ام دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم

اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَاكْفِنِي

مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان آرزوی مرا و قطع مکن از فضل خود امید مرا و دفع کن از من

شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ

بدی جنیان و آدمیان از دشمنان من ای زود خشنود شونده بیامرز کسی را که از دستش نمی آید کاری مگر دعا

فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنًى

پس بدرستیکه تو کننده ای آنچه را که خواهی ای آنکه نام او دواست و یاد او شفا است و فرمانبرداری او توانگری

ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ

رحم کن کسی را که سرمایه اش امید است و حربه اش گریه است ای تمام کننده نعمتها ای دفع کننده عذابها

[illegible] علیه السلام منقول است که [illegible] اسرائیل بحضرت موسی علی نبینا و علیه السلام شکایت کردند [illegible] حق تعالی وحی بحضرت موسی علیه السلام کرد که امر کن ایشان را [illegible]

[illegible]

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِماً لَا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ

محمد و بکن بمن آنچه تو لائق سزاوار آنی و درود فرستد خدا بر رسول خود و بر پیشوایان

الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً

صاحب میمنت که آل اویند و سلام فرستد سلام فراوان

فصل پنجم در اعمال بقیه ماه است از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که سه روز آخر ماه شعبان روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک و تلافی کن در آنچه ازین ماه مانده است از تقصیرها که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافعست برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکردی مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکارا امور خود و هر که بر خدا توکل کند بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ

بارخدایا اگر نبوده باشی که آمرزیده باشی ما را در آنچه گذشته است از شعبان پس بیامرز ما را در آنچه باقی مانده است از آن بدرستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میکرداند بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه رمضان بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه مبارک رمضان

اللهم هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس

بار خدایا بدرستیکه این ماه با برکت که فرو فرستادی در آن قرآن را در حالتیکه راهنمای مردمانست

وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا و

و بیانهای روشن از راه نمائی و جدا کننده حق و باطل تحقیق حاضر شد پس سالم دار ما را در آن و سالم دار آنرا برای ما

تسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر الكثير

سالم دار آنرا از ما حال آنکه بوده باشیم در آسانی از جانب تو و عافیت ای آنکه فرا گرفت عمل اندک را و جزا داد بسیار

اقبل مني اليسير اللهم اني اسألك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا

به پذیر از من عمل اندک بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی راهی

ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفا عني وعما

و از هر چه دوست نداری بازدارنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای آنکه درگذشت از من و از آنچه

خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب المعاصي عفوك

پوشیده داشتم آنرا از گناهان ای آنکه مواخذه نکرد مرا بسبب مرتکب شدن نافرمانیها طلب میکنم عفو ترا

عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني عن محارمك

عفو ترا عفو ترا ای بزرگوار ای خدای من پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی مرا از محرمات خود

فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك اللهم

پس منع نگشتم پس چیست عذر من پس درگذر از من ای بزرگوار میخواهم عفو ترا عفو ترا بار خدایا

اني اسألك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم

بدرستیکه سؤال میکنم از تو آسایش را نزد مردن و درگذشتن را نزد حساب بزرگ است

الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا اهل التقوى ويا اهل

گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار

المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك ابن عبدك ابن امتك ضعيف

آمرزش امید دارم عفو ترا عفو ترا بار خدایا بدرستیکه من بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز توام ناتوانم

فقیر الی رحمتک وانت منزل الغنی والبرکة علی العباد قاهر مقتدر

محتاجم بسوی رحمت تو و تو فرود آورندهٔ بی نیازی و برکتی بر بندگان غالب توانائی

احصیت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم

شمردی کردارهای ایشان را و قسمت کردی روزیهای ایشان را و گردانیدی ایشان را مختلف زبانهای ایشان

والوانهم خلقا من بعد خلق لا یعلم العباد علمک ولا یقدر العباد

و رنگهای ایشان گروهی پس از گروهی نمیدانند بندگان دانش ترا و اندازه نتوانند کرد بندگان

قدرتک وکلنا فقیر الی رحمتک فلا تصرف عنی وجهک واجعلنی

قدرت ترا و همه ما محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا

من صالحی خلقک فی العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقنی خیر البقاء

از شایستهٔ خلق خود در کردار و امید و قضا و قدر خدایا زنده دار مرا زندگی نیکو

وافننی خیر الفناء علی موالاة اولیائک ومعاداة اعدائک والرغبة

و بمیران مرا بمردن نیکو بر دوستی دوستان خود و دشمنی دشمنان خود و خواهش

الیک والرهبة منک والخشوع والوفاء والتسلیم لک والتصدیق

بسوی خود و ترسیدن از خود و فروتنی کردن و وفا نمودن و فرمان بردار گردیدن ترا و باور کردن

بکتابک واتباع سنة رسولک صلواتک علیه وآله اللهم

کتاب تو و پیروی نمودن طریقهٔ رسول تو رحمت تو باد بر او و بر آل او بار خدایا

ما کان فی قلبی من شک او ریبة او جحود او قنوط او فرح

آنچه باشد در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی

او بذخ او بطر او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق او نفاق او کفر

یا سرکشی یا طغیان یا کبر یا نمودن یا شنوانیدن یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی

او فسوق او عصیان او عظمة او شیء لا تحب فاسألک یا رب

یا گناه یا نافرمانی یا نخوت یا چیزی که دوست نداری پس سؤال میکنم از تو ای پروردگار

أَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيمَاناً بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَرِضاً بِقَضَائِكَ

انکه بدل نمائی برای ما بجای آن تصدیق بوعدهٔ تو و وفا کردن به پیمان تو و خوشنودی بحکم تو

وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَأَثَرَةً وَطُمَأْنِينَةً وَتَوْبَةً نَصُوحاً

و بی رغبتی در دنیا و خوهش [illegible] آنچه نزد تست [illegible] که منفرد باشم بآن و آرام و توبهٔ خالص

أَسْأَلُكَ ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلٰهِي أَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصَى فَكَأَنَّكَ

سوال میکنم از تو این ای پروردگار جهانیان خدای من تو از بردباری خود عصیان کرده میشوی پس گویا تو

لَمْ تُرَ وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطَاعُ فَكَأَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَأَنَا وَمَنْ

ندیدهٔ آنرا و از بزرگواری خود و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشدهٔ و من و آنکه

لَمْ يَعْصِكَ سُكَّانُ أَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَاداً وَبِالْخَيْرِ

نافرمانی نکرده ترا ساکنان زمین توام پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و به نیکی

عَوَّاداً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوٰةً دَائِمَةً

بسیار باز گردنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشه

لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ وَلَا يَقْدِرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که دریافته نشود و شمرده نشود و اندازه نکند اندازهٔ آنرا غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

وطلم نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد نشده است علما ذکر کرده اند شب اول صد رکعت با حمد و توحید یک مرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سورهٔ حمد دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه سوم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد و آیهٔ امن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید و در دوم حمد و آیهٔ قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر

رکعت حمد و آیة الکرسی یک مرتبه و سورهٔ انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت رکعت در سر رکعت
حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سورهٔ
الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ والتین چهاردهم چهار رکعت در سر
رکعت حمد و پنج مرتبه سورهٔ والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در سر رکعت حمد
و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه

ای پروردگار من بیامرز مرا　ای پروردگار من رحم کن مارا

یا رب تب علینا و بیست یک مرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی

ای پروردگار من بپذیر توبه مرا　پاک است خدائی که زنده میگرداند

الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر

مردگان را و می میراند زندگان را و او بر همه چیز تواناست

شانزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در سر
رکعت حمد و یک مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هیجدهم ده رکعت در سر رکعت
حمد و پنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و پنج مرتبه آیهٔ قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت
در سر رکعت حمد و پانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه
توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید
بیست و سوم سی رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در سر رکعت
حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه الهیکم التکاثر
بیست و ششم دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه آیهٔ امن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در سر
رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در سر رکعت حمد و یک صد مرتبه توحید
و معوذتین بیست و نهم دو رکعت در سر رکعت حمد یک مرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه
سی ام دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد باب سیم در بیان مجملی از فضائل و اعمال ماه مبارک رمضان است و در آن

بنشت فصل است **فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارک** است باید دانست که ماه مبارک
رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریف‌ترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها
الناس بتحقیق که رو کرده بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها
است روزهایش بهترین روزهاست شبهایش بهترین شبهاست و ساعتهای آن بهترین ساعتهاست
آن ماهی است که خوانده‌اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده‌اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای
شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعاهای
شما در آن مستجاب است پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و به دلهای پاکیزه از گناهان
و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه
شقی و بدعاقبت کسی باشد که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی
شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران
خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاهدارید زبانهای خود را
از آنچه نباید گفت و بپوشید دیده‌های خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آنها و بازدارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی
کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست نظر میکند حق تعالی
درین اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک
میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان
بدرستیکه جانهای شما در گروِ کردههای شماست پس از گرو بدرآورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای
شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را بطول دادن سجدهها و بدانید که حق تعالی
سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگزارندگان و سجده‌کنندگان را و نترساند ایشان را
باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار نماید روزه‌دار مؤمنی را درین ماه از برای

رمضان

او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند
یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم با فطار فرمودن روزه داران
اگر چه بنصف دانه خرما باشد و اگرچه بیک شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد بکسی که چنین کند
اگر قادر بر زیاده ازین نباشد ایها الناس هر که خلق خود را درین ماه نیکو کند بر صراط بگذرد در روزیکه
قدمها بر آن بلغزد و هر که سبک گرداند درین ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را
بر او آسان گرداند و هر که درین ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او
باز دارد و هر که درین ماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که درین ماه
صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که درین ماه قطع
احسان خود از خویشان خود بکند خدای عزوجل در قیامت قطع رحمت خود از و بکند و هر که نماز سنتی
درین ماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که درین ماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند
باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده باشد و هر که درین ماه بسیار صلوات فرستد بر من
و آل من خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوهای اعمال سبک باشد و کسیکه یک آیه از قرآن
درین ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه
درهای بهشت درینماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نه بندد و درهای جهنم درینماه
بسته است از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را درینماه غل میکنند پس سوال کنید از خدا که هرگز بر شما
مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر المومنین صلوات الله و سلامه علیه منقول است که در ماه رمضان
خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس این ماهی است که خدا از سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده
است مانند فضیلت اهل بیت بر سایر مردم و درین ماه گشوده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و درینماه شنیده میشود نداهای مومنان
و مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریه های ایشانرا و درینماه شبی است که در آن
شب ملائکه از آسمان بزمین می آیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار برخصت پروردگار
خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت

رمضان

پیش از آنکه آدم علیه السلام را خلق کند دو هزار سال عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار
ماه روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه مبارک
رمضان در ماههای آن طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار با خلعت این ماه سید ماههای
دیگر است روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست در دیوان شیاطین زنجیر
غل کرده در رمضان موزنا گردانید خدا در این ماه روزه [illegible] نویسند [illegible] کرده اند
در این ماه حاجیان بیت الله و در این ماه حق تعالی نظر میکند بسوی اهل ایمان بر زمین فیروزی و رحمت و عفو
و خشنودی خداوند [illegible] ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستیکه در این ماه مهمان پروردگار
خودی نظر کن و تأمل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا
و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد
خدا نباشی پس بیرون رود این ماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه داران
مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی و در وقتیکه بکرامت آقای خود فائز گردند تو از
جمله محرومان باشی و در روزی که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از رانده
شده ها باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود برگرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر
محروم گرداند ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند که ترا گرامی خواهد داشت
و اگر او ترا ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد که ترا یاری خواهد کرد و اگر
او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها و گناهان
ترا نیامرزد امید بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده
از تو طلب نماید چه جواب در برابر او خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت
کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که
شفاعت او را قبول میکند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که تلاوت آن کرده اند
پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد
ترا که هر نفسی که در این ماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه عمل تو می نویسند و خواب تو در این ماه

عبادتست و طاعت تو درینماه مقبولست و گناهان تو درین ماه آمرزیده است و آوازهای تو
درینماه شنیده شده است بمناجات و زاری که با خدا میکوئی و تو رحم میکنند و دستگیر ی شنیدم از
حبیب خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که خداوند عالمیان در هر شب از شبهای ماه مبارک
رمضان آزاد کرده است از آتش جهنم که عدد ایشانرا بغیر از خدا کسی نمیداند و چون شب آخر ماه میشود
در آن شب می آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است پس اینست که هر که ماه مبارک رمضان را روزه
بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت را البته از برای او واجب گرداند و هر که
درینماه روزه بدارد و در هیچ شب از شبهای آن افطار نکند بحرام البته داخل بهشت شود پس حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که شنیدم از سید انبیا صلی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیای
پیغمبران و بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود
بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود
بلی بخدا سوگند که در آن وقتی که بدبخت ترین امت من خضاب کند ناقه صالح و ضربتی
بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع بگریه و زاری و فغان کردند
و حضرت از منبر بزیر آمد و ایضاً از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست بسندهای معتبر که فرمود
ایها الناس هر که دریابد ماه مبارک رمضان پس روزه دارد روزش را و بایستد بنماز
و عبادت قدری مقرری از شب آنرا و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه
آن و بامداد آن بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فائز میگردد بجایزه‌ها
و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست **فصل دوم** در بیان
حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه
را می‌شکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنا بر مشهور یا پنهان شدن قرص
آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است و باید نیت
قربت پس باید که بداند آن چیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار است در اینها
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متیقن باشد

وجوب ترک آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطاً
و آنچه سید عذر مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحباً و اگر قصد ترک جمیع محرمات الصوم کند بهتر است
و اما آنها که واجب است ترک آنها کردن اول و دوم چیز خوردن و چیز آشامیدن است و چیزی که خوردن
و آشامیدن آن متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو
میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر غیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق
داخل شود محل خلاف است و همچنین خلاف است در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد
خوردن و آشامیدن آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب افشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر
آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجب است و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره
بعمل آورد سوم جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال شود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و
کفاره میشود بخلاف جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره
لازم میشود و مشهور آنست که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و
بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است چهارم باقی ماندن است بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که
مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا تنها واجب دانسته اند و
احوط آنست که اگر زن حائض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و
آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند و تیمم را نشکند
تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن
داشته باشد جایز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روزه بر او واجب نیست و بعضی
واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد
بر او قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگرچه در دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب دوم
وجوب قضاست و این قول قوی است بلکه خلافی در آن ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد
آنست که در خواب سوم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است و اقوی
عدم وجوب کفاره است و بعضی از متأخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از

بیدار شدن از احتلام حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم اختیار نموده و این احوط است
بلکه خالی از قوتی نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست که آیا باید که
صبح را پاک دریابد یا نه و حق آنست که در قضای ماه رمضان نیز باید صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط آنست
که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد
و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار باشد و شک نیست که احوط است روزه
سنت اگر عمدا در جنابت بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است
و در واجب معین اگر شب عمدا نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه اش باطل
است و قضا میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال میتواند کرد
و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد و اگر چه قضای ماه رمضان باشد و در روزه سنت خلافی
نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد
از زوال خلافست بعضی گفته اند تا نزدیک بشام نیت میتوان کرد و جمعی از محققین علما باین قایل اند
و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته اند که بعد از زوال نیت نمی تواند کرد و بعضی گفته اند که پیش از زوال
نیت کند ثواب روزه تمام روز را می یابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام
را می یابد و رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی از موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی قضا
تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود
غلیظ و بخار غلیظ را اگر از آن جزو منفصل شود چون دود تنور و بخار و دیگ و اظهر عدم بطلانست و دود
انجفنا است از دود خوشبو اکو و هشتم استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن موجب قضا
و کفاره است و مشهور آنست که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود در روزه باطل میشود و قضا و کفاره
لازم است و بعضی برین قایل شده اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادتا و انزال
نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای
از او شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد
و با آن معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است مفهوم نکردن عمدا اکثر

رمضان

مولف قضا تنها میدانند وبعضی قضا وکفاره هردو را واجب میدانند وبعضی هیچیک را واجب نمیدانند
ومسئله مشکل است ووجوب قضا تنها خالی از قوتی نیست ومشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید بر او
قضا نیست وبعضی قضا را واجب دانسته اند واین قول ضعیف است هشتم حقنه است وبعضی موجب
قضا وکفاره هردو دانسته اند وبعضی موجب قضا تنها وبعضی حرام دانسته اند وموجب هیچیک
ندانسته اند وبعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته اند وحقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته
اند وبعضی مطلقا مکروه دانسته اند واین قول اقوی است واحوط آنست که بدون ضرورت
حقنه بمایع نکند واگر بکند قضا بکند واشهر واقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد
صوم نمی شود وسعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است وبعضی موجب
قضا وکفاره دانسته اند واگر بحلق رسد احوط اجتناب است نهم دروغ گفتن بر خدا ورسول خدا و
ائمه هدی صلوات الله علیهم است بآنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه کسی که اهلیت
مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید ودر حرمت آن شکی نیست وبعضی در روزه موجب قضا و
کفاره میدانند وبعضی میگویند موجب فساد صوم نمی شود وخالی از قوتی نیست واحوط آنست که
اگر بکند قضا بکند وکفاره بدهد دهم سر فرو بردن در آبست وجمعی آنرا موجب قضا وکفاره میدانند
وبعضی موجب قضا تنها میدانند وبعضی حرام میدانند وموجب هیچیک نمیدانند وبعضی مکروه میدانند
واظهر حرمت است وعدم وجوب قضا وکفاره وبعضی گفته اند که اگر سر را بآب فرو برد تا گردن
وبدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد واین احوط است وبعضی گفته اند که اگر فرو برد منافذ
سر را دفعة هرچند منابت مو بیرون باشد باز حکم ارتماس دارد واین احوط است واحوط آنست که
در روزه سنت نیز سر را بآب فرو نبرد وبعضی تجویز کرده اند واحوط ترک است یازدهم بلغمی که
از سینه برآید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز
ابتلاع آنچه بیرون می آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود وعدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز
ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد وتحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سوم جواز کشیدن آن
از سینه وسر وجواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود وجمعی حکم بفساد کرده اند بعضی بقضا

تنها قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و بعضی بکفاره جمع قائل شده اند و گمان فقیر آنست که هیچ یک لازم نمی شود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بعضای بهن باید فرو نبرد و از مشهور میان علما آنست که مکروه است که زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند که اگر در آب نشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است و در خائیدن آن مصطکی که آبش را فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است آن وقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده و خورده باشد قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوب است مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد و این احوط است

فصل سوم در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست به بدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص بصورتیست که اینها محرک شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است بینی کشیدن چیزی که آنرا طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن شکی باشد و مشهور کراهیت بیرون کردن خونست از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است بوئیدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک را هم نبوید و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طیب تحفه صائم است و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زائل نگردد و اشهر و اقوی آنست که بوئیدن رائحه غلیظه مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوئیدن رائحه غلیظه که بجوف رسد موجب قضا و کفاره است میشود و احوط آنست که بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده

رمضان

و مکروه است که صائم جامه که ملاصق بدنست تر کند و مکروه است زن صائمه را که در آب بنشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه روزه دار میباید روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضاً از آن حضرت منقول است که فرمود روزه همین از خوردن و آشامیدن نیست تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ بپوشانید دیده های خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دل تنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشهٔ اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت بنده که از آقای خود ترسد و ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیله ها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا از آنچه غیر اوست در روزه و ولایت خود را خالص کردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ کردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است با آن و خوانده است بسوی آن اگر همهٔ اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه دار است بعمل آورده و فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم شود از فضل آن و ثواب آن و بدرستی که پدرم گفت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنید که زنی

و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ... کننده های ... نمی برای ... اندازد

در روزه جاریهٔ خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور زن گفت من روزه‌ام
حضرت گفت چگونه روزه و جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بلکه
حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سائر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کم اند روزه داران
و بسیار اند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه دار که بهره
نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر
تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست و خوشا افطار کردن زیرکان
که بهتر از روزه داشتن بجهد دانستن زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از
جملهٔ عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان
محشور میگردند و بر اسرار غیب و یا رؤیای صادقه مطلع میگردند و راهها از راههای قرب ایشانست و
افطار خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است
از روزه های احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی خود کرده اند و بریا و عجب ... میکنند و
و بشرائط صوم عمل نمیکنند فصل چهارم در بیان آداب و شرائط دخول ماه مبارک رمضانست
است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون هلال ماه
رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب با ماه بگو

رَبِّی وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَ

پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار جهانیان ای خدا طالع گردان هلال را بر ما با ایمنی و

الْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلٰی مَا تُحِبُّ

ایمان و سلامتی و اسلام و شتافتن بسوی آنچه دوست دار

وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِی شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ

و میپسندی خداوندا برکت ده برای ما در ماه ما این ماه و روزی کن مرا نیکوئی آن و مدد آن

وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ

و بگردان از ما بد حاصلی آنرا و شر آنرا و بلای آنرا و آشوب آنرا

بهترین دعاهای هلال دعای صحیفهٔ کامله است و ابن ابی عقیل رحمه الله این دعا را در وقت رویت هلال ماه مبارک رمضان واجب دانسته اند

الحمد لله الذی خلقنی و خلقک و قدّر منازلک و جعلک مواقیت

سپاس مر خدای را که آفریده مرا و آفریده ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانهای اوقات

للناس اللّهمّ اهلّه علینا اهلالاً مبارکاً اللّهمّ ادخله علینا

برای آدمیان خداوندا داخل کن آنرا بر ما داخل کردنی بابرکت خداوندا داخل کن آنرا بر ما

بالسّلامة و الاسلام و الیقین و الایمان و البرّ و التقوی و التوفیق لما تحبّ و ترضی

باسلامتی و اسلام و یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزکاری و توفیق برای آنچه دوست داری و پسندی آنرا

و در شب اول ماه جماع سنت است و غسل در شب اول سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضاً منقول است که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق علیه السلام فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از و بریزد مانند برگ از درختان و از گناه بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضاً از آنحضرت منقول است که هر که در شب اول ماه سورهٔ انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد

سورهٔ انعام بخواند و سوال کند که حق تعالی از و کفایت شر و رکند خدا او را کفایت کند از آنچه می ترسد
در آن ماه و حفظ کند او را از آنچه می ترسد و از بیماریها و دردها و ترسها و این نماز را انشتر تسمیه
کرده و سوره را از دو جای قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزهٔ تمام ماه را بکند و باز هر شب
نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که فردا روزهٔ ماه رمضان میدارم واجب قربةً الی الله و در روز
اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بسر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا
از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی
نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از این بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول
ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض برسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقول است که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه
قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدقی
بکند بانچه میسر شود سلامتی آن ماه را خریده است و در روز اول ماه این دعا سنت است

اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ
خداوندا بتحقیق حاضر شده ماه رمضان و بتحقیق واجب ساختی بر ما روزه داشتن آنرا و فرو آوردی
فِيهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا
در آن قرآن را در حالیکه رهنمای آدمیان است و آیتهای روشن است از راهنمائی و جدا کننده حق از باطل خداوندا یاری کن ما را
عَلٰى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ
بر روزه داشتن آن و بپذیر آنرا از ما و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در آسانی از خود و عافیت
اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا میخواندند

اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذي

بار خدایا بتحقیق داخل شده ماه رمضان بار خدایا ای پروردگار ماه رمضان که

انزلت فيه القرآن وجعلته بينات من الهدى والفرقان اللهم فبارك

فرو فرستادی در آن قرآن را و کردانیدی آنرا معجزه های روشن از راهنمائی و جدا کردن حق از باطل بار خدایا برکت ده

لنا في شهر رمضان واعنا على صيامه وصلوته وتقبله منا

بجهت ما در ماه رمضان و مدد کن ما را بر روزه داشتن آن و نماز آن و بپذیر آنرا از ما

وایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد بخواند حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از وی دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی در روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوانند و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای خدای تعالی بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال فتنه و گمراهی به او نرسد و آفتی ضرر نرساند بدین او و بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع میشود از بلاها و دعا این است

اللهم اني اسألك باسمك الذي دان له كل شيء وبرحمتك التي وسعت

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق نام تو آنچنانکه ذلیل شده برای او هر چیز و برحمت تو که فرا گرفته است

كل شيء وبعظمتك التي تواضع لها كل شيء وبعزتك التي قهرت

هر چیزی را و بعظمت تو که فروتنی نموده برای آن هر چیزی و بعزت تو که قهر و غلبه نموده

كل شيء وبقوتك التي خضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل

هر چیزی را و بقوت تو آنچنانی که پستی نموده برای آن هر چیز و بجبروت بزرگواری تو که غلبه نموده بر

شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا اول

چیزی را و بدانش تو که فرا گرفته هر چیزی را ای نور ای بغایت پاک ای اول

قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل
پیش از هر چیز و ای باقی بعد از هر چیز ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد و آل
محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي
محمد و بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی را که
تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي
فرو می آورند عذابها را و بیامرز برای ما گناهانی را که می برند امید را و بیامرز برای ما گناهانی را که
تديل الاعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي
غالب میگردانند دشمنان را و بیامرز برای من گناهانی را که بر می گردانند دعا را و بیامرز برای ما
الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس
گناهانی را که سزاوار گردیده میشود بسبب آن فرود آمدن بلا را و بیامرز برای من گناهانی که باز میدارد
غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل
باران آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که از آن میکشند پرده را و بیامرز برای من گناهانی که تعجیل میکند
الفناء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي
نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را که تیره میسازد جهان را و بیامرز برای من گناهانی را که
تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي
در عقب دارد پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی را که می درد پرده های عصمت و بیامرز برای
الذنوب التي ترفع القسم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام و
گناهانی را که زائل میکند روزی را و بپوشان مرا زره محکم خود که قصد کرده نشود و
عافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات
عافیت بخش مرا از شر آنچه میترسم در شب و روز در وقت رو آوردن سال من این سال خدایا ای پروردگار آسمانهای
السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم
هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و ای پروردگار عرش بزرگ

وربّ السبع المثانی والقرآن العظیم وربّ اسرافیل ومیکائیل وجبرائیل

ای پروردگار سبع مثانی وقرآن بزرگ وای پروردگار اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل

وربّ محمّد صلّی الله علیه وآله سیّد المرسلین وخاتم النبیّین اسألك

وای پروردگار محمد رحمت فرستاد خدا بر او و بر آل او بزرگ فرستادگان و آخر پیغامبران درخواستم از تو

بك وبما سمّیت به یا عظیم انت الذی تمنّ بالعظیم وتدفع کلّ محذور

بحرمت تو و بحرمت آنچه نامیده شده بآن ای بزرگ مرتبه توئی آنکه بخشش میکنی بخشش بزرگ و دفع مینمائی هر محذوری

وتعطی کلّ جزیل وتضاعف من الحسنات بالقلیل وبالکثیر

و عطا میفرمائی هر عطای وافری را و دو چند میکنی نیکیها را در مقابل عمل کم و مقابل عمل بسیار

وتفعل ما تشاء یا قدیر یا الله یا رحمن صلّ علی محمّد واهل بیته

و میکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد و خاندان او

والبسنی فی مستقبل سنتی هذه سترك ونضّر وجهی بنورك واحبّنی

و بپوشان مرا در آینده سال من این سال پرده خود و درخشان کن روی مرا بنور خود و دوست دار مرا

بمحبّتك وبلّغنی رضوانك وشریف کرامتك وجسیم عطیّتك

بدوستی خود و برسان مرا بخشنودی خود و نوازش بلند پایه خود و عطیه بزرگ مرتبه خود

واعطنی من خیر ما عندك ومن خیر ما انت معطیه احدًا من

و عطا کن مرا از بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا فرمائی آنرا بیکی از

خلقك والبسنی مع ذلك عافیتك یا موضع کلّ شکوی ویا شاهد

آفریدگان خود و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت وای دانای

کلّ نجوی ویا عالم کلّ خفیّة ویا دافع ما تشاء من بلیّة یا کریم العفو

هر راز وای دانای هر نهان وای زائل نماینده آنچه خواهی از بلا ای کریم عفو

یا حسن التجاوز توفّنی علی ملّة ابراهیم وفطرته وعلی دین محمّد

ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابراهیم و دین او و بر دین محمد

صلى الله عليه وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني

رحمت فرستد خدا برو و بر آل او و طریقه او و بر بهترین مردن بمیران مرا

معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل

دشمن باشم مر دشمنان ترا خداوندا و دور گردان مرا درین سال از هر کرداری یا گفتاری یا فعلی

يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني

که دور سازد مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک گرداند مرا

منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل

بتو درین سال ای بخشنده ترین بخشایندگان و بازدار مرا از هر عملی

او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك

یا قولی یا فعلی که باشد از من که می ترسم ضرر عاقبت آنرا و می ترسم دشمن داشتن تو

اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به

مرا بران بجهت خوف از آنکه بگردانی روی لطف گرامی خود را از من پس مستحق گردم بسبب آن

نقصا من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في

کم شدن از بهره که مراست نزد تو ای مهربان ای مهربان بارخدایا بگردان مرا در

مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني

آینده سال من این سال در حفظ خود و در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا

ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله

پوشش عافیت خود و ببخش مرا نوازش خود ارجمند است همسایه تو و بزرگ است ستودن تو و نیست

غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالحي من مضى من اوليائك والحقني

غیر تو خداوندا بگردان مرا پیروی کننده مر نیکوکاری که گذشت از دوستان تو و در رسان مرا

بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك

با ایشان و بگردان مرا انقیاد برای آنکه گویا شده براستی بر تو از ایشان و پناه میگیرم بتو

رمضان

[illegible]

تحيط بي خطيئتي وظلمي وإسرافي على نفسي واتّباعي لهواي

آنکه فرو گیرد مرا گناه من و ستم من و تعدی من بر نفس خود و پیروی من خواهش خود را

واشتغالي بشهواتي دون ذلك يحول بيني وبين رحمتك ورضوانك فأكون

و مشغول شدن من بخواهشهای خود پس حائل شود آن میان من و میان رحمت تو و خوشنودی تو پس بوده باشم

منسيّاً عندك متعرّضاً لسخطك ونقمتك اللهمّ وفّقني لكلّ عمل

فراموش شده نزد تو و پیش آینده مر غضب ترا و عذاب ترا خداوندا توفیق ده مرا بر هر کردار

صالح ترضى به عنّي وقرّبني إليك زلفى اللهمّ كما كفيت نبيّك

شایسته که خوشنود شوی بسبب آن از من و نزدیک گردان بسوی خود مرا نزدیک کردنی خداوندا چنانچه دفع کردی از پیغمبر خود

محمّداً صلّى الله عليه وآله هول عدوّه وفرّجت همّه وكشفت غمّه

محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او شدت دشمن او را و گشودی اندوه او را و زائل کردی غم او را

وصدقته وعدك وأنجزت له عهدك اللهمّ فبذلك فاكفني

و راست نمودی برای او وعده خود را و روا کردی برای او عهد خود را خداوندا پس به آن دفع کن از من

هول هذه السنة وآفاتها وأسقامها وفتنتها وشرورها وأحزانها

خوف این سال را و بلاهای آن را و بیماریهای آن را و آشوب آن را و بدیهای آن را و اندوههای آن را

وضيق المعاش فيها وبلّغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة

و تنگی معاش را در آن و برسان مرا بسبب رحمت خود بکمال عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت

عندي إلى منتهى أجلي أسألك سؤال من أساء وظلم واستكان واعترف

نزد من تا آخر مدت عمر من سؤال میکنم ترا مانند سؤال کسیکه بد کرده و ستم کرده و فروتنی کرده

وأسألك أن تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك و

و میخواهم از تو آنکه بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهانی که فرا گرفته آنها را فرشتگان نویسندگان تو

أحصتها كرام ملائكتك عليّ وأن تعصمني إلهي من الذنوب فيما بقي

شمرده آنها را بزرگواران فرشتگان تو بر من و آنکه نگاه داری مرا خداوندا از گناهان در آنچه باقی ماند

[illegible]

مِنْ عُمْرِي إِلَىٰ مُنْتَهَىٰ أَجَلِي يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَىٰ

از عمر من تا آخر اجل من ای خدا ای بخشاینده ای مهربان رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَآتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي

محمد و عطا کن مرا هر آنچه سوال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو در آن زیرا که تحقیق امر کردی مرا

بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بدعا و ضامن شدی باجابت کردن دعای من ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

وفصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان است از حضرت صادق و حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما منقول است که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا بخوانند

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ مرتبه که نیست مانند او

شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهٰذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ

چیزی و اوست شنوا بینا و این ماه ماهی است که بزرگ گردانیده آنرا و گرامی داشتی آنرا و بلند گردانیدی

وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ

و فضیلت دادی آنرا بر همه ماهها و همان ماهی است که واجب کردی روزه داشتن آنرا بر من

وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ

و آن ماه رمضان است که فرو آوردی در آن قرآن را در حالتیکه راهنمای آدمیان است و

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا

معجزهاست و نشانهای راهنما و جدا کننده حق از باطل و گردانیدی در آن شب قدر را و گردانیدی

خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ

بهتر از هزار ماه پس ای خداوند احسان در حالیکه منت گذاشته نمیشود بر تو بخشش کن بر من بخلاص نمودن

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

گردن من از آتش در زمره آنانکه بخشش مینمائی بر ایشان و داخل کن مرا در بهشت برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشایندگان

رمضان

بکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی حضرت آدم را از گل آفرید پس خوردن خاک را بر فرزندان او حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بزرگترین دامهای شیطان خوردن خاک است ...

و دعائی بیاید خوب است اقلا شبی یکمرتبه خوب است که خوانده شود و بسند صحیح منقول است که هر که
در هر شب این ماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل سالهٔ او آمرزیده شود

اللهم رب هذا الشهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وافترضت
خداوندا پروردگار این ماه رمضان که فرو آوردی در آن قرآن را و واجب ساختی
علی عبادک فیه الصیام صل علی محمد وآل محمد وارزقنی
بر بندگان خود در آن روزه داشتن رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا
حج بیتک الحرام فی عامی هذا وفی کل عام واغفر لی تلک
حج خانهٔ محترم خود در سال من این سال و در هر سالی و بیامرز برای من آن
الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک یا رحمن یا علام
گناهان بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشاینده ای عالم دانا

و ایضا هر شب هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه سنت است خواندن و صد مرتبه سورهٔ حم دخان اگر میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک سنت است و از حضرت رسول صلعم منقول است که ترک نکنید امت من سحور خوردن را اگر چه بیک دانهٔ خرمائی بوده باشد و ایضا از آنحضرت منقول است که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگر چه بیک شربت آب باشد و بهترین سحورها قاووت است و خرما و ایضا فرمود که سحور بخورید اگر چه بجرعهٔ آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحور خورندگان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سورهٔ انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکنند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همین که میداند و قصد دارد که فردا روزه میدارد و از برای خدا اینکار و بس است و اما آداب افطار سنت است که اول نماز شام را بکنند و بعد از آن افطار کنند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب باشد که مانع حضور قلب او باشد در نماز که در این دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است

و در وقت افطار سوره انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه

رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در وقت افطار می‌گفت

یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ اَنْتَ اِلٰهِی لَا اِلٰهَ لِی غَیْرُکَ اِغْفِرْ لِیَ

ای بزرگوار ای بزرگوار تو خدای منی نیست خدائی مرا غیر تو بیامرز برای من گناه

اَلْعَظِیمَ اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ اِلَّا الْعَظِیمُ

بزرگ را بدرستیکه نمی‌آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده و از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است که هر روزه داری در وقت افطار دعا مستجاب است پس باید در لقمه اول بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِی

بنام خدای بخشاینده مهربان ای فراگیرنده آمرزش بیامرز مرا

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در وقت افطار بگوید

اَللّٰهُمَّ لَکَ صُمْتُ وَ عَلٰی رِزْقِکَ اَفْطَرْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ

بارخدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو گذاشتم کار خود را تا خدای تعالی عطا کند ثواب هر کس را که درین روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار رو بدو زانو می‌نشستند و چون خوان را می‌گذاشتند می‌گفتند

اَللّٰهُمَّ لَکَ صُمْنَا وَ عَلٰی رِزْقِکَ اَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا اِنَّکَ

بارخدایا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس بپذیر آنرا از ما بدرستیکه

اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

توئی شنوا و دانا

و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله افطار میکردند بر خرما و آب یا رطب و آب و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت در وقت افطار ابتدا

رمضان

واگر نباشد به نبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نبود به آب
... میفرمودند که آب معده را پاک میکند معده او قوت میدهد و حدقه را و بینایی را زیاده
... عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و قطع می کند
بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و ایضاً از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که هر که بر خرمای حلال افطار کند ثواب نمازش چهار صد برابر مضاعف گردد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که افطار کردن به آب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دوست میداشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا علیه
السلام منقولست که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد
و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در
روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن است بسیار باید خواند چون در این
ماه نازل شده است و در حدیث است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان
است و در ماههای دیگر در ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک
هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوب است و در حدیث است
که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم و زیاده میکرده اند و اگر هر ختمی ثوابش
را به روح مقدس امامی از ائمه علیهم السلام و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله علیهما هدیه میکنند ثوابش
مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار
باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافله های شب و روز را ترک نباید کرد و
در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنت است خصوصاً شب اول و پانزدهم و هفدهم
و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است
خصوصاً شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شیعیان نوشته اند که در هر شب این ماه مبارک رمضان
دعا را بخوانند که دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا این است

اللهم إني أفتتح الثناء بحمدك وأنت مسدد للصواب بمنك وأهل

خداوندا ابتدا میکنم ستایش ثنای خود را بسپاس تو و تو توفیق دهنده ای بصواب

أنت أرحم الراحمين في موضع العفو والرحمة وأشد المعاقبين في

تو بخشنده ترین بخشایندگانی در جایگاه عفو و رحمت و سخت گیرنده ترین عقوبت کنندگانی در جای

النكال والنقمة وأعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة اللهم

عقوبت و عذاب و بزرگترین بزرگوارانی در جایگاه بزرگواری و عظمت خدایا

أذنت لي في دعائك ومسألتك فاسمع يا سميع مدحتي وأجب

دستوری دادی مرا در دعای خود و خواستن از خود پس بشنو ای شنوا ثنای مرا و بپذیر

يا رحيم دعوتي وأقل يا غفور عثرتي فكم يا إلهي من كربة قد فرجتها

ای مهربان دعای مرا و درگذر ای آمرزنده از لغزش من پس چه بسیار ای خدای من اندوه که گشودی آن را

وهموم قد كشفتها وعثرة قد أقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء

و غمها که بتحقیق زایل نمودی آنها را و لغزش که بتحقیق درگذشتی از آنها و رحمت که بتحقیق بپراکندی آن را و حلقه بلا که

قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك

بتحقیق گشودی آن را سپاس خدای را که نگرفت همسری را و نه فرزندی و نیست برای او انبازی

في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده

در پادشاهی و نیست او را یاوری بجهت مذلت و بزرگ دان او را بزرگ دانستنی سپاس خدا را بستایشهای او

كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه

تمام آنها بر همه نعمتهای او همه آنها سپاس مر خدای را که نیست مخالفت کننده مر او را در پادشاهی

ولا منازع له في أمره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له

و خصومت نماینده مر او را در امر او سپاس مر خدای را که نیست انبازی برای او در آفرینش و نه مانندی

في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق أمره وحمده الظاهر بالكرم

در بزرگی او سپاس مر خدای را که منتشر است در خلق فرمان او و سپاس او هویداست بخشش

رمضان

...ه الباسط بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة

دستهای وگشاده است ببخشش دست او آنخدائیکه کم نمیگردد خزانه های او و زیاده نمیکند او را بسیاری

العطاء الا جودا وكرما انه هو العزيز الوهاب اللهم اني اسألك قليلا

عطا مگر بخشش و احسان بدرستیکه او است ارجمند بسیار بخشنده خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اندکی

من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير

از بسیار با احتیاج من بسوی آن بسیار و بی نیازی تو از آن دیرینه است و از نزد من بسیار است

وهو عليك سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي

و آن بر تو سهل و اندک است خداوندا بدرستیکه عفو تو از گناه من و تجاوز تو از خطای من

وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عند ما كان

و درگذشتن تو از ظلم من و پوشیدن تو بر کردار زشت من و بردباری تو از گناه بسیار من و آنچه یافت شده

من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسألك ما لا استوجبه منك الذي

از خطای من و عمد من بطمع انداخته مرا در آنکه سؤال کنم ترا آنچه را که مستحق نیستم سزاوار آن از تست بچیزی که

رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك

روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا از توانائی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود

فصرت ادعوك آمنا واسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا

پس گردیدم که میخوانم ترا ایمنی و در میخواهم ترا انس دارنده نه ترسان و نه بیمناک نازکننده

عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك

بر تو در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو پس اگر دیر کند از من عتاب نمودم بنادانی خود بر تو

ولعل الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى

و بسا که آنچه دیر رسیده از من آن بهتر باشد برای من بجهت علم تو بآخر کارها پس ندیدم سیدی

كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك

بزرگواری بردبار کننده تر بر بنده سفله از تو بر من ای پروردگار بتحقیق تو میخوانی مرا پس من پشت میکنم از تو

فصل دوم در فضیلت هلال

وَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ

دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو و مهربانی میکنی بسوی من پس نمی‌پذیرم از تو گویا

لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ

مرا احسانی است بر تو پس باز نداشت ترا آن از مهربانی بمن و احسان بسوی من

وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ

و بخشش بر من به بخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بنده خود را ... و بخشش کن بر او

بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي

بزیادتی بخشش خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری سپاس خدای را که مالک پادشاهی است روان کننده

الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ

کشتیها رام سازنده بادها شکافنده سپیده دم جزا دهنده روز جزا پروردگار جهانیان سپاس

لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ

مر خدا را بر بردباری او بعد از علم او و سپاس خدا را بر عفو او بعد از توانائی او و سپاس

لِلَّهِ عَلَى طُولِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ

مر خدا را بر درازی ... او در غضب او و او تواناست بر آنچه اراده نماید سپاس مر خدای را آفریننده

بَاسِطِ الرِّزْقِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ

و فراخ سازنده روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش و نعمت

الَّذِي بَعُدَ فَلَا يُرَى وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

آنچنانکه دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس آگاه است براز ...

لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ

نیست برای او نزاع کننده که برابری کند او را و نه مانندی که مانند او باشد و نه یاوری که مدد کند او را

قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزَّاءَ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ

قهر و غلبه کرد بغلبه خود بر غلبه دارندگان و فروتنی نمودند برای بزرگی او بزرگان پس رسید بقدرت خود بآنچه خواهد

الحمد لله الذي يجيبني حين أناديه ويستر علي كل عورة وأنا

سپاس مر خدای را که اجابت میکند مرا هنگامی که بخوانم او را و می پوشد بر من هر زشتی را و حال آنکه من

أعصيه ويعظم النعمة علي فلا أجازيه فكم من موهبة هنيئة قد أعطاني

نافرمانی میکنم و بزرگ میکند نعمت را بر من پس شکر نمی کنم او را پس چه بسیار از بخشش گوارا که بتحقیق بخشید مرا

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد أراني وبلية موبقة

و بلائی بزرگ بیم نموده شده که بتحقیق دفع نمود از من و نکوئی خوش آینده که بتحقیق نمود مرا و بلای هلاک کننده

قد صرف عني فأثني عليه حامدا وأذكره مسبحا الحمد لله الذي

که بتحقیق دفع کرد از من پس ستایش میکنم او را ثناگویان و یاد میکنم او را به پاکیزگی یاد کنان سپاس مر خدای را که

لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب آمله

دریده نمی شود پرده او و بسته نمی شود درگاه او و برگردانیده نمی شود خواهنده از او و نا امید کردانیده نمیشود

الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين

سپاس خدای را که ایمنی بخشد ترسندگان را و برهاند شایستگان را و برمیدارد ناتوانان را

ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم

و پست میسازد گردنکشان را و نیست میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را و سپاس مر خدای را درهم شکننده

الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ

ستمگران هلاک سازنده ستمکاران دریابنده گریزندگان عذاب کننده ستمکاران دادرس

المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي

دادخواهان قرارگاه حاجتهای سوال کنندگان اعتماد کرده شده گرویدگان سپاس مر خدای را که

من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الأرض وعمارها

از بیم او مضطرب است آسمان و قرارگرفتگان او و می لرزد زمین و ساکنان او

وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا

و موج می زند دریاها و آنکه شنا میکند در گردابهای آن سپاس مر خدای را که راه نمود ما را باین

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ

و نبودیم ما که راه یابیم اگر نمی بود آنکه راه نمود ما را خدا سپاس خدایرا که می آفریند و آفریده نشده

وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَىٰ

و روزی میدهد و روزی داده نشده و میخوراند و خورانیده نشده و می میراند زندگانرا و زنده میسازد مردگان را

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

و او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست هر نیکی و او بر همه چیز توانا است خداوندا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ

محمد بندهٔ تو و رسول تو و امانت دار تو و برگزیدهٔ تو و دوست تو و اختیار کرده شده

مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ

از خلق تو و نگاه دارندهٔ راز تو و رسانندهٔ پیغام تو زیاده تر و نیکوتر و بهتر

وَأَكْمَلَ وَأَزْكَىٰ وَأَنْمَىٰ وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَىٰ وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ

و تمام تر و طاهرتر و افزایش کننده تر و پاکیزه تر و بلند پایه تر و بیشتر آنچه رحمت فرستادی

وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ

و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی و درود فرستادی بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود

وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ

و فرستادگان خود و برگزیدگان خود و آنانکه گرامی اند بر تو از خلق خود خداوندا رحمت فرست

عَلَىٰ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ

بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار جهانیان بندهٔ تو و دوست تو

وَأَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَىٰ خَلْقِكَ وَآيَتِكَ الْكُبْرَىٰ وَالنَّبَإِ الْعَظِيمِ

و برادر رسول تو و حجت تو بر آفریدگان تو و نشان بزرگ تو و خبر بزرگ

وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و رحمت فرست بر راست گوی پاک فاطمه زهرا بزرگ زنان عالمیان

وَصَلِّ عَلَى سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَإِمَامَيِ الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ

و رحمت بفرست بر دو فرزندزادهٔ رحمت و دو پیشوای راه نما حسن و حسین دو بزرگ جوانان

أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ

اهل بهشت و رحمت بفرست بر پیشوایان مسلمانان زین العابدین علیه السلام و امام محمد باقر و امام جعفر صادق

بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

فرزند محمد باقر و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ

و حسن بن علی و جانشین راه نما راه یافته حجت های تو بر بندگان تو

وَأُمَنَائِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ

و امانت داران تو در شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت بفرست بر خداوند امر تو

الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ

بر پا ایستاده امید داشته شده و دادخواه انتظار کرده شده فرو گیر او را به فرشتگان خود که نزدیکانند و قوت ده او را بروح

الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ

قدس ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان او را خواننده بسوی کتاب خود و برپا دارنده

بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ

دین خود خلیفه گردان او را در زمین چنانچه خلیفه گردانیدی آنان را که بودند پیش از او جای ده او را

دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ

دین او را که پسندیدی آن را برای او بدل کن برای او پس از بیم او ایمنی را پرستد ترا شریک نگرداند

بِكَ شَيْئًا اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ بِهِ وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ وَانْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا

با تو چیزی را خداوندا غالب گردان او را و غالب گردان بسبب او و نصرت ده او را و انتقام کش بسبب او یاری کن او را یاری غالب

وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ

و بگشا برای او گشودن آسان و بگردان برای او از نزد خود حجتی یاری نماینده خداوندا ظاهر کن بسبب او

دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من

دین خود را و طریقه پیغمبر خود را تا آنکه پنهان ندارد چیزی از حق بجهت بیم کسی از

الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله

آفریدگان خداوندا بدرستیکه ما خواهشمندیم بسوی تو در دولت کرامی که عزیز داری بآن اسلام و اهل آن را

وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك

و خوار کردانی بآن نفاق و اهل نفاق را و بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت خود

والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما

و کشندگان بسوی راه خود و روزی کن ما را بسبب آن کرامت این جهان و آن جهان خداوندا آنچه

عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به

شناسانیدی ما را از حق پس توفیق عمل آن را عطا فرما و آنچه باز ماندیم از آن پس برسان ما را بآن خداوندا جمع کن بآن

شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به

پراکندگی ما را و بهم آور بسبب او شکاف را و التیام ده بجهت او جدا شدگی ما را بسبب آن بسیار کن

ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به

خواری ما را و بی نیاز کن باو نیازمندی ما را و ادا کن بسبب او قرض ما را تدارک کن با احتیاج او سد کن

خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح

حاجت ما را و آسان کن بسبب او مشکل ما را و سفید کن بسبب او روهای ما را و دور کن بسبب گرفتاری ما را و روا

به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا

باو حاجت ما را و روا کن بسبب او وعده های ما را و بپذیر بجهت او دعای ما را و عطا کن

به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا واعطنا به فوق

باو سؤال ما را و برسان ما را بمطلب او از دنیا و آخرت آرزوهای ما و عطا کن ما را بآن زیادتی از

رغبتنا يا خير المسؤولين واوسع المعطين اشف به صدورنا

خواهش ما ای بهترین سؤال شدگان و فراگیرنده ترین بخشندگان شفا ده بسبب او سینههای

وَاذْهَبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ

و ببر بسبب او خشم دلهای ما را و راه نما ما را بآنچه اختلاف کرده شده در آن از حق بحضرت

إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ

بدرستیکه تو راه مینمائی هر که را میخواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود

وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ

و دشمن ما ای خدای بحق دعا را مستجاب گردان خداوندا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بسوی تو از نیافتن پیغمبر خود

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ

بر او و بر آل او و پنهانی صاحب اختیار ما و بسیاری دشمن ما و کمی شمار ما و سخت شدن

الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا عَلَى

آشوبهای ما و یاری دادن زمانه بر ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را

ذَلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ

آن بگشایش که بشتاب آوری او را و بلائی که رفع نمائی آنرا و یاری که غالب گردانی آنرا و پادشاهی بحق که ظاهر سازی او را

وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و رحمت از خود که فرو گیری ما را بآن و عافیت از خود که بپوشانی ما را بآن ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

و بسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هر شب
این ماه مبارک این دعا بخوانند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر نموده از امر حتم گردیده

فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي

در امر موافق حکمت از آن حکمی که رد کرده نشود و بدل گردانیده نشود اینکه بنویسی مرا

مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته باشد حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود

ذُنُوبِهِمْ الْمُكَفِّرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ

گناهان ایشان و گذشته شود از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در جمله آنچه حکم کنی و اندازه کنی آنکه

تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَتُوَسِّعَ فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ

دراز کنی عمر مرا در نیکوئی و عافیت و آنکه گشادگی بخشی در روزی من و بگردانی مرا از آنکه

تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي

انتقام کشی بسبب ایشان از برای دین خود و بدل مکن از غیر مرا

و این دعا عالیة المضامین نیز در

شب وارد شده است

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَ

خداوندا برحمت خود در زمرهٔ شایستگان پس داخل کن ما را و در علیین پس بلند کن ما را و

بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنِ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ

بجامی از شراب شیرین از چشمهٔ سلسبیل پس آب ده ما را و از دیدگان فراخ چشم

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ

پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشت های مرغ پس بخوران ما را و از جامه های

السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ

دیبای نازک و ابریشمی و دیبای سطبر پس بپوشان ما را و بهره در یافت شب قدر و حج

بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ

خانهٔ محترم خود و کشته شدن در راه قرب خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سوال را

فَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا

پس مستجاب کن برای ما و هرگاه فراهم آوری پیشینیان و پسینیان در روز رستخیز پس رحم کن ما را

وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِي عَذَابِكَ وَ

و بیزاری از آتش بنویس برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را و در عذاب خود و

هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ

خواری خود پس مبتلا مکن ما را و از درخت زقوم و خار خشک زهردار پس مخوران ما را و با دیوان پلید

فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا وَمِنْ ثِيَابِ

پس مگردان ما را و در آتش بر رویهای ما پس میفکن ما را و از جامه‌های

النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلٰهَ

آتش و پیراهنهای قطران میوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدای

إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا

مگر تو بحق لا اله الا انت پس برهان ما را

اما دعای سحر بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیرها برای طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعاست گفته ام پس حق است چون این دعا را بخوانید باهتمام تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا این است

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ

سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو سر تا سر خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو

جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

نیکوست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو سر تا سر خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ

از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به بزرگواری تو

كُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ

بزرگوارى خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از بزرگى تو به بزرگترين آن و همه بزرگى تو بزرگ است

اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ

خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو به بزرگى تو همه خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا از نور تو

بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّى

به روشن ترين آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو بنور تو همه خداوندا بدرستيكه

اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

سؤال ميكنم ترا از رحمت تو بفراگيرنده ترين آن و هر رحمتى از تو فراگيرنده است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا

بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ

برحمت تو بهر رحمتى خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا از كلمهاى تو بتمام ترين آنها و هر يك از كلمات تو

تامَّةٌ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ

تمام است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بكلمهاى تو هر يك از آنها خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا از صفات كمال تو

بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّى

به كاملترين آن و هر كمال تو كامل است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بكمال تو بهر كمالى خداوندا بدرستيكه من

اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

سؤال ميكنم ترا از نامهاى تو به بزرگترين آنها و هر يك از نامهاى تو بزرگ است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا

بِاَسْمائِكَ كُلِّها اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ

بنامهاى تو هر يك از آنها خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا از ارجمندى تو بارجمندترين آن و هر ارجمندى تو

عَزيزَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

ارجمند است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا بارجمندى تو بهر ارجمندى خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا

مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

از خواهش تو بگذرنده ترين آن و هر خواهشى از تو گذرنده است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا

باب چهارم در بيان فضيلت ...

فصل اول در فضيلت ...

رمضان

بمشيتك كلها اللهم اني اسألك من قدرتك بالقدرة التي استطلت

بمشیت تو بهر مشیتی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از توانائی تو بآن توانائی که استیلا داری

بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسألك

بسبب آن بر هر چیز و هر توانائی از تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بقدرتك كلها اللهم اني اسألك من علمك بانفذه وكل علمك

به توانائی تو بهر توانائی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از دانش تو روانترین آن و هر دانش تو

نافذ اللهم اني اسألك بعلمك كله اللهم اني اسألك من قولك

روانست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بعلم تو بهر علمی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از گفتار تو

بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسألك بقولك كله

به پسندترین آن و هر گفتاری از تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بگفتار تو همه آن

اللهم اني اسألك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از سؤالهای تو بدوست‌ترین آنها بسوی تو و هریک از سؤالهای تو

اليك حبيبة اللهم اني اسألك بمسائلك كلها اللهم اني اسألك

بسوی تو دوست است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بسؤالهای تو هریک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسألك بشرفك

رفعت تو برفیع‌ترین آن و هر رفعتی از تو رفیع است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا برفعت تو

كله اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم

همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از سلطنت تو بهمیشه‌ترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه است

اللهم اني اسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك بافخره وكل

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از ملک و غلبه تو به بزرگترین آن و هر

ملكك فاخر اللهم اني اسألك بملكك كله اللهم اني اسألك من علوك باعلاه

غلبه از تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بغلبه تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بلندی تو بلندترین آن و

رمضان

اللهم انی اسالک من علوک باعلاه و کل علوک عال اللهم انی اسالک بعلوک کله

بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ... خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

اللهم انی اسالک من منک باقدمه و کل منک قدیم اللهم انی اسالک بمنک کله

انعام تو بدیرینه ترین آن و هر انعامی از تو دیرینه است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم بانعام تو بهر انعامی

اللهم انی اسالک من آیاتک باکرمها و کل آیاتک کریمة

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نشانهای تو بگرامی ترین آن و هر یک از نشانهای تو گرامی است

اللهم انی اسالک بآیاتک کلها اللهم انی اسالک بما انت

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنشانهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه تو

فیه من الشأن والجبروت و اسالک بکل شأن وحده و جبروت

در آنی از هر کاری و بزرگواری و سوال میکنم ترا بهر کاری که یگانه است آن و هر بزرگواری

وحدها اللهم انی اسالک بما تجیبنی حین اسالک فاجبنی یا الله

که یگانه است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه اجابت کنی مرا هنگامیکه سوال میکنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا

پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بخواهد که البته بر آورده میشود و از جمله دعاهای مشهوره سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابوحمزه ثمالی روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر می شد این دعا میخواندند

الهی لا تؤدبنی بعقوبتک ولا تمکر بی فی حیلتک من این لی الخیر

خدای من ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن با من در مکر خود از کجاست مرا نیکی

یا رب ولا یوجد الا من عندک و من این لی النجاة ولا تستطاع

ای پروردگار من حال آنکه یافت نمیشود مگر از نزد تو و از کجاست مرا رستگاری و حال آنکه قدرت

الا بک لا الذی احسن استغنی عن عونک و رحمتک ولا الذی اساء

بر لطف تو نه آنکه نیکوئی کرده بی نیاز است از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه گناه کرد

وَاجْتَرَأْ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و دلیری نمود بر تو بخشنود نساخته ترا بیرون است از قدرت تو ای توانائی تو ای پروردگار من ای پروردگار من

آنقدر بگوید که نفس منقطع شود

و بعد از ان بگوید

بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ

بتو شناختم ترا و تو راه نمودی مرا بر خود و خواندی مرا بسوی خود و اگر نمی بود راهنمائی تو

لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً

نمیدانستم که چیستی تو سپاس مر خدائرا که میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و اگر چه بوده باشم درنگ نماینده

حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً

هنگامیکه میخواند مرا و سپاس مر خدائرا که در میخواهم از و پس بخشش میکند مرا و اگر چه بوده باشم بخل نماینده

حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي

هنگامیکه وام خواهد از من و سپاس مر خدایرا که میخوانم او را هرگاه خواهم برای حاجت خود

وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي

و خلوت میکنم با و آنجا که خواهم بجهت راز خود بی شفاعت کننده پس وا میکند برای من حاجت من

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي

و سپاس مر خدائرا که میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر میخواندم غیر او را نمی پذیرفت برای من

دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ

دعای مرا و سپاس مر خدائرا که امیدوارم او را و امید ندارم از سوای او و اگر امید داشتم غیر او را هر آینه خلاف میکرد

رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ

امید مرا و سپاس مر خدائرا که واگذاشت مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا و وانگذاشت مرا بسوی مردمان

فَيُهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

پس خوار نمایند مرا و سپاس مر خدائرا که دوستی نمود بسوی من بجمال آنکه او بی نیاز است از من و سپاس مر خدایرا که

يحلم عني حتى كأن لا ذنب لي فربي أحمد شيء عندي وأحق

بردباری مینماید از من تا بحدیکه گویا نیست گناهی پس پروردگار من سزاوارتر چیزیست نزد من و سزاوارتر

بحمدي اللهم إني أجد سبل المطالب إليك مشرعة ومناهل

بسپاس من خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را بسوی تو گشوده و آبخورهای

الرجاء لديك مترعة والاستعانة بفضلك لمن أمّلك مباحة

امید نزد تو پر آب و یاری جستن را به بخشش تو برای آنکه امید دارد ترا حلال کرده شده

وأبواب الدعاء إليك للصارخين مفتوحة وأعلم أنك للراجين

و درهای دعا بسوی تو برای استغاثه نمایندگان گشوده و میدانم که بتحقیق تو برای امیدواران

بموضع إجابة وللملهوفين بمرصد إغاثة وأن في اللهف إلى

در جایگاه اجابتی و برای ستمدیدگان در جایگاه فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی

جودك والرضا بقضائك عوضاً عن منع الباخلين ومندوحة

بخشش تو و خوشنودی بحکم تو عوضیست از منع بخیلان و وسعت و بی نیازیست

عما في أيدي المستأثرين وأن الراحل إليك قريب المسافة

از آنچه در دستهای غصب کنندگانست و آنکه بتحقیق کوچ نماینده بسوی تو نزدیک راهست

وأنك لا تحتجب عن خلقك إلا أن تحجبهم الآمال دونك وقد

و بتحقیق تو پنهان نمیباشی از خلق خود مگر آنکه حائل شود ایشان را آرزوها بغیر تو و بتحقیق

قصدت إليك بطلبتي وتوجهت إليك بحاجتي وجعلت بك

قصد کردم بسوی تو بمطلب خود و رو آوردم بسوی تو بحاجت خود و گردانیدم

استغاثتي وبدعائك توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني

داد جوئی خود را و بخواندن تو وسیله جوئی خود را بی آنکه سزاوار باشم شنیدن ترا از من

ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك وسكوني إلى صدق

و نه آنکه مستوجب باشم درگذشتن ترا از من بلکه بجهت اعتماد من به بزرگواری تو و آرام گرفتن من بسوی

رمضان

وعدك والجأني الى الايمان بتوحيدك وثقتي بمعرفتك مني

وعده تو و پناه آوردن من بسوی تصدیق بیکتائی تو و جزم داشتن من بشناخت تو از من

ان لا رب لي غيرك ولا اله الا انت وحدك لا شريك لك اللهم

انکه نیست پروردگاری برای من غیر تو و نیست سزاوار پرستش مگر تو در حالیکه یکتائی نیست شریکی برای تو خداوندا

انت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسألوا الله من فضله

توئی گوینده و گفتار تو درست است و وعده تو راست است و سوال کنید خدا را از بخشش او

ان الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي ان تأمر

بدرستیکه خدا است بشما مهربان و نیست از خصلتهای تو ای بزرگ من انکه امر کنی

بالسؤال وتمنع العطية وانت المنان بالعطيات على اهل مملكتك

بسوال و باز داری بخشش را و توئی بسیار بخشنده بخششها بر اهل مملکت خود

والعائد عليهم بتحنن رأفتك الهي ربيتني في نعمك واحسانك

و منفعت رساننده برایشان بزیادی مهربانی خود خدای من پروردی مرا در نعمتهای خود و احسان خود

صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا باحسانه وتفضله

حال انکه خورد بودم و بلند کردی نام مرا در حال بزرگی من پس ای انکه پرورد مرا در دنیا بنیکوئی خود و بخشش خود

ونعمه واشار لي في الاخرة الى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك

و نعمتهای خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی درگذشتن خود و بزرگی خود شناسائی من ای آقای من دلیل من است بر تو

وحبي لك شفيعي اليك وانا واثق من دليلي بدلالتك وساكن

و دوستی من شفاعت کننده است بسوی تو و من اعتماد دارم از دلیل خود بدلالت تو و اطمینان دارم

من شفيعي الى شفاعتك ادعوك يا سيدي بلسان قد اخرسه

از شفیع خود به پذیرفتن تو میخوانم ترا ای بزرگ من بزبانی که بتحقیق گنگ نموده او را

ذنبه رب اناجيك بقلب قد اوبقه جرمه ادعوك يا رب راهبا راغبا

گناه او پروردگارا من راز میگویم ترا بدلی که بتحقیق هلاک کرده او را گناه او میخوانم ترا ای پروردگار من بیمناک

رَاجِياً خَائِفاً اِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَاِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ

امیدوار ترسان هرگاه می‌بینم ای آقای من گناهان خود را می‌ترسم و هرگاه می‌بینم بزرگواری ترا

طَمِعْتُ فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ رَاحِمٍ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اَللهُ فِي

امیدوار میگردم پس اگر درگذری پس تو بهترین بخشندگانی و اگر عذاب کنی پس نیستی ستمکار حجت من خداوندا در

جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ اِتْيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَعُدَّتِي

دلیری من بر سوال کردن از تو با بجا آوردن من چیزی که ناخوش داری آنرا بخشش تو و بزرگواری تست و ذخیرهٔ من

فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيَائِي رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَقَدْ رَجَوْتُ اَنْ لَا تَخِيبَ

در حال سختی من با کمی شرم من مهربانی تو و بخشش تست بتحقیق امیدوارم که نا امید نگردانی

بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

میانهٔ آن و آن آرزوی مرا پس ثابت دار امید مرا و بپذیر دعای مرا ای نیکوترکسیکه خوانده است او را خواننده

وَاَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ يَا سَيِّدِي اَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَاَعْطِنِي مِنْ

و بهترکسیکه امید داشته او را امیدوار بزرگست ای آقای من آرزوی من و بداست کردار من پس عطا کن مرا از

عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ اَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِاَسْوَءِ عَمَلِي فَاِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ

درگذشتن خود باندازهٔ آرزوی من و فرا مگیر مرا به بدترین کردار من پس بتحقیق بزرگواری تو بزرگوار است از

مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمُكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقَصِّرِينَ وَاَنَا يَا سَيِّدِي

سزا دادن گنهکاران و بردباری تو بزرگست از پاداش دادن تقصیر کنندگان و من ای آقای من

عَائِذٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ اِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ

پناه گیرنده‌ام ببخشش تو گریزانم از تو بسوی تو خواهانم روا کردن آنچه را که وعده فرمودی از درگذشتن از کسیکه

اَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً وَمَا اَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ

نیک داشته بتو گمانرا و چیستم من ای پروردگار من و چیست خطر من ببخش مرا به بخشش خود و نوازش کن مرا

بِعَفْوِكَ اَيْ رَبِّ جَلِّلْنِي بِسَتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

بدرگذشتن خود ای پروردگار من بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من ببزرگواری ذات خود

فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة

پس اگر آگاه میشد امروز بر گناه من غیر تو نمیکردم آنرا و اگر میترسیدم شتابی نمودن بعقوبت

لاجتنبته لا لانّك اهون الناظرين اليّ واخفّ المطّلعين عليّ بل

هر آینه دوری میکردم از گناه نه از جهت آنکه تو خوارترین نگرندگانی بسوی من و سبکترین اطلاع دارندگانی بر من بلکه

لانّك يا ربّ خير الساترين واحكم الحاكمين واكرم الاكرمين

بجهت آنکه بتحقیق تو ای پروردگار من بهترین پوشندگانی و حکم کننده ترین حکم کنندگانی و بزرگترین بزرگوارانی

ستّار العيوب غفّار الذنوب علّام الغيوب تستر الذنب بكرمك

بسیار پوشنده ناپسندیهائی و بغایت آمرزنده گناهانی بسیار دانای پنهانهائی می پوشانی گناهان را به بزرگواری خود

وتؤخّر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك

و پس میداری عقوبت را به بردباری خود پس مر تراست سپاس بر بردباری تو بعد از علم تو و بر درگذشتن تو

بعد قدرتك ويحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني

پس از توانائی تو و میدارد مرا و دلیر میکند مرا بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا

الى قلّة الحياء سترك عليّ ويسرعني الى التوثّب على محارمك معرفتي

بسوی کم شرمی پوشیدن تو بر من و شتاب می آورد بسوی دست یافتن بر چیزهائیکه حرام کردهٔ دانستن من

بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حيّ يا قيّوم يا غافر

فراخی بخشش ترا و درگذشتن بزرگ ترا ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای پاینده ای آمرزنده

الذنب يا قابل التوب يا عظيم المنّ يا قديم الاحسان اين سترك

گناه ای پذیرنده توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان کجاست پوشیدن

الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع

نیکوی تو کجاست درگذشتن بزرگ تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی شتابان تو

اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة

کجاست رحمت فراگیرنده تو کجاست بخششهای نیکوی تو کجاست بخششهای گوارای تو

فصل سوم

در آداب نکاح و اراده آن در صورت حسن از حضرت صادق علیهم السلام منقول است که هرگاه کسی اراده تزویج نماید ...

أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ

کجاست کرامتهای بلند پایه تو کجاست بخشش بزرگ تو کجاست عطای بزرگ تو کجاست احسان

الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي

دیرینه تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار بآن و بمحمد و آل محمد پس برهان مرا

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ

و برحمت خود پس خلاص کن مرا ای احسان نماینده ای نیکوکردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم من اعتماد کننده در نجات

مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ

از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه بخشش تو بر ما زیرا که بتحقیق تو اهل پرهیزکاری و اهل

الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسَانِ نِعَماً وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ

آمرزشی میشی بکنی بخشیدن از راه توانگری و درمیگذری از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانیم چه چیز را شکر کنیم

أَجَمِيلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ

آیا امر خوبی را که پهن میکنی یا کردار زشتی که میپوشی یا عطیه بزرگی را که عطا فرمودی و بخشش نمودی یا بلای بسیاری

مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لَاذَ بِكَ

که از آن نجات دادی و عافیت بخشیدی ای دوستدار کسیکه دوستی کند بسوی تو و روشنی دیده کسیکه پناه برد بتو

وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا

و بریده شود بسوی تو تو نیکوکرداری و ما بدکرداران پس درگذر ای پروردگار من از زشت آنچه نزد ماست

بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ

به نیکوی آنچه نزد تست و کدام نادانی ای پروردگار من فرا نگرفته است او را بخشش تو یا کدام زمان درازتر

مِنْ أَنَاتِكَ وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالاً نُقَابِلُ

از زمان آرامی تو و چیست قدر کردارهای ما در مقابل نعمتهای تو و چگونه بسیار شمارم کردارها را که مقابل کنیم

بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ

بآن بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ میگردد بر گنهکاران آنچه فرا گرفته آنها را از بخشش تو ای فراخ

رمضان

المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة فوعزتک یا سیدی لو انتهرتنی ما برحت

آمرزش ای گشاده دستها ببخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر منع کنی مرا دور نگردم

من بابک ولا کففت عن تملقک لما انتهی الی من المعرفة بجودک

از درگاه تو و نه باز ایستم از چاپلوسی تو بجهت چیزی که رسید بسوی من از شناخت بخشش تو

وکرمک وانت الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء کیف

و بزرگواری تو و توئی کننده آنچه را که خواهی عذاب میکنی آنرا که خواهی با آنچه خواهی هرگونه

تشاء وترحم من تشاء بما تشاء کیف تشاء ولا تسأل عن فعلک

که خواهی و مهربانی مینمائی آنرا که خواهی با آنچه خواهی هرگونه که خواهی و سوال کرده نمیشوی از کردار خود

ولا تنازع فی ملکک ولا تشارک فی امرک ولا تضاد فی حکمک

و خصومت کرده نمیشوی در پادشاهی خود و یاری کرده نمیشوی در کار خود و دشمنی کرده نشوی در حکم خود

ولا یعترض علیک احد فی تدبیرک لک الخلق والامر تبارک الله رب

و اعتراض نمیکند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تراست آفرینش و فرمان پاک است خدا پروردگار

العالمین یا رب هذا مقام من لاذ بک واستجار بکرمک والف احسانک

جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کسی است که پناه گرفته بتو و زنهار جسته ببزرگواری تو و خو گرفته باحسان

ونعمک وانت الجواد الذی لا یضیق عفوک ولا ینقص فضلک ولا تقل

و نعمتهای او و توئی بخشنده که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمیگردد فضل تو و اندک نمیگردد

رحمتک وقد توثقنا منک بالصفح القدیم والفضل العظیم

رحمت تو و بتحقیق که اعتماد داریم ما از جانب تو به درگذشتن دیرینه و بخشش بزرگ

والرحمة الواسعة افتراک یا رب تخلف ظنوننا او تخیب آمالنا

و رحمت فراگیرنده آیا پس گمان کرده میشوی ای پروردگار من که ضایع کنی گمانهای ما را یا قطع کنی آرزوهای ما را

کلا یا کریم فلیس هذا ظننا بک ولا هذا طمعنا فیک یا رب ان لنا

حاشا که چنین کنی ای کریم پس نیست این گمان ما بتو و نه این است طمع ما از لطف تو ای پروردگار من بدرستیکه ما را

فيك أملاً طويلاً كثيراً إنّ لنا فيك رجاءً عظيماً عصيناك

در لطف تو آرزوی دراز بسیار است بدرستیکه برای ما در بخشش تو امید بزرگ است نافرمانی کردیم

ونحن نرجو أن تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو أن تستجيب لنا فحقق

و حال آنکه امیدواریم آنکه بپوشی بر ما و میخوانیم ترا و حال آنکه امیدواریم آنکه بپذیری دعای ما پس درست کن

رجاءنا يا مولانا فقد علمنا ما نستوجب بأعمالنا ولكن علمك

امید ما را ای آقای من پس بتحقیق میدانیم آنچه را که سزاواریم بسبب کردارهای خود و لیکن دانش تو

فينا وعلمنا بأنك لا تصرفنا عنك حثّنا على الرغبة إليك

در ما و دانش ما بآنکه بتحقیق تو برنمی‌گردانی ما را از خود حرص داد ما را بر خواهش بسوی تو

وإن كنّا غير مستوجبين لرحمتك فأنت أهل أن تجود علينا

و اگر بوده باشیم که مستحق نباشیم بخشش ترا پس تو سزاواری که بخشش نمائی بر ما

وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما أنت أهله

و بر گناهکاران بزیادتی گشایش خود پس احسان کن بر ما بآنچه تو سزاوار آنی

وجُد علينا فإنّا محتاجون إلى نيلك يا غفّار بنورك اهتدينا

و بخشش نما بر ما زیرا که بتحقیق ما محتاجیم بسوی عطای تو ای بسیار آمرزنده بسبب روشنائی تو راه یافتیم

وبفضلك استغنينا وبنعمتك أصبحنا وأمسينا ذنوبنا

و ببخشش تو بی‌نیاز شدیم و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان ما

بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب إليك تتحبّب إلينا بالنعم

در پیش توست طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از گناهان رجوع مینمائیم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها

ونعارضك بالذنوب خيرك إلينا نازل وشرّنا إليك صاعد

و برابری میکنیم نعمتهای ترا بگناهان نیکوئی تو بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالا رونده است

ولم يزل ولا يزال ملك كريم يأتيك عنّا في كل يوم بعمل قبيح

همیشه بوده است و همیشه خواهد بود که فرشته بزرگواری می‌آید ترا از ما در هر روز بکردار زشت

فلا يمنعك ذلك من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك

پس باز نمیدارد ترا آن از آنکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود و بخشش نمائی بر ما بعطاهای خود پس پاکی تو

ما احلمك واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسماؤك

چه بردباری تو و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو در حالیکه پدید آورنده و باز گرداننده پاک است نامهای تو

وجل ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم

و بزرگست ستایش تو و گرامی است عطیه‌ها و کارهای تو ای خدای من فراخ‌تری در بخشش و بزرگتری

حلما من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو

از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و خطای من پس درگذر درگذر درگذر

سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من

ای آقای من ای آقای من ای آقای من بار خدایا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را از

سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من

غضب خود و امان ده ما را از عذاب خود و روزی ده ما را از بخشش خود و بخشش کن بر ما از

فضلك وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ورحمتك

فضل خود و روزی کن ما را حج خانه خود و زیارت قبر پیغمبر خود درودهای تو و رحمت تو

ومغفرتك ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا

و آمرزش تو و خوشنودی تو بر او باد و بر خاندان او بدرستیکه تو نزدیکی پذیرنده و روزی کن ما را

عملا بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله

عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را بر دین خود و طریقه پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او

اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا

خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه تربیت نمودند ایشان مرا در حال کوچکی

واجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر

و جزا ده ایشان را در مقابل نیکوئی نیکوئی و در مقابل بدیها آمرزش خداوندا بیامرز

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ

مردان گرونده و زنان گرونده زندگان ایشان و مردگان ایشان و پی در پی کن میان ما و میان ایشان

بِالْخَيْرَاتِ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرِنَا

بنیکیها خداوندا بیامرز زنده مارا و مرده مارا و حاضر مارا و غائب مارا و مرد مارا

وَأُنْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ

و زن مارا خورد مارا و بزرگ مارا آزاد مارا و بنده مارا کاذب اند شریک گردانندگان

بِاللّٰهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اللّٰهُمَّ صَلِّ

از برای خدا و گمراه شدند گمراهی دوری و زیان کردند زیانی روشنی بار خدایا رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِالْخَيْرِ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ

بر محمد و آل محمد و ختم کن برای من بنیکی و کفایت کن برای من آنچه مهم است مرا از امر دنیای من

وَآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جُنَّةً وَاقِيَةً

و آخرت من و دست مده بر من آنرا که رحم نکند مرا و بگردان بر من از جانب خود سپری نگاه دارنده

بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا

باقی مانده و دور مکن از من شایسته آنچه بخشش نمودی بآن بر من و روزی کن مرا از فضل خود روزی

وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا اللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي

فراخ حلال پاکیزه خداوندا و نگهبانی کن مرا به نگهبانی خود و حفظ کن مرا

بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكِلَائَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا

بحفظ خود و نگهدار مرا به نگاهداری خود و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در سال

هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

همین سال و در هر سالی و زیارت قبر پیغمبر خود و پیشوایان دین بر ایشان باد درود

وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ

و خالی مگردان مرا ای پروردگار من از آن مشاهد شریفه و موقفهای کریمه

رمضان

اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك

خدایا توفیق توبه ده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم ترا و بدل انداز مرا خیر و عمل کردن بآن و ترس از خود

بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني كلما

در شب و روز همیشه تا وقتیکه باقی داری مرا ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه من هرگاه

قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلوة بين يديك وناجيتك

گفتم که بتحقیق مهیا شدم و آماده گشتم و استعداد بهم رسانیدم از برای نماز در پیش تو و راز گفتم ترا

القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا

افکندی بر من پینکی را اینکه من نماز میکردم و رفع کردی از من راز گفتن خود را هنگامیکه من

ناجيتك ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين

راز گفتم ترا چیست مرا که هرگاه گفتم که بتحقیق نیک شده امر پنهانی من و نزدیک شده از مجالس توبه کنندگان

مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك

مجلس من عارض شد بلائیکه زائل کرد قدم مرا و حائل شد میان من و میان خدمت تو

سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني او لعلك

آقای من شاید که تو از درگاه خود رانده باشی مرا و از خدمت خود دور کرده باشی مرا یا شاید که تو

رايتني مستخفا بحقك فاقصيتني او لعلك رايتني معرضا عنك

دیده باشی مرا سبک شمارنده حق ترا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا روگردان از خود

فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك

پس دشمن داشته باشی مرا یا شاید که تو یافته باشی مرا در جایگاه دروغگویان پس انداخته باشی مرا

رايتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس

دیده باشی مرا ناسپاس گذار نعمتهای ترا پس ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو یافته باشی مرا در مجالس

العلماء فخذلتني او لعلك رايتني في الغافلين فمن رحمتك

علما پس خوار گذاشته باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا در زمره بیخبران پس از رحمت خود

آيَسْتَني أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني آلَفُ مَجالِسَ الْبَطّالينَ فَبَيْني وَبَيْنَهُمْ
ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا که الفت گرفته ام مجلس بیکاران پس میان من و میان ایشان
خَلَّيْتَني أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعائي فَباعَدْتَني أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمي
واگذاشته باشی مرا یا شاید که تو دوست نداشته باشی آنکه بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو بگناه
وَجَريرَتي كافَيْتَني أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيائي مِنْكَ جازَيْتَني فَإِنْ
و جنایات من پاداش داده باشی مرا یا شاید که تو بکمی شرم من از تو سزا داده باشی مرا پس اگر
عَفَوْتَ يا رَبِّ فَطالَما عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبينَ قَبْلي لِأَنَّ كَرَمَكَ
درگذری ای پروردگار پس بسا وقتا عفو نمودی از گناهکاران پیش از من زیرا که تحقیق بزرگواری
أَيْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُجازاةِ الْمُذْنِبينَ وَحِلْمُكَ يَكْبُرُ عَنْ
ای پروردگار من بزرگوار است از سزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگ است از
مُكافاةِ الْمُقَصِّرينَ وَأَنَا عائِذٌ بِفَضْلِكَ هارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ
سزا دادن تقصیر نمایندگان و من پناه گیرنده ام به بخشش تو گریزانم از تو بسوی تو
مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً إِلهي أَنْتَ أَوْسَعُ
خواهانم انچه را که وعده دادی از درگذشتن خود از آنکه نیکو کرده بتو گمان ای خدای من تو فراگیرنده تری
فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقايِسَني بِعَمَلي أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّني
از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و آنکه بخواهی لغزش من
بِخَطيئَتي وَما أَنَا يا سَيِّدي وَما خَطَري هَبْني بِفَضْلِكَ يا سَيِّدي
بگناه من و چیستم من ای آقای من و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود ای آقای من
وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّلْني بِسَتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ
و صدقه کن بر من بعفو خود و بپوشان مرا به پوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من ببزرگواری
وَجْهِكَ سَيِّدي أَنَا الصَّغيرُ الَّذي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجاهِلُ الَّذي
ذات خود بزرگ من منم آن خوردی که پروردی او را و منم آن نادانی که

ذلّلته وانا الضالّ الّذي هديته وانا الوضيع الّذي رفعته وانا

ذليل کردی اورا و منم آن گمراهی که رهنمودی اورا و منم آن پستی که بلند کردی اورا و منم

الخائف الّذي آمنته وانا الجائع الّذي اشبعته وانا العطشان

آن ترسانی که ایمن کردی اورا و منم آن گرسنه که سیر کردی اورا و منم آن تشنه

الّذي ارويته وانا العاري الّذي كسوته والفقير الّذي اغنيته

که سیراب نمودی اورا و منم برهنه که پوشیدی اورا و نیازمندی که بی نیاز کردی اورا

والضعيف الّذي قوّيته والذّليل الّذي اعززته والسّقيم الّذي

و ناتوانی که توانا کردی اورا و ذلیل و خواری که ارجمند کردی اورا و بیماری که

شفيته والسّائل الّذي اعطيته والمذنب الّذي سترته والخاطئ

شفا بخشیدی اورا و درخواهنده که عطا فرمودی اورا و گناهکاری که پوشانیدی اورا و خطاکاری

الّذي اقلته وانا القليل الّذي كثّرته والمستضعف الّذي نصرته

که درگذشتی از او و منم آن کم یاوری که بسیار یاوری کردی اورا و ضعیف شمرده که یاری دادی اورا

وانا الطّريد الّذي آويته انا يا ربّ الّذي لم استحيك في الخلاء

و منم آن رانده شده که جا دادی اورا منم ای پروردگار من که شرم نکردم ترا در خلوت

ولم اراقبك في الملاء انا صاحب الدّواهي العظمى انا الّذي على سيّده

و نترسیدم ترا در حضور مردمان منم صاحب شدائد بزرگ منم آنکه بر آقای خود

اجترى انا الّذي عصيت جبّار السّماء انا الّذي اعطيت على معاصي

دلیری نمود منم آنکه نافرمانی ورزیده بزرگوار آسمان را منم آنکه بخشش نمودم بر گناهان

الجليل الرّشى انا الّذي حين بشّرت بها خرجت اليها اسعى

بزرگ رشوتها را منم آنکه هنگامیکه مژده داده میشدم بآنها بیرون میرفتم بسوی آنها دوان

انا الّذي امهلتني فما ارعويت وسترت عليّ فما استحييت

منم آنکه مهلت دادی مرا پس پشیمان نگشتم و پوشیدی بر من پس شرم نکردم

وعملت بالمعاصي فتعدّيت واسقطتني من عينك فما باليت

وعمل نمودم بگناهان پس درگذشتم از حد وافکندی مرا از دیده خود پس باک نکردم

فبحلمك امهلتني وبسترك سترتني حتّى كانّك اغفلتني ومن

پس به بردباری خود مهلت دادی مرا و به پوشش خود پوشیدی مرا تا آنکه گویا واگذاشتی مرا واز

عقوبات المعاصي جنّبتني حتّى كانّك استحييتني الهي لم اعصك

پادشهای گناهان دور کردی مرا تا بجدیکه گویا شرم کردی از من خداوندا نافرمانی نکردم ترا

حين عصيتك وانا بربوبيّتك جاحد ولا بامرك مستخفّ

هنگامیکه نافرمانی کردم ترا در حالیکه بوده باشم پروردگاری ترا انکار نماینده ونه فرمان ترا سبک شمارنده

ولا لعقوبتك متعرّض ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة

ونه عقوبت ترا فراپیش آینده ونه وعید ترا خوار دارنده ولیکن خطایی

عرضت وسوّلت لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي

عارض شد وآرایش داد مرا نفس من وغالب شد مرا خواهش من ومدد کرد مرا بر آن بدبختی من

وغرّني سترك المرخى عليّ فقد عصيتك وخالفتك بجهدي

وفریفت مرا پرده تو که فروگذاشته شده است بر من پس بتحقیق نافرمانی کردم ترا و مخالفت کردم ترا بکوشش خود

فالآن من عذابك من يستنقذني ومن ايدي الخصماء غدا من

پس حالا از عذاب تو که میرهاند مرا واز دستهای دشمنان فردا که

يخلّصني وبحبل من اتّصل ان انت قطعت حبلك عنّي فواسوأتاه

نجات میدهد مرا و بریسمان که در پیوندم اگر تو ببری ریسمان خود را از من پس وای رسوائی

على ما احصى كتابك من عملي الّذي لولا ما ارجو من كرمك وسعة

بر آنچه شمرده کتاب تو از کردار من آن کردار که اگر نبود آنچه امید میدارم از بزرگواری تو و

رحمتك ونهيك ايّاي عن القنوط لقنطت عندما اتذكّرها

بخشش تو ومنع تو مرا از نومیدی هر آینه نومید میشدم هنگامیکه یاد کنم

يا خير من دعاه داعٍ وافضل من رجاه راجٍ اللهم بذمة الاسلام

ای نیکوترین کسی که خوانده آن را خواننده و بهترین کسی که امید داشته او را امیدوار خداوندا بامان اسلام

اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك وبحبي للنبي الامي

وسیله می جویم بسوی تو و بحرمت قرآن اعتماد مینمایم بر تو و بدوست داشتن من مر پیغمبر را گرامی

القرشي الهاشمي العربي التهامي المكي المدني ارجو الزلفة لديك

قرشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی است امید دارم نزدیکی را نزد تو

فلا توحش استيناس ايماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك

پس مترسان خو گرفتن ایمان مرا و مگردان پاداش مرا مانند پاداش آنکه پرستید غیر ترا

فان قوما امنوا بالسنتهم ليحقنوا به دمائهم فادركوا ما املوا

زیرا که بتحقیق گروهی گرویدند بزبانهای خود تا آنکه باز دارند خونهای خود را از ریخته شدن پس رسیدند

وانا امنا بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فادركنا ما

و بتحقیق ما گرویدیم بتو بزبانهای خود و دلهای خود تا آنکه درگذری از ما پس برسان ما را آنچه

املنا وثبت رجائك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

امید داریم و ثابت دار امید خود را در دلهای ما و میل مده دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را

وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب فوعزتك لو انتهرتني

و ببخش ما را از نزد خود بخشش بزرگی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده پس قسم بعزت تو اگر منع کنی مرا

ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما الهم قلبي من المعرفة

دور نمیگردم از درگاه تو و باز نمی ایستم از دوستی کردن تو بجهت آنچه افکنده شد در دل من از شناختن

بكرمك وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الا الى مولاه والى

بکرم تو و گشادگی بخشش تو بسوی که میرود بنده مگر بسوی آقای خود و بسوی

من يلتجئ المخلوق الا الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني

که پناه میبرد آفریده مگر بسوی آفریدگار خود خدای من اگر بربندی مرا بغلهای و باز داری

حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

منقول است که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند ... [illegible]

سيئاتك من بين الاشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وامرت

از من عطاهای خود را از میان حاضران و در راه نمائی بر رسوائیهای من دیده‌های بندگان و فرمان دادی

بي الى النار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت

مرا بسوی آتش و حائل شوی میان من و میان نیکوکاران نمی برم امید خود را از تو و نمیگردانم

وجه تاميلي للعفو عنك ولا خرج حبك عن قلبي انا لا انسى

روی آرزو و داشتنم عفو را از تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من من فراموش نمیکنم

اياديك عندي وسترك علي في دار الدنيا يا رب صل على

نعمتهای ترا که نزد منست و پوشانیدن ترا بر من در سرای دنیا ای پروردگار من رحمت فرست

محمد وآل محمد واخرج حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين

محمد و آل محمد و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان

المصطفى واله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله عليه

مصطفی و آل او برگزیده تو از خلق تو و آخر پیغمبران محمد رحمت فرستد خدا براو

واله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء على نفسي فقد

و آل او و نقل فرما مرا بسوی مرتبه بازگشت بسوی تو و یاری کن مرا بگریستن بر نفس خود بتحقیق

افنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين

بپایان رسانیدم بدرنگی و تاخیر و آرزوها عمر خود را و بتحقیق فرود آمدم در درجه ناامیدان

من خيري فمن يكون اسوأ حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي

از خیر تو پس کی میباشد بدحال‌تر از من اگر نقل کرده شوم بر مثل حالم

الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي

بسوی قبری که نیاراسته‌ام آنرا از برای خفتن خود و نگسترده‌ام آنرا بعمل شایسته جهت خوابیدن خود

ومالي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي

و چیست مرا که نمی گریم و حال آنکه نمیدانم بسوی چه چیز خواهد بود بازگشت من و می بینم نفس را

رمضان

تخادعني وأيامي تخاتلني وقد خفقت عند رأسي أجنحة الموت فما لي

کرمی فریبد مرا و روزگار خود را ... تحقیق لرزان شده نزد سر من بالهای مرگ پس چیست مرا که

لا أبكي أبكي لخروج نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق لحدي أبكي لسؤال

نه گریم میگریم بجهت بیرون شدن نفس من میگریم بجهت تاریکی قبر خود میگریم بجهت تنگی قبر خود میگریم بجهت سؤال کردن

منكر ونكير إياي أبكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً حاملاً ثقلي

منکر و نکیر مرا میگریم بجهت بیرون آمدنم از قبر خود برهنه خوار بردارنده بار گران

على ظهري أنظر مرة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق في

بر پشت خود حال آنکه نظر کنم یکبار از جانب راست خود و بار دیگر از جانب چپ خود هنگامیکه آفریدگان باشند در

شأن غير شأني لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ

حالت غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آن روز حالتی است که کافیست او را و روهایی در آن روز

مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها

نورانی خندان شادمانند و روهای گروهی در آن روز بر آنهاست گرد غم و اندوه فرا گیرد آنها را

قترة وذلة سيدي عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي و

غبار و خواری آقای من بر تست شوق من و اعتماد من و واگذاشتن من کار خود را و

برحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك

برحمت تست در آویختن من میرسانی برحمت خود آنرا که خواهی و راه مینمائی به بزرگواری خود

من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط

آنرا که دوست داری پس مر تراست سپاس بر پاک کردن تو از شرک دل مرا و مر تراست سپاس بر گشادن

لساني أفبلساني هذا الكال أشكرك أم بغاية جهدي في عملي

زبان مرا پس آیا بزبان خود این زبان کند سپاس گذاری کنم ترا یا بنهایت مشقتم در کردار خود

أرضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب

خشنود می سازم ترا و چیست مرتبه زبان من ای پروردگار من در جنب سپاس گذاری تو و چیست قدر کردار من در پهلوی

نعمك واحسانك الى الآن جودك بسط املي وشكرك قبل عملي

نعمتهای تو و نیکوئی نمودن تو بسوی من کرامت بخشش تو گسترانیده امید مرا و جزا دادن تو بپذیرفت عمل مرا

سيدي اليك رغبتي ومنك رهبتي واليك تأميلي وقد ساقني اليك

ای آقای من بسوی تست رغبت من و از تست بیم من و بسوی تست امید داشتن من و بتحقیق کشید مرا بسوی تو

املي وعليك يا واحدي عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي

امید من و بر تست ای یگانه من رو کرد پیوسته همت من و در آنچه نزد تست پهن گردیده رغبت من

ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي واليك القيت

و مر تراست خالص امید من و ترس من و بتو خو گرفته دوستی من و بسوی تو افکندم

بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش

دست خود را و بریسمان طاعت تو کشیدم ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو زندگانی کرد

قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى

دل من و براز گفتن تو سرد کردم درد ترس از خود پس ای آقای من و ای امیدگاه من و ای منتهای

سؤلي صل على محمد وآل محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع من لزوم

خواسته من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و جدائی افکن میانه من و میانه گناه من که مانع است از ملازمت

طاعتك فانما اسألك لقديم الرجاء فيك وعظيم

بطاعت تو پس این است که سؤال میکنم از تو بجهت امید دیرینه در تو و بزرگی

الطمع منك الذي اوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة و

طمع از تو آنچه را واجب کردی آنرا بنفس خود که مهربانی و بخشش است و

الامر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك

فرمان مر تراست در حالتیکه یگانه تویی نیست شریک مر ترا و خلق همه ایشان عیال تو و در دست توانند

وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت

و هر چیزی فروتنی کننده است برای تو با برکتی تو ای پروردگار عالمیان خدایا رحم کن مرا

يجحم كلّ عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك ايّاي لبّي فيا عظيم

بجحت من و کند شود از جواب تو زبان من و بیهوش شود نزد سوال کردن تو مرا عقل من پس ای امید بزرگ

رجائي لا تخيّبني اذا اشتدّت فاقتي اليك ولا تردّني لجهلي ولا تمنعني

من نا امید مکن مرا هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو و برمگردان مرا بجهت نادانی من و منع مکن مرا

لقلّة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي سيّدي عليك معتمدي

بجهت کم بودن شکیبائی من ببخش کن مرا بجهت تنگدستی من رحم کن مرا بجهت ناتوانی من ای بزرگ من اعتماد من

ومعوّلي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي وبفنائك

و پشت من و امید من و توکل من و برحمت تست چسبیدن و در پیش درگاه تو

احطّ رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي ربّ استفتح

فرو می آورم بار خود را و بجهت بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را و به بزرگواری تو ای پروردگار طلب میکنم گشایش

دعائي ولديك ارجو سدّ فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظلّ عفوك

دعای خود را و نزد تو امیدوارم حاجت خود را و به بی نیازی تو تدارک میکنم بسیاری عیال خود را و در زیر سایه عفو تو است

قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري

ایستادن من و بسوی بخشش تو و بزرگواری تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را

فلا تحرقني بالنّار وانت موضع املي ولا تسكنّي الهاوية فانّك

پس مسوزان مرا بآتش و تو قرارگاه امید منی و ساکن مگردان مرا در دوزخ زیرا که بتحقیق تو

قرّة عيني يا سيّدي لا تكذّب ظنّي باحسانك ومعروفك فانّك

روشنی دیده منی ای آقای من غلط مساز گمان مرا باحسان جناب خود و عطای خود زیرا که بتحقیق تو معتمد

ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانّك العارف بفقري الهي ان كان

و امیدگاه منی و نا امید مکن مرا از پاداش نیک خود زیرا که بتحقیق تو شناسائی باحتیاج من خدایا اگر بوده باشد

قد دنا اجلي ولم يقرّبني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك

که بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیدم اقرار کردن را بسوی تو

فصل ششم

در بیان

بِذَنْبي وَسَائِلٌ عَلَى إلٰهي إنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلىٰ مِنْكَ [illegible]

بگناه خود و سئوال کننده بر رضاهای خود خدای من اگر درگذری پس کیست سزاوارتر از تو بدرگذشتن و اگر عذاب کنی

فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ ارْحَمْ فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتي وَعِنْدَ الْمَوْتِ

پس کیست منصف‌تر از تو در حکم رحم کن درین جهان بیکسی مرا و نزد مردن

كُرْبَتي وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتي وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتي وَإذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ

اندوه مرا و در قبر تنهائی مرا و در لحد رمیدن مرا و هرگاه برانگیخته شوم جهت حساب در

يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفي وَاغْفِرْ لي مَا خَفِيَ عَلَى الْآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلي وَأَدِمْ

پیش تو خواری ایستادن مرا و بیامرز برای من آنچه را که پنهانست بر آدمیان از کردار من و پیوسته دار

لي مَا بِهِ سَتَرْتَني وَارْحَمْني صَرِيعاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُني أَيْدي أَحِبَّتي

برای من آنچه را بآن پوشیدی مرا و رحم کن مرا در حالیکه بوده باشم افتاده بر بستر گردانند مرا دستهای دوستان من

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُني صَالِحُ جِيرَتي وَتَحَنَّنْ

و بخشش کن بر من در حالیکه بوده باشم کشیده شده بر جایگاه غسل غسل دهد مرا شایسته همسایگان من و مهربانی کن

عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتي وَجُدْ عَلَيَّ مَنْقُولاً

بر من حالیکه برداشته شده باشم فرا گرفته باشند خویشان کناره‌های جنازه مرا بخشش کن بر من در حالیکه نقل کرده شوم

قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيداً في حُفْرَتي وَارْحَمْ في ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

بتحقیق که فرود آمده باشم بتو تنها در قبر خود و رحم کن در آن خانه تازه

غُرْبَتي حَتّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدي فَإنَّكَ إنْ وَكَلْتَني إلىٰ

غربت مرا تا آنکه انس نگیرم بغیر تو ای آقای من پس بتحقیق تو اگر واگذاری مرا بسوی

نَفْسي هَلَكْتُ سَيِّدي فَبِمَنْ أَسْتَغِيثُ إنْ لَمْ تُقِلْني عَثْرَتي وَإلىٰ مَنْ أَفْزَعُ

نفس خود [illegible] ای آقای من پس بکه استغاثه نمایم اگر [illegible] لغزش من و بسوی که [illegible]

إنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ في ضَجْعَتي وَإلىٰ مَنْ أَلْتَجِئُ إنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتي

[illegible] در خوابگاه خود [illegible] اندوه مرا

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلُ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ

بزرگ من کیست مرا و که رحم کند مرا اگر رحم نکنی تو مرا و بخشش کرا آرزو کنم اگر نیابم

فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَإِلَى مَنِ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَيِّدِي

فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست گریز از گناهان هرگاه بپایان رسد اجل من بزرگ من

لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ اللَّهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي وَآمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ

عذاب مکن مرا و من امیدوارم ترا خداوندا درست کن امید مرا و ایمن گردان بیم مرا زیرا که بتحقیق بسیاری

ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ

گناهان من امید ندارم در باره آنها مگر عفو ترا آقای من من میخواهم آنچه را که سزاوار نیستم و تو

أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِي وَأَلْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً يُغَطِّي

سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از لطف خود جامه که بپوشد

عَلَيَّ التَّبِعَاتِ وَتَغْفِرُهَا لِي وَلَا أُطَالَبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ

بر من وبالها را و می آمرزی آنها را برای من و مطالبه کرده نشوم بآنها بدرستیکه صاحب عطای دیرینه و درگذشتن بزرگ

وَتَجَاوُزٍ كَرِيمٍ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيْبَكَ عَلَى مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَعَلَى

و تجاوز گرامی خدای من توئی آنکه روان سازی عطای خود را بر آنکه سوال نکند از تو و بر

الْجَاحِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيْقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ

آنانکه انکار کنند پروردگاری ترا پس چگونه آقای من نسبت بآنکه سوال کند از تو و یقین دارد که بتحقیق آفرینش

لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي وَسَيِّدِي

مر تراست و هر کاری بسوی تست پاکی تو و بلندی تو ای پروردگار جهانیان خدای من و بزرگ من

عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامَتْهُ الْخَصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ

بنده تست در درگاه تو بر پا داشته او را احتیاج در پیش تو میکوبد در احسان ترا

بِدُعَائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَمِيلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجَائِهِ فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ

بدعای خود و طلب مهربانی میکند از نیکی نگرستن تو بامید پوشیده خود پس رو مگردان

الكريم عني واقبل مني ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء وانا ارجو

خود را از من و بپذیر از من آنچه میگویم پس بتحقیق خواندم این دعا و من امید دارم

ان لا تردني معرفة مني برافتك ورحمتك يا الهي انت الذي لا يحفيك سائل

اینکه برنگردانی مرا بجهت شناسائی من بمهربانی تو و بخشش تو خدای من آنکه من بجانب تو سؤال کننده

ولا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسألك صبرا

و کم نمی سازد ترا عطای تو چنانکه خود میگوئی بالای آنچه میگوئیم خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو شکیبائی

جميلا وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما واسألك يا رب من الخير

نیکو و گشایش نزدیک و گفتار راست و مزد بزرگ و درخواهم از تو ای پروردگار من از خیر

كله ما علمت منه وما لم اعلم اسألك اللهم من خير ما سألك منه عبادك

همه آن آنچه دانسته ام از آن و آنچه ندانسته ام از آن سؤال میکنم خداوندا بهتر از آنچه سؤال کرده اند از تو بندگان

الصالحون يا خير من سئل واجود من اعطى اعطني سؤلي في نفسي واهلي

شایسته تو ای بهتر کسیکه سؤال کرده شد و بخشنده تر کسیکه بخشش شد عطا کن بمن خواهش مرا در نفس من و اهل من

ووالدي وولدي واهل حزانتي واخواني فيك وارغد عيشي واظهر مروتي

و مادر و فرزندان من و عیال من و برادران من [illegible] تو و خوش کن زندگانی مرا و ظاهر ساز مروت

واصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت عمله واتممت

و اصلاح کن همه حالهای مرا و بگردان مرا از آنکه دراز کرده عمرش را و نیکو [illegible]

عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة طيبة في ادوم السرور

[illegible]

واسبغ الكرامة واتم العيش انك تفعل ما تشاء ولا يفعل ما يشاء غيرك

[illegible]

اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا مما اتقرب به اليك

خداوندا مخصوص گردان مرا [illegible]

[illegible]

فی آناء اللیل واطراف النهار بریاء ولا سمعة ولا اشر ولا بطر واجعلنی

درساعتهای شب وطرفهای روز ریا ونه سمعه ونه زیادتی خوشی ونه طغیان ومگردان مرا

لک من الخاشعین اللهم اعطنی السعة فی الرزق والامن فی الوطن

از برای خود از جمله فروتنی کنندگان خداوندا عطا کن مرا فراخی در روزی وامنیت در وطن

وقرة العین فی الاهل والمال والولد والمقام فی نعمک عندی والصحة

وروشنی دیده در اهل ومال وفرزندان ودرنگ کردن در نعمتهای تو که نزد من است وصحت

فی الجسم والقوة فی البدن والسلامة فی الدین واستعملنی بطاعتک

در جسد وتوانائی در بدن وسلامتی در دین وبکار دار مرا بطاعت خود

وطاعة رسولک محمد صلی الله علیه واهل بیته ابدا ما استعمرتنی

وطاعت رسول خود محمد رحمت فرستاد خدا بر او وبر خاندان او همیشه مادام که زنده داری مرا

واجعلنی من اوفر عبادک عندک نصیبا فی کل خیر انزلته وتنزله فی شهر

وبگردان مرا از وافرترین بندگان نزد خود از روی بهره در هر نیکی که فرو فرستادی آنرا وفرو میفرستی آنرا در ماه

رمضان فی لیلة القدر وما انت منزله فی کل سنة من رحمة تنشرها وعافیة

رمضان در شب قدر وآنچه تو فرود آورنده آنرا در هر سال از رحمتی که پراکنده کنی آنرا وعافیتی

تلبسها وبلیة تدفعها وحسنات تتقبلها وسیئات تتجاوز عنها وارزقنی

که بپوشانی آنرا وبلائی که دفع کنی آنرا ونیکیهائی که بپذیری آنرا وبدیها که درگذری از آنها وروزی کن مرا

حج بیتک الحرام فی عامنا هذا وفی کل عام وارزقنی رزقا واسعا من

حج خانه محترم خود در سال ما این سال ودر هر سالی وروزی کن مرا روزی فراخی از

فضلک الواسع واصرف عنی یا سیدی الاسواء واقض عنی الدین والظلامات

فضل واسع خود وبگردان از من ای آقای من بدیها را وادا کن از من قرض ومظلمه‌ها را

حتی لا اتأذی بشیء منه وخذ عنی باسماع وابصار اعدائی

تا آنکه ضرر نیابم به هیچ چیز از آن وفرا گیر از من گوشهای مخالفان مرا ودیدهای دشمنان مرا

وَحُسَّادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَانْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَاَقِرَّ عَيْنِي وَحَقِّقْ ظَنِّي وَفَرِّجْ

و بدخواهان مرا و آنانکه ستم کنند بر من و یاری ده مرا بر ایشان و روشن ساز دیده مرا و درست کن گمان مرا و گشاده

قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَاجْعَلْ مَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ

دل مرا و بگردان برای من از غم من و اندوه من گشایشی و بیرون شدنی و بگردان هر که آهنگ کند مرا به بدی

مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ

از همه خلق تو در زیر قدمهای من و دفع کن از من گزند شیطان و گزند پادشاه

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از گناهان همه آنها و زنهار ده مرا از آتش بعفو خود

وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَاَلْحِقْنِي

و درآور مرا در بهشت برحمت خود و زنی ده مرا از سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و در پیوند مرا

بِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ

بدوستان خود شایسته محمد و آل او که نیکانند پاکانند پاکیزگانند نیکوکارانند

صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اِلٰهِي

رحمتهای خدا بر ایشان باد و بر نفوس ایشان و بدنهای ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

و سید من قسم بعزت و بزرگواری تو اگر مطالبه کنی مرا بگناهان من البته مطالبه کنم ترا بعفو تو

وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ

و اگر مطالبه کنی مرا به لئامت من البته مطالبه کنم ترا به بزرگواری تو و اگر درآوری مرا در آتش

لَاُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي اِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ اِلَّا

لِاَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَاِنْ كُنْتَ

دوستان خود را ... پس بسوی که پناه برند گناهکاران و اگر بوده باشی

لا تُكرِم الّا اهل الوفاء لك فبمن يستغيث المسيئون الهی ان ادخلتنی

گرامی نداری مگر آنان که وفا کردند بعهد تو پس بکه استغاثه نمایند بدکاران خدایا من اگر در آوری مرا

النّار ففی ذلك سرور عدوّك وان ادخلتنی الجنّة ففی ذلك سرور

در آتش پس در ان شادی دشمن تست واگر در آوری مرا در بهشت پس در ان شادی

نبیّك وانا والله اعلم انّ سرور نبیّك احبّ الیك من سرور عدوّك

پیغمبر تست ومن قسم بخدا امیدوارم که تحقیق شادی پیغمبر تو دوست تراست بسوی تو از شادی دشمن تو

اللّهمّ انّی اسألك ان تملأ قلبی حبّاً لك وخشیة منك وتصدیقاً

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنکه پر کنی دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و باور داشتن

بكتابك وایماناً بك وفرقاً منك وتشوّقاً الیك یا ذا الجلال والاكرام

کتاب خود و گرویدن بخود و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود ای خداوند بزرگواری و گرامی کننده

حبّب لی لقائك واحبب لقائی واجعل لی فی لقائك الرّاحة

دوست گردان بسوی من ملاقات خود را و دوست دار ملاقات مرا و بگردان برای من در ملاقات خود آسایش

والفرج والكرامة اللّهمّ الحقنی بصالح من مضی واجعلنی من صالح

وگشادگی و نوازش بار خدایا ملحق ساز مرا به نیکوکاران که گذشته و بگردان مرا از جمله نیکوکاران

من بقی وخذ بی سبیل الصّالحین واعنّی علی نفسی بما تعین به

که باقی مانده و بدار مرا براه شایستگان و یاری کن مرا بر نفس من بانچه یاری میکنی بآن

الصّالحین علی انفسهم ولا تردّنی فی سوء استنقذتنی منه واختم

شایستگان را بر نفسهای ایشان و برمگردان مرا در بدیهای که خلاصی و نجات دادی مرا از آن و ختم کن

عملی باحسنه واجعل ثوابی منه الجنّة برحمتك یا ربّ

کردار مرا به نیکوترین آن و بگردان پاداش مرا از آن بهشت برحمت خود ای پروردگار

العالمین واعنّی علی صالح ما اعطیتنی وثبّتنی یا ربّ ولا تردّنی

عالمیان و مدد کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای پروردگار من و برمگردان مرا

فی سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنی مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ ایماناً لا اَجَلَ لَهُ دُونَ

در ناخوشی که رهانیدی مرا از آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ایمانی که نباشد نهایتی او را پیش از دیدن

لِقائِکَ اَحْیِنی ما اَحْیَیْتَنی عَلَیْهِ وَتَوَفَّنی اِذا تَوَفَّیْتَنی عَلَیْهِ وَابْعَثْنی اِذا

ملاقات تو زنده دار مرا تا زنده داری مرا بر آن و بمیران مرا هرگاه بمیرانی مرا بر آن و برانگیز مرا هرگاه

بَعَثْتَنی عَلَیْهِ وَاَبْرِئْ قَلْبی مِنَ الرِّیاءِ وَالشَّکِّ وَالسُّمْعَةِ فی دینِکَ حَتّی

برانگیزانی مرا بر آن و پاک گردان دل مرا از ریا کردن و شک نمودن و سمعه کردن در دین تو تا آنکه

یَکُونَ عَمَلی خالِصاً لَکَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنی بَصیرَةً فی دینِکَ وَفَهْماً فی حُکْمِکَ

بوده باشد کردار من خالص برای تو خداوندا ببخش مرا بینائی در دین خود و دریافتی در حکم خود

وَفِقْهاً فی عِلْمِکَ وَکِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَوَرَعاً یَحْجُزُنی عَنْ مَعاصیکَ

و دانشی در علم خود و دو نصیب از رحمت خود و پرهیزکاری که باز دارد مرا از نافرمانی تو

وَبَیِّضْ وَجْهی بِنُورِکَ وَاجْعَلْ رَغْبَتی فیما عِنْدَکَ وَتَوَفَّنی فی

و سفید کن روی مرا بروشنائی خود و بگردان رغبت مرا در آنچه نزد تست بمیران مرا در

سَبیلِکَ وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی

راه خود و بر دین فرستاده خود رحمت فرستاد خدا بر او و بر آل او خداوندا بدرستیکه

اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکَسَلِ وَالْفَشَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَ

پناه میگیرم بتو از کاهلی و ناتوانی و اندوه و بددلی و بخیلی و بیخبری و

الْقَسْوَةِ وَالذِّلَّةِ وَالْمَسْکَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفاقَةِ وَکُلِّ بَلِیَّةٍ وَالْفَواحِشِ

سخت دلی و خواری و بیچیزی و حاجتمندی و تنگدستی و هر بلائی و هر زشتی

کُلِّها ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ نَفْسٍ لا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ

همه آن آنچه آشکار باشد از آن و آنچه پنهان باشد و پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نکند و شکمی که

لا یَشْبَعُ وَقَلْبٍ لا یَخْشَعُ وَدُعاءٍ لا یُسْمَعُ وَعَمَلٍ لا یَنْفَعُ وَصَلوةٍ لا تُرْفَعُ

سیر نشود و دلی که نترسد و دعائی که شنیده نشود و عملی که نفع ندهد و نمازی که بالا نرود

واعوذ بك يا ربّ على نفسى وولدى ودينى ومالى وعلى جميع

وپناه ميگيرم بتو اى پروردگار من بر نفس خود و فرزند خود و دين خود و مال خود و بر همه

ما رزقتنى من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انّه

آنچه روزى كردى مرا از شيطان رانده شده بدرستيكه تو توئى شنواى دانا خداوندا بتحقيق

لا يجيرنى منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسى

امان نميدهد مرا از تو هيچكس ونمى يابم از غير تو پناهى پس مگردان نفس مرا

فى شىء من عذابك ولا تردّنى بهلكة ولا تردّنى بعذاب

در چيزى از عذاب خود و برمگردان مرا بهلاكت و برمگردان مرا بعذاب

اليم اللهم تقبّل منّى واعل ذكرى وارفع درجتى وحطّ وزرى

دردناك خداوندا بپذير از من و بلند كن ذكر مرا و رفيع كن مرتبه مرا و فروگذار باركران مرا

ولا تذكرنى بخطيئتى واجعل ثواب مجلسى وثواب منطقى و

ونياد كن مرا بخطاى من و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب گفتار مرا و

ثواب دعائى رضاك والجنة واعطنى يا ربّ جميع ما سألتك وزدنى

جزاى دعاى مرا خوشنودى خود و بهشت را و بخش مرا اى پروردگار من همه آنچه سوال كردم ترا و زياده گردان مرا

من فضلك انى اليك راغب يا ربّ العالمين اللهم انك انزلت فى

از بخشش خود بدرستيكه من بسوى تو خواهشمندم اى پروردگار جهانيان خداوندا بدرستيكه تو فرو فرستادى در

كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمّن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف

كتاب خود عفو را وامر كردى ما را آنكه درگذريم از آنكه ستم كرده ما را و بتحقيق ستم كرديم ما بر نفسهاى خويش پس درگذر

عنّا فانك اولى بذلك منّا وامرتنا ان لا نردّ سائلا عن ابوابنا

از ما بدرستيكه تو سزاوارترى بدرگذشتن از ما وامر كردى ما را آنكه برنگردانيم خواهنده را از درهاى خود

وقد جئتك سائلا فلا تردّنى الّا بقضاء حاجتى وامرتنا

وبتحقيق آمده ام ترا درخواهنده پس مگردان مرا مگر برواكردن حاجت من وامر كردى ما را

بالاحسان الی ما ملکت ایماننا ونحن ارقاؤک فاعتق رقابنا من

به نیکوئی کردن بسوی آنچه مالک است دست راست ما و ما بندگان توئیم پس آزاد کن گردنهای ما را از

النار یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی عند شدتی الیک

آتش ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو

فزعت وبک استغثت ولذت لا الوذ بسواک ولا اطلب الفرج

پناه آورده ام و بتو استغاثه نموده ام و پناه گرفتم پناه نمیگیرم بغیر تو وسوال نمیکنم گشایش را

الا منک فاغثنی وفرج عنی یا من یقبل الیسیر ویعفو عن

مگر از تو پس بفریاد رس مرا و زائل کن از من ای آنکه می پذیرد اندک را و در میگذرد از

الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الرحیم الغفور

گناه بسیار بپذیر از من اندک را و درگذر از گناه بسیار بدرستیکه توئی مهربان آمرزنده

اللهم انی اسألک ایمانا تباشر به قلبی ویقینا صادقا حتی

خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو ایمانی که مباشر آن گردد دل مرا و یقین راست درستی تا اینکه

اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی من العیش بما قسمت

بدانم اینکه نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر نموده برای من و خوشنود ساز مرا از زندگی بآنچه قسمت کرده

لی یا ارحم الراحمین   ومختصرترین دعاهای سحر این است

برای من ای بخشنده ترین بخشندگان

یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی عند شدتی الیک فزعت و

ای پناه من نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو پناه آورده ام و

بک استغثت وبک لذت لا الوذ بسواک ولا اطلب الفرج

استغاثه نموده ام و بتو پناه آورده ام پناه نمیگیرم بغیر تو و طلب نمیکنم گشایش

الا منک فاغثنی وفرج عنی یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر

مگر از تو پس بفریاد رس مرا و زائل کن از من ای آنکه می پذیرد اندک را و درگذرد از گناه بسیار

رمضان

اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی

بپذیر از من اندک را و عفو کن از من گناه بسیار بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان خداوندا بدرستیکه من

اسئلک ایمانا تباشر به قلبی ویقینا صادقا حتی اعلم انه لن یصیبنی

درخواهم از تو ایمانی که مباشر آید بدلم و یقینی راست تا آنکه بدانم اینکه بتحقیق نمیرسد مرا

الا ما کتبت لی ورضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین

مگر آنچه تقدیر کرده برای من خوشنود ساز مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای بخشاینده ترین بخشایندگان

یا عدتی فی کربتی ویا صاحبی فی شدتی ویا ولیی فی نعمتی ویا

ای ذخیره من در اندوه من و ای یار من در سختی من و ای کفایت کننده من در نعمت من و ای

غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی والامن روعتی والمقیل

منتهای مطلب من در خواهش من توئی پوشاننده زشت مرا و ایمنی بخشنده خوف مرا و درگذرنده

عثرتی فاغفرلی خطیئتی یا ارحم الراحمین

لغزش مرا پس بیامرز گناه مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

واما دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین

وامام محمد باقر صلوات الله علیهما در هر روز ماه مبارک این دعا میخواندند

اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس

بارخدایا این ماه رمضان است که فرو فرستادی در آن قرآن را در حالیکه راهنمای است مردمان را

وبینات من الهدی والفرقان وهذا شهر الصیام وهذا شهر القیام

ونشانهای روشن است از راه نمائی وجدا کننده حق از باطل واین ماه روزه داشتن است واین ماه برپا ایستادن

وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة

واین ماه بازگشت است واین ماه توبه است واین ماه آمرزش وبخشایش است

وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فیه

واین ماه آزادی از آتش ورستگاری به بهشت واین ماهی است که در آن

فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین وزکریا اذ نادی ربه رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که

لیلة القدر التي هي خیر من الف شهر اللهم صل علی محمد وآل
شب قدری که آن بهتر است از هزار ماه خداوندا بفرست رحمت بر محمد و آل

محمد واعني علی صیامه وقیامه وسلمه لي وسلمني فیه واعني علیه
محمد و مدد کن مرا بر روزه داشتن و بر پا ایستادن در آن و سالم دار آن را برای من و سالم دار مرا در آن و مدد کن مرا

بافضل عونك ووفقني فیه لطاعتك وطاعة رسولك واولیائك
به نیکوترین مدد خود و توفیق ده مرا در آن به اسباب طاعت خود را و طاعت رسول خود را و دوستان خود را

صلوات الله علیه وعلیهم وفرغني فیه لعبادتك ودعائك وتلاوة
رحمتهای خدا بر او و بر ایشان و فارغ دار دل مرا در آن جهت عبادت خود و دعا خود و خواندن

کتابك وعظم لي فیه البرکة واحسن لي فیه العافیة واجر لي
کتاب خود و بزرگ گردان برای من در آن برکت را و نیکو گردان برای من در آن عافیت را و نگاهدار برای

فیه التوبة واصح لي فیه بدني واوسع لي فیه رزقي واکفني فیه
در آن توبه او سالم دار برای من در آن بدن مرا و فراخ کن برای من در آن روزی مرا و دفع کن از من

ما اهمني واستجب فیه دعائي وبلغني فیه رجائي اللهم صل علی
آنچه غمگین نماید مرا و بپذیر در آن دعای مرا و برسان مرا در آن با امید من خداوندا رحمت بفرست

محمد وآل محمد واذهب عني فیه النعاس والکسل والسامة والفترة
محمد و آل محمد و ببر از من در آن خواب سبک و کاهلی و تنگدلی و سستی

والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فیه العلل والاسقام والهموم
و سختی دل و بیخبری و فریفتگی را و دور گردان از من در آن علتها و بیماری ها و غم ها

والاحزان والاعراض والامراض والخطایا والذنوب واصرف عني فیه
و اندوه ها و حوادث و مرض ها و خطاها و گناهان را و بگردان از من در آن

السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سمیع الدعاء
هر بدی و زشتی و مشقتی و بلایی و رنجی و رنجوری بدرستیکه تو اجابت کننده دعایی

اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم و

خداوندا رحمت بفرست بمحمد و آل محمد و پناه ده مرا دران از دیو رانده شده و

همزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره

بدگوئی و عیب جوئی او و ... او و دمیدن او و وسوسهٔ او و کاهلی گردانیدن او و حمله کردن او و حیله او و مکر او

وحبائله وخدعه واماني غروره وفتنته وشركه واحزابه

و دامهای او و فریبهای او و ... فریبنده او و آشوب او و دامهای او و یاران او

واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم

و تابعان او و پیروان او و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او بار خدایا

صل على محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را نماز آن و روزهٔ آن و رسیدن بآرزو

فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا واحتسابا

در آن و در نماز آن و تمام کردن آنچه خشنود سازد ترا از من از روی شکیبائی خالص کردن

وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم

و گرویدن و یقین پس پذیر آنرا از من باضعاف بسیار و مزد بزرگ

يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة

ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره

والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة والتوفيق

و سعی کردن و کوشش نمودن و توانائی و حرص و بازگشت و توبه و نیک مهیا کردن اسباب طاعت

والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع

و نزدیکی و نیکی پذیرفته و ترس و خواهشمندی و زاری نمودن و فروتنی

والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك

و نرم نهادی و عزیمت درست و راستی زبان و بیم داشتن از تو و امید داشتن مر ترا

والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول

وتوکل نمودن بر تو و اعتماد داشتن بتو و پرهیزیدن از محرمات تو با کلام شایسته

ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء

وحرکت پذیرفته و عمل بالا برده شده و دعای اجابت کرده و حائل مگردان میان من و میان چیزی

من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سهو ولا غفلة ولا نسيان بل

از آنچه درخواستم من بحادثه و نه بیماری و نه اندوهی و نه غمی و نه بیخبری و نه فراموشی بلکه

بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك

معامله بکن با من بتوفیق ملاحظه کردن خود را و نگاه داشتن برای تو و در راه تو و رعایت کردن حق تو و وفا نمودن بعهد تو

ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد

و وعده تو برحمت تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل

وقسمت کن مرا در این ماه بهترین آنچه قسمت کنی آنرا برای بندگان شایسته خود و ببخش مرا در آن بهترین

ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة

آنچه ببخشی مر دوستان نزدیک خود را از بخشش و آمرزش و مهربانی و پذیرفتن

والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز

و درگذشتن و آمرزش همیشه و عافیت و معافات و آزادی از آتش و رستگاری

بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل

بهشت و خیر اینجهان و آن جهان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان

دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه

دعای مرا در آن بسوی خود رسنده و رحمت خود را و خیر خود را بسوی من در آن فرود آینده و کردار مرا در آن

مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي

پذیرفته و کوشش مرا در آن جزا داده شده و گناه مرا در آن آمرزیده تا آنکه بوده باشد نصیب من

فیه الاکبر وحظی فیه الاوفر اللهم صل علی محمد وآل محمد ووفقنی
دران بزرگتر و بهره من دران تمام تر خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و توفیق ده مرا
فیه للیلة القدر علی افضل حال تحب ان یکون علیها احد من اولیائک
دران از برای شب قدر بر بهترین حالی که دوست میداری که بوده باشد بران حال یکی از دوستان تو
وارضاها لک ثم اجعلها لی خیرا من الف شهر وارزقنی فیها افضل
و پسندیده ترین آن برای تو پس گردان آن شب را برای من بهتر از هزار ماه و روزی کن مرا دران شب بهتر
ما رزقت احدا ممن بلغته ایاها واکرمته بها واجعلنی فیها من
از انچه روزی کرده کسی را ازانکه رسانیدی ایشان را بان شب قدر و گرامی داشتی ایشان را بان شب بگردان مرا دران از
عتقائک من جهنم وطلقائک من النار وسعداء خلقک بمغفرتک
آزاد شدگان خود از دوزخ و رها کردگان خود از آتش و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود
ورضوانک یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنا
و خوشنودی خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مارا
فی شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضی
درین ماه ما این ماه سعی و کوشش و توانائی و خرمی وانچه دوست داری و بپسندی
اللهم رب الفجر ولیال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما
خداوندا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه و شفع و وتر و صاحب ماه رمضان وانچه
انزلت فیه من القرآن ورب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل
فرو فرستادی دران که قرآن است و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
وجمیع الملائکة المقربین ورب ابراهیم واسماعیل واسحاق
و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابراهیم و اسمعیل و اسحق
ویعقوب ورب موسی وعیسی وجمیع النبیین والمرسلین ورب محمد
و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد

خاتم النبيين صلواتك عليه وآله وعليهم اجمعين واسألك

آخر پیغمبران رحمتهای تو باد براو وبر آل او وبر ایشان همه ایشان و درخواهم از تو

بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم ان تصلي عليه وآله وعليهم

بحق ایشان بر تو وبحق بزرگ تو بر ایشان که رحمت کنی براو وآل او

اجمعين وان تنظر الي نظرة رحيمة

همه ایشان ونظر افکنی بسوی من نظر با شفقت

ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرف عني

هرگز وعطا کنی مرا تمام خواسته مرا وخواهش مرا وآرزوی مرا ومقصود مرا وبگردانی از من

ما اكره واحذر واخاف على نفسي ما لا اخاف وعن اهلي و

آنچه ناخوش دارم وبیم نمایم ومیترسم بر نفس خود وآنچه نترسم واز خاندان من و

مالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فآونا

مال من وبرادران من وخواهران من واولاد من خداوندا بسوی تو گریختیم از گناهان خود پس جای ده ما را

تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا

در حالیکه توبه کنندگانیم وتوبه پذیر از ما در حالیکه طلب آمرزش نمایندگانیم وبیامرز ما را

مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا

در حالیکه پناه جوینده باشیم وزنهار ده ما را در حالیکه گردن نهاده باشیم وخوار مکن ما را در حالیکه ترسان باشیم وایمن گردان ما را

راغبين وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب

در حالیکه رغبت کننده باشیم وقبول کن شفاعت ما را در حالیکه سوال کننده باشیم وببخش ما را بدرستیکه تو شنونده دعائی نزدیکی

مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سأل العبد ربه

اجابت کننده خداوندا تو پروردگار منی ومن بنده توام وسزاوارتر کسیکه سوال کند او را بنده پروردگار

ولم يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين

وسوال نکردند بندگان مانند ترا در بزرگواری وبخشش ای جای شکایت درخواهندگان

ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة
واى منتهى حاجت خواهشمندان واى فريادرس فرياد خواهان واى پذيرنده دعاى
المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب
درماندگان واى پناه گريزندگان واى دادرس دادخواهان واى پروردگار
المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج هم المغمومين
ناتوانان واى رفع نماينده اندوه اندوهناكان واى گشاينده غم غمناكان
ويا كاشف الكرب العظيم ويا الله ويا رحمن ويا رحيم ويا ارحم
واى رفع نماينده اندوه بزرگ واى خدا اى بخشاينده اى مهربان اى مهربانترين
الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي
بخشندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبيامرز براى من گناهان مرا
وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني
وعيبهاى مرا وبدى مرا وستم نمودن مرا وگناه مرا وزيادتى نمودن مرا بر نفس خود روزى ده مرا
من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واعف عني واغفر لي
از فضل خود وبخشش خود زيرا كه بتحقيق مالك نيست آنها را غير تو ودرگذر از من وبيامرز براى من
كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي
هر آنچه را كه گذشته از گناهان ونگاهدار مرا در آنچه باقى مانده از عمرم وبپوشان بر من
وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل
وبر پدر ومادر من وفرزندان من وخويشان من واهل غمخوارى من واگر بوده باشد از من
من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة فان ذلك
در راه از مردان گرونده وزنان گرونده در اينجهان ودر آنجهان پس براستيكه بتحقيق اين
كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي
همه بدست تست وتو فراگيرنده آمرزشى پس نااميد مكن مرا اى آقاى من وبرمگردان دعاى مرا

قال الذين كفروا للذين آمنوا أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا في ضلال مبين ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ما ينظرون إلا صيحة واحدة تأخذهم وهم يخصمون فلا يستطيعون توصية ولا إلى أهلهم يرجعون ونفخ في الصور فإذا هم من الأجداث إلى ربهم ينسلون

ولا تردّ يدي إلى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك

و بر مگردان دست مرا بسوی سینه من تا آنکه بکنی آن را که درخواستم با من و مستجاب کنی برای من همه سؤال که کردم از تو

وتزيدني من فضلك فإنك على كل شيء قدير وإنا إليك راغبون

و زیاده کنی مرا از بخشش خود زیرا که تحقیق تو بر همه چیز توانائی و ما بسوی تو خواهشمندیم

اللهم لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء

خداوندا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری

والآلاء أسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم إن كنت قضيت

و نعمتها سؤال میکنم از تو بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان اگر بوده باشی که حکم کرده باشی

في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها أن تصلي على محمد وآل

در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن آنکه رحمت بفرستی محمد و آل

محمد وأن تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في

محمد و آنکه بگردانی نام مرا در دیوان نیکبختان و نفس مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در

عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي

علیین و بدی مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کند بآن دل من

وإيمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي

و ایمانی که نیامیزد آن را هیچ شکی و خشنودی بآنچه قسمت کرده برای من و بده مرا در این جهان نیکوئی

الآخرة حسنة وقني عذاب النار وإن لم تكن قضيت في هذه الليلة

و در آخرت نیکوئی و نگاهدار مرا از عذاب آتش و اگر نبوده باشی که حکم کرده باشی در این شب

تنزل الملائكة والروح فيها فأخرني إلى ذلك وارزقني فيها ذكرك

فرود آمدن ملائکه و روح در آن پس تأخیر کن مرا تا آن شب و روزی کن مرا در آن یاد خود

وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك وصلّ على محمد وآل محمد بأفضل

و سپاس گذاری خود و فرمانبرداری خود و نیکو پرستیدن خود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد بهترین

صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد وآل محمد اغضب

رحمتهای خود ای بخشنده ترین بخشایندگان ای یگانه ای پناه نیازمندان ای پروردگار محمد وآل محمد خشم کیر در این

اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا

روز بجهت محمد وبجهت نیکوکاران اولاد او وبکش دشمنان ایشان را حال آنکه متفرق باشند ودریاب ایشان را بشمار

ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن

و وامگذار بر پشت زمین از ایشان کسی را ومیامرز ایشان را هرگز ای نیکو

الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي

مصاحبت ای خلیفه پیغمبران تو بخشنده ترین بخشایندگانی آفریدگاری پدید آورنده که

ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم

نیست مانند او هیچ چیز وهمیشه موجودی که نیست بی خبر وزنده که نمیرد تو هر روز

في شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسألك ان تنصر

در کاری تو خلیفه محمد ویاور محمد وزیادتی دهنده محمدی سوال میکنم از تو اینکه یاری کنی

وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك

وصی محمد وجانشین محمد وآنکه بر پاست بعدل از اوصیای محمد رحمتهای تو

عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا

بر او وبر ایشان بگردان بر ایشان یاری خود را ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق لا اله الا

انت صل على محمد وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة

انت رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا با ایشان در دنیا وآخرت

واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين

وبگردان انجام کار مرا بسوی آمرزش خود وبخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف

وهمچنین ... ذات خود را ای آقای من بمهربانی بلی بدرستیکه تو مهربانی کننده

فصلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ والطف بي إنّك لطيفٌ لما تشاء اللّهمّ

پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و لطف کن با من بدرستیکه تو لطف کننده آنچه را که خواهی خداوندا

صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وارزقني الحجّ والعمرة في عامنا هذا وفي كلّ عامٍ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره در امسال این سال و در هر سالی

وتطوّل عليّ بجميع حوائجي للدّنيا والآخرة استغفر الله

و احسان کن بر من بهمه حاجتهای من که بجهت دنیا و آخرت است طلب آمرزش میکنم از خدا

ربّي وأتوب إليه إنّ ربّي قريبٌ مجيبٌ استغفر الله ربّي وأتوب

پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیک است جواب دهنده طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار

إليه إنّ ربّي رحيمٌ ودودٌ استغفر الله ربّي وأتوب إليه إنّه كان

بسوی او بدرستیکه پروردگار من مهربان دوست است طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه او

غفّارًا اللّهمّ اغفر لي إنّك أرحم الرّاحمين ربّ إنّي عملت سوءً وظلمت

آمرزگار خداوندا بیامرز مرا بدرستیکه تو بخشنده‌ترین بخشایندگانی پروردگار من بدرستیکه من عمل بدی کردم و ستم کردم

نفسي فاغفر لي إنّه لا يغفر الذّنوب إلّا أنت استغفر الله لا إله إلّا هو

نفس خود را پس بیامرز مرا بدرستیکه شأن اینست که نمی‌آمرزد گناهان را کسی سوای تو طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست خدائی سوای او

الحيّ القيّوم الحليم العظيم العليم الكريم الغفّار للذّنب العظيم وأتوب

زنده پاینده بردبار بزرگ دانا بزرگوار آمرزنده گناه بزرگ و رجوع میکنم

إليه استغفر الله إنّ الله كان غفورًا رحيمًا مرّة اللّهمّ إنّي أسألك

بسوی او طلب آمرزش میکنم خدا را بدرستیکه خدا هست آمرزنده مهربان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

أن تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ وأن تجعل فيما تقضي وتقدّر من الأمر

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر

العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء الّذي لا يردّ ولا يبدّل

بزرگ حتم شده در شب قدر از قضائی که رد کرده نمیشود و بدل کرده نمیشود

أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور

انکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته میشود حج ایشان و پسندیده میشود سعی ایشان و آمرزیده

ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وأن تجعل فيما تقضي وتقدر أن

شود گناهان ایشان و محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی آنکه

تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني أمانتي وديني آمين رب

دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از جانب من امانت مرا و قرض مرا بپذیر ای پروردگار

العالمين اللهم اجعل لي من أمري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث

جهانیان بار خدایا بگردان برای من از امر من گشادگی و بیرون شدن و روزی ده مرا از انجا که

أحتسب ومن حيث لا أحتسب واحرسني من حيث أحترس و

گمان می برم و از انجا که گمان نمی برم و نگهبانی کن مرا از انجا که خود را نگه دارم و

من حيث لا أحترس وصلى الله على محمد وآل محمد وسلم تسليما كثيرا

از انجا که خود را نگه ندارم و رحمت کناد خدا بر محمد و آل محمد و درود فرستاد درود بسیار

و این تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که در

هر روز این ماه بخوانند

سبحان الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده

الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب

انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا خلق کننده تاریکیها و روشنی پاک است خدا شکافنده دانه

والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى

و هسته خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله السميع

پاک است خدا باندازه کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است خدا شنوا

الذی لیس شیء اسمع منه یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین

که نیست هیچ چیز شنواتر ازو میداند از بالای عرش خود آنچه در زیر زمین هفتگانه است

ویسمع ما فی ظلمات البر والبحر ویسمع الانین والشکوی ویسمع السر واخفی

و میداند آنچه را در تاریکیهای بیابان ... و شکایت را و میشنود سر را و پنهان تر از آن

ویسمع وساوس الصدور ولا یصمه سمعه صوت سبحان الله باری النسم

و میداند اندیشه های سینه را و کر نمی سازد گوش او را صدایی پاک است خدا پدید آورنده ...

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل

پاک است خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا ...

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل

ظلمت ها و روشنی پاک است خدا شکافنده دانه و هسته های خرما پاک است خدا آفریننده

شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان

چیز پاک است خدا خالق آنچه دیده میشود و آنچه دیده نشود ...

الله رب العالمین سبحان الله البصیر الذی لیس شیء ابصر منه یبصر

من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین ویبصر ما فی ظلمات البر والبحر

لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف الخبیر

لا تغشی بصره الظلمة ولا یستتر منه بستر ولا یواری منه جدار

ولا یغیب عنه بر ولا بحر ولا یکن منه جبل ما فی اصله ولا قلب ما فی

رمضان

ولا اجنب ما فی قلبه ولا یستتر منه صغیر ولا کبیر ولا یخفی علیه

و نه پهلوی آنچه را که در دل اوست و پوشیده نشود از و خوردی و نه بزرگی و پنهان نیست بر او

شیء فی الارض ولا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

چیزی در زمین و نه در آسمان اوست آنکه بصورت در می آورد شما را در رحمها هر روش که خواهد

لا اله الا هو العزیز الحکیم سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور

نیست سزاوار پرستش مگر او غالب است کردار درست پاک است خدا پدید آورنده جانها پاک است خدا صورت گر

سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان

پاک است خدا آفریننده جفتها همه آنها پاک است خدا پدید آورنده ظلمتها و نور پاک است

الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما

خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود

یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان

و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را مثل سواد کلمات او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

الله الذی ینشیء السحاب الثقال ویسبح الرعد بحمده والملائکة من

خدا که بر می انگیزد ابرهای گران را و تنزیه میکند رعد بسپاس او و فرشتگان از

خیفته ویرسل الصواعق فیصیب بها من یشاء ویرسل الریاح بشرا

بیم او و میفرستد صاعقه ها را پس میرساند آنرا بهر که خواهد و میفرستد بادها را در حالتی که مژده دهنده

بین یدی رحمته ویرسل الماء من السماء بکلمته وینبت النبات بقدرته

پیش رحمت او یعنی باران و میفرستد آب را از آسمان بکلمه خود و میرویاند گیاه را به توانائی خود

ویسقط الورق بعلمه سبحان الله الذی لا یعزب عنه مثقال ذرة

و فرو میریزاند برگ درخت را بعلم خود پاک است خدائی که پنهان نیست از او قدر سنگینی ذره خوردی

فی الارض ولا فی السماء ولا اصغر من ذلک ولا اکبر الا فی کتاب مبین

در زمین و نه در آسمان و نه خوردتر از آن و نه بزرگتر مگر آنکه در کتابی است آشکار

و در روایت دیگر ... امام حسن و امام حسین علیهما السلام ... [illegible]

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا صورت بخشنده و پاک است خدا آفریننده انواع آفریدگان

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ

همه آنها پاک است خدا خالق تاریکیها و روشنائی پاک است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَىٰ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَىٰ وَمَا لَا يُرَىٰ

و هسته خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي

تنزیه میکنم خدا را بشمار سواد کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است خدائی که

يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

میداند آنچه که بر میدارد در رحم هر زنی و آنچه کم باد از رحمها و آنچه میفزاید از رحمها و هر چیزی نزد او

بِمِقْدَارٍ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ

باندازه است دانای هر نهان و آشکار است بزرگ بلند مرتبه است یکسانست نزد او کسی از شما که

أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

نهان دارد سخن و هر که آشکار کند و کسی که او پوشاننده خود است در شب و آشکار است در روز

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ سُبْحَانَ

برای او ست فرشتگانی از پیش روی او و از پس او که نگاه میدارند او را بسبب امر خدا پاک است

اللهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ

خدائی که میمیراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه کم میکند زمین

مِنْهُمْ وَيُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ

از ایشان و ثابت میدارد در رحمها آنچه میخواهد تا مدتی معین پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح

سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ

پاک است خدا صورت بخشنده پاک است خدا آفریننده انواع خلق همه آنها پاک است خدا آفریننده

[illegible]

صلی الله علیه وآله واخسأ عنا الشیطان [illegible] سفکت الدماء [illegible] لا شریک لک والحمد لله رب العالمین اللهم [illegible] عظمها بعظمه ولحمها بلحمه ودمها بدمه وشعرها بشعره وجلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان [illegible] فلان بن فلان [illegible]

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق کل

تاریکی و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر

شیء سبحان الله خالق ما یرى وما لا یرى سبحان الله مداد کلماته سبحان

چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنیم خدا را بشماره کلمهای او پاک است

الله رب العالمین سبحان الله مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع

خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی آنرا که خواهی و میکشی

الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء

پادشاهی را از آنکه میخواهی و عزیز میداری آنرا که میخواهی و خوار میسازی آنرا که میخواهی بدست تست نیکی بدرستیکه تو بر همه چیز

قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت

توانائی در می آوری شب را در روز و در می آوری روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده

وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب سبحان الله

و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی آنرا که خواهی بیشمار پاک است خدا

بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها

پدید آورنده مردمی روح پاک است خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همها

سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى

پاک است خدا آفریننده ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما

سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یرى وما لا یرى سبحان

پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا بیننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنیم

الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله الذی عنده مفاتح

خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدا که پروردگار جهانیان است پاک است خدا که نزد اوست کلیدها

الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها

خزانه های غیبی نمیداند آنها را مگر او و میداند آنچه در خشکی و دریا و نمی افتد هیچ برگی از درختی مگر آنکه میداند آنرا

فلان بن فلان بسم الله [illegible] یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله وبالله والله اکبر اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل من فلان بن فلان بجای

این نام فرزند و پدرش را برد پس ازآن بکشد فصل و سنت است ختنه کردن پسران و دختران را [illegible] کردن [illegible] ایشان و ادب [illegible] روز هفتم سنت است [illegible] کردن پسران و اگر در روز هفتم نکنند هم سنت است بعد از آن تا بالغ شدن طفل و بعد از بالغ شدن واجب است و بعضی گفته اند [illegible] از دیگر بلوغ بر ولی طفل واجب نیست [illegible] دختران را کردن و مستحب است که [illegible] بیارایند و سوراخ کردن [illegible] گوش [illegible] است و بالای گوش [illegible] پسران سنت است و در حدیث معتبر از

حضرت صادق علیه السلام منقول است که ...

سوراخ کردن ... از سنت است ... خطنه کردن از سنت است

حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که زمین بخشن ... از بول کسی که ختنه نکرده باشند ... روز ... و در حدیث صحیح دیگر فرمود ... و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است ...

وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ سُبْحَانَ

ونه دانه در تاریکیهای زمین ونه تر و تازه ونه خشکی مگر که در کتابیست روشن پاک است

اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ

خدا پدید آورنده صاحبان روح پاک است خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه‌ها پاک

اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ

خدا خالق ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ

آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود و تنزیه میکنیم خدا را بشماره

كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَا يُحْصِي مِدْحَتَهُ

کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدائی که نشمارند ستایش او را

الْقَائِلُونَ وَلَا يَجْزِي بِآلَائِهِ الشَّاكِرُونَ وَالْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ

ستایندگان و شکر کنند در مقابل نعمتهای او سپاس کنندگان ... و او چنانست که گفته

وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ وَاللهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَثْنَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ

و بالای آنچه گویند در وصف او گویندگان و خدا پاک است او چنانست که ثنا کرده ... و احاطه نمیکنند

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ

بچیزی از دانشهای او مگر بآنچه خواسته خدا فرا گرفته کرسی او آسمانها و زمین را و گران نمی‌آید او را

حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ

نگاهداشتن آنها و او رفیع الشأن بزرگ مرتبه است پاک است خدا پدید آورنده صاحبان روح پاک است خدا بخشنده صورت

سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده اقسام خلایق همه پاک است خدا آفریننده ظلمتها و نور پاک است

اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى

خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود

وَمَا لَا يُرىٰ سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ

وانچه دیده نشود تنزیه میکنم خدارا بشمار کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

اللّٰهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا

خدا که میداند انچه را که داخل میشود در زمین وانچه بیرون می آید از ان وانچه فرود می آید از آسمان وانچه

يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ

بالا رود دران و باز نمیدارد در انچه داخل می شود در زمین وانچه بیرون می آید از ان از انچه فرود می آید از

السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا

آسمان وانچه بالا رود دران و باز نمیدارد در انچه فرود می آید از آسمان وانچه بالا رود دران از انچه

يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ

داخل شود در زمین وانچه بیرون آید از ان و باز ندارد اورا دانش چیزی از دانش چیزی و باز ندارد اورا آفرینش

شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ

چیزی از آفرینش چیزی و نه نگاهبانی چیزی از نگاهبانی چیزی و مساوی نیست او را چیزی و برابری نمیکند او را

شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ

چیزی نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوای دانا پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح

سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ

پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده اقسام مخلوقات همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوىٰ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ

ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده

كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرىٰ وَمَا لَا يُرىٰ سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ

هر چیز پاک است خدا آفریننده انچه دیده شود وانچه دیده نمی شود و تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمهای او

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ

پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خلق نماینده آسمانها و زمین گرداننده

الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء

فرشتگان رسولان صاحبان بالهایی دو دو و سه سه و چهار چهار می‌فزاید در آفرینش آنچه خواهد

ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما

بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست آنچه بگشاید خدا برای آدمیان از بخشش پس نیست بازدارنده مر آن را و آنچه

يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم

باز دارد پس نیست فرستنده مر آن را پس از او و اوست غالب درست کردار پاک است خدا پدید آورنده

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل

پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده ازواج همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل

ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هسته‌های خرما پاک است خدا آفریننده هر

شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان

چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاک است خدا باندازه کلمات او پاک است

الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في السموات وما في الارض ما يكون

خدا پروردگار عالمیان است پاک است خدایی که میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است نمیباشد

من نجوى ثلاثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من

از راز گفتن سه کس مگر که او چهارم ایشان است و نه پنج کس مگر که او ششم ایشان است و نه کمتر

ذلك ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيامة

از این و نه بیشتر مگر که او با ایشان است هر جا که بوده باشند پس آگاه کند ایشان را بآنچه کرده‌اند در روز رستخیز

ان الله بكل شيء عليم — وایضا مستحب است که این صلوات را در روز

بدرستیکه خدا به همه چیز داناست — ماه مبارک در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند

ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر ای گروهی که ایمان آوردید درود بفرستید بر او

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

و درود فرستید درود فرستادنی می ایستم ای پروردگار من و پاکی تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و

بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ

برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ اِبْرَاهِيمَ وَآلَ اِبْرَاهِيمَ

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا ترحم کن بر محمد و آل محمد چنانچه ترحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانکه درود فرستادی بر نوح در عالمیان

اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلٰى مُوسٰى وَهٰرُونَ اَللّٰهُمَّ

خداوندا بخشش نما بر محمد و آل محمد چنانکه بخشش نمودی بر موسی و هارون خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه راه نمائی کردی ما را باو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه

شَرَّفْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا

شرافت دادی ما را بسبب او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز او را در جایگاه ستوده

يَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

که رشک برند او را بسبب آن پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل او باد درود هرگاه

طَلَعَتْ شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ بَرَقَتْ

برآید آفتاب یا فرو رود بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلک را چشم یا خیره شود

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ ذَرَفَتْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلکها را دیده یا اشک ریزد بر محمد و آل او باد درود

كُلَّمَا ذُكِرَ السَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ مَلَكٌ اَوْ قَدَّسَهُ

هرگاه ذکر کرده شود سلام بر محمد و آل او باد درود هرگاه تسبیح کند خدا را فرشته یا تنزیه کند او را

السَّلامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ السَّلامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ السَّلامُ

درود بر محمد وآل او در زمرهٔ پیشینیان درود بر محمد وآل او در زمرهٔ پسینیان درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ السَّلامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

بر محمد وآل او در جهان وآنجهان. درود بر محمد وآل او ورحمت خدا وبرکتهای او

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ أَبْلِغْ

بار خدایا ای پروردگار بلدهٔ محترم وای پروردگار رکن ومقام ابراهیم وای پروردگار حل وحرم برسان

نَبِيَّكَ مُحَمَّداً وَآلِهِ عَنَّا السَّلامَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهَاءِ وَالسُّرُورِ

بپیغمبر خود محمد وآل او از ما درود خداوندا ببخش محمد را از نکوئی وشادی

وَالنَّضْرَةِ وَالْكَرَامَةِ وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقَامِ وَالشَّرَفِ وَ

وتازگی وبزرگواری وخوشحالی ووسیله ومرتبه وجایگاه وشرافت و

الرِّفْعَةِ وَالشَّفَاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ

بلندی وشفاعت کردن نزد تو روز رستخیز بهتر از آنچه عطا میکنی یکی را از خلق خود

وَأَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَضْعَافاً كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا

وعطا کن محمد را بالای آنچه عطا میکنی آفریدگان را از نیکی اضعاف بسیار که شمار نکند آنها را

غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

غیر تو خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد …

عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرَكَ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

عذاب بر آنکه شریک شد در خون او خداوندا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود محمد

عليه وآله السلام والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على الحسن و

براو وآل او باد درود ودور کن از رحمت خود کسی که آزرد پیغمبر ترا در باره او خداوندا رحمت فرست بر حسن

الحسين إمامي المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب

حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد ایشانرا ودشمن دار آنرا که دشمن دارد ایشانرا

على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين إمام المسلمين

بر آنکه شرکت نموده در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی بن حسین پیشوای گردن نهندگان

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب بر کسیکه ستم کرده او را

اللهم صل على محمد بن علي إمام المسلمين ووال من والاه وعاد

خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن

من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على جعفر بن محمد

که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر جعفر بن محمد

إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

پیشوای اطاعت کنندگان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب

على من ظلمه اللهم صل على موسى بن جعفر إمام المسلمين ووال من

بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل

که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت

على علي بن موسى إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف

بر علی بن موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را

العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد بن علي إمام المسلمين ووال

عذاب بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

رمضان

من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللّهمّ

آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا

صلّ على علىّ بن محمّد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه

رحمت فرست بر علی بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را

وضاعف العذاب على من ظلمه اللّهمّ صلّ على الحسن بن علىّ امام المسلمين

و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار کسی که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرد او را

اللّهمّ صلّ على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من والاه وعاد

خداوندا رحمت فرست بر جانشین پس از وی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار

من عاداه وعجّل فرجه اللّهمّ صلّ على القاسم والطّاهر ابنى نبيّك

آنرا که دشمن دارد او را و شتاب کن فرج او را خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود

اللّهمّ صلّ على رقيّة بنت نبيّك والعن من آذى نبيّك فيها اللّهمّ

خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا

صلّ على امّ كلثوم بنت نبيّك والعن من آذى نبيّك فيها اللّهمّ صلّ على ذرّيّة

رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا رحمت فرست بر فرزندان

نبيّك اللّهمّ اخلف نبيّك فى اهل بيته اللّهمّ مكّن لهم فى الارض اللّهمّ

پیغمبر خود خداوندا جانشین کن پیغمبر خود را در خاندانش خداوندا جای ده ایشان را در زمین خداوندا

اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم على الحقّ فى السّرّ والعلانية

بگردان ما را از شماره ایشان و یاوری ایشان و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهان و آشکارا

اللّهمّ اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكفّ عنّا وعنهم وعن

خداوندا طلب کن خون ایشان و خون ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار از ما و از ایشان و از

فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت کند فرزند خود را بر نیکی با او عرض کردند چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او بعمل آید قبول کند و کار دشوار را از او نخواهد

رمضان

كُلَّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَائِسٍ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
هر مرد گروندهٔ و زن گروندهٔ از بأس هر ستم کننده و از حد گذرنده و هر جنبنده که تو فراگیرندهٔ موی پیشانی اوئی

إِنَّكَ أَنْتَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا
بدرستیکه تو توانا تری بعذاب کردن و توانا تری از روی عقوبت کردن

و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهم بجای علی بن ظلمه چنین است علی بن شرک فی دمه و از جملهٔ دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائی است که سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهت آن روایت کرده و در استجابت دعوات مجرب است و بر مضامین عالیه مشتمل است و دعا این است

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي سه مرتبه اَللّٰهُمَّ
خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نکوئی تو نیک است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ
به نکوئی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو به بزرگوار ترین آن و هر بزرگواری تو

جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ
بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به بزرگواری تو همهٔ آن بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از جمال و نکوئی تو

بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ
به نیکوترین آن و هر نکوئی تو نیک است بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به نکوئی تو همهٔ آن

پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي
خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا

پس بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است

رمضان

اللهم انی اسألک بعظمتک کلها اللهم انی اسألک من نورک بانوره

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببزرگی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نور تو بروشن ترین آن

وکل نورک نیر اللهم انی اسألک بنورک کله اللهم انی اسألک

و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنور تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم انی اسألک

از رحمت تو بفراخ ترین آن و هر رحمت تو فراخ است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

برحمتک کلها پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی

برحمت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من

کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسألک من کمالک باکمله وکل کمالک

چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از صفات کمال تو بکامل ترین آن و همه صفات کمال تو

کامل اللهم انی اسألک بکمالک کله اللهم انی اسألک من

کامل است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بکمال تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از

کلماتک باتمها وکل کلماتک تامة اللهم انی اسألک بکلماتک

کلمهای تو بتمام ترین آنها و هر یک از کلمهای تو تام است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بکلمهای تو

کلها اللهم انی اسألک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة

همه آنها خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نامهای تو ببزرگترین آن و هر یک نامهای تو بزرگ است

اللهم انی اسألک باسمائک کلها پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوک کما

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنامهای تو همگی آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسألک من عزتک

امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از عزت تو

باعزها وکل عزتک عزیزة اللهم انی اسألک بعزتک کلها

بارجمندترین آن و هر عزتی از تو ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بعزت تو همه آن

روایت دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

اللّهمّ انّی اسألك من مشیّتك بامضاها وكلّ مشیّتك ماضیة

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از خواستن تو بآنکه رونده ترین آن و همه خواستن تو گذرنده است

اللّهمّ انّی اسألك بمشیّتك كلّها اللّهمّ انّی اسألك بقدرتك الّتی

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخواستن تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بقدرت تو که

استطلت بها علی كلّ شیء وكلّ قدرتك مستطیلة اللّهمّ انّی

استیلا داری بآن بر هر چیز و همه قدرت تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من

اسألك بقدرتك كلّها پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ انّی ادعوك كما امرتنی

سوال میکنم از تو بتوانائی تو همه آن خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا چنانکه فرمان دادی مرا

فاستجب لی كما وعدتنی پس بگوید اللّهمّ انّی اسألك من علمك بانفذه

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از علم تو بروانترین آن

وكلّ علمك نافذ اللّهمّ انّی اسألك بعلمك كلّه اللّهمّ انّی اسألك

و هر علمی از تو روان است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعلم تو سراسر آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

من قولك بارضاه وكلّ قولك رضیّ اللّهمّ انّی اسألك بقولك كلّه

از گفتار تو به پسندیده ترین آن و هر گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بگفتار تو همه آن

اللّهمّ انّی اسألك من مسائلك باحبّها الیك وكلّ مسائلك حبیبة

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از سوالهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و هر یک از سوالهای تو دوست داشته شده

الیك اللّهمّ انّی اسألك بمسائلك كلّها پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ انّی ادعوك كما امرتنی

بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسوالهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی

فاستجب لی كما وعدتنی پس بگوید اللّهمّ انّی اسألك من شرفك باشرفه

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن

وكلّ شرفك شریف اللّهمّ انّی اسألك بشرفك كلّه اللّهمّ انّی اسألك

و همه بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سلطنت تو به همیشه‌ترین آن و هر سلطنت تو همیشه است

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسلطنت تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از ملک و غلبهٔ تو بعظیم‌ترین آن و هر غلبهٔ تو

فَاخِرٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ پس بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

عظیم است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بالغلبهٔ تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَلَائِكَ

امر کردی پس بپذیر برای من چنانچه وعده فرمودی مرا بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بلندی تو

بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ عَلَائِكَ عَالٍ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَلَائِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ

به بلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به بلندی تو همهٔ آن خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از انعام تو به دیرینه‌ترین آن و هر انعام تو دیرینه است بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم

بِمَنِّكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَعْجَبِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ عَجِيبَةٌ

بانعام تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نشانهای تو بشگفت‌آورنده‌ترین آنها و هر یک از نشانهای تو شگفت‌آورنده است

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا پس بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به نشانهای تو همهٔ آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگو اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ

امر کردی پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از فضل تو

بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ

به افزون‌ترین آن و هر فضل تو افزون است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بفضل تو همهٔ آن

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِاَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ

بروزی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بخشش تو بگواراترین آن و همه بخشش تو

هَنِیءٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ مِنْ خَیْرِكَ

گوارا است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از نیکی تو

بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَیْرِكَ عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِخَیْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی

بشتابترین آن و همه نیکی تو شتابان است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من

اَسْاَلُكَ مِنْ اِحْسَانِكَ بِاَحْسَنِهِ وَكُلُّ اِحْسَانِكَ حَسَنٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ

سوال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و همه احسان تو نیکو است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

بِاِحْسَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِمَا تُجِیبُنِی بِهِ حِینَ اَدْعُوكَ فَاَجِبْنِی

باحسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بانچه اجابت میکنی مرا بآن هنگامیکه میخوانم ترا پس اجابت کن مرا

یَا اَللّٰهُ نَعَمْ دَعَوْتُكَ یَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِیهِ مِنَ الشُّؤُنِ

ای خدا بلی خواندم ترا ای خدا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه تو در آنی از کارها

وَالْجَبَرُوتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِكُلِّ شَاْنٍ وَجَبَرُوتٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ

و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بهر کار و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

بِشَاْنِكَ وَجَبَرُوتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِمَا تُجِیبُنِی حِینَ اَسْاَلُكَ

بکار تو و بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه اجابت میکنی مرا هنگامیکه سوال میکنم ترا

فَاَجِبْنِی یَا اَللّٰهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ پس هر حاجت که داری طلب بس بگو

پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّابْعَثْنِی عَلَی الْاِیمَانِ بِكَ وَالتَّصْدِیقِ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن بتو و باور داشتن

بِرَسُولِكَ وَالْوِلَایَةِ لِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَالْاِئْتِمَامِ بِالْاَئِمَّةِ

رسول تو و دوستی علی ابن ابیطالب را و بار درود و اقتدا به پیشوایان

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ

از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستیکه من بتحقیق خوشنودم بآن ای پروردگار من

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و میخواهم از تو بهتر بهتری خوشنودی ترا و بهشت را

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و پناه میگیرم بتو از بدتر بدتری که غضب تو است و آتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ

محمد و نگاهدار مرا از هر مکروهی واز هر رنجی واز هر عقوبتی واز

كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ

هر آشوبی واز هر بلائی واز هر گزندی واز هر ناخوشی واز هر رنجی

نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین درین ساعت و درین شب

وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و درین روز و درین ماه و در این سال خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ

محمد و آل محمد و بخش ده مرا از هر شادی واز هر نیکوئی واز هر

اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ

استواری واز هر گشادگی واز هر عافیتی واز هر سلامتی

وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ

واز هر نوازشی واز هر روزی فراخ حلال پاک واز هر نعمت

وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

واز هر نیکی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین درین ساعت

رمضان

وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اللّٰهُمَّ
ودرین شب ودرین روز ودراین ماه ودراین سال خداوندا

إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ
اگر بوده باشد گناهان من که تحقیق کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو وحائل شده باشد میان من ومیان تو وتغییر داده

حَالِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ
حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنور ذات بزرگوار تو که فرونشانیده نشده

وَبِوَجْهِ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَىٰ وَبِحَقِّ
وبجاه دوست تو محمد برگزیده وبجاه دوست تو علی پسندیده وبحق

أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي
دوستان تو که برگزیدی ایشانرا آنکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد وآنکه بیامرزی برای من

وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مَا تَوَالَدُوا ذُنُوبًا
وبرای پدر ومادر من وآنکه زائیده اند ایشان از مردان مؤمنه وزنان مؤمنه وآنکه زائیده اند ایشان گناهان

كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَأَنْ تَخْتِمَ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَأَنْ تَقْضِيَ
همه گناهان را خورد آنها وبزرگ آنها وآنکه ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته وآنکه روا کنی

لَنَا الْحَاجَاتِ وَالْمُهِمَّاتِ وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا
برای ما حاجتها را وکارهای سخت را وشایسته از دعا وسوال را پس بپذیر برای ما

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ آمِينَ آمِينَ
بحق محمد وآل محمد خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد بپذیر بپذیر بپذیر

مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ
آنچه خواسته خدا میشود نیست هیچ طاقتی وقدرتی مگر بخدا پاک است پروردگار تو پروردگار

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
عزت از آنچه می‌ستانید ودرود بر فرستادگان وسپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است

پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و ... و گردنت را بسوی ... و شش ... دو گریه کن

اگر بتوانی خود را بگریه ... بگو

... یا لا اله الا انت اسألك بحق من حقه علیك عظیم یا لا اله الا انت

ای آنکه نیست سزاوار پرستش کرتو میخواهم از تو بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است برکت کل عظیم یا لا اله الا انت

اسألك ببهاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله

سوال مسکینم ترا به نیکویی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش کرتو سوال مسکینم از تو به بزرگواری لا اله

الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجمال لا اله الا انت یا لا اله الا انت

الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش کرتو سوال مسکینم از تو به نیکویی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش کرتو

اسألك بنور لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بکمال لا اله الا انت

سوال مسکینم از تو بروشنایی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش کرتو سوال مسکینم از تو بتمامی لا اله الا

یا لا اله الا انت اسألك بعزة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك

ای آنکه نیست خدایی کرتو سوال مسکینم از تو بعزت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدایی کرتو سوال مسکینم از تو

بعظمة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بقول لا اله الا انت

به بزرگی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدایی کرتو سوال مسکینم از تو بوسیله گفتن لا اله الا انت

یا لا اله الا انت اسألك بشرف لا اله الا انت یا لا اله الا انت

ای آنکه نیست خدایی کرتو سوال مسکینم از تو بشرافت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدایی کرتو

اسألك بعلاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا

سوال مسکینم از تو به بلندی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدایی کرتو سوال مسکینم از تو بوسیلت لا اله الا

انت یا لا اله الا انت یا ربّاه یا ربّاه یا ربّاه

انت ای آنکه نیست خدایی کرتو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

آنقدر بگو که یک نفس وفا کند پس بگو ... حاجت ... کرده بسوی دوش

چپ آنقدر که یک نفس وفا کند

أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي پس بگوید یا الله یاه ... فاکند پس بگوید یا سیّداه

سؤال میکنم از تو ای بزرگ من ای خداوند پروردگار ای بزرگ

يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ يَا مَلْجَأَاهُ يَا مُنْتَهَى غَايَةِ رَغْبَتَاهُ يَا أَرْحَمَ

ای آقا ای فریادرس ای پناهگاه ای منتهای نهایت خواهش ای بخشاینده‌ترین

الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجَابَةٍ

بخشایندگان سؤال میکنم از تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و سؤال میکنم ترا بهر دعای پذیرفته

دَعَاكَ بِهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ

که خواند ترا بآن پیغمبر مرسلی یا فرشته مقربی یا بنده گروندهٔ که آزموده دل او را

لِلْإِيمَانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

برای ایمان و پذیرفتی دعای او را از وی و روی آورم بسوی تو بوسیله محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت

وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي

و پیش میدارم او را در پیش حاجتهای خود ای محمد ای رسول خدا پدرم فدای تو و مادرم

أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ وَرَبِّي وَأُقَدِّمُكَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

روی آورم بوسیلهٔ تو بسوی پروردگار تو و پروردگار من و پیش میدارم ترا پیش حاجتهای خود

يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَتَوَجَّهُ

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار میخواهم از تو بحق تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و روی آورم

إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهَادِيَةِ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

بسوی تو بوسیلهٔ محمد دوست تو و بوسیلهٔ خویشان نزدیک او که راه نماینده‌اند و پیش میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود

وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ

و سؤال میکنم از تو خداوندا بهستی تو که زایل نمیشود و بروشنائی ذات تو که فرونشانیده نمیشود

وَبِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ

و بدیدهٔ تو که نمی‌خوابد و سؤال میکنم از تو خداوندا بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِعَدَدِ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ

انکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد ... و بعدد هر چیز و بشماره

كُلِّ شَيْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

هر چیز و بسنگینی هر چیز و پری هر چیز خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَأَمِينِكَ الْمُصْطَفَى وَنَجِيبِكَ

بر محمد بنده برگزیده تو و رسول پسندیده تو و معتمد برگزیده تو و اختیار کرده شده

دُونَ خَلْقِكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ النَّذِيرِ الْبَشِيرِ

نزد خلق تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو همه بیم نماینده مژده دهنده

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارِ

چراغ روشن و بر خاندان او که پاکیزگان پاکان پاک گردیدگان نیکان

الْأَبْرَارِ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ

نیکوکاران و بر فرشتگان تو که خالص گردانیدی ایشان را برای ذات خود و باز داشتی ایشان را از

خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلَى عِبَادِكَ

خلق خود و بر پیغمبران تو که خبر میدهند براستی از تو و بر بندگان تو

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ

که شایسته اند آنکه درآورده ایشان را در رحمت خود که پیشوایان راه یافتگان

الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَ

پاک گردیدگان و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک موت و

رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ

رضوان خزانه دار بهشت و مالک خزانه دار دوزخ و روح القدس و بردارندگان

الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ

عرش و منکر و نکیر و بر آن دو فرشته که موکل اند بحفظ اعمال من باآن رحمت که دوست داری

رمضان

اَنْ تُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ صَلوٰةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً زَاكِيَةً نَامِيَةً

اگر رحمت بفرستی بآن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه با برکت پاک فزایش کننده

طَاهِرَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً تُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَى الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

طاهر با رفعت نیکو که ظاهر سازی بآن زیادتی ایشانرا بر پیشینیان و پسینیان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامرزی گناهان مرا

وَتُنْجِحَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَاتِي وَتَقْبَلَ قِصَّتِي وَتُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ

و بر آوری حاجت مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری کار مرا یا حکایت مرا و روا کنی برای من انجه را که وعده دادی مرا و

تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمِي

درگذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطای من و درگذری از ستم من و عفو کنی از گناه من

وَتُقْبِلَ عَلَيَّ وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبَنِي وَتُعَافِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي

رو کنی بر من و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت بخشی مرا و مبتلا نسازی مرا

وَتَرْزُقَنِي مِنْ اَطْيَبِ الرِّزْقِ وَاَوْسَعِهِ وَاَهْنَاِهِ وَاَمْرَئِهِ وَاَسْبَغِهِ وَ

و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها و فراگیرنده ترین آن و گواراترین آن و بکثرترین آن و سعد و تمام ترین آن

اَكْثَرِهِ وَلَا تَحْرِمَنِي يَا رَبِّ النَّظَرَ اِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ

و بیشترین آن و نا امید نکنی مرا ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و از رسیدن به بهشت

وَالْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَاقْضِ عَنِّي يَا رَبِّ دَيْنِي وَاَمَانَتِي وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي

و از آزادی از آتش و قضا کن از من ای پروردگار من قرض مرا و امانت مرا و بگذار از من بار گران مرا

وَلَا تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَاَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ

و بار مکن مرا انچه نیست توانائی مرا بآن ای صاحب اختیار من و در آور مرا در هر نیکی

اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ

که در آوردی دران محمد و آل محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشانرا از ان

رمضان

ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابداً في الدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگويد

وجدائی میفکن میان من و میان ایشان بقدر بهم زدن چشمی هرگز در این جهان و آن جهان

اللهم انی ادعوك كما امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی پس بگويد اللهم انی

بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن دعای مرا چنانچه وعده فرمودی مرا بار خدایا بدرستیکه

اسألك قليلاً من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه

سوال میکنم از تو اندکی از بسیار با حاجت من بسوی آن بیشمار و بی نیازی تو از آن

قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علیّ انك على

دیرینه است و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل و اندک است پس بخشش کن با آن بر من بدرستیکه تو بر

كل شيء قدير اللهم رحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين

هر چیز توانائی خداوندا رحمت خود در زمره نیکوکاران پس درآور ما را و در علیین

فارفعنا وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين

پس بلند کن ما را و بجامی از شراب گوارا از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از حوریان فراخ چشم

برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كأنهم لؤلؤ مكنون

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان که گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس

پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامهای دیبای نازک

والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلاً

و ابریشم و دیبای سطبر پس بپوشان ما را و برای دریافت شب قدر و حج خانه محترم خود و کشته شدن

في سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب

در راه خود با دوستان خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سوال را پس مستجاب

لنا يا خالقنا اسمع واستجب لنا واذا جمعت الاولين والآخرين

برای ما ای آفریننده ما بشنو و اجابت کن ما را و هرگاه جمع کنی پیشینیان و پسینیان را

يوم القيمة فارحمنا وبرآءة من النار وامانا من العذاب فاكتب لنا وفي

در روز رستخیز پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش و ایمنی از عذاب پس بنویس برای ما و در

جهنّم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنّا وفي هوان

دوزخ پس مگردان ما را و با دیوان پلید در آتش پس ثابت مدار ما را و در خوار کردن

عذابك فلا تقلبنا ومن الزقّوم والضريع فلا تطعمنا وفي

عذاب خود پس بگردان ما را و از میوه زقوم و خار خشک پس مخوران ما را و در

النار على وجوهنا فلا تكبّنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران

آتش بر روهای ما پس میفکن ما را و از جامهای آتش و پیراهنهای قطران

فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجّنا

پس مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق کلمه لا اله الا انت پس نجات ده ما را

اللهمّ انّي اسألك ولم يسأل مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا و درخواسته نشده است مانند تو رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی

مثلك يا ربّ انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة

مثل تو ای پروردگار تو قرارگاه سوال خواهندگانی و منتهای رغبت

الراغبين اسألك اللهمّ بافضل اسمائك كلّها وانجحها يا الله يا

خواهشمندانی درخواهم از تو خداوندا به بهترین نامهای تو همه آنها و فیروزترین آنها ای خدا ای

رحمن وباسمك المخزون المصون الاعزّ الاجلّ الاعظم الذي تحبّه

بخشاینده و بحق نام تو که پنهان داشته نگاهداشته ارجمندتر بزرگوارتر بزرگترست آن نامیکه دوست میداری از آن

وتهواه وترضى عمّن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحقّ عليك

و میخواهی آنرا و خشنود میشوی از آنکه بخواند ترا بآن و میپذیری برای او دعای او را و لازم است بر تو

يا ربّ ان لا تحرم سائلك اللهمّ انّي اسألك بكلّ اسم هو لك دعاك

ای پروردگار من آنکه نا امید نسازی سوال کننده خود را خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بهر نامی که آن

رمضان

به عبدٌ هو لك فی برٍّ او بحرٍ او سهلٍ او جبلٍ او عند بیتك الحرام
بآن بنده که او برای تست در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه یا نزد خانهٔ حرم محترم تو

او فی شیءٍ من سبلك فادعوك یا ربّ دعاء من قلّت
یا در چیزی از راههای قرب تو پس میخوانم ترا ای پروردگار من مثل خواندن کسیکه تحقیق کم باشد

فاقته وعظم جرمه وضعف کدحه واشرفت علی الهلکة نفسه
احتیاج او و بزرگ باشد گناه او و سست باشد کوشش او و مشرف گشته باشد بر هلاکت ذات او

ولم یثق بشیءٍ من عمله ولم یجد لما هو فیه سادّاً ولا لذنبه غافراً
واعتماد نکرده باشد بچیزی از کردار خود و نیافته باشد برای آنچه او در آنست بازدارنده و نه برای گناه خود آمرزنده

ولا لعثرته مقیلاً غیرك هارباً الیك متعوّذاً بك متعبّداً لك
و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو حال آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده بتو پرستش کننده مر ترا

غیر مستنکفٍ ولا مستکبرٍ ولا متجبّرٍ ولا متعظّمٍ بل بائسٍ
ننگ دارنده از عبادت تو و نه گردن کشنده و نه مانند صاحب کبر و نخوت نماینده بوده باشد بد حال

فقیرٍ خائفٍ مستجیرٍ اسألك یا الله یا رحمن یا حنّان یا منّان یا بدیع
محتاج ترسان امان جوینده درمیخواهم از تو ای خدای بخشنده ای بغایت مهربان ای بسیار بخشنده ای پدید آورنده

السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام ان تصلّی علی محمّدٍ
آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن آنکه رحمت بفرستی بر محمد

وآل محمّدٍ صلوة کثیرةً طیّبةً مبارکةً نامیةً زاکیةً شریفةً اسألك
و آل محمد رحمت بسیار پاک بابرکت فزایش نماینده پاکیزه بلند پایه سوال میکنم ترا

اللهمّ ان تغفر لی فی شهری هذا وترحمنی وتعتق رقبتی من النار
خداوندا آنکه بیامرزی مرا در ماه من این ماه و رحم کنی مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش

وتعطینی فیه خیر ما اعطیت احداً من خلقك وخیر ما انت
و عطا کنی مرا در آن بهتر از آنچه عطا فرمودی یکی از خلق خود را و بهتر آنچه تو

مُعطِيهِ وَلا تَجعَلهُ آخِرَ شَهرِ رَمَضانَ الَّذي صُمتُهُ لَكَ مُنذُ أَسكَنتَني

عطا کننده آن و مگردان آنرا آخر ماه رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو از آن وقت که ساکن گردانیدی مرا

أَرضَكَ إِلى يَومي هٰذا بَل اجعَلهُ عَلَيَّ أَتَمَّهُ نِعمَةً وَأَعَمَّهُ عافِيَةً

در زمین خود تا روز من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمام ترین آن از روی نعمت و فرو گیرنده ترین آن از روی عافیت

وَأَوسَعَهُ رِزقاً وَأَجزَلَهُ وَأَهنَاهُ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعوذُ بِكَ وَبِوَجهِكَ

و فرا گیرنده ترین آن در روزی و وافرترین آن و گوارا ترین آن خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو و بذات

الكَريمِ وَمُلكِكَ العَظيمِ أَن تَغرُبَ الشَّمسُ مِن يَومي هٰذا أَو تَنقَضِيَ بَقِيَّةُ

بزرگوار تو و پادشاهی بزرگ مرتبه تو از اینکه غروب کند آفتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقی مانده

هٰذَا اليَومِ أَو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتي هٰذِهِ أَو يَخرُجَ هٰذَا الشَّهرُ وَلَكَ

این روز یا برآید صبح از شب من این شب یا بیرون این ماه و حال آنکه باشد مر ترا

قِبَلي تَبِعَةٌ أَو ذَنبٌ أَو خَطيئَةٌ تُريدُ أَن تُقايِسَني بِها أَو تُؤاخِذَني

نزد من و بالی یا گناهی یا خطای که خواهی آنکه در مشقت افکنی با آن یا مواخذه نمائی مرا

بِها أَو تُوقِفَني بِها مَوقِفَ خِزيٍ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَأَن تُعَذِّبَني يَومَ

بآن یا برپا داری مرا بسبب آن در جایگاه خواری در دنیا و آخرت و آنکه عذاب کنی مرا در روزیکه

أَلقاكَ يا أَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَدعوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ غَيرُكَ

ملاقات نمایم ترا ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بجهت غمی که نمی گشاید آنرا غیر تو

وَلِرَحمَةٍ لا تُنالُ إِلّا بِكَ وَلِكَربٍ لا يَكشِفُهُ إِلّا أَنتَ وَلِرَغبَةٍ

و بجهت بخششی که رسیده نمیشود مگر بتو و بجهت اندوهی که زائل نمیکند آنرا مگر تو و بجهت خواهشی

لا تُبلَغُ إِلّا بِكَ وَلِحاجَةٍ لا تُقضىٰ دونَكَ اَللّٰهُمَّ فَكَما كانَ مِن شَأنِكَ

که رسیده نمیشود مگر بخواهش تو و بجهت حاجتی که روا کرده نمیشود از غیر تو بار خدایا پس چنانچه بوده از کار تو

ما أَرَدتَني بِهِ مِن مَسأَلَتِكَ وَرَحِمتَني بِهِ مِن ذِكرِكَ فَليَكُن مِن شَأنِكَ

آنکه قصد کردی مرا بآن از سوال کردن تو و ترحم نمودی مرا بآن از یاد کردن تو پس باید که بوده باشد از کار تو

الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت اليك منه

اجابت کردن برای من در آنچه خواندم ترا بآن و رستگاری برای من در آنچه استغاثه نمودم بسوی تو از آن

يا ملين الحديد لداود عليه السلام اي كاشف الضر والكرب

ای نرم سازنده آهن بجهت داود بر او باد درود ای رفع نماینده بدحالی و اندوه های

العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل

بزرگ از ایوب ای گشاینده غم یعقوب وای زائل کننده اندوه یوسف رحمت بفرست

على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى

بر محمد و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی زیرا که بتحقیق تو سزاوار پرهیزکاری

واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة

و سزاوار آمرزشی بارخدایا تو معتمد منی در هر اندوهی و امیدگاه منی در هر سختی

وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف

و تو برای من در هر امری که فرود می آید بمن معتمدی و ذخیره چه بسیار از اندوه که ناتوان میشود

منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت

از بر داشتن آن دل و کم میشود در آن راه چاره و خوار میگردد در آن دوست و شماتت میکند

فيه العدو وانزلته بك وشكوته اليك رغبة مني فيه اليك

در آن دشمن و فرود آوردم آنرا بدرگاه تو و شکایت نمودم از آن بسوی تو از راه رغبت من

عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنه فانت ولي كل نعمة

از غیر تو پس گشودی تو آنرا و زائل کردی آنرا و رفع نمودی آنرا پس تو خداوند هر نعمتی

وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله

و صاحب هر نیکی و منتهای هر رغبتی پناه میبرم بکلمات خدا

التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا

که تمام و کامل اند از شر آنچه آفریده از چیزی خداوندا عافیت بخش مرا در روز این

أُمسِي اللّهُمَّ إِنّي أَسأَلُكَ بَرَكَةَ يَومي هذا وَما نَزَلَ فيهِ مِن عافِيَةٍ وَمَغفِرَةٍ
شام کنم خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو برکت روز مرا این روز و آنچه فرود آمده در ان از عافیت و آمرزش
وَرَحمَةٍ وَرِضوانٍ وَرِزقٍ واسِعٍ حَلالٍ تَبسُطُهُ عَلَيَّ وَعَلى والِدَيَّ
و بخشش و خوشنودی و روزی فراخ حلالی که پهن کنی بر من و بر پدر و مادر من
وَوُلدي وَأَهلي وَعِيالي وَأَهلِ حُزانَتي وَمَن أَحبَبتُ وَأَحَبَّني وَوَلَدَ
و فرزندان من و عیال من و خاندان من و آنکه غمخواری ونمایم و آنکه دوست دارم و دوست دارد مرا و آنکه زائیده من
وَوَلَدتُ اللّهُمَّ إِنّي أَعوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّركِ وَالحَسَدِ وَالبَغيِ
و زائیدم مرا خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از شک نمودن و شرک آوردن و حسد و بدخواهی و ستم کردن
وَالحَمِيَّةِ وَالغَضَبِ اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ وَرَبَّ الأَرَضينَ السَّبعِ
و غیرت و خشم گرفتن خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه وای پروردگار زمینهای هفتگانه
وَما فيهِنَّ وَما بَينَهُنَّ وَرَبَّ العَرشِ العَظيمِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست وای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفرست بر محمد و آل او و
اكفِنِي المُهِمَّ مِن أَمري بِما شِئتَ وَكَيفَ شِئتَ پس بخوان سوره
کارگذاری کن برای من مهم از امر مرا بانچه خواهی و بهر روشی که خواهی
حمد و آیة الکرسی را بگو اللّهُمَّ إِنَّكَ قُلتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ
خداوندا بتحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود رحمت فرستاد خدا بر او و آل او
وَلَسَوفَ يُعطيكَ رَبُّكَ فَتَرضى اللّهُمَّ إِنَّ نَبِيَّكَ وَرَسولَكَ وَ
که هر آینه زود باشد که عطا کند ترا پروردگار تو پس خوشنود شوی خداوندا بدرستیکه پیغمبر تو و رسول تو و
حَبيبَكَ وَخِيَرَتَكَ مِن خَلقِكَ لا يَرضى بِأَن تُعَذِّبَ أَحَداً مِن أُمَّتِهِ دانَ لَكَ
دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمیشود باینکه عذاب کنی یکی از امت او را که گرویده است ترا
بِمُوالاتِهِ وَمُوالاةِ الأَئِمَّةِ مِن أَهلِ بَيتِهِ وَإِن كانَ مُذنِباً خاطِئاً
بوسیله دوست داشتن او و دوست داشتن پیشوایان از خاندان او اگر چه بوده باشد گناهکار خطا کار

فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَأَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَهَبْنِي لِمُحَمَّدٍ

در آتش دوزخ پس زنهار ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن و ببخش مرا بمحمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأَلُّفٍ

و آل محمد ای بخشنده ترین بخشایندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بنابر استحکام

مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ إِخْوَاناً

از دلها و شدت دوستی وای برکننده کینه از سینهای ایشان و گردانندهٔ ایشان برادران

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ

بر کرسیها رو برروی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان آنکه خلق نموده آنها را برای او

وَيَا مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مُنْهِلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي

وای زائل کننده اندوه هر اندوهناکی وای جیحه هر بیکسی ای رحم کننده من در

غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ أَحْوَالِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكَلَاءَةِ لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ

بیکسی من و در همه حالات من بخوبی محافظت نمودن و نگهبانی کردن مرا ای گشاینده آنچه با من است از

الضِّيقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّتِي

تنگی و بیم رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من

وَقَادَتِي وَسَادَتِي وَهُدَاتِي وَمَوَالِيَّ يَا مُؤَلِّفاً بَيْنَ الْأَحِبَّاءِ صَلِّ عَلَى

و کشندگان من و پیشوایان من و راه نمایان من و صاحب اختیاران من ای الفت کننده میان دوستان رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِي بِانْقِطَاعِ رُؤْيَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي وَلَا

محمد و آل محمد و بدرد و میاور مرا بسبب بریده شدن دیدن محمد و آل محمد از من و نه

بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي عَنْهُمْ فَبِكُلِّ مَسَائِلِكَ يَا رَبِّ أَدْعُوكَ إِلٰهِي

بسبب بریدگی دیدن من از ایشان پس بهمه سوالهای تو ای پروردگار من میخوانم ترا خدای من

فَاسْتَجِبْ دُعَائِي إِيَّاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِانْقِطَاعِ

پس بپذیر خواندن مرا مر ترا ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بسبب بریدگی

مُجِيبٌ وَ وُجُوبَ حُجَّتِكَ اَن تَغفِرَ لِي اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِن خِزيِ يَوم

دلیل من و لازم بودن حجت تو آنکه بیامرزی مرا بارخدایا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از خواری روز

المَحشَرِ وَمِن شَرِّ مَا بَقِيَ مِنَ الدَّهرِ وَمِن شَرِّ الاَعدَاءِ وَصَغِيرِ الفَنَاءِ

محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمانه و از گزند دشمنان و نیستی خورد

وَعُضَالِ الدَّاءِ وَخَيبَةِ الرَّجَاءِ وَزَوَالِ النِّعمَةِ وَفُجَاءَةِ النِّقمَةِ اللّٰهُمَّ

و درد عاجز کننده و بی بهره شدن از امید و زائل شدن نعمت و ناگاه در رسیدن عقوبت خداوندا

اجعَل لِي قَلبًا يَخشَاكَ كَاَنَّهُ يَرَاكَ اِلَى يَومِ يَلقَاكَ

بگردان برای من دلی که بترسد ترا آنچنانکه گویا او می بیند ترا تا روزی که ملاقات کند ترا

و دور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجتی در پیش باشد این دعا را توان خواند

فصل ششم

در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است در روایتی وارد شده که انجیل بر حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام در سیوم این ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبره دیگر در روز دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون خائن ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد و روایت شده است که هر که در آن دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در شب سیزدهم این ماه دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است و فضیلت آن مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول فرمود که هر که در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از و ضرر

دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او شصت ملک نفرستد که او را بشارت دهند به بهشت
و شصت ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضاً از انحضرت منقولست که هر که در شب نصف ماه رمضان
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت
سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت
و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار بزرگیست و در ان شب لشکر حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روز جنگ بدر رسید
حق تعالی لشکر انحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در ان شب
فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ
الْقَدْرِ یعنی ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر
امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ
الْقَدْرِ و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ
شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت در ان بهتر است از عبادت هزار ماه تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ
وَالرُّوحُ فِيهَا فرو می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ
برخصت پروردگار ایشان بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح
بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام علیه السلام عرض
میکنند سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام
می کنند بر امام و بر دوستان که در این شب عبادت می کنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب
قدر اختلاف بسیار است بعضی از سنیان گفته اند شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه
و آله بود و بعد از انحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی
گفته اند در تمام سال پنهان است در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت [illegible] دریابند و بعضی
گفته اند در ماه [illegible] ماه رمضان پنهان است و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است بعضی گفته اند
[illegible] بعضی گفته اند شب هفدهم و بعضی

رمضان

بیست و یکم و بعضی بیست و سوم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در زمان
اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند برآنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست
و سوم بیرون نیست و بعضی مردم میان شب بیست و یکم و بیست و سوم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند
برآنکه ازین سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم را احیا باید کرد تا فضیلت
شب قدر دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سوم وارد شده است و در بعضی
تعیین بیست و سوم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و آن اعرابی بود که بحضرت رسول
صلی الله علیه و آله عرض کرد که منزل من دور است از مدینه و میخواهم شبی را برای من تعیین کنی که بهترین شبها
باشد که دران شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سوم برای او تعیین فرمود و او پیوسته دران
شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه می شد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که شب قدر … و در شب اول التقدیر امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکن
است بعضی تغییر یابد و در شب سوم ختم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد بلا تشبیه مانند
ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسان است بعد از ان شب ثانی فاتر میشود و تغییرش
دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار مزین نگردیده باز ممکن است تغییر یابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله
ختم است تغییرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور هست مانند
اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت
دعا در همه شب و روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها
آنست که بر همه اسمای مقدسه الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها کنند و در همه ساعات
شب و روز جمعه دعا کنند و سعی در همه اعمال خیر کنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر
شبهایی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر
اسم اعظم را … میدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره آنرا وسیله حصول مطالب دنیه کنند چنانچه
از بلعم نقل کرده اند همچنین شب قدر و ساعت … اگر خصوص آنها را بدانند ممکن
است که از غیر مشروعه یا ضررهای عظیم … آن استدعا کنند اگر خصوص

رمضان

داند باید البته مستجاب کرده دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این
رساله گنجایش آنها ندارد و پس باید که مومن این شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا کند تا فضیلت
شب قدر را دریابد و در شب آخر اهتمام بیشتر بکند و در شب بیست و سوم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص
آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کنند و فواید عبادت شب قدر بسیار است از انجمله آنکه چون
عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است [illegible]
و مغفرت میسر باید دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر
و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود و ممکن است
که نام او در دیوان اشقیا نوشته بوده در این شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه
این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه چون امام او حضرت صاحب الامر
علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند
و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند سزاوار است که در چنین شبی
آن حضرت با مام خود [illegible] و بغفلت بسر آورد و از حضرت رسول منقولست که چون شب قدر میشود فرود
می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها آورد
و یک علم را بر سر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را بر طور سینا
و نمیگذارند مرد مومن و زن مومنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقولست که بهشت
را همه سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود از زیر عرش بادی وزد
که آن را مثیره میگویند و اصدا می آورد درختان و حلقه های درهای بهشت پس نغمه از او می شنوند که هرگز
شنوندگان از آن خوشتر نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفه های بهشت بیرون می آیند
و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحه خود پس از
رضوان خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکو رویان
نیکوکاران این شب اول ماه رمضان است [illegible] درهای بهشت گشوده شده از برای روزه داران
امت محمد پس حقتعالی [illegible] گشا درهای بهشت [illegible] بیند درهای

رمضان

جهنم را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در
گردن ایشان گذار و ایشان را در لجه‌های دریا بینداز تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد روزهای ایشان را
و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سوال کننده
هست که سوال کند او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبهٔ او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش
را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعده‌های خود و ستم
نمی‌کند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را
از آتش جهنم آزاد می‌کند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند
که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است
آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین می‌آید با لشکر عظیمی از ملائکه و با خود
علم سبزی می‌آورد و بر بالای کعبهٔ معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بالش را نمی‌گشاید مگر در شب
قدر و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرند و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه
را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان
مصافحه می‌کنند و چون ایشان دعا می‌کنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول
این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه برانید جای
آسمان شتابید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد جبرئیل میگوید خدا
گناهان همه را آمرزید مگر کسی که همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان
عداوت کند و چون شب عید فطر میشود و آنرا شب جوائز گویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه مبارک
رمضان را بی حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که به
زمین می‌آیند و بر سر کوچها و بازارها می‌ایستند و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه
پروردگار کریم که عطاهای بزرگ می‌بخشد و گناهان عظیم را می‌آمرزد پس چون بمصلی بیرون میروند
برای نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه چیست جزای مزدوری که عمل خود را بکند ملائکه میگویند
ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را

گواه میگیرم که ثواب ایشان از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم که ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا میفرماید مومنان را که در آن مجمع حاضر بوده اند که ای بندگان من هرچه خواهید از من سوال کنید و بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که از این مجمع شما هر حاجت که برای آخرت و دنیای خود سوال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را می پوشانم تا از من راضی گردید و تشویه و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گنهکاران رسوا نمیکنم برگردید آمرزیده بدرستیکه خوشنود کردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و تهنیت میکنند یکدیگر را مبارکباد میگویند با نچه حق تعالی با امت محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود و هرچند بعدد ستاره های آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و اما اعمال این سه شب پس دو نوع است اول آنکه در هر شب باید کرد دوم آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی چند بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا همه را ببیند و غسل در این سه شب سنت موکده است و غسل این شبها مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز عشا را با غسل بکند و مستحب است در این شبها که قرآن مجید را بدست گیرد و بگشاید و این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَمَا فِیهِ وَفِیهِ اِسْمُكَ الْاَكْبَرُ

خداوندا سؤال میکنم از تو بحق کتاب فرو فرستاده تو و آنچه در آنست و در آنست نام بزرگ تو

وَاَسْمَاؤُكَ الْحُسْنٰی وَمَا یُخَافُ وَیُرْجٰی اَنْ تَجْعَلَنِی مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَتَقْضِیَ حَوَائِجِی لِلدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ

و نامهای نیکوی تو و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود از آن که بگردانی مرا از آزاد کردگان خود از آتش و برآوری حاجتهای مرا از برای دنیا و آخرت

پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله تعالی بر آورده است و این دعا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مصحف را بگیر و

اللهم بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته به وبحق کل مؤمن مدحته

خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستاده قرآنرا باو و بحق هر گرونده که ستوده او را

فیه وبحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بگو

در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست هیچکس شناساتر بحق تو از تو

بک یا الله ده مرتبه بمحمد ده مرتبه بعلی و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه

بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی بن الحسین و ده مرتبه بمحمد بن علی

و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده مرتبه

بمحمد بن علی و ده مرتبه بعلی بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن علی و ده مرتبه بالحجة پس حاجت

که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین ع در یک از این سه شب سنت موکد است و در هر یک ازین شبها شب بیست و سوم صد رکعت نماز سنت است دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد میخوانند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت آن صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته بجا آورد و بهترین اعمال درین شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و از برای پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک

ازین سه شب بخوانند واما دوم پس اعمال مخصوصه شب بیست و سیم آنست که صد مرتبه بگوید

استغفر الله ربي واتوب اليه وصد مرتبه اللهم العن قتلة امير المؤمنين

طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار من رجوع میکنم بسوی او خداوندا دور کن از رحمت خود کشندگان پیشوای مؤمنان را

و این دعا بخوانند اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر واجب که دیگر آنچه

تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد و

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و

لا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور

تبدیل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پسندیده شود حج ایشان و جزا داده شود

سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم کنی

وتقدر ان تطيل عمري وتوسع علي في رزقي وتقدر لي في جميع

و تقدیر می نمائی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشایش دهی بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من در همه

اموري ما هو خير لي في دنياي وآخرتي يا ارحم الراحمين

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

[illegible] خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب اول است و غسل

و اعمال سابقه مقابل [illegible] و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و مستحب است

بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت

نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است

که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب [illegible] و در نصف

آخر مشغول نماز و بسند معتبر [illegible] منقول است [illegible] بیست و سوم

ماه رمضان هر یک صد رکعت نماز بگزار [illegible] هزار [illegible]

رمضان

باشی و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بر سبیلکه امید شب قدر در یکی ازینهاست و شب قدر
بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که دران سال واقع میشود در شب قدر
مقدر میکردد و دعای این شب در ضمن دعاهائی که بعد ازین مذکور خواهد شد انشا الله تعالی و اما شب
بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر انکه آن شب قدر است و دران دو غسل سنت
است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب
جهنی است و دران شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میکردد و دران شب مقدر میشود مرکها و بلاها
و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه دران سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده
که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و که در رکوع باشد و که در سجود و کناهان خود
را در برابر دیدهای خود ممثل کرداند و بر آنها بکرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب
قدر محروم نکردد انشا الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندکان من که بخشیدم کناهان کذشته شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیکر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیکر مستجاب میکردانم مکر کسی
که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست و سوم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم دران احدی را و نمی ترسم که خدا درین سوکند بر من
کناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از انحضرت بسند معتبر
منقول است که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
برابر صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه مخصوص ماست از کرامتها که درین شب بیست آنچه در خواب
ببیند و سوره حم دخان را نیز سنت است که درین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقول است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که
امید شب قدر دران بیست و دران هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه درین شب بحضرت مطلب میکنند که رخصت یابی بزیارت آنحضرت

مِنْ عِبادِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمين

ازین سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال مخصوصهٔ شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید

اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و صد مرتبه اَللّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ

طلب آمرزش میکنم از خداپروردگار من رجوع میکنم بسوی او خداوندا دور کن از رحمت کشندگان پادشاه گروندگان را

و این دعا بخوانند اَللّهُمَّ اجْعَلْ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفیما

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر حتمی دیده و در آنچه

تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَکیمِ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَ

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و

لا یُبَدَّلُ اَنْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ

و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان جزا داده شود

سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ وَاجْعَلْ فیما تَقْضی

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم کنی

وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطیلَ عُمْری وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ فی رِزْقی وَتَفْعَلَ بی فی جَمیعِ

و تقدیر می نمائی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشایش دهی بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من در همه

اُمُوری ما هُوَ خَیْرٌ لی فی دُنْیایَ وَآخِرَتی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

[illegible] حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب سابق است و غسل

و اعمال سابقه همه بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و در دهه استجابت دعا

و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت

نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست

که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول [illegible] و در نصف

آخر مشغول نماز و بسند موثق از ایشان [illegible] منقولست که اگر توانی در شب [illegible] بیست و سوم

ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز نافلهٔ شب و تا صبح بیدار [illegible]

رمضان

باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی در شبی که امید شب قدر در یکی از آنها است و شب قدر
بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر
مقدر میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای هر شب مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و اما شب
بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت
است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب
جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود مرگها و بلاها
و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده
که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود
را در برابر دیده های خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب
قدر محروم نگردد ان شاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانیم مگر کسی
که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست و سوم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم در آن احدی را و نمی ترسم که خدا در این سوگند بر من
گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از آنحضرت بسند معتبر
منقول است که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها که در این شب آنچه در خواب
ببیند و سوره حم دخان نیز سنت است که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقول است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که
امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت میطلبند از حق تعالی برای زیارت آنحضرت

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... اللهم اجعل ... عملی ... والهمنی ... فی عبادک ... وحسّن ... ولا تبتلنی بالنفاق والحسد ... بین یدیک ... یا ارحم الراحمین ... من عبادک

و از حضرت صادق علیه السلام ... منقول است ... که حضرت رسول صلی الله علیه و آله ریش را از طرف پائین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که روزی را زیاده میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم ...

و از حضرت امام موسی علیه السلام ... کاظم منقول است ...

وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که هر که احیا کند شب بیست
وسوم ماه مبارک را و صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ کرداند در دنیا و دشمنان
را از و کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سر خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و
از شر درندگان و دفع کند از و هول نکیر و منکر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی
بخشد اهل محشر را و نامه اش بدست راست او میدهند و بنویسند برای او برات بیزاری از
آتش جهنم را و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب و داخل بهشت شود بی حساب و در شب
او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان کردانند و نیکو رفیقانند
ایشان و دعای این شب را از جمله دعاهای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند

اللهم امدد لی فی عمری واوسع لی فی رزقی واصح جسمی وبلغنی املی

خداوندا درازی بخش برای من در عمر من و کشایش ده برای من در روزی من و سالم دار بدن مرا و برسان مرا بآرزوی من

وان کنت من الاشقیاء فامحنی من الاشقیاء واکتبنی من السعداء

واکر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا از دیوان بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان

فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک صلواتک علیه واله یمحو

زیرا که بتحقیق تو گفته در کتاب خود که فرود آورده شده است بر پیغمبر تو رحمتهای تو بر او و بر آل او محو میکند

الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب وایضا بگوید اللهم اجعلنی من

خدا انچه را میخواهد و ثابت میدارد انچه را میخواهد و نزد او است اصل کتاب بار خدایا بگردان مرا از

اوفر عبادک نصیبا من کل خیر انزلته فی هذه اللیلة وانت منزله

وافرترین بندگان خود از روی بهره از هر نیکی که فرو فرستادی او را در این شب و تو فرود آورنده آنی

من نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه

از روشنائی که رهنمائی میکنی بآن یا رحمتی که پراکنده سازی آنرا یا روزی که قسمت کنی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا

او ضر تکشفه واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین الذین استوجبوا

یا گزندی که زائل کنی آنرا و بنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان شایسته خود که سزاوار شدند

رمضان

مِنكَ الثَّوابَ وَ آمَنُوا بِرِضاكَ عَنهُم مِنكَ العِقابَ يا كَريمُ

از تو پاداش نیک و این گشتند بسبب خوشنودی تو از ایشان از تو عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافعَل بي ذلِكَ بِرَحمَتِكَ يا أَرحَمَ الرّاحِمينَ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنرا ببخشایش تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

مقداری که از قرآن ممکن باشد درین شب بخواند و دعاهای صحیفه کامله را بخواند خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل در آن وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل درین شب رفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی بایشان نوری در گوشها و دیده های ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین

درین شب مکرر این دعا میخواندند از اول شب تا آخر شب

اللّهُمَّ ارزُقني التَّجافِيَ عَن دارِ الغُرورِ وَالإِنابَةَ إِلى دارِ الخُلودِ وَالاِستِعدادَ

بار خدایا روزی کن مرا کناره گرفتن از سرای فریبندگی و بازگشت بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن

لِلمَوتِ قَبلَ حُلُولِ الفَوتِ

برای مردن پیش از فرود آمدن موت

و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت است و وداع ماه رمضان سنت مؤکده است برای اظهار آنکه روزه و عبادت این ماه بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فوائد آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید که این ماه کثیر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند

ومعلوم است که غلامی که از خدمت آقا خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد
مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی نباشد و دعاهای وداع را در
شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوبست و در حدیث است
که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است خواندن و دعاهای
وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسندهای معتبر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام این دعای وداع منقول است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى لِسَانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بارخدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که فرو د آورده شده است بر لغت پیغمبر فرستاده تو رحمتهای تو بر او و آل او باد
وَقَوْلُكَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَ
و سخن تو راست است که ماه رمضان که فرو فرستاده شده است در آن قرآن در حالیکه راه نماینده مردمان است و نشانهائی روشن است از هدایت و
الْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ
جدا کننده حق از باطل و این ماه رمضان بتحقیق بریده شد و بپایان رسید روزها و شبهای آن پس سؤال میکنم از تو بحق ذات
الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ اِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي اَوْ تُرِيدُ اَنْ تُعَذِّبَنِي
بزرگوار تو و کلمهای تو که تمام و کامل اند اگر هست که باقی بوده بر من گناهی نیامرزیده باشی آنرا از برای من و خواسته باشی که عذاب کنی مرا
عَلَيْهِ اَوْ تُقَايِسَنِي بِهِ اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلَّا
بآن یا عوض کنی مرا بآن تا طلوع کند صبح این شب یا منقطع شود این ماه مگر
وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا اَوَّلِهَا
اینکه بتحقیق بیامرزی آنرا از برای من ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا مر تراست سپاس بسپاسهائی تو همه آنها اول آنها
وَآخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ
و آخر آنها آنچه خود گفته بر ستودن خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو آفریدگان سپاس گذاران

رمضان

المجتهدون المعدّدون المؤثرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم

کوشش نمایندگان شمارندگان برگزینندگان در یاد کردن تو و سپاس گذاری برای تو آنانکه مدد کردی ایشان را

على اداء حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقرّبين والنبيّين

بر ادا کردن حق خود از اقسام خلق خود از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران

والمرسلين واصناف الناطقين المسبّحين لك من جميع العالمين

و فرستادگان و انواع ستایندگان تنزیه کنندگان مر ترا از همه عالمیان

على انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل

بر آنکه بتحقیق تو رسانیدی ما را به ماه رمضان و حال آنکه بر ماست از نعمتهای تو و نزد ماست از بخششهای

قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد

وافر تو و احسان تو و پی در پی آمدن انعام تو باینجهت مر تراست نهایت سپاس

الخالد الدائم الراكد المخلّد السرمد الذي لا ينفد طول الامد

جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه که بپایان نرسد با دراز مدت

جلّ ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة

بزرگست ستایش تو مدد کردی ما را بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه گرفتن آنرا و ایستادن آنرا از نماز

وما كان منا فيه من برّ او شكر او ذكر اللهمّ فتقبّله منا

و آنچه یافت شده از ما در آن از نیکی یا سپاس گذاری یا ذکر خداوندا پس بپذیر آنرا از ما

باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة

به نیکوترین پذیرفتن خود و تجاوز خود و عفو خود و درگذشتن خود و آمرزش خود و خشنودیهای

رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب

ثابت خود تا آنکه فیروزی دهی ما را در وی بهر نیکی که طلب کرده شود و عطای وافری که بخشیده شود

وتؤمّنا فيه من كل امر مرهوب او ذنب مكسوب اللهمّ اني اسألك

و ایمن گردانیدی ما را در آن از هر امری که ترسیده شود و گناهی که کسب کرده شود خداوندا بتحقیق سؤال میکنم

بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ ثَنَائِكَ

بحرمت بزرگ آنچه سوال کرد ترا آن کسی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و ثنای بسیار تو

وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هٰذَا

و دعای خاص تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی ماه ما را این ماه

أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي

بزرگترین ماه رمضانی که گذشته بر ما از آن وقتیکه فرو فرستادی ما را بسوی دنیا از روی زیادتی در

عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتُشَفِّعَنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ

نگاهداشتن دین من و رهائی نفس من و روا کردن حاجت من و آنکه بپذیری شفاعت مرا در سوالهای من و تمام

النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ

نعمت بر من و گردانیدن هر بدی از من و پوشش عافیت مرا و آنکه بگردانی مرا برحمت خود

مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ

از آنانکه جمع گردانیدی برای ایشان شب قدر را و گردانیدی آنرا برای او بهتر از هزار ماه در بزرگترین

الْأَجْرِ وَكَرِيمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمُرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ

مزدی و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیک سپاسگذاری و همیشگی آسانی

اللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ

خداوندا و سوال میکنم ترا بوسیله رحمت تو و احسان تو و درگذشتن تو و نعمتهای تو و بزرگواری تو

وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ

و دیرینه احسان تو و انعام تو آنکه نگردانی آنرا آخر دیدن ما مر ماه

رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ

رمضان را تا آنکه برسانی ما را بآن از سال آینده به نیکوترین حالی و بشناسانی بمن هلال آنرا با

النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالْمُعْتَرِفِينَ لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَأَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعِ

نظرکنندگان بسوی او و شناسندگان مر آنرا در بزرگترین عافیت خود و تمام ترین نعمتهای خود و فراگیرنده ترین

رحمتك عند آخر قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون

رحمت خود وافرترین قسمتهای خود خداوندا ای پروردگاری که نیست مرا پروردگاری غیر او نباشد

هذا الوداع مني له وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من

این بوداع از من وداع نیستی و نه آخر ملاقاتی از ملاقات من تا آنکه بنمائی بمن آنرا از

قابل في أسبغ النعم وأفضل الرخاء وأنا لك على أحسن الوفاء إنك

سال آینده در تمام ترین نعمتها و بهترین فراخی و حال آنکه من بوده باشم بنیکوترین وفای بدرستیکه تو

سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي

بپذیرنده دعائی خداوندا بپذیر دعای مرا و رحم کن زاری مرا و پستی نمودن برای تو و فروتنی مرا

لك وتوكلي عليك وأنا لك مسلم لا أرجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا

بجهت تو و اعتماد مرا بر تو و من برای تو منقادم امید ندارم رستگاری را و نه عافیت را و نه بزرگواری را

ولا تبليغا إلا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست أسماؤك

و نه رسانیدن را مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگ است ستایش تو و پاکست نامهای تو

بتبليغي شهر رمضان وأنا معافا من كل مكروه ومحذور ومن جميع

برسانیدن من [illegible] و حال آنکه من عافیت بخشیده شوم از هر ناخوش و ترسیده شده از همه

البوائق الحمد لله الذي أعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا

سختی ها سپاس مر خدایرا که مدد کرد ما را بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در آن تا آنکه رسانید ما را

آخر ليلة منه اللهم إني أسألك بأحب ما دعيت به وأرضى

باخر شبی از آن بار خدایا بدرستیکه من درخواهم از تو بدوست ترین چیزی که خوانده شده بآن و پسندیده تر

ما رضيت عن محمد صلى الله عليه وآله أن تصلي على محمد وآل محمد

چیزی که خوشنود شدی بآن از محمد رحمت فرستاد خدا براو و آل او آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

ولا تجعله آخر وداعي شهر رمضان ووداع خروجي من الدنيا ولا وداع

و مگردان وداع مرا خداوندا از من ماه رمضان را و وداع بیرون شدن من از دنیا و نه وداع

آخِرَ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا آخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ

آخر عبادت تو دران ونه آخر روزه داشتن من برای تو وروزی کن مرا بازگشت دران پس بازگشت

فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ

دران پس بازگشت دران برحمت خود ای دوست گروندگان وتوفیق ده مرا دران برای دریافت قدر

وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ

وبگردان شب قدر را برای من بهتر از هزار ماه ای خداوند شب و روز وکوهها و دریاها

وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ

وتاریکیها وروشنائیها وزمین وآسمان ای آفریدگار ای صورت بخش ای بغایت مهربان

يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَ

ای بسیار بخشنده ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای زنده ای بذات خود موجود ای نو پدید آورنده آسمانها و

الْأَرْضِ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ

زمین مر تراست نامهای نیک وداستانهای بلند و بزرگواری

وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ونعمتها درمیخواهم از تو بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان آنکه صلوات فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

محمد وآنکه بگردانی نام مرا دراین شب در دیوان نیک بختان و روح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ

ونیکوئی مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده وآنکه بخشی مرا یقینی که بسپاری آن بدل

قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا

دل مرا وایمانی که نیامیزد آنرا شکی وخشنودی بآنچه قسمت کردی برای من وآنکه بدهی مرا درین جهان

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَأَنْ تَقِيَنِي عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ

نیکی ودران جهان نیکی وآنکه نگاهداری از عذاب آتش سوزان خداوندا

رمضان

فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في
در جمله آنچه حکم میکنی و اندازه میکنی از امر لازم کردیده و در آنچه جدا میکنی از امر محکم در
ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ولا يغير ان تكتبني
شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود و تغییر داده نشود آنکه بنویسی مرا
من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم
از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که مقبول باشد حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناه ایشان
المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل في عمري
محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر می نمائی آنکه دراز کنی عمر مرا
وان تعتق رقبتي من النار يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ولم يسئل
و آنکه آزاد کنی کردن مرا از آتش ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو و سؤال نکردند
العباد مثلك جودا وكرما وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك وانت
بندگان مانند ترا از روی بخشش و بزرگواری و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشد بسوی مانند تو و تو
موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسألك باعظم
محل سؤال [illegible] کنندگانی و منتهای رغبت رغبت نمایندگانی سؤال میکنم از تو ببزرگترین
المسائل كلها وافضلها وانجحها التي ينبغي للعباد ان يسألوك بها
سؤالها همه آنها و [illegible]ترین آنها و روا شده ترین آنها که سزاوار است مر بندگان را آنکه سؤال کنند از تو بآنها
يا الله يا رحمن وباسمائك ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائك الحسنى
ای خدا ای بخشاینده و بنامهای تو آنچه دانسته ام از آنها و آنچه ندانسته ام و بنامهای نیک تو
وامثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك و
و داستانهای بلند تو و نعمتهای تو که شمرده نشود و بگرامی ترین نامهای تو بر تو و
احبها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة
بدوست داشتنی ترین آنها بسوی تو و بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه و نزدیکترین آنها از روی وسیله بتو

رمضان

وآخرها منك ثوابا واسرعها لديك اجابة وباسمك المكنون

و وافرترین آنها بتو از روی پاداش و شتابنده ترین آنها نزد تو از روی اجابت و بنام تو که پوشیده

المخزون الحي القيوم الاكبر الاجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن

پنهان داشته شده پاینده بزرگ بزرگوار است آن نامیکه دوست میداری و دوست میداری اورا و خشنود میشوی

دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك ان لا تخيب سائلك

خواند ترا بآن و می پذیری بجهت او دعای اورا و لازمست بر تو آنکه نا امید نکردانی سوال کننده را

واسألك بكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والفرقان

و میخواهم از تو بحرمت هر نامیکه او برای تست در توریت و انجیل و زبور و فرقان

وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكة سمواتك وجميع

و بهر نامیکه خوانده اند ترا بآن بردارندکان عرش تو و فرشتکان آسمانهای تو و همه

الاصناف من خلقك من نبي او صديق او شهيد وبحق الراغبين

اقسام از خلق تو از پیغمبری یا راستکوئی یا شهیدی و بحق رغبت کنندکان

اليك الفرقين منك المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك الحرام

بسوی تو ترسناکان از تو پناه کیرندکان بتو و بحق همسایکان خانه محترم تو

حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك وبحق كل

حال آنکه باشند حج کنندکان عمره کذاران و تنزیه کنندکان و کارزار نمایندکان در راه رضای تو و بحق هر

عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من

بنده پرستنده مر ترا در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا مانند خواندن کسی

قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه

بتحقیق سخت باشد احتیاج او و بسیار باشد کناهان او و بزرک باشد جنایات او و سست باشد کوشش او

دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه

دعای کسی که نیابد جهت نفس خود بازدارنده و نه بجهت ناتوانی خود قوت دهنده [illegible]

غافر لمعصیتک هاربا الیک متعوذا بک متعبدا لک غیر مستکبر

آمرزنده غیر تو حال آنکه گریزان باشد بسوی تو پناه گیرنده باشد بتو عبادت کننده باشد مر ترا نه گردن کش

ولا مستنکف خاضعا بائسا فقیرا مستجیرا بک اسألک بعزتک و

و نه ننگ دارنده بلکه باشد ترسان محتاج درویش زنهار جوینده بتو سوال میکنم از تو بار جمندی تو و

عظمتک وجبروتک وسلطانک وبملکک وبهائک وجودک

بزرگی تو وغلبهٔ تو وسلطنت تو وبپادشاهی تو ونیکوئی تو وبخشش تو

وکرمک وبآلائک وحسنک وجمالک وبقوتک علی ما اردت

وبزرگواری تو وبنعمتهای تو وخوبی تو ونیکوئی تو وبتوانائی تو برآنچه اراده نمائی

من خلقک ادعوک یا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا

از مخلوقات خود میخوانم ترا ای پروردگار من از روی بیم وامید وترس وخواهش وفروتنی

وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لک لا اله الا انت وحدک

ودوستی وزاری نمودن ومبالغه نمودن والحاح کردن حال آنکه فروتنی کننده ام مر ترا نیست خدائی مگر تو تنها

لا شریک لک یا قدوس یا قدوس یا قدوس یا الله یا الله یا الله

نیست انبازی مر ترا ای پاک ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای خدا ای خدا ای خدا

یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رب یا رب

ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار

یا رب اعوذ بک یا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتکبر المتعال واسألک

ای پروردگار پناه میگیرم بتو ای خدای یگانه یکتا پاک از همه آلایشها بی مانند بزرگوار بلند مرتبه و میخوانم تو

بجمیع ما دعوتک به وباسمائک التی تملأ ارکانک کلها ان تصلی

بهمه آنچه خواندم من ترا بآن وبحرمت نامهای تو که پر می کنند اطراف مملکت ترا همه آنها را آنکه رحمت بفرستی

علی محمد وآل محمد واغفر لی ذنبی وارحمنی واوسع علی من فضلک

بر محمد وآل محمد وبیامرز برای من گناه مرا ورحم کن مرا وگشایش ده برمن از بخشش خود

فصل دوم در فضیلت

العظيم وتقبّل منّي شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله

که بزرگ است و بپذیر از من ماه رمضان را و روزه آنرا و نماز آنرا و واجب آنرا و مستحبات آنرا

واغفر لي وارحمني واعف عنّي ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك

و بیامرز مرا و رحم کن مرا و درگذر از من و مگردان آخر ماه رمضان که روزه داشتم از برای تو

وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم

و عبادت کردم ترا در آن و مگردان وداع کردن من آنرا وداع بیرون شدن من از دنیا خداوندا

اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل

واجب کن برای من از بخشش خود و آمرزش خود و خشنودی خود و ترس از خود بهتر از

ما اعطيت احداً ممّن عبدك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سألك

آنچه بخشیدی یکی از آنها که پرستیدند ترا در آن خداوندا مگردان مرا زیانکارتر از کسی که سؤال کرده

فيه واجعلني ممّن اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له

در آن و بگردان مرا از آنها که آزاد کرده او را در این ماه از آتش و آمرزیدی برای او

ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر واوجبت له افضل ما رجاك وامّل منك

آنچه را که پیش گذشته بود از گناه او و آنچه باز پس مانده و واجب ساختی برای او بهتر آنچه امید داشت از تو

يا ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه

ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا باز گردیدن در روزه داشتن آن از برای تو و عبادت تو در آن

واجعلني ممّن كتبته في هذا الشهر من حجّاج بيتك الحرام المبرور

و بگردان مرا از آنها که نوشتی او را در این ماه از حج کنندگان خانه محترم خود که مقبول باشد

حجّهم المغفور لهم ذنبهم المتقبّل عملهم آمين آمين آمين ربّ

حج ایشان آمرزیده شده باشد برای ایشان گناه ایشان پذیرفته شود کردار ایشان بشنو بپذیر ای پروردگار

العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنباً الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها

جهانیان خداوندا در مگذار برای من در آن گناهی مگر آنکه بیامرزی آنرا و نه خطائی مگر آنکه

رمضان

ولا عثرةً إلّا أقلتها ولا ديناً إلّا قضيته ولا عيلةً إلّا أغنيتها ولا

ونه لغزشی مگر آنکه درگذری از آن ونه قرضی مگر آنکه اداکنی آنرا ونه نیازمندی را مگر آنکه بی نیاز کردانی آنرا

همّاً إلّا فرّجته ولا فاقةً إلّا سددتها ولا عرياناً إلّا كسوته ولا مرضاً إلّا

اندوهی مگر آنکه کشایش آنرا ونه حاجتی را مگر آنکه بپوشی آنرا ونه برهنه مگر آنکه بپوشانی او را ونه بیماری مگر آنکه

شفيته ولا داءً إلّا أذهبته ولا حاجةً من حوائج الدّنيا والآخرة إلّا

شفابخشی او را ونه دردی را مگر آنکه ببری آنرا ونه حاجتی را از حاجتهای این جهان و آنجهان مگر آنکه

قضيتها على أفضل أملي ورجائي فيك يا أرحم الرّاحمين اللّهمّ لا تزغ قلوبنا

رواکنی آنرا بر بهترین آرزوی من وامید من در تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا مپیچان دلهای ما

بعد إذ هديتنا ولا تذلّنا بعد إذ أعززتنا ولا تضعنا بعد إذ

پس از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه ارجمند کردی ما را و پست مکن ما را پس از آنکه

رفعتنا ولا تهنّا بعد إذ أكرمتنا ولا تفقرنا بعد إذ أغنيتنا

بلند کردی ما را و ذلیل مکن ما را پس از آنکه گرامی داشتی ما را و نیازمند مکن ما را پس از آنکه بی نیاز کردی ما را

ولا تمنعنا بعد إذ أعطيتنا ولا تحرمنا بعد إذ رزقتنا ولا تغيّر ما بنا

و منع مکن ما را پس از آنکه بخشش نمودی ما را و نا امید مکن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده

شيئاً من نعمك علينا وإحسانك إلينا لشيءٍ كان من ذنوبنا

هیچ چیز از نعمتهای خود را بر ما و احسان خود را بسوی ما بجهت چیزی که یافت شده از گناهان ما

ولا لما هو كائنٌ منّا فإنّ في كرمك وعفوك وفضلك سعةً

ونه بجهت آنچه یافت شود از ما زیرا که بتحقیق در بزرگواری تو و در گذشتن تو و فضل تو وسعت گشایشی است

لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنّا ولا تعاقبنا عليها يا أرحم

بجهت آمرزش گناهان پس بیامرز ما را و درگذر از ما و عقوبت مکن ما را بر آنها ای بخشاینده ترین

الرّاحمين اللّهمّ أكرمني في مجلسي هذا كرامةً لا تهينني بعدها

بخشایندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من این مجلس گرامی داشتنی که خوار نگردانی مرا پس از آن

أبداً وأعزّني عزّاً لا تذلّني بعده أبداً وعافني عافيةً لا تبتليني بعدها

هرگز و بزرگی بخش مرا بزرگی که خوار نگردانی مرا پس از آن هرگز و تندرستی بده مرا تندرستی که مبتلا نکنی مرا بعد از آن

أبداً وارفعني رفعةً لا تضعني بعدها أبداً واصرف عنّي شرّ كلّ

هرگز و بلند کن مرا به بلندی که پست نسازی مرا پس از آن هرگز و بگردان از من گزند

شيطانٍ مريدٍ وشرّ كلّ جبّارٍ عنيدٍ وشرّ كلّ قريبٍ أو بعيدٍ

شیطان سرکشی را و شر هر متکبر ستیزه گری را و شر هر نزدیک یا دوری را

وشرّ كلّ صغيرٍ أو كبيرٍ وشرّ كلّ دابّةٍ أنت آخذٌ بناصيتها إنّ ربّي

و شر هر خردی را یا بزرگی را و شر هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر او را بدرستیکه پروردگار من

على صراطٍ مستقيمٍ اللّهمّ ما كان في قلبي من شكٍّ أو ريبةٍ أو

بر راه راست است خداوندا آنچه بود در دل من از شک یا تهمت یا

جحودٍ أو قنوطٍ أو فرحٍ أو مرحٍ أو بطرٍ أو بذخٍ أو خيلاءٍ أو رياءٍ

انکار یا نومیدی یا شادی یا ... یا حیرانی یا گردن کشی یا کبر یا ریا

أو سمعةٍ أو شقاقٍ أو نفاقٍ أو كفرٍ أو فسوقٍ أو معصيةٍ أو شيءٍ

یا سمعه یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا نافرمانی یا چیزی که

لا تحبّ عليه وليّاً لك فأسألك أن تصلّي على محمّدٍ وآل محمّدٍ وأن

دوست نداری بر آن دوستی را از خود پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه

تمحوه من قلبي وتبدلني مكانه إيماناً بوعدك ورضاً بقضائك

محو کنی آنرا از دل من و بدل آوری برای من بجای آن تصدیق نمودن بوعده تو و خشنودی بحکم تو

ووفاءً بعهدك ووجلاً منك وزهداً في الدّنيا ورغبةً فيما عندك

و وفا نمودن به پیمان تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت در آنچه نزد تست

وثقةً بك وطمأنينةً إليك وتوبةً نصوحاً إليك اللّهمّ إن كنت

و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشت خالص بسوی تو بار خدایا اگر بوده باشی

بلغتناه والّا فاخّر عنّا اجالنا الى قابل حتّى تبلغناه فى يسر منك و

كه رسانیده باشی ما را تا آن را پس اگر نشده است وا گذار پس باز پس انداز اجلهای ما تا سال آینده تا آنکه برسانی ما را تا آن در فراخی کرم تو نشد

عافية يا ارحم الرّاحمين وصلّى الله على محمّد واله كثيرا ورحمة الله وبركاته

و عافیتی ای بخشنده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمت بسیار و رحمت خدا و برکتهای او

و در جمعه آخر نیز وداع جمعه باید نمیت و از جابر بن عبد الله انصاری منقول است که گفت رفتم بخدمت رسول در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه است از ماه رمضان پس وداع کن او را و بگو

اللّهمّ لا تجعله آخر العهد من صيامنا ايّاه فان جعلته فاجعلنى

بارخدایا مگردان آن را آخر عهدی از روزه داشتن ما آن را پس اگر گردانیده باشی آن را پس مگردان ما را

مرحوما ولا تجعلنى محروما

بخشیده شده و مگردان مرا ناامید

زیرا که هر که این دعا را در این روز بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد یا رسیدن ماه رمضان آینده یا بامرزش خدا و رحمت بی نهایت و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب آخر ماه رمضان این دعا بخواند

اللّهمّ لا تجعله آخر العهد من صيامى لشهر رمضان واعوذ بك ان

بارخدایا مگردان آن را آخر رسیدنی از روزه داشتن من مر ماه رمضان را و پناه می‌گیرم بتو از آنکه

يطلع فجر هذه اللّيلة الّا وقد غفرت لى

طلوع کند صبح این شب مگر آنکه بتحقیق آمرزیده باشی مرا

حق تعالی پیش از طلوع صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابت روزی کند و ایضا سنت است که این دعا را بخواند

اللّهمّ انّى اسئلك باحبّ ما دعيت به وارضى ما رضيت به

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بدوست‌ترین آنچه خوانده شده آن و پسندیده‌ترین آنچه خوشنود شدی آن

عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ

از محمد و از خانوادهٔ محمد بر و بر ایشان باد درود آنکه رحمت فرستی بر او

وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِي هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا

و بر ایشان و مگردان وداع ماه مرا این ماه وداع بیرون شدن من از دنیا

وَلَا وَدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا

و نه وداع آخر عبادت کردن تو و توفیق ده مرا در آن برای دریافت شب قدر و بگردان آنرا

لِي خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجَابَةِ وَالْعَفْوِ

برای من بهتر از هزار ماه بمضاعف شدن مزد و اجابت کردن و در گذشتن

عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ

از گناه بخشنودی پروردگار

و از جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بندهاست زیرا که شبی است که حق تعالی بندهای بسیار از آتش جهنم آزاد میکند هرگاه بندهٔ ضعیف فرمایه بندگان را از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی زوال با آن وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد گرداند و نام او را از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بندهائیکه در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شماها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد گرداند و چون روز عید میشد جایزه‌های عظیم بایشان می‌بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سوال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه مبارک رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلامی و کنیزی را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بندهای خود را آزاد میفرمود و در روایتی وارد شده است که سنت است که در شب آخر سورهٔ انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

فصل هفتم در دعای

مخصوص دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا می خواندند

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِى كِتَابِكَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى اُنْزِلَ فِيهِ

بار خدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که این ماه رمضانی است که فرو فرستاده شده در آن

اَلْقُرْاٰنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ

قرآن حالانکه راه نمای است مردمانرا و روشن است از آنچه راه نما و جدا کننده حق از باطل است پس بزرگ کردی حرمت

شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا اَنْزَلْتَ فِيهِ الْفُرْقَانَ وَخَصَصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ

ماه رمضان بسبب آنکه فرو فرستادی در آن قرآن را و مخصوص گردانیدی آنرا به شب قدر

وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ

و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه بارخدایا و این روزهای ماه رمضان

قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ يَا اِلٰهِى مِنْهُ اِلٰى مَا اَنْتَ

تحقیق بپایان رسید و شبهای آن تحقیق منقطع شد و تحقیق گردیدم ای خدای من از آن بسوی آنچه

اَعْلَمُ بِهِ مِنِّى وَاَحْصٰى لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ فَاَسْئَلُكَ بِمَا سَئَلَكَ

داناتری بآن از من و ضبط نماینده تری مر شمار آنرا از همه آفریدگان پس سؤال میکنم از تو بآنچه سؤال کرده ترا

بِهِ مَلٰئِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

بآن فرشتگان مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو

اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِى مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِى الْجَنَّةَ

که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه رها کنی گردن مرا از آتش و در آوری مرا در بهشت

بِرَحْمَتِكَ وَاَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَىَّ بِالْاَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ

برحمت خود و آنکه بخشش نمائی بر من ایمنی در روز ترس از هر ترسی که آماده کرده آنرا

بيوم القيمة الهى واعوذ بوجهك الكريم وجلالك العظيم ان ينقضى

براى روز رستخيز خداى من و پناه ميبرم بذات بزرگوار تو و به بزرگوارى بزرگ تو از آنكه بپايان رسد

ايام شهر رمضان ولياليه ولك قبلى تبعة او ذنب تؤاخذنى

روزهاى ماه رمضان و شبهاى آن در حاليكه بوده باشد براى تو نزد من بازخواستى يا گناهى كه مؤاخذه كنى مرا

به او خطيئة تريد ان تقتصها منى لم تغفرها لى سيدى سيدى

بآن يا خطائى كه اراده كنى كه قصاص كنى از من نيامرزيده باشى آنرا آقاى من اى آقاى من

سيدى اسألك يا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت

اى آقاى من سؤال ميكنم از تو اى آنكه نيست خدائى مگر تو زيرا كه نيست خدائى مگر تو اگر بوده باشى

رضيت عنى فى هذا الشهر فازدد عنى رضا وان لم تكن رضيت عنى

كه خشنود گشته باشى از من در اين ماه پس افزون كن خشنودى خود را از من و اگر نبوده باشى كه خشنود گشته باشى از من

فمن الآن فارض عنى يا ارحم الراحمين يا الله يا احد يا صمد يا من

پس از اينك خشنود شو از من اى بخشاينده ترين بخشايندگان اى خدا اى يگانه اى پناه نيازمندان اى كسى

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وبسيار مى گفتند

نزاده و نزائيده نشده و نيست براى او مانندى هيچ كس

يا ملين الحديد لداود عليه السلام يا كاشف الضر والكرب

اى نرم سازنده آهن بجهت داود بر او باد درود اى دفع نماينده بدحالى و اندوه هاى

العظام عن ايوب عليه السلام اى مفرج هم يعقوب عليه السلام

بزرگ از ايوب بر او باد درود اى زائل كننده اندوه يعقوب بر او باد سلام

اى منفس غم يوسف عليه السلام صل على محمد وآل محمد كما انت

اى گشاينده غم يوسف بر او باد سلام رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه تو

اهله ان تصلى عليهم اجمعين وافعل بى ما انت اهله ولا تفعل بى ما انا اهله

سزاوار آنى رحمت بفرستى بر ايشان همه و بكن با من آنچه تو سزاوار آنى و مكن با من آنچه من سزاوار آنم

وبسند معتبر از آنحضرت علیه السلام منقول است که در هر شب دهه آخر این دعا
را بخوانند

اعوذ بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر رمضان او يطلع
پناه می برم به بزرگواری ذات بزرگوار تو از آنکه بسر آید از من ماه رمضان یا طلوع کند
الفجر من ليلتي هذه و يبقى لك عندي تبعة او ذنب تعذبني عليه يوم القاك
صبح از شب من این شب و باقی ماند برای تو نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا بآن در روزیکه ملاقاتم

وبسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت صادق علیه السلام وارد
شده است و بمطالب دنیا و آخرت مشتمل است در این فصل ایراد نمودیم دعای شب بیست و یکم

يا مولج الليل في النهار و مولج النهار في الليل و مخرج الحي من الميت
ای در آورنده شب در روز وای در آورنده روز در شب وای بیرون آورنده زنده از مرده
و مخرج الميت من الحي يا رازق من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله
وای بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده هر که خواهد بی شمار ای خدا ای بخشاینده ای خدا
يا رحيم يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
ای مهربان ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد و آل محمد
و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
و آنکه بگردانی نام مرا در این شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوکاری مرا
في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي
در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده و آنکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا
وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا
و ایمانی که ببرد شک از من و آنکه خوشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا

حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِیقِ وَارْزُقْنِی فِیهَا

نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب

ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ إِلَیْکَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِیقَ لِمَا

ذکر خود و سپاس گذاری خود و رغبت بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای چیزیکه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و دوم یَا سَالِخَ

که توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود ای باز کننده

النَّهَارِ مِنَ اللَّیْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِیَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِیرِکَ

روز از شب پس ناگهان ما در تاریکی در آئیم و ای روان سازنده آفتاب تا بجائیکه قرارگاه است باندازه کردن خود

یَا عَزِیزُ یَا عَلِیمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّی عَادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدِیمِ یَا نُورَ

ای غالب ای دانا و تقدیر کننده حرکت ماه در منزلهای معلوم تا آنکه گردد در آخر منازل مانند شاخ خرمای کهنه ای نور

کُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَی کُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِیَّ کُلِّ نِعْمَةٍ یَا اللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اللّٰهُ یَا قُدُّوسُ

هر نور و منتهای هر خواهش و خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاک

یَا أَحَدُ یَا وَاحِدُ یَا فَرْدُ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ لَکَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی وَالْأَمْثَالُ

ای یگانه ای یکتا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای

الْعُلْیَا وَالْکِبْرِیَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ

بلند و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِی فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَدَاءِ وَرُوحِی مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ

و آنکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و

إِحْسَانِی فِی عِلِّیِّینَ وَإِسَاءَتِی مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِی یَقِیناً تُبَاشِرُ

نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی

بِهِ قَلْبِی وَإِیمَاناً یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنِّی وَتُرْضِیَنِی بِمَا قَسَمْتَ لِی وَآتِنَا فِی

بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا بآنچه بهره داده مرا و بده ما را در این

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي

اینجهان نیکی و در انجهان نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مارا

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

درین شب یاد کردن خود و سپاس گذاری خود و خواهش بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق آنچه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و سوم

توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود

يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

ای خداوند شب قدر و گرداننده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز

وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ

و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای آفریدگار ای نگارنده

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قَيُّومُ يَا اللهُ يَا بَدِيعُ يَا اللهُ يَا اللهُ

ای مهربان ای بخشاینده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نو پدید آورنده ای خدا ای خدا

يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در

السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً

زمره نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي

و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود کنی مرا

بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را درین جهان نیکی و در آن جهان نیکی

وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در این شب یاد کردن خود وسپاسگذاری خود ورغبت بسوی خود
وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ
وبازگشت وتوبه وتوفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد را رحمتهای تو براو
وَعَلَيْهِمْ دعای شب بیست وچهارم يا فالِقَ الْإِصْباحِ وَيا جاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً
وبرایشان باد ای شکافنده سپیده دم وای گرداننده شب موجب آرام
وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْباناً يا عَزِيزُ يا عَلِيمُ يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ
وآفتاب وماه وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام واحسان وتوانائی وقدرت
وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعامِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ يا اللهُ يا رَحْمنُ يا اللهُ يا فَرْدُ يا وِتْرُ
وبخشش ونعمت دادن ای خداوند بزرگواری وگرامی داشتن ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه ای بیهمتا
يا اللهُ يا ظاهِرُ يا باطِنُ يا حَيُّ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنى
ای خدا ای پیدا ای پنهان ای زنده بذات خود موجودی نیست سزاوار پرستش مگر تو ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک
وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد
وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحْسانِي
واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا
فِي عِلِّيِّينَ وَإِساءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيماناً يُذْهِبُ
در علیین وبدی مرا آمرزیده واینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که ببرد
الشَّكَّ عَنِّي وَرِضاً بِما قَسَمْتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
شک را از من وخشنودی بآنچه بهره داده مرا وبده ما را در جهان نیکوئی ودر آخرت
حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ
نیکی ونگاهدار مرا از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در این شب ذکر خود وسپاسگذاری خود وخواهش

فصل

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

بسوی خود و بازگشت و رجوع و توفیق برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و نهم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاساً وَالنَّهَارِ

براو و برایشان درود ای گرداننده شب را پوشش و روز را

مَعَاشاً وَالْأَرْضِ مِهَاداً وَالْجِبَالِ أَوْتَاداً يَا اللهُ يَا قَاهِرُ يَا اللهُ يَا جَبَّارُ يَا اللهُ

وقت کسب معیشت و زمین را فراشی گسترده و کوهها را میخها ای خدا ای خداوند قهر و غلبه ای خدا ای جبر کننده ای خدا

يَا سَمِيعُ يَا اللهُ يَا قَرِيبُ يَا اللهُ يَا مُجِيبُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و داستانهای بلند پایه و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

و احسان مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا

وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در اینجهان نیکی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی ده مرا درین یاد خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً

و سپاس گذاری خود و خواهش نمودن بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب سیُم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ

و آل محمد را رحمتهای تو براو و برایشان باد سلام ای گرداننده شب

وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ

و روز دو نشان قدرت ای آنکه زائل کرده نشان شب او کردانید نشان روز را روشن تا طلب کنند بخشش را ازو

وَرِضْوَاناً يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلاً يَا اللهُ يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ يَا اللهُ يَا جَوَادُ

و خشنودی را ای تمیز دهنده هر چیز تمیز دادنی ای خدای بزرگوار ای بسیار بخشنده ای خدای بخشنده

يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمرهٔ نیکبختان

وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي

و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا

يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي

یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي

و بده ما را در اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ

و در این شب یاد کردن تو و سپاس گذاری تو و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادهٔ

لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و هفتم يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ

برای آن محمد و آل محمد را او و بر ایشان باد سلام ای کشنده سایه و اگر میخواستی

جَعَلْتَهُ سَاكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضاً يَسِيراً

میگردانیدی آنرا ساکن و گردانیدی آفتاب را بر وجود سایه دلیل پس گرفتی آنرا بسوی خود گرفتنی اندک

يَا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

ای خداوند توانائی و انعام و بزرگواری و نعمتهاست سزاوار پرستش مگر تو دانای هر پنهان و آشکار

الرحمن الرحیم لا اله الا انت یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن

بخشاینده مهربان نیست سزاوار پرستش مگر تو ای پاک ای سالم از هر نقص ای امان دهنده و گواه بر همه چیز

یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق یا باری یا مصور یا الله یا الله

ای غالب ای کارفرمای بقهر ای بزرگوار ای خدا ای آفریدگار ای پدید آورنده ای نگارنده ای خدا ای خدا

یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسألک

ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در

السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة

زمره نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی

و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خشنود سازی مرا

بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب

بآنچه قسمت کرده برای من بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب

النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة

آتش سوزنده و روزی کن ما را در این شب ذکر خود و شکر خود و خواهش مندی بسوی خود و بازگشت

والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم

و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستاد خدا بر او و بر ایشان

دعای شب بیست وسیم یا خازن اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء

ای نگاهدارنده ظلمت شب در هوا و نگاهدارنده روشنائی در آسمان

ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا یا علیم

و منع کننده آسمان از اینکه فرود آید بر زمین مگر بدستوری خود و باز دارنده آسمان و زمین از اینکه نابود شوند ای دانا

فصل هفتم

يا عظيم يا عفوّ يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله

اي بزرگ اي آمرزگار اي هميشه موجود اي خداي اي ميراث برنده اي برانگيزاننده آنكه در قبرهاست اي خدا

يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء

اي خداي خدا مر تراست نامهاي نيك و داستانهاي بلند و بزرگواري و نعمتها

أسألك أن تصلّي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في

سوال ميكنم از تو اينكه رحمت بفرستي بر محمد و آل محمد و اينكه بگرداني نام مرا درين شب در

السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في عليّين وإساءتي مغفورة

زمره نيك بختان و روح مرا با شهيدان و نيكي مرا در عليين و بدي مرا آمرزيده

وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي وإيمانا يذهب الشكّ عنّي وترضيني بما قسمت

و اينكه ببخشي مرا يقيني كه مباشر آن كني دل مرا و ايماني كه ببرد شك را از من و اينكه خشنود سازي مرا بآنچه قسمت كرده

لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق

براي من و بده ما را در دنيا نيكي و در آخرت نيكي و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده

وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك والرهبة منك والتوبة

و روزي كن مرا درين شب ذكر خود و شكر خود و رغبت بسوي خود و ترس از خود و توبه

والإنابة والتوفيق لما وفّقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه

و بازگشت و توفيق براي آنچه توفيق داده براي آن محمد و آل محمد را رحمتهاي تو براو

وعليهم أجمعين. دعاي شب بيست و نهم: يا مكوّر الليل على النهار ومكوّر

و بر ايشان همه ايشان اي درآورنده شب در روز و درآورنده

النهار على الليل يا عليم يا حكيم يا ربّ الأرباب وسيّد السادات

روز در شب اي دانا اي درست كردار اي پروردگار پروردگاران و بزرگ بزرگان

لا إله إلا أنت يا من هو أقرب إليّ من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله

نيست خداوند پرستش كرده مگر تو اي آنكه او نزديكتر است بسوي من از رگ گردن اي خدا اي خدا اي خدا

لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ

مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیک بختان و روح مرا

مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً

با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی من آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقینی

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در این جهان

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا

نیکی و در آن جهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن ما را در این شب

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ

ذکر خود و سپاس گذاری خود و خواهشمندی بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی

لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب سیم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو براو و بر ایشان سپاس مر خدا را

لَا شَرِيكَ لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَكَمَا هُوَ

که نیست انبازی برای او و سپاس مر خدا را چنانچه سزاوار است مر بزرگواری ذات او را و ارجمندی بزرگواری او را و چنانچه او

اَهْلُهُ يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ يَا نُورَ الْقُدْسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمٰنُ

سزاوار است ای پاک ای هویدا ای نور پاک ای منزه ای منتهای تنزیه ای بخشاینده

يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اَللّٰهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ

ای کننده بخشش ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای شنوا

يَا بَصِيرُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ

ای بینا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بزرگ و بزرگواری

وَالْاٰلاٰءِ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ

ونعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاۤءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاۤءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاۤءَتِي

شب در زمرهٔ نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا

مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي

آمرزیده و اینکه به بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَهُ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

و خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا درین شب ذکر خود و سپاس گذاری خود و خواهشمندی

اِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ

بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ

رحمتهای تو بر او و بر ایشان همه

فصل هشتم در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزهاست که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست **نماز شب اول** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید **دوم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه **سوم** ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید **چهارم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه **پنجم** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد **ششم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک **هفتم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه **هشتم** دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله **نهم** شش رکعت میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت حمد و هفت مرتبه

آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد وسی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخوانند زیرا که مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت الارض خواندن بستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الذی و اگر نتوانند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است و اما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن دعا ذکر کرده اند و ما باصل دعاها اکتفا مینمائیم

دعای روز اول اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِیٰامی فیهِ صِیٰامَ الصّٰائِمینَ وَ قِیٰامی فیهِ

خداوندا بگردان روزه مرا درین ماه مانند روزه داشتن روزه داران و ایستادن مرا در آن

قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَنَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلٰهَ

مانند ایستادن ایستادگان و بیدار کن مرا دران از خواب بیخبران و ببخش بمن گناه مرا دران ای خدای

الْعَالَمِينَ وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ دعای روز دوم اَللّٰهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ

جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از گناه کاران خداوندا نزدیک گردان مرا درین ماه

إِلَىٰ مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِمَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ

بسوی خوشنودی خود و دور گردان مرا دران از غضب خود و عقوبتهای خود و توفیق ده مرا دران برای تلاوت

آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای روز سوم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ

آیتهای خود برحمتهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا درین ماه زیرکی

وَالتَّنْبِيهَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ

واگاه گردانیدن و دور گردان مرا دران از کم خردی و پوشانیدن حق و بگردان جهت من بهره از

كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ دعای روز چهارم اَللّٰهُمَّ قَوِّنِي

هر نیکی که فرو فرستی دران به بخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان بار خدایا توانائی بخش مرا

فِيهِ عَلَىٰ إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَأَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ

درین ماه برای انکه برپا دارم فرمان ترا و بچشان مرا دران شیرینی یاد کردن خود و توفیق ده مرا دران برای بجا آوردن

شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ دعای روز پنجم

شکر خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا به نگاهداری خود و به پرده خود ای بیناترین نگرندگان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

خداوندا بگردان مرا درین ماه از جمله آمرزش طلبان و بگردان مرا دران از بندگان نیکوکاران خود

الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که فرمان بردارند و بگردان مرا دران از دوستان مقرب خود به مهربانی خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

دعای روز ششم اَللّٰهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي

خداوندا خوار مگذار مرا درین ماه بجهت فراپیش آمدن معصیت و نافرمانی ترا و مزن مرا

بِبِساطِ نِعْمَتِكَ وَزَحْزِحْنى فيهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَاَيادِيكَ

تا زیانهای عقوبت خود و دور گردان مرا دران از اموریکه واجب میکرداند غضب ترا ببخشش خود و نعمتهای خود

يا مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ دعای روز هفتم اَللّٰهُمَّ اَعِنّى عَلى صِيامِهِ وَقِيامِهِ

ای منتهای خواهش خواهشمندان بارخدایا مدد کن مرا بر روزه داشتن این ماه و بپا ایستادن دران

وَجَنِّبْنى فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْنى فيهِ ذِكْرَكَ بِدَوامِهِ بِتَوْفيقِكَ

و دور گردان مرا دران از لغزشهای آن و گناهان او و روزی کن مرا دران یاد کردن خود به همیشگی آن بتوفیق خود

يا هادِىَ الْمُضِلّينَ دعای روز هشتم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنى فيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتامِ وَاِطْعامَ

ای راهنمای گمراهان بارخدایا روزی ده مرا درین ماه مهربانی یتیمان و خورانیدن

الطَّعامِ وَاِفْشاءَ السَّلامِ وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ وَصُحْبَةَ الْكِرامِ بِطَوْلِكَ يا مَلْجَاَ

طعام و ظاهر ساختن سلام و پرهیز کردن از لئیمان و صحبت بزرگواران باحسان خود ای پناه

الْآمِلينَ دعای روز نهم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لى فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ

امیدواران خداوندا بگردان برای من درین ماه بهره از بخشش فرا گیرنده خود

وَاهْدِنى فيهِ لِبَراهينِكَ السّاطِعَةِ وَخُذْ بِناصِيَتى اِلى مَرْضاتِكَ الْجامِعَةِ

و راهنما مرا دران بدلائل بلند خود و فرا گیر موی پیش سر مرا تا آنکه برسانی بسوی خشنودی جامعه

بِمَحَبَّتِكَ يا اَمَلَ الْمُشْتاقينَ دعای روز دهم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنى فيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلينَ

بدوستی خود ای امیدگاه آرزومندان خداوندا بگردان مرا درین ماه از توکل کنندگان

عَلَيْكَ وَاجْعَلْنى فيهِ مِنَ الْفائِزينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنى فيهِ مِنَ الْمُقَرَّبينَ

بر تو و بگردان مرا دران از رستگاران نزد خود و بگردان مرا درین ماه نزدیک گشتگان

اِلَيْكَ بِاِحْسانِكَ يا غايَةَ الطّالِبينَ دعای روز یازدهم اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَىَّ فيهِ

بسوی تو به نیکوئی خود ای منتهای مطلب طلب کنندگان خداوندا دوست دار بسوی من دران ماه

الْاِحْسانَ وَكَرِّهْ اِلَىَّ فيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ وَحَرِّمْ عَلَىَّ فيهِ السَّخَطَ وَالنّيرانَ

نیکوکاری را و دشمن گردان بسوی من دران بدکرداری و نافرمانی را و حرام کردان بر من دران غضب و آتشها را

اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین و اذکر این دعا را بعد از غسل اللهم طهر قلبی واشرح لی صدری وأجر علی لسانی مدحتک والثناء علیک اللهم اجعله لی طهورا وشفاء ونورا انک علی کل شیء قدیر

فقد ذکر بعضی این دعا را بعد از غسل و بعضی ذکر کرده اند در تفسیر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل

بِعَوْنِکَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ دعای روز دوازدهم اَللّٰهُمَّ زَیِّنِّی فِیهِ بِالسِّتْرِ
بیاری خودای فریادرس دادخواهان خداوندا آراسته کن مرا در این ماه از پوشش خود

وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِی فِیهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْکَفَافِ وَاحْمِلْنِی فِیهِ عَلَی
و پرهیزکاری و بپوشان مرا در آن بجامهٔ قناعت و روزی و برانگیز مرا در آن بر

الْعَدْلِ وَالْإِنْصَافِ وَآمِنِّی فِیهِ مِنْ کُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِکَ یَا عِصْمَةَ
عدالت و انصاف و ایمن گردان مرا در آن از هر چه می‌ترسم به نگاهداری خودای نگاهدارندهٔ

الْخَائِفِینَ دعای روز سیزدهم اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی فِیهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْذَارِ
ترسناکان بارخدایا پاک گردان مرا در این ماه از هر چرکی و همهٔ قاذورات

وَصَبِّرْنِی فِیهِ عَلَی کَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ وَوَفِّقْنِی فِیهِ لِلتُّقَی وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ
و شکیبائی ده مرا در آن بر تقدیراتی که ثابت است و توفیق ده مرا در آن برای پرهیزکاری و صحبت نیکوکاران

بِعَوْنِکَ یَا قُرَّةَ عَیْنِ الْمَسَاکِینِ دعای روز چهاردهم اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِی فِیهِ بِالْعَثَرَاتِ
بیاری خودای روشنائی دیدهٔ بیچارگان بارخدایا مؤاخذه مکن مرا در این ماه بلغزشها

وَأَقِلْنِی فِیهِ مِنَ الْخَطَایَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِی فِیهِ غَرَضًا لِلْبَلَایَا وَالْآفَاتِ
و درگذر مرا در آن از گناهان و لغزشهای و مگردان مرا در آن نشانه برای تیرهای بلاها و آفتها

بِعِزَّتِکَ یَا عِزَّ الْمُسْلِمِینَ دعای روز پانزدهم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی فِیهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِینَ
بعزت خودای ارجمندی کردن بندگان بارخدایا روزی کن مرا در این ماه فرمانبرداری فروتنی کنندگان

وَاشْرَحْ فِیهِ صَدْرِی بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِینَ بِأَمَانِکَ یَا أَمَانَ الْخَائِفِینَ
و گشایش ده در آن سینه‌ای مرا به بازگشت فروتنی کنندگان بامان دادن خودای امن بخش ترسناکان

دعای روز شانزدهم اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِی فِیهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنِّبْنِی فِیهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ
خداوندا توفیق ده مرا در این ماه برای موافقت نیکوکاران و دور گردان مرا در آن از همراهی بدکرداران

وَآوِنِی فِیهِ بِرَحْمَتِکَ إِلَی دَارِ الْقَرَارِ بِإِلٰهِیَّتِکَ یَا إِلٰهَ الْعَالَمِینَ دعای روز هفدهم اللهم
و فرود آور مرا در آن برحمت خود بسوی سرای درنگ بخدائی خودای خدای جهانیان بارخدایا

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبدک ورسولک واشهد ان علیا ولیک

سنت است و تأکید بسیار در غسل جمعه

اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والآمال یا من لا یحتاج

راهنمائی کن مرا در این ماه بکردارهای شایسته و روا کن بجهت من در آن حاجتها و آرزوها ای آنکه محتاج نیست

الی التفسیر والسؤال یا عالما بما فی صدور العالمین دعای روز هیجدهم اللهم

بسوی اظهار کردن و سؤال نمودن ای دانا بآنچه در دلهای جهانیان است خداوندا

نبهنی فیه لبرکات اسحاره ونور فیه قلبی بضیاء انواره وخذ بکل

بیدار کن مرا در این ماه برای برکتهای سحرهای آن و روشن کن در آن دل مرا بروشنائی روشنیهای آن و بدار همه

اعضائی الی اتباع آثاره بنورک یا منور قلوب العارفین دعای روز

اعضای مرا بسوی پیروی نشانهای آن بروشنائی خود ای روشن کننده دلهای شناسندگان

نوزدهم اللهم وفر فیه حظی من برکاته وسهل سبیلی الی خیراته

خداوندا وافر کن در این ماه بهره مرا از برکتهای آن و آسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای آن

ولا تحرمنی قبول حسناته یا هادیا الی الحق المبین دعای روز بیستم اللهم

و ناامید مکن مرا از پذیرفتن نیکیهای آن ای راهنمای بسوی دین حق روشن بارخدایا

افتح لی فیه ابواب الجنان واغلق عنی فیه ابواب النیران ووفقنی

بگشا برای من در این ماه درهای بهشت را و ببند از من در آن درهای دوزخ را و توفیق ده مرا

فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین دعای روز بیست و یکم

در آن برای تلاوت قرآن ای فرو آورنده آرام در دلهای گروندگان

اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علی

بارخدایا بگردان برای من در این ماه بسوی خشنودیهای خود راهنمائی و مگردان برای شیطان در آن بر من

سبیلا واجعل الجنة لی منزلا ومقیلا یا قاضی حوائج الطالبین روز بیست و دوم

راهی و بگردان بهشت را برای من فرودگاه و آرامگاه ای برآورنده حاجتهای سؤال کنندگان

اللهم افتح لی فیه ابواب فضلک وانزل علی فیه برکاتک ووفقنی فیه

خداوندا بگشا برای من در این ماه درهای فضل خود را و فرود آور بر من در آن برکتهای خود را و توفیق ده مرا

لِمُوجِباتِ مَرضاتِكَ وَاَسكِنّي فيهِ بُحبوحَةَ جَنّاتِكَ يا مُجيبَ دَعوَةِ

برای امورىكه واجب سازند خوشنودیهای تو وساکن کن مارا دران میان بهشتهای خود ای اجابت کننده دعای

المُضطَرّينَ روز بیست وسوم اَللّهُمَّ اغسِلني فيهِ مِنَ الذُّنوبِ وَطَهِّرني فيهِ مِنَ العُيوبِ

درماندگان خداوندا بشوی مرا دراینماه از گناهان وپاک گردان مرا دران از عیب

وَامتَحِن قَلبي فيهِ بِتَقوَى القُلوبِ يا مُقيلَ عَثَراتِ المُذنِبينَ روز بیست وچهارم

وآزمایش کن دل مرا دران بپرهیزکاری دلها ای درگذرنده از لغزشهای گنهکاران

اَللّهُمَّ اِنّي اَسأَلُكَ فيهِ ما يُرضيكَ وَاَعوذُ بِكَ مِمّا يُؤذيكَ وَاَسأَلُكَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو دراینماه آنچه راکه خوشنود سازد ترا وپناه میگیرم بتو از آنچه آزرده کند ترا وسوال میکنم از تو

التَّوفيقَ فيهِ لِاَن اُطيعَكَ وَلا اَعصيَكَ يا جَوادَ السّائِلينَ روز بیست وپنجم

توفیق را دران برای آنکه فرمان برداری کنم ترا وتا فرمانی نورزم ترا ای بخشش کننده سوال کنندگان

اَللّهُمَّ اجعَلني فيهِ مُحِبّاً لِاَولِيائِكَ وَمُعادِياً لِاَعدائِكَ مُستَنّاً بِسُنَّةِ

خداوندا بگردان مرا دراینماه دوستدار مر دوستان ترا ودشمن دارنده مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه

خاتَمِ اَنبِيائِكَ يا عاصِمَ قُلوبِ النَّبِيّينَ روز بیست وششم اَللّهُمَّ اجعَل سَعيي فيهِ

آخر پیغمبران تو ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران خداوندا بگردان کوشش مرا دراینماه

مَشكوراً وَذَنبي فيهِ مَغفوراً وَعَمَلي فيهِ مَقبولاً وَعَيبي فيهِ مَستوراً

جزا داده شده وگناه مرا در آن آمرزیده وکردار مرا دران پذیرفته وعیب مرا دران پوشیده شده

يا اَسمَعَ السّامِعينَ روز بیست وهفتم اَللّهُمَّ ارزُقني فيهِ فَضلَ لَيلَةِ القَدرِ

ای شنواترین شنوندگان خداوندا روزی کن مارا دراینماه فضیلت شب قدر

وَصَيِّر اُموري فيهِ مِنَ العُسرِ اِلَى اليُسرِ وَاقبَل مَعاذيري وَحُطَّ عَنِّي الوِزرَ

وبگردان کارهای مرا دران از دشواری بسوی آسانی وبپذیر عذرهای مرا وفروگذار از من بار گناه را

يا رَؤوفاً بِعِبادِهِ الصّالِحينَ روز بیست وهشتم اَللّهُمَّ وَفِّر حَظّي فيهِ مِنَ النَّوافِلِ

ای مهربان به بندگان نیکوکار خود خداوندا کامل گردان بهره مرا دراینماه از زیادتیها

وأکرمنی فیه باحضار المسائل وقرّب فیه وسیلتی الیک من بین الوسائل
وگرامی دار مرا در آن به حاضر ساختن سؤالها و نزدیک گردان مرا در آن وسیلهٔ مرا بسوی خود از میان وسیلها
یا من لا یشغله الحاح الملحّین روز بیست و نهم اللهم غشّنی فیه بالرحمة
ای آنکه باز نمیدارد او را مبالغه مبالغه کنندگان خداوندا بپوشان مرا در این ماه برحمت
وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهّر قلبی من غیاهب التهمة یا رحیماً
و روزی کن مرا در آن توفیق و نگهداری و پاک کن دل مرا از تیرگیهای دروغ بربستن ای مهربان
بعباده المؤمنین روز سیم اللهم اجعل صیامی فیه بالشکر والقبول علی
به بندگان گرونده خود خداوندا بگردان روزه مرا در این ماه مقرون بسپاس گذاری و پذیرائی
ما ترضاه ویرضاه الرسول محکمة فروعه بالاصول بحق سیدنا محمد
وجهی که بپسندی آن را و بپسندد آن را رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای آن با اصلها بحق سرور ما محمد
وآله الطاهرین والحمد لله رب العالمین
و آل او که پاکانند و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست

مولف گوید که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبادات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سوم خواندن در روز بیست که انسب باشد والله اعلم

باب چهارم

در اعمال لیالی و ایام متبرکهٔ ماه شوال و ماه ذیقعده است و از جملهٔ ایام متبرکهٔ ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جملهٔ لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین علیه السلام شب عید را احیا میکرد و نماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد می ماند و میگفت که ای فرزند من شبی کمتر از شب قدر نیست و غسل در این شب سنت است و شیخ بخدمت حضرت صادق

عرض کرد که مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را شب قدر

حضرت فرمود که کارگر را مزدش نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید است

راوی گفت چه کار سزاوار است که در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب غروب کند

غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوری دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو

یَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ یَا ذَا الْجُودِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ

ای خداوند انعام و احسان ای خداوند بخشش ای برگزیننده محمد و یاری دهنده او رحمت بفرست بمحمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَیْتَهُ وَ هُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ

و آل محمد و بیامرزی برای من هر گناهی که شمرده تو آنرا و او نزد تو در کتابی است روشن

پس بسجود برو و صد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ پس هر حاجت که داری از حق تعالی

بطلب که انشاء الله تعالی برآورده است و بسند معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره توحید و در

رکعت دوم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند

اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ پس می گفتند

یَا ذَا الْمَنِّ وَ الْجُودِ یَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ

ای خداوند انعام و بخشش ای خداوند انعام و احسان ای برگزیننده محمد رحمت فرستاد خدا بر او و

آلِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

آل او رحمت بفرست بر محمد و آل او

پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجده بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندی

که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا بطلبد البته او را عطا کند

و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا تعالی او را بیامرزد و بعد از نماز شب عید این حرز را بخواند

یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اَللّٰهُ یَا مَلِکُ یَا اَللّٰهُ یَا قُدُّوسُ یَا اَللّٰهُ یَا سَلَامُ یَا اَللّٰهُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاک ای خدا ای سالم از نقص ای خدا

یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله

ای امان دهنده ای خدا ای دانا بهر چیز ای خدا ای ارجمند ای خدا ای کار فرمای بقهر ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا خالق یا الله یا بارئ یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله

ای آفریدگار ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگارنده ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله

ای بزرگوار ای خدا ای بردبار ای خدا ای راست گفتار درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا

یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله

ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا

یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله

ای وفا کننده ای خدا ای آقا ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای زود اجابت کننده ای خدا ای توانا ای خدا

یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد

ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار

یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات یا الله

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای نگاهدارنده ای خدا ای فراگیرنده ای خدا ای سرور سروران ای خدا

یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا قاهر

ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای هویدا ای خدا ای نهان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای صاحب قهر و غلبه

یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

یا الله یا ربّاه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا دافع یا الله یا مانع یا الله

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست ای خدا ای هویدا ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای بازدارنده ای خدا

یا فاتح یا الله یا نفّاع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله یا شهید یا الله یا شاهد

ای گشاینده ای خدا ای سود بخش ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای نیکو ای خدا ای حاضر ای خدا ای دانا

یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مقتدر

ای خدا ای دوست ای خدای آفریننده ای خدای پاک سازنده ای خدا ای خداوند ای خدای توانا

یا الله یا قابض یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا مجیب

ای خدای گیرنده ای خدای گستراننده ای خدای زنده سازنده ای خدای میراننده ای خدای اجابت کننده

یا الله یا باعث یا الله یا معطی یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله

ای خدای برانگیزنده ای خدای بخشنده ای خدای بخشنده ای خدای نعمت دهنده ای خدا

یا حق یا الله یا مبین یا الله یا طبیب یا الله یا محسن یا الله یا مبدی یا الله

ای راست ای خدای جدا سازنده ای خدای دانا ای خدای نیکوکار ای خدای ابتدا کننده ای خدا

یا معید یا الله یا باری یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله یا کافی

ای بازگرداننده ای خدای آفریدگار ای خدای نو پدید آورنده ای خدای راه نما ای خدای کارگذار

یا الله یا شافی یا الله یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله یا ذا الطول

ای خدا ای شفا بخشنده ای خدای بلند مرتبه ای خدای مهربان ای خدای انعام کننده ای خداوند بخشش

یا الله یا متعالی یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق یا الله

ای خدای بلند مرتبه ای خدای دادخواه با انصاف ای خداوند نردبانها ای خدای راستگو ای خدا

یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا ذا الجلال یا الله یا ذا الاکرام یا الله

ای جزا دهنده ای خدای بی زوال ای خداوند بزرگواری ای خداوند گرامی داشتن ای خدا

یا معبود یا الله یا محمود یا الله یا صانع یا الله یا معین یا الله یا مکون

ای پرستیده شده ای خدای ستوده شده ای خدای آفریدگار ای خدای مدد کننده ای خدای ایجاد کننده

یا الله یا فعال یا الله یا لطیف یا الله یا جلیل یا الله یا غفور یا الله یا شکور

ای خدا ای با نهایت توانا ای خدای مهربان ای خدای بزرگوار ای خدای آمرزگار ای خدای جزا دهنده

یا الله یا نور یا الله یا حنان یا الله یا قدیر یا الله یا رب یا الله یا رباه یا الله

ای خدای روشن ای خدای با نهایت مهربان ای خدای توانا ای خدای پروردگار ای خدای پروردگار ای خدا

يا رَبّاهُ يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ يا اَللّٰهُ

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

يا اَللّٰهُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضاكَ وَتَعْفُوَ

ای خدا سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و منت گذاری بر من بخوشنودی خود و درگذری

عَنّي بِحِلْمِكَ وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ

از من ببردباری خود و فراخ گردانی بر من از روزی حلال پاک خود از انجا که گمان بردم

وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَسِبُ فَاِنّي عَبْدُكَ لَيْسَ لي اَحَدٌ سِواكَ وَلا اَحَدٌ اَسْاَلُهُ

و از انجا که گمان نبرم زیرا که بتحقیق من بندهٔ توام نیست مرا هیچکس غیر تو و نه احدی که درخواهم از او

غَيْرَكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ ما شاءَ اللّٰهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ پس سجده

غیر تو ای بخشنده ترین بخشندگان آنچه خواسته خدا میشود و نیست توانائی مگر بتوفیق خدا بلند قدر بزرگ مرتبه

میروی و میگوئی يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا رَبُّ يا اَللّٰهُ يا رَبُّ يا اَللّٰهُ يا رَبُّ يا اَللّٰهُ يا مُنْزِلَ

ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرو آورندهٔ

الْبَرَكاتِ بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ حاجَةٍ اَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ في مَخْزُونِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

برکتها بتو فرود آورده میشود هر حاجتی سوال میکنم از تو بهر نامی که پنهان است در خزانهٔ غیب نزد تو

وَالْاَسْماءِ الْمَشْهُوراتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلىٰ سُرادِقِ عَرْشِكَ اَنْ تُصَلِّيَ

و نامهای فاش گردیده نزد تو که نوشته شده است بر سراپردهٔ عرش تو اینکه رحمت بفرستی

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقَبَّلَ مِنّي شَهْرَ رَمَضانَ وَتَكْتُبَني فِي الْوافِدينَ

بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من ماه رمضان را و بنویسی مرا در زمرهٔ واردشدگان

اِلىٰ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَتَصْفَحَ لي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظامِ وَتَسْتَخْرِجَ يا رَبِّ كُنُوزَكَ يا

بسوی خانهٔ محترم و درگذری برای من از گناهان بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار من گنجینه‌های خود را ای بخشاینده

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید صد مرتبه نیز وارد شده است و ایضا سنت مؤکده

است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخوانند

اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
خدا بزرگترست خدا بزرگترست خدا بزرگتر است نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگترست
اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا
خدا بزرگترست و حمد خدای راست سپاس خدا بزرگترست بر آنچه براه نمود مارا

و اما اعمال روز عید پس زکوة فطره واجب موکد است و ترکش با تحقق شرائط وجوب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بگیرد و زکوة فطره ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در انجا که فرموده است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰى یعنی بتحقیق رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد بآن تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال از تلف شدن محفوظ می ماند چنانچه منقول است که هیچ مالی در دریا و صحرا تلف نمی شود مگر به ندادن زکوة همچنین فطره زکوة بدن است و بدن را پاکیزه میکند از بخل و سائر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة ایشان را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی می ترسم که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة فطره بر طفل نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمی شود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجب است که فطره ایشان را بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنا بر مشهور مگر آنکه در ان شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرط است و آن موافق مشهور آنست که قوت سالیانه خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او

وعیال او کند وبعضی گفته اند که اگر در شب عید زائد بر قوت خود وعیال خود بقدر فطره داشته
باشد براو واجب است واظهر آنست که براو نیست و اگر فقیر یک سیر فطره را با عیال خود دست
بدست بگرداند بعد از آن به فقیر دیگر بدهد همه ثواب فطره می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند
از خود و از هر کس که واجب النفقهٔ او باشد بشرط آنکه در شب عید فطر عیال دیگری نباشد
که اگر عیال دیگری شده باشد براو واجب است و همچنین واجب است که بدهد از هر کس
که در خانهٔ او باشد از مهمان وغیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد
و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار از مال او کند یا نکند واجب نیست بر
صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند
یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربةً الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه
وکسوت او را بدهد و در خانهٔ دیگر باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از
شام از جهت همسایه ها طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد
و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانهٔ او آید یا چیزی نخورده باشد
و بعد از شام بیاید زکوة براو واجب نیست و احوط آنست که در صورت آخر هر دو بدهند بلکه
مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد که بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور
شام عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا
کنند و پیش از نماز عید بدهند و اگر در صبح جدا کنند نیز خوب است و اگر پیش از نماز جدا کند
و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصور ندارد
و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر روز عید بگذرد
بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب
باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان هر گاه فقیر
باشند نفقهٔ ایشان براو واجب است پس اگر نفقهٔ او را خورند فطره براو نیست و اگر عیال
شخص دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط آنست

فصل چهارم در نماز عید

که او فطرهٔ ایشان را بدهد و اما جنس فطره مشهور آنست که هرچه قوت غالب او باشد می تواند داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز و بعد از آن هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالباً نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که اگر یک صاع خرما در فطره بدهم دوست تر میدارم از آنکه یک صاع طلا بدهم و اما مقدار فطره از هر شخصی یک صاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یک من تبریز و چهارده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که یک من و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط آنست که یک من شاه بدهند و نباید بکسی بدهند که قوت سالیانهٔ خود و عیال خود را نداشته باشد بلکه فطرهٔ خود نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه السلام بمجتهد جامع الشرائط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف را او بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که بفقیر کمتر از یک صاع ندهند و بیک کس چند صاع میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمی توان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن همسایگان و خویشان و بعد از آن بکسانی که فاضل تر و صالح تر و پریشان تر باشند و فطرهٔ غیر سید را بسید نمی توان داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید هر دو می توان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید اول روز افطار کند و سنت است که بر خرما افطار کند و غسل روز عید سنت موکده است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع منقول است که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن پیش از غسل بگو

اللّهمّ ایماناً بک و تصدیقاً بکتابک و اتّباع سنّة نبیّک صلّی الله علیه و آله

بارخدایا تصدیق نموده ام تو را و باور دارم کتاب ترا و پیروی نموده ام طریقهٔ پیغمبر ترا که رحمت و سلام خدا بر او و آل او باد

پس بسم الله بگو و غسل بکن چون از غسل فارغ شوی بگو

اللّهمّ اجعله کفّارةً لذنوبی و طهّر دینی اللّهمّ اذهب عنّی الدّنس

خداوندا بگردان این غسل را محو نماینده گناهان مرا و پاک کن دین مرا خداوندا ببر از من چرک را

فصل پنجم

... علیک توکلت ... الیک رهبة منک ... لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک آمنت بکتابک الذی انزلت وبنبیک الذی ارسلت ...

و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نیز سنت موکده است و ثواب بسیار در آن وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت امام اکثر علما سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کرد و بگمان فقیر واجب است که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است و نماز عید دو رکعت است در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت مخصوصی وارد شده و اگر کسی او را نداند آنچه در نمازهای واجبی قنوت میخواند بخواند و هرگاه بجا [بجماعت] بیاورند پیشین نماز بد و خطبه بعد از نماز میخواند و قنوت مخصوص نماز عید این است

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ

بار خدایا ای سزاوار بزرگواری و عظمت و ای سزاوار بخشش و جبروت و ای سزاوار در گذشتن

وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْاَلُکَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ الَّذِیْ جَعَلْتَهُ

و بخشش و ای سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سوال میکنم از تو بحق این روز که گردانیده آنرا

لِلْمُسْلِمِیْنَ عِیْدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ ذُخْرًا وَمَزِیْدًا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی

برای مسلمانان عید و برای محمد رحمت فرستد خدا برا او و آل او ذخیره و زیادتی که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِیْ فِیْ کُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیْهِ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ

محمد و آل محمد و آنکه درآوری مرا در هر نیکی که درآورده در آن محمد و آل محمد را

وَاَنْ تُخْرِجَنِیْ مِنْ کُلِّ سُوْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ

و آنکه بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون کردی از آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو

عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ خَیْرَ مَا سَاَلَکَ بِهِ عِبَادُکَ

بر او و بر ایشان بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو بهترین چیزی که سوال کردند از تو بندگان

الصَّالِحُوْنَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُکَ الْمُخْلَصُوْنَ

شایسته تو و پناه میگیرم بتو از آنچه پناه جسته از آن بندگان مخلص تو

وبعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده وبهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است
وبسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در روز جمعه وعید فطر وعید
قربان در هنگامیکه مهیای رفتن بسوی نماز جمعه وعید میشوی این دعا بخوان
اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّأَ اَوْ اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلٰى
بارخدایا کسی که مهیا گردیده در این روز یا ساخته خود را یا آماده گردیده ومستعد شده برای وارد شدن بسوی
مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِي
آفریده بجهت امید بخشش او وزیادتیهای او ونیکیهای او وعطاهای او پس بدرستیکه بسوی تست ای آقای من
تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَاِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ
مهیا گشتن من وساز رستن من وخود سازی من وآماده شدن من بجهت امید بخشش تو وصلهای تو
وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ وَقَدْ غَدَوْتُ اِلٰى
وزیادتیهای تو ونیکیهای تو ومزایای تو وبخششهای تو وبتحقیق بامداد آمدم بسوی
عِيدٍ مِنْ اَعْيَادِ اُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ
عیدی از عیدهای امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو براو وبرآل او وفرود نیامده ام
اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ
بسوی تو امروز با کردار نیکی که اعتماد کنم بآن پیش داشته باشم آنرا ونه رو کردم بمخلوقی
اَمَّلْتُهُ وَلٰكِنْ اَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبِي وَاِسَاءَتِي اِلٰى نَفْسِي
که امید داشته باشم او را ولکن آمدم ترا فروتنی کننده اقرار نماینده بگناهان خود وبه بدکرداری بسوی نفس خود
فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ را از گناهان من زیرا که بتحقیق نمی آمرزد
الذُّنُوبَ الْعِظَامَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان
ودر حدیث معتبر از حضرت امام صاحب العصر علیه السلام منقولست که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را بخوانند

اللّهمّ انّی توجّهت الیک بمحمّدٍ امامی وعلیٍّ من خلفی وعن یمینی

بار خدایا بدرستیکه من رو کرده ام بسوی تو بوسیلهٔ محمد از پیش روی خود و علی از پس خود و از جانب راست خود

وائمّتی عن یساری استتر بهم من عذابک واتقرّب الیک زلفی

و پیشوایان از جانب چپ خود پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو نزدیکی

لا اجد احداً اقرب الیک منهم فهم ائمّتی فامن بهم خوفی

نمی یابم هیچکس را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایان من اند پس ایمنی بخش بسبب ایشان ترس مرا

من عقابک وسخطک وادخلنی برحمتک فی عبادک الصّالحین

از عقوبت تو و خشم تو و در آور مرا برحمت خود در زمرهٔ بندگان شایستهٔ خود

اصبحت بالله مؤمناً موقناً مخلصاً علی دین محمّدٍ وسنّته وعلی

صبح کردم حال آنکه هستم بخدا ایمان آورنده یقین دارنده اخلاص ورزنده بر دین محمد و طریقهٔ او و بر

دین علیٍّ وسنّته وعلی دین الاوصیاء وسنّتهم آمنت بسرّهم

دین علی و طریقهٔ او و بر دین اوصیا و طریقهٔ ایشان تصدیق نمودم پنهان ایشان

وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه محمّدٌ وعلیٌّ والاوصیاء

و آشکار ایشان و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت نموده در آن بسوی او محمد و علی و اوصیا

ولا حول ولا قوّة الّا بالله ولا عزّة ولا منعة ولا سلطان الّا لله الواحد القهّار

و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا و نیست ارجمندی و نه بزرگی و نه سلطنتی مگر برای خدای یگانهٔ غلبه دارنده

العزیز الجبّار توکّلت علی الله ومن یتوکّل علی الله فهو حسبه انّ الله بالغ

ارجمند بزرگوار اعتماد کردم بر خدا و آنکه اعتماد کند بر خدا پس او بس است او را بدرستیکه خدا رساننده

امره اللّهمّ انّی اریدک فاردنی واطلب ما عندک فیسّره لی واقض

امر خود است بار خدایا بدرستیکه من آهنگ میکنم ترا پس آهنگ کن مرا و میجویم آنچه نزد تست پس آسان کن آنرا برای من و روا کن

لی حوائجی فانّک قلت فی کتابک وقولک الحقّ شهر رمضان الّذی انزل

برای من حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود و گفتار تو حق است ماه رمضان که فرو فرستاده شده

فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ

در آن قرآن حال آنکه راهنمای آدمیان است و نشانهای روشن است از راه نمائی و جدا کردن حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت

شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ

ماه رمضان را بانچه فرو فرستادی در آن که قرآن است و مخصوص گردانیدی آن را و بزرگ کردی آن را

بِتَصْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقُلْتَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ

بگردانیدن خود در آن شب قدر را پس گفتی که شب قدر بهتر است از هزار

شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

ماه فرود می آیند فرشتگان و روح در آن شب بفرمان پروردگار خود از هر کاری

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ

سلامتی آن شب تا وقت طلوع صبح بار خدایا و این روزهای ماه رمضان بتحقیق بپایان رسید

وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ

و شبهای آن بتحقیق منقطع گردید و بتحقیق گردیدم از آن ای خدای من بسوی آنچه تو داناتری

بِهِ مِنِّي وَأَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدِي فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا سَأَلَكَ

بآن از من و شمارنده تری شمار آن از شمار من پس سوال میکنم از تو ای خدای من بانچه سوال کردند

بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ

بآن بندگان شایسته کار تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ

محمد و آنکه بپذیری از من آنچه را که نزدیکی جستم بآن بسوی تو و آنکه بخشش کنی بر من بدو چندان گردانیدن

عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرُبَاتِي وَاسْتِجَابَةِ دُعَائِي وَهَبْ لِي مِنْكَ عِتْقَ

کردار من و پذیرفتن نزدیکی جستن من و موجبات قرب من و اجابت کردن دعای من و ببخش مرا از جانب خود آزاد کردن

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَزَعٍ

گردنم از آتش و منت گذار بر من برستگاری بهشت و با ایمنی در روز ترس از هر ترسی

[illegible]

وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتُهُ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ

و از هر شدتی که آماده کرده آن را برای روز رستخیز پناه میگیرم بحرمت ذات بزرگوار تو

وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصَّالِحِينَ اَنْ يَنْصَرِمَ هٰذَا الْيَوْمُ

و بحرمت پیغمبر تو و حرمت نیکوکاران از آنکه بپایان رسد این روز

وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ اَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا اَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ اَنْ

حال آنکه بوده باشد مر ترا نزد من گناهی که اراده کنی آنکه مواخذه کنی مرا بآن یا گناهی که قصد کنی آنکه

تُقَايِسَنِي بِهِ وَتُشْقِيَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهِ اَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ اَنْ تُقَايِسَنِي

بسنجی مرا بآن و بدبخت سازی و رسوا نمائی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی آنکه مقایسه کنی مرا

بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي وَاَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ

بآن و بگیری آنرا از من نیامرزیده باشی آنرا برای من سوال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو

الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الَّذِي تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

که بجا آورنده است هر چه خواهد که میگوئی برای هر چیزی که بشو پس میشود و نیست خدائی بجز او

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي

خداوندا بدرستیکه سوال میکنم از تو بحرمت لا اله الا انت اگر بوده باشی که خشنود باشی از من در

هٰذَا الشَّهْرِ اَنْ تَزِيدَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي رِضًى وَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّي

این ماه زیاده کنی در آنچه باقی مانده از عمر من خشنودی را پس اگر بوده باشی که خشنود نباشی از من

فِي هٰذَا الشَّهْرِ فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ

در این ماه پس از حالا خشنود شو از من در این ساعت در این ساعت و بگردان مرا در این

السَّاعَةِ وَفِي هٰذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَطُلَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ

ساعت و در این مجلس از آزاد کردگان خود از آتش و از رها کردگان خود از دوزخ

وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود و بخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه

علی بن ابی طالب والحسن والحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین

قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

اسألك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري هذا خير شهر
سوال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بگردانی ماه مرا اینماه بهترین ماه
رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ
رمضانی که عبادت کردم ترا دران و روزه داشتم آنرا از برای تو و نزدیکی جستم بسوی تو از آن وقت
اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله
که ساکن کردی مرا دران بزرگترین آن از روی مزد و تمام ترین آن از روی نعمت و فراگیرترین آن از روی آمرزش و کاملترین آن
رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله آخر شهر
از روی خوشنودی و نزدیکترین آن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا مگردان آنرا آخر ماه
رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود حتى ترضى وبعد
رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو و روزی کن مرا بازگشت دران پس بازگشت تا آنکه خشنود شوی و پس از
الرضا وحتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك
خوشنودی و تا آنکه بیرون بری مرا از دنیا سالم و حال آنکه تو از من خوشنود باشی و من برای تو
مرضي اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي
پسندیده باشم خداوندا بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازمی که
لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في هذا
برد و نگردد و مبدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ محترم خود در این
العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور
سال و در هر سالی که پذیرفته حج ایشان جزا داده سعی ایشان آمرزیده
ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم المتقبل مناسكهم المعافين
گناهان ایشان زایل کرده از ایشان بدیهای ایشان قبول کرده عبادتهای ایشان عافیت بخشیده
على اسفارهم المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم
بر سفرهای ایشان و آورنده بر اعمال حج خود نگاهداشته شده در نفسهای خود و مالهای خود

وَذَرَارِيهِم وَبِكُلِّ مَا انْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ اَللّهُمَّ اقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هذَا

وفرزندان شان و بهر چه انعام کردی بآن برایشان بارخدایا بازگردان مرا از مجلس من این مجلس

فِي شَهْرِي هذَا فِي يَوْمِي هذَا فِي سَاعَتِي هذِهِ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً

در ماه من این ماه در روز من این روز در ساعت من این ساعت فیروز رستگار پذیرفته

لِي دُعَائِي مَغْفُوراً ذَنْبِي مُعَافاً مِنَ النَّارِ وَمُعْتَقاً مِنْهَا عِتْقاً لَا رِقَّ

برای من دعای من آمرزیده شده گناه من عافیت بخشیده شده از آتش و آزاد کرده شده از آن آزادی که نباشد بندگی

بَعْدَهُ اَبَداً وَلَا رَهْبَةَ يَا رَبَّ الْاَرْبَابِ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ

پس از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی

فِيمَا شِئْتَ وَاَرَدْتَ وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ وَحَتَمْتَ وَاَنْفَذْتَ اَنْ تُطِيلَ

از جمله آنچه خواسته و اراده نموده و حکم کرده و تقدیر نموده و واجب ساخته و روان ساخته اینکه دراز کنی

عُمْرِي وَتُنْسِيءَ فِي اَجَلِي وَاَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي وَاَنْ تُغْنِيَ فَقْرِي وَاَنْ تَجْبُرَ

عمر مرا و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی نیازمندی مرا و اینکه بدور کنی

فَاقَتِي وَاَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنَتِي وَاَنْ تُعِزَّ ذُلِّي وَاَنْ تَرْفَعَ ضَعَتِي وَاَنْ تُغْنِيَ

احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و اینکه ارجمند سازی خواری مرا و اینکه بلند گردانی پستی مرا و اینکه بی نیاز کنی

عَائِلَتِي وَاَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتِي وَاَنْ تُكْثِرَ قِلَّتِي وَاَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ

نیازمندی مرا و اینکه رام کنی رمیدگی مرا و اینکه بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت

وَيُسْرٍ وَخَفْضٍ وَاَنْ تَكْفِيَنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تَكِلَنِي

و توانگری و رفاهیت و اینکه رفع کنی از من آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و عقبای من و وامگذار مرا

اِلَى نَفْسِي فَاَعْجِزَ عَنْهَا وَلَا اِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي وَاَنْ تُعَافِيَنِي

بسوی نفس خود م پس عاجز شوم از او و نه بسوی آدمیان پس واگذارند مرا و اینکه عافیت بخشی مرا

فِي دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَرُوحِي وَوُلْدِي وَاَهْلِي وَاَهْلِ مَوَدَّتِي

در دین من و بدن من و جسد من و روح من و فرزندان من و اهل من و دوستان من

وَاِخْوانی وَجیرانی مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ الْاَحْیاءِ

و برادران من و همسایگان من از مردان گرونده و زنان گرونده و مردان مسلم و زنان مسلمه زندگان

مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ وَاَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ ما اَبْقَیْتَنی فَاِنَّکَ

از ایشان و مردگان و اینکه منت گذاری بر من بامن و ایمان مادام که باقی داری مرا زیرا که بتحقیق تو

وَلِیّی وَمَوْلایَ وَثِقَتی وَرَجائی وَمَعْدِنُ مَسْأَلَتی وَمَوْضِعُ شَکْوایَ

ناصر من و آقای من و معتمد من و امید من و قرارگاه سوال من و جایگاه شکایت من

وَمُنْتَهی رَغْبَتی فَلا تُخَیِّبَنّی فی رَجائی یا سَیِّدی وَمَوْلایَ وَثِقَتی

و منتهای رغبت من پس ناامید مکن مرا در امید من ای بزرگ من و آقای من و معتمد من

وَلا تُبْطِلْ طَمَعی وَرَجائی فَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و باطل مکن طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق رو آوردم بسوی تو بوسیله محمد و آل محمد

وَقَدَّمْتُهُمْ اِلَیْکَ اَمامی وَاَمامَ حاجَتی وَطَلِبَتی وَتَضَرُّعی وَمَسْأَلَتی

و پیش داشتم ایشان را بسوی تو در پیش خود و پیش حاجت خود و مطلب خود و زاری کردن خود و سوال کردن خود

فَاجْعَلْنی بِهِمْ وَجیهاً فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ فَاِنَّکَ مَنَنْتَ

پس بگردان مرا بحرمت ایشان و شناسا در اینجهان و آنجهان و از نزدیکان زیرا که بتحقیق تو منت گذاردی

عَلَیَّ بِهِمْ فَاخْتِمْ لی بِالسَّعادَةِ وَالسَّلامَةِ وَالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَالْمَغْفِرَةِ

بر من بسبب ایشان پس ختم کن برای من نیک بختی و سلامتی و ایمنی و ایمان و آمرزش

وَالرِّضْوانِ وَالسَّعادَةِ وَالْحِفْظِ یا اَللهُ اَنْتَ لِکُلِّ حاجَةٍ لَنا فَصَلِّ

و خوشنودی و سعادت و حفاظت ای خدا توئی برای هر حاجتی که ماراست پس رحمت کن

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعافِنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَیْنا اَحَداً مِنْ خَلْقِکَ لا طاقَةَ

بر محمد و آل او و عافیت بخش ما را و دست مده بر ما احدی از خلق خود که نباشد توانائی

لَنا بِهِ وَاکْفِنا کُلَّ اَمْرٍ مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا ذَاالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ

ما را باو و کارگذاری کن برای ما هر امری از امر دنیا و عقبی ای خداوند بزرگواری و کرامت

منقول است که ... بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاء الله المرسلون ... من شر الشیطان ...

منقول است که ... اعیذ نفسی ... بما عاذت به ملائکة الله ... والصالحون ... من الشیطان الرجیم

سوال

صلّ علی محمّد وآل محمّد وبارک علی محمّد وآل محمّد وترحّم

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت بفرست بر محمد و آل محمد و ترحم کن

علی محمّد وآل محمّد وسلّم علی محمّد وآل محمّد کافضل

بر محمد و آل محمد و درود بفرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین

ما صلّیت وبارکت وترحّمت وتحنّنت علی ابراهیم وآل

رحمت که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی بر ابراهیم و آل

ابراهیم انّک حمید مجید

ابراهیم بدرستیکه ستوده بزرگواری

واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است ونهی از آن نیز وارد شده است وظاهر روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان مشهور است وترکش بهتر است وهمچنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر وعید قربان اصلی ندارد وشاید اصلش از عامه بوده باشد ودر ماه شوال چون عقد عائشه در آن واقع شده است واکثر مفاسد بر آن مترتب شد واز بعضی روایات کراهت معلوم می شود اگر خصوص شوال را احتراز کنند بهتر است واما اعمال ماه ذیقعده بدانکه آن اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آنها ذیقعده وذی الحجه ومحرم وماه رجب است ودرین ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد وشیخ مفید ره وغیر او از حضرت رسول صلعم روایت کرده اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه وجمعه وشنبه را سوای روزه دارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته می شود ودر روایتی از حضرت رسول صلعم منقولست که در شب پانزدهم ماه ذیقعده حق تعالی بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند وکسی که آن شب را بعبادت بسر آورد ثواب صد عابد باو عطا کند که در یک چشم بر هم زدن معصیت خدا نکرده باشند وچون

نصف شب بگذرد شروع کن در دعا و عبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی
طلب کن که هر حاجتی که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته‌اند که در روز بیست و سوم
ماه ذیقعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است
و در روز بیست و پنجم ذیقعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه معظمه بر
روی آب روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبدالله روایت کرده
که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذیقعده بیرون آمدند
و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز
است فرمود روزی است که رحمت درین روز منتشر گردیده است و زمین درین روز پهن
شده است و کعبه درین روز نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام درین روز
بزمین فرود آمده است و ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است از حسن وشا که گفت
من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه
ذیقعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولد شده‌اند
و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر کسیکه روزش را روزه بدارد چنانست که شصت
ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم علیه السلام درین روز ظاهر خواهد شد و از حضرت
رسول ص منقول است که حق تعالی رحمت خود را درین روز بر بندگان فرستاده است
و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و بروایت دیگر رحمت از آسمان درین شب
نازل شده است و تعظیم کعبه بر آدم ع درین روز نازل شده است هر که درین روز روزه
دارد هر چه در میان آسمان و زمین است برای او [illegible] کنند و طلب آمرزش
نمایند و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که اول رحمتی که از آسمان
بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذیقعده بود هر که درین روز روزه
دارد و شب آنرا بعبادت بایستد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود و هر که روز آنرا
را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که درین روز

پنج شنبه را که بروز دکار خود پیش از انکه متفرق شوند حاجت ایشان برآورده شود و درین روز هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد و نود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول شوند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحب است که درین روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِی

نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه ای درگذرنده لغزشها درگذر از

عَثْرَتِی یَا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِی یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ

لغزش من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا ای شنونده دعاها

اِسْمَعْ صَوْتِی وَارْحَمْنِی وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِی یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ

بشنو آواز مرا و رحم کن مرا و درگذر از بدیهای من ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

و شیخ رحمه الله گفته است که مستحب است

که درین روز این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ الْکَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَکَاشِفَ

خداوندا ای گستراننده کعبه و شکافنده دانه و برگرداننده سختی و زائل کننده

کُلِّ کُرْبَةٍ اَسْاَلُکَ فِی هٰذَا الْیَوْمِ مِنْ اَیَّامِکَ الَّتِی اَعْظَمْتَ حَقَّهَا

هر اندوه سوال میکنم از تو درین روز از روزهای تو که بزرگ گردانیدی حق آنرا

وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِینَ وَدِیعَةً وَاِلَیْکَ ذَرِیعَةً

و پیش داشتی پیشی آنرا و گردانیدی آنرا نزد ایمان داران امانت و بسوی خود وسیله

وَبِرَحْمَتِکَ الْوَسِیعَةِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ فِی الْمِیثَاقِ

و برحمت فراگیرنده تو انکه رحمت بفرستی بر محمد بنده خود که برگزیده شده است در روز پیمان

القريب يوم التلاق فاتق كل رتق وداع الى كل حق على آله
نزدیک در روز ملاقات گشاینده هر بسته و خواننده بسوی هر حقی و بر خاندان او

الاطهار الهداة المنار دعائم الجبار وولاة اهل الجنة والنار
که پاکان رهنمایندگان نشانهای هدایت ستونهای خدا و والیان اهل بهشت و دوزخ اند

واعطنا فی یومنا هذا من عطائك المخزون غیر مقطوع ولا ممنون
و عطا کن ما را در روز ما این روز از عطای پنهان داشته خود در حال آنکه نه بریده شده و نه منت نهاده شده

تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة یا خیر مدعو واکرم مرجو یا کفی
در حالیکه جمع کنی برای ما بسبب آن توبه و نیکوئی بازگشت را ای بهترین کسیکه خوانده شود و بزرگوارترین کسیکه امید داشته شود

یا وفی یا من لطفه خفی الطف لی بلطفك واسعدنی بعفوك وایدنی
ای وفا کننده ای آنکه لطف او پنهان است مهربانی کن با من بلطف خود و نیکبخت کن مرا بعفو خود و تقویت ده مرا

بنصرك ولا تنسنی کریم ذکرك بولاة امرك وحفظة سرك
بیاری خود و فراموش مگردان از من یاد کردن کریم خود بحرمت والیان امر خود و نگهدارندگان راز خود

احفظنی من شوائب الدهر الی یوم الحشر والنشر واشهدنی اولیاءك
نگاهدار مرا از آلودگیهای زمانه تا روز برانگیختن و زنده گردانیدن و حاضر گردان برای من دوستان خود را

عند خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع عملی وانقضاء اجلی
نزد بیرون شدن روح من و فرود آمدن من بقبر خودم و بریده گردیدن عمل من و منقضی شدن زندگی من

اللهم واذکرنی علی طول البلاء اذا حللت بین اطباق الثری
بارخدایا و یاد کن مرا بر درازی زمان پوسیدن هرگاه فرود آیم میان طبقه های خاک

ونسینی الناسون من الوری واحللنی المقامة وبوئنی منزل
و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان از خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده در منزل

الکرامة واجعلنی من مرافقی اولیائك واهل اجتبائك واصفیائك
نوازش و بگردان مرا از رفقای دوستان خود و برگزیدگان خود و اختیار شدگان خود

في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الاجل مبرّءً من

و برکت ده مرا در ملاقات خود و روزی کن مرا نیکوئی کردار پیش از رسیدن اجل حال آنکه بیزار شوم از

الزلل وسوء الخطل اللهم واوردني حوض نبيك محمد صلى الله

لغزش و زشتی سخن زشت خداوندا وارد ساز مرا در کنار حوض پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا

عليه واله واسقني منه مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظمأ بعده ولا

بر او و بر آل او و بنوشان مرا از آن حوض نوشانیدنی کامل آسان گوارا که تشنه نگردم پس از آن نه

أحلأ ورده ولا عنه اذاد واجعله لي خير زاد واوفى ميعاد يوم

منع کرده شوم از آمدن آن نه از آن رانده شوم و بگردان آن را برای من بهترین توشه و وفا کننده‌ترین وعده در روزی

يقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولين والاخرين وبحقوق

که برپا شوند حاضران خداوندا و لعنت کن گردنکشان پیشینیان و پسینیان را و بحقوق

اوليائك المستأثرين اللهم واقصم دعائمهم واهلك اشياعهم

دوستان تو اختیار کنندگان بر خود را خداوندا و درهم شکن ستونهای ایشان را و هلاک کن پیروان ایشان را

وعاملهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم وضيق عليهم

و دانایان ایشان را و زود کن هلاکهای ایشان را و بازگیر از ایشان مملکتهای ایشان را و تنگ کن بر ایشان

مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم اللهم وعجل فرج اوليائك

راههای ایشان را و لعنت کن سهیم ایشان را و شریک ایشان را خداوندا و زود کن گشایش دوستان

واردد عليهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدينك منتصرا

و برگردان بر ایشان حقهای ایشان را و ظاهر ساز براستی و درستی قائم ایشان را و بگردان او را برای دین خود انتقام کشنده

وبامرك في اعدائك مؤتمرا اللهم احففه بملائكة النصر وبما

و بفرمان خود در بارهٔ دشمنان خود فرمان برنده خداوندا فرو گیر او را از فرشتگان یاری و بانچه

القيت عليه من الامر في ليلة القدر منتقما لك حتى ترضى ويعود

فرستی بر او از امر در شب قدر حال آنکه بوده باشد انتقام کشنده برای تو تا آنکه خوشنود شوی

دینک به وعلی یدیه جدیداً غضاً ویمحض الحق محضاً ویمحق به

دین تو بسبب او و بر دستهای او تازه و خالص نماید حق را خالص کردنی و براندازد

الباطل رفضاً اللهم صل علیه وآله وعلی جمیع آبائه واجعلنا

باطل را برانداختنی خداوندا رحمت بفرست بر او و بر آل او و بر همه پدران او و بگردان ما را

من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه من

از یاران او و گروه او و برانگیز ما را در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از

اعوانه اللهم ادرک بنا قیامه واشهدنا ایامه وصل علیه

یاوران او خداوندا برسان ما را بزمان برپا شدن او و حاضر گردان ما را در روزهای دولت او و رحمت بفرست بر او

واردد الینا سلامه والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته

وبگردان بسوی ما سلام او را و درود بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

باب پنجم در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذیحجه است و در آن پنج فصل است فصل اول

در بیان فضائل ماه ذیحجه و دهه اول و اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکت اند و حق تعالی میفرماید واذکروا الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده است ویذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمة الانعام یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنند خدا را در روز چند معلوم برای آنکه روزی کرده است بایشان از گوشت چهارپایان که گاو و گوسفند و شتر و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه اطهار صلوات الله علیهم منقول که ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی محبوب تر نیست از ده روز اول ماه ذیحجه چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند

وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پدرم امام محمد باقر علیه السلام
بامن گفت ای فرزند گرامی البته در هر شب دهه اول ماه ذیحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان
نماز شام وخفتن و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله و این آیه را بخوان وَوَاعَدْنَا
مُوسٰى ثَلٰثِيْنَ لَيْلَةً وَاَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيْقَاتُ رَبِّهٖۤ اَرْبَعِيْنَ
لَيْلَةً وَقَالَ مُوسٰى لِاَخِيْهِ هٰرُوْنَ اخْلُفْنِيْ فِيْ قَوْمِيْ وَاَصْلِحْ وَلَا
تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود
هرچند بحج نروی و روز اول ذیحجه روز مبارکی است و روایتی وارد شده است که
حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام درین روز متولد شده است و درین روز حق تعالی
حضرت ابراهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
منقول است که هر که روز اول ماه ذیحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب
هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که روز
اول ماه ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او از برای
او بنویسد و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه
مستحب است و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمودند و بدانکه روزه قضای ماه
مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه می توان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث
صحیحه بران دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها
معتبر نیست و محمول است بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلائل آنرا ایراد کرده ام و بابویه شیخ
ره گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام
رابجا آورد و در روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد می خواند

وبعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و تسبیح این است
سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ
پاک است خداوند عزت با رفعت بلند پایه پاک است خداوند بزرگواری بلند مرتبه بزرگ
سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ
پاک است خداوند پادشاهی عظیم دیرینه پاک است آنکه می بیند نشان پای مورچه را
فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ
در سنگهای هموار پاک است آنکه می بیند فرود آمدن مرغ در هوا پاک است کسیکه
هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ
او چنین است و نیست چنین غیر او

مولف گوید که بعد ازین ان شاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم صد مرتبه توحید و اگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید
حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي
بس است مرا بس است مرا بس است مرا از سوال نمودن دانستن او بحال من
حق تعالی کفایت شر آن ظالم از او بکند و شیخ و کفعمی و سید ابن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از نماز شام این دعا می خواندند

اللهم هذه الأيام التي فضلتها على غيرها من الأيام وشرفتها

بار خدایا این روزهاست که زیادتی دادی انها را بر غیر آنها از روزها و بلند کردی پایه آنها

قد بلّغتنيها بمنّك ورحمتك فأنزل علينا من بركاتك

رسانیدی مرا بآنها باحسان خود و رحمت خود پس فرو فرست بر ما از زیادتیهای خود

واسبغ علينا فيها من نعمائك اللهم اني اسألك ان تصلي

و تمام کن بر ما از نعمتهای خود بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

على محمد وآل محمد فيها وان تهدينا فيها سبيل الهدى و

بر محمد و آل محمد در آنها و اینکه راه نمائی ما را در آنها راه هدایت و

ترزقنا فيها التقوى والعفاف والغنى والعمل فيها بما تحب

روزی کنی ما را در آنها پرهیزکاری و عفت و بی نیازی و کار کردن در آنها بانچه دوست داری

وترضى اللهم اني اسألك يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى

و بپسندی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ای جای هر شکایتی و ای شنونده هر رازی

ويا شاهد كل ملاء ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد وآل محمد

و ای حاضر هر جمعی و ای دانای هر پنهانی اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وان تكشف عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وتقوينا

و اینکه زائل کنی از ما در آنها بلا را و بپذیری برای ما در آنها دعا را و قوت دهی ما را

فيها وتعيننا وتوفقنا فيها لما تحب ربنا وترضى وعلى ما افترضت

در آنها و مدد کنی ما را و توفیق دهی ما را در آنها برای انچه دوست میداری ای پروردگار ما و بپسندی و بر آنچه واجب کردی

علينا من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني

بر ما از فرمان برداری خود و فرمان برداری رسول خود و دوستان خود خداوندا بدرستیکه من

اسألك يا ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وآل محمد وان تهب لنا

سؤال میکنم ای بخشنده ترین بخشایندگان اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی ما را

فيها الرضا انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير ما نزل فيها من السماء

در آنها خوشنودی بدرستیکه تو پذیرنده دعائی و ناامید مکن ما را از خیر آنچه فرود آمد در آنها از آسمان

وطهرنا من الذنوب يا علام الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود

و پاک کن ما را از گناهان ای دانای پنهان و واجب گردان برای ما در آنها سرای همیشگی را

اللهم صل على محمد وال محمد ولا تترك لنا فيها ذنبا الا غفرته

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و وامگذار برای ما در آنها گناهی را مگر آنکه بیامرزی آنرا

ولا هما الا فرجته ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا اديته ولا

و نه غمی مگر آنکه بگشائی آنرا و نه قرضی را مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه گم شده را مگر آنکه برسانی آنرا و نه

حاجة من حوائج الدنيا والاخرة الا سهلتها ويسرتها انك على

حاجتی از حاجتهای اینجهان و آنجهان مگر آنکه سهل کنی آنرا و آسان گردانی آنرا بدرستیکه تو

كل شيء قدير اللهم يا عالم الخفيات يا راحم العبرات يا مجيب

بر هر چیز توانائی بارخدایا ای دانای پنهانیها ای رحم کننده سرشک دیده‌ها ای پذیرنده

الدعوات يا رب الارضين والسموات يا من لا تتشابه عليه

دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای آنکه مشتبه نمیشود براو

الاصوات صل على محمد وال محمد واجعلنا فيها من عتقائك و

آوازها رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در این روزها از آزاد کردگان خود

طلقائك من النار والفائزين بجنتك الناجين برحمتك

رها کردگان خود از آتش و فیروزی یافتگان ببهشت تو رستگاران برحمت تو

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله اجمعين وسلم تسليما

ای بخشنده ترین بخشندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او همه و درود فرستد درود فراوانی

و شیخ مفید و سید ابن طاوس رحمهما الله بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی علیه السلام پنج دعا بهدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول

ماه ذی الحجه بخواند هر رسیتیکه هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از عبادت کردن درین ده اول

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است انبازی نیست او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر دوم اشهد ان لا اله الا الله

بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست گواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا

وحده لا شریک له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا سوم

حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او یکتاست پناه نیازمندان فرا نگرفته است هیچ زنی و نه فرزندی

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالتیکه یگانه است نیست شریکی برای او یکتاست مقصود محتاجان نزاده

ولم یولد ولم یکن له کفوا احد چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده

و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالتیکه یگانه است

لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده

نیست انبازی مر او را و مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و می میراند و او زنده است که نمیرد بدست اوست

الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا

هر نیکی و او بر همه چیز تواناست بس است مرا خدا و کافی است شنید خدا مر آنرا که بخواند او را

لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما دعا وانه بریء ممن تبرأ وان

نیست غیر خدا منتهای گواهی میدهم برای خدا با نچه خوانده خدا و بانکه بتحقیق او بیزار است از آنکه بیزاری جست و آنکه

لله الآخرة والاولی

برای خداست آنجهان و این جهان

پس حواریون گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت عیسی علیه السلام گفت که هر که دعای اول صد مرتبه بخواند عمل هیچکس از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دوم

صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریت و انجیل خوانده باشد و ثواب آنها را
با و دهند حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریت و انجیل چیست جبرئیل گفت
طاقت برداشتن یکحرف توریت و انجیل ندشت هر که در آسمانهای هفت گانه است
از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و
لا قوة الا بالله و هر که دعای سوم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او باین دعا
ده هزار حسنه و محو کند از وده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار
هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات
فرستند بر کسیکه این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت که ای جبرئیل آیا
ملائکه صلوات می فرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران
از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهد شریعت ایشانرا حق تعالی ثواب پیغمبران را
با و عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال نماید ملکی
و بالا برد بسوی حق تعالی پس خدا نظر رحمت کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هر که
خدا نظر رحمت بر او کند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب
دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است و حق تعالی مرا رخصت نداده است
که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک از این دعا را ده مرتبه بخواند و روایت
که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ
و ابن بابویه و سید ابن طاوس رضی الله عنهم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند
حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا
درجه دیگر صد ساله راه باشد برفتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد
و دران شهر قصری باشد از یک جوهر که دران فصلی نباشد و در هر شهری از ان شهرها از
انواع جواهر و غرفه ها و خانه ها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و تکیه ها و

وخدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حله‌ها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها
نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی
آن هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را به بهشت برسانند و
چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملیکه از عقب آورند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از
یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و دران شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت
خلق کرده است پس باو گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند
ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامیکه تو آن تهلیلات را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه دران
هست از نعمتهای الهی یک ثواب تست بر خواندن آن تهلیلات و بشارت باد ترا به بهترین
ازین ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی
دران نمی باشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیلات اینست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیَالِی وَالدُّهُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْوَاجِ
نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار شبها و زمانها نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار موجهای
الْبُحُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
دریاها نیست سزاوار پرستش مگر خدا و رحمت او بهتر است از آنچه جمع کنند مردم نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار
الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
خارها و درختها نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار مو و پشم شتر نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار
الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُوْنِ وَالْبَصَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِی
سنگ و کلوخ نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار بر هم زدن چشمها و بینائی نیست سزاوار پرستش مگر خدا در
اللَّیْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّیَاحِ فِی
شب چون تاریک گردد و صبح هرگاه بدمد نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار بادها در
الْبَرَارِی وَالصُّخُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْیَوْمِ اِلٰی یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّوْرِ
بیابانها و کوهها نیست سزاوار پرستش مگر خدا ازین روز تا روزیکه دمیده شود در صور

و از بعضی روایات مستفاد می‌شود که یکمرتبه نیز اکتفا می‌توان کرد والله یعلم **فصل دوم** در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی حجه است و روز مبارکی است و ابن بابویه از حضرت موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضاً از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلعم منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسیکه آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب شب مناجات با قاضی الحاجات است و هرکه در آن شب توبه کند توبه‌اش مقبول است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد

اَللّٰهُمَّ یَا شَاهِدَ کُلِّ نَجْوَی وَمَوْضِعَ کُلِّ شَکْوَی وَعَالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ وَمُنْتَهَی کُلِّ

بارخدایا ای دانای هر راز و قرارگاه هر شکایت و دانای هر پنهان و منتهای هر

حَاجَةٍ یَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبَادِ یَا کَرِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا جَوَادُ یَا مَنْ

حاجت ای ابتدا کننده بنعمتها بر بندگان ای گرامی عفو ای نیکو تجاوز ای بخشنده ای آنکه

لَا یُوَارِی مِنْهُ لَیْلٌ دَاجٍ وَلَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَلَا ظُلَمٌ ذَاتُ ارْتِتَاجٍ

نمی‌پوشاند از وی شب تار و نه دریای بسیار آب و نه آسمان صاحب برجها و نه تاریکیهای صاحب بستگی

یَا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِیَاءٌ أَسْأَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ الَّذِی تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ

ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سوال میکنم از تو بروشنائی ذات بزرگوار تو که تابان نمودی آنرا بر کوه

فَجَعَلْتَهُ دَکّاً وَخَرَّ مُوسَی صَعِقاً وَبِاسْمِکَ الَّذِی رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ

پس گردانیدی آن کوه را خورد خورد و افتاد موسی بیهوش و بحرمت نام تو آن نامیکه بلند کردی بسبب آن آسمانها

بِلَا عَمَدٍ وَسَطَحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَی وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْمَکْنُونِ

بی ستونی و گستردی بسبب آن زمین را بر روی آب ایستاده و بحرمت نام تو پنهان داشته شده پوشیده

المكتوب الطاهر الذي اذا دعيت به اجبت واذا سئلت به

نوشته شده است پاک است آن نامیکه هرگاه خوانده شوی با او اجابت کنی هرگاه سوال کرده شوی با او

اعطيت وباسمك السبوح القدوس البرهان الذي هو نور على كل

بخشش نمائی وبنام تو که پاک است بغایت منزه است دلیل روشن است نامی که آن نور است بر هر

نور ونور من نور يضيئ منه كل نور اذا بلغ الارض انشقت واذا بلغ

نوری ونوری است از نور روشن میشود از او هر نوری چون برسد بزمین بر اشکافته شود وهرگاه برسد

السموات فتحت واذا بلغ العرش اهتز وباسمك الذي ترتعد

آسمانها را کشوده شود وچون برسد عرش را بحرکت درآید بنام تو آن نامیکه لرزان شوند

منه فرائص ملائكتك واسألك بحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل

از آن شانه های فرشتگان تو وسوال میکنیم از تو بحق جبرئیل ومیکائیل واسرافیل

وبحق محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وعلى جميع الانبياء وجميع

وبحق محمد برگزیده رحمت فرستد خدا بر او وآل او وبر همه پیغمبران وهمه

الملائكة وبالاسم الذي مشى به الخضر على قلل الماء كما مشى به على

فرشتگان وبحرمت آن نامی که رفتار نمود بسبب آن خضر بر اعالی آب چنانچه رفتار نمود بسبب او بر

جدد الارض وباسمك الذي فلقت به البحر لموسى واغرقت

روی زمین وبحرمت نام تو آن نامیکه شکافتی بسبب آن دریا را بجهت موسی وغرق نمودی

فرعون وقومه وانجيت به موسى بن عمران ومن معه وباسمك

فرعون وگروه او ورهانیدی بسبب آن موسی ابن عمران وآنرا که با او بود وبحرمت نام تو

الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الايمن فاستجبت

آن نامیکه خواند ترا با آن موسی ابن عمران از طرف راست کوه طور پس اجابت کردی

له والقيت عليه محبة منك وباسمك الذي احيى به عيسى بن مريم

او را وافکندی بر او محبتی از جانب خود وبحرمت نام تو آن نامی که زنده کرد بسبب او عیسی بن مریم

الموتی وتکلم فی المهد صبیا وابرا الاکمه والابرص باذنک

مردگان را و سخن گفت در گهواره حال آنکه کودک بود و عافیت بخشید کور مادرزاد و پیس را بدستوری تو

وباسمک الذی دعاک به حملة عرشک وجبرئیل ومیکائیل

وبنام تو آن نامی که خواندند ترا آن بردارندگان عرش تو و جبرئیل و میکائیل

واسرافیل وحبیبک محمد صلی الله علیه واله وملائکتک المقربون

و اسرافیل و دوست تو محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و فرشتگان مقربان

وانبیاؤک المرسلون وعبادک الصالحون من اهل السموات

و پیغمبران فرستادگان و بندگان نیکان تو از اهل آسمانها

والارضین وباسمک الذی دعاک به ذو النون اذ ذهب مغاضبا

و زمینها و بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا یاد خداوند ماهی چون رفت بسان قوم خشمگین

فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک

پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم براو پس خواند ترا در تاریکیها با آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

انی کنت من الظالمین فاستجبت له ونجیته من الغم وکذلک ننجی

بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس پذیرفتی دعای او را و رهانیدی او را از اندوه و همچنین میرهانیم

المؤمنین وباسمک العظیم الذی دعاک به داود وخر لک ساجدا

مومنانرا و بنام بزرگ تو که خواند ترا آن داود و در افتاد برای تو سجده کنان

فغفرت له ذنبه وباسمک الذی دعتک به آسیة امرأة فرعون

پس آمرزیدی برای او گناه او را و بنام تو که خواند ترا آن آسیه زن فرعون

اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة ونجنی من فرعون وعمله

بگاهیکه گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و کردار او

ونجنی من القوم الظالمین فاستجبت لها دعاءها وباسمک الذی

و خلاص ده مرا از گروه ستمکاران پس پذیرفتی برای او دعای او را و بحرمت نام تو که خواند ترا

بِهٖ اَيُّوْبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاۤءُ فَعَافَيْتَهٗ وَاٰتَيْتَهٗ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ

آن ایوب هنگامیکه فرود آمد برو بلا پس عافیت بخشیدی او را و دادی او را خاندان او را و مانند ایشانرا با ایشان

رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرٰى لِلْعَابِدِيْنَ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ يَعْقُوْبُ

بخشایشی از نزد خود و پندی برای عبادت کنندگان و بحرمت نام تو که خواند ترا بآن یعقوب

فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهٗ وَقُرَّةَ عَيْنِهٖ يُوْسُفَ وَجَمَعْتَ شَمْلَهٗ وَبِاسْمِكَ

پس گردانیدی براو بینائی او را و خنکی چشم او را یوسف و فراهم آوردی پراگندگی او را و بحرمت نام تو

الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ سُلَيْمَانُ فَوَهَبْتَ لَهٗ مُلْكًا لَا يَنْبَغِيْ لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ

که خواند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی مر او را پادشاهی که سزاوار نیست هیچکس را پس از او

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بدرستیکه تو توئی بسیار بخشنده و بحرمت نام تو که رام کردی بسبب آن براق را بجهت محمد رحمت فرستد خدا

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اِذْ قَالَ تَعَالٰى سُبْحَانَ الَّذِيْ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

و آل او و درود بر او هرگاه گفت خدای برتر پاکست آن خدای که سیر داد بنده خود را در شبی از مسجد الحرام

اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصٰى وَقَوْلُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِيْنَ

تا مسجد اقصی که در شام است و قول رسول خدا که پاکست آنکه رام گردانید برای ما این و نبودیم مر آن را

وَاِنَّا اِلٰى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ تَنَزَّلَ بِهٖ جِبْرَئِيْلُ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و بدرستیکه ما بسوی پروردگار خود هر آینه باز گردندگانیم و بحرمت نام تو که فرود آمد بسبب آن جبرئیل بر محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ اٰدَمُ فَغَفَرْتَ

رحمت فرستد خدا بر او و آل او و بحرمت نام تو که خواند ترا بآن آدم پس آمرزیدی

لَهٗ ذَنْبَهٗ وَاَسْكَنْتَهٗ جَنَّتَكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ

برای او گناه او را و ساکن کردی او را در بهشت خود و سؤال میکنم بحق قرآن بزرگ مرتبه و بحق محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيْمَ وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ وَبِحَقِّ الْمَوَازِيْنِ

آخر پیغمبران و بحق ابراهیم و بحق جدا کردن تو حق از باطل روز حکم کردن و بحق ترازوهای

إِذَا نُصِبَتْ وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللَّوْحِ وَمَا

هرگاه برپا کرده شوند ونامهای اعمال هرگاه واکرده شوند وبحق قلم وانچه روان شده بآن ولوح وانچه

أَحْصَى وَبِحَقِّ الاسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ

احاطه کرد آنرا وبحق نامی که نوشتی آنرا بر سراپرده عرش پیش از آفریدن تو

الْخَلْقَ وَالدُّنْيَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِأَلْفَيْ عَامٍ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا

خلق و دنیا و آفتاب را و ماه را بدوهزار سال وگواهی میدهم آنکه نیست او را پرستش مگر

اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَسْأَلُكَ

خدا حال آنکه یگانه است نیست انباری برای او وانیکه بتحقیق محمد بنده او ورسول اوست وسوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

بحرمت نام تو آن نامیکه پنهان است در خزانه های تو آن نامیکه برگزیدی آنرا در جمله علم نهانی که نزد تست

لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ

مطلع نشده بر آن هیچکس از خلق تو نه فرشته مقربی و نه پیغمبر مرسلی و نه بنده

مُصْطَفًى وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ

برگزیده وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که شکافتی بسبب آن دریاها را وبرپا است بسبب آن کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ

وآمد ورفت کرد بسبب آن شب وروز وبحق سوره فاتحه وقرآن بزرگ مرتبه

وَبِحَقِّ كِرَامٍ كَاتِبِينَ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَيٰس وَكٰهٰيٰعٰصٰ وَحٰمٰعٰسٰقٰ

وبحق نویسندگان نامه اعمال وبحق طه ویس وکهیعص وحمعسق

وَبِحَقِّ تَوْرَاةِ مُوسَى وَإِنْجِيلِ عِيسَى وَزَبُورِ دَاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

وبحق توریت موسی وانجیل عیسی وزبور داود وقرآن محمد رحمت فرستد

اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبِأَهْيَا شَرَاهِيَا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدا بر او وآل او وبر همه پیغمبران وبحرمت خداوند ازلی ای خدا بدرستیکه سوال میکنم ترا

بحق تلك المناجاة التی كانت بینك وبین موسی بن عمران فوق

بحق آن رازگوئی که بود میان تو و میان موسی پسر عمران بالای

جبل طور سیناء واسألك باسمك الذی علمته ملك الموت لقبض

کوه طور سینا و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو که آموختی آنرا بملک موت برای گرفتن

الارواح واسألك باسمك الذی كتب علی ورق الزیتون فخضعت

جانها و سوال میکنم از تو بحرمت نامی که نوشته شد بر برگ درخت زیتون پس فروتنی کرد

النیران لتلك الورقة فقلت یا نار كونی بردا وسلاما

آتشها برای آن برگ پس گفتی ای آتش بشو سرد و سلامت

واسألك باسمك الذی كتبته علی سرادق المجد والكرامة یا من

و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو که نوشتی آنرا بر سراپرده بزرگواری و کرامت ای آنکه

لا یحفیه سائل ولا ینقصه نائل یا من به یستغاث والیه یلجأ

نیرنجاند او را سوال کننده و کم نمی سازد خزانه او را عطای ای آنکه باو دادخواهی کرده میشود و بسوی او پناه برده میشود

اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهی الرحمة من كتابك و

سوال میکنم ترا بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو و نهایت بخشایش که ظاهرست از کتاب تو و

باسمك الاعظم وجدك الاعلی وكلماتك التامات العلی

بحرمت نام تو که بزرگ است و عظمت تو که بلندتراست و سخنهای کامل بلند پایه تو

اللهم رب الریاح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت

خداوندا ای پروردگار بادها و انچه پراکنده نمود آنرا و آسمان و انچه سایه افگنده است آن و زمین و انچه برداشت

والشیاطین وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو علیك

و دیوان پلید و انچه گمراه نموده اند آنرا و دریاها و انچه روان گردیده اند در آن بحق هر حقی که آن بر تو

حق وبحق ملائكة المقربین والروحانیین والكروبیین والمسبحین

ثابت و لازم است و بحق فرشتگان نزدیکان و روحانیان و کروبیان و تنزیه کنندگان

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ

در شب و روز در حالیکه سست نمی شوند و بحق ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی که میخواند ترا

بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ يَا مُجِيبُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ

میان صفا و مروه و می پذیری برای او دعای او را ای پذیرنده سوال میکنیم از تو بحق این نامها

وَبِهٰذِهِ الدَّعَوَاتِ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا

و بحرمت این دعاها اینکه بیامرزی برای ما آنچه پیش داشتیم و آنچه از پس داشتیم و آنچه پنهان کردیم و آنچه

أَعْلَنَّا وَمَا أَبْدَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ

آشکار نمودیم و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه پنهان نمودیم و آنچه تو داناتری بآن از ما بدرستیکه تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُونِسَ كُلِّ

چیز توانائی بخشایش خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای نگاهدارنده هر غریبی ای انس دهنده هر

وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ يَا مُونِسَ

تنهائی ای توانائی هر ناتوانی ای یاور هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر نا امیدی ای آ

كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ

هر وحشت زده ای یار هر سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضری ای آمرزنده هر گناهی

وَخَطِيئَةٍ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا كَاشِفَ كَرْبِ

و خطائی ای فریادرس فریاد جویان ای دادرس دادخواهان ای زائل کننده اندوه

الْمَكْرُوبِينَ يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ

اندوهناکان ای گشاینده غم غمناکان ای نو پدید آورنده آسمانها و زمینها

يَا مُنْتَهَىٰ غَايَةِ الطَّالِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای منتهای نهایت خواهندگان ای پذیرنده دعای بیچارگان ای بخشنده ترین بخشایندگان

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوارترین بزرگواران

يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي

اى شنواترين شنوندگان اى بيناترين بينندگان اى تواناترين توانايان بيامرز براى من

الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تورث الندم

گناهانى را كه تغيير ميدهند نعمتها را و بيامرز براى من گناهانى را كه باعث ميشوند پشيمانى را

واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر لي الذنوب التي

و بيامرز براى من گناهانى را كه باعث ميشوند بيمارى را و بيامرز براى من گناهانى را كه

تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي

ميدرند پرده‌هاى عصمت را و بيامرز براى من گناهانى را كه برميگردانند دعا را و بيامرز براى من

الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي الذنوب التي

گناهانى را كه باز ميدارند باران آسمان را و بيامرز براى من گناهانى را كه

تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي

نزديك مى‌آورند نيستى را و بيامرز براى من گناهانى را كه ميكشند بدبختى را و بيامرز براى من

الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء

گناهانى را كه تاريك ميكنند هوا را و بيامرز براى من گناهانى را كه برميدارند پرده را

واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها غيرك يا الله واحمل عني كل

و بيامرز براى من گناهانى را كه نمى‌آمرزد آنها را غير تو اى خدا و بردار از من هر

تبعة لاحد من خلقك واجعل لي من امري فرجا ومخرجا ويسرا

وبالى را كه باشد براى يكى از خلق تو و بگردان براى من از امر خود گشايشى و بيرون شدنى و آسانى

وانزل يقينك في صدري ورجاءك في قلبي حتى لا ارجو غيرك

و فرو فرست يقين خود را در سينه من و اميد خود را در دل من تا آنكه اميد ندارم غير ترا

اللهم احفظني وعافني في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري

خداوندا نگاهدار مرا و عافيت بخش مرا در جايگاه من اين جايگاه و يار باش مرا در شب من و روز من

وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ

و از پیش روی من و از عقب من و از جانب راست من و از جانب چپ من و از بالای سر من و از

تَحْتِي وَيَسِّرْ لِيَ السَّبِيلَ وَأَحْسِنْ لِيَ التَّيْسِيرَ وَلَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ

زیر پای من و آسان کن برای من راه را و نیکو گردان برای من آسان نمودن و ترک یاری مکن مرا در امر مشکل

وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ وَلَقِّنِي كُلَّ

و راه بنمای مرا ای بهترین راه نمایان و وامگذار مرا بسوی نفس من در کارها و پیش آور مرا هر

سُرُورٍ وَاقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَحْبُوراً فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ

شادی و باز بگردان مرا بسوی اهل من با فیروزی و رستگاری شادان در دنیا و آخرت

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و روزی کن مرا از بخشش خود و گشایش ده بر من از روزیهای

رِزْقِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَأَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ

پاکیزه خود و بکار آر مرا در فرمان برداری خود و پناه ده مرا از عذاب خود و آتش خود

وَاقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

و بگردان مرا هرگاه بمیرانی بسوی بهشت خود برحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از

زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ نُزُولِ

زائل شدن نعمت تو و از برگردانیدن تو عافیت خود را و از فرو آمدن عقوبت تو و از نازل شدن

عَذَابِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ

عذاب تو و پناه میبرم بتو از مشقت بلاها و دریافتن بدبختی و از بدی قضا

وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ

و شادی کردن دشمنان و از بدی آنچه فرو می آید از آسمان و از بدی آنچه در کتاب

الْمُنْزَلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ وَلَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَلَا تَحْرِمْنِي

فرستاده شده است خداوندا مگردان مرا از بدان و نه از یاران آتش و محروم مکن مرا

صُحبةَ الاخيارِ واَحيِني حيوةً طيّبةً وتوفّني وفاةً طيّبةً تُلحقني بالابرار

صحبت نیکوکاران و زنده دار مرا زندگی پاکیزه و بمیران مرا مردن پاکیزه که برساند مرا به نیکوکاران

وارزقني مرافقةَ الانبياءِ في مقعدِ صدقٍ عند مليكٍ مقتدرٍ

و روزی کن مرا رفاقت پیغمبران در نشستگاه راستی نزد پادشاه توانا

اللهمّ لك الحمد على حسنِ بلائك وصُنعك ولك الحمد على الاسلام

خداوندا پس مر تراست همه سپاس نیکویی انعام تو و آفرینش تو و معروف تو و مر تراست همه سپاس بر اسلام

والسنّةِ يا ربّ كما هديتَهم لدينك وعلّمتَهم كتابك فاهدنا وعلّمنا

و بر راه پیغمبری پروردگار من چنانچه راه نمودی ایشان را بدین خود و آموختی ایشان را کتاب خود پس راه نما ما را و بیاموز ما را

ولك الحمد على حسنِ بلائك وصُنعك عندي خاصّةً كما

و مر تراست همه سپاس نیکویی انعام تو و معروف تو نزد من بخصوص چنانچه

خلقتني فاحسنتَ خلقي وعلّمتني فاحسنتَ تعليمي وهديتني فاحسنتَ

آفریدی مرا پس نیکو کردی آفرینش مرا و آموختی مرا پس نیک کردی آموختن مرا و راه نمودی مرا پس نیکو کردی

هدايتي فلك الحمد على انعامك عليّ قديماً وحديثاً فكم من كربٍ يا سيّدي قد

راه نمایی مرا پس مر تراست همه سپاس انعام تو بر من انعام کهنه و نو پس بسیار اندوه ای آقای من بتحقیق

فرّجته وكم من غمٍّ يا سيّدي قد نفّسته وكم من همٍّ يا سيّدي قد كشفته وكم من بلاءٍ

گشودی آنرا و چه بسیار از غم ای آقای من بتحقیق زائل کردی آنرا و بسا اندوه ای آقای من بتحقیق رفع نمودی آنرا و بسا از بلا

يا سيّدي قد صرفته وكم من عيبٍ يا سيّدي قد سترته فلك الحمد على كلّ

ای آقای من بتحقیق بازگردانیدی آنرا و بسا از عیب ای آقای من بتحقیق پوشانیدی آنرا پس مر تراست همه سپاس بر هر

حالٍ في كلّ مثوىً وزمانٍ ومنقلبٍ ومقامٍ وعلى هذه الحال وكلّ

حالتی در هر آرامگاهی و زمانی و بازگشتن گاهی و جای ایستادن و بر این حالت و بر هر

حالٍ اللهمّ اجعلني من افضل عبادك نصيباً في هذا اليوم من خيرٍ

حال خداوندا بکن مرا از افزون‌ترین بندگان خود در بهره در این روز از نیکی

تقسمه او ضرٍّ تکشفه او سوءٍ تصرفه او بلاءٍ تدفعه او خیرٍ تسوقه

که قسمت کنی آنرا یا گزندی که زایل نمائی آنرا یا بدی که بازگردانی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا یا خیری که برسانی آنرا

او رحمةٍ تنشرها او عافیةٍ تلبسها فانّک علی کلّ شیءٍ قدیر وبیدک

یا رحمتی که پراگنده سازی آنرا یا عافیتی که بپوشانی آنرا زیرا که بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و بدست تست

خزائن السموات والارض وانت الواحد الکریم المعطی الّذی

گنجینه‌های آسمانها و زمین و توئی یگانه بزرگوار بخشنده که

لا یردّ سائله ولا یخیب امله ولا ینقص نائله ولا ینفد ما عنده

برگردانیده نمی‌شود سؤال کننده او و ناامید نمیگردد امیدوار او و کم نمیگردد عطای او و نیست نمیشود آنچه نزد اوست

بل یزداد کثرةً وطیباً وعطاءً وجوداً وارزقنی من خزائنک

بلکه زیاده میشود به بسیاری و پاکیزگی و بخشش و جود و روزی کن مرا از خزانه‌های خود

الّتی لا تفنی ومن رحمتک الواسعة انّ عطاءک لم یکن محظوراً

که فانی نمیشود و از رحمت خود که فراگیرنده است بدرستیکه عطای تو نیست ممنوع

وانت علی کلّ شیءٍ قدیر برحمتک یا ارحم الرّاحمین

و تو بر همه چیز توانائی برحمت خود ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

و احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده‌ام و زیارت دیگر ان شاء الله تعالی بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت مذکور شده اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار وارد شده است و بهترین اعمال در این روز دعاست حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط می‌شود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقول است که ابراهیم بن هاشم گفت که من عبدالله بن جندب را دیدم در موقف عرفات

و حالی هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب
دیده‌اش بر زمین جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم در موقف هیچکس را
بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مومن خود زیرا که
از حضرت موسی کاظم علیه السلام شنیدم که هر که دعا کند برای برادران مومن خود
در غیبت او از عرش ندا میرسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست
بر آورم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجاب است برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب
خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین
علیه السلام باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد نخواهد بود بلکه زیاده است چنانچه از
حضرت صادق منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد
و او را امام واجب الاطاعه داند بنویسد حق تعالی برای او ثواب هزار حج و هزار عمره
مقبوله و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب موقف
عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدرستیکه بنده مومن چون در روز عرفه
نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت آنحضرت شود هر گامی که بردارد
ثواب یک حج و یک عمره بجهت او نوشته می‌شود و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق
سبحانه تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السلام میکند و گناهان ایشانرا
می‌آمرزد و حاجات ایشانرا بر می‌آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میشود زیرا که در میان زوار
آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در میان عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها نیافته
باشد باید که در سایر بلاد غسل کند و در مجمع مومنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام
بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا
باشند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول
است و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث
باین روش کرده‌اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند

[illegible]

والاکره است یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزهٔ روز عرفه برابر است با روزهٔ یکسال و اگر اشتباهی در ماه باشد یا با روزه از دعا ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بکند در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فائز گردد بثواب اهل عرفات و گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و شیخ مفید ره این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و در روایتی دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است آنرا با خضوع و خشوع و تأنی و رقت بخواند که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است میگوئی

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ

نیست معبود و سزاوار پرستش مگر خداوند جل الله یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میگرداند و میمیراند

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

و او زنده است که نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیز تواناست خداوندا مر تراست همه سپاس

كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ

مانند آنچه میگوئی و بهتر از آنچه میگوئیم و بالای آنچه میگویند گویندگان خداوندا برای تست

صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ بَرَاءَتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي

نماز من و عبادت من و زندگی من و مردن من و برای تست بیزاری من و به تست قدرت من و از تست توانائی من

اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وسواس الصدر ومن شتات الامر
بار خدایا بدرستیکه من پناه می برم بتو از احتیاج و از اندیشهٔ باطل سینه و از پراکندگی کار
ومن عذاب القبر اللهم انی اسئلک خیر الریاح واعوذ بک من شر
و از عذاب قبر بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بهترین بادها و پناه میبرم بتو از بدی
ما تجیء به الریاح واسئلک خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل
آنچه می آورد آنرا بادها و میخواهم از تو نیکی شب و نیکی روز را بار خدایا بگردان
فی قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی دمی
در دل من روشنائی و در گوش من روشنائی و در چشم من روشنائی و در گوشت من روشنائی و در خون من
وعظامی وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم
و استخوان من و رگهای من و ایستادنگاه من و نشستنگاه من و جای درآمدن من و جای بیرون رفتن من روشنائی و بزرگ گردان
لی النور یا رب یوم القاک انک علی کل شیء قدیر
برای من روشنائی ای پروردگار من در روزی که ملاقات کنم ترا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

و از حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام منقول است که این دعا را در روز عرفه بخوانند

اللهم کما سترت علی ما لم اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک
خداوندا چنانچه پوشانیدی بر من آنچه را ندانستم از گناهان پس بیامرز برای من گناهی که تو میدانی و چنانچه فرا گرفت مرا علم تو
فلیسعنی عفوک وکما بدأتنی بالاحسان فاتمم نعمتک بالغفران وکما
پس باید که فرا گیرد مرا درگذشتن تو و چنانچه آغاز کردی مرا به نیکوئی پس تمام کن نعمت خود را بآمرزش و چنانچه
اکرمتنی بمعرفتک فاشفعها بمغفرتک وکما عرفتنی وحدانیتک
گرامی داشتی مرا بشناخت خود پس جفت کن آنرا بآمرزش خود و چنانچه شناسانیدی بمن یگانگی خود را
فاکرمنی بطاعتک وکما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتک
پس گرامی دار مرا بفرمانبرداری خود و چنانچه نگاهداشتی مرا از آنچه نبودم که نگاه دارم خود را از آن مگر به نگاهداری تو

فاغفر لي ما لو شئت عصمتني منه يا جواد يا كريم يا ذا الجلال والاكرام

پس بیامرز برای من آنچه را که اگر میخواستی نگاه میداشتی مرا از آن ای بخشنده ای بزرگوار ای خداوند بزرگواری و کرامت

و از حضرت امام موسی علیه السلام این دعا منقول است

اللهم اني عبدك وابن عبدك ان تعذبني فبامور قد سلفت

خداوندا بدرستیکه من بنده تو و پسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا پس باعتبار کارها است که بتحقیق گذشته

مني وانا بين يديك برمتي وان تعف عني فاهل العفو انت يا اهل

از من و من پیش توام تمام اعضای خود و اگر درگذاری از من پس سزاوار درگذشتن توئی ای سزاوار

العفو يا احق من عفا اغفر لي ولاخواني

درگذشتن ای سزاوارترکسیکه درگذشت بیامرز مرا و برادران مرا

و از جمله دعاهای مشهوره در عرفه دعای حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام است

بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع پس از جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که با نهایت مذلت و مسکنت طعام طلبد این دعا را خواندند

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه

بنام خداوند بخشاینده مهربان همه سپاس خداوندی را که نیست مر حکم او را دفع نماینده و نه بخشش او را

مانع ولا كصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع

بازدارنده و نه مانند کار او کار کارکننده و اوست بخشنده فراخ آفریننده آفرید انواع پدیدها را

واتقن بحكمته الصنائع ولا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده

و محکم نموده بدانش خود کارها و پنهان نیست بر او جاسوسها و تلف نگردد نزد او

الودائع جازي كل صانع ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل

امانتها اوست جزا دهنده هر کار کننده عطا کننده هر قناعت نماینده رحم کننده هر زاری نماینده و فرو فرستنده

المنافع والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللمطيع

سود بها و کتابی که جامع همه چیز هاست بنور مرتفع درخشان او مر دعاها را شنونده و فرمان بردار را

نافع وللدرجات رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة

سود بخشنده و مرتبه ها را بلند کننده و مراد دهنده و بلاها را زائل نماینده و متکبران را خوار سازنده رحم کننده اشک

كل ضارع ودافع صرعة كل صارع فلا اله غيره ولا شيء يعدله وليس

هر زاری کننده و زائل سازنده آنچه که مرا افتاده پس نیست سزاوار پرستش غیر او و نیست چیزی که برابری کند با او

كمثله شيء وهو السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير

مانند او چیزی و او است شنوا بینا مهربان آگاه و او بر هر چیز تواناست

اللهم اني ارغب اليك واشهد بالربوبية لك مقرا بانك ربي وان

خداوندا بدرستی که من خواهش دارم بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری برای تو حال آنکه اقرار کننده ام

اليك مردي ابتدأتني بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا وخلقتني

بسوی تست بازگشت من آغاز کردی مرا به نعمت خود پیش از آنکه بوده باشم چیزی نام برده شده و آفریدی مرا

من التراب ثم اسكنتني الاصلاب آمنا لريب المنون واختلاف الدهور

از خاک پس قرار دادی مرا در پشتهای پدران ایمن از شدائد زمانه و آمد و رفت روزگارها

فلم ازل ظاعنا من صلب الى رحم في تقادم الايام الماضية والقرون

پس همیشه بودم منتقل از پشت پدری بسوی رحم مادر در پیشین روزهای گذشته و زمانهای

الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك لي واحسانك الي في دولة ايام

رفته بیرون نیاوردی مرا بجهت مهربانی خود بمن و نوازش خود مرا و نیکی کردن بسوی من در دولت و روزگار

الكفرة الذين نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني رأفة

کافران آنانکه شکستند پیمان ترا و دروغ نسبت دادند فرستادگان ترا لیکن بیرون آوردی مرا بجهت مهربانی

منك وتحننا علي للذي سبق لي من الهدى الذي يسرتني وفيه

خود و ترحم نمودن بمن برای آنچه پیشی گرفته است مرا از راه نمائی که مهیا کرده برای من و در آن

أنشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمك

پدید آوردی مرا و پیش از آن مهربانی کردی بمن به کار نیکوی خود و نعمتهای کامل از جمله نعمت خود

فابتدعت خلقي من منيّ يمنى ثم اسكنتني في ظلمات ثلث بين لحم

پس پدید آوردی صنعت مرا از آب منی که ریخته شود در رحم پس قرار دادی در تاریکیهای سه گانه میان گوشت

ودم وجلد لم تشهدني خلقي ولم تجعل اليّ شيئا من امري ثم اخرجتني الى

و پوست و خون و مشهور نساختی مرا بخلقت من و نگردانیدی بسوی من چیزی از کار مرا پس بیرون آوردی مرا بسوی

الدنيا تامّا سويّا وحفظتني في المهد طفلا صبيّا ورزقتني من الغذاء

دنیا کامل درست اعضا و نگاهداشتی مرا در گهواره حال آنکه طفل صغیر بودم و روزی کردی مرا از جمله

لبنا مريّا وعطفت عليّ قلوب الحواضن وكفلتني الامهات

شیر تازه گوارا و مهربان کردی بر من دلهای تربیت کنندگان را و کارگذار نمودی برای من مادرهای

الرحائم وكلأتني من طوارق الجانّ وسلّمتني من الزيادة والنقصان

مهربان را و حراست نمودی مرا از رسیدنهای که میرسد از جن و سالم داشتی مرا از زیادتی و نقصان

فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت ناطقا بالكلام اتممت

پس برتری تو ای مهربان ای بخشاینده تا آنکه چون بآواز آمدم در حالیکه گویا بودم بسخن تمام کردی

عليّ سوابغ الانعام وربّيتني زائدا في كلّ عام حتى اذا اكتملت فطرتي

بر من انعامهای کامل خود را پس پروردی مرا زیاده شونده در هر سالی تا آنکه چون کامل شد خلقت من

واعتدلت سريرتي اوجبت عليّ حجتك بان الهمتني معرفتك

و درست شد پنهانی امر من لازم کردی بر من حجت خود را بانکه الهام کردی بمن شناختن خود را

وروّعتني بعجائب فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك

و بشگفت آوردی مرا بغرایب آفرینش خود و گویا کردی مرا برای آنچه خلق کردی در آسمان خود و زمین خود

بدائع خلقك ونبّهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك

غرایب خلق خود را آگاه کردی مرا برای یاد کردن خود و سپاسگذاری خود و فرمانبرداری خود و بندگی

وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت علي

وفهمانیدی مرا آنچه آورده اند آنرا فرستادگان تو و آسان کردی برای من پذیرفتن خوشنودیهای ترا و منت نهادی بر من

بجميع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ خلقتني من حر الثرى لم ترض لي

در همه آنها بمدد کاری خود و مهربانی خود پس چون آفریدی مرا از خالص خاک نپسندیدی برای من

يا الهي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع المعاش وصنوف الرياش بمنك

ای خدای من نعمتی را بغیر نعمت دیگر و روزی کردی مرا از انواع روزیها و اقسام پوششها بانعام

العظيم علي واحسانك القديم الي حتى اذا اتممت علي جميع النعم وصرفت

بزرگ خود بر من و نیکوئی دیرینه خود بسوی من تا آنکه وقتیکه تمام کردی بر من همه نعمتها را و گردانیدی

عني كل النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك ان دللتني على ما يقربني اليك

از من تمام ناخوشیها را باز نداشت ترا نادانی من و دلیری من بر تو از آنکه راه نمائی مرا بر آنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو

ووفقتني لما يزلفني لديك فان دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني

و توفیق دهی مرا برای آنچه نزدیک سازد مرا نزد تو پس اگر خوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر خواهم از تو عطا میکنی مرا

وان اطعتك شكرتني وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالا لانعمك

و اگر فرمان برداری کنم ترا جزا میدهی مرا و اگر سپاس گذاری کنم ترا افزون میکنی مرا همه اینها بجهت تمام کردن نعمتهای تو

علي واحسانك فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد مجيد تقدست

بر من و نیکوئی کردن تو پس منزهی تو منزهی تو پدید آورنده باز گرداننده ستوده بزرگوار پاک است

اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي نعمة يا الهي احصي عددا وذكرا ام اي

نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس کدام نعمت ای خدای من در شمار آورم بشمار یا یاد آوردن یا کدام

عطاياك اقوم بها شكرا وهي يا رب اكثر من ان يحصيها العادون او يبلغ علما

بخششهای ترا قیام نمایم بانها از روی سپاس گذاری و آن ای پروردگار من بیشتر است از آنکه شماره کنند آنها را شمار کنندگان یا

بها الحافظون ثم ما صرفت ودرأت عني اللهم من الضر والضراء اكثر مما

بانها ضبط کنندگان پس آنچه دفع کردی و گردانیدی از من خداوندا از بدحالی و ناخوشی بیشتر است از آنچه

ظهر لی من العافیة والسرّآء وانا اشهد یا الهی بحقیقة ایمانی

وعقد عزمات یقینی وخالص صریح توحیدی وباطن مکنون ضمیری

وعلائق مجاری نور بصری واساریر صفحة جبینی وخرق مسارب

نفسی وخذاریف مارن عرنینی ومسارب صماخ سمعی وما ضمّت

واطبقت علیه شفتای وحرکات لفظ لسانی ومغرز حنک فمی

وفکّی ومنابت اضراسی وبلوغ حبائل بارع عنقی ومساغ مأکلی

ومطعمی ومشربی وحمالة امّ رأسی وجمل حمائل حبل وتینی وما

اشتمل علیه تامور صدری ونیاط حجاب قلبی وافلاذ حواشی

کبدی وما حوته شراسیف اضلاعی وحقاق مفاصلی واطراف

اناملی وقبض عواملی ولحمی ودمی وشعری وبشری وعصبی وقصبی

وعظامی ومخّی وعروقی وجمیع جوارحی وما انتسج علی ذلک ایّام

رضاعي وما اقلّت الارض منّي ونومي ويقظتي وسكوني وحركتي و

شیر خوردن من و آنچه برداشت زمین از من و خواب من و بیداری من و آرام من و جنبش من و

حركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت مدى الاعصار

حرکتهای رکوع من و سجده من اگر قصد کنم و کوشش نمایم تا درازای زمانها

والاحقاب لو عمّرتها ان اؤدّي شكر واحدة من انعمك ما استطعت ذلك

و روزگارها اگر زنده داشته شوم در آنها آنکه ادا کنم شکر یکی از نعمتهای تو نتوانم آن را

الا بمنّك الموجب عليّ شكرا آنفا جديدا وثناء طارفا عتيدا اجل ولو

مگر بانعام تو که واجب میسازد بر من سپاسی که تازه باشد و ثنائی نو آماده بلی و اگر

حرصت انا والعادّون من انامك ان نحصي مدى انعامك سالفه وآنفه

حرص کنم من و شمارندگان از خلق تو آنکه بشماریم نهایت انعام ترا گذشته آن را و حاضر آن را

لما حصرناه عددا ولا احصيناه امدا هيهات انّى ذلك وانت المخبر عن نفسك في

هر اینه احاطه نتوانیم کرد شماره و نتوانیم شمرد آن را هرگز دور است کجاست آن و حال آنکه تویی خبر دهنده از خود

كتابك الناطق والنبأ الصادق وان تعدّوا نعمة الله لا تحصوها صدق

در کتاب گویای خود و خبر راست خود و اگر خواهید بشمارید نعمت خدا را نتوانید شمرد آن را راست است

كتابك اللهم ونبأك وبلّغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم من

کتاب تو خداوندا و خبر تو و رسانیدند پیغمبران تو و فرستادگان تو آنچه فرو فرستادی بر ایشان از

وحيك وشرعت لهم من دينك غير انّي يا الهي اشهد بجهدي وجدّي

پیام خود و ظاهر ساختی برای ایشان از دین خود و مگر آنکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود و کوشش خود

ومبلغ طاقتي ووسعي واقول مؤمنا موقنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون

و منتهای طاقت خود و توانائی خود و میگویم باور دارنده تصدیق نماینده سپاس خدای را که فرا نگرفت فرزندی تا بوده باشد

موروثا ولم يكن له شريك في الملك فيضادّه فيما ابتدع ولا وليّ من الذلّ

میراث برده شده و نیست او را انبازی در پادشاهی که خاصمه کند او را در آنچه پدید آورده و نه یاوری از ذل

فَيَرْفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ

پس یاری دهد او را در آنچه کرده است پاک است او و پاک است او اگر بود در آسمان و زمین خدایانی

إِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا فَسُبْحَانَ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي

غیر از سزاوار پرستش هر آینه تباه شدند و شکافته شدند آسمان و زمین پس پاک است خدای یگانه ثابت یکتا پناه بی‌نیاز آنچنان خدائی که

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا يَعْدِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ

نزاده و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس سپاس مر خدا راست سپاسی که برابری کند سپاس فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى خِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ

نزدیکان و پیغمبران فرستاده‌گان او را و رحمت فرستد خدا بر اختیار کرده خود از خلق خود محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلَصِينَ

آخر پیغمبران و آل او پاکیزگان و پاکان خالص گردانیده شدگان

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب از

دیده‌های مبارکش جاری بود پس گفت

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِي

خداوندا بگردان مرا که بترسم ترا که گویا می‌بینم ترا و نیکبخت کن مرا به پرهیزکاری خود و بدبخت مساز مرا

بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ

به نافرمانی خود و عطا کن مرا خیر در حکم خود و برکت ده در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم بشتاب کردن

مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ

آنچه را که باز پس داری و نه باز پس داشتن آنچه را که بشتاب آوری خداوندا بگردان بی‌نیازی مرا در نفس من و یقین را

فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي

در دل من و اخلاص را در کردار من و روشنائی را در دیده من و بینائی را در دین من

وَمَتِّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَانْصُرْنِي عَلَى

و بهره‌ور کن مرا با عضاهای من و بگردان گوش مرا و دیده مرا میراث برندگان از من و یاری ده مرا بر آنکه

ظلمني وارزقني فيه ثاري وثاري واقر بذلك عيني اللهم اكشف

ستم نمود مرا و روزی کن مرا در ین روز جاهای مرا و خون مرا و خنک کن بآن دیده مرا خداوندا زایل کن

كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني

اندوه مرا و بپوشان امر زشت مرا و بیامرز برای من گناه مرا و دور کن شیطانی که موکل است بمن

واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الاخرة والاولى اللهم لك

و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلندی در آنجهان و این جهان خداوندا مر تراست

الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني

سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوا بینا و مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا

حيا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت

زنده یکسان از راه مهربانی بمن و بودی از آفرینش من بی نیاز ای پروردگار من قسم بآنچه پیدا کردی مرا پس

فطرتي رب بما انشأتني فاحسنت صورتي يا رب بما احسنت

خلقت مرا ای پروردگار من بجهت آنچه ایجاد کردی مرا پس نیکو نمودی هیئت مرا ای پروردگار من

بي وفي نفسي عافيتني رب بما كلأتني ووفقتني رب بما انعمت

بمن و در نفس من عافیت بخشیدی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه حفظ کردی مرا و توفیق دادی مرا ای پروردگار من

علي فهديتني رب بما آويتني ومن كل خير آتيتني واعطيتني

بر من پس راه نمودی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه جا دادی مرا و از هر نیکوئی که دادی مرا و بخشیدی مرا

رب بما اطعمتني وسقيتني رب بما اغنيتني واقنيتني رب

ای پروردگار من بجهت آنچه طعام دادی مرا و آب دادی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه بی نیاز کردی مرا

بما اعنتني واعززتني رب بما البستني من ذكرك الصافي ويسرت

بجهت آنچه مدد کردی مرا و ارجمند ساختی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه پوشانیدی مرا از ذکر خود و مهیا کردی

لي من صنعك الكافي صل على محمد وآل محمد واعني على بوائق الدهور

برای من از بخشش خود که بسنده است رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر بلاهای روزگار

وَصُرُوفِ الْاَيَّامِ وَاللَّيَالِی وَنَجِّنی مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرُبَاتِ الْاٰخِرَةِ

وحوادث روزها و شبها و برهان مرا از سختیها اندوهان دنیا و اندوههای آخرت

وَاكْفِنی شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِی الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ مَا اَخَافُ فَاكْفِنی وَمَا

و بس بنده شو مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا آنچه می ترسم پس بسنده شو مرا و آنچه

اَحْذَرُ فَقِنی وَفِی نَفْسی وَدینی فَاحْرُسْنی وَفی سَفَری فَاحْفَظْنی وَفی

می پرهیزم پس نگاه دار مرا از آن و در نفس من و دین من پس نگاه دار مرا و در سفر من پس حفظ کن مرا و در

اَهْلی وَمالی وَوُلْدی فَاخْلُفْنی وَفیما رَزَقْتَنی فَبارِكْ لی وَفی نَفْسی

اهل من و مال من و فرزندان من پس خلیفه باش مرا و در آنچه روزی کردی مرا پس برکت ده مرا و در نفس من

فَذَلِّلْنی وَفی اَعْیُنِ النّاسِ فَعَظِّمْنی وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ فَسَلِّمْنی وَبِذُنُوبی

پس خوار کن مرا و در دیده های آدمیان پس بزرگ کن مرا و از بدی پریان و آدمیان پس سالم دار مرا و بگناهان من

فَلا تَفْضَحْنی وَبِسَریرَتی فَلا تُخْزِنی وَبِعَمَلی فَلا تَبْتَلِنی وَنِعَمَكَ

پس رسوا مساز مرا و بگناهان نهانی من پس رسوا مکن مرا و بکردار من پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خود را

فَلا تَسْلُبْنی وَاِلی غَیْرِكَ فَلا تَكِلْنی اِلٰهی اِلی مَنْ تَكِلُنی اِلَی الْقَریبِ

پس سلب مکن از من و بسوی غیر جناب خود پس مگذار مرا خداوندا بسوی که میگذاری مرا آیا بسوی نزدیک

یَقْطَعُنی اَمْ اِلَی الْبَعیدِ یَتَجَهَّمُنی اَمْ اِلَی الْمُسْتَضْعِفینَ لی وَاَنْتَ رَبّی

که ببرد از من یا بسوی دور که بغلظت و ناخوشی پیش آید مرا یا بسوی ضعیف شمارندگان من و حال آنکه تو پروردگار منی

وَمَلیكُ اَمْری اَشْكُو اِلَیْكَ غُرْبَتی وَبُعْدَ داری وَهَوانی عَلی مَنْ

و مالک کار منی شکوه میکنم بسوی تو از غربت و دوری سرای خود و خواری خود بر آنکه

مَلَّكْتَهُ اَمْری اَللّٰهُمَّ فَلا تُحْلِلْ بی غَضَبَكَ فَاِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ

کردانیدی او را مالک امر من خداوندا پس فرود میار بر من غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی

عَلَیَّ فَلا اُبالی سِواكَ غَیْرَ اَنَّ عافِیَتَكَ اَوْسَعُ لی فَاَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ

بر من پس باک ندارم از غیر تو مگر آنکه بتحقیق عافیت تو فراخ تر است مرا پس میخواهم از تو بحرمت روشنائی ذات تو

الذي اشرقت له الارض والسموات وانكشفت به الظلمات وصلح

که روشن شد بسبب او زمین و آسمانها و زائل گشت بسبب آن تاریکیها و صلاح شد

عليه امر الاولين والآخرين ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي

بر آن کار پیشینیان و پسینیان آنکه نمیرانی مرا بر غضب خود و فرو نیاری بمن

سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا اله الا انت رب البلد الحرام

غضب خود را تو راست مواخذه تا آنکه خوشنود شوی پیش از آن نیست خدا سوای تو ای پروردگار شهر حرام

والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي احللته البركة وجعلته للناس

و مشعر حرام و خانهٔ کهنه که فرود آوردی در آن برکت و گردانیدی آنرا برای مردمان

امنة يا من عفا عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله

وسیلهٔ امنی ای آنکه در گذشت از بزرگ گناهان به بردباری خود ای آنکه تمام کرد نعمت را به بخشش خود

يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي

ای آنکه بخشیده عطیهٔ بسیار به بزرگواری خود ای ذخیرهٔ من در حال سختی من ای یار من در تنهایی من ای فریادرس من

في كربتي يا مونسي في حفرتي يا ولي نعمتي يا الهي واله آبائي ابراهيم

در وقت اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم

واسمعيل واسحاق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ای پروردگار

محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل والزبور

محمد آخر پیغمبران و خاندان برگزیدگان او و فرستنده تورات و انجیل و زبور

والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم انت

و فرقان و فرود آورنده کهیعص و طه و یس و قرآن محکم

كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق على الارض برحبها

پناه منی هنگامیکه عاجز کند مرا راهها با فراخی آنها و تنگ شود بر من زمین با گشادگی آن

وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ

واگر نمی بود رحمت تو هر اینه بودم از هلاک شدگان و تو در گذرنده از لغزش منی واگر نمی بود پوشانیدن تو

اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى الْاَعْدَاءِ وَلَوْلَا نَصْرُكَ

مرا هر اینه بودم از رسوا شدگان و توی قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان واگر نمی بود یاری تو

اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ

مرا هر اینه بودم از مغلوبان ای آنکه مخصوص کرد خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او

بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ

بارجمندی او ارجمندند ای آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان لیاد خواری بر گردنهای خود پس ایشان

مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ

از غضبهای او ترسانند میدانی خیانت دیده ها را و آنچه را پنهان میدارند سینه ها و نهانی

مَا تَأْتِي بِهِ الْاَزْمَانُ وَالدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

آنچه می آورد آنرا زمانها و روزگارها ای آنکه نمیداند هیچکس که چگونه اوست مگر او ای آنکه نمیداند

مَا يَعْلَمُهُ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ

آنچه را که میداند او مگر او ای آنکه گسترد زمین را بر آب و بند کرد هوا را باسمان ای آنکه برای اوست

اَكْرَمُ الْاَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ

گرامی ترین نامها ای خداوند احسانی که بریده نشود هرگز ای گمارنده سواران کاروان برای یوسف

فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَادَّ يُوسُفَ

در شهر خالی از آب و گیاه و بیرون آورنده او از چاه و گرداننده او پس از بندگی پادشاهی ای گرداننده یوسف

عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ

بر یعقوب پس از آنکه سفید گشته بود دیده های او از اندوه پس بود او خشم فرو خورنده ای ازاله کننده سختی

وَالْبَلَاءِ عَنْ اَيُّوبَ يَا مُمْسِكَ يَدَيْ اِبْرَاهِيمَ مِنَ الذَّبْحِ عَنِ ابْنِهِ بَعْدَ اَنْ كَبِرَ

و بلا از ایوب ای باز دارنده دست ابراهیم از گلو بریدن از پسرش پس از آنکه زیاده گشته بود

فیجلسك ویبره یا من استجاب لزكریا فوهب له یحیی ولم یدعه فردا

پس بود پسندیده بود دعای او ای آنکه اجابت کرده مر زکریا را پس بخشید او را یحیی را و نگذاشت او را تنها

وحیدا یا من اخرج یونس من بطن الحوت یا من فلق البحر لبنی اسرائیل

یکانه ای آنکه بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای آنکه شکافت دریا را بجهت پسران یعقوب

فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقین یا من ارسل الریاح مبشرات

پس رهانید ایشان را و گردانید فرعون و لشکرهای او را از غرق شدگان ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده

بین یدی رحمته یا من لم یعجل علی من عصاه من خلقه یا من استنقذ

پیش از فرود آمدن رحمت خود ای آنکه شتاب نکرده بر مواخذه آنکه نافرمانی کرده او را از خلق او ای آنکه نجات داد

السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا فی نعمته یاكلون رزقه و

جادوگران را پس از درازی انکار و بحقیقت صبح میکردند در نعمت او میخوردند روزی او را

یعبدون غیره وقد حادوه ونادوه وكذبوا رسله یا الله یا بدیع لا بدء لك یا دائما

می پرستیدند غیر او را و بحقیقت دشمنی کردند با او و مخالفت کردند او را و بدروغ نسبت دادند فرستادگان او را ای خدا ای پدید آورنده نیست

لا نفاد لك یا حی حین لا حی یا محیی الموتی یا من هو قائم علی كل نفس

کو نیست نیستی مر ترا ای زنده هنگامیکه نباشد زنده ای زنده کننده مردگان ای آنکه او نگهبان است بر هر نفس

بما كسبت یا من قل له شكری فلم یحرمنی وعظمت عنده خطیئتی

بانچه کسب نموده ای آنکه اندک بود برای او سپاس گذاری من پس نا امید نکرد مرا و بزرگ بود نزد او گناه من

فلم یفضحنی ورآنی علی المعاصی فلم یخذلنی یا من حفظنی فی صغری یا من

پس رسوا نکرد مرا و دید مرا بر نافرمانیها پس ترک از نگذاشت مرا ای آنکه نگاهداشت مرا در حال خردی ای آنکه

رزقنی فی كبری یا من ایادیه عندی لا تحصی یا من نعمه عندی لا تجازی

روزی داده مرا در حال بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد من شکر کرده نشود

یا من عارضنی بالخیر والاحسان وعارضته بالاساءة والعصیان

ای آنکه معارضه کرده مرا به نیکوئی و احسان و معارضه کردم من او را به بدی و نافرمانی

يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر الامتنان ويا من دعوته
ای آنکه راه نمود مرا با ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را ای آنکه خواندم او را
مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا فاطعمني وعطشانا فارواني
در بیماری پس شفا داد و برهنه بودم پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس طعام داد مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا
وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا فكثرني وغائبا فردني
و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بیکسی پس بسیار کرد مرا و در غایب بودن پس برگردانید مرا
ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا فلم يسلبني وامسكت عن
و در نیازمندی پس بی نیاز کرد مرا و در حال یاری خواهی پس یاری کرد مرا و در توانگری پس سلب نکرد و امساک نمودم از
جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من اقال عثرتي ونفس كربتي
همه آنها پس آغاز کرد مرا پس مر تراست سپاس ای آنکه در گذشت از لغزش من و زائل کرد اندوه مرا
واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على
و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا بحاجتم و یاری داد مرا بر
عدوي وان اعد نعمك ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت
دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا و بخششهای گرامی ترا نمیتوانم شمرد آنها را ای آقای من توئی
الذي انعمت انت الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت
آنکه انعام کردی توئی آنکه بخشش نمودی توئی آنکه نکوئی کردی توئی آنکه بخشش نمودی
انت الذي مننت انت الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي
توئی آنکه انعام کردی توئی آنکه تمام و کامل نمودی توئی آنکه روزی دادی توئی آنکه
وفقت انت الذي اعطيت انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت
توفیق دادی توئی آنکه عطا فرمودی توئی آنکه بی نیاز کردی توئی آنکه سرمایه دادی
انت الذي آويت انت الذي كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت
توئی آنکه جا دادی توئی آنکه کارگذاری نمودی توئی آنکه راه نمودی توئی آنکه نگاه داشتی

فبحلمك وسترت انت الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي

پس بود آنکه پوشانیدی توئی آنکه آمرزیدی توئی آنکه درگذشتی توئی آنکه

مكنت انت الذي اعززت انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي ايدت انت

دست دادی توئی آنکه عزیز کردانیدی توئی آنکه مدد کردی توئی آنکه اعانت کردی توئی آنکه قوت دادی

الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت الذي اكرمت

آنکه یاری نمودی توئی آنکه شفا بخشیدی توئی آنکه عافیت بخشیدی توئی آنکه گرامی داشتی

تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر واصبا ثم انا

مقدسی تو ای پروردگار من و بلندی تو پس ترا است سپاس همیشه و ترا است سپاس گذاری همیشه پس

يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي وانا الذي اسأت انا الذي اخطأت

ای خدای من اقرار کننده بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من منم آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم

انا الذي غفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت انا الذي سهوت انا

منم آنکه غافل شدم منم آنکه نادان شدم منم آنکه قصد کردم منم آنکه فراموش کردم منم آنکه

الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي

آنکه اعتماد کردم منم آنکه گناه کردم از روی عمد منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف وعده کردم منم آنکه

نكثت انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف بنعمك عندي وابوء بذنوبي

شکستم پیمان را منم آنکه اقرار کردم منم ای خدای من اعتراف میکنم بنعمتهای تو نزد من و اقرار میکنم بگناهان خود

فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق

پس بیامرز آنها را برای من ای آنکه ضرر نمیرساند او را گناهان بندگانش و او بی نیاز است از فرمانبرداری ایشان

من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته فلك الحمد يا الهي امرتني فعصيتك

که کرد از ایشان کار شایسته بمدد و کمک خود و رحمتش پس ترا است سپاس ای خدای من امر کردی مرا پس نافرمانی کردم

ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة

و منع نمودی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم نه خداوند بیزاری از گناه پس عذر خواهی کنم و نه خداوند قوتی

يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر الامتنان

اى آنكه راه نمود مرا بايمان پيش از آنكه بشناسم شكر انعام را اى آنكه

مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا فاطعمني وعطشانا فارواني

در بيمارى پس شفا داد مرا و در برهنگى پس پوشانيد مرا و در گرسنگى پس طعام خورانيد مرا و در تشنگى پس سيراب كرد مرا

وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا فكثرني وغائبا فردني

و در خوارى پس ارجمند ساخت مرا و در نادانى پس شناسا كرد مرا و در بيكسى پس بسيار كرد مرا و در غايبى پس برگردانيد مرا

ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا فلم يسلبني وامسكت عن

و در نيازمندى پس بى نياز كرد مرا و در طلب يارى پس يارى كرد مرا و در بى نيازى پس سلب نكرد از من و باز ايستادم از

جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من اقال عثرتي ونفس كربتي

همه اينها پس آغاز كرد مرا پس مر تراست سپاس اى آنكه درگذشت از لغزش من و زائل گردانيد اندوه مرا

واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على

و پذيرفت دعاى مرا و پوشانيد عورت مرا و آمرزيد گناهان مرا و رسانيد مرا بخواهش من و يارى داد مرا بر

عدوي وان اعد نعمك ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت

دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهاى ترا و احسانهاى ترا و بخششهاى گرامى ترا نتوانم شمرد آنها را اى آقاى من تويى

الذي انعمت انت الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت

آنكه انعام كردى تويى آنكه بخشش نمودى تويى آنكه نكويى كردى تويى آنكه افضال نمودى

انت الذي مننت انت الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي

تويى آنكه انعام كردى تويى آنكه تمام و كامل نمودى تويى آنكه روزى دادى تويى آنكه

وفقت انت الذي اعطيت انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت

توفيق دادى تويى آنكه عطا فرمودى تويى آنكه بى نياز كردى تويى آنكه سرمايه دادى

انت الذي آويت انت الذي كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت

تويى آنكه جا دادى تويى آنكه كارگذارى نمودى تويى آنكه راه نمودى تويى آنكه نگاه داشتى

فيما بينك وبين غيري أنت الذي غفرت أنت الذي أقلت أنت الذي

پس برو... تويي آنكه آمرزيدي تويي آنكه درگذشتي تويي آنكه

مكنت أنت الذي أعززت أنت الذي أعنت أنت الذي عضدت أنت الذي أيدت أنت

دست دادي تويي آنكه عزيز گردانيدي تويي آنكه مدد كردي تويي آنكه ياري كردي تويي آنكه قوت دادي

الذي نصرت أنت الذي شفيت أنت الذي عافيت أنت الذي أكرمت

آنكه ياري نمودي تويي آنكه شفا بخشيدي تويي آنكه عافيت بخشيدي تويي آنكه گرامي داشتي

تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائماً ولك الشكر واصباً أبداً ثم أنا

مقدسي تو اي پروردگار من و بلندي تو پس مر تراست سپاس هميشه و مر تراست سپاس گزاري هميشه بعد از آن من

يا إلهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي أنا الذي أسأت أنا الذي أخطأت

اي خداي من اقرار كننده بگناهان خود پس بيامرز آنها را براي من منم آنكه بد كردم منم آنكه خطا كردم

أنا الذي غفلت أنا الذي جهلت أنا الذي هممت أنا الذي سهوت أنا

منم آنكه غافل شدم منم آنكه ندانستم منم آنكه قصد كردم منم آنكه فراموش كردم منم

الذي اعتمدت أنا الذي تعمدت أنا الذي وعدت أنا الذي أخلفت أنا الذي

آنكه اعتماد كردم منم آنكه گناه كردم از روي عمد منم آنكه وعده كردم منم آنكه خلاف وعده كردم منم آنكه

نكثت أنا الذي أقررت أنا يا إلهي أعترف بنعمتك عندي وأبوء بذنوبي

شكستم پيمان را منم آنكه اقرار كردم من اي خداي من اعتراف ميكنم بنعمتهاي تو نزد من و اقرار ميكنم بگناهان خود

فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق

پس بيامرز آنها را براي من اي آنكه ضرر نميرساند او را گناهان بندگانش و او بي نياز است از فرمان برداري ايشان

من عمل منهم صالحاً بمعونته ورحمته فلك الحمد يا إلهي أمرتني فعصيتك

كسي كه كرد از ايشان كار شايسته بمدد كردن او و بخشش او پس مر تراست سپاس اي خداي من امر كردي مرا پس نافرماني كردم ترا

ونهيتني فارتكبت نهيك فأصبحت لا ذا براءة فأعتذر ولا ذا قوة

و منع نمودي مرا پس مرتكب شدم نهي ترا پس صبح كردم نه خداوند بيزاري از گناه تا عذر خواهم و نه خداوند قوت

فانتصر فبأي شيء أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني

پس انتقام کشم پس بکدام چیز از چیزها پیش آیم ترا ای آقای من آیا بگوش خود یا بچشم خود یا بزبان خود

أم بيدي أم برجلي أليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك

یا بدست خود یا بپای خود آیا نیست همه آنها نعمتهای تو نزد من و بهمه آنها نافرمانی کردم ترا ای آقای من

فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء والأمهات أن يزجروني

پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه پوشانید مرا از پدران و مادران از آن که زجر کنند مرا

ومن العشائر والإخوان أن يعيروني ومن السلاطين أن يعاقبوني

و از خویشان و برادران از آنکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان از آنکه عذاب کنند مرا

ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني إذا ما أنظروني ولرفضوني

و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر آنچه تو مطلع شدی از من بر آن آنوقت مهلت نمیدادند و هر آینه ترک میکردند مرا

وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا سيدي خاضعا ذليلا حصيرا حقيرا

و می بریدند از من پس اینک من پیش توام ای سرور من فروتنی کننده خوار تنگدل بیقدر

لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوة فأنتصر ولا حجة لي فأحتج بها ولا قائل

نه خداوند بیزاری از گناهان پس عذر خواهی کنم و نه خداوند توانائی پس انتقام کشم و نیست حجتی برای من پس حجت آورم

لم أجترح ولم أعمل سوءا وما عسى الجحود ولو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف

که کسب نکردم گناهی و نکردم بدی و نشاید انکار اگر انکار کنم ای آقای من سود بخشد مرا پس

وأنى ذلك وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقينا غير ذي شك أنك

و کجاست آن و عضوهای من همه آنها گواه اند بر من بآنچه تحقیق کرده ام از روی یقین حال آنکه نیستم شک دارنده

سائلي عن عظائم الأمور وأنك الحكم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي

سوال کننده مرا از کارهای بزرگ و آنکه بتحقیق توئی حاکم عادلی که ستم نکند و عدالت تو هلاک کننده مرا

ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني

و از همه عدالت تو گریختن من پس اگر عذاب کنی مرا پس بسبب گناهان است ای خدا بعد از حجت گرفتن تو بر من و اگر بگذری از من

فبلّغك ومجدك وكرمك لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

پس ... که تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران

لا اله الا انت سبحانك ... استغفرين لا اله الا انت سبحانك اني كنت

نیست خدای سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از آمرزش طلبان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم

من الموحدين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك

از یگانه یاد کنندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ترسندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی

اني كنت من الوجلين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من السائلين لا اله الا انت

بدرستیکه من هستم از بیمناکان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از خواهندگان نیست سزاوار

سبحانك اني كنت من الراجين الراغبين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المهللين

پاکی تو بدرستیکه من هستم از امیدواران خواهشمندان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از تهلیل کنندگان

المسبحين لا اله الا انت سبحانك ربي ورب آبائي الاولين اللهم هذا ثنائي

تسبیح کنندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو ای پروردگار من و پروردگار پدران پیشینیان من بار خدایا این ستایش من

عليك ممجدا واخلاصي لذكرك موحدا واقراري بآلائك معددا وان كنت

بر تست در حالیکه تعظیم کننده ام و خالص بودن من بر یاد تو است در حالیکه یگانه داننده ام و اقرار نمودن من بنعمتهای تو در حالیکه شمار کننده ام

مقرا اني لا احصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث ما لم

اقرار دارنده که تحقیق نمی‌شمرم آنها را بجهت بسیاری آنها و تمامی آنها و آشکار بودن آنها و پی در پی آمدن آنها

تزل تتعهدني به معها منذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء بعد الفقر

که همیشه پوشاندی مرا بآنها از آن وقت که آفریدی مرا و پدید آوردی مرا از آغاز زندگانی از بی نیاز گردانیدن بعد از ...

وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن

و زائل کردن بدحالی و سازکردن آسانی و رفع نمودن دشواری و گشودن اندوه و صحت بخشیدن در بدن

والسلامة في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمتك جميع العالمين من الاولين والآخرين

و سلامتی در دین و اگر یاری کردندی مرا باندازه یاد نعمتهای تو بر من همه جهانیان از پیشینیان و پسینیان

لما قدرت ولا هو على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم

هر آینه قدرت نداشتی من نه ایشان بران پاکی تو و برتری که پروردگار بزرگ مرتبه

لا احصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على محمد وآل محمد

شمرده نشود نعمتهای تو و نرسد ستایش تو و شکر کرده نشود نعمتهای تو رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

اتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك سبحانك لا اله الا انت اللهم انك

تمام کن بر ما نعمتهای خود را و نیکبخت کن ما را بفرمان برداری خود پاکی تو نیست سزاوار پرستش مگر تو بار خدایا بدرستیکه تو

تجيب دعوة المضطر اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي

می پذیری دعای درمانده را هرگاه بخواند ترا و زائل میکنی بدحالی را و فریاد رسی غمناک را و شفا میبخشی

السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس

بیمار را و بی نیاز میکنی نیازمند را و درست میکنی شکسته را و رحم میکنی خورد را و مدد میکنی بزرگ را و نیست

دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير يا مطلق المكبل

غیر تو یاوری و نه بالای تو توانائی و توئی بلند مرتبه بزرگوار ای رها کننده بند برپا

الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له

گرفتار ای روزی دهنده طفل خردسال ای نگاهدارنده ترسنده زنهار جوینده ای آنکه نیست انبازی برای او

ولا وزير صل على محمد وآل محمد واعطني في هذه العشية افضل ما اعطيت

و نه وزیری و یاوری رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ببخش مرا در این شبانگاه بهتر از آنچه بخشیدی

وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة

و رسانیدی یکی از بندگان خود را از نعمتی که انعام میکنی آن را و نعمتهایی که تازه میکنی آنها را و بلائی که بگردانی آن را و غمی

تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها انك لطيف خبير

که زائل میکنی آن را و دعائی که میشنوی آن را و نیکوئی که قبول میکنی آن را و بدی که میآمرزی آن را بدرستیکه تو مهربان آگاهی

وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب من دعي واسرع من اجاب واكرم من عفا

و بر همه چیز توانائی بار خدایا بدرستیکه تو نزدیکتر از هر که خوانده شده و شتابنده تری از هر که جواب داده و کریمتر از هر که عفو کرد

وأوسع من أعطى وأسمع من سئل يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما

و فراخ‌ترین بخشنده از هر که بخشش نموده و شنواترین از هر که سوال کرده شده ای مهربان این جهان و آن جهان و مهربان هر دو

ليس كمثلك مسئول ولا سواك مأمول دعوتك فأجبتني وسألتك فأعطيتني

نیست مانند تو هیچ سوال کرده شده و نیست غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس قبول کردی دعا را و درخواستم از تو پس عطا کردی

ورغبت إليك فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت إليك فكفيتني اللهم

و رغبت نمودم بسوی تو پس رحم کردی و اعتماد کردم بتو پس نجات دادی مرا و پناه گرفتم بسوی تو پس بسنده شدی مرا خداوندا

فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين الطاهرين

پس رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و بر آل پاکیزگان پاکان او

أجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين

همگی و تمام کن برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن برای ما بخشش خود را و بگردان ما را برای خود سپاس گذاران

ولآلائك ذاكرين آمين آمين يا رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر

و نعمتهای ترا یاد کنندگان قبول کن قبول کن ای پروردگار جهانیان بار خدایا ای آنکه مالک شد پس قادر شد

وقدر فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين

و قادر شد پس غلبه کرد و نافرمانی کرده شد پس پوشید و طلب آمرزش نموده شد پس آمرزید ای نهایت خواهش خواهشمندان

ومنتهى أمل الراجين يا من أحاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة

و ای منتهای امید امیدواران ای آنکه فرو گرفته هر چیزی را بدانش و فرا گرفته آمرزش طلبان را از روی

ورحمة وحلما اللهم إنا نتوجه إليك في هذه العشية التي شرفتها وعظمتها

مهربانی و بخشایش و بردباری بار خداوندا بدرستیکه ما رو می آوریم بسوی تو در این شبانگاه که مشرف کردی آنرا و بزرگ کردی آنرا

بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك وأمينك على وحيك البشير

بوسیله محمد پیغمبر تو و برگزیده تو از خلق تو و معتمد تو بر پیغام تو مژده دهنده

النذير السراج المنير الذي أنعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين

بیم نماینده چراغ روشن آنکه انعام کردی بآن بر مسلمانان و گردانیدی او را بخشایش برای جهانیان

اللهم فصل على محمد وآله كما هو اهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى محمد

خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او چنانچه محمد سزاوار آنست ای بزرگ رحمت بفرست بر او و بر آل

المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت الاصوات

که برگزیدگان پاکیزگان پاکانند همه و بپوشان گناهان ما را به گذشتن از ما بسوی تو بلند شد صداها

بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا في كل خير تقسمه ونور تهدي

با قسام زبانها و بگردان برای ما در این شبانگاه بهره در هر خیری که قسمت کنی آنرا و روشنائی که راه نمائی

به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين

بان و بخششی که پراکنده سازی آنرا و عافیتی که بپوشانی آنرا و زیادتی که فرود فرستی آنرا و روزیی که پهن کنی ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من

خداوندا بگردان ما را در این وقت فیروزی یافتگان رستگاران احسان کرده شدگان غنیمت یابندگان و مگردان ما را

القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين

ناامیدان و خالی مگذار ما را از رحمت خود و ناامید مکن ما را از آنچه آرزو کنیم آنرا از بخشش تو و بر مگردان ما را بی بهره گان

ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله

و نه از درگاه تو رانده شدگان و مگردان ما را از رحمت خود ناامید شدگان و نه از بخشش آنچه امید واریم ما

من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين واكرم الاكرمين اليك اقبلنا موقنين

از عطاهای تو ناامیدان ای بخشنده‌ترین بخشندگان و بزرگوارترین بزرگواران بسوی تو رو کردیم باور کنندگان

ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف اللهم

و خانه محترم ترا اراده نمایندگان قصد کنندگان پس مدد کن ما را بر عبادتها و کامل کردن ما حج را و درگذر خداوندا

عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا

از ما و عافیت بخش ما را پس بتحقیق دراز کردیم بسوی تو دستهای خود را و آن دستها بخواری اعتراف بگناهان نشان کرده شده خداوندا

في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا

در این شبانگاه آنچه درخواستیم از تو و بسنده شو برای ما آنچه طلب کفایت نمودیم از تو زیرا که نیست کفایت کننده برای ما غیر تو و نیست پروردگاری برای ما

غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا

غير تو روان است درباره ما حکم تو فرا گرفته است ما را دانش تو عادل است درباره ما حکم تو مقدر کن برای ما

الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم

نیکی را و بگردان ما را از اهل نیکی خداوندا واجب گردان برای ما ببخشش خود مزد بزرگ

الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين و

و ذخیره گرامی و یسر دائمی و بیامرز برای ما گناهان ما را همه را و هلاک مکن ما را با هلاک شوندگان و

لا تصرف عنا رأفتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت

مگردان از ما مهربانی خود ببخشش خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان خداوندا بگردان ما را در این وقت

ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل

از آنکه درخواست از تو پس عطا کردی او را و سپاس گفت ترا پس افزون نمودی او را و رجوع کرد بسوی تو پس قبول کردی او را و بیزاری جست

اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا

بسوی تو از گناهان خود همه آنها پس آمرزیدی آنها را برای او ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن خداوندا توفیق ده ما را

وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم

و درست کن کار ما و نگاهدار ما را و بپذیر زاری ما را ای بهترین کسیکه سوال کرده شده و ای بخشنده‌ترین کسیکه طلب رحم شده

يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في

ای آنکه پنهان نیست بر او برهم نهادن پلکها و نه نگریستن بگوشه دیده‌ها و نه آنچه ثابت است در

المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه

امور پوشیده و نه آنچه در نوردیده شده بر آن نهانهای دلها مگر همه آنها بحقیقت احاطه کرده آنرا

علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا

دانش تو و فرا گرفته آنها را بردباری تو پاکی تو و برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران برتری

كبيرا تسبح لك السموات السبع والارضون ومن فيهن وان من شيء الا يسبح

بغایت تنزیه میکنند مر ترا آسمانهای هفتگانه و زمین و آنکه در آنهاست و نیست هیچ چیز مگر آنکه تنزیه میکند

بِحَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ

بسپاس تو مر تراست سپاس بزرگوار و بلندی عظمت خداوند بزرگوار و گرامی و احسان و بخشش

وَالْإِنْعَامِ وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ

و نعمت دادن و نعمتهای بزرگ و تویی بخشنده بزرگوار مهربان رحمت کننده

اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ

خداوندا فراخ کن بر من از رزق حلال خود و عافیت ده مرا در بدن و دین من و ایمن دار

خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي

ترس مرا و آزاد کن گردن مرا از آتش خداوندا مکر مکن با من و مستدرج کن با من

وَلَا تَخْذُلْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

و خوار مگذار مرا و دفع کن از من بدی بدکاران دیوان و آدمیان

پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرده از دیده های مبارکش آب میریخت مانند مشک تعبد گفت

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین نگرندگان ای زودترین حساب کنندگان ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي

رحم کنندگان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد سرداران با برکت و میخواهم از تو خداوندا حاجت خود را که بسوی تو

الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي

آن حاجتی که اگر عطا کنی مرا آنها را ضرر نرساند مرا آنچه باز داری از من و اگر باز داری آنرا از من نفع ندهد مرا آنچه بمن دهی مرا

أَسْأَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

سوال میکنم از تو آزاد کردن گردن مرا از آتش نیست سزاوار پرستش مگر تو حال آنکه یگانه تو نیست شریکی برای تو

لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

مر تراست پادشاهی و مر تراست سپاس و تو بر همه چیز توانایی ای پروردگار من ای پروردگار من

پس مکرر میگفت یا رب و صداهای گریه بلند شده بار کرده و روانه جانب مشعر الحرام شدند

و سید ابن طاوس رضی الله عنه بسند معتبر روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس شود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بجلی و توقف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ

نیست سزاوار پرستش مگر خدای بردبار بزرگوار نیست سزاوار پرستش مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خداوند پروردگار

السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ

آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ إِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

عرش بزرگ است و سپاس مر خدای را که پروردگار جهانیان است خداوندا ترا می‌پرستم و از تو

أَسْتَعِينُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُثْنِيَ عَلَيْكَ فَمَا عَسَى أَنْ أَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ

یاری میجویم خداوندا بدرستیکه میخواهم که ستایش کنم ترا و چه نزدیک است که برسم بحدی از ستایش تو

مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ رَأْيِي وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا

با کمی کردار خود و کوتاهی تفکر خود و توئی آفریدگار و منم آفریده شده و توئی خداوند و منم

الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ

مملوک و توئی پروردگار و منم بنده و توئی ارجمند و منم ذلیل و خوار و توئی توانا

وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ

و منم ناتوان و توئی بی نیاز و منم نیازمند و توئی بخشنده و منم خواهنده

وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْخَاطِئُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَأَنَا خَلْقٌ أَمُوتُ

و توئی آمرزگار و منم گنهکار و توئی زنده که نمیری و منم آفریده که می‌میرم

اللّٰهُمَّ أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خداوندا توئی خدا نیست معبودی جز تو پروردگار جهانیان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

العزیز الحکیم وانت الله لا اله الا انت العلی العظیم وانت الله لا اله الا انت
غالب است کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بلند مرتبه بزرگ و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو
الغفور الرحیم وانت الله لا اله الا انت مالک یوم الدین وانت الله لا اله
آمرزگار مهربان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو صاحب روز جزا و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر
انت منک بدء الخلق والیک یعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل ولا تزال
تو از تست نخستین آفرینش خلق و بسوی تو باز میگردد خلق و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو همیشه بودی و همیشه خواهی بود
وانت الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت خالق
و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده بهشت و دوزخ و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده
الخیر والشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد لم تلد ولم تولد
نیک و بد و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو یگانه یکتای تنهای بی نیاز نزائیده و زائیده نشده
ولم یکن لک کفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة الرحمن
و نیست مر ترا مانند هیچ کس و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو دانای نهان و آشکار بخشاینده
الرحیم وانت الله لا اله الا انت الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
مهربان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو پادشاهی پاکی از نقصها سالمی از عیبها امان دهنده
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون وانت الله لا اله الا انت الخالق
غالبی کار فرمائی بقهر و غلبه بزرگواری منزه است خدا از آنچه شریک می خوانند و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده
البارئ المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات والارض و
پدید آورنده نگارنده صورتی مر تراست نامهای نیک تنزیه میکنند ترا آنچه در آسمانهاست و زمین و
انت العزیز الحکیم وانت الله لا اله الا انت الکبیر المتعال والکبریاء
توئی غالب درست کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگواری بلند مرتبه و بزرگواری
رداؤک اللهم انک سابغ النعماء حسن البلاء جزیل العطاء مقسط القضاء
چادر تست خداوندا بدرستیکه تو کامل نعمتی نیکو انعامی بسیار بخشش عدالت کننده در حکم

باسط اليدين بالرحمة نفّاع بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات

گشاده دستها ببخشایش بغایت سود بخشی به نیکیها زائل کننده غمها بلند گرداننده مرتبها

منزل الآيات من فوق سبع سموات عظيم البركات مخرج من في

فرو فرستنده آیات و نشانهای قدرت از بالای هفت آسمان صاحب برکتها و فزایا بزرگی بیرون آورنده آنانکه

الظلمات الى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات

تاریکیهاست بسوی روشنائی بدل کننده گناهان به نیکیها وگرداننده نیکوئیها را

درجات اللهم انك دنوت في علوك وعلوت في دنوك فدنوت

مرتبها خداوندا بدرستیکه تو نزدیک شدی در بلندی خود و بلند شدی در نزدیکی خود پس نزدیک شدی

فليس دونك شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى و

پس نیست نزدیکتر از تو چیزی و بغایت بلند شدی پس نیست بالای تو چیزی می بینی و دیده نمی شوی و

انت بالمنظر الاعلى فالق الحب والنوى لك ما في السموات العلى

تو در دیدگاه بلندتری شکافنده دانه و هستهای خرما مر تراست آنچه در آسمانهای بلند است

ولك الكبرياء في الآخرة والاولى اللهم انك غافر الذنب شديد

و مر تراست بزرگواری در آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه تو آمرزنده گناهی سخت

العقاب ذو الطول لا اله الا انت اليك المصير وسعت رحمتك

عقوبتی خداوند انعامی نیست خدای مگر تو بسوی تست بازگردیدن فرا گرفته رحمت تو

كل شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك وانت لا تخيب

هر چیزی را و در رسید حجت تو و نیست بازپس دارنده مر حکم ترا و تو نا امید نمی سازی

سائلك انت الذي لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت انت

سوال کننده خود را توئی آنکه نیست بلند سازنده مر آنچه را که پست کنی و نیست پست کننده آنچه را که بلند کنی توئی

الذي ثبتت كل شيء بحكمتك واحصيت كل شيء بعلمك وابرمت

آنکه ثابت داشتی هر چیز را بحکمت و مصلحت خود و احاطه کردی هر چیز را بدانش خود و محکم نمودی

كُلُّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ عَنْكَ شَيْءٌ

هر چیزی را بحکم خود و فوت نشود از تو چیزی بدانش تو و ممتنع نشود از تو چیزی

أَنْتَ الَّذِي لَا يُعْجِزُكَ هَارِبُكَ وَلَا يَنْفَعُ صَرِيعَكَ وَلَا يَحْيَى قَتِيلُكَ أَنْتَ

توئی آنکه عاجز نسازد ترا گریزنده از تو و نفع نبخشد افکنده تو و زنده نگردد کشته تو تو

عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بلند شدی پس غلبه کردی مالک شدی پس توانا شدی و دانا باطن امور شدی پس خبر شدی و بر هر چیزی

ظَهَرْتَ عَلِمْتَ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ

ظاهر شدی دانستی خیانت دیده ها را و آنچه را که پنهان دارند سینه ها و میدانی آنچه را که برمیدارد هر

أُنْثَى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ

زنی و آنچه میزاید و آنچه را کاهد رحمها از اعضا و آنچه بیفزاید بر اعضا و هر چیزی نزد تو

بِمِقْدَارٍ أَنْتَ الَّذِي لَا تَنْسَى مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تُضَيِّعُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ

باندازه ایست توئی آنکه وانمیگذاری آنرا که یاد کرده ترا و ناچیز نکنی آنرا که توکل نموده بر تو

أَنْتَ الَّذِي لَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ أَرْضِكَ عَمَّا فِي جَوِّ سَمَاوَاتِكَ وَلَا يَشْغَلُكَ

توئی آنکه باز نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین است از آنچه در فضای آسمان است و باز نمیدارد ترا

مَا فِي جَوِّ سَمَاوَاتِكَ عَمَّا فِي جَوِّ أَرْضِكَ أَنْتَ الَّذِي تَعَزَّزْتَ فِي مُلْكِكَ

آنچه در فضای آسمان است از آنچه در زمین است توئی آنکه بغایت غالبی در پادشاهی خود

وَلَمْ يُشْرِكْكَ أَحَدٌ فِي جَبَرُوتِكَ أَنْتَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ مُلْكُكَ وَ

و شریک نیست ترا هیچکس در بزرگواری تو توئی آنکه برتر است هر چیزی را پادشاهی تو و

مَلَكَ كُلَّ شَيْءٍ أَمْرُكَ أَنْتَ الَّذِي مَلَكْتَ الْمُلُوكَ بِقُدْرَتِكَ وَاسْتَعْبَدْتَ

مالک است هر چیزی را فرمان تو توئی آنکه مالک شدی پادشاهان را بتوانائی خود و بنده کردی

الْأَرْبَابَ بِعِزَّتِكَ وَأَنْتَ الَّذِي قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَعَلَوْتَ كُلَّ شَيْءٍ

بزرگان را بغلبه خود و توئی آنکه مغلوب کردی هر چیزی را به توانائی خود و برتر شدی هر چیزی را

بفضلك انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك
به بزرگى جود تو اى آنكه مقدور نيست رسيدن به پايان ستايش تو و نيست نهايتى مر آنچه نزد تست

انت الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزائلون
توئى آنكه نمى ستايند ستايندگان بزرگى ترا و طاقت ندارند از جا بروارندگان

تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت
گردانيدن ترا تو شفا بخشنده مرضى را كه در سينه هاست و راه نمائى و لطف مهربانى مرگروندگان را تو

الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحك
آنكه به رنج اندر نيفكند ترا سوال كننده و كم نكند خزانه ترا عطائى و نمى رسد ستايش ترا

مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء و
ستاينده و نه گوينده توئى موجود پيش از هر چيز و پديد آورنده هر چيز را و

الكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد و
موجود پس از هر چيز توئى يگانه پناه نياز مندان آنكه نزاده و زائيده نشده و

لم يكن لك كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن
نيست مر ترا مانند هيچ كس و نگرفته هيچ زنى و نه فرزندى آسمانها و آنچه

فيهن لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن احصيت كل شيء
در آنهاست براى تست زمينها و آنكه در آنهاست مر تراست و آنچه ميان آنهاست شمردى تو هر چيز را

واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل
و احاطه كردى بهر چيز از روى دانش و تو زياده ميكنى در آفرينش آنچه ميخواهى و تو پرسيده نميشوى

عما تفعل وهم يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب
از آنچه ميكنى و آفريدگان پرسيده ميشوند و توئى كننده مرآنچه را كه اراده ميكنى توئى نزديك

وانت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الواحد وانت الماجد
توئى دور و توئى شنوا و توئى بينا و توئى يگانه و توئى بزرگوار

وَاَنْتَ الْوَاجِدُ وَاَنْتَ الْعَلِيمُ وَاَنْتَ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنْتَ الْكَرِيمُ

وتوئی توانگر ونوئی دانا وتوئی درست کردار وتوئی بی نیاز وتوئی بزرگوار

وَاَنْتَ الْبَارُّ وَاَنْتَ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ الْقَادِرُ وَاَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْاَسْمَاءُ

وتوئی نیکو کردار وتوئی مهربان وتوئی توانا وتوئی غالب مر تراست نامهای

الْحُسْنَى كُلُّهَا وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا تَبْخَلُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي

نیک همه آنها وتوئی بخشنده که بخل نمی کنی وتوئی ارجمند که

لَا تُذَلُّ وَاَنْتَ مُمْتَنِعٌ لَا تُرَامُ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ

خوار نمیگردی وتوئی امتناع کننده که قصد کرده نمی شوی تنزیه میکنند ترا انچه در آسمانها و زمین است وتو

بِالْخَيْرِ اَجْوَدُ مِنْكَ بِالشَّرِّ اَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِيَ الْاَوَّلِينَ اَنْتَ تُجِيبُ

بنیکیها بخشنده تری از خود بکرندها وآزارها توئی پروردگار من پروردگار پدران پیشینیان من تو اجابت میکنی

الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاكَ اَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ وَاَنْتَ غَفَرْتَ

درماندگان را هرگاه بخوانند ترا تو رهانیدی نوح را از غرق شدن وتو آمرزیدی

لِدَاوُدَ ذَنْبَهُ وَاَنْتَ نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كُرْبَةً وَاَنْتَ كَشَفْتَ

برای داود گناه اورا وتو زائل کردی از خداوند ماهی اندوه را وتو گشودی

عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَاَنْتَ رَدَدْتَ مُوسَى عَلَى اُمِّهِ وَاَنْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ

از ایوب بدحالی اورا وتو برگردانیدی موسی را بسوی مادرش وتو گردانیدی دلهای

السَّحَرَةِ اِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَةِ الصَّالِحِينَ

جادوگران را بسوی خود تا آنکه گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان تو متولی و متکفل نعمت نیکوکارانی

لَا يُذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْحُسْنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ اَكْثَرُ لَكَ الْآلَاءُ

یاد کرده نمی شود از تو مگر خوب نیک وانچه یاد کرده نمیشود بیشتر است مر تراست نعمتها

وَالنِّعَمُ وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا تَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءُ عَلَيْكَ

وعطاهاست وتوئی احسان کننده نیکو کردار رسیده نمی شود ستایش تو ونه ثنای بر تو

انت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك تباركت اسماؤك وجل

تو چنانی که ستوده خود را تو نمیکنیم ترا و حال آنکه تسلیم سپاس تو پاک است نامهای تو و بزرگ است

ثناؤك ما اعظم شانك واجل مكانك وما اقربك من عبادك والطفك

ستایش تو چه بزرگ است قدر تو و چه بزرگوار است جایگاه و مرتبه تو و چه نزدیکی تو به بندگان خود و چه مهربانی تو

بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز واجل واسمع وابصر واعلى واكبر

بخلق خود و چه غالبی تو بتوانائی خود تو غالب تر و بزرگوارتر و شنواتر و بیناتر و بلندتر و بزرگ تر

واطهر واشكر واقدر واعلم واجبر واكبر واعظم واقرب

و طاهرتر و جزا دهنده تر و تواناتر و داناتر و قهر کننده تر و بزرگتر و عظیم تر و نزدیک تر

واملك واوسع وامنع واعطى واحكم وافضل واحمد من ان يدرك

و مالک تر و فراگیرنده تر و بازدارنده تر و بخشنده تر و حکم کننده تر و درست کردارتر و بهتر و ستوده تر از آنکه درک کند

العيان عظمتك او يصف الواصفون صفتك او يبلغوا غايتك

معاینه و مشاهده بزرگی ترا یا بستایند ستایندگان وصف ترا یا برسند بکنه ذات تو

اللهم انت الله الذي لا اله الا انت اجل من ذكر واشكر من عبد

خداوندا تو خدائی که نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگوارتری از آنکه یاد کرده شده و جزا دهنده تری از هر که پرستیده شده

وارأف من ملك واجود من سئل واوسع من اعطى تحكم بعد ما تعلم

و مهربانتری از هر که خداوندی نموده و بخشنده تری از آنکه سوال کرده شده و فراگیرنده تری از آنکه بخشش نموده حکم میکنی بعد از آنکه میدانی

وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لن نطاع قط الا باذنك ولن تعصى قط

و در میگذری و می آمرزی پس از آنکه قدرت داری بر عقوبت اطاعت کرده نشده هرگز مگر بدستوری تو و معصیت کرده نشده هرگز

الا بقدرتك تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر اللهم انت

مگر بتوانائی خود فرمان برده میشوی پروردگار ما پس جزا میدهی و نافرمانی کرده میشوی پروردگار ما پس می آمرزی خداوندا تو

اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين القلوب واخذت بالنواصي

نزدیکتر نگهبانی و نزدیکتر حاضری حائل شدی میان دلها و فراگرفتی پیشانیها را

وَاَحْصَيْتَ الْاَعْمَالَ وَعَلِمْتَ الْاَخْيَارَ وَبِيَدِكَ الْمَقَادِيرُ وَالْقُلُوبُ

و شمرده کردارهای را و دانسته نیکوکاران را و بدست تست اندازه ها و دلها

اِلَيْكَ مُقْتَصِدَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ وَالْمُهْتَدِي مَنْ هَدَيْتَ وَالْحَلَالُ

بسوی تو میل داده شده اند و پنهان نزد تو آشکار است و راه یافته کسیست که راه نمودی او را و حلال

مَا حَلَّلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ مَا شَرَعْتَ وَالْاَمْرُ مَا قَضَيْتَ

چیزیست که حلال نمودی و حرام چیزیست که حرام کردی و دین چیزیست که تو وارد کردی و امر چیزیست که فرمودی

تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ

حکم میکنی و حکم کرده نمیشود بر تو خداوندا توئی اول پس نیست پیش از تو هیچ چیز و توئی

الْاٰخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ

آخر پس نیست پس از تو چیزی و توئی ظاهر پس نیست بالای تو چیزی و توئی پنهان

فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ

پس نیست نزدیکتر از تو چیزی و توئی غالب راست گفتار درست کردار خداوندا بدست تست اندازهای شب

وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ

و روز و بدست تست اندازهای آفتاب و ماه و بدست تست اندازه های یاری و خوار کردن

مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيٰوةِ وَبِيَدِكَ

اندازه های جهان و آنجهان و بدست تست اندازه های مرگ و زندگی و بدست تست

مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

اندازه های نیک و بد رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من هر گناهی را

اَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ عَمْدًا اَوْ خَطَاءً سِرًّا اَوْ عَلَانِيَةً اِنَّكَ

که کردم آنرا در تاریکیهای شب و روشنائی روز از روی دانستگی یا نادانی در پنهان یا آشکار بدرستیکه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

بر هر چیز توانائی و آن بر تو سهل و آسان است و نیست قدرتی و نه توانائی

الا بالله العلی العظیم اللهم انی اثنی علیک باحسن ما اقدر علیه

مگر بتوفیق خدا بلند مرتبه بزرگ خداوندا بدرستیکه من ستایش میکنم ترا به نیکوترین ستایشی که قدرت دارم

واشکرک بما مننت به علی وعلمتنی من شکرک اللهم لک الحمد

وسپاس میکنم ترا بانچه انعام کردی بآن بر من و تعلیم کردی مرا از سپاس گذاری خود خداوندا مرتراست سپاس

بمحامدک کلها علی نعمائک کلها وعلی جمیع خلقک حتی ینتهی الحمد

بسپاسهای تو همه آنها بر نعمتهای تو همه آنها و بر همه آفریدهای تو تا آنکه رسد سپاس

لک الی ما یحب ربنا وترضی اللهم لک الحمد عدد ما خلقت

تو بسوی آنچه دوست میدارد پروردگار ما و پسندی خداوندا مرتراست سپاس بشمار آنچه آفریدی

وعدد ما اردت وعدد ما ذرأت ولک الحمد عدد ما برأت

وبشمار آنچه خواستی وبشمار آنچه پیدا کردی ومرتراست حمد بشمار آنچه خلق کردی

ولک الحمد عدد ما احصیت ولک الحمد عدد ما فی السموات والارض

ومرتراست سپاس بشمار آنچه شمردی ومرتراست سپاس بشمار آنچه در آسمانها و زمینها

ولک الحمد ملأ الدنیا والآخرة پس ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده

ومرتراست سپاس بقدر پری این جهان وآن جهان نیست سزاوار پرستش مگر خدا تنها

لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت

نیست شریکی مر او را ومر او راست پادشاهی ومر او راست سپاس زنده میکند ومیمیراند واو زنده است که نمیمیرد

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و ده مرتبه بگوید استغفر الله الذی

بدست اوست خیر واو بر همه چیز تواناست طلب آمرزش میکنم از خدائی که

لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه پس بگوید یا الله یا الله ده مرتبه

نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده وبازگشت میکنم بسوی او ای خدا ای خدا

یا رحمن یا رحمن ده مرتبه یا رحیم یا رحیم ده مرتبه یا بدیع السموات

ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای پدید آورنده آسمانها

فصل ششم در معالجه درد و زکام و صرع و اختلال

وَالْاَرْضِ ده مرتبه يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ده مرتبه يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ

و زمين — اى خداوند بزرگوارى و گرامى داشتن — اى نعايت مهربان اى بسيار بخشنده

ده مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ده مرتبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ده مرتبه اَللّٰهُمَّ

اى زنده اى پايدار — بنام خداى بخشاينده مهربان — خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه پس بگويد اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد — خداوندا مر تراست سپاس سزاوار سپاس

وَمُنْتَهَى الْحَمْدِ وَفِيَّ الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَدِيمَ الْمَجْدِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

و نهايت سپاس اى وفا كننده پيمان خداوند لشكر غالب ديرينه بزرگوارى سپاس مر خدا را كه

كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ حِينَ لَا شَمْسٌ تُضِيءُ وَلَا قَمَرٌ يَسْرِي وَلَا بَحْرٌ يَجْرِي

بود عرش او بر آب هنگاميكه نبود آفتابى كه روشنى بخشد و نه ماهى كه حركت كند و نه دريائى كه روان گردد

وَلَا رِيَاحٌ تَذْرِي وَلَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا اَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ وَلَا لَيْلٌ يَجْرِي وَلَا

و نه بادهاى كه بهوا برد و نه آسمانى برافراشته شده و نه زمينى گسترده و نه شبى كه بپوشاند و نه

نَهَارٌ يُكِنُّ وَلَا عَيْنٌ تَدْمَعُ وَلَا صَوْتٌ يُسْمَعُ وَلَا جَبَلٌ مُرْسًى وَلَا سَحَابٌ

روزى كه نگاه دارد و نه چشمى كه سرشك ريزد و نه صدائى كه شنيده شود و نه كوهى ثابت داشته شده و نه ابرى

مُنْشَأٌ وَلَا اِنْسٌ مَبْرُوٌّ وَلَا جِنٌّ مَذْرُوٌّ وَلَا مَلَكٌ كَرِيمٌ وَلَا شَيْطَانٌ رَجِيمٌ

برانگيخته شده و آدمى آفريده شده و نه ديوى خلق كرده شده و نه فرشته بزرگوارى و نه شيطان رانده شده

وَلَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ وَلَا شَيْءٌ مَعْدُودٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَحْمَدَ اِلٰى مَنِ اسْتَحْمَدَهُ

و نه سايه كشيده شده و نه چيزى شمرده شده سپاس مر خداى را كه [illegible] بسوى آنكه ستايش كرده

مِنْ اَهْلِ مَحَامِدِهِ بِحَمْدِهِ وَعَلٰى مَا بَذَلَ مِنْ نَوَافِلِهِ الَّذِي

از اهل ستايشهاى او تا آنكه ستايش كنند او را بر آنچه بخشش نمود از دادهاى خود اى خداى كه

فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ مَآثِرُ مَحَامِدِهِ وَعَلَا وَصْفَ الْوَاصِفِينَ

بالا شد از ستايش ستايش نمايندگان كارهاى نيك صفات او و در گذشت از ستايش ستايش كنندگان كه ان

وهو السميع العليم … ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي … يا لطيفا … الضعيف … [illegible]

الحمد لله الذي … [illegible]

هَيْبَةُ جَلالِهِ هُوَ اَهْلٌ لِكُلِّ حَمْدٍ وَ مُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَ قَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ

هیبت جلال او سزاوار هر سپاسی و منتهای هر خواهشی است و روا کننده هر حاجت

اَلْوَاحِدُ الَّذِي لا بَدْأَ لَهُ الْمَلِكُ الَّذِي لا زَوَالَ لَهُ الرَّفِيعُ الَّذِي لَيْسَ فَوْقَهُ

یکانه است که نیست ابتدای برای او پادشاهی که نیست زوالی او را بلند رفعتی که نیست بالای او

نَاظِرٌ ذُو الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ الْمَحْمُودُ لِبَذْلِ نَوَالِهِ الْمَعْبُودُ لِهَيْبَةِ

نظر کننده خداوند آمرزش و بخشش ستوده شده بجهت بخشیدن عطای خود پرستیده شده بجهت هیبت

جَلالِهِ الْمَذْكُورُ بِحُسْنِ آلائِهِ الْمَنَّانُ بِسَعَةِ فَوَاضِلِهِ الْمَرْغُوبُ

جلالت خود و یاد کرده شده به نیکوئی نعمتهای خود بسیار بخشنده بگشایش زیادتیهای خود رغبت کرده شده است

اِلَيْهِ فِي تَمَامِ الْمَوَاهِبِ مِنْ خَزَائِنِهِ الْعَظِيمُ الشَّأْنِ الْكَرِيمُ فِي

بسوی او در تمامی بخششها از خزانه های خود بزرگ مرتبه بزرگوار در

سُلْطَانِهِ الْعَلِيُّ فِي مَكَانِهِ الْمُحْسِنُ فِي امْتِنَانِهِ الْجَوَادُ فِي فَوَاضِلِهِ الْحَمْدُ

سلطنت خود بلند در جایگاه خود نیکوئی کننده در انعام خود بخشنده در عزایای خود سپاس

لِلّٰهِ بَارِئِ خَلْقِ الْمَخْلُوقِينَ بِعِلْمِهِ وَ مُصَوِّرِ اَجْسَادِ الْعِبَادِ بِقُدْرَتِهِ

از برای خدای پدید آورنده آفرینش آفریدگان بدانش خود و صورت بخش تنهای بندگان بتوانائی خود

وَ مُخَالِفِ صُوَرِ مَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ وَ نَافِخِ الْاَرْوَاحِ فِي خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ

و امتیاز دهنده میان صورتهای آنانکه آفریده از خلق خود و دمنده روحها در خلق خود بدانش خود

وَ مُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ عِبَادِهِ اسْمَهُ وَ مُدَبِّرِ خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ

و آموزاننده آنانکه آفریده از بندگان خود نام خود را و تدبیر کننده آفرینش آسمانها و زمین

بِعَظَمَتِهِ الَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقُ كُرْسِيِّهِ وَ عَلا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ

به بزرگی خود آنخدای که فرا گرفته هر چیز را خلق کرسی او و برتر شد به بزرگی خود بالای

الْاَعْلَيْنَ وَ قَهَرَ الْمُلُوكَ بِجَبَرُوتِهِ الْجَبَّارُ الْاَعْلَى الْمَعْبُودُ فِي سُلْطَانِهِ

هر برتری و غالب شد پادشاهان را به بزرگواری خود کار فرما قهر بلند مرتبه پرستیده شده در سلطنت خود

المتسلط بقوته المتعالي في دنوه المتداني من كل شيء في ارتفاعه الذي

خداوند سلطنت بتوانائی خود، بلند در نزدیکی خود، نزدیک بهر چیز در بلندی خود آنکه

نفذ بصره في خلقه وحارت الابصار لسطوع نوره الحمد لله الحليم

کارگر شد بینائی و علم او در خلق او و حیران گشته دیده ها بجهت روشنائی او سپاس خدای بردبار

الرشيد القوي الشديد المبدئ المعيد الفعال لما يريد الحمد

راه نما توانا سخت عقاب پدید آورنده و باز گرداننده هر آنچه که خواهد سپاس

لله منزل الآيات وكاشف الكربات ومؤتي السؤلات الحمد لله في

مر خدای را که فرو فرستنده آیات و معجزات و زائل کننده اندوهها و دهنده حاجتها سپاس خدای را در

كل مكان وفي كل زمان وفي كل أوان الحمد لله الذي لا ينسى

هر جای و در هر زمانی و در هر وقتی سپاس مر خدای را که فراموش نمیکند

من ذكره ولا يخيب من دعاه ولا يذل من والاه الذي يجزي

کسی که یاد کند او را و نا امید نمیکند کسی که بخواند او را و خوار نمیسازد کسی که دوست دارد او را آنکه جزا

بالاحسان احسانا وبالصبر نجاة الحمد لله الذي له ما في السموات

در مقابل نیکوئی نیکوئی را و در مقابل شکیبائی رستگاری سپاس مر خدای را که برای اوست آنچه در آسمانها

وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله

و آنچه در زمین است و مر او راست سپاس در آنجهان و اوست درست کردار آگاه سپاس خدای

فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى

آفریننده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان پیغامبران صاحبان بالهای دو دو

وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير

و سه سه و چهار چهار افزاید در آفرینش آنچه بخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة

پاکست خدا و سپاس خدا را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است و قدرتی و قوتی نیست

إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه و ستحقاق تنزیه خداست هنگامیکه شام کنید و هنگامیکه صبح کنید

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

و مر او راست سپاس در آسمانها و زمین و در آخر روز و هنگامیکه نیم روز میکنید و استحقاق تنزیه خدا را

آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَسُبْحَانَ

در ساعتهای شب و طرفهای روز و استحقاق تنزیه خداراست در بامداد و شبانگاه و پاکست

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

پروردگار تو صاحب عزت از آنچه می ستایند کافران و درود بر فرستادگان و سپاس خدای

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا يَرْضَى حَمْدًا كَثِيرًا

پروردگار جهانیان را و سپاس خدا را چنانکه دوست میدارد پروردگار ما و چنانچه می پسندد سپاس

طَيِّبًا وَسُبْحَانَ اللّٰهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُسَبَّحَ

پاکیزه و تنزیه میکنیم خدا را هرگاه تنزیه کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تنزیه کرده شود

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُحْمَدَ وَلَا إِلٰهَ

و سپاس مر خدا را هرگاه سپاس گذاری کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه سپاس گذارده شود

إِلَّا اللّٰهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ

نیست خدائی مگر خدا هرگاه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا اینکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است

كُلَّمَا كَبَّرَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ

هرگاه به بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تعظیم کرده شود و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ

بلند قدر بزرگ مرتبه ... خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ای خدا ای بخشنده

بِأَسْمَائِكَ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اللّٰهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي

صفت بحرمت نامهای خوش آینده پسندیده پوشیده تو ای خدا خداوندا بدرستیکه من

اسألك باسمائك الكبيرة الكبيرة اللهم انى اسألك باسمائك

سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که بزرگ و بزرگوارند خداوندا بتحقیق من سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

العزيزة المنيعة واسألك باسمائك التامة الكاملة المشهورة

که ارجمند و غالب اند و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که تمام و کامل و مشهور اند

يا الله واسألك باسمائك التى هى رضاك يا الله واسألك باسمائك

ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که آنها پسندیده تست ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

التى لا يردها دونك احد يا الله واسألك من مسائلك بما عاهدت

که برنمیگرداند آنها را غیر تو هیچکس ای خدا و سوال میکنم از تو از سوالهای تو بسوالی که عهد کردی

اوفى العهد يا الله ان لا تخيب سائلك يا الله واسألك بجملة

بوفا کرده ترین عهد ای خدا اینکه با امید نسازی سوال کننده خود را ای خدا و سوال میکنم از تو بهمه

مسائلك التى لا يفى بحملها شئ غيرك يا الله هفت مرتبه واسألك

سوالهای تو سوالها که وفا نمیکند به برداشتن و اجابت آنها چیزی غیر تو ای خدا و سوال میکنم از تو

بكل اسم اوجبته وكل اسم هو لك وكل مسئلة حتى ينتهى الى

بحرمت هر نامی که لازم کردانیدی بخود و هر نامیکه آن بجهت تست و هر سوالی تا آنکه برسد بسوی تو آن

اسمك الاعظم الاعظم الاكبر الاكبر العلى الاعلى الذى استويت

نامیکه عظیم تر است عظیم تر بزرگتر است بزرگتر بلند است بلند تر آن نامیکه استیلا دارد

به على عرشك واستقللت به على كرسيك وهو اسمك الفاضل

بآن بر عرش خود و مستقل کردیدی بسبب آن بر کرسی خود و آن نام نیک

الكامل الذى فضلته على جميع اسمائك يا رحمن هفت مرتبه واسألك

کامل تست آن نامیکه زیادتی دادی آنرا بر همه نامهای خود ای بخشاینده و سوال میکنم

بما لا اعلمه ولو علمته لسئلتك به يا الله وبكل اسم استأثرت به فى علم

بحرمت انچه نمیدانم آنرا آن چیزیکه اگر دانستمی هر اینه سوال کردمی ترا بآن ای خدا و بهر نامیکه متفرد شدی تو بآن در علم

الغيب عندك يا رحمن يا رحيم ان تصلي على محمد عبدك ورسولك

نهانی که نزد تست ای بخشاینده ای بخشاینده اگر رحمت بفرستی بر محمد بنده تو و فرستاده تو

ونبيك وامينك وحبيبك وصفوتك من خلقك وخاصتك من

و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو و مخصوص تو از

بريّتك ونجيّك ونجيبك وحبيبك وصفيّك وعلى اهل بيت محمد

جمله خلق تو و همراز تو و اختیار کرده شده و دوست تو و بنده خالص تو و بر خاندان محمد

وترحّم على محمد واهل بيت محمد كافضل واجمل وازكى واطهر واعظم واكثر

و ترحم کن بر محمد و اهل بیت محمد مانند افزون تر و نیکوتر و افزاینده تر و پاکتر و بزرگتر و بیشتر

واتمّ ما صليت على احد من انبيائك ورسلك يا ذا الجلال والاكرام

و تمام تر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیغمبران خود و فرستادگان خود ای خداوند بزرگوار گرامی

اللهم صل على محمد وآل محمد في الاولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پیشینیان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان

وصل على محمد وآل محمد في الملأ الاعلى وصل على محمد وآل محمد في النبيين

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره بزرگان محل برتر و رحمت بفرست محمد و آل محمد در زمره پیغمبران

والمرسلين اللهم اعط محمداً صلواتك عليه وآله الوسيلة والفضيلة

و فرستادگان خداوندا ببخش محمد را رحمتهای تو بر او و آل او وسیله را و زیادتی را

والشرف والدرجة الرفيعة اللهم اكرم مقامه وشرف بنيانه

و شرف را و مرتبه بلند را خداوندا گرامی دار جای اقامت او را و بلند کن اساس او را

وعظم نوره وبرهانه وبيّض وجهه واعل كعبه وافلج حجته واظهر

و بزرگ گردان روشنائی او را و حجت او را و سفید کن روی او را و بلند کن قدر او را و غالب کن حجت او را و آشکار

عذره ودعوته وتقبّل شفاعته كما بلّغ رسالاتك وتلا آياتك

عذر او را و دعوت او را و بپذیر شفاعت او را چنانکه رسانید پیغامهای ترا و تلاوت نمود آیات ترا

هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون

وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرِّهِ
و امر کرد بطاعت تو و بجا آورد آنرا و منع نمود از نافرمانی تو و باز ایستاد از آن در نهانی
وَعَلَانِيَتِهِ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاهُ
و آشکار و کارزار نمود حق کارزار در راه تو و پرستید ترا خالص گرداننده تا آنکه رسید اورا
الْيَقِينُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا
مرگ رحمتهای تو براو و بر خاندان او خداوندا برانگیز اورا در مقام ستوده
يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ
که رشک برند اورا بران پیشینیان و پسینیان از پیغمبران و فرستادگان خداوندا
اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي
بکار دار مارا بطریقه او و بمیران مارا بر دین او و برانگیز مارا در زمره پیروان او و محشور کن مارا در
زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتْبَعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ
گروه او و بگردان مارا از آنانکه پیروی کنند اورا و در پرده مکن مارا از دیدن او و محروم مکن مارا از رفاقت او
حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي جِوَارِهِ رَبِّ إِنِّي أَجَبْتُهُ فَأَجِبْنِي لِذَلِكَ
تا آنکه جا دهی مارا در غرفهای او و جاوید گردانی مارا در همسایگی او پروردگارا من اجابت کردم اورا پس اجابت کن مرا
وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
و جدایی میفکن میان من و میان او بقدر برهم زدن چشم در این جهان و آن جهان خداوندا رحمت فرست بر محمد و
وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ
و آل محمد آنانکه برده خدا از ایشان ناپاکی و پاک کرده ایشانرا پاک کردنی خداوندا بگشا برای ایشان
فَتْحًا يَسِيرًا وَانْصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا
گشودن آسان و یاری کن ایشانرا یاری با عزت و غلبه بگردان برای ایشان از نزد خود غلبه یاری دهنده
اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ
خداوندا جای ده ایشانرا در زمین و بگردان ایشانرا پیشوایان و بگردان ایشانرا وارثان خداوندا

ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئك کان عنه مسئولا

منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری

أرِهم في عدوّهم ما يأملون وأرِ عدوّهم منهم ما يحذرون اللهمّ اجمع

بنما ایشان را در باره دشمنان ایشان آنچه آرزو کنند و بنما دشمنان ایشان را از ایشان چیزی را که می‌ترسند خداوندا جمع کن

بينهم بخير وعافية اللهمّ عجّل الروح والفرج لآل محمد اللهمّ اجمع على

میان ایشان در نیکی و عافیت خداوندا زود گردان راحت و گشایش را برای آل محمد خداوندا جمع کن

الهدى أمرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم وأصلح ذات

بر هدایت کار ایشان را و بگردان دلهای ایشان را بر دلهای برگزیدگان ایشان و اصلاح کن اوضاع را

بينهم إنك حميد مجيد اللهمّ إني أسألك أن تصلّي على محمد وآل محمد

میان ایشان بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد

وأن تغفر لي ولوالديّ وما ولدا وأعتقهما من النار وارحمهما

و آنکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و آنرا که زائیده‌اند ایشان آزاد کن ایشان را از آتش دوزخ و رحم کن ایشان را

وأرضهما عنّي واغفر لكل والد لي دخل في الإسلام ولأهلي وولدي

و خوشنود ساز ایشان را از من بیامرز هر یک از پدران مرا که در آمده‌اند در اسلام و اهل مرا و فرزندان مرا

وجميع قرابتي إنك على كل شيء قدير اللهمّ اجعلني وجميع ورثة آبائي

و همه خویشان مرا بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا بگردان مرا و همه وارثان پدر مرا

وإخواني فيك من أهل ولايتك ومحبّتك فإنه لا يقدر على ذلك

و برادران مرا در راه تو از اهل یاری خود و دوستی خود زیرا که بتحقیق قدرت ندارد بر آن

غيرك يا رحمن اللهمّ أوزعني أن أشكر نعمتك التي

غیر تو ای بخشاینده خداوندا حریص کن مرا باینکه سپاس کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که

أنعمت عليّ وعلى والديّ وأن أعمل صالحاً ترضاه وأصلح لي في ذريتي

انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم کار نیکو که بپسندی آنرا و اصلاح کن برای من فرزندان مرا

إني تبت إليك وإني من المسلمين واجز والديّ خير ما جزيت

بدرستیکه من رجوع نمودم بسوی تو و بدرستیکه من از گردن نهندگانم

عن ولده واجعل ثوابهما عنّي جنات النعيم واغفر لنا ولاخواننا
از فرزندش وبگردان پاداش نیک ایشانرا از من بهشتهای پر نازونعمت وبیامرز مرا و برادران
الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلًّا للّذین آمنوا ربّنا
آنانکه پیشی گرفته اند مارا بایمان ومگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آورده اند ای پروردگار ما
انک رؤف رحیم واغفر لنا وللمؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم
بدرستیکه تو مهربان بخشنده وبیامرز مارا ومومنان را وزنان مومنه را زندگان از ایشان
والاموات اللّهم اصلح ذات بینهم واجمع علی الهدی امرهم
ومردگان را خداوندا اصلاح آور حالتی را که میان ایشانست وجمع کن بر هدایت کار ایشان
واجعلنی وایّاهم علی طاعتک ومحبّتک اللّهم والمم شعثهم
وبگردان مرا وایشانرا بر فرمان برداری خود ودوستی خود خداوندا فراهم آور پراکندگی ایشانرا
واحقن دماءهم وولّ امرهم خیارهم اهل الرأفة والرحمة والمعدلة
وباز دار ریختن خونهای ایشانرا ومتولی گردان بکار ایشان نیکان ایشانرا صاحب مهربانی ورحمت وعدالت
علیهم انّک علی کلّ شیء قدیر یا ربّ یا ربّ اللّهم
برایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من ای خداوندا
بدیع السموات والارض عالم الغیب والشهادة ذا الجلال
ای نو پدید آورنده آسمانها وزمین ای دانای پنهان وآشکار ای خداوند بزرگواری
والاکرام والجود والمجد والقوة والسلطان والجبروت والملکوت
وگرامی داشتن وبخشش وبزرگواری وتوانائی وسلطنت وبزرگواری وپادشاهی
والکبریاء والعظمة والقدرة والمدحة والرهبة والرغبة والجود
وبزرگواری وبزرگی وتوانائی وسپاس وترس وخواهش وبخشش
والعلو والحجة والهدی والطاعة والعبادة والامر والخلق وکل شیء لک
وبلندی وحجت وراه نمائی وفرمان برداری وپرستش وفرماندهی وآفرینش وهر چیز که هست

یا رب العالمین یا رب یا رب اسألك یا رب سؤال الضارع

ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سؤال درمانده

المتضرع المساکین المستکینین الراغبین الراهبین الذین لا یجدون

مسکینان فروتنی نمایندگان خشوع کنندگان رغبت دارندگان ترسندگان آنانکه نمی رسند

سواك یا من یجیب المضطر ویکشف الضر ویجیب الداعی ویعطی

از غیر تو ای کسیکه اجابت میکند درمانده را و برطرف میکند رنج را و اجابت میکند دعا کننده را و می بخشد

السائل اسألك یا رب سؤال من لم یجد لضعفه مقویا ولا لذنبه

سؤال کننده را درخواست میکنم از تو ای پروردگار من مانند درخواست کسیکه نیافته است برای ناتوانی خود قوت دهنده و نه برای گناه خود

غافرا ولا لفقره سادا غیرك اسألك سؤال من اشتدت فاقته

آمرزنده و نه برای حاجت خود بسنده کننده غیر از تو سؤال میکنم از تو مانند سؤال کسیکه سخت شده است فاقه او

وضعفت قوته وکثرت ذنوبه یا ذا الجلال والاکرام یا رب یا رب

و سست شده است توانائی او و بسیار شده است گناهان او ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای پروردگار من ای پروردگار

یا رب اسألك یا رب مسألة کل سائل ورغبة کل راغب لك

ای پروردگار من سؤال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سؤال هر سؤال کننده و خواهش هر خواهش کننده سیدی

اذا دعیت واجبت وبحق السائلین علیك وبحق صفوتك من عبادك

هرگاه خوانده میشوی و اجابت میکنی و بحق سؤال کنندگان بر تو و بحق برگزیدگان تو از بندگان تو

ومنتهی العز من عرشك ومنتهی الرحمة من کتابك ان لا تستدرجنی

و بحق نهایت بزرگی از عرش تو و بحق نهایت بخشایش تو از کتاب تو آنکه مستدرج نکنی مرا

بخطیئتی ولا تجعل مصیبتی فی دینی واذکرنی یا رب برضاك و

بگناه من و نگردانی مصیبت مرا در دین من و یاد کن مرا ای پروردگار من بخشنودی خود

لا تنسنی حین تنشر رحمتك واقبل علی بوجهك الکریم

و فراموش مکن مرا وقتیکه پراکنده کنی رحمت خود را و متوجه شو بطرف من بذات خود که کریم است

وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكَرَامَتِكَ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي
واحسان کن بر من بکرامت خود ای بزرگ بخشایش وبپذیر دعای مرا ورحم کن بزاری من

فَإِنِّي بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ مِنْ عَذَابِكَ لَا أَثِقُ بِعَمَلِي وَلَكِنِّي
پس بدرستیکه من محتاج فقیر ترسان پناه برنده از عذاب توام اعتماد ندارم بکردار خود ولکن من

أَثِقُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ كُنْ بِي حَفِيًّا وَلَا تَجْعَلْنِي
اعتماد دارم ببخشایش تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا باش بمن مهربان و مگردان مرا

بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَامْنُنْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
بدعا خواندن تو ای پروردگار من صاحب شقاوت واحسان کن بمن بعافیت خود وآزاد کن گردن مرا از آتش دوزخ

فَإِنِّي لَا أَسْتَغِيثُ بِغَيْرِكَ وَأَسْتَجِيرُكَ فَأَجِرْنِي مِنْ كُلِّ هَوْلٍ وَ
پس بدرستیکه من استغاثه نمیکنم بغیر تو وپناه می برم بتو پس پناه ده مرا از هر ترسی و

مَشَقَّةٍ وَخَوْفٍ وَآمِنْ خَوْفِي وَشَجِّعْ جُبْنِي وَقَوِّ ضَعْفِي وَسُدَّ فَاقَتِي وَأَصْلِحْ
رنجی وبیمی وایمن گردان ترس مرا ودلیر کن بددلی مرا وقوت ده ناتوانی مرا وبسته کن فاقه مرا واصلاح کن

لِي جَمِيعَ أُمُورِي يَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَمِنْ شِدَّةِ الْمَوْقِفِ
برای من همه کارهای مرا ای پروردگار من پناه می برم بتو از هول رسانیدن عرصه قیامت از سختی

يَوْمَ الدِّينِ فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ
روز جزا بدرستیکه تو پناه میدهی وپناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

لَا تُعْرِضْ عَنِّي حِينَ أَدْعُوكَ وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ حِينَ أَسْأَلُكَ
روی مگردان از من هنگامیکه بخوانم ترا وبرمگردان از من روی خود را وقتیکه از تو درخواهم

فَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ وَأَعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَآمِنْ خَوْفِي يَوْمَ أَلْقَاكَ اللَّهُمَّ
پس نیست پروردگاری مرا غیر تو وبده مرا مسئول مرا وایمن گردان ترس مرا روزیکه ملاقات کنم ترا خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِذْنِي فَإِنِّي ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ بَائِسٌ فَقِيرٌ
بدرستیکه من پناه می برم بتو پس پناه ده مرا بدرستیکه من ناتوان ترسان پناه برنده محتاج فقیرم

ذى الحجه

[illegible]

يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ اكشف ضرّ ما استعذتك منه والبسني

اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من خداوندا برطرف كن ضررى را كه پناه بردم بتو از آن و بپوشان لباس

رحمتك وحلّني عافيتك وامنّي برحمتك فانّك تجير ولا يجار عليك

رحمت خود و بپوشان مرا عافيت خود و در امان دار مرا برحمت خود پس بدرستيكه تو پناه ميدهى و پناه داده نميشود بر تو

اللهمّ انّي اعوذ بك من وحشة القبر ومن ظلمته ومن خلوته وضيقه

خداوندا بدرستيكه من پناه مى آورم بتو از وحشت قبر و از تنهائى آن و از تاريكى آن و تنگى آن

وعذابه ومن هول ما اتخوّف بعده يا ربّ العالمين يا ربّ يا ربّ

و عذاب آن و از ترس آنچه مى ترسم بعد از قبر اى پروردگار جهانيان اى پروردگار من اى پروردگار من

اللهمّ انّي اسألك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد واهل بيته صفوتك

بار خدايا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو اينكه رحمت بفرستى بر محمّد و آل محمّد و اهل بيت او كه برگزيدگان تو

وخيرتك من خلقك وان تستجيب لي دعائي وتعطيني سؤلي وتكفيني

و نيكوكاران تواند از خلق تو و اينكه مستجاب گردانى از براى من دعاى مرا و بدهى مرا حاجتهاى مرا و كفايت كنى

امر آخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي ما تقدّم منها وما

كار آخرت مرا و دنياى مرا و رحم كن فاقه مرا و بيامرز گناهان مرا آنچه گذشته از آن و

ما تأخّر وآتني في الدّنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك

آنچه بعد از آن صادر شده و بده بمن در دنيا نيكوئى و در آخرت نيكوئى و نگاهدار مرا برحمت خود

عذاب النّار اللهمّ ارزقني صلة قرابتي وحجّا مقبولا وعملا صالحا

از عذاب آتش دوزخ بار خدايا روزى كن مرا بخويشى نمودن با خويشان خود و حجّى كه مقبول باشد و كردار نيك

مبرورا ترضاه ممّن عمل به وأصلح لي اهلي وولدي واسألك ان تجعل

پذيرفته شده كه راضى باشى از آن كسيكه عمل كند آنرا نيك گردان از براى من اهل مرا و فرزندان مرا و سؤال ميكنم از تو كه بگردانى

لي عقبا صالحا تلحقني من دعائهم رضوانا ومغفرة وزيادة في كرامتك

از براى من فرزندان نيك كه لاحق گردد بمن از دعاى ايشان خوشنودى خود و آمرزش خود و افزونى در كرامت خود

[illegible]

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی و تو بخشنده ترین بخشندگانی ای پروردگار من ای پروردگار من

اللَّهُمَّ وَكُلَّمَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رِيبَةٍ أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ فَرَحٍ

بارخدایا هرچه باشد در دل من از شک یا ریب یا انکار یا نا امیدی یا سرور

أَوْ مَرَحٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ بَذَخٍ أَوْ فَخْرٍ أَوْ خُيَلَاءَ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ

یا شادی بسیار یا شادی سخت یا طغیان یا نازش یا تکبر یا بدولی یا ترس یا نمودن یا بگوش رسانیدن

شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيَانٍ أَوْ عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِمَّا

یا مخالفت یا بدبختی یا نفاق یا کفر یا فسق یا گناه یا نخوت یا چیزی از آنچه

لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ أَوْلِيَاءَكَ فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَمْحُوَ

دوست نداری بر آن دوستان خود را پس سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکه محو کردانی

ذَٰلِكَ مِنْ قَلْبِي وَأَنْ تُبْدِلَنِي مَكَانَهُ إِيمَانًا وَعَدْلًا وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً

آنرا از دل من و اینکه بدل آری بجای او ایمان را و عدل را و خوشنودی بقضای خود و وفا

بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ

بعهد خود را و ترس را از خود و زهد در دنیا و خواهش در آنچه نزد تست و اعتماد بتو

وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً إِلَيْكَ نَصُوحًا يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

اطمینان بسوی تو و بازگشت بسوی تو بازگشتنی خالص ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بارخدایا مر تراست حمد

كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئًا مَذْكُورًا فَأَعِنِّي عَلَىٰ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ

چنانچه آفریدی مرا و نبودم چیزی که مذکور شود پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا و حوادث روزگار

وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَاكْفِنِي

و نکبتهای زمانه و اندوههای آخرت و مصیبتهای شبها و روزها و کفایت کن مرا

شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ

شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین بارخدایا برکت ده مرا در مقدر کرده خود و راضی کن مرا بقضای خود

اللّهمّ افتح مسامع قلبي لذکرك وارزقني شکراً وتوفیقاً وعبادةً وخشیةً

بارخدایا بگشا گوشهای دل مرا از جهت ذکر خود و روزی کن مرا شکر و توفیق و پرستش و ترس

یا ربّ العالمین یا ربّ یا ربّ یا ربّ اللّهمّ اطّلع اِلیّ الیوم اطّلاعةً تدخلني

ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا نظر کن بسوی من امروز نظر کردنی که در آری مرا

بها الجنّة اللّهمّ استجب دعائي واقبله منّي واجعله دعاءً جامعاً

به آن در بهشت بار خدایا بپذیر دعای مرا و قبول کن آن را از من و بگردان آن را دعای جامع

یوافق بعضه بعضاً فانّ کلّ شیءٍ عندك بمقدارٍ اللّهمّ واجعله من شأنك

که موافق باشد بعضی از آن با بعض پس بدرستیکه هر چیز نزد تو باندازه است بار خدایا و بگردان آن را از شان خود

فانّك کلّ یومٍ في شأنٍ اللّهمّ واکتبه لي في علّیّین في کتابٍ لا یمحی ولا یبدّل

پس بدرستیکه تو در هر روز در شانی هستی بار خدایا و بنویس آن را برای من در علیین در کتابی که محو کرده نشود و بدل کرده نشود

بان تقول قد غفرت لعبدي ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر واستجبت له

بانکه بگوئی که بتحقیق آمرزیدم مر بنده خود را آنچه پیش شده از گناه او و آنچه بعد از آن شده و پذیرفتم برای او

دعوته ووفّقته واصطفیته لنفسي وکرّمته وفضّلته وعصمته

دعای او را و توفیق دادم او را و برگزیدم او را برای نفس خود و گرامی داشتم او را و برتری دادم او را و نگاه داشتم او را

هدیته وزکّیته واصلحته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه

راه نمودم او را و پاک کردم او را و نیک کردم او را و خالص کردم او را و آمرزیدم او را و درگذشتم او را از آن

آمین یا ربّ یا ربّ اللّهمّ انّي اتوجّه الیك بنبیّك نبیّ الرّحمة

قبول کن ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو به پیغمبر تو که پیغمبر رحمت است

محمّدٍ صلّی الله علیه وآله في خلاصي وخلاص والديّ وما ولدا واهلي

محمد رحمت خدا بر او و آل او در رهائی خودم و رهائی پدر و مادرم و آنچه زاده اند پدر و مادر و اهل من

وولدي وجمیع ذرّیّاتي واخواني فیك وجمیع المؤمنین والمؤمنات

و فرزندان من و همه ذریت من و برادران من در راه تو و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه

وكل والٍ لي دخل في الاسلام من اهوال يوم القيمة ومن شر عذاب

وهر بدي من كه درآمده است در دين اسلام از ترسهاي روز قيامت واز شر عذاب

القبر ومن هموم الدنيا والآخرة واهوالها واسألك ان ترزقني خيرها

قبر واز اندوههاي دنيا وآخرت وخوفهاي آن وسوال ميكنم از تو اينكه روزي كني مرا خير آن

وتصرف عني شرها وتثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي

وبگرداني از من شر آنرا وثابت داري مرا بگفتاري كه پايدار شد در زندگاني دنيا و در

الآخرة انك رؤف رحيم وصلى الله على محمد وآله كثيرا وسلم

آخرت بدرستيكه تو مهربان بخشنده ورحمت فرستد خدا بر محمد آل آن بسيار وسلام فرستد

وحسبنا الله ونعم الوكيل يا رب يا رب اللهم اني

وكافيست ما را خدا و نيكو كسيست كه كارها واگذارده شود بسوي او اي پروردگار من اي پروردگار من خداوندا بدرستيكه من

اسألك ان تصرف عني شر كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر

سوال ميكنم از تو اينكه بگرداني از من شر هر ستمكار دشمن وشر شيطان سركش واز شر

كل ضعيف من خلقك وشديد ومن شر السامة والهامة واللامة

هر ناتواني از آفريدههاي خود وشر هر صاحب توانائي ونيرومند واز شر جانور زهردار و گزنده و چشم زخم

والخاصة والعامة ومن شر كل دابة صغيرة او كبيرة بالليل

وخاص وعام واز شر هر جنبنده بر زمين خرد يا بزرگ بشب

والنهار ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس

وروز واز شر فاسقان عرب وعجم واز شر فاسقان پريان ومردم

انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى

بدرستيكه تو بر همه چيز توانائي ونيست توانائي ونه قوت بر طاعت ونه گريز از معصيت مگر بياري خداي بلند مرتبه بزرگ ورحمت فرستد

الله على خير مخلوقه وآله خير معبود اللهم ربنا آتنا في الدنيا حسنة

خدا بر بهترين مخلوق خود كه خداوند حق را بجا آورد بهترين معبود خداوندا اي پروردگار ما بده ما را در دنيا نيكوئي

صل على محمد وآل محمد ... يا قريب يا مجيب ... والعفو والعافية في الدنيا والآخرة

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١۴	١٥	۴

وفی الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار یا رب یا رب یا رب

و در آخرت نیکوئی و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای پروردگار من ای پروردگار من

اللهم وما کان من خیر او عمل صالح اسألك به واکون فی رضوانك

بار خدایا آنچه شد از خیر یا عمل نیک در خواست میکنم ترا بوسیلهٔ آن و می باشم در خوشنودی تو

وعافیتك وما صلح من ذلك من البر فامنن علیّ به وانی الیك راغب

و عافیت تو و آنچه شایسته باشد از آن از نیکی پس منت گذار بر من بآن بدرستیکه بسوی تو رغبت کننده‌ام

وبك مستجیر اللهم ما استعفیتك منه وما لم استعفك منه ونوی

و بتو پناه برنده‌ام بار خدایا آنچه طلب عفو کردم از تو از آن و آنچه طلب عفو نکردم از تو از آن

علیّ به النار وسخطك فعافنی منه وما عذت من المخازی یوم القیمة

بر من بسبب آن آتش را و غضب خود را پس عافیت ده مرا از آن و آنچه پناه بردم از رسوائیها در روز قیامت

وسوء المطلع الی ما فی القبور فاعذنی منه اللهم وما انت علیه

و بدی منظر بسوی آنچه در قبرهاست پس پناه ده مرا از آن بار خدایا و آنچه تو پشیمان نشوم از آن

من فعل له واجازی علیه یوم المعاد او ترانی فی الدنیا علی الحال

از کردن خود آنرا و پاداش داده شوم بر آن روز بازگشت یا می‌بینی مرا در دنیا بر حالیکه

التی تورث سخطك فاسألك بوجهك الکریم ان تعظم عافیتی من جمیع

باعث خشم تو شود پس سؤال میکنم از تو بذات تو که کریم است اینکه بزرگ کنی عافیت مرا از همه

ذلك یا ولی العافیة یا رب یا رب یا رب واسألك یا رب مع ذلك

این چیزها ای خداوند عافیت ای پروردگار من ای پروردگار من و سؤال میکنم از تو ای پروردگار من با این

العافیة من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملنی ما

عافیت از مشقت بلا و بدی قضا و شاد شدن دشمنان و اینکه بار کنی مرا آنچه

لا طاقة لی به وان تسلط علیّ ظالما او تبتلینی بما لا طاقة لی به وتنافسنی

نیست توانائی مرا بآن و اینکه مسلط کنی بر من ظالمی را که گرفتار و مبتلا کند مرا بچیزیکه نیست مرا توانائی بآن

فِي الحِسَابِ يَوْمَ الحِسَابِ مُنَاقَشَةً يُسَاوِي اَحْوَجَ مَا اَكُونُ اِلَى عَفْوِكَ
در حساب در روز حساب مناقشه ببدیهای من ... احتیاج دارم

وَتَجَاوُزِكَ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ اَنْ تُعَظِّمَ عَافِيَتِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ يَا وَلِيَّ
و در گذشتن تو سوال میکنم از تو بذات تو که بزرگست اینکه عظیم گردانی عافیت در همه چیزها ای خداوند

العَافِيَةِ اَيْ مَنْ عَفَى عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
عافیت ای کسیکه در گذشت از بدیها و جزا نداد بآن بدیها بنده خود را ای پروردگار من ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا اللهُ يَا اللهُ نَفْسِي نَفْسِي اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا سَيِّدَاهُ عَبْدُكَ
ای پروردگار من ای خدا ای خدا نفس من نفس من رحم کن بنده خود را ای سرور من بنده تو

بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي
در برابر تست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای نهایت خواهش من ای جاری کننده خون در

عُرُوقِ عَبْدِكَ عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَ عَبْدِهِ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ
رگهای من بنده تو ام بنده تو ام ای سرور ای مالک بنده خود ای سرور ای مالک

يَا هُوَ يَا رَبَّاهُ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي وَلَا اَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا
ای کسیکه او پروردگار منست نیست چاره مرا و نه بی نیازیست مرا از نفس من و ندارم طاقت ضرر

وَلَا نَفْعًا وَلَا اَجِدُ مَنْ اُصَانِعُهُ تَقَطَّعَتْ اَسْبَابُ الخَدَائِعِ
نه فایده و نیست امید مرا و نمی یابم کسی را که رشوت دهم او را بریده شد سببها فریبها

وَاضْمَحَلَّ عَنِّي كُلُّ بَاطِلٍ اَفْرَدَنِي الدَّهْرُ اِلَيْكَ فَقُمْتُ هَذَا المَقَامَ اِلَهِي بِعِلْمِكَ
و ناپدید شد از من هر باطل تنها کرد مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم درین مقام ای خدای من بدانستن تو

فَكَيْفَ اَنْتَ صَانِعٌ بِي لَيْتَ شِعْرِي وَلَا اَشْعُرُ كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي
پس چگونه تو عمل کننده بمن کاش که دانستمی و نمیدانم چگونه میگوئی مر دعای مرا

اَتَقُولُ نَعَمْ اَمْ تَقُولُ لَا فَاِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلَتَاهُ يَا وَيْلَتَاهُ يَا وَيْلَتَاهُ
آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر گوئی نه پس ای وای بر من ای وای بر من ای وای بر من

يشاءُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ العَزيزُ الحَكيمُ اَلَّذينَ يَقولونَ رَبَّنا اِنَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا
بخواهد نیست خدایی بجز او که غالب است کردار است آنانکه میگویند ای پروردگار ما بدرستیکه ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را
ذُنوبَنا وَقِنا عَذابَ النّارِ اَلصّابِرينَ وَالصّادِقينَ وَالقانِتينَ وَالمُنْفِقينَ
گناهان ما و نگاهدار ما را از آتش دوزخ شکیبائی پیشگان و راستگویان و طاعت داران و صدقه کنندگان
وَالمُسْتَغْفِرينَ بِالاَسْحارِ شَهِدَ اللّهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَالمَلٰئِكَةُ وَاُولُوا العِلْمِ
و آمرزش طلبان در سحرگاهان گواهی میدهد خدا بانکه او ست خدا نیست خدائی بجز او و فرشتگان و خداوندان دانش
قائِماً بِالقِسْطِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ العَزيزُ الحَكيمُ اِنَّ الدّينَ عِنْدَ اللّهِ الاِسْلامُ
حالیکه بر پاست بعدالت نیست خدائی مگر او غالب صاحب حکمت بدرستیکه دین نزد خدا اسلام است
اَللّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلىٰ يَوْمِ القِيٰمَةِ لا رَيْبَ فيهِ وَمَنْ اَصْدَقُ
خدا نیست خدایی بجز او هر اینه جمع میکند شما را بسوی روز قیامت نیست شکی در آن و کیست راست گوتر
مِنَ اللّهِ حَديثاً ذٰلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمْ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدوهُ
از خدا در سخن این است خدا آنکه پروردگار شماست نیست خدایی بجز او آفریننده هر چیز پس بپرستید او را
وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكيلٌ اِتَّبِعْ ما اُوحِيَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ
و آن خدا بر هر چیز وکیل است پیروی کن آنچه وحی کرده شده بسوی تو از پروردگار تو نیست خدا بجز او
وَاَعْرِضْ عَنِ المُشْرِكينَ قُلْ يا اَيُّهَا النّاسُ اِنّي رَسولُ اللّهِ اِلَيْكُمْ جَميعاً
و روی بگردان از مشرکان بگو ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدا ام بسوی شما همه
اَلَّذي لَهُ مُلْكُ السَّمٰواتِ وَالاَرْضِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ يُحْيي وَيُميتُ فَآمِنوا بِاللّهِ
آن کسیکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدایی بجز او زنده میکند و میمیراند پس ایمان آرید
وَرَسولِهِ النَّبِيِّ الاُمِّيِّ الَّذي يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَكَلِماتِهِ وَاتَّبِعوهُ لَعَلَّكُمْ
و رسول او پیغمبر ناخوانده آنکه ایمان آورد بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را باشد که شما
تَهْتَدونَ وَما اُمِروا اِلّا لِيَعْبُدوا اِلٰهاً واحِداً لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ سُبْحانَهُ
راه یابید و مأمور نشدند مگر آنکه عبادت کنند خدای یگانه را که نیست خدایی بجز او منزه است او

عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
از آنچه شریک میکردانند هر آینه تحقیق آمد شما را رسولی از نفسهای شما سخت است بر او آنچه رنج کشیدید حریص

عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو
بر شما بمؤمنان مهربان بخشاینده است پس اگر اعراض کنند پس بگو که کافیست مرا خداست نیست خدایی بجز او

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت
بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم

انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين
بآنکه نیست خدایی مگر آنکه ایمان آورده اند باو بنی اسرائیل و من از جمله مسلمانانم پس اگر

فالم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم
نپذیرند مر شما را پس بدانید آنچه فرستاده شد مقرون بعلم خداست و اینکه نیست خدایی بجز او پس آیا شما

مسلمون قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ان
مسلمانانید بگو که او پروردگار منست نیست خدایی بجز او و بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من اینکه

انذروا انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى
بترسانید که بدرستیکه نیست خدایی بجز من پس بترسید از من خدایی که نیست خدایی بجز او و مر او راست نامهای نیک

فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة
پس بشنو مر چیزی را که وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست خدایی بجز من پس عبادت کن مرا و برپا دار نماز را

لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا
برای ذکر من جز این نیست که خدای شما خداییست که نیست خدایی بجز او فرا گرفته است همه چیز را العلم و نفرستادیم

من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون
پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه وحی کردیم بسوی او که بدرستیکه نیست خدایی بجز من پس پرستید مرا

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات
و یاد کن صاحب ماهی را وقتیکه رفت غضبناک پس گمان کرد که ما تنگ نگیریم بر او پس ندا کرد در تاریکیها

عولتاه یا عولتاه یا عولتاه یا شقوتاه یا شقوتاه یا شقوتاه یا ذلتاه

ای بلای من ای بلای من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من

یا ذلتاه الی من والی عند من او کیف او بماذا او الی ای شیء

ای خواری من ای خواری من بسوی که و نزد که یا چگونه یا بکدام چیز یا بسوی چه چیز

ومن ارجو ومن یعود علی ان رفضتنی یا واسع المغفرة وان قلت نعم

و که امید دارم یا کدام کس احسان کند بر من اگر ترک کنی مرا ای فراخ آمرزش و اگر بگوئی آری

کما الظن بك فطوبی لی انا السعید وطوبی لی انا المرحوم یا مترحم

چنانکه گمان است بتو پس خوشاحال من منم نیکبخت پس خوشاحال من منم مرحوم ای رحم کننده

یا مترئف یا متعطف یا محیی یا متملك یا متسلط لا عمل لی ارجو به

ای مهربان ای مهربان ای حیات بخشنده ای مالک ای غالب نیست عملی مرا که امید دارم بان عمل

نجاح حاجتی ولا احد انفع لی منك یا من عرفنی نفسه یا من امرنی بطاعته

بر آمدن حاجت خود را و نیست کسی نفع رساننده تر از تو ای کسیکه شناسانید مرا ذات خود را ای کسیکه امر کرد مرا

یا مدعو یا مسئول یا مطلوبا الیه رفضت وصیتك التی اوصیتنی

ای خوانده شده ای سوال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا که وصیت کردی مرا

ولو اطعتك لکفیتنی ما قمت الیك فیه من قبل ان اقوم وانا مع

و اگر اطاعت میکردم ترا کفایت میکردی آنچه برایستادم بسوی تو در آن پیش از آنکه برایستم و من با وجود

معصیتی لك راج فلا تحل بینی وبین ما رجوته واردد یدی ملأی من

گناه خود مر ترا امیدوارم پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم و برگردان دست مرا پر از

خیرك بحقك یا سیدی یا ولیی انا من قد عرفت شره وانت خیره

خیر خود بحق خود ای سرور من ای یاری دهنده مولای من کسی هستم که تحقیق شناختی بدتر بنده و تو بهتر

رب یا محتجب الانتقام یا رب یا رب یا رب یا الله یا الله یا الله یا محیط

پروردگاری رسیده شده انتقام ای پروردگار من پروردگار من پروردگار من خدا خدا خدا ای احاطه کننده

بملكوت السموات والارض اصلحني لدنياي واصلح لآخرتي واصلح

بملك آسمانها و زمين اصلاح آر مرا براى دنياى من اصلاح آر مرا براى آخرت و اصلاح آر مرا

لاهلي واصلحني لولدي واصلح لي ما خولتني يا الهي واصلحني من خطاياي

براى اهل من و اصلاح آر مرا از فرزندان من و اصلاح آر براى من آنچه عطا كردى اى خداى من و اصلاح آر مرا

يا حنان يا منان تفضل على برحمتك وامنن علي باجابتك وصل

اى بسيار رحمت اى بسيار نعمت تفضل كن بر من برحمت خود و احسان كن بر من ... رحمت كن

اللهم على محمد النبي واهله وسلم وحل بيني وبين ما حلت بينه وبين

بار خدايا بر محمد پيغمبر و اهل او و سلام بفرست و حائل شو ميان من و ميان آنچه حائل شدى ميان

اهل بيت محمد من الباطل وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

اهل بيت محمد از باطل و بده ما را در دنيا نيكى و در آخرت نيكى

يا ارحم الراحمين پس بگويد بسم الله الرحمن الرحيم والهكم اله واحد لا اله

اى بخشنده ترين بخشندگان بنام خداى بخشاينده مهربان و خداى شما خداى يگانه است نيست خدائى

الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم

مگر او كه مهربان بخشاينده است خداى كه نيست خدائى مگر او زنده پاينده است نگيرد او را پينكى و نه خواب

له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه

مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است كيست آن كسى كه شفاعت كند نزد خدا مگر باذن او

يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع

ميداند آنچه پيش روى آنهاست و آنچه پس آنها و احاطه نميكنند بچيزى از علم او مگر بآنچه خواهد ...

كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم

كرسى او آسمانها و زمين را و گران نميكند خدا را نگاه داشتن آسمان و زمين و او بلند مرتبه بزرگ است

الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الارحام كيف

الف لام ميم خدائى كه نيست خدائى مگر او زنده پاينده است آن كسى كه صورت ميكند شما را در رحمها ...

أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

اینکه نیست خدای بجز تو منزه هستی از نقصانها بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کردیم دعاء او را و نجات دادیم او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

از غم و همچنین می رهانیم مومنان را پس برتر است خدای پادشاه ثابت نیست خدای بجز او

رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللّٰهُ

که پروردگار عرش بزرگست خدائیکه نیست خدای بجز او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدای

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

که نیست خدای بجز او مر او راست ستایش در دنیا و آخرت و مر او راست فرمان و بسوی او بر گردانیده میشوید

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ

ای مردمان یاد آورید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست غیر الله که روزی دهد شما را

مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ

از آسمان و زمین نیست معبود بحق غیر از خدا پس کجا بر گردانیده میشوید بدرستیکه ایشان بودند که چون گفته شد مر ایشانرا

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ يَسْتَكْبِرُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى

که نیست خدای بحق غیر از خدا تکبر میکردند اینست خدای پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدای بجز او پس کجا

تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ

بر گردانیده خواهید شد آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت پاداش صاحب توانگری و فضل

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

نیست معبود بحق بجز او بسوی اوست بازگشت این است معبود پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست خدای بجز او

فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ

پس کجا بر گردانیده خواهید شد بزرگست خدای پروردگار عالمیان نیست معبود بحق مگر او زنده میکند و می میراند پروردگار شما

وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ

و پروردگار پدران شما که پیش از شما بودند پس بدانکه نیست معبود بحق بجز خدا و طلب آمرزش میکنیم برای گناه خود

وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثويكم لو انزلنا هذا

القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال

قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آن کوه را فروتنی کننده و پراکنده شونده از بیم خدا و این مثلها اند

نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم

که میزنیم آنها را برای مردم که شاید ایشان تفکر نمایند اوست خدایی که نیست معبودی مگر او دانای

الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس

نهان و آشکار اوست مهربان بخشاینده اوست خدای که نیست معبودی مگر او پادشاهی پاک

السلم المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو

سالم از عیبها امان دهنده حفظ کننده غالب صاحب جبروت و صاحب کبر منزه است خدا از آنچه شریک میکنند او

الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات

خدای آفریننده پیدا کننده صورت بخش مر او راست نامهای نیک تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها

والارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون

و زمین است و اوست غالب با حکمت خدایست خدای بجز او و بر خدا پس باید که توکل نمایند مسلمانان

رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا پس هفت مرتبه بگو

پروردگار مشرق و مغرب نیست خدای بجز او پس بگیر او را وکیل و مددکار

وانه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل

و بدرستیکه قرآن کتاب عزیز است که نمی آید او را باطل از پیش او و نه از عقب و فرود آمده است

من حكيم حميد پس بگو آمنا بالله وما انزل الينا وما انزل الى ابراهيم

از جانب پروردگار گفتار درست ایمان آوردیم بخدا و با آنچه فرستاده شده بسوی ما و با آنچه فرستاده شده بسوی ابراهیم

واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندزاده ها و با آنچه داده شده موسی و عیسی و با آنچه داده شدند

النَّبِیُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ رَبُّنا رَبُّ

انبیا از جانب پروردگار خود نه تفرقه کنیم میان یکی از ایشان و ما مر او را فرمان برداریم پروردگار ما پروردگار

السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَدْعُوَا مِنْ دُونِهِ اِلٰهاً لَقَدْ قُلْنا اِذاً شَطَطاً اَلْحَمْدُ

آسمانها و زمین است هرگز نخوانیم از غیر او خدایی هر آینه بتحقیق گفتیم آنگاه سخن ناشایسته سپاس

لِلّٰهِ الَّذی هَدانا لِهٰذا وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّٰهُ لَقَدْ جاءَتْ

مر خدایی که راه نمود ما را باین نبودیم ما که راه بریم اگر نبودی اینکه راه نمود ما را خدا هر آینه بتحقیق آمدند

رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ پس بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّٰهِ

فرستادگان پروردگار ما براستی و درود فرستد خدا بر ایشان همه ایشان سلام بر تو باد ای فرستاده خدا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ وَاَمینَهُ

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا از خلق او و امین خدا

عَلٰی وَحْیِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

بر وحی او سلام بر تو باد ای مولای من ای امیر مؤمنان سلام بر تو باد

یا مَوْلایَ اَنْتَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ وَاَمینُهُ عَلٰی وَحْیِهِ وَبابُ عِلْمِهِ وَوَصِیُّ

ای آقای من تو حجت خدایی بر خلق او و امین خدایی بر وحی او و در دروازه علم او و وصی

نَبِیِّهِ وَالْخَلیفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فی اُمَّتِهِ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً غَصَبَتْکَ حَقَّکَ

پیغمبر او و جانشین پیغمبر بعد از او در امت او لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق تو

وَقَعَدَتْ مَقْعَدَکَ اَنَا بَریءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شیعَتِهِمْ اِلَیْکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ

و نشستند بجای تو من بیزارم و دوری کردم از ایشان و از پیروان ایشان بسوی تو سلام بر تو باد

یا فاطِمَةُ الْبَتُولُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا زَیْنَ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ

ای فاطمه بتول سلام بر تو باد ای زینت زنان عالمیان سلام بر تو باد ای دختر

رَسُولِ اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکِ وَعَلَیْهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا سِبْطَیِ

رسول خدا ای پروردگار عالمیان درود فرستد خدا بر تو و بر او سلام بر شما باد ای دو نبیره پیغمبر

الحسن والحسین لعن الله امّة غصبتك حقّك ومنعتك ما جعله

حسن و حسین لعنت خدا گروهی را که غصب کردند حق تو و منع کردند ترا از آنچه گردانیده بود

الله لك حلالاً انا بریء الیك منهم ومن شیعتهم السلام علیك یا مولای یا

خدا مر ترا حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان و از یاران ایشان سلام بر تو باد ای آقای من ای

ابا محمّد الحسن الزکی السلام علیك یا مولای لعن الله امّة قتلتك وبایعت فی

ابو محمد حسن پاک سلام بر تو باد ای آقای من لعنت خدا گروهی را که کشتند ترا و بیعت کردند در

امرك وشایعت انا بریء الیك منهم ومن شیعتهم السلام علیك یا مولای

کار تو و یاری هم کردند من بیزارم بسوی تو از آنها و از یاران آنها سلام بر تو باد ای مولای من

یا ابا عبد الله الحسین بن علی صلوات الله علیك وعلی ابیك وجدّك محمّد

ای ابو عبدالله حسین پسر علی درودهای خدا بر تو باد و بر پدر تو و جد تو محمد

صلّی الله علیه وآله لعن الله امّة استحلّت دمك ولعن الله امّة قتلتك

رحمت فرستد خدا بر او و آل او لعنت خدا گروهی را که حلال دانستند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا

واستباحت حریمك ولعن الله اشیاعهم واتباعهم ولعن الله الممهّدین

و مباح دانستند حریم ترا و لعنت کند خدا دوستان ایشان را و تابعان ایشان را و لعنت کند خدا آماده کنندگان

لهم بالتمکین من قتالکم انا بریء الی الله والیك منهم السلام علیك یا مولای

مر ایشان را به توانائی دادن از کارزار شما من بیزارم و رو گردانم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان سلام بر تو باد ای مولای من

یا ابا محمّد علی بن الحسین السلام علیك یا مولای یا ابا جعفر محمّد بن علی

ای ابو محمد علی پسر حسین سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی

السلام علیك یا مولای یا ابا عبد الله جعفر بن محمّد السلام علیك

سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو عبدالله جعفر پسر محمد سلام بر تو باد

یا مولای یا ابا الحسن موسی بن جعفر السلام علیك یا مولای یا ابا الحسن

ای مولای من ای ابو الحسن موسی پسر جعفر سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن

ذی الحجه

علی بن موسی السلام علیک یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی السلام

علی پسر موسی ملقب برضا سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی سلام

علیک یا مولای یا ابا الحسن علی بن محمد السلام علیک یا مولای یا ابا محمد الحسن

بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن علی پسر محمد سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو محمد حسن

بن علی السلام علیک یا مولای یا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان

پسر علی سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو قاسم حجت خدا پسر حسن صاحب زمان

صلی الله علیک وعلی عترتک الطاهرة الطیبة یا موالی کونوا شفعائی

رحمت فرستد خدا بر تو و بر عترت تو که پاک و پاکیزه اند ای آقایان من باشید شفیعان من

عند الله فی حط وزری وخطایای آمنت بالله وبما انزل الیکم واتوالی

نزد خدا در فرو ریختن گناهان من و خطاهای من و ایمان آوردم بخدا و بآنچه فرستاده شد بسوی شما و دوستی میکنم

آخرکم بما اتوالی به اولکم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات والعزی

باخر شما بآنچه پیروی میکنم بآن اول شما را و بیزار شدم از جبت و طاغوت و شیطان و لات و عزی آنها

یا موالی انا سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم وعدو لمن عاداکم

ای آقایان من من صلح دارم با کسیکه صلح داشته باشد با شما و جنگ دارم با کسیکه جنگ کند با شما و دشمنم با کسیکه دشمنی کند با شما

وولی لمن والاکم الی یوم القیمة ولعن الله ظالمیکم وغاصبیکم ولعن الله

یارم هر کسی که با شما یاری کند تا روز قیامت و لعنت کند خدا ستمکاران شما را و غصب کنندگان شما را و لعنت

اشیاعهم واتباعهم واهل مذهبهم وابرأ الی الله والیکم منهم اللهم

دوستان ایشان را و پیروان ایشان را و اهل مذهب ایشان را و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان خداوندا

انی اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد محمدا صلی الله علیه وآله وعلیا

بدرستیکه گواه میگیرم ترا و کافی است که تو گواه باشی و گواه میگیرم محمد را رحمت فرستد خدا برو و بر آل او و علی

وسائر الاوصیاء من ذریتهما والثمانیة حملة عرشک والاربعة الاملاک

و امامان را از ذریت و هشت فرشتگان حاملان عرش تو و چهار فرشتگان

خزنة علمك انى برئ من اعدائهم فصل على محمد و على اهل بيته الطيبين

خزانه داران علم تو بدرستيكه من بيزارم از دشمنان ايشان پس رحمت كن بر محمد و بر اهل بيت او كه پاكيزه اند

الطاهرين الصلوة والسلام اللهم و اقرر عينى بصلوته و صلوة اهل بيته

و پاكيزه اند درود و رحمت خداوندا خنك كن چشم مرا به درود محمد و درود اهل بيت او

واجعل ما هديتنى اليه من الحق والمعرفة بهم مستقرا لا مستودعا يا ارحم

و بگردان آنچه را كه راه نمودى مرا بسوى آن از حق و شناسائى ايشان پايدار نه امانت بقرار بخشنده ترين

الراحمين اللهم و عرفنى نفسك و عرفنى رسلك و عرفنى ملائكتك و

بخشندگان بار خدايا و بشناسان مرا ذات خود را و بشناسان رسولان خود را و بشناسان فرشتگان

عرفنى ولاة امرك اللهم انى لا آخذ الا ما اعطيت و لا اوقى الا ما وقيت

بشناسان مرا واليان كار خود را بار خدايا بدرستيكه من نميگيرم مگر چيزى را كه بخشى تو و نگاهداشته نشوم مگر از چيزى

اللهم لا تحرمنى منازل اوليائك و لا تزغ قلبى بعد اذ هديتنى و هب لى

بار خدايا نااميد مگردان مرا از منزلهاى اولياى خود و بر مگردان دل مرا بعد از آنكه راه نمودى مرا و ببخش مرا

من لدنك رحمة انك انت الوهاب و هيئ لى من امرى رشدا اللهم و علمنى

از نزد خود رحمتى بدرستيكه تو تو بسيار بخشنده و مهيا كن براى من كار مرا راه راستى بار خدايا بياموز مرا

ناطق التنزيل و خلصنى من المهالك اللهم و خلصنى من الشيطان الرجيم

قرآن گويا و برهان مرا از هلاكتها بار خدايا و برهان مرا از شيطان مردود

و حزبه و من السلطان و جنده و من الجبت و انصاره بحق محمد المحمود

و گروه او و از پادشاه و لشكر او و از جبت و ياران او بحق محمد ستوده

و بعلى المقصود و بحق شبر و شبير و بحق اسمائك الحسنى صل على افضل

و بحق على مقصد كرده شده و بحق حسن و حسين و بحق نامهاى بسيار نيكوى تو رحمت فرست بر بهترين

الصفوة انك على كل شئ قدير و انت بكل شئ محيط يا رب يا رب

برگزيدگان بدرستيكه تو بر همه چيز توانائى و تو به همه چيز احاطه كننده اى پروردگار من پروردگار من

[illegible]

يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ يا ربّاهُ يا ربّاهُ يا ربّاهُ يا سيّداهُ يا سيّداهُ يا سيّداهُ

اى خدا اى خدا اى خدا اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من اى آقاى من اى آقاى من اى آقاى من

يا مولاهُ يا مولاهُ يا مولاهُ يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له يا

اى مولاى من اى مولاى من اى مولاى من اى ستون كسيكه نيست ستونى مر او را اى تكيه گاه كسيكه نيست تكيه گاهى مر او را

ذُخر من لا ذُخر له انت ربّي وانا عبدك على عهدك ووعدك اللهمّ

ذخيره كسيكه نيست ذخيره مر او را تو پروردگار من و من بنده توام بر پيمان تو و وعده تو بار خدايا

اجعله موقفاً محموداً ولا تجعله آخر العهد منّا واشركنا في صالح دعاء

بگردان اين مكان را جاى ستوده و مگردان او را آخر عهد از ما و شريك گردان ما را در نيك دعاى

من دعاك بمنى وعرفات ومزدلفة وعند قبر نبيّك عليه وآله السلام

كسيكه ترا دعا كند بمنى و عرفات و مزدلفه و نزد قبر پيغمبر تو بر او و آل او سلام باد

وعند زمزم والمقام اللهمّ لك الحمد حيث رفعتنا عن شدّ الزنانير

و نزد زمزم و مقام ابراهيم بار خدايا مر تراست سپاس از حيثيت كه بلند كردى ما را از بستن زنارها

في الاوساط والجوامع في الاعناق ولك الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة

در ميانها و مهرها در گردنها و مر تراست سپاس از حيثيت كه نگردانيدى ما را از زنديقان

مضلّين ولا مدّعية شاكّين مرتابين ولا معارضين ولا عن اهل بيت

گمراه كنندگان و نگردانيدى مرا از دعوى كنندگان شك آورنده ريب كننده نه معارضه كنندگان و نه از آل

نبيّك صلّى الله عليه وآله منحرفين اللهمّ كما بلّغتنا هذا اليوم المبارك

پيغمبر خود در رحمت فرستد خدا بر او و آل او انحراف كنندگان بار خدايا چنانچه رسانيدى ما را اين روز مبارك

من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلّغنا آخرها في عافية

از ماه ما و سال ما اين سال مبارك پس برسان ما را آخر اين سال در عافيت

وبلّغنا اعواماً كثيرة برحمتك يا ارحم الراحمين يا ربّ يا ربّ

و برسان ما را سالهاى بسيار برحمت خود اى مهربانترين مهربانان اى پروردگار من

[illegible]

يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای سرور من ای سرور من ای سرور من

يا مَوْلاهُ يا مَوْلاهُ يا مَوْلاهُ اَللّهُمَّ وَما قَسَمْتَ لی فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی هذَا

ای مولای من ای مولای من ای مولای من بار خدایا و آنچه قسمت کردی برای من در این ساعت و در این

الْيَوْمِ وَفی هذَا الشَّهْرِ وَفی هذِهِ السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ اَوْ بَرَكَةٍ اَوْ عافِيَةٍ اَوْ مَغْفِرَةٍ

روز و در این ماه و در این سال از خیر یا برکت یا عافیت یا آمرزش

اَوْ رَأْفَةٍ اَوْ رَحْمَةٍ اَوْ عِتْقٍ مِنَ النّارِ اَوْ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ اَوْ تَوْبَةٍ

یا مهربانی یا بخشایش یا آزادی از آتش یا روزی فراخ حلال پاک یا توبه

نَصُوحٍ فَاجْعَلْ لَنا فی ذلِكَ اَوْفَرَ النَّصيبِ وَاَجْزَلَ الْحَظِّ اَللّهُمَّ وَما اَنْتَ

راست و درست پس بگردان آن برای ما در آن وافرتر بهره و بزرگتر نصیبی بار خدایا و آنچه فرو فرستی

فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی هذَا الْيَوْمِ وَفی هذَا الشَّهْرِ وَفی هذِهِ السَّنَةِ مِنْ حَرْقٍ

در این ساعت و در این روز و در این ماه و در این سال از سوختن

اَوْ شَرَقٍ اَوْ غَرَقٍ اَوْ هَدْمٍ اَوْ رَدْمٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ قَذْفٍ اَوْ رَجْفٍ اَوْ مَسْخٍ اَوْ

یا گلوگیر شدن یا غرق شدن یا بر سر افتادن خانه یا افتادن دیوار یا بزمین فرو رفتن یا سنگ انداختن یا لرزه یا مسخ

صَيْحَةٍ اَوْ زَلْزَلَةٍ اَوْ فِتْنَةٍ اَوْ صاعِقَةٍ اَوْ بَرَدٍ اَوْ جُنُونٍ اَوْ جُذامٍ اَوْ بَرَصٍ

بانگ آسمانی یا زلزله یا فتنه یا صاعقه یا ژاله یا جنون یا خوره یا پیسی

اَوْ اَكْلِ سَبُعٍ اَوْ ميتَةِ سُوءٍ اَوْ جَميعِ اَنْواعِ الْبَلاءِ فِی الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ

یا خوردن درنده یا مردن بد و همه انواع بلا در دنیا و آخرت

فَاصْرِفْهُ عَنّا كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّی شِئْتَ وَعَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ فی كُلِّ دارٍ

پس بگردان آنرا از ما هر قسم که خواهی و هر جا که خواهی و از همه مؤمنان در هر خانه

وَمَنْزِلٍ فی شَرْقِ الْاَرْضِ وَغَرْبِها عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلهَ غَيْرُكَ

و جایگاه در شرق زمین و مغرب آن عزیز است پناه برنده بتو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدایی غیر تو

وحدك لا شريك لك فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة

یگانهٔ تو نیست شریکی مر ترا ای پدید آکنندهٔ آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار

رب كل شيء ومليكه اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد

پروردگار هر چیز و مالک آن شهادت میدهم که نیست خدای بجز خدای یگانه نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم

ان محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار

اینکه بدرستیکه محمد رحمت فرستد خدا برا او و آل او بندهٔ او و فرستادهٔ او و گواهی میدهم بدرستیکه بهشت حق است و دوزخ

حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور واشهد

حق است و بدرستیکه قیامت آینده است نیست شکی در قیامت و بدرستیکه خدا برمی انگیزد آنها را که در قبرها اند و گواهی میدهم

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له عليها احيا وعليها اموت وعليها ابعث

که نیست معبود بحق مگر خدای یکتا که نیست انبازی مرا و را بر این شهادت زنده ام و بر این شهادت میمیرم و بر این شهادت برانگیخته شوم

حيا ان شاء الله رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه

زنده اگر خواهد خدا راضیم بخدا از جهت پروردگاری و باسلام از جهت دین و به محمد رحمت فرستد خدا برا او

وآله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبابراهيم عليه السلام

و آل او از جهت پیغمبری و بعلی از راه ولایت و بقرآن از راه کتاب و بکعبه از راه قبله و با براهیم علیه السلام

لنبينا ابا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبامير المؤمنين صلوات الله

مر نبی ما را از روی پدری و بمحمد درود فرستد خدا بر او و آل او از جهت نبی و با میر مومنان درودهای خدا

عليه للحق موضحا وللجنة والنار قاسما وبالاوصياء من ذريته

برا و باد برای حق روشن کننده و مر بهشت و دوزخ را قسمت کننده و باوصیا از اولاد او

لائمة وبالمؤمنين من شيعته اخوانا لا اشرك بالله شيئا ولا

از روی پیشوائی و بمومنان از یاران او از جهت برادران شریک نمیگیرم بخدا چیزی را و

اتخذ من دونه وليا ولا ادعي معه الها لا اله الا الله وحده

نگیرم از غیر او دوست و یاوری و ادعا نمی کنم با او خدای نیست معبود بحق مگر خدای یگانه

لا شريك له الهاً واحداً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً اللهم

نیست شریکی مر او را خدای یکتا یگانه بی همتا که نگرفته برای خود زنی و نه فرزندی بار خدایا

انی اسألك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون

بدرستیکه من سوال میکنم بنعمت بزرگ از نعمتهای تو و بنعمت دیرین از نعمتهای تو و پنهان

من اسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك

از نامهای تو و آنچه پوشیده است آنرا حجابها از بزرگی تو و عقده گاههای عزت از عرش تو

ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك ان تصلي

و نهایت بخشایش از کتاب تو و سوال میکنم بتو تنها که نیست شریک مر ترا اینکه درود فرستی

على محمد وآل محمد وان ترحم هذه النفس الجزوع وهذا البدن

بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی برین نفس زاری کننده و رحم کنی برین تن

الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك ان تعاقبني

بسیار جزع کننده که طاقت ندارد گرمی آفتاب ترا پس چگونه تاب می آورد آتش ترا اگر عقاب کنی مرا

لا يزيد في ملكك شيء وان تعف عني لا ينقص من ملكك شيء

زیاده نمی شود در ملک تو چیزی و اگر عفو کنی از من کم نمیشود از ملک تو چیزی

انت يا رب بخلقك ارحم وبعبادك اعلم وبسلطانك ارأف

تو ای پروردگار من بخلق خود مهربان تری از دیگران و به بندهای خود داناتری و بسلطان خود مهربان تری

وبملكك اقدم وبعفوك اكرم وعلى عبادك انعم

و بپادشاهی خود قدیم تری و بعفو خود کریم تری و بر بندهای خود نعمت دهنده تری

لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية

نمی افزاید در پادشاهی تو فرمانبری مطیعان و کم نمیکند از آن گناه

العاصين فاعف عني يا اكرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين

گناه کاران پس عفو کن از من ای کریم ترین کرم کنندگان و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که [illegible]

منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام [illegible]

بسم الله [illegible]

اَلُوذُ بِعِزَّتِكَ وَاَسْتَظِلُّ بِفِنَائِكَ وَاَسْتَجِيرُ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْتَغِيثُ

پناه میبرم بعزت تو و سایه میگیرم بساحت تو و پناه میگیرم بتوانائی تو و استغاثه می نمایم

بِرَحْمَتِكَ وَاَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ وَلَا اَثِقُ اِلَّا بِكَ وَلَا اَلْجَاُ اِلَّا اِلَيْكَ

برحمت تو و چنگ میزنم بریسمان تو و اعتماد نمیکنم مگر بر تو و پناه نمیبرم مگر بسوی تو

يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ وَيَا اَحَقَّ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَفَا

ای بزرگ امید ای برطرف کننده رنج و ای سزاوارتر از هر که درگذرد و ببخشد

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَخَوْفِي مُسْتَجِيرٌ بِاَمَانِكَ وَفَقْرِي

بارخدایا بدرستیکه ظلم من پناه برنده است بعفو تو و بیم من پناه برنده است بامان تو و ناداری

مُسْتَجِيرٌ بِغِنَائِكَ وَوَجْهِيَ الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ

پناه برنده است بتوانگری تو و روی پوسیده فانی من پناه برنده است بذات پایدار

الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا يَزُولُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ

باقی تو که فانی نمی‌شود و برطرف نمی‌شود ای کسیکه بازنمیدارد او را کاری از کاری

لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا

مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین قصد ما

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِنَا

و مسلط مکن بر ما کسی که رحم نکند بر ما و رجوع کن بحلم خود بر جهل ما

وَبِاِحْسَانِكَ عَلَى اِسَائَتِنَا وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِنَا وَبِغِنَاكَ عَلَى

و باحسان خود بر بدی ما و بتوانائی خود بر ناتوانی ما و بتوانگری خود بر

فَقْرِنَا وَاَعِذْنَا مِنْ اَذَى الْقَذَى وَالضُّرِّ وَسُوءِ الْقَضَاءِ

ناداری ما و پناه ده ما را از آزار و از آنچه در چشم افتد و ضرر و بدی قضا

وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالدِّينِ وَالْاَهْلِ

و سرزنش دشمنان و بدی نظر در مال و دین و حرم خانه

والولد وعند معاينة ملك الموت اللهم يا رب نشكو اليك

و نزد مشاهده فرشته موت بار خدایا ای پروردگار من شکایت میکنیم بسوی تو

غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة الزمان

غائب شدن پیغمبر خود را از ما و کمی یاری دهنده خود را و بسیاری دشمن خود را و سختی زمانه را

علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الخلق علينا اللهم صل على محمد

بر ما و واقع شدن فتنه ها با ما و باهم یاری کردن خلق بر ما بار خدایا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد وافرج ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق تظهره

و آل محمد و بگشا آنرا بگشایشی از جانب خود که زود بیاری آنرا و یاری که عزیز کنی آنرا و حقیکه آشکار کنی آنرا

اللهم وابعث بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله للنصر لدينك

بار خدایا و برانگیز قائم آل محمد را رحمت فرستد خدا براو و آل او برای یاری دادن دین تو

واظهار حجتك والقيام بامرك وتطهير ارضك من ارجاسها

و آشکار کردن حجت تو و قائم بودن بکار تو و پاک کردن زمین تو از پلیدیها

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اعوذ بك ان اوالي لك عدوا

برحمت ای مهربان ترین مهربانان خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از اینکه دوستی کنم من مر دشمن ترا

او اعادي لك وليا او اسخط لك رضا او ارضى لك سخطا او اقول

یا دشمنی کنم کسی را که دوست تست یا غضب کنم مر آنچه خوشنودی تست یا خوشنود شوم مر آنچه غضبی است یا بگویم

للحق هذا باطل واقول للباطل هذا حق او اقول للذين كفروا هؤلاء

حق را این باطل است یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم مر آنانرا که کافر شدند که این جماعت

اهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآله واتنا في

راه یابنده ترند از آنان که ایمان آورده اند براه راست بار خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بده ما را در

الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار

دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ

مولف گوید که این جزوی است از دعای طولانی که از حضرت صادق علیه السلام منقول است
و ادعیه عرفه بسیار است و در کتاب بحار الانوار و رساله علیحده جمع کرده ام و اکثر خلق را آنچه
مذکور شد درین رساله کافی است و سابقا مذکور شد که عمل استفتاح را نیز درین روز می توان کرد

فصل سوم در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روز عید و ایام تشریق است یعنی یازدهم
و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جمله چهار شبی است که احیای آنها سنت موکده است
و منقول است که درین شب درهای آسمان بسته نمی شود و برای آنکه صداها و دعای حاجیان بالا رود
و صداهای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل در میان کندو و حق تعالی
حاجیان را ندا کند که منم پروردگار شما و شمائید بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است
که دعای شما را مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را می آمرزد و هر که
سزاوار آن نیست گناهانش را کم میکند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک شود
در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام درین شب سنت
است و منقول است که هر که درین شب آنحضرت را زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده
شود و اما اعمال روز عید غسل در آن سنت موکده است و بعضی واجب دانسته اند
و بهتر آن است که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام علیه
السلام سنت موکده است و بگمان فقیر واجب است بشرائط مقرره و نمازش بهمان کیفیتی است
که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید آنجا مذکور شد و دعا
و بعد از آن وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها دعای چهل و هشتم
صحیفه کامله است که اولش اینست اللهم هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و ششم
را که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ صحیفه
استحباب خواندن آن دعا نیز وارد شده است و دعا ندبه که بهترین دعاها است در این روز
و سایر اعیاد سنت است خواندن چنانچه بعد ازین انشاء الله تعالی در ضمن زیارات
ذکر خواهد شد و درین عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود

وازجملهٔ احکام این عید قربانی ست وآن سنت موکدست وبعضی از علما واجب
دانسته اند اگر قدرت بران داشته باشد واز حضرت صادق علیه السلام منقولست
که اضحیه واجب ست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود اضحیه بکن و از برای عیال خود
اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست
که بآنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر می شود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه کنم
حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز عید بکشند
و در روز یازدهم و دوازدهم نیز می تواند کشت و اگر در منی باشد در روز سیزدهم نیز
می تواند کشت و بهتر آنست که در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه ست قربانی
کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و می باید که شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد
وحیوانات دیگر را قربانی نمی توان کرد و اگر شتر باشد می باید که پنج سال تمام و داخل ششم شده باشد
یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد می باید یکسالش تمام شده باشد و داخل سال دوم
شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر ست و اگر گوسفند باشد شش ماهه
کافی ست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر ست و می باید نقصی در اعضایش
نبوده باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد
که راه رفتن بران دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد
و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نشده باشد بهتر ست و باید که مغز
شاخش نشکسته باشد بهتر ست و بهتر آنست که بیمار و بسیار پیر نبوده باشد
و سنت ست که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش
نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه هایش را نبریده باشند و مکروه ست اگر
خصیه هایش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی می توان کرد
و سنت ست که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر
باشد و سنت ست که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد

...دی بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه
در گودال پائین گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام می‌شود و واجبست
که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد و سنت است که آنرا ایستاده بدارد رو بقبله و
هر دو دستش را از سر تا بزانو بریسمانی ببندد بر یکدیگر بپیچد و آنکه نحر میکند در
جانب راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا
بز باشد باید که چهار رگ گردن ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که بر دو جانب
حلقوم است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف آن
میرود و اگر اینها را نحر کند حرام می‌شوند و سنت است که دعا بخواند در
وقت کشتن چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که چون قربانی را بخری روی آن بقبله کن و در وقت
نحر یا ذبح بگو

وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین
متوجه گردانیدم روی خود را بسوی آنکسیکه پیدا کرده است آسمانها و زمین را در حالتیکه مایلم بحق سلام ... و نیستم از مشرکان
ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت
بدرستیکه نماز من و عبادتهای من و زندگی من و مرگ من از برای خداست که پروردگار عالمیانست نیست شریکی او را و باین مأمور شده‌ام
وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر پس بحز (بگو) اللهم تقبل منی
و من از مسلمانانم بارخدایا این قربانی از تست و برای تست بنام خدا و خدا بزرگتر است خداوندا بپذیر از من
فرمود که تا نمیرد سرش را جدا مکن چون بمیرد بکند سنت است که یک حصه را خود و اهل خانه اش
بخورند و بهتر آنست که خود به آن افطار کند و یک حصه برای همسایگان هدیه بفرستد
و اگر پریشان باشند بهتر است و یک حصه بفقرا و سؤال کنندگان بدهد اگر اکثر را تصدق کند
بهتر باشد و سنت کرده است ... و کله و جمیع اجزا را حلال است تصدق کنند و تصرف نکنند و ... مگر آنکه ... ایشان باشند
و بسند صحیح از ... منقولست که ... تا سه روز ... آن ... و ...

یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال بکشد کافیست و اگر یکی برای خود و یکی برای عیال بکشید بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوب است و اگر برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوب است و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دو گوسفند قربانی کردند در اول فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دوم فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر سال اول یک گوسفند قربانی میکرد و می فرمود خداوندا این از پیغمبر است پس گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر نباشند که قربانی جدا بکنند جائز است که بایکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه هفتاد نفر حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقول است که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقیب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی واجب دانسته اند و اولش بعد از هر نماز یک مرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوب است و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح این است

اللهُ أَکْبَرُ اللهُ أَکْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَکْبَرُ اللهُ أَکْبَرُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست معبودی بحق جز او و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اللهُ أَکْبَرُ عَلَىٰ مَا هَدَانَا اللهُ أَکْبَرُ

و مر خدا راست ستایش خدا بزرگتر است بر آنچه راه نمود ما را خدا بزرگتر است

عَلَىٰ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَىٰ مَا أَبْلَانَا

بر آنچه روزی داد ما را از چهارپایان چرنده و حمد مر خدا راست بر آنچه آزمایش نمود ما را

فصل چهارم در فضائل و اعمال شب روز عید غدیر است روز عید غدیر بحسب این امت از عظیم ترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصا است و درین مقام بچند حدیث اکتفا می نماید بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون روز قیامت شود چهار روز را به نزد عرش الهی برند با زینتهای تمام مانند عروسی که بخانه داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابراهیم خلیل علی نبینا و علیه السلام را از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر حق تعالی و آن روزیست که خدا دران روز کامل گردانید دین را با آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المومنین علیه السلام را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن دین است و روزی است که بینی شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان و محبان آل محمد درین روز مقبول میشود و این روزیست که حق تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میگرداند مانند ذره ها که در میان هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بران کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا می کنند بر محمد و آل محمد و استغفار می کنند برای شیعیان امیر المومنین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص محمد و آل محمد و شیعیان ایشان کرده است و این روزیست که خدا زیاد میگرداند مال کسی را که عبادت خدا کند درین روز و توسعه دهد روزی را بر عیال خود و برادران مومن خود و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روز ریست

که خدا می‌شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناهان ایشان را می‌آمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این
روزیست که خدای تعالی عملهای شیعیان را زایل نکرداند و گناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش
است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارتست و روز عید بزرگ است و
روزیست که دعاها در آن مستجاب میگردد و روز موقف بزرگ است و روز پوشیدن جامه‌های نیکو
و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد
بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و روز قبول
اعمالست و روز طلب زیادتی نور است و روز استراحت مومنانست و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی
کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن رحمت خداست و روز ترک کبائر و گناهانست و روز عبادتست
و روز افطار فرمودن روزه داران است پس که روزه داری را درین روز افطار فرماید
چنانست که ده فئام را طعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز تهنیت
و مبارکبادست پس مومن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید که
الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام
یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ زده اند در ولایت و محبت
پادشاه مومنان و ائمه علیهم السلام این روز تبسم است در روی مومنان پس که تبسم کند
در روی برادر مومن خود در روز عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت
و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را
نورانی گرداند و این روز زینت است پس که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد
از برای او هر گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند
برای او حسنات و بلند کنند برای او درجات تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید
مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی
دهد درین روز مومنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که
دیدن کند درین روز مومنی را داخل کند خدای تعالی در قبر او هفتاد نور و قبرش را

گشاده کرده‌اند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک بشارت دهند او را به بهشت

و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانها سبقت گرفتند پس پیشی گرفتند باقرار آن اهل آسمان هفتم پس زینت داد آنرا بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند اهل آسمان چهارم باقرار آن پس زینت داد آنرا به بیت المعمور پس سبقت گرفتند آن اهل آسمان اول دنیا پس زینت بخشید به ستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار آن مکه معظمه پس زینت داد آنرا بکعبه پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت داد آنرا به محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پس سبقت گرفت بسوی آن شهر کوفه پس زینت داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و بان سبب این جواهر بهتر از آنها همه شد پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند و هر یک که اقرار نکرد معدن هیچ چیز نگردید باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر کدام قبول کرد سخن گو و خوش آواز گردید و هر که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم علیه السلام و مثل آنها که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مثل شیاطین است در قبول نکردن سجده آدم علیه السلام و در روز غدیر این آیه نازل شد

الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا

یعنی امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود که تمام نشده است دین خدا بر پیغمبر مگر آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز تعیین کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی بجز غیر جمعه و اضحی و فطر هست فرمود عیدی هست که از همه عیدها بزرگتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیکه نصب کرد رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام را بخلافت و فرمود که هر که من مولا و آقای اویم پس علی مولا و آقای اوست آن روز هیجدهم ذی الحجه است راوی گفت چه کار در آن باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را

یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین
علیه السلام را که این روز را عید کرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این
روز را عید کردانند و بروایت دیگر فرموده که روزه روز غدیر کفاره شصت سال
گناه است و بروایت دیگر منقول است که مفضل از حضرت صادق علیه السلام پرسید
که آیا ممکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری والله آری والله آری بدرستیکه
که درین روز خدا توبه حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد و بشکر آن این روز را
روزه داشت و درین روز خدا حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر آن
این روز را روزه داشت و درین روز حضرت موسی هارون را وصی خود کردانید
و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و درین روز حضرت عیسی علیه السلام
وصیت وصی خود شمعون الصفا را اظهار کردانید و این روز را بشکر حق سبحانه و تعالی
روزه داشت و درین روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین
علی علیه الصلوة و السلام را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت
او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه
داشتن است و روز عبادتست و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است
با برادران مومن و روزیست که خدا از مومنان خوشنود میکردد و بینی شیطان بخاک
مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقول است که گفت روزی در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیاری حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد
و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز
غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری
هست که یک خشت آن از طلاست و یک خشت از نقره و در آن قصر صد
هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش
مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب

ونهری از شیر ونهری از عسل ودر دور آن درختان است از انواع میوه ها وبر آن درختان
مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است وبالهای آنها از یاقوت وبانواع
نغمه ها خوانندگی می کنند وچون روز عید غدیر می شود ودر آن قصر حاضر می شوند جمیع
اهل آسمانها تسبیح وتقدیس حق تعالی میکنند وآن مرغان پرواز میکنند ودر میان
آن آب فرو میروند وبر آن مشک وعنبر می غلطند وچون ملائکه جمع شدند پرواز می کنند و
مشک وعنبر بر ایشان می افشانند ودرین روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها را
که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی ودرخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه
می فرستند وچون آخر این روز می شود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که بر
گردید بسوی درجه ها ومرتبه های خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه وخطا
ولغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد وعلی صلوات الله علیهما پس
حضرت فرمود که ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام حاضر شوی بدرستیکه خدای تعالی درین روز می آمرزد از هر مرد مؤمن
وزن مؤمنه گناه شصت ساله ایشانرا ودرین روز آزاد می کند از آتش جهنم دو
برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان وشب قدر وشب فطر ویک درهم که درین روز
به برادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی واحسان کن
درین روز به برادران مؤمن خود وشاد گردان هر مؤمن وزن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم
فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روزه ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند
وزیارت امیر المؤمنین علیه السلام درین روز فضیلت بسیار دارد واز نزدیک ودور
موافق روایت صفوان وغیر او اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت بجا
آورند ودر رکعت اول سوره انا انزلنا ودر رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوانند پس بگویند یا بخوانند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَلِیِّكَ وَاَخِی نَبِیِّكَ وَوَزِیْرِهٖ وَحَبِیْبِهٖ وَخَلِیْلِهٖ

بارخدایا رحمت فرست بر ولی خود وبرادر پیغمبر خود ووزیر او ودوست او ودوست او

وموضع سرّه وخيرته من اسرته وصيّه وصفوته وخالصته وامينه ووليّه

وجمل راز او وبرگزیده او از گروه او وصی او وبرگزیده او ومختار او وامین او ودوست او

واشرف عترته الّذين آمنوا به وابي ذرّيّته وباب حكمته والنّاطق

وبزرگترین خویشان او که ایمان آوردند باو وپدر اولاد او ودروازه حکمت او وگویا

بحجّته والدّاعي الى شريعته والماضي على سنّته وخليفته على امّته

بحجت او وخواننده بسوی شریعت او ورونده بر طریقه او وجانشین او بر امت او

سيّد المسلمين وامير المؤمنين وقائد الغرّ المحجّلين افضل ما صلّيت

سردار مسلمانان وامیر مومنان وپیشوای مومنان تابان اعضاء بهترین آنچه درود فرستادی

على احد من خلقك واصفيائك واوصياء انبيائك اللّهمّ انّي اشهد

بر یکی از خلق خود وبرگزیدگان خود وجانشینان پیغمبران خود بار خدایا بدرستیکه من

انّه قد بلّغ عن نبيّك صلّى الله عليه وآله ما حمّل ورعى ما استحفظ

باینکه براستی رسانید از پیغمبر تو درود فرستد خدا براو وآل او آنچه را برداشته شده ورعایت کرد آنچه نگاهداشته شده

وحفظ ما استودع وحلّل حلالك وحرّم حرامك واقام احكامك

ونگاهداشت آنچه امانت سپرده شد وحلال کرد حلال ترا وحرام کرد حرام ترا وبرپا داشت حکمهای ترا

ودعا الى سبيلك ووالى اوليائك وعادى اعدائك وجاهد

ودعوت کرد بسوی راه تو ودوستی کرد دوستان ترا ودشمنی کرد دشمنان ترا ومجاهده کرد

النّاكثين عن سبيلك والقاسطين والمارقين عن امرك صابرا

با برگردندگان از راه تو وبا بیدادکنندگان وبرآیندگان از فرمان تو در حالتیکه صبر

محتسبا مقبلا غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم حتّى بلغ في ذلك

واحتساب روی آورنده نه پشت کرداننده بود نمی گرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کننده تا آنکه رسید

الرّضا وسلّم اليك القضاء وعبدك مخلصا ونصح لك مجتهدا

رضای ترا وسپرد بسوی تو قضا را وپرستش کرد ترا در حال اخلاص ونصیحت کرد برای تو کوشش نماینده

حتی اتاه الیقین فقبضته الیک شهیداً سعیداً ولیاً تقیاً رضیاً زکیاً

تا آنکه آمد او را مرگ پس گرفتی او را بسوی خود در حالیکه بود شهید سعادتمند دوست پرهیزکار پسندیده پاک

هادیاً مهدیاً اللهم صل علی محمد و علیه افضل ما صلیت علی احد

راهنما راه یافته خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر او بهترین رحمتها که فرستادی بر یکی

من انبیائک و اصفیائک یا رب العالمین

از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار عالمیان

السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته السلام علیک

سلام بر تو باد ای امیر مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد

یا امین الله فی ارضه و حجته علی عباده اشهد انک جاهدت

ای امانت دار خدا در زمین او و دلیل او بر بندگان او گواهی میدهم که براستی مجاهده کردی

یا امیر المؤمنین فی الله حق جهاده و عملت بکتابه و اتبعت سنن نبیه

ای امیر مؤمنان در راه خدا نهایت مجاهده او و عمل کردی بقرآن او و پیروی کردی طریقه‌های پیغمبر او را

صلی الله علیه و آله حتی دعاک الله الی جواره فقبضک الیه باختیاره

رحمت فرستد خدا بر او و آل او تا آنکه خواند ترا خدا بسوی همسایگی خود پس گرفت ترا بسوی خود بسبب اختیار او

لک کریم ثوابه و الزم اعدائک الحجة فی قتلهم ایاک مع ما لک من الحجج

برای تو ثواب بزرگ خود را و لازم گردانید دشمنان ترا حجت در کشتن آنها ترا با آنچه برای تست حجتهای

البالغة علی جمیع خلقه اللهم صل علی محمد و آله واجعل نفسی مطمئنة

کامله بر تمام خلق او بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرمیده

بقدرک راضیة بقضائک مولعة بذکرک و دعائک محبة لصفوة اولیائک

بقدر خود خوشنود شونده بقضای خود حریص بر ذکر خود و دعای خود دوست دارنده برای برگزیده دوستان خود

محبوبة فی ارضک و سمائک صابرة عند نزول بلائک شاکرة لفواضل

دوست داشته شده در زمین و آسمان تو صبر کننده نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده برای زیادتیهای

نَعمائِكَ ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلائِكَ مُشْتاقَةً اِلى فَرْحَةِ لِقائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوى لِيَوْمِ

نعمتهای تو یاد آورنده برای نعمتهای کامل تو آرزومند بسوی خوشحالی ملاقات تو توشه گیرنده پرهیزکاری را برای روز

جَزائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِيائِكَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْدائِكَ مَشْغُولَةً

پاداش تو راه گیرنده به راههای دوستان تو جدا شونده از خوهای دشمنان تو اعراض کننده

عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ اَللّهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتينَ اِلَيْكَ والِهَةٌ وَسُبُلَ

از دنیا بحمد تو و ثنای تو بار خدایا بدرستیکه دلهای فروتنی کنندگان بسوی تو شیفته اند و راههای

الرّاغِبينَ اِلَيْكَ شارِعَةٌ وَاَعْلامَ الْقاصِدينَ اِلَيْكَ واضِحَةٌ وَاَفْئِدَةَ الْعارِفينَ

راغبان بسوی تو گشاده است و نشانهای قصد کنندگان بسوی تو روشن است و دلهای عارفان

مِنْكَ فازِعَةٌ وَاَصْواتَ الدّاعينَ اِلَيْكَ صاعِدَةٌ وَاَبْوابَ الْاِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ

از تو ترسانست و آوازهای خوانندگان بسوی تو بلندست و درهای قبول دعا برای ایشان گشاده است

وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ اَنابَ اِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَكى

و دعای کسیکه مناجات کند تو را مستجاب است و توبه کسیکه بازگشت کند بسوی تو پذیرفته است و اشک کسیکه گریه کند

مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْاِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْاِعانَةَ

از خوف تو رحم کرده شده است و فریادرسی از برای کسیکه استغاثه کند بتو موجود است و یاری دادن

لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ

مر کسی را که یاری جوید از تو بذل کرده شده است و وعدهای تو مر بندگان را وفا کرده شده است و لغزشهای کسیکه طلب تجاوز نماید از تو

مُقالَةٌ وَاَعْمالَ الْعامِلينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَاَرْزاقَ الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ

تجاوز کرده شده است و عملهای عمل کنندگان نزد تو محفوظ است و روزیهای خلائق از نزد تو فرود آمده است

وَعَوائِدَ الْمَزيدِ اِلَيْهِمْ واصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوائِجَ

و منافع زیادتی بسوی خلائق واصل است و گناهان مغفرت طلبان آمرزیده است و حاجتهای

خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوائِزَ السّائِلينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ

خلق نزد تو برآورده شده است و جایزه های سوال کنندگان نزد تو بسیار است

وَعَوائِدَ الْمَزيدِ مُتَواتِرَةٌ وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمينَ مُعَدَّةٌ وَمَناهِلَ الظِّماءِ

و منافع زيادتى پى در پى آينده است و خوانهاى طعام طلبان آماده است و آبشخور تشنگان

لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائى وَاقْبَلْ ثَنائى وَاجْمَعْ بَيْنى وَبَيْنَ

نزد تو پر آب است بارخدايا پس بپذير دعاى مرا و قبول كن ثناى مرا و جمع كن ميان من و ميان

اَوْلِيائى وَاَحِبّائى بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

ياران من و دوستان من بحق محمد و على و فاطمه و حسن و حسين

وَالْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِمْ

و امامان از نسل حسين درودهاى خدا و رحمت او بر ايشان

اِنَّهُمْ اَئِمَّتى اِنَّكَ وَلِىُّ نَعْمائى وَمُنْتَهى مُناىَ وَغايَةُ رَجائى فى مُنْقَلَبى وَمَثْواىَ

كه امامان من اند بدرستيكه تو خداوند نعمتهاى منى و منتهاى آرزوهاى منى و نهايت اميد منى در جاى بازگشت و جاى اقامت من

و اگر بعد از نماز اول اين زيارت را بعمل آورد و آخر آن دعا را بخواند شايد بهتر باشد و شب غدير نيز شب بسيار مبارك است و در شب نيز مناسب است كه اين زيارت را بعمل آورند و نمازى در اين شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ايراد ننموديم و اما فضيلت روزه داشتن و تصدق كردن و افطار روزه دار نمودن در اين روز در اين ابواب احاديث بسيار است از جمله آنها اين روايت است كه حضرت صادق عليه السلام فرمود كه روزه روز عيد غدير برابر است با روزه عمر دنيا كه اگر كسى بقدر تمام عمر دنيا عمر بيابد و روزه بدارد روزه اين روز برابر است با ثواب او و روزه اش برابر است نزد خدا با صد حج و صد عمره و اين عيد بزرگ خدا است و خدا نفرستاده است پيغمبرى را مگر آنكه اين روز را عيد كرده است و حرمتش را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود است و نامش در زمين روز ميثاق مأخوذ و جمع مشهود است و هر كه در اين روز مؤمنى را افطار فرمايد ثواب كسى دارد كه فيام را طعام دهد كه هر فيامى صد هزار كس است و ثواب كسى دارد كه طعام دهد و آب دهد باين عدد كه مذكور شد.

از پیغمبران و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال محقق و یک درهم که درین
روز تصدق کنند برابرست با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند
پس فرمود که شاید که گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش ازین روز بیشتر باشد
نه والله نه والله نه والله و در روایت دیگر فرمود که روزه اش برابرست با شصت ماه
از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید روز سرور و شادیست و بسند معتبر
از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام بودم و آن حضرت در آن روز مخصوصان و خویشان و
اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه داشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای
ایشان طعامها و زرها و خلعتها فرستاده حتی انگشتر و کفش نیز فرستاده بود و بایشان
خلعتهای فاخره شفقت فرموده و ملازمان و خدمتکاران خود را جامه های نو بسیار نفیس
پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای ایشان نقل میفرمود و از جمله آنها گفت که در
بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روز جمعه با روز عید غدیر
در یک روز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه
طولانی خواند و فضائل روز غدیر بسیار بیان فرمود و نامهای بسیار از برای این روز ذکر
کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسع کنید بر عیال خود
و احسان و نیکی کنید نسبت ببرادران مؤمن خود و در خانه های خود برادران
مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی
و احسان کردن درین روز مال و عمر را زیاد می کند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب
مزید رحمت الهی است و تا توانید ببخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن
خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر
مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان خود را با خود برابر کنید بدرستیکه دادن یک
درهم درین روز برابرست با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا می فرماید و روزه

این روز را حق تعالی سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول
دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بآنکه روز ها روزه بدارد و شب ها بعبادت بسر برد و کسیکه بر
آورد حاجت برادر مومن را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و خوشی او نیکی کند چنان
باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که درین شب مومنی
را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد و چگونه
باشد ثواب کسیکه متکفل احوال چندین نفر از مردان مومن و زنان مومنه بشود و هر که چنین کند
من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد دران شب یا دران روز و یا بعد
از ان تا عید غدیر آینده بدون آنکه گناه کبیره بسیار بکند البته آمرزیده است و هر که قرض کند
درین روز برای برادران مومن خود من ضامنم بر خدا که او را زنده بدارد یا بمیراند آن قرض را از
متحمل شود و از دوش او بردارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و یکدیگر را
تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغائبان بگویند و توانگران رعایت کنند فقیران را و قویا
دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول صلعم مرا بهمه اینها امر فرموده و بدانکه غسل در
اول این روز سنت موکده است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهورش آنست که
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که درین روز نیم ساعت پیش از
زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل هو الله احد و انا انزلنا
و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار
حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سوال کند
البته باسانی و عافیت بر آورده شود و چون برادر مومن را ملاقات کنی بگو که
الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من الموفین بعهده الذی عهده
سپاس خدای را که گرامی داشت ما را باین روز و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد کرده بود
الینا ومیثاقه الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره والقوام بقسطه
بسوی ما و پیمانی که محکم کرده است با ما از دوستی والیان امر او و قائمان بعدل او

[illegible]

وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ
ونگردانید ما را از منکران و تکذیب کنندگان بروز جزا

یعنی سپاس خدای را است که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمان آورندگان
و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما و پیمانی که محکم گردانیده است با
که ولایت والیان امر امامت است و آنها که حکم می کنند بعدالت در میان خلق و نگردانید
ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا و فرمود که بعد از نماز این دعا بخوانند

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا
ای پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم آواز کننده که ندا میکرد برای ایمان آنکه ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار
ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ
گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کرده ما را بر زبان پیغمبران خود
وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ
و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را بار خدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و کافی است
شَهِيدًا وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ
گواه و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای
وَأَرَضِيكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَلَا نَعْبُدُ سِوَاكَ فَتَعَالَيْتَ
و زمینهای ترا بآنکه براستی تو خدائی نیست خدائی بجز تو عبادت کرده شده پس پرستش نمیکنیم سوای ترا پس برتری
عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ
از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگ و گواهی میدهم برآنکه محمد بنده تو و پیغمبر تست و گواهی میدهم
أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَمَوْلَانَا رَبَّنَا سَمِعْنَا وَأَجَبْنَا وَصَدَّقْنَا الْمُنَادِيَ
برآنکه امیر المؤمنین علی بنده تو و سرور ما است ای پروردگار ما شنیدیم و قبول کردیم و تصدیق کردیم ندا کننده
رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ نَادَى بِنِدَاءٍ عَنْكَ بِالَّذِي أَمَرْتَهُ أَنْ يُبَلِّغَ
یعنی پیغمبر ترا درود فرستد خدا بر او و آل او وقتیکه ندا کرد بندائی از جانب تو بآنچه امر کرده بود بآنکه برساند

[illegible]

ما أنزلت إليه من ولاية وليّ أمرك وحذّرته وأنذرته إن لم يبلّغ ما

برسانی آنچه را که فرود آورده شد بسوی او از مولی بودن ولی امر تو و حذر فرمودی او را و ترسانیدی او را از آنکه نرساند

أمرته به أن تسخط عليه ولمّا بلّغ رسالاتك عصمته من الناس فنادى

امر کردی او را بآن بآنکه غضب کنی بر او و هرگاه تبلیغ کرد رسالتهای ترا نگاه داشتی او را از مردم پس ندا کرد

مبلّغاً عنك ألا من كنت مولاه فعليّ مولاه ومن كنت وليّه فعليّ

در حالتیکه رساننده بود از تو آگاه باشید هر که هستم من مولای او پس علی مولای او و هر که هستم من ولی او پس علی

وليّه ومن كنت نبيّه فعليّ أميره ربّنا قد أجبنا داعيك النذير المنذر محمّداً عبدك

ولی اوست و هر که هستم من پیغمبر او پس علی امیر اوست ای پروردگار ما بتحقیق اجابت کردیم دعوت کننده ترا بیم کننده محمد بنده تو

ورسولك إلى الهادي المهديّ عبدك الذي أنعمت عليه وجعلته

و رسول تست بجانب راه نما راه یافته بنده تو آنچنان بنده که انعام کردی بر او و گردانیدی او را

مثلاً لبني إسرائيل عليّ أمير المؤمنين ومولاهم ووليّهم ربّنا آمنّا واتّبعنا

مثل برای بنی اسرائیل علی امیر مومنان و مولای ایشان و ولی ایشان ای پروردگار ما ایمان آوردیم و پیروی کردیم

مولانا ووليّنا وهادينا وداعينا وداعي الأنام وصراطك المستقيم

مولای خود و ولی خود و رهنمای خود و دعوت کننده خود و دعوت کننده خلق را و راه راست ترا

وحجّتك البيضاء وسبيلك الداعي إليك على بصيرة هو ومن اتّبعه

و حجت روشن ترا و راه ترا که دعوت کننده است بجانب تو بر بینائی او و هر که پیروی او نمود

وسبحان الله وتعالى عمّا يشركون وأشهد أنّه الإمام الهادي

و منزه است خدا و برتر است از آنچه شریک او میگردانند و گواهی میدهم که اوست امام راه نماینده

الرشيد أمير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك وقولك الحقّ

راه یابنده امیر مومنان آنکه ذکر کردی او را در کتاب خود و قول تو راست است

وإنّك قلت وإنّه في أمّ الكتاب لدينا لعليّ حكيم اللهمّ فإنّا

و بدرستیکه تو گفتی و بدرستیکه او در لوح محفوظ نزد ما هر آینه بلند رتبه صاحب حکمت است بار خدایا پس ما

[illegible]

نشهد بانه عبدك والهادي بعد نبيك النذير المنذر وصراطك

شهادت میدهیم اینکه علی بنده است و رهنماست بعد پیغمبر تو که ترساننده و بیم دهنده است و راه تو

المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك

راست است و امیر مؤمنان و پیشوای سفید رویان و پایها سفیدها و حجت تو که رسا است و زبان تو

المعبر عنك في خلقك وانه القائم بالقسط في بريتك وديان دينك

که تعبیر کننده است از تو در خلق تو و بدرستیکه او است بر پا بعدل در خلق تو و حاکم دین تو

وخازن علمك وامينك المامون الماخوذ ميثاقه وميثاق رسولك

و خزانه دار علم تو و امین تو اعتماد کرده شده گرفته شده پیمان او و پیمان رسول تو

عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص لك و

بر هر دو سلام باد از همه خلق تو و آفریده تو گواهی دهنده باخلاص برای تو

الوحدانية بالربوبية بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك

به یکتائی و پروردگاری باینکه تو خدا استی نیست معبودی جز تو و اینکه محمد بنده تو

ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك والاقرار بولايته

و پیغمبر تست و اینکه علی امیر مؤمنان است کردانیدی او را ولی خود و گردانیدی اقرار بولایت او

تمام وحدانيتك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك

تمامی توحید خود و کمال دین خود و تمام نعمت خود بر تمام خلق خود و آفریده خود

فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي

پس گفتی و گفته تو درست است که امروز کامل کردانیدم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را

ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علينا

و پسندیدم برای شما اسلام را دین پس مر تراست ستایش بدوستی او و تمام کردن نعمت خود بر ما

بالذي جددت لنا من عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا

بآنچه تازه کردی برای ما از عهد خود و پیمان خود و بیاد دادی ما را آن عهد بیماری و گردانیدی

[illegible]

مِنْ اَهْلِ الْاِخْلاصِ وَالتَّصْدیقِ بِمیثاقِکَ وَمِنْ اَهْلِ الْوَفاءِ بِذٰلِکَ

از اهل اخلاص و گرویدن به پیمان خود و از اهل وفا بآن پیمان

وَلَمْ تَجْعَلْنا مِنْ اَتْباعِ الْمُغَیِّرینَ وَالْمُبَدِّلینَ وَالْمُحَرِّفینَ وَالْمُبَتِّکینَ

و نگردانیدی ما را از تابعان تغیر دهندگان و بدل کنندگان و تحریف کنندگان و برندگان

اٰذانَ الْاَنْعامِ وَالْمُغَیِّرینَ خَلْقَ اللهِ وَمِنَ الَّذینَ اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطانُ

گوشهای چارپایان و تغیر دهندگان خلق خدا و از جماعت که غالب شد برایشان شیطان

فَاَنْساهُمْ ذِکْرَ اللهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبیلِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقیمِ اَللّٰهُمَّ

پس فراموش گردانید ایشان را از ذکر خدا و باز داشت ایشان را از راه حق و طریق راست بار خدایا

الْعَنِ الْجاحِدینَ وَالنّاکِثینَ وَالْمُغَیِّرینَ وَالْمُبَدِّلینَ وَالْمُکَذِّبینَ بِیَوْمِ الدّینِ

لعنت کن منکران را و عهد شکنان را و تغیر دهندگان را و بدل کنندگان را و تکذیب کنندگان به روز جزا را

مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْاٰخِرینَ اَللّٰهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی اِنْعامِکَ عَلَیْنا بِالَّذی

از پیشینیان و پسینیان بار خدایا پس مر تراست ستایش بر نعمت دادن تو بر ما به آنکه

هَدَیْتَنا بِهِ اِلٰی وُلاةِ اَمْرِکَ مِنْ بَعْدِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ

که راهنمائی کردی ما را بآن بسوی والیان کار تو بعد از پیغمبر تو درود فرستد خدا بر او و آل او

الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ الرّاشِدینَ وَاَعْلامِ الْهُدٰی وَمَنارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوٰی

که امامان راه نمایان راه یابان نشانهای هدایت و جای روشنائی دلها و پرهیزکاری

وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰی وَکَمالِ دینِکَ وَتَمامِ نِعْمَتِکَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوالاتِهِمْ

و دست آویز محکم و کمال دین تو و تمام نعمت تو اند و کسانیکه بایشان و بدوستی ایشان

رَضیتَ لَنَا الْاِسْلامَ دیناً رَبَّنا فَلَکَ الْحَمْدُ اٰمَنّا وَصَدَّقْنا بِمَنِّکَ

پسندیدی برای ما اسلام را دین ای پروردگار ما پس تراست سپاس ایمان آوردیم تصدیق کردیم

عَلَیْنا بِالرَّسُولِ النَّذیرِ الْمُنْذِرِ وَوالَیْنا وَلِیَّهُمْ وَعادَیْنا عَدُوَّهُمْ

بمنت بر ما به پیغمبر بیم دهنده ترساننده و دوست داشتیم دوست ایشان را و دشمن داشتیم دشمن ایشان را

وَبَرِّئْنا مِنَ الْجاحِدينَ وَالْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ اللّهُمَّ

و بیزار شدیم از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا بار خدایا پس

ذٰلِكَ مِنْ شَأْنِكَ يا صادِقَ الْوَعْدِ يا مَنْ لا يُخْلِفُ الْميعادَ يا مَنْ هُوَ

این از شأن تو ای راست وعده ای کسیکه خلف وعده نمینماید ای کسیکه او

كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ إِذْ أَتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ بِمُوالاةِ أَوْلِيائِكَ الْمَسْؤُولِ

هر روز در کاریست وقتیکه تمام کردی بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان خود آنها که سؤال کرده

عَنْهُمْ عِبادُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ وَقُلْتَ

از آنها بنده های تو زیرا که براینه تو گفتی که پس براینه سؤال کرده میشوید در آن روز از نعمتها و گفتی

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ وَمَنَنْتَ عَلَيْنا بِشَهادَةِ الْإِخْلاصِ

و گفته تو حق است که بایستانید ایشان را که براینه ایشان سؤال کرده میشوند و منت نهادی بر ما بگواهی اخلاص

وَبِوِلايَةِ أَوْلِيائِكَ الْهُداةِ بَعْدَ النَّذيرِ الْمُنْذِرِ السِّراجِ الْمُنيرِ فَأَكْمَلْتَ

و بدوستی دوستان خود که راه نمایندگانند بعد از پیغمبر بیم دهنده ترساننده چراغ روشن پس کامل کردی

لَنا بِهِمُ الدّينَ وَأَتْمَمْتَ عَلَيْنا النِّعْمَةَ ... لَنا عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنا

برای ما بایشان دین خود را و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی برای ما عهد خود را و یاد دادی ما را

ميثاقَكَ الْمَأْخُوذَ مِنّا في ابْتِداءِ خَلْقِكَ إِيّانا وَجَعَلْتَنا مِنْ أَهْلِ الْإِجابَةِ

پیمان خود را که گرفته شده از ما در ابتدای آفریدن تو ما را و گردانیدی ما را از قبول کنندگان

وَلَمْ تُنْسِنا ذِكْرَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَني آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ

و فراموش نکردانیدی ما را ذکر خود را پس بدرستیکه تو گفتی یاد کن وقتی را که گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى شَهِدْنا

ذریت آنها را و گواه گردانید آنها را بر نفسهای آنها که آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم

بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ رَبُّنا وَمُحَمَّدٌ عَبْدُكَ

باحسان تو و لطف تو پس بدرستیکه توئی تو خدائی که نیست معبودی بجز تو پروردگار ما و محمد بنده تو

وَرَسُولُكَ نَبِيُّنَا وَعَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا

و در رسول فرستاده تو پیغمبر ماست و علی امیر مؤمنان بنده تو آنچنان بنده که احسان کردی بسبب او بر ما

وَجَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيَتَكَ الْكُبْرَى وَصِرَاطَكَ

وگردانیدی او را علامتی برای پیغمبر خود درود فرستد خدا بر او و آل او وگردانیدی او را علامت بزرگ خود و راه خود

الْمُسْتَقِيمَ وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْئُولُونَ

که راست است و خبر بزرگی که ایشان در آن اختلاف دارند و از آن سوال کرده میشوند

اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهِدَايَةِ اِلَى مَعْرِفَتِهِمْ

بار خدایا پس چنانچه بود از شأن تو اینکه آسان کردی بر ما براه نمائی بسوی شناختن ایشان

فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَارِكَ لَنَا

پس باید که باشد از شأن تو اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برکت دهی ما را

فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ وَذَكَّرْتَنَا فِيهِ عَهْدَكَ وَمِيثَاقَكَ

در روز ما که این روز است آن روزیکه اکرام کردی ما را بآن و یاد دادی ما را در آن روز عهد خود و پیمان خود

وَاَكْمَلْتَ لَنَا دِينَنَا وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَجَعَلْتَنَا بِمَنِّكَ مِنْ اَهْلِ

و کامل گردانیدی برای ما دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را باحسان خود از اهل

الْاِجَابَةِ لَكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكَ اَعْدَاءِ اَوْلِيَائِكَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ

اجابت خود و بیزاری از دشمنان خود و از دشمنان دوستان خود که تکذیب میکنند بروز

الدِّينِ فَاَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا وَاَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْمُوقِنِينَ

جزا پس سوال میکنم ای پروردگار من تمام کردن آنچه انعام کرده بآن بر ما و اینکه بگردانی ما را از اهل یقین

وَلَا تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا

و ملحق مگردانی ما را بتکذیب کنندگان و بگردان برای ما پایه راستی با پرهیزکاران و بگردان ما را با پرهیزکاران پیشوا

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْاَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ

روزیکه میخوانیم تمام آدمیان را به پیشوای ایشان و برانگیز ما را در گروه اهل بیت پیغمبر خود که امامان راستگویند

وَاجْعَلْنَا مِنَ الْبُرَآءِ مِنَ الَّذِينَ هُمْ دُعَاةٌ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ

وبگردان ما را از بیزار شدگان از کسانیکه ایشان دعوت کنندگانند بسوی آتش و روز قیامت ایشان از

الْمَقْبُوحِينَ وَأَحْيِنَا عَلَىٰ ذٰلِكَ مَا أَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

زشت شدگانند و زنده دار ما را بر این مادام که زنده داری ما را و بگردان ما را با رسول خود راهی

وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ مَحْيَانَا خَيْرَ الْمَحْيَا وَ

و بگردان برای ما قدم راستی در مهاجرت بسوی ایشان بگردان زندگانی ما را بهتر زندگی و

مَمَاتَنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَمُنْقَلَبَنَا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلَىٰ مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ

مرگ ما را بهتر مرگ و جای بازگشت ما را بهتر جای بازگشتی بر دوستی دوستان خود و دشمنی

أَعْدَائِكَ حَتَّىٰ تَتَوَفَّانَا وَأَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ أَوْجَبْتَ لَنَا جَنَّتَكَ

دشمنان خود تا اینکه بمیرانی ما را و تو از ما خوشنود باشی تحقیق واجب کرده باشی برای ما بهشت خود را

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْمَثْوَىٰ مِنْ جِوَارِكَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ مِنْ

برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان و جای اقامت را از همسایگی خود در جای بودن از

فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا

فضل خود نرسد ما را در آنجا رنجی و نرسد ما را در آنجا ماندگی ای پروردگار ما بیامرز برای ما

ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا

گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کردی ما را

عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللّٰهُمَّ احْشُرْنَا

بر زبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خدایا محشور گردان ما را

مَعَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ

با امامان راه نمایان از آل پیغمبر خود ایمان آوریم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان

وَغَائِبِهِمْ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي

و غایب ایشان بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحقیکه گردانیدی آنرا نزد ایشان و بآنچه

فَضَّلْتَهُمْ بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعاً اَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي اَكْرَمْتَنَا

فضیلت دادی ایشان را بسبب آن بر عالمیان همه اینکه برکت دهی ما را در روز ما این روزی که گرامی کردی

فِيهِ بِالْمُوَافَاةِ بِعَهْدِكَ الَّذِي عَهِدْتَهُ اِلَيْنَا وَ بِالْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ مِنْ

در این روز بتمام کردن پیمان خود و تحقیقان به آنکه عهد کردی آنرا بسوی ما و به پیمانیکه پیمان گرفتی از ما بآن از

مُوَالاةِ اَوْلِيَائِكَ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكَ اَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَ

دوستی دوستان خود و بیزاری از دشمنان خود اینکه تمام کنی بر ما نعمت خود را و

لَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعاً وَ اجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ اَبَداً وَ لَا تَجْعَلْهُ

نگردان آنرا امانت گذشته شده و بگردان آنرا ثابت و مربا از ما هرگز و نگردان آنرا

مُسْتَعَاراً وَ ارْزُقْنَا مُرَافَقَةَ وَلِيِّكَ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ اِلَى الْهُدَى وَ

عاریت و روزی کن ما را همراهی دوست خود که راه نما و راه یافته است بسوی راه راست

تَحْتَ لِوَائِهِ وَ فِي زُمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ دِينِكَ اِنَّكَ

در زیر علم او و در گروه او که شهیدان است که باشند بر بینائی از دین خود بدرستیکه تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و اگر این عمل را دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ مفید

بر همه چیز قادری علیه الرحمة و دیگران از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند

که هر که در روز عید غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد اکثر نزدیک به زوال بعد

که در آن ساعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را

در غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است یعنی بهر سوره که خواهد و اگر در

رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر دیگر

وارد شده است بهتر است پس بسجده رود و صد مرتبه شکراً لله یا شکراً بگوید و چون

سر از سجده بردارد این دعا را بخواند

اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو باینکه مر تراست سپاس تنها نیست شریکی مر ترا

وانك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم تكن لك كفوا احد وان

وبانکه تو یگانه یکتائی پاکی نزائیدی و نزاده شدی نیست مر ترا همتای کسی و بانکه

محمدا عبدك ورسولك صلواتك عليه وآله يا من هو كل يوم في

محمد بنده تو و فرستاده تست درودهای تو براو و آل او ای کسیکه او هر روز در

شان كما كان من شانك ان تفضلت علي بان جعلتني من اهل اجابتك

کاری است چنانچه بود از کار تو اینکه احسان کردی بر من بانیکه گردانیدی تو مرا از اهل اجابت خود

واهل دينك واهل دعوتك ووفقتني لذلك في مبتدء خلقي تفضلا

واهل دین خود واهل دعوت خود و توفیق دادی مرا برای این در اغاز آفرینش من از راه فضل

منك وكرما وجودا ثم اردفت الفضل فضلا والجود جودا والكرم كرما

خود واز راه کرم و بخشش پس ردیف گردانیدی فضل را فضلی دیگر بخشش را بخششی دیگر و کرم را کرمی دیگر

رافة منك ورحمة الى ان جددت ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديد

از جهت مهربانی خود و رحمت خود باینکه تازه کردی آن عهد را برای من تازه کردنی بعد تازه کردن تو

خلقي وكنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك بان ذكرتني

آفرینش مرا و بودم فراموش شده بالمره فراموشکار سهو کننده غفلت زده پس تمام کردی نعمت خود را بانیکه یاد دادی مرا

ذلك ومننت به علي وهديتني له فليكن من شانك يا الهي وسيدي

آنرا و انعام کردی تو بان بر من وراه نمودی مرا برای او پس باید که باشد از شان تو ای خدای من و سرور من

ومولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على ذلك وانت عني راض

و مولای من اینکه تمام کنی برای من آنرا و نرباید از من آنرا تا بمیرانی مرا بر آن در حالیکه تو از من خوشنود باشی

فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك علي اللهم سمعنا واطعنا واجبنا

پس بدرستیکه تو سزاوارترین نعمت دهندگانی باینکه تمام کنی نعمت خود را بر من بار خدایا شنیدیم و اطاعت کردیم و اجابت

داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك المصير آمنا بالله

خوانندهٔ ترا باحسان تو پس مر تراست سپاس آمرزش ترا میخواهیم پروردگار ما و بسوی تست بازگشت ایمان آوردیم بخدا

وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى الله عليه وآله وصدقنا وأجبنا
تنها نیست شریکی مراورا وبرسول او محمد درود فرستد خدا برا و وآل او وتصدیق کردیم وقبول کردیم

داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة مولانا ومولى المؤمنين أمير المؤمنين
خواننده خدارا وپیروی کردیم رسول را در دوستی سرور ما وسرور مؤمنان امیر اهل ایمان

علي بن أبي طالب عبد الله وأخي رسوله والصديق الأكبر والحجة على
علی پسر ابی طالب بنده خدا وبرادر رسول او وصدیق اکبر وحجت بر

بريته المؤيد به نبيه ودينه الحق المبين علماً لدين الله وخازن علمه
خلق خدا تقویت یافته باو پیغمبر او ودین او راست روشن نشان مر دین خدا را وخزانه دار علم او ورا

وعيبة غيب الله وموضع سر الله وأمين الله على خلقه وشاهده وعلى
وجامه دان علم غیب خدا وجای راز پنهان خدا وامانت دار خدا بر خلق او وگواه او بر

بريته اللهم ربنا إننا سمعنا منادياً ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم
آفریده های او بار خدایا پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده را که میخواند برای ایمان که ایمان آورید بپروردگار خود

فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الأبرار ربنا و
پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را ومحو کن از ما بدیهای ما را وبمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و

آتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا تخلف الميعاد
بده ما را آنچه وعده کرده ما را بر زبان پیغمبران خود ورسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

فإنا ربنا بمنك ولطفك أجبنا داعيك واتبعنا الرسول وصدقناه
پس بدرستیکه ای پروردگار ما باحسان تو ولطف تو قبول کردیم دعوت کننده ترا وپیروی کردیم رسول را وتصدیق کردیم او را

وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا
وتصدیق کردیم مولای مؤمنان را وانکار کردیم جبت وطاغوت را پس متوجه کن ما را بآنچه رو کردیم وبرانگیز ما را

مع أئمتنا فإنا بهم مؤمنون موقنون ولهم مسلمون آمنا بسرهم وعلانيتهم
با امامان ما پس بدرستیکه ما بایشان گرونده ایم ویقین دارنده ایم ومر ایشان را گردن نهاده ایم ایمان آوردیم به نهان ایشان وآشکار ایشان

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... ایمان من بنده ... نیکی و احسان کردن با ایشان ...

از حضرت صادق علیه السلام منقولست ...

وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَرَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَقَادَةً وَسَادَةً

و حاضر ایشان و غایب ایشان زنده ایشان و مرده ایشان و راضی شدیم بایشان حالیکه امامان و پیشوایان و بزرگواران

وَحَسْبُنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ

و بسنده اند ایشان میان ما و میان خدا نه خلق او نطلبیم بجای ایشان بدلی و نگیریم از

دُونِهِمْ وَلِيجَةً وَبَرِئْنَا إِلَى اللهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

غیر ایشان دوست خاصی و بری شدیم بسوی خدا از هر که برپا کرد از برای ایشان جنگ از جن و انس

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ

از پیشینیان و پسینیان و انکار کردیم جبت و طاغوت را و بتهای چهارگانه را

وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ

و دوستان ایشان را و پیروان ایشان را و هر که دوستدار ایشانست از جن و انس از ابتدای دهر

إِلَى آخِرِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نُشْهِدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

تا آخر آن بار خدایا بدرستیکه گواه میگیریم ترا باینکه طاعت میکنیم بانچه طاعت کردند آن محمد و آل محمد

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا وَمَا دَانُوا

بر او و بر ایشان و سخن ما همانست که ایشان گفته اند و دین ما همانست که دین گرفتند ایشان

بِهِ دِنَّا وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا وَمَنْ وَالَوْا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادَوْا عَادَيْنَا وَمَنْ

آنرا ما نیز دین خود کردیم آنچه انکار کردند انکار کردیم و کسی که دوست داشتند دوست داشتیم کسی که دشمن داشتند

لَعَنُوا لَعَنَّا وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ

که لعن کردند لعن کردیم او را و کسیکه بیزار شدند بیزار شدیم از او و هر که رحم کردند بر او ترحم کردیم ما بر او

آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِيَنَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ

ایمان آوردیم و تسلیم کردیم و خوشنود شدیم و پیروی کردیم آقایان خود را رحمتهای خدا بر ایشان خدایا تمام کن

لَنَا ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقِرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا

برای ما این اعتقاد را و جدا مکن آنرا از ما و بگردان آنرا قرار و ثابت نزد ما و مگردان آنرا عاریه گرفته شده

واحينا ما احييتنا عليه وامتنا اذا امتنا عليه آل محمد ائمتنا
و زنده دار ما را مادامیکه زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را وقتیکه بمیرانی ما را بر آن آل محمد امامان ما
نأتم بهم وإياهم نوالي وعدوهم عدو الله نعادي فاجعلنا معهم
که اقتدا میکنیم بایشان و ایشان را دوست میداریم و دشمن آل محمد را که دشمن خداست دشمن میداریم پس بگردان ما را با ایشان
في الدنيا والآخرة ومن المقربين فانا بذلك راضون يا ارحم الراحمين
در دنیا و آخرت و بگردان ما را از مقربان پس بدرستیکه ما باین خوشنودیم ای مهربان ترین مهربانان
پس بسجده رود و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکرا لله بگوید پس حضرت فرمود که هر که این عمل بجا
آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلعم حاضر شده باشد با
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد
و درجه او در بهشت با درجه کسی باشد که تصدیق کنندگان باشند که تصدیق خدا و حضرت
رسول و راست گویان که از روی اخلاص کردند مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار رضی الله عنهم باشد
باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم باشد
کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در رجعت با آنحضرت بوده شهید گردیده باشد
و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت الصالح شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده است که سنت است این دعا را در روز عید غدیر
اللهم اني اسئلك بحق محمد نبيك وعلي وليك والشان والقدر الذي
بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی ولی تو و بحق شان و منزلتی که
خصصتهما به دون خلقك ان تصلي على محمد وعلي وان تبدأ
مخصوص گردانیدی محمد و علی را بآن غیر از خلق خود اینکه درود فرستی بر محمد و علی و اینکه ابتدا کنی
بهما في كل خير عاجل اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة القادة
به محمد و علی در هر خیری که زود تر باشد خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد که امامان و پیشوایند
والدعاة السادة والنجوم الزاهرة والاعلام الباهرة وساسة العباد
و خوانندگان بحق سروران و ستارگان روشن و نشانهای درخشنده و امر و نهی کنندگان بندگان

وَاَرْكَانِ الْبِلَادِ وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ

و ستونهای شهرها و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات یابنده رونده در آبهای

الْغَامِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَاَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ

عظیم بسیار عمیق بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد خزانه داران علم تو و ستونهای توحید تو

وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ

و ستونهای دین تو و کانهای کرامت تو و برگزیدهای تو از خلق تو و اختیار کرده شده

مِنْ خَلْقِكَ الْاَتْقِيَاءِ الْاَنْقِيَاءِ النُّجَبَاءِ الْاَبْرَارِ وَالْبَابِ الْمُبْتَلٰى بِهِ النَّاسُ

از خلق تو و پرهیزکاران و برگزیدگان و نجیبان نیکان و در که امتحان کرده اند بآن مردم

مَنْ اَتَاهُ نَجٰى وَمَنْ اَبَاهُ هَوٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ

هر که آمد در آن رستگار شد و هر که اباکرد از آن افتاد خداوندا درود بفرست بمحمد و آل محمد که اهل ذکر اند آنانکه

اَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ وَذَوِي الْقُرْبٰى الَّذِينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ

امر کردی بسوال ایشان و صاحبان قرابت آنانکه امر فرمودی بدوستی ایشان و فرض کردی حق ایشانرا

وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنِ اقْتَصَّ اٰثَارَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

و گردانیدی بهشت را جای بازگشت کسیکه پیروی کرد روش ایشانرا بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد

كَمَا اَمَرُوا بِطَاعَتِكَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلٰى وَحْدَانِيَّتِكَ

چنانکه امر کردند ایشان بفرمانبری تو و منع کردند از نافرمانی تو و راه نمودند بندگان ترا بر یگانگی تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَاَمِينِكَ وَرَسُولِكَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و برگزیده تو و اختیار کرده تو و امانت دار تو و فرستاده تو

اِلٰى خَلْقِكَ وَبِحَقِّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

بسوی خلق تو و بحق پیشوای مؤمنان و مهتر آنجهان و پیشوای نیکوکاران سفید دست و پای

الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدِّيقِ الْاَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

جانشین وفاکننده و درست گوی بزرگتر و جدا کننده میان حق و باطل

وَالشَّاهِدِ لَكَ وَالدَّالِّ عَلَيْكَ وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ
وگواه برای تو وراه نماینده بر تو وظاهر کننده فرمان ترا وجهاد کننده در راه تو
لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ لَائِمٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي
نگرفت اورا در حق تو سرزنش سرزنش کننده اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی مرا در
هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فِي أَعْنَاقِ خَلْقِكَ
این روز که بستی تو در آن روز برای ولی خود عهدی در گردنهای خلق خود
وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ بِحُرْمَتِهِ وَالْمُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ وَمِنْ عُتَقَائِكَ
وکامل گردانیدی برای ایشان دین را از شناسندگان بحرمت او واقرار کنندگان بفضیلت او واز آزاد کردگان خود
وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَلَا تُشْمِتْ بِي حَاسِدِي النِّعَمِ اللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ
ورها کرده های خود از آتش وشاد مکن بمن حاسدان نعمتها را بار خدایا پس چنانچه گردانیدی آنرا عید
الْأَكْبَرَ وَسَمَّيْتَهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ
بزرگ ونامیدی آنرا در آسمان روز عهد عهد کرده شده ودر زمین روز پیمان
الْمَأْخُوذِ وَالْجَمْعِ الْمَسْؤُولِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنَا وَ
گرفته شده وجمع سؤال کرده شده در او بفرست بر محمد وآل محمد وخنک کن با و چشمهای ما را
اجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ مِنَ
فراهم آر با ین پراکندگی ما را وگمراه مکن پس از آنکه راه نمودی ما را وبگردان ما را برای نعمتهای خود از
الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنَا فَضْلَ هٰذَا الْيَوْمِ وَبَصَّرَنَا
شکر کنندگان ای مهربان ترین مهربانی کنندگان حمد مر خدای را که شناسانید ما را فضیلت این روز وبینا نمود ما را
حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
حرمت این روز وگرامی کرد ما را باین روز وشریف ساخت ما را بشناختن آن وراه نمود ما را بنور آن ای رسول خدا ای امیر مؤمنان
عَلَيْكُمَا وَعَلَىٰ عِتْرَتِكُمَا وَعَلَىٰ مُحِبِّيكُمَا مِنِّي أَفْضَلُ السَّلَامِ مَا بَقِيَ
بر شما باد وبر ذریت شما وبر دوستان شما از من بهترین سلام تا باقی

اللیل والنهار وبکما اتوجه الی الله ربی وربکما فی نجاح طلبتی

شب و روز و بوسیلهٔ شما متوجه میشوم بسوی خدا که پروردگار من و پروردگار شماست در روا کردن مطلب خود

وقضاء حوائجی وتیسیر اموری اللهم انی اسئلک بحق محمد و

و برآوردن حاجات خود و آسان کردن کارهای من خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد و

آل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تلعن من جحد حق

آل محمد اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه لعن کنی بر هر که انکار کرده حق

آل محمد

الیوم وانکر حرمته فصد عن سبیلک لاطفاء نورک فابی الله الا

امروز را و انکار کرده حرمت آنرا پس بازداشت از راه تو بجهت فرو نشانیدن نور تو پس ابا کرده خدا

ان یتم نوره اللهم فرج عن اهل بیت محمد نبیک واکشف عنهم

اینکه تمام کند نور خود را بار خدایا گشایش بده از اهل بیت محمد پیغمبر خود و برطرف کن از ایشان

وبهم عن المؤمنین الکربات اللهم املأ الارض بهم عدلا کما

و بسبب ایشان از مؤمنان اندوهها را بار خدایا پر کن زمین را بسبب ایشان از عدل چنانچه

ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم انک لا تخلف المیعاد

پر کرده شده از ستم و جور و وفا کن مر ایشان را آنچه وعده کرده ایشان را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

و بگذار پیشانی را بسجده و صد مرتبه شکرا بگو و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد مرتبه آنچه تو ان بگو

الحمد لله علی اکمال الدین واتمام النعمة ورضا الرب الکریم والحمد

سپاس مر خدا را بر کامل گردانیدن دین و تمام کردن نعمت و خوشنودی پروردگار کریم و سپاس

لله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد وعترته الطاهرین

مر خدا را که پروردگار عالمیانست و درود بر بهترین خلق او محمد و ذریت او که پاک باشند

بهتر خواهد بود و چنانچه سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید علیه الرحمه این را

نقل نکرده است فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در

تعیین روز مباهله میان علما اختلاف است مشهور اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و

بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال
مستحبه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت در سابق
گذشت که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که
اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت
پناه صلعم را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد
و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عقلای خود را فرستادند که صفاتیکه در کتب
سابقه برای حضرت رسالت دیده اند مشاهده نمایند بمدینه داخل شدند و
صفات را موافق یافتند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجتهای شافی
بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه
کردند در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ
فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ
وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى
الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی علیه السلام بعد از آنچه آمده است بسوی
تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم پسران
خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را
که بمنزله جان ما اند و آنها را که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت
و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول صلعم عبای
دوش مبارک خود گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر
عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند با او و
اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس
جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد که إِنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زائل کرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک کرداند شما را از کناهان پاک کردانیدنی پس حضرت رسول علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت انحضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن حضرت با آن بزرکواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرک ایشان کفت بخدا سوکند که من روئی چندی می بینم که اکر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرأت نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشانرا نفرین نکرد و بامر الهی جزیه بر ایشان قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوکند که هلاک و عذاب آویخته شد بر اهل نجران و اکر مباهله میکردم هر اینه همه ازین جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت بنجران میکرد و همه رسایان نجران می سوختند و پیش از انکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمی ماند و باین سبب چندین امر عالیان ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اکر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بدر نمی آورد و اکر انجماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام بزرکوارترین خلق بودند که ایشانرا آنحضرت در دعا با خود شریک کردانید سوم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشانرا در معرض نفرین بدر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را به مهالک می افکند اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانکه صاحب کشاف و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن و حسین علیهما السلام فرزند تحقیقی آنحضرت اند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول پنجم آنکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات با نحضرت اخص و اقرب بوده و منزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر بوده ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مباهله داخل بود و داخل ابناء و نساء نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمی تواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد اشتراک و اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت صلعم در کمالات و صفات و مرتبه بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت بود پس هر کمالیکه در حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد بآنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فوائد که از آن مستفاد میشود در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل آن گردیده آنست که درین روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شده و امامت آنحضرت را بر اصحاب بصیرت هویدا گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی نیست اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را برپا میدارند چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع و این نص صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و درین روز غسل سنت است و زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را درین روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسبست و روزه این روز مستحب است و تأسی بمولای خود امیرالمؤمنین علیه السلام کردن در تصدق بر فقرا و ارباب حاجات بانچه مقدور و میسر باشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک بسیار است **عمل اول** شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که درین روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلنا را ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که دارد از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی

سوال کند البته برآورده شود هرچند عظیم باشد ان شاء الله تعالی و این نماز همان نماز است که
در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل دوم از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی
و سید ابن طاوس قدس الله روحهما بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که
آنحضرت فرمود که اگر بگویم مردم را که در این دعا اسم اعظم حق تعالی هست هرآینه راست گفته ام اگر مردم
بدانند که این دعا نزد خدا چگونه تاثیری دارد نمایند البته بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند در تحصیل آن
هرچند که باید که قتال کنند و مرا هر حاجت که عارض می شود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت
خود را می طلبم و البته مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از
جانب خداوند جلیل بحضرت سید رسل صلی الله علیه و آله نازل شد و این دعا را آورد و گفت
برای مباهله بیرون رو و با خود علی بن ابیطالب علیه السلام را و سیده نساء فاطمه زهرا و نور دیده
و فرزند پسندیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان
مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت جعفر صادق علیه السلام گفت که هرگاه این دعا را خواهند
جهد و سعی کنند در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانند در حاجتها و از کسیکه اهل نباشد از
منافقان پنهان دارند و بایشان تعلیم ننمایند که از علمهای مخزون است و هر کس قابل این گوهر نباشد

اللّٰهمّ انّی اسئلک من بهائک بابهاه و کلّ بهائک بهیّ اللّٰهمّ انّی اسئلک
بارخدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از نیکوئی تو به نیکوتر آن و هر نیکوئی تو نیک است بارخدایا بدرستیکه من میطلبم از تو

بهائک کلّه اللّٰهمّ انّی اسئلک من جلالک باجلّه و کلّ جلالک
به نیکوئی تو همه آن بارخدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از بزرگی تو به بزرگتر آن و همه بزرگی تو

جلیل اللّٰهمّ انّی اسئلک بجلالک کلّه اللّٰهمّ انّی اسئلک من جمالک باجمله
بزرگ است بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو به بزرگی تو همه آن بارخدایا بدرستیکه من میطلبم از تو از خوبی تو بخوبتر آن

و کلّ جمالک جمیل اللّٰهمّ انّی اسئلک بجمالک کلّه اللّٰهمّ انّی ادعوک کما
و هر خوبی تو خوب است بارخدایا بدرستیکه من میطلبم از تو بخوبی تو همه آن بارخدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من عظمتك بأعظمها

امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو از بزرگی تو به بزرگتر آن

وكل عظمتك عظيمة اللهم إني أسألك بعظمتك كلها اللهم إني

و هر بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو به بزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من

أسألك من نورك بأنوره وكل نورك نير اللهم إني أسألك بنورك كله

سطلیم از تو از نور تو بنورانی تر آن و هر نور تو روشن ست خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بنور تو همه

اللهم إني أسألك من رحمتك بأوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم إني أسألك

بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو از بخشش تو بفراختر آن و هر بخشش تو وسیع ست خداوندا بدرستیکه من سطلیم

برحمتك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني

بخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا

أسألك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك بكمالك

سطلیم از تو از کمال تو بکامل تر آن هر کمال تو کامل ست خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو بکمال تو

كله اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم

همه آن بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو از کلمات تو بتمام تر آن هر یک از کلمات تو تمام ست خداوندا

إني أسألك بكلماتك كلها اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها وكل

بدرستیکه من میخواهم از تو بکلمات تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو از نامها تو به بزرگتر آن و هر

أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك كلها اللهم إني أدعوك كما

نامهای تو بزرگست بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو بنامهای تو همه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه

أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك

وعده فرموده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا خداوندا بدرستیکه من سطلیم از تو از عزت تو بعزیزتر آن

عزيزة اللهم إني أسألك بعزتك كلها اللهم إني أسألك من مشيتك

عزیزست بار خدایا بدرستیکه من سطلیم از تو بعزت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو از خواهش تو

بِامضاها وکلّ مشیّتک ماضیة اللّهمّ انّی اسألک بمشیّتک کلّها

بروان‌تر آن و هر خواهش تو روان است خداوندا بدرستیکه من سائلم از تو بمشیّت تو بتمامی

اللّهمّ انّی اسألک بقدرتک الّتی استطلت بها علی کلّ شیءٍ وکلّ قدرتک

بارخدایا بدرستیکه من سائلم از توانائی تو بهمه توانائی که استیلا داری بسبب آن بر هر چیزی و هر توانائی تو

مستطیلة اللّهمّ انّی اسألک بقدرتک کلّها اللّهمّ انّی ادعوک کما امرتنی

مستولیست بارخدایا بدرستیکه من سائلم از تو بتوانائی تو بهمه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده

فاستجب لی کما وعدتنی اللّهمّ انّی اسألک من علمک بانفذه وکلّ علمک نافذ

پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده مرا بارخدایا بدرستیکه من سائلم از تو از دانش تو بروان‌ترین آن و هر دانش تو روا

اللّهمّ انّی اسألک بعلمک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من قولک بارضاه وکلّ

خداوندا بدرستیکه من سائلم از تو بعلم تو هر علمی بارخدایا بدرستیکه من سائلم از تو از گفتار تو پسندیده‌ترین

قولک رضیّ اللّهمّ انّی اسألک بقولک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من مسائلک

گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سائلم از تو بگفتار تو بهمه آن بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو

باحبّها الیک وکلّ مسائلک حبیبة اللّهمّ انّی اسألک بمسائلک کلّها

بدوست‌ترین آنها بسوی تو و هر یک از سؤالهای تو دوست داشته شده است خداوندا بدرستیکه من سائلم از تو بسؤالهای تو بهمه

اللّهمّ انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللّهمّ انّی اسألک

بارخدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده مرا بارخدایا بدرستیکه من سائلم

من شرفک باشرفه وکلّ شرفک شریف اللّهمّ انّی اسألک بشرفک کلّه اللّهمّ انّی

از بزرگی تو به بزرگ‌تر آن و هر بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سائلم از تو به بزرگی تو بهمه آن بارخدایا بدرستیکه من

اسألک من سلطانک بادومه وکلّ سلطانک دائم اللّهمّ انّی اسألک

سائلم از تو از سلطنت تو بهمیشه‌ترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه است خداوندا بدرستیکه من سائلم از تو

بسلطانک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من ملکک بافخره وکلّ ملکک فاخر اللّهمّ

بسلطنت تو بهمه آن بارخدایا بدرستیکه من سائلم از تو از غلبه تو به بزرگ‌ترین آن و هر غلبه و بزرگیست بارخدایا بدر

اسألك بسلطانك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني

اللهم اني اسألك من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني

اسألك بعلائك كله اللهم اني اسألك من اياتك باعجبها وكل اياتك

عجيبة اللهم اني اسألك باياتك كلها اللهم اني اسألك من منك

باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسألك بمنك كله اللهم اني ادعوك

كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسألك بما انت فيه من الشؤون

والجبروت اللهم اني اسألك بكل شأن وكل جبروت اللهم اني اسألك

بما تجيبني به حين اسألك يا الله لا اله الا انت اسألك ببهاء لا اله الا انت

يا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بلا اله

الا انت يا لا اله الا انت اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم

اني اسألك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسألك برزقك

كله اللهم اني اسالك من عطائك باهنئه وكل عطائك هنيء

همه آن بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از بخشش تو بگوارا ترآن و همه بخشش تو گوارا است

اللهم اني اسالك بعطائك كله اللهم اني اسالك من خيرك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بهمه بخشش تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از خیر تو

باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسالك بخيرك كله اللهم

بشتابنده تران و همه خیر تو شتابنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخیر تو همه آن خداوندا

اني اسالك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از احسان تو به بهتر آن و هر احسان تو بهتر است خداوندا بدرستیکه من

اسالك بفضلك كله اللهم اني ادعوك كما

سوال میکنم از تو باحسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل على محمد

امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده بامن خداوندا درود فرست بر محمد

وآل محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق برسولك عليه وآ

وآل محمد و برانگیز مرا بایمان بخود و به تصدیق به پیغمبر خود بر او و

له السلام والولاية لعلي بن ابي طالب والبراءة من عدوه والائتمام

آل او سلام باد و برانگیز مرا بدوستی علی ابن ابی طالب و بیزاری از دشمن او و بپیروی

بالائمة من آل محمد عليهم السلام فاني قد رضيت بذلك يا رب

با امامان از آل محمد بر آنها سلام باد پس بدرستیکه من بتحقیق راضی شده‌ام باین ای پروردگار من

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد

خداوندا درود فرست بر محمد بنده خود و پیغمبر خود در پیشینیان و درود فرست بر محمد

وآل محمد في الآخرين وصل على محمد وآله في الملأ الاعلى وصل على

و آل محمد در پسینیان و درود فرست بر محمد و آل او در گروه برتر و درود فرست

محمد وآل محمد في المرسلين اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف والفضيلة
محمد و آل محمد در فرستادگان بارخدایا بده محمد را وسیله و بزرگی و بزرگواری
والدرجة الكبيرة اللهم صل على محمد وآل محمد وقنعني بما رزقتني وبارك
و درجه بزرگ بارخدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد قانع گردان مرا بآنچه روزی دادی مرا و برکت ده
لي فيما اعطيتني واحفظني في غيبتي وفي كل غائب هو لي اللهم صل على محمد
مرا در آنچه بخشیدی مرا و نگاه دار مرا در غیبت من و در هر غایبی که آن از برای منست خداوندا درود بفرست بر محمد
وآل محمد واسألك خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك من شر الشر
و آل محمد و سؤال میکنم از تو بهتر بهتری که خوشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو از بدتر بدتر
سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل
که غضب تست و آتش دوزخ بارخدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و نگاه دار مرا از
مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن
هر مصیبتی و از هر بلائی و از هر پاداشی و از هر آزمایشی و از هر ناخوشی و از
كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت او تنزل من
هر بدی و از هر مکروهی و از هر مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید از
السماء الى الارض في هذه الساعة وفي كل ساعة وفي هذه الليلة وفي هذا
آسمان بسوی زمین درین ساعت و در هر ساعتی و درین شب و درین
اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من
روز و درین ماه و درین سال خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن مرا از
كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل
هر شادی و از هر خوشنودی و از هر پایداری و راستی و از هر گشایشی و از هر
عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال
عافیتی و از هر سلامتی و از هر کرامتی و از هر روزی فراخ حلال

طيّب وهن كلّ نعمة ومن كلّ سعة نزلت وتنزل من السماء إلى
پاک و از هر نعمتی و از هر گشایشی که فرود آمده و فرود آید از آسمان بسوی

الأرض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا
زمین و درین ساعت و درین شب و درین روز و درین

الشهر وفي هذه السنة اللهمّ إن كانت ذنوبي قد أخلقت وجهي عندك
ماه و درین سال بار خدایا اگر باشد گناهان من که کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو

وحالت بيني وبينك وغيّرت حالي عندك فإنّي أسألك بنور وجهك الّذي
و حائل شده باشد میان ما و میان تو و تغییر داده است حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنور روی تو که

لا يطفأ وبوجه محمّد حبيبك المصطفى وبوجه وليّك عليّ المرتضى وبحقّ
فرو نشانیده نشود و بروی محمد دوست تو که برگزیده است و بروی ولی تو علی مرتضی و بحق

أوليائك الّذين انتجبتهم أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن تغفر لي ما مضى
دوستان تو آنانکه برگزیده آنهارا اینکه درود و دلفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشته است

من ذنوبي وأن تعصمني فيما بقي من عمري وأعوذ بك اللهمّ أن أعود في
از گناهان من و اینکه نگاهداری مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و پناه می برم بتو بار خدایا از اینکه بازگردم در

شيء من معاصيك أبداً ما أبقيتني حتّى تتوفّاني وأنا لك مطيع وأنت عنّي
چیزی از گناهان تو مادام که نگاهداری مرا تا بمیرانی مرا و من ترا فرمان بردار باشم و تو از من

راض وأن تختم لي عملي بأحسنه وتجعل لي ثوابه الجنّة وأن تفعل بي
خشنود باشی و اینکه ختم کنی برای من کردار مرا به بهترین آن و بگردانی برای من ثواب آن بهشت را و اینکه بکنی بمن

ما أنت أهله يا أهل التقوى ويا أهل المغفرة صلّ على محمّد وآل محمّد
آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزیدن درود و دلفرست بر محمد و آل محمد

وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين
و ببخشای مرا ببخشایش خود ای بخشنده ترین بخشندگان

بعد از آن هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله تعالی بر آورده است مؤلف گوید
که خواندن این دعا در روز مباهله انسب است و شیخ طوسی علیه الرحمه نیز در این روز روایت کرده
و از روایت مذکوره معلوم میشود که در همه وقت می توان خواند و در دعا اختلافی هست میان
روایات و آنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه
در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای
آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از عظیم ترین دعاهاست **عمل سوم** آنست که
شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر صلوات الله علیهما روایت کرده اند
که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و در این روز آنچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت
نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگو پس می ایستی و بموضع
سجده خود نظر می کنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و
چهارم روز مباهله است باید که این روز را روزه بداری برای شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی و غسل کن
و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل
و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر شوی و الا بجای
خلوتی بروی یا بر کوه بلندی بر آئی یا بصحرا بیرون بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل
کند و بهترین جامه های خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز
بکند با آداب و شرائط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب
آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس هر دعائیکه خواهی بکن باز دو رکعت
نماز بکن و دعا بکن و دعا این است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست سپاس مر خدا را که پدید آکننده آسمانها و زمین است سپاس مر خدا را که

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است سپاس مر خدا را که آفرید آسمانها و زمین را

وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون الحمد لله الذي

و پیدا کرد تاریکیها را و روشنی را پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خود شریک میگردانند و سپاس

عرفني ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه اياي لكنت هالكا اذ قال

شناسانید مرا آنچه بودم بآن نادان اگر لی بود شناسانیدن خدا مرا هر آینه بودمی هلاک شونده

وقوله الحق قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين لي

و سخن او راست است که بگو ای محمد که نمیخواهم از شما بر پیغمبری مزدی مگر دوستی در باره خویشان

القرابة وقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت

خویشی را و گفت خدای سبحانه جز این نیست که میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی را ای اهل بیت

ويطهركم تطهيرا فبين لي اهل البيت بعد القرابة ثم قال تعالى

و پاک کند شما را پاک کردنی پس ظاهر ساخت برای من اهل بیت را پس از بیان قرابت پس گفت حق تعالی

مبينا عن الصادقين الذين امرنا بالكون معهم والرد اليهم بقوله

بیان کنان از راستگویان آنانکه امر کرد ما را ببودن با ایشان و رجوع بسوی ایشان بقول خود

سبحانه يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين

سبحانه که ای آنانکه ایمان آورده اند بترسید از خدا و باشید با راست گویان

فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع

پس واضح کرد از ایشان و آشکارا کرد از صفت ایشان بقول خود بزرگست ثنا او پس بگو ای محمد بیایید بخوانیم

ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل

پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و نفسهای خود را و نفسهای شما را پس زاری کنیم

فنجعل لعنة الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث

پس کردانیم لعنت خدا بر دروغگویان پس مر تراست شکر ای پروردگار من مر تراست منت از جهت

هديتني وارشدتني حتى لم يخف علي الاهل والبيت والقرابة

که راه نمودی مرا و دلالت براه راست کردی مرا تا پوشیده نماند بر من اهل خانه و قرابت پیغمبر خدا

فعرّفتني نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم اني اتقرب اليك بالتي

پس شناسانیدی مرا زنان ایشان را و فرزندان ایشان را و مردان ایشان را بار خدایا بدرستیکه من تقرب میجویم بسوی تو

المقام الذي لا يكون اعظم منه فضلاً للمؤمنين ولا اكثر رحمة

مقامی که نمی باشد بزرگتر از آن از روی فضل برای مومنان و نه بیشتر از آن از روی رحمت

لهم بتعريفك اياهم شأنه وابانتك فضل اهله الذين بهم ادحضت

برای ایشان بشناسانیدن تو ایشان را رتبهٔ آن مقام را و آشکار کردن تو فضیلت اهل آن را آنانکه بسبب ایشان باطل

باطل اعدائك وثبتت بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود

باطل دشمنان خود را و ثابت کرده شد بایشان ستونهای دین خود و اگر نمی بود این مقام ستوده شده

الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين من اهل بيت نبيك

که خلاص کردی ما را بآن و راه نمودی ما را به پیروی صاحبان حق از اهل بیت پیغمبر خود

الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الافعال

که راستگو باشند از جانب تو آنانکه نگاه داشتی ایشان را از بیهوده گفتار و چرکهای کردار

لخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل الالحاد وفعل اولي

هر آینه خصومت کرده شدند اهل اسلام و ظاهر شد سخن اهل الحاد و کردار صاحبان

العناد فلك الحمد ولك المنّ ولك الشكر على نعمائك واياديك

دشمنی پس مر تراست سپاس و مر تراست منت و مر تراست شکر بر نعمتهای تو و عطاهای تو

اللهم فصل على محمد وآل محمد الذين افترضت علينا طاعتهم

بار خدایا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد آنانکه فرض کردی بر ما فرمان برداری ایشان را

وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرّفتنا

و بستی در گردنهای ما دوستی ایشان را و گرامی کردی ما را بشناختن ایشان و شرافت دادی ما را

باتباع آثارهم وثبّتنا بالقول الثابت الذي عرّفوناه فاعنّا على

به پیروی ردپاهای ایشان و ثابت داشتی ما را بسخن پایدار ایشان که شناسانیدند ما را آن سخن را

الأحد بما بصّرونا به واجز محمداً عنّا أفضل الجزاء بما نصح لخلقك و

از ... بهترین جزا بسبب آنچه نصیحت کرد مر خلق ترا

بذل وسعه في إبلاغ رسالاتك وخطر بنفسه في إقامة دينك

وصرف کرده استطاعت خود را در رسانیدن پیغامهای تو و در خطر انداخته جان خود را در برپا داشتن دین تو

وعلى أخيه ووصيّه والهادي من بعده إلى دينه والمقيم

و بر برادر او و وصی او و ره نمای از پس او بسوی دین او قائم دارنده

سنّته علي أمير المؤمنين صلوات الله عليه وصلّ على الأئمة من

طریقه او علی امیر مومنان درودهای خدا بر او و درود بر امامان از

أبنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وأدخلنا بشفاعتهم

اولاد او که راستگویانند آنانکه پیوند کردی طاعت ایشان را بطاعت خود و داخل کن ما را بشفاعت ایشان

دار الكرامة يا أرحم الراحمين اللهم هؤلاء أصحاب الكساء والعباء

در خانه کرامت ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا اینها که مذکور شدند صاحبان گلیم و عبا اند

يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا وأسألك بحق ذلك المقام

در روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفاعت کننده ما و مطلبیم از تو بحق آن مقام

المحمود واليوم المشهود أن تغفر لي وتتوب عليّ إنك أنت التوّاب

ستوده و روز حاضر شده اینکه بیامرزی مرا و بپذیری توبه مرا بدرستیکه توئی بسیار پذیرنده توبه

الرحيم اللهم إني أشهد أن أرواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة

مهربان بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم باینکه ارواح ایشان و طینت ایشان یکی است و آن درختی است

التي طاب أصلها وفرعها وأغصانها وأوراقها اللهم ارحمنا

که پاک است بیخ آن و شاخ کلان آن و شاخهای کوچک آن و برگهای آن خدایا ببخشای ما را

بحقهم وأجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة بولايتهم

بحق ایشان و پناه ده ما را از جاهای رسوائی در دنیا و آخرت بدوستی ایشان

وَأَوْرِدْنَا مَوَارِدَ الْأَمْنِ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ بِحُبِّهِمْ وَإِقْرَارِنَا بِفَضْلِهِمْ
وفرود آر ما را بجاهای امن از ترسهای روز قیامت بدوستی ایشان و باقرار ما بزرگی ایشان
وَاتِّبَاعِنَا آثَارَهُمْ وَاهْتِدَائِنَا بِهُدَاهُمْ وَاعْتِقَادِنَا مَا عَرَّفُونَاهُ مِنْ تَوْحِيدِكَ
و بپیروی ما اثرهای ایشان را و براه یافتن ما برهنمائی ایشان و باعتقاد ما بانچه شناسانیدند ایشان ما را از یگانگی تو
وَوَقَّفُونَا عَلَيْهِ مِنْ تَعْظِيمِ شَأْنِكَ وَتَقْدِيسِ أَسْمَائِكَ وَشُكْرِ آلَائِكَ
و واقف گردانیدند ما را بران از تعظیم شان تو و پاک گردانیدن نامهای تو و سپاس نعمتهای تو
وَنَفْيِ الصِّفَاتِ أَنْ تَحُلَّكَ وَالْعِلْمِ أَنْ يُحِيطَ بِكَ وَالْوَهْمِ أَنْ يَقَعَ عَلَيْكَ
و نفی صفتها از آنکه حلول نماید در تو و نفی علم از آنکه احاطه نماید بتو و نفی وهم ازین که واقع شود بر تو
فَإِنَّكَ أَقَمْتَهُمْ حُجَجًا عَلَى خَلْقِكَ وَدَلَائِلَ عَلَى تَوْحِيدِكَ وَهُدَاةً تُنَبِّهُ
پس بدرستیکه تو قائم گردانیدی ایشان را حجتها بر خلق خود و دلیلها بر یگانگی خود و راه نمایان که آگاه می‌نمایند
عَلَى أَمْرِكَ وَتَهْدِي إِلَى دِينِكَ وَتُوضِحُ مَا أَشْكَلَ عَلَى عِبَادِكَ وَ
بر امر تو و هدایت می‌نمایند بسوی دین تو و روشن می‌نمایند آنچه مشتبه شود بر بندهای تو و
بَابًا لِلْمُعْجِزَاتِ الَّتِي يَعْجِزُ عَنْهَا غَيْرُكَ وَبِهَا تُبَيِّنُ حُجَّتَكَ وَتَدْعُو إِلَى
دری از برای معجزات آنچنانکه عاجز می‌شود از آن غیر تو و بان آشکار می‌شود حجت تو و میخوانند بسوی
تَعْظِيمِ السَّفِيرِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ
بزرگی پیغمبر میان تو و میان خلق تو و توئی احسان کننده برایشان از آنجا که
قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِسِرِّكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ لِوَحْيِكَ
نزدیک گردانیدی ایشان را با پادشاهی خود و خاص گردانیدی ایشان را بسر خود و برگزیدی ایشان را از برای وحی خود
وَأَوْرَثْتَهُمْ غَوَامِضَ تَأْوِيلِكَ رَحْمَةً لِخَلْقِكَ وَلُطْفًا بِعِبَادِكَ وَ
و وارث کردی ایشان را تاویلهای پوشیده خود جهت مهربانی بر خلق خود و لطف بر بندهای خود و
حَنَانًا عَلَى بَرِيَّتِكَ وَعِلْمًا بِمَا تَنْطَوِي عَلَيْهِ ضَمَائِرُ أُمَنَائِكَ وَمَا يَكُونُ
و مهربانی بر آفریدگان خود و جهت دانائی خود بچیزیکه محیط است بران ضمیرهای امینان تو و آنچه می‌باشد

مِن شَأنِ صَفوَتِكَ وَطَهَّرتَهُم فِي مَنشَأِهِم وَمُبتَدَأِهِم وَحَرَستَهُم

مِن نَفثِ نَافِثٍ إِلَيهِم وَأَرَيتَهُم بُرهَاناً عَلَى مَن عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُم فَاستَجَابُوا

لِأَمرِكَ وَشَغَلُوا أَنفُسَهُم بِطَاعَتِكَ وَمَلَؤُوا أَجزَاءَهُم مِن ذِكرِكَ وَعَمَرُوا

قُلُوبَهُم بِتَعظِيمِ أَمرِكَ وَجَزَّؤُوا أَوقَاتَهُم فِيمَا يُرضِيكَ وَأَخلَوا دَخَائِلَهُم

مِن مَعَارِيضِ الخَطَرَاتِ الشَّاغِلَةِ عَنكَ فَجَعَلتَ قُلُوبَهُم مَكَامِنَ

لِإِرَادَتِكَ وَعُقُولَهُم مَنَاصِبَ لِأَمرِكَ وَنَهيِكَ وَأَلسِنَتَهُم تَرَاجِمَةً

لِسُنَّتِكَ ثُمَّ أَكرَمتَهُم بِنُورِكَ حَتَّى فَضَّلتَهُم مِن بَينِ أَهلِ زَمَانِهِم وَ

الأَقرَبِينَ إِلَيهِم فَخَصَصتَهُم بِوَحيِكَ وَأَنزَلتَ إِلَيهِم كِتَابَكَ وَ

أَمَرتَنَا بِالتَّمَسُّكِ بِهِم وَالرَّدِّ إِلَيهِم وَالاستِنبَاطِ مِنهُم اللّٰهُمَّ فَإِنَّا

قَد تَمَسَّكنَا بِكِتَابِكَ وَبِعِترَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيهِم الَّذِينَ أَقَمتَهُم

لَنَا دَلِيلاً وَعَلَماً وَأَمَرتَنَا بِاتِّبَاعِهِم اللّٰهُمَّ فَإِنَّا قَد تَمَسَّكنَا بِهِم

فَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخَائِبُونَ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ

پس روزی کن ما را شفاعت ایشان هنگامی که گویند ناامید شدگان پس نیست برای ما از شفاعت کنندگان و نه دوست

حَمِيمٍ وَاجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمْ الْمُنْتَظِرِينَ لِأَيَّامِهِمُ النَّاظِرِينَ

خالص و بگردان ما را از راستگویان و تصدیق کنندگان مر ایشان را آنانکه منتظرند مر ایام دولت ایشان را

إِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

بجانب شفاعت ایشان و گمراه مگردان ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ

بدرستیکه توئی بسیار بخشنده مستجاب کن دعای ما ای پروردگار عالمیان خداوندا درود فرست بر محمد پیغمبر خود

وَعَلَى أَخِيهِ وَصِنْوِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقِبْلَةِ الْعَارِفِينَ وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ

و بر برادر او و خویش او امیر مومنان و پیشوای عارفان و نشان راه یافتگان

وَثَانِي الْخَمْسَةِ الْمَيَامِينِ الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَبَاهَلَ اللَّهُ بِهِمُ

و دوم پنجتن صاحب یمن آنانکه افتخار نموده بایشان جبرئیل امین و مباهله فرموده خدا با

الْمُبَاهِلِينَ فَقَالَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا

پنج کس با مباهله کنندگان پس گفت خدا و او راست ترگویندگان است پس کسیکه خصومت و جدل نماید با تو بعد از آنکه

جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ

آمد ترا از علم پس بگو که بیائید تا بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را

وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ذَلِكَ الْإِمَامُ

و نزدیکان خود را و نزدیکان شما را پس مباهله نمائیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان آن امامیکه

الْمَخْصُوصُ بِمُؤَاخَاتِهِ يَوْمَ الْإِخَاءِ وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ

مخصوص است به برادری آنحضرت روز برادر خواندگی و ایثار کننده غیر را بتوشه بعد ضرر

الطَّوَى وَمَنْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَهُ فِي هَلْ أَتَى وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعَادُوهُ

گرسنگی و کسیکه ستایش نمود کوشش او را در سوره هل اتی و کسیکه گواهی داده‌اند به بزرگی او دشمنان او

وَاَقَرَّ بِمَنَاقِبِهِ جَاحِدُهُ مَوْلَى الْاَنَامِ وَمُكَسِّرُ الْاَصْنَامِ وَمَنْ لَمْ تَاْخُذْهُ

و اقرار کردند بخوبیهای او منکران او خداوند خلائق و شکننده بتان و کسیکه نگرفت او را

فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهَارِ وَاَوْرَقَتْ

در راه خدا سرزنش کننده درود فرستد خدا بر او و آل او ما دامیکه طلوع کند آفتاب روز و برگ بر آرند

الْاَشْجَارُ وَعَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقَاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْوَاضِحَاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

درختان و درود فرستد خدا بر ستارگان درخشان از فرزندان او و حجت های روشن از ذریت او

و این دعا بسند معتبر از اصح ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم است و مشهور است

که درین روز سورهٔ کریمهٔ هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمهٔ زهرا و امام حسن و امام حسین

صلوات الله علیهم نازل شده بسبب آنکه حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول

صلی الله علیه و آله بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام

نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت فرمود آن

چهار بزرگوار با فضه خادمهٔ ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه صلوات

الله علیها سه روز ثلث آن پشم را بریسد و یک صاع از آن جو بمزد خود بردارد پس در روز اول حضرت

فاطمه علیها السلام قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد

کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول صلعم نماز شام کرد و بخانه برگشت حضرت فاطمه

علیها السلام پنج گرده نان را حاضر کرد خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که

السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینی ام از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را

از مائده های بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را

بسائل دادم و سایر اهل بیت علیهم السلام با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانها همه را بسائل دادند

و بآب افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه علیها السلام بر دو رشتن

یک ثلث دیگر از پشم یک صاع دیگر را برداشت آرد کرد و نان پخت و چون خواستند افطار

کنند سائلی بر در خانه آمد و ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر مومنان اول نان حصهٔ خود را داد و بعد از آن فاطمه و بعد از آن دو گوشوارهٔ عرش خدا و بعد از آن فضه سعادتمند همگی نانهای خود را به یتیم دادند و با آب افطار نمودند و در روز سوم روزه داشتند و باز حضرت سیدة النساء در روز سوم بقیهٔ پشم را رشت و بقیهٔ جو را گرفت و در آسیا خرد کرد و با پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر می کنید و می بندید و طعام نمی دهید که بخوریم پس نخود شبهای سابق همه گردهای نان را به سائل دادند و آب بجهت افطار نمودند چون صبح شد خداوند عالمیان سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان فرستاد و در آن سوره اشاره به این قصه نموده که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا یعنی وفا می کنند بنذر و می ترسند از روزی که شر آن اکثر خلق را فرا گرفته است و می خورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای محض محبت خدا به مسکین و یتیم و اسیر و می گویند یعنی در دل خود و نیت ایشان این است که ما طعام نمیدهیم شما را مگر از برای رضای خدا نمی خواهیم از شما جزا و نه پاداشی را و نه شکر و ثنایی را ما می ترسیم از روز قیامت که در نهایت شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سورهٔ هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخانهٔ اهل بیت علیهم السلام آمد و ایشان را با آن شدت گرسنگی و آن حالت غریب مشاهده نمود و گریست و فرمود این چه حالتست که در شما مشاهده می نمایم و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را دید از نقاهت بیماری گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید می لرزند و حضرت فاطمه علیها السلام در محراب عبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم مبارکش به پشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود

چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسهٔ بود و در کاسه ثرید گرم در آن میان بود که می جوشید بوی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه علیها السلام آن خوان را نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم آورد حضرت فرمود ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی میدهد بی حساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی دیدم پس از آن تناول فرمودند و تا هفت روز از آن میخوردند و آخر کم شد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آن کاسه نزد ما هست و حضرت صاحب الامر آن را ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام درین ایام تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول سورهٔ هل اتی در شان آل عبا علیهم السلام و ایضا مناسب است غسل زیارت و زیارت ایشان علیهم السلام و زیارت جامعه خواندن درین روز مناسب است و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند دعای مباهله را نیز درین روز خواندن خوب است و روز بیست و ششم بنا بر مشهور عمر علیه اللعنة را خنجر زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد و روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد و دولت ملعونهٔ بنی امیه منقضی بر طرف شد پس درین روز شکر این نعمت را باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام حسن علیه السلام درین روز متولد شده است و روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر ملعون با سفل درکات سقر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجة الحرام که آخر سال عرب است روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند

اللّهُمَّ ما عَمِلْتُ فی هذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَیْتَنی عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَنَسیتُهُ

خداوندا آنچه کردم دراین سال از عملی که نهی کرده مرا از آن و راضی نیستی بآن و فراموش کردم

وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَنی اِلَی التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرائی عَلَیْکَ اللّهُمَّ فَاِنّی

و تو فراموش نکرده ای آنرا و خواندی مرا بسوی توبه پس از جرأت کردن من بتو بار خدایا پس بدرستیکه من

اَسْتَغْفِرُکَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لی اللّهُمَّ وَما عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ یُقَرِّبُنی اِلَیْکَ

طلب آمرزش میکنم از تو از آن پس بیامرز مرا بار خدایا و آنچه کردم از عملیکه نزدیک گرداند مرا بسوی تو

فَاقْبَلْهُ مِنّی وَلا تَقْطَعْ رَجائی مِنْکَ یا کَریمُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

پس قبول کن آنرا از من و قطع مکن امید مرا از خود ای خداوند کریم ای بخشنده ترین بخشندگان

باب ششم

در اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است **فصل اول** در اعمال شب اول محرم است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند

اللّهُمَّ اَنْتَ الْاِلهُ الْقَدیمُ وَهذِهِ سَنَةٌ جَدیدَةٌ فَاَسْئَلُکَ فیهَا

خداوندا توئی خدای قدیم و این سال تو نو است پس درخواست میکنم از تو در این سال

الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّیْطانِ وَالْقُوَّةَ عَلی هذِهِ النَّفْسِ الْاَمّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغالَ

نگاهداشتن از شیطان و غلبه و توانائی بر این نفس بسیار امر کننده به بدی و مشغول شدن

بِما یُقَرِّبُنی اِلَیْکَ یا کَریمُ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ

بچیزیکه نزدیک کند مرا بسوی تو ای کریم ای خداوند بزرگی و اکرام ای ستون کسیکه نیست ستونی از برای او

یا ذَخیرَةَ مَنْ لا ذَخیرَةَ لَهُ یا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ یا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ

ای ذخیره کسیکه نیست ذخیره مر او را ای پناه کسیکه نیست پناهی مر او را ای فریادرس کسیکه نیست فریادرسی

لَهُ یا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ یا کَنْزَ مَنْ لا کَنْزَ لَهُ یا حَسَنَ الْبَلاءِ یا عَظیمَ الرَّجاءِ

مر او را ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی مر او را ای گنج کسیکه نیست گنجی مر او را ای نیکو احسان ای بزرگ امید

یا عزّ الضعفاء یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا منعم یا مجمل یا مفضل

ای غالب کننده ضعیفان ای رهاننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای نعمت دهنده ای نیکی کننده

یا محسن انت الذی سجد لک سواد اللیل ونور النهار وضوء القمر

ای احسان کننده توئی آنکسیکه سجده کرد مر ترا سیاهی شب و روشنی روز و فروغ ماه

وشعاع الشمس ودویّ الماء وحفیف الشجر یا الله لا شریک لک اللهم

و پرتو آفتاب و آواز جریان آب و آواز حرکت درخت ای خدا نیست شریکی مر ترا بار خدایا

اجعلنا خیرا مما یظنون واغفر لنا ما لا یعلمون ولا تؤاخذنا

بگردان ما را بهتر از آنچه گمان میبرند و بیامرز ما را آنچه نمیدانند و مواخذه مکن ما را

بما یقولون حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

بآنچه میگویند کافی است مرا خدائی که نیست معبودی بحق جز او بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است

آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ

ایمان آوردیم ما باو و همه چیز از نزد پروردگار ماست و پند نمی پذیرند مگر خداوندان عقول ای پروردگار ما کج مگردان

قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب

دلهای ما بعد از آنکه راه نمود توما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده

و چون حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه در دهم این ماه بسعادت شهادت فائز گردید و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در جمیع این ده روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی لذات بکنند و از حضرت امام رضا ع منقول است که ماه محرم ماهی بود که کافران در زمان جاهلیت در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه های ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلعم را در باب ما رعایت نکردند

بدرستیکه مصیبت امام حسین ع پلکهای ما را مجروح گردانید و آب دیده های ما را جاری ساخت
و عزیز ما را ذلیل گردانید و واقعهٔ کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصیبت
آنحضرت گریه کنندگان بگریند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را بر طرف میکند
پس فرمود که پدرم حضرت امام موسی علیه السلام چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را
خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه چون روز دهم میشد
روز مصیبت و گریه و اندوه او می بود و می گفت امروز روز شهادت امام حسین علیه السلام است
و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین ع شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت
آنقدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا
بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناهی تو نباشد زیارت کن امام حسین علیه السلام را
اگر خواهی که در غرفه های بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین علیه السلام را
و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگو

یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاشکی می بودم

با ایشان پس بدرستیکه رستگاری یافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات
عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش بدانکه روزه
روز اول ماه محرم مستحب است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در روز اول
ماه محرم حضرت زکریا علی نبینا و علیه السلام دعا کرد و از خدا فرزند طلبید حقتعالی دعای او را
مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس که این روز را روزه بدارد و دعا کند
حقتعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید علیه الرحمه
گفته است که روز سوم محرم روز مبارکیست و در آن روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد
هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب و را بر او آسان گرداند و بهتر آنست
که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت
بر قتل آنحضرت روزه میداشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز روزه

آنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیده اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار رسیده اند
روزه این روز خصوصاً روزه روز عاشورا وارد شده است و ایضاً بنی امیه علیهم اللعنة
برای برکت آذوقه سال خود روز عاشورا در خانه ذخیره میکردند لهذا از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول است که هر که ترک کند سعی در حوائج خود در روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی
حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد
حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن
گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند
خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة
محشور گردد و میباید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و
و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیت آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم
باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می باشند و در آن روز امساک کند از خوردن
و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه بشربت آبی باشد
و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته باشد که نذر یا شبه آن
بر او واجب شده باشد که آن روز را باید روزه بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره
نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند بگوید

اللّهمّ العن قتلة الحسین

بار خدایا لعنت کن بر کشندگان حسین ع

و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در روز عاشورا
هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او کند و هر که را خدا نظر
رحمت بسوی او کند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و ندبه
و حزن و سوگواری با آنحضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب او که در آن شب در صحرای
کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بی حیا تا صباح احیا کردند و عبادت و تضرع

شهادت میکردند فصل دوم در زیارت مشهوره آنحضرت در روز عاشورا و فضیلت
زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هرکه در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند و در روز قیامت
محشور گردد بخون خود آلوده و چنانست که با شهدای کربلا در میان محشور گردد و هرکه شب و روز عاشورا
زیارت کند آن حضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند
صحیح از آن حضرت منقولست که هرکه حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت
کند بهشت او را واجب گردد و اما زیارت مشهوره شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان رحمهم الله
علیهم روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه هر دو و از محمد بن اسمعیل و علقمة بن محمد
حضرمی هر دو و از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هرکه زیارت کند
حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز دهم محرم تا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات
کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد و
که هریک را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت
فدای تو شوم چه ثوابست برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی
آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلند
در خانه خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان
آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس
ندبه و نوحه و گریه کند بر حضرت امام حسین علیه السلام و امر کند هرکه را در خانه او است
و اند و تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه مصیبتی بر پا دارد و با اظهار جزع بر آنحضرت
و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود و گریه کردن تعزیه گویند بعضی از ایشان
بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کارها را بکنند حقتعالی جمیع آن ثوابها
با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود
بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیه گویند فرمود که میگویند

عَظَّمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ

عظیم گرداند خدا مزدهای ما را بسبب تعزیه ما که بسبب ماتم امام حسین است بر او باد سلام و بگرداند ما را و شما را از

الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

طلب کنندگان خون او با دوست او امام مهدی از آل محمد بر ایشان باد سلام

و اگر توانی دران روز برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی

دران روز بر آورده نمی شود و اگر بر آورده شود از برای او مبارک نیست و دران خیری

و رشدی نخواهد دید و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که دران روز از برای منزل خود چیزی

ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است

مبارک نخواهد بود از برای او پس هر که چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار

هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد و از برای او خواهد بود

ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتیکه خدا دنیا را

خلق کرده است تا روز قیامت علقمه بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که تعلیم نما مرا

دعائیکه بخوانم دراین روز هرگاه که خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی که هرگاه از شهرهای

دور خواهم که اشاره کنم و آن حضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بکنی آن

دو رکعت را بعد از آن که اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد

از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد پس بتحقیق دعا کرده خواهی بود به دعائی که

ملائکه می خوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت می کنند و می نویسد خدا برای تو بآن

زیارت هزار هزار حسنه و محو می کند از تو هزار هزار گناه و بلند می کند از برای تو در بهشت

هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده اند با حسین بن علی علیهما السلام تا آنکه

شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در آنها که با آنحضرت شهید شده اند

نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده

است از روزی که آنحضرت شهید شده است می گوئی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای ابا عبد الله سلام بر تو باد ای فرزند پیغمبر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای پسر امیر مؤمنان و پسر سرور اوصیا سلام بر تو باد

يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ

ای پسر فاطمهٔ زهرا سردار زنان عالمیان سلام بر تو باد ای خون طلب

اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ

خدا و پسر خون طلب او و کشته که نگرفته شده عوض خون او ای اصحاب کشته که نگرفته شده عوض خون او سلام

بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللهِ أَبَداً مَا بَقِيتُ

اندر صحن خانهٔ تو و خوابانیدند شتران را در منزل تو شما یا وا از جانب من همگی را سلام خدا همیشه تا باقی هستم

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ

و باقی شب و روز ای ابا عبد الله رحمت های خدا و سلام او بر تو باد

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ

تحقیق که بزرگ شد ماتم و بزرگ شد مصیبت بسبب تو بر ما و بر همه

أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ

اهل اسلام و بزرگ شد و عظیم شد مصیبت تو در آسمانها بر همه

أَهْلِ السَّمَاوَاتِ فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ

اهل آسمانها پس لعنت کند خدا گروهی را که نهادند بنیاد ستم و جور را بر شما اهل بیت

وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ

و لعنت کند خدا گروهی را که دور کردند شما را از جای شما و انداختند شما را از مرتبه های شما که ترتیب داد شما را

اللهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ

خدا در آن مرتبه و لعنت کند خدا گروهی که شما را کشتند و لعنت کند خدا مهیا کنندگان از برای ایشان اقتدار

مِنْ قِتالِكُمْ وَبَرِئْتُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ

از مقاتله شما و بیزار شدم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از یاران ایشان و پیروان ایشان

وَاَوْلِيائِهِمْ يا اَبا عَبْدِ اللهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ اِنّي سِلْمٌ

و دوستان ایشان ای ابا عبد الله رحمت خدا و سلام او بر تو باد من صلح کننده ام

لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ اِلى يَوْمِ الْقِيمَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيادٍ

هر کسی را که صلح کند با شما و جنگ کننده ام هر کسی که جنگ کند با شما تا روز قیامت و لعنت کند خدا آل زیاد

وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللهُ بَني اُمَيَّةَ قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ وَلَعَنَ

و آل مروان را و لعنت کند خدا بنی امیه را همه آنها را و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند

اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ

خدا عمر پسر سعد را و لعنت کند خدا شمر را و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند اسبان را و لگام کردند

وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي لَقَدْ عَظُمَ مُصابي بِكَ

و نقاب بستند و آماده شدند برای جنگ تو فدای تو باد پدر و مادر من بتحقیق بزرگ شد مصیبت من بسبب تو

فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذي اَكْرَمَ مَقامَكَ وَاَكْرَمَني بِكَ اَنْ يَرْزُقَني طَلَبَ

پس سؤال میکنم از خدای که بزرگ کرده است مقام ترا و گرامی کرده است مرا بتو اینکه روزی کند مرا طلب

ثارِكَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّهُمَّ

خون تو با امام یاری داده شده از اهل بیت محمد درود فرستد خدا بر او و آل او خدایا

اجْعَلْني عِنْدَكَ وَجيهاً بِالْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا اَبا عَبْدِ اللهِ

بگردان مرا نزد خود خوش رو به برکت امام حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا عبد الله

صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلى رَسُولِهِ وَاِلى

رحمتهای خدا و سلام او بر تو بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی پیغمبر او

اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَاِلى فاطِمَةَ وَاِلَى الْحَسَنِ وَاِلَيْكَ بِمُوالاتِكَ وَبِالْبَراءَةِ

امیر مؤمنان و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو بدوست داشتن تو و بیزاری

صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ

رحمتهای خدا و سلام او بر تو باد

ممن قاتلكم ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم

از کسانیکه کارزار کردند با تو و برپا کردند برای تو جنگ را و بیزاری از کسانیکه بنیاد نهادند بنیاد ستم را

والجور عليكم وابرأ الى الله والى رسوله صلى الله عليه واله وسلم

و ظلم را بر شما و بری میشوم بجانب خدا و بجانب پیغمبر او درود فرستد خدا بر او و آل او و سلام

ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره

از آنانکه بنیاد نهادند بنیاد این را و بنا کردند بران بنیاد آنرا و روان شدند در ظلم خود و ستم خود

عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم

بر شما و بر یاران شما بری شدم بسوی خدا و بسوی شما از آنها و نزدیکی میجویم بسوی خدا

اليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبراءة من اعدائكم والناصبين

بسوی شما بدوستی شما و بدوستی دوست شما و به بیزاری از دشمنان شما و از برپا کنندگان

لكم الحرب وبالبراءة من اشياعهم واتباعهم واوليائهم

برای شما جنگ و به بیزاری از یاران آنها و پیروان آنها و دوستان آنها

يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن

یا ابا عبد الله بدرستیکه من صلحم کسی را که با شما صلح کند و جنگ میکنم با کسیکه با شما جنگ کند و دوستم مر کسی

والاكم وعدو لمن عاداكم فاسأل الله الذي اكرمني بمعرفتكم

که با شما دوستی کند و دشمنم مر کسی که با شما دشمنی نماید پس سوال میکنم از خدائیکه اکرام کرد با من بمعرفت شما

ومعرفة اوليائكم ورزقني البراءة من اعدائكم ان يجعلني معكم

و معرفت دوستان شما و روزی کرد مرا به بیزاری از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما

في الدنيا والاخرة وان يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا

درین جهان و بآنجهان و اینکه ثابت دارد مرا نزد شما قدم راستی در دنیا

والاخرة واسأله ان يبلغني المقام المحمود الذي لكم عند الله

و آخرت و سوال میکنم از خدا اینکه برساند مرا در مقام ستوده که مر شما راست نزد خدا

وان يرزقني طلب ثاري مع امام هدى ظاهر ناطق بالحق منكم

وانيكه روزى كند مرا طلب خون شما با امام هدايت يافته آشكار گوينده بحق كه از شماست

واسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم

وسوال ميكنم از خدا بحق شما و بمرتبه كه شما راست نزد او اينكه ببخشد مرا بمصيبت من بشما

افضل ما يعطي مصابا بمصيبته يا لها من مصيبة ما اعظمها واعظم

بهتر از آنچه بخشيده بمصيبت زده بمصيبت او واى مصيبتى كه بسيار عظيم و بسيار بزرگست

رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل السموات والارض اللهم اجعلني في

بليه آنها در اسلام و در همه اهل آسمانها و زمين بار خدايا بگردان مرا در

مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل

جاى من كه اينست از كسيكه ميرسد او را از جانب تو درود و رحمت و آمرزش خداوندا بگردان

محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد صلواتك وسلامك

زندگانى مرا زندگانى محمد و آل محمد و مردن مرا مردن محمد و آل محمد درودهاى تو و سلام تو

عليهم اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد

بر ايشان خداوندا بدرستيكه اين روزيست كه بركت جستند بآن بنى اميه و پسر جگرخوار

اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك صلى الله عليه وآله في كل

لعنت كرده شده پسر لعنت كرده شده بزبان تو و زبان پيغمبر تو درود خدا بر او و آل او در

موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك عليه وآله اللهم العن

وطن گاه و جاى ايستادن كه ايستاده شده در آن پيغمبر تو درودهاى تو بر او باد و آل او خداوندا لعنت كن

ابا سفيان ومعاوية ابن ابي سفيان ويزيد بن معاوية وآل مروان

ابوسفيان و معاويه پسر ابوسفيان و يزيد پسر معاويه را و خانواده مروان را

عليهم منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان

بر ايشان باد از جانب تو لعنت در جميع روزگارها و اين روزيست كه شاد شدند بآن آل زياد و آل مروان

عليهم اللعنة بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف

برانها باد لعنت خدا بسبب کشتن امام حسین درود خدا بر او باد خدایا پس بار کن

عليهم اللعن منك والعذاب الاليم اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم

بر ایشان لعنت از نزد تو و عذاب دردناک را بار خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو در این روز

وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة

و در جای ایستادن من که اینست و در روزهای زندگانی من بیزاری از ایشان و لعنت بر ایشان و بدوستی

لنبيك وآل نبيك عليهم السلام پس صد مرتبه بگوئی اللهم العن اول ظالم

مر پیغمبر ترا و آل پیغمبر ترا بر ایشان سلام بار خدایا لعنت کن اول ستمگر را

ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي

که ستم کرد حق محمد و آل محمد را و لعنت کن آخر تابع او را بر این بار خدایا لعنت کن گروهی را

جاهدت الحسين صلواتك عليه وشايعت وبايعت وتابعت

که جنگ کردند با حسین درود تو بر او و یاری کردند و بیعت کردند و پیروی کردند

على قتله اللهم العنهم جميعا پس صد مرتبه بگوئی السلام عليك يا ابا عبد الله

کشتن او را بار خدایا لعنت کن ایشان همه را سلام بر تو باد ای ابو عبد الله

وعلى الارواح التي حلت بفنائك واناخت برحلك عليك مني سلام

و بر جانهائیکه فرود آمده اند بکنار خانه تو و خوابانیدند شتر را در منزل تو بر تو از من سلام

الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني

خدا همیشه تا وقتیکه باقی هستم و باقیست شب و روز و نگرداند خدا آخر عهد از جانب من

لزيارتك السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين

مر زیارت ترا سلام باد بر حسین و بر علی زین العابدین بن الحسین و بر اولاد حسین

وعلى اصحاب الحسين پس بگوئی اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني

و بر یاران حسین بار خدایا مخصوص گردان تو اول ظالم را بلعنت

وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلاً ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ ثُمَّ الرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعٰوِيَةَ

و آغاز کن بآن اول را پس دوم را پس سوم را پس چهارم را بارخدایا لعنت کن یزید پسر معاویه را

خَامِسًا وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَآلَ

که پنجم است و لعنت کن عبید الله پسر زیاد و پسر مرجانه را و عمر پسر سعد و شمر و آل

أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ پس سجده میروی و میگویی

ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان را تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَىٰ مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَىٰ عَظِيمِ

بارخدایا مر تراست سپاس مثل سپاس شکر کنندگان مر ترا بر مصیبت ایشان سپاس خدا را بر بزرگی

رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ

مصیبت من خداوندا روزی کن مرا شفاعت امام حسین برا او باد سلام روز ورود و بر حوض و ثابت دار

لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

برای من قدم راستی نزد خود با امام حسین و اولاد حسین و یاران حسین

الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

آنانکه صرف کردند جانهای خود را نزدیک امام حسین بر او باد سلام

علقمه گفت حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که اگر توانی هر روز آن حضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته بود بسوی حیره بمدینه رفته پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فارغ شدیم صفوان رو خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت زیارت کنید امام حسین صلوات الله علیه را ازین مکان از بالای سر امیر المؤمنین علیه السلام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین کرد و فتیکه من در خدمت آنحضرت باین مکان تشریف آورده بودم پس خواند صفوان آن زیارت را

که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای روز عاشورا روایت کرده آن دو رکعت

نماز کرد نزد سر حضرت امیر المومنین علیه السلام وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المومنین

علیه السلام را ورو بجانب قبر امام حسین علیه السلام کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد

و از جمله دعاهای که بعد از دو رکعت خواند این دعا بود

یَا اللهُ یَا اللهُ یَا اللهُ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ یَا کَاشِفَ کُرَبِ الْمَکْرُوبِینَ

ای خدای خدای خدای مستجاب کننده دعای درماندگان ای برطرف کننده اندوه اندوه زدگان

یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ وَ یَا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ وَ یَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَیَّ

ای فریادرس فریاد کنندگان وای چاره ساز ناله کنندگان وای کسیکه او نزدیکتر است بمن

مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ وَ یَا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ یَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ

از رگ گردن و ای کسیکه حائل میشود میان مرد و دل او وای کسیکه او بنظرگاه برتر

الْأَعْلَی وَ بِالْأُفُقِ الْمُبِینِ وَ یَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَی

بلندتر است و بکرانه آشکار است وای کسیکه او است بخشاینده مهربان بر عرش مستولی شد

وَ یَا مَنْ یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدُورُ وَ یَا مَنْ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ

وای کسیکه میداند خیانت چشمهای خائن را و آنچه را که پنهان میکنند آنرا سینه ها وای کسیکه پوشیده نیست بر او

خَافِیَةٌ وَ یَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَیْهِ الْأَصْوَاتُ وَ یَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ

پوشیدگی وای کسیکه مشتبه نیست براو آوازها وای کسیکه بغلط نمی اندازد او را حاجتها

وَ یَا مَنْ لَا یُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّینَ وَ یَا مُدْرِکَ کُلِّ فَوْتٍ وَ یَا جَامِعَ کُلِّ شَمْلٍ

وای کسیکه ابرام نمیکند او را مبالغه سوال الحاح کنندگان وای دریابنده هر فوتی وای فراهم آورنده هر پراکنده

وَ یَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ یَا مَنْ هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فِی شَأْنٍ یَا قَاضِیَ

وای آفریننده جانهای بعد از مرگ ای کسیکه هر روزی در کاری هست ای برآورنده

الْحَاجَاتِ یَا مُنَفِّسَ الْکُرُبَاتِ یَا مُعْطِیَ السُّؤُلَاتِ یَا وَلِیَّ الرَّغَبَاتِ

حاجتها ای گشاینده اندوه ها ای بخشنده حاجتها ای خداوند خواهشها

یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء فی السموات

ای کفایت کننده مهمات ای کسیکه بس است از هر چیزی و بس نمی شود از تو چیزی در آسمانها

والارض اسألك بحق محمد وعلی وبحق فاطمة بنت نبیك وبحق الحسن

و زمین سوال میکنم از تو بحق محمد و علی و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق حسن

والحسین وبحق التسعة من ولد الحسین علیهم السلام فانی بهم اتوجه

و حسین و بحق نه پیشوایان از فرزندان حسین بر ایشان رحمت خدا باد پس بدرستیکه من بایشان

الیك فی مقامی هذا وبهم اتوسل وبهم اتشفع الیك وبحقهم اسألك

بسوی تو در مقام خود که اینست و بایشان وسیله میجویم بایشان شفاعت میجویم بسوی تو و بحق ایشان سوال میکنم از تو

واقسم واعزم علیك وبالشأن الذی لهم عندك وبالقدر الذی لهم

و سوگند میخورم و قسم میدهم بر تو و بمرتبه که مر ایشانراست نزد تو و بقدریکه مر ایشانراست

عندك وبالذی فضلتهم علی العالمین وباسمك الذی جعلته عندهم

نزد تو و بآنچه فضیلت دادی ایشانرا بر عالمیان و بنام تو که گردانیدی آن نام را نزد ایشان

وبه خصصتهم دون العالمین وبه ابنتهم وابنت فضلهم من

و بآن مخصوص گردانیدی ایشانرا سوای عالمیان بآن نام جدا کردی ایشانرا و آشکار کردی فضل ایشانرا

فضل العالمین حتی فاق فضلهم فضل العالمین ان تصلی علی محمد وآل محمد

فضیلت عالمیان تا آنکه پیشی گرفت فضیلت ایشان بر فضل عالمیان اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد

ان تکشف عنی غمی وهمی وکربی وتکفینی المهم من اموری وتقضی عنی

اینکه برداری از من اندوه مرا و ملال مرا و حزن مرا و کفایت کنی مرا آنچه در غم اندازنده باشد از کارهای من و ادا کنی از من

دینی وتجیرنی من الفقر وتجیرنی من الفاقة وتغنینی عن المسألة الی

قرض مرا و پناه دهی مرا از ادبار و پناه دهی مرا از فاقه و بی نیاز کنی مرا از سوال بسوی

المخلوقین وتکفینی هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة

آفریدگان و کفایت کنی مرا اندوه کسیکه میترسم از اندوه او و دشواری کسیکه میترسم از دشواری او

مَنْ اَخافُ حِیْنَهُ وَشَرَّهُ وَمَکْرَ مَنْ اَخافُ مَکْرَهُ وَبَغْیَ
کسیکه می ترسم از هنگام او و بدی کسیکه می ترسم از بدی او و فریب کسیکه می ترسم از فریب او و ستم

مَنْ اَخافُ بَغْیَهُ وَجَوْرَ مَنْ اَخافُ جَوْرَهُ وَسُلْطانَ مَنْ اَخافُ سُلْطانَهُ
کسیکه می ترسم از ستم او و جفای کسیکه می ترسم از جفای او و غلبه کسیکه می ترسم از غلبه او

وَکَیْدَ مَنْ اَخافُ کَیْدَهُ وَمَقْدُرَةَ مَنْ اَخافُ بَلاءَ مَقْدُرَتِهِ عَلَیَّ وَتَرُدَّ
و مکر کسیکه می ترسم از مکر او و توانائی کسیکه می ترسم از بلای توانائی او بر من و برگردانی

عَنّی کَیْدَ الْکَیَدَةِ وَمَکْرَ الْمَکَرَةِ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرادَنی بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَ
از من مکر مکر کنندگان و حیله حیله کنندگان بار خدایا کسیکه اراده کند مرا به بدی پس خواه او را

مَنْ کادَنی فَکِدْهُ وَاصْرِفْ عَنّی کَیْدَهُ وَمَکْرَهُ وَبَأْسَهُ وَاَمانِیَّهُ
و کسیکه مکر کند با من پس جزا کن او را و بگردان از من مکر او را و حیله او را و سختی او را و آرزوهای او را

وَامْنَعْهُ عَنّی کَیْفَ شِئْتَ وَاَنّی شِئْتَ اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّی بِفَقْرٍ
و باز دار او را از من بهر طوریکه خواهی و هر جا که خواهی بار خدایا مشغول گردان او را از من بفقری

لا تَجْبُرُهُ وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها وَبِسُقْمٍ لا تُعافیهِ وَذُلٍّ
که اصلاح نکنی آنرا و به بلائیکه نپوشی آنرا و بفاقه که آنرا نبندی و به بیماری که شفا ندهی او را و خواری

لا تُعِزُّهُ وَبِمَسْکَنَةٍ لا تَجْبُرُها اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَیْنَیْهِ وَاَدْخِلْ
که عزیز نکنی او را و بدرویشی که تدارک نکنی آنرا بار خدایا بزن خواری را پیش دو چشم او و داخل کن

عَلَیْهِ الْفَقْرَ فی مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فی بَدَنِهِ حَتّی تَشْغَلَهُ عَنّی بِشُغْلٍ
بر او فقر را در خانه او و رنج و بیماری را در بدن او تا آنکه باز گردانی او را از من بشغلی

شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ وَاَنْسِهِ ذِکْری کَما اَنْسَیْتَهُ ذِکْرَکَ وَخُذْ عَنّی بِسَمْعِهِ
بسیار مشغول کننده که فراغت نباشد برای او و فراموش گردان یاد مرا چنانچه فراموش کردی یاد خود را و بگیر از من گوش او را

وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَیَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمیعِ جَوارِحِهِ وَاَدْخِلْ عَلَیْهِ
و بینائی او را و زبان او را و دست او را و پای او را و دل او را و تمام اعضای او را و داخل کن بر او

فی جمیع ذلک السقم ولا تشفه حتی تجعل ذلک له شغلاً شاغلاً عنی

در تمام اعضا بیماری کو شفا مده اورا تا بگردانی این بیماری را برای او شغل بازدارنده اورا از من

وعن ذکری واکفنی یا کافی ما لا یکفی سواک فانک الکافی

واز یاد من و کفایت کن ای کفایت کننده چیزی که کفایت نمیکند غیر تو پس بدرستیکه تو کفایت کننده

لا کافی سواک ومفرج لا مفرج سواک ومغیث لا مغیث سواک وجار

نیست کفایت کننده بغیر تو و گشاینده که نیست گشاینده بغیر تو و فریادرسنده که نیست فریادرسنده غیر تو و پناه

لا جار سواک خاب من کان جاره سواک ومغیثه سواک ومفزعه

که نیست پناه بغیر تو زیانکار است کسیکه باشد پناه او سوای تو و فریادرس او بغیر تو و زاری او

الی سواک ومهربه وملجأه الی غیرک ومنجاه من مخلوق غیرک فانت

بسوی غیر تو و گریزگاه و پناه او بسوی غیر تو و خلاص او از آفریده غیر تو پس توئی

ثقتی ورجائی ومفزعی ومهربی وملجأی ومنجای فبک استفتح وبک

اعتماد من و امید من و پناه من و گریزگاه من و پناه من و خلاص من پس بتو گشایش میطلبم و بتو

استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه الیک واتوسل واتشفع فاسألک

رستگاری میجویم و بمحمد و آل محمد روی می آرم بسوی تو و وسیله میکنم و شفاعت میطلبم پس سؤال میکنم

یا الله یا الله یا الله فلک الحمد ولک الشکر والیک المشتکی وانت المستعان

ای خدا ای خدا ای خدا پس مر تراست حمد و مر تراست شکر و بسوی تست شکایت و توئی یاری جوئی شده

فاسألک یا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف

پس سؤال میکنم ای خدا بحق محمد و آل محمد اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زائل کنی

عنی غمی وهمی وکربی فی مقامی هذا کما کشفت عن نبیک همه وغمه

از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا در مقام من که چنانچه زائل کردی از پیغمبر خود حزن او را و غم او را

وکربه وکفیته هول عدوه واکشف عنی کما کشفت عنه وفرج عنی

و شدت او را و دفع نمودی از وی بیم دشمن او را پس زائل کن از من چنانچه زائل کردی از او و گشایش ده مرا

كما وجهت عنه واكفني كما كفيته وافرج عني هول ما اخاف هوله

چنانچه گشودی از او و کفایت کن مرا چنانچه کفایت کردی او را و دور کن از من ترس چیزی که می ترسم از ترس آن

ومؤونة ما اخاف مؤونته وهم ما اخاف همه بلا مؤونة على نفسي من ذلك

و مشقت چیزی که می ترسم مشقت آن را و اندوه چیزی که می ترسم از اندوه آن بی مشقت بر ذات من از آن

واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر آخرتي

و بگردان مرا به روا کردن حاجتهای من و بر طرف کردن چیزی که اندوهگین کرده است مرا اندوه او از کار آخرت من

ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله عليكما مني سلام الله ابدا ما بقيت

و دنیای من ای امیر مؤمنان و ای ابو عبدالله حسین بر شما باد از من سلام خدا همیشه تا باقی هستم

وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد من زيارتكما ولا فرق الله بيني

و باقی ماند شب و روز و نگرداند این را خدا آخر عهد از زیارت شما و جدائی نیفکند خدا میان من

وبينكما اللهم احيني حيوة محمد وذريته وامتني مماتهم وتوفني على ملتهم

و میان شما خداوندا زنده دار مرا بر روش زندگی محمد و اولاد او و بمیران مرا مانند مردن ایشان و بمیران مرا بر ملت ایشان

واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا

و حشر کن مرا در جماعت ایشان و جدائی میفکن میان من و میان ایشان یک چشم زدن که همیشه در دنیا

والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله صلوات الله عليكما اتيتكما زائرا

و آخرت ای امیر مؤمنان و ای ابا عبدالله رحمتهای خدا بر شما آمدم نزد شما زیارت کننده

ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا بكما الى الله

و وسیله جوینده بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما و حالیکه رو آورم بسوی خدا بوسیله شما شفاعت خواهنده بشما بسوی خدا

في حاجتي هذه فاشفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه

در حاجت خود که این است پس شفاعت کنید برای من بدرستیکه مر شما راست نزد خدا مرتبه ستوده و بزرگی خوش

والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها

و منزلت بلند و وسیله بدرستیکه من بر میگردم از طرف شما انتظار کشنده برای روا شدن حاجت و ادای آن

ونجاحها من الله بشفاعتكما الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون

و برآمدن آن از خدا بشفاعت شما بسوی خدا در این پس محروم نشوم و نشود

منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون منقلبي منقلبا راجحا مفلحا

بازگشت من بازگشت محروم زیان کار بلکه شود بازگشت من بازگشت با مزیت و رستگاری

منجحا مستجابا بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلب على

و فیروزی اجابت کرده شده برای من برآمدن جمیع حاجتهای من و شفاعت کنید برای من بسوی خدا

ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله مفوضا امري الى الله ملجئا ظهري

آنچه بخواهد خدا و نیست بازگشت و نه توانائی مگر بخدا در حالتیکه گذارنده کار خود را بسوی خدا پناه دهنده

الى الله ومتوكلا على الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس

بسوی خدا و توکل کننده بر خدا و میگویم کافی است مرا خدا و بس است می شنود خدا

لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشأ

مرا بجز خدا و جز شما ای سروران من منتهای آنچه خواست پروردگار من شود و آنچه نخواهد

لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر

نمی شود و نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعت مگر بخدا امانت میسپارم شما را بخدا و نگرداند خدا

العهد مني اليكما انصرفت يا سيدي يا امير المؤمنين يا مولاي وانت

از آخر عهد من بسوی شما برگشتم ای سرور من ای پادشاه مومنان ای آقای من و تو

يا ابا عبد الله يا سيدي وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار

ای ابا عبدالله ای آقای من سلام من بر شما پیوسته است مادام که پیوسته شب و روز

واصل ذلك اليكما غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسأله

و رسنده است این سلام من بسوی شما و ممنوع نیست از شما سلام من اگر خدا خواهد و سوال نمایم

بحقكما ان يشاء ذلك ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا سيدي

بحق شما این که بخواهد این را و بکند پس بدرستیکه خدا ستوده بزرگ است برگردیدم ای سرور من

عنکما تائبا حامدا لله شاکرا راجیا للاجابة غیر آئس و لا قانط آئبا

از طرف شما و در حال توبه حمد کنان مر خدا را و شکر کنان امیدوارم قبول را غیر نومید غیر محروم برگرده

عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما و لا من زیارتکما بل راجع

عود کننده رجوع نماینده بسوی زیارت شما نه رو گرداننده از شما و نه از زیارت شما بلکه برگردم

عائد ان شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما

و عود می نمایم بسوی شما اگر خدا خواسته باشد و نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعت مگر بخدا ای سروران من

و الی زیارتکما بعد ان زهد فیکما و فی زیارتکما اهل الدنیا

و بسوی زیارت شما بعد از آنکه ترک کرده بودند شما را و زیارت شما را اهل دنیا

فلا خیبنی الله مما رجوت و ما املت فی زیارتکما انه قریب مجیب

پس نا امید نکند مرا خدا از آنچه امیدوارم و از آنچه آرزو دارم در زیارت شما بدرستیکه خدا نزدیک است

سیف بن عمیره گفت من بصفوان گفتم که علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر علیه السلام

از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد و صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود

امام جعفر صادق علیه السلام باین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را

خواند در هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد و آن وداع را بجا آورد بعد از آن

صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و

بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را

بخواند از نزدیک یا دور آنکه زیارتش مقبول و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت

برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا طلبد برآورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد

ای صفوان این زیارت را باهمین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین

علیهما السلام با همین ضامنی و او از امام حسین علیه السلام با همین ضامنی و او از امام حسن علیه السلام

با همین ضامنی و او از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام با همین ضامنی و امیر المؤمنین

علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همین ضامنی و رسول خدا صلعم از جبرئیل

باهمین ضامنی وجبرئیل ازخداوند عالمیان باهمین ضامنی بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است
که هر که حضرت امام حسین علیه السلام را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور واین دعا
را بخواند زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد برآورم هرچند که بزرگ باشد و هر سوال که
بکند عطا کنم و از درگاه من ناامید برنگردد و او را برگردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجتش
و فائز شدن به بهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر
کسیکه دشمن با اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا بر آنچه گواه گرفته بود بران ملائکه ملکوت خود پس
جبرئیل گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی
تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز
قیامت پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای صفوان هرگاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد
این زیارت را بکن هرجا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب
که البته برآورده می شود و حق تعالی خلف وعدهٔ خود نمی فرماید مولف گوید که چون عبارات
حدیث تشویش عظیمی دارد و قابل احتمال بسیار است اگر اول زیارت السلام علیک یا اباعبدالله را
تا وآل نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند
بهتر است و اگر بعد صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد صد مرتبه سلام بار دیگر نماز بکند و متصل بسجده
بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بهمه احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی از زیارات بعیده را بعمل
آورده نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیرالمؤمنین
علیه السلام را باین زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هرگاه این زیارت را از نزد ضریح
مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کردن این زیارت
در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا بکند بجای اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا
یَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُوْ اُمَیَّةَ بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ یَوْمَ قَتْلِ الْحُسَیْنِ صَلَوَاتُكَ
عَلَیْهِ یَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُوْ اُمَیَّةَ

فصل سیوم

در سائر زیارات این روز است و از جملهٔ آنها زیارتیست که بسند صحیح از عبدالله بن سنان

روایت کرده است که رفتیم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در روز عاشورا آنحضرت را شکسته
رنگ و اندوهناک یافتیم و آب از دیده های مبارکش مانند مروارید میریخت گفتیم یا ابن رسول الله سبب
گریه شما چیست خدا هرگز دیده های شما را گریان نگرداند حضرت فرمود که مگر غافلی نمیدانی که در مثل
این روز حضرت امام حسین علیه السلام شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائی در روزه این روز فرمود که
روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه کنی و افطار مکن نه از روی شماتت و دیگر تمام روزه مگیر و باید
افطار تو بعد از نماز عصر باشد یکساعت بشربتی از آب زیرا که در این وقت جنگ برطرف شد از آل رسول
علیه السلام و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بودند که صاحب مصیبت در اینها
حضرت رسول صلی الله علیه وآله بود و اگر آن حضرت صلعم در دنیا می بود بایست آنحضرت را برای
ایشان تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس
فرمود که بهتر کاری که در این روز بکنی آنست که جامه های پاکیزه بپوشی و بندها را بگشائی و آستینها را
تا ذراع فوق بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان یا مکانی که کسی ترا نه بیند
یا خانه خالی از برای تقیه از سنیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع
و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون
بخوانی و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سوره
احزاب بخوانی و در رکعت دوم سوره اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که ترا
بخوانی پس گردانی روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن امام
مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت
کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که بهر لعنتی هزار حسنه
برای تو نوشته میشود و هزار گناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند میشود و

و بهتر این است که هزار مرتبه بگوید

اللّٰهمّ العن قتلة الحسین واصحابه

بار خدایا لعنت کن بر کشندگان حسین علیه السلام و کشندگان اصحاب او

پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش رود و بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رِضًا بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ

یعنی بدرستیکه ما بنده خدائیم و بسوی خدا گردنده ایم جهت خوشنودی بقضای او و گردن نهادن مر امر او را

و اگر سه مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون و غمناک

و گریان باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی

اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَحَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ

بار خدایا عذاب کن فاجران را که مخالفت کردند پیغمبر ترا و جنگ کردند دوستان ترا

وَعَبَدُوا غَيْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ وَمَنْ

و پرستش کردند غیر ترا و حلال دانستند حرام کرده های ترا و لعنت کن پیشوایان را و تابعان را و هر

كَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا اَللّٰهُمَّ وَ

که بود از آنها پس شتافت و مرکب دوانید با آنها یا خوشنود شد بکردار آنها لعنت بسیار بار خدایا

عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي

تعجیل کن در گشایش کار آل محمد و بگردان درود های خود را بر او و بر ایشان و خلاص کن ایشان را از دستهای

الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ وَالْكَفَرَةِ الْجَاحِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَأَتِحْ لَهُمْ

منافقان گمراه کننده و کافران انکار نمایندگان و فتح ده ایشان را فتح آسان و آماده کن برای ایشان

رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا

راحت و گشایش نزدیک و بگردان برای ایشان از جانب خود بر دشمن تو و دشمن ایشان غلبه

پس دست بدعا بردارد و قصد کند دشمنان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را و بگوید

اَللّٰهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَكَفَرَتْ

بار خدایا بدرستیکه بسیاری از امت دشمنی ورزیدند با حفظ کنندگان از امامان و کافر شدند

بِالْكَلِمَةِ وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ

به کلمه حق و رو آوردند به پیشوایان ستمکاران و ترک کردند قرآن و سنت را و عدول کرد

عن الحبلين الذين امرت بطاعتهما و التمسك بهما فاماتت الحق

از دو ریسمانی که امر کردی بفرمانبرداری آن هر دو و چنگ زدن بهر دو پس میرانیدند حق

وحادت عن القصد و مالأت الاحزاب و حرفت الكتاب و كفرت

و عدول کردند از راه راست و یاری کردند گروهها را و تحریف کردند کتاب را و کافر شدند

بالحق لما جاءها و تمسكت بالباطل لما اعترضها و ضيعت حقك

بحق هرگاه آمد ایشانرا و چنگ زدند بباطل هرگاه پیش آمد آنهارا و ضایع کردند حق ترا

و اضلت خلقك و قتلت اولاد نبيك و خيرة عبادك و حملة علمك

و گمراه کردند خلق ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و برگزیدهای بندهای ترا و بردارندهای علم

و ورثة حكمتك و وحيك اللهم فزلزل اقدام اعدائك و اعداء

و میراث بران حکمت ترا و وحی ترا بار خدایا پس بلغزان پاهای دشمنان خود را و دشمنان

رسولك و اهل بيت رسولك اللهم و اخرب ديارهم و افلل سلاحهم

پیغمبر خود را و دشمنان اهل بیت پیغمبر خود را بار خدایا و خراب کن خانهای آنهارا و رخنه بینداز در سلاح

و خالف بين كلمتهم و فت في اعضادهم و اوهن كيدهم و اضربهم

و مخالفت بینداز میان سخن ایشان و سست کن بازوهای ایشان را و سست کن مکر ایشانرا و بزن ایشانرا

بسيفك القاطع و ارمهم بحجرك الدامغ و طمهم بالبلاء طما و

بشمشیر خود که برنده است و بزن ایشانرا بسنگ خود که شکننده است و بپوشان ایشانرا ببلا پوشانیدنی

قمهم بالعذاب قما و عذبهم عذابا نكرا و خذهم بالسنين و المثلات

بروب ایشانرا بعذاب روفتنی و عذاب کن ایشانرا بعذاب سخت و بگیر ایشانرا بقحط سالی و عقوبتهای

التي اهلكت بها اعداءك انك ذو نقمة من المجرمين اللهم ان سنتك

که هلاک کردی بآن دشمنان خود را بدرستیکه تو صاحب انتقامی از گناهکاران بار خدایا بدرستیکه طریقه تو

ضائعة و احكامك معطلة و عترة نبيك في الارض هائمة اللهم

ضایع است و حکمهای تو معطل است و فرزندان پیغمبر تو در زمین سرگردانند بار خدایا

فأعزّ الحقّ وأهله وأقمع الباطل وأهله ومنّ علينا بالنجاة واهدنا

پس عزیز ساز حق را و اهل حق را و مقهور ساز باطل و اهل باطل را و منت نه بر من برستگاری و راه نما مارا

الی الایمان وعجّل فرجنا وانظمه بفرج اولیائك واجعلهم لنا ودّا

بجانب ایمان و زود کن گشایش مارا و پیوسته کن آنرا بگشایش اولیای خود و بگردان ایشان را برای ما دوست

واجعلنا لهم وفدا اللّهمّ واهلك من جعل یوم قتل ابن نبیّك وخیرتك

و بگردان ما را برای ایشان وارد شونده بار خدایا و هلاک کن کسی که گردانید روز کشته شدن پسر پیغمبر ترا و برگزیده ترا

عیدا واستهلّ به فرحا ومرحا وخذ آخرهم کما اخذت اوّلهم وضاعف

عید و آواز برداشت بقتل او از روی شادی و خوشحالی و بگیر آخر جماعت را چنانچه گرفتی اول ایشان را و مضاعف کن

اللّهمّ العذاب والتنکیل علی ظالمی اهل بیت نبیّك واهلك اشیاعهم

بار خدایا عذاب را و عقوبت را برستم کنندگان اهل بیت پیغمبر تو و هلاک گردان تابعان ایشانرا

وقادتهم وابر حماتهم وجماعتهم اللّهمّ وضاعف صلواتك ورحمتك

و پیشوایان ایشانرا و هلاک کن حمایت کنندگان ایشانرا و جماعت ایشانرا بار خدایا و مضاعف کن درود خود و رحمت خود

وبرکاتك علی عترة نبیّك العترة الضائعة الخائفة المستذلّة

و برکتهای خود بر اولاد پیغمبر خود که اولاد تلف شده ترسان خوار کرده شده

بقیّة من الشجرة الطیّبة الزاکیة المبارکة واعل اللّهمّ کلمتهم

باقی مانده از درخت پاک پاکیزه مبارک و بلند کن بار خدایا کلمه ایشان را

وافلج حجّتهم واکشف البلاء واللأواء وحنادس الاباطیل والعمی

و غلبه بده حجت ایشانرا و برطرف کن بلا و سختی و تاریکیهای باطلها را و نابینائی را

عنهم وثبّت قلوب شیعتهم وحزبك علی طاعتك وولایتهم ونصرتهم

از ایشان و ثابت دار دلهای شیعیان ایشان را و گروه خود را بر طاعت خود و دوستی ایشان و یاری ایشان

وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر علی الاذی فیك واجعل لهم

و دوست داشتن ایشان و یاری ده ایشانرا و بخش ایشانرا صبر را بر آزار کشیدن در راه تو و بگردان برای ایشان

أَيَّاماً مَشْهُودَةً وَأَوْقَاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فِيهَا فَرَجَهُمْ وَتُوجِبُ

روزهای مشهود و وقتهای ستوده شده باسعادت که نزدیک گردانی در آن وقتها گشایش ایشان را و واجب گردانی

فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَنَصْرَهُمْ كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ فَإِنَّكَ

در آن وقتها دسترس ایشان و یاری ایشان را چنانچه ضامن شدی برای دوستان خود در کتاب خود که فرستاده شده است پس بدرستیکه تو

قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

فرموده و قول تو راست است وعده کرد خدا آنانکه ایمان آوردند از شما و عمل کردند عملهای نیک که

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

هر آئینه خلیفه گرداند ایشان را در زمین چنانچه خلیفه گردانید آنها را که پیش ایشان بودند و هر آئینه تمکین

لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي

دهد ایشان را دین ایشان که پسندیده است برای ایشان و هر آئینه تبدیل نماید ایشان را از پس ترس ایشان ایمنی که پرستند مرا

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً اللّٰهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ يَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلَّا هُوَ

و شریک نکردانند بمن چیزیرا بار خدایا برطرف کن غم ایشان را ای کسیکه مالک نیست برطرف کردن ضرر را بجز او

يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَأَنَا يَا إِلٰهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ وَالرَّاجِعُ

ای یگانه ای یکتا ای زنده ای پایدار و من ای خدای من بنده توام که ترسانم از تو و بازگشت کننده ام

إِلَيْكَ السَّائِلُ لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ اللَّاجِئُ إِلَىٰ فِنَائِكَ الْعَالِمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ

بسوی تو سوال کننده ام ترا و رو آورنده ام بر تو پناه برنده ام بسوی درگاه تو دانا ام به اینکه نیست پناهی

مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ اللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَائِي وَاسْمَعْ يَا إِلٰهِي عَلَانِيَتِي وَنَجْوَايَ وَاجْعَلْنِي

از تو مگر بسوی تو بار خدایا پس قبول کن دعای مرا و بشنو ای خدای من سخن آشکار مرا و راز مرا و بگردان مرا

مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

از کسانیکه راضی شدی از عمل ایشان و پذیرفتی عبادت ایشان را و رهانیدی ایشان را برحمت خود بدرستیکه توئی غالب بزرگوار

اللّٰهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلاً وَآخِراً عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بار خدایا درود بفرست در اول و آخر بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

وارحم محمداً وآل محمد بأكمل وأفضل ما صليت وباركت وترحمت على

و ببخشا بر محمد و آل محمد بکامل تر و فاضل تر از آنچه درود فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر

انبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا إله إلا أنت اللهم

پیغمبران خود و فرستادگان خود و فرشتگان خود و بردارندگان عرش خود بحق کلمه مبارک توحید بار خدایا

لا تفرق بيني وبين محمد وآل محمد صلواتك عليه وعليهم واجعلني

جدا مکن میان من و میان محمد و آل محمد درودهای تو باد بر او و بر ایشان و بگردان مرا

يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وذريتهم

ای مولای من از یاران محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ذریت آنها

الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبلهم والرضا بسبيلهم والأخذ

که پاک و برگزیده اند و ببخش مرا چنگ زدن بدوستی ایشان و خوشنودی براه ایشان و فرا گرفتن

بطريقتهم إنك جواد كريم

بطریقه ایشان بتحقیق که تو بخشنده بزرگواری

پس بسجده برو و طرف روی خود را بر خاک بگذار و بگو

يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد أنت حكمت فلك الحمد محموداً مشكوراً

ای کسیکه حکم میکند هرچه میخواهد و میکند هرچه میخواهد تو حکم کردی پس ترا است سپاس ستوده و شکر کرده شده

فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فإنك ضمنت إعزازهم بعد الذلة

پس زود کن ای مولای من گشایش ایشان را و گشایش ما را بایشان پس بتحقیق تو ضامن شدی عزیز کردن ایشان را بعد از خواری

وتكثيرهم بعد القلة وإظهارهم بعد الخمول يا أصدق الصادقين و

و بسیار کردن ایشان را بعد از کمی و آشکار کردن ایشان را بعد از گمنامی ای راستگو ترین راستگویان و

يا أرحم الراحمين فأسألك يا إلهي وسيدي متضرعاً إليك بجودك

ای مهربان ترین مهربانان پس سؤال میکنم از تو ای خدای من و آقای من در حالتیکه زاری کننده ام بسوی تو بجود تو

وكرمك بسط أملي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة

و کرم تو فراخی امید خود و در گذشتن از جرم خود و پذیرفتن کردار کم و بسیار خود و افزونی

فی ایامی و تبلیغی ذلک المشهد و ان تجعلنی ممن یدعی فیجیب الی طاعتهم
در ایام خود و رسانیدن خود باین مشهد و آنکه بگردانی مرا از کسانیکه دعوت کرده میشوند پس اجابت میکنند
و موالاتهم و نصرهم و ترینی ذلک قریبا سریعا فی عافیة انک علی کل
و دوستی ایشان و یاری ایشان و بنمائی مرا این امر زود و بسرعت در عافیت بدرستیکه تو بر همه
شیء قدیر پس سر خود را بسوی آسمان بلند کن و بگو اعوذ بک ان اکون من
چیز توانائی پناه می برم بتو از اینکه باشم از
الذین لا یرجون ایامک فاعذنی یا الهی برحمتک من ذلک
آنجماعت که امید ندارند روزهای ترا پس پناه ده مرا ای خدای من بمهربانی خود از این
چون چنین کنی این عمل بهترست از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که مال بسیار
در آنها صرف نمائی و بدن خود را در آنها در تعب افکنی و از اهل و عیال خود و فرزندان خود جدا
شوی و بدانکه کسیکه این نماز را در این قبر بکند و این دعا را بخواند از روی اخلاص این
عمل را بالیقین و تصدیق بجا آورد حقتعالی ده خصلت باو عطا کند که از جمله آنها امنیت که او
از هر و نهاد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و امر ده
دشمنی بر او مسلط نکرده و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی او و فرزندانش [illegible]
و شیطان او و دوستان او و ان شیطان را مسلط نگرداند بر او و بر نسل او تا چهارم پشت
زیارت دیگر زیارتیست که مشتمل است بر زیارت شهدا و متضمن تعزیت حضرت
رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است و مناسب است که در این روز
خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد و زیارت اینست
السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث
سلام بر تو باد ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد ای وارث
نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک
نوح نبی خدا سلام بر تو باد ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو باد

يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله

ای وارث موسی هم سخن خدا سلام برتو باد ای وارث عیسی روح خدا

السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله السلام عليك يا وارث علی

سلام برتو باد ای وارث محمد دوست خدا سلام برتو باد ای وارث علی

امير المؤمنين السلام عليك يا وارث الحسن الشهيد سبط رسول الله

امیر مومنان سلام برتو باد ای وارث حسن شهید فرزندزاده پیغمبر خدا

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن البشير النذير وابن

سلام برتو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام برتو باد ای پسر بشارت دهنده و ترساننده و پسر

سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين السلام

سردار اوصیا سلام برتو باد ای پسر فاطمه سرور زنان عالمیان سلام

عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا خيرة الله وابن خيرته السلام

برتو باد ای اباعبدالله سلام برتو باد ای برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام

عليك يا ثار الله وابن ثاره السلام عليك ايها الوتر الموتور السلام

برتو باد ای خون طلب خدا و پسر خون طلب او سلام برتو باد ای وتر موتور سلام

عليك ايها الامام الهادي الزكي وعلى ارواح حلت بفنائك

برتو باد ای امام رهنما پاک و برارواحی که فرود آمدند بگرد خانه تو

واقامت في جوارك ووفدت مع زوارك السلام عليك مني ما بقيت

وجا گرفته اند در همسایگی تو و وارد شده اند با زیارت کنندگان تو سلام برتو باد از جانب من تا وقتیکه باقی ام

وبقي الليل والنهار فلقد عظمت بك الرزية وجل المصاب في المؤمنين

و باقیست شب و روز پس بر آینه بتحقیق بزرگ شده است بسبب تو مصیبت عظیم شده است مصیبت در مومنان

والمسلمين وفي اهل السموات اجمعين وفي سكان الارضين

و در مسلمانان و در اهل آسمانها همه ایشان و در ساکنان زمین ها

[illegible]

فَاِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ وَصَلَواتُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ وَتَحِیّاتُهُ عَلَیْکَ وَعَلی

پس ما بندگانیم مر خدا را و بسوی او بازگشت ما و درود خدا و برکتهای او و تحفه های او بر تو باد و بر

آبائِکَ الطَّیِّبینَ الْمُنْتَجَبینَ وَعَلی ذُرِّیّاتِهِمُ الْهُداةِ الْمَهْدِیّینَ السَّلامُ عَلَیْکَ

پدران تو که پاکان و برگزیدگانند و بر فرزندان ایشان که راه نمایان راه یافتگانند سلام بر تو باد

یا مَوْلایَ وَعَلَیْهِمْ وَعَلی رُوحِکَ وَعَلی اَرْواحِهِمْ وَعَلی تُرْبَتِکَ وَعَلی تُرْبَتِهِمْ

ای آقای من و بر ایشان و بر روح تو و بر ارواح ایشان و بر تربت تو و بر تربت ایشان

اَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْواناً وَرَوْحاً وَرَیْحاناً السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ

خداوندا ملاقات کن ایشان را رحمت و خوشنودی و [illegible] سلام بر تو باد ای مولای من

یا اَبا عَبْدِاللّٰهِ یَا بْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَیَا بْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَیَا بْنَ

ای اباعبدالله ای پسر آخر پیغمبران و ای پسر سرور اوصیا و ای پسر

سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا شَهیدُ یَا بْنَ الشَّهیدِ یا اَخَا الشَّهیدِ

سرور زنان عالمیان سلام بر تو باد ای شهید ای پسر شهید ای برادر شهید

یا اَبَا الشُّهَداءِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنّی فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی هذَا الْیَوْمِ وَفی هذَا

ای پدر شهیدان خداوندا برسان او را از جانب من در این ساعت و در این روز و در این

الْوَقْتِ وَفی کُلِّ وَقْتٍ تَحِیَّةً کَثیرَةً وَسَلاماً سَلامُ اللّٰهِ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ

وقت و در هر وقت درود بسیار و سلام بسیار سلام خدا بر تو باد و رحمت

اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ یَا بْنَ سَیِّدِ الْعالَمینَ وَعَلَی الْمُسْتَشْهَدینَ مَعَکَ سَلاماً

خدا و برکتهای او ای پسر سرور عالمیان و بر آنها که دریافتند شهادت را با تو سلامی

مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ السَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الشَّهیدِ

پیوسته مادامیکه پیوسته شود شب و روز سلام بر حسین پسر علی شهید

السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ السَّلامُ عَلَی الْعَبّاسِ بْنِ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ

سلام بر علی پسر حسین شهید سلام بر عباس پسر پادشاه مؤمنان

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرکه ظلمی برکسی کند [illegible]

[illegible]

الشهيد السلام على الشهداء من ولد امير المؤمنين السلام على

شهید سلام بر شهیدان از فرزندان امیر المؤمنین علیه السلام سلام بر

الشهداء من ولد الحسن السلام على الشهداء من ولد الحسين السلام

شهیدان از فرزندان امام حسن سلام بر شهیدان از اولاد حسین ع سلام

على الشهداء من ولد جعفر و عقيل السلام على كل مستشهد معهم من

بر شهیدان از اولاد جعفر و عقیل سلام بر هر که دریافته شهادت را با ایشان از

المؤمنين اللهم صل على محمد و آل محمد و بلغهم عني تحية كثيرة و سلاما

اهل ایمان ای خدایا درود و رحمت بر محمد و آل محمد و برسان ایشان را تحیت بسیار و سلام

السلام عليك يا رسول الله احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا نیکو گرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند حسین سلام

عليك يا فاطمة احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين عليه السلام السلام

بر تو باد ای فاطمه نیکو گرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند تو حسین سلام بر تو باد

يا امير المؤمنين احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام

ای امیر مومنان نیکو گرداند خدا مر ترا صبر را در حق فرزند تو حسین سلام

عليك يا ابا محمد الحسن احسن الله لك العزاء في اخيك الحسين يا مولاي

بر تو باد ای ابو محمد حسن نیکو گرداند خدا مر ترا صبر در حق برادر تو حسین ای آقای من

يا ابا عبد الله انا ضيف الله و ضيفك و جار الله و جارك و لكل

ای ابو عبد الله من مهمان خدا و مهمان توام و پناه گیرنده خدا و پناه گیرنده توام و از برای هر

ضيف و جار قرى و قراي في هذا الوقت ان يسئل الله سبحانه و تعالى

مهمان و پناه گیرنده ضیافت و احسان است و ضیافت و احسان من در این وقت آنست که بطلبی از خدا سبحانه و تعالی

ان يرزقني فكاك رقبتي من النار انه سميع الدعاء قريب مجيب

اینکه روزی کند مرا رهایی گردن من از آتش بدرستیکه خدا شنونده دعا و نزدیک است و اجابت کننده

و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه بحضرت امیر المؤمنین علیهما السلام واقع شد باید که آن روز را بشکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که در روز بیست و پنجم ماه محرم اصحاب فیل بجهت خراب کردن کعبه آمده بودند کشته شدند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعالم اعلی رحلت نمود باب هفتم در اعمال ماه صفر است و این ماه مشهور است بنحوست و دو وجه می تواند داشت اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم در این ماه واقع شده است دوم آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکردند در این ماه شروع بقتال میکردند لهذا بنحس مشهور شده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند و در روایات غیر معتبره عامه وارد شده است و سید ابن طاوس رضی الله عنه در بعضی از کتب معتبره روایت کرده است که در روز سوم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در رکعت دوم سوره توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ
بار خدایا درود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد — بار خدایا لعنت کن

آلَ اَبِی سُفْیَانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ
اولاد ابی سفیان را — طلب آمرزش میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او

و روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت فریضه و نافله و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم بلند گفتن و کیفیت زیارت اربعین بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بمن گفت در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد

اَلسَّلامُ عَلى وَلِيِّ اللهِ وَحَبِيبِهِ اَلسَّلامُ عَلى خَلِيلِ اللهِ وَنَجِيبِهِ اَلسَّلامُ عَلى

سلام باد بر ولی خدا و دوست او سلام باد بر دوست خدا و برگزیده او سلام باد بر

صَفِيِّ اللهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ اَلسَّلامُ عَلى

برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام باد بر حسین ستم رسیده شهید سلام باد بر

اَسِيرِ الْكُرُباتِ وَقَتِيلِ الْعَبَراتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ

گرفتار اندوهها و کشته سرشکها بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم باینکه او دوست تو و پسر

وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفائِزُ بِكَرامَتِكَ اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ

دوست تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو واصل بکرامت تست اکرام کردی او را بشهادت و مخصوص کردی او را

بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّادَةِ

بسعادت و برگزیدی او را بپاکی ولادت و گردانیدی او را سروری از سروران

وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوارِيثَ الْاَنْبِياءِ

و پیشوای از پیشوایان و راننده از رانندگان و بخشیدی او را میراث پیغمبران

وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِياءِ فَاَعْذَرَ فِي الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ

و گردانیدی او را حجت بر خلق خود از جمله وصیت کرده شدگان پس بهانه نگذارد در خواندن خلق و عطا کرد نصیحت را

وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ

و صرف کرد جان خود را در راه تو تا برهاند بنده‌های ترا از نادانی و حیرانی و گمراهی

وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنى وَشَرى

همدست شدند برو کسی که فریفته است او را دنیا و فروخته بهره خود را بچیزی زبون تر و کمتر و فروخته است

آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّى فِي هَواهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ

آخرت خود را به بهای بسیار ناقص و کم و تکبر نموده و افتاده در خواهش خود و در غضب آورده ترا و در غضب آورده

نَبِيَّكَ وَاَطاعَ مِنْ عِبادِكَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ

پیغمبر ترا و اطاعت کرده از بنده‌های تو اهل مخالفت و نفاق را و بردارندگان گناهان را

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ

که مستوجب آتش دوزخ اند پس مجاهده نمود با ایشان در راه تو صبرکنان اجرجویان تا ریخته شد در فرمان بردار

دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً السَّلاَمُ

خون او و مباح کرده شد حریم او بار خدایا لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ

بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای پسر سرور وصیت شدگان گواهی میدهم که تو

أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيداً وَمَضَيْتَ حَمِيداً وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً

امانت دار خدائی و پسر امانت دار اوئی زندگانی کردی در حالت نیکبختی و گذشتی در حالت ستودگی و مردی در حالتی که ستم رسیده

شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكَ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ

شهید و گواهی میدهم بدرستیکه خدا وفا کننده است برای تو آنچه وعده کرده است ترا و هلاک کننده است کسی که خوار کرده و عذاب

مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ

کسی که کشته ترا و گواهی میدهم بدرستیکه تو وفا کردی بعهد خدا و مجاهده نمودی در راه خدا تا آنکه آمد ترا

الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ

مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند

بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاَهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ

این خبر پس خوشنود شدند بآن بار خدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا بدرستیکه من دوستم کسی را که دوست داشته او را و دشمنم کسی را که دشمنی کرده

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلاَبِ الشَّامِخَةِ

پدر و مادرم فدای تو باد ای پسر پیغمبر خدا گواهی میدهم بدرستیکه تو بودی نوری در پشتهای بلند

وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ

و رحمهای پاک ناپاک نکرد ترا نادانی بناپاکیهای خود و نپوشانید ترا تاریکیها

مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ

از جامههای خود و گواهی میدهم بدرستیکه تو از ستونهای دینی و ستونهای مسلمانانی و جای پناه مؤمنانی هستی

واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد

ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى

والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبإيابكم موقن بشرايع

ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ونصرتي

لكم معدة حتى يأذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله

عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم

برشما باد و بر جانهای شما و تنهای شما و حاضر شما و غایب شما و آشکار شما

وباطنكم آمين رب العالمين

و پنهان شما قبول کن ای پروردگار عالمیان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن علي المرتضى

سلام بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو ای پسر علی مرتضی

وصي رسول الله السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين

وصیت کرده شده پیغمبر خدا سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا سیده زنان عالمیان

السلام عليك يا ابا الحسن الزكي السلام عليك يا حجة الله في ارضه

سلام بر تو ... امام حسن ... سلام بر تو ای حجت خدا در زمین او

وَشَاهِدَةٌ عَلَى خَلْقِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ

و گواه او بر خلق او سلام بر تو ای ابو عبد الله شهید سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ

بر تو ای مولای من و ای پسر مولای من گواهی میدهم بدرستیکه تو بر پا داشتی نماز را و دادی

الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ

زکوة را و امر کردی بکار خوب و نهی کردی از کار زشت و مجاهده نمودی در راه خدا

حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ اَتَيْتُكَ

تا آمد ترا مرگ و گواهی میدهم بدرستیکه بر حجتی هستی از جانب پروردگار خود آمدم ترا

يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَافِدًا رَاغِبًا مُقِرًّا لَكَ بِالذُّنُوبِ هَارِبًا اِلَيْكَ

ای مولای من در حالتیکه زیارت کننده ام وارد شونده ام خواهش نماینده ام اقرار کننده ام نزد تو بگناهان

مِنَ الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ

از گناهان تا شفیع شوی از برای من نزد پروردگار خود ای پسر پیغمبر خدا درود فرستد خدا بر تو

حَيًّا وَمَيِّتًا فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً

در حالت زندگی و مردگی پس بدرستیکه مر ترا نزد خدا مقامیست معلوم و شفاعتیست مقبول کرده شده

لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ

و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بر تو و لعنت کند کسی را که محروم گردانید ترا و بزور گرفت حق ترا و

قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَ

کشته است ترا و لعنت کند کسی را که یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که خواندی او را پس اجابت نکرد ترا و

لَمْ يُعِنْكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبِيكَ

یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از حرم خدا و حرم پیغمبر او و حرم پدر تو

وَاَخِيكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ لَعْنًا كَثِيرًا

و برادر تو و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از آشامیدن آب فرات لعنت بسیار

يتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة
که در پی می آید بعض آن بعض بار خدایا ای پیدا کننده آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار
انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون وسيعلم الذين ظلموا
تو حکم میکنی میان بنده های خود در آنچه بودند که در و اختلاف میکردند و عنقریب خواهند دانست آنانکه ستم کرده اند
اى منقلب ينقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارته وارزقنيه
که بکدام جا بازگشت میکردند بار خدایا مگردان اینوقت را آخرین عهد از زیارت او و روزی کن آنرا بمن
ابدا ما بقيت وحييت يا رب وان مت فاحشرني في زمرته يا ارحم الراحمين
همیشه مادام که باقی ام و زنده ام ای پروردگار من و اگر بمیرم پس حشر کن مرا در گروه او ای بخشنده ترین بخشندگان

و اگر زیارت آخر روز عاشورا درین روز نیز بخوانند مناسبست و بدانکه مشهور آنست که سبب تأکید زیارت آنحضرت درین روز آنست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام با سایر اهل بیت درین روز بعد از مراجعت از شام وارد کربلای معلی شدند و سرهای مقدس شهدا را به بدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعیدست از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که درین روز اهل بیت علیهم السلام وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعیدست و بعضی گفته اند که شاید امام زین العابدین علیه السلام باعجاز طی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها به بدنها ملحق کرده باشند و این ممکنست و آثار دالی درین باب بنظر نرسیده بلکه بعضی از روایات منافاتی فی الجمله باین دارد و وجهی که از احادیث ظاهر می شود آنست اول کسیکه از صحابه حضرت رسالت پناه صلعم بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود و او درین روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت می تواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت درین روز شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد چون فرموده اند که درین روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سبب آن ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا صلعم در بیست و هشتم ماه صفر واقع شد و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند

وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور وان محمدا صلى الله عليه وآله رسوله جاء بالحق وان عليا ولي الله والخليفة من بعد رسول الله ومستخلفه في امته
فاطمة بنت محمد وابنيها الحسن والحسين ابنا رسول الله وسبطاه

که شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز درین روز واقع شد پس قیام مراسم تعزیت این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسب است بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت برین کند بنظر نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه آخر ماه وارد شده است و چون اینها در ابواب سابقه مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد و ممکن است که چهارشنبه آخر آن از سایر چهارشنبه‌ها نحوستش بیشتر باشد اگر در آن روز از قبیل احتراز از تطیره استدفاع بلایا بصدقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که آن کفاره طیره است مناسب است و اگر بلای متوجه باشد باینها دفع می‌شود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند و بلهو و لعب و سرور و سور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد

باب هشتم

در فضائل ایام و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است **فصل اول** در فضیلت و اعمال روز اول است تا روز شانزدهم شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم گفته‌اند که حضرت رسالت پناه صلعم در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول صلعم کرد و در جای آن حضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبائل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان [illegible] ظاهر گردید حق تعالی با ملائکه سموات بآن حضرت مباهات نمود و این آیه کریمه

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

در شان او نازل شد چنانچه تفصیلش در حیات القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن دو جان مقدس ایشان را از کید کافران حفظ کرد گفته‌اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاول است مستحب است که برای شکر این نعمت عظمی روزه بدارند [illegible] علما درین روز زیارت ذکر نکرده‌اند

[illegible]

زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز مناسب است بجهت آنکه مذکور
شد و شیخ طوسی رحمه الله در مصباح گفته که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بمنصب جلیل امامت فائز شد
پس زیارت آن دو امام عالی مقام در این روز نیز مناسب است اما شیخ رحمه الله در تهذیب
و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید رحمة الله علیهم و غیر ایشان گفته اند که وفات
حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه در روز هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت
آن دو امام علیهما السلام انسب است و آنچه در نهم این ماه [illegible] میان علما خاصه عادت
تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب خلافی نیست و مشهور میان [illegible] آنست که قتل آن ملعون
در روز بیست و ششم ماه ذی الحجه واقع شد چنانچه سابقا اشاره بآن شد و بعضی بیست و هفتم هم
گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخان است و [illegible] شیعیان معلوم نشود که چرا
الحال میان عوام شیعه مشهور است که قتل او در نهم ربیع الاول واقع شده است سابقا میان
جمعی از محدثین نیز چنین مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاوس در کتاب اقبال اشاره نموده است
بآنکه ابن بابویه رحمه الله روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است که آن
ملعون در روز نهم ربیع الاول بدرکات اسفل جحیم متوجه شده است و از نقل بعضی [illegible]
مشهود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است هرچند سید خود آن حدیث را [illegible] نموده است
و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم [illegible] در این روز [illegible]
می نمودند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب زوائد الفوائد این مطلب را تقویت کرده است
و روایت معتبره در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که روایت کرده اند محمد بن العلا
[illegible] محمد [illegible] بغداد [illegible]
[illegible] امام [illegible]
حسن عسکری [illegible]
[illegible] احوال [illegible]

[illegible]

عیدیست و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی علیه السلام روایت میکند که امروز روز عیدیست و بهترین عیدهاست نزد اهل بیت رسالت و شیعیان ایشان با گفتیم حضرت را طلب نما که بنزد او رویم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد و پیشکی بسته و عبای خود را پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود گفتیم که این چه حالت که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم مگر امروز عیدیست گفت بلی و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسی نشانید گفت روزی با جمعی از برادران خود بخدمت مولای خود حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید چون بخدمت آن حضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست مبارک خود عود در آن مجمره می انداخت و مجلس خود را معطر گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامه های فاخره پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه شده است حضرت فرمود که امروز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم تر است بدرستیکه خبر داد مرا پدرم علیه السلام که حذیفه بن یمان در روز نهم ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم اجمعین با حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام تناول می نمودند و حضرت تبسم میکرد بسوی ایشان می نمود و با امام حسن و با امام حسین علیهما السلام میگفت که بخورید گوارا باد شما را برکت و سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که حق تعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را در این روز بخورید که این روزیست که ظاهر میشود راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانه های ایشان که خالی افتاده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته میشود

درین روز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روزیست
که هلاک میشود درین روز فرعون اهل بیت من و ستم کننده ایشان و غصب کننده حق ایشان
بخورید که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میکرداند حذیفه گفت که من گفتم
یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه
بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را
بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد گرفت و مردم را از راه خدا
منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا متصرف
خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی ابن ابیطالب خواهد کرد و مالهای
خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من
علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کردانید پس دختر من او را نفرین خواهد
کرد و حق تعالی نفرین او را درین روز مستجاب خواهد کرد حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی
که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر
قضای خدا و از و طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است ولیکن از حق تعالی سؤال کردم که
فضیلت دهد آن روز را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام آن سنتی گردد
در میان دوستان من و شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد
در علم سابق من گذشته است که در یابد ترا و اهل بیت ترا محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان
غصب کنندگان از بندگان من آن منافقانی که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند
و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی
ترا بدل گرفتند و تو ایشان را خشنود کردی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی
و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و قسم یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بگشایم
بر روی کسیکه غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقات جهنم که آنرا
فیلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر و مشرف شود

واو را لعنت کند و آن منافق را در روز قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها که در زمانهای پیغمبران دیگر بودند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیده‌های کبود و در رو های ترش با نهایت مذلّت و خواری و پشیمانی ایشان را ابد الآباد در عذاب خود بدارم ای محمّد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر با نچه میرسد با و از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات میکند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و کوسالهٔ از برای امت تو برپا میکند که آن ابو بکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمت و جلال من بدرستیکه من امر کرده‌ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و محبان دین شما عید کنند آن روزی را که آن ملعون کشته میشود و امر کردم ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا گنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبّان شما از فرزندان آدم و امر کرده‌ام ملائکه نویسندگان اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمّد این روز را عیدی کردانیدم برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بعزّت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده‌اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاده کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و بر عیال خود در این روز و در هر سال در این روز هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بخانهٔ ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر و تا آنکه بعد از وفات رسول دیدم که او چه فتنه‌ها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار کرد و از دین برگشت و دامان بحیائی در فاحت برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانهٔ وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیدهٔ مصطفی را بخشم آورد و رضای اهل بیت رسالت نکرد

وجمیع ستمهای رسول خدا را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام کرد و جور و ستم
در میان امت علانیه کرد و هر چه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هر چه حرام کرده بود حلال
کرد و حکم کرد که از پوست شتر دنانیر و درهم بسازند و خرج کنند و در میان و شکم فاطمه زهرا
علیها السلام زد و بر منبر حضرت رسالت صلعم به غصب و جور بالا رفت و با حضرت امیرالمؤمنین و ائمه
و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را به سفاهت نسبت داد حذیفه گفت که پس حق تعالی
دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او را بر دست کشنده
او رحمه الله جاری ساخت پس رفتیم بخدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد
بگوییم بآنکه آن منافق کشته شد و به عذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت مرا دید گفت
ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روزی را که آمدی نزد سید من رسول خدا و من و دو سبط او حسن و
حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روزی که بخدمت ما آمدی
یا عم رسول حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی دیدهای آل رسول را
روشن گردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت که یا امیرالمؤمنین میخواهم که
آن نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان از شر منافقان راحت
یافتند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان
شیعیان است و روز اختیار نیکویی برای مؤمنان است و روز برداشتن قلم از شیعیان است و روز
درهم شکستن بنای کفر و عدوان است و روز عافیت است و روز برکت است و روز طلب خون مؤمنان است
و روز عید بزرگ خداست و روز مستجاب شدن دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفای
به عهد است و روز شرط است و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است
و روز شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی هم است و روز فتح است و روز عرض
اعمال بر کافر است و روز ظهور قدرت خداست و روز عفو گناهان شیعیان است و روز فرح ایشانست
و روز توبه است و روز انابت است بسوی حق تعالی و روز زکوة بزرگ و روز فطر دوم است
و روز اندوه اعداست و روز گره شدن آب دهان در گلوی مخالفانست و روز خشنودی

مومنانست و روز عید اهل بیت ست و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول
شدن اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست و روز
قتل منافق ست و روز وقت معلوم ست و روز سرور اهل بیت ست و روز شهود ست و روز
قهر بر دشمن ست و روز خراب شدن بنیان ضلالت ست و روزیست که ظالم انگشت ندامت
بدندان میگزد و روز تنبیه ست و روز شرف ست و روز خنک شدن دلهای مومنانست و روز
شهادتست و روز درگذشتن از گناه مومنان ست و روز تازگی بوستان اهل ایمانست
و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مومنانست و روز برطرف شدن پادشاهی
منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مومنانست از شر کافران و روز تظاهر
ست و روز مفاخرتست و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم ست و روز نحله و عطا ست
و روز شکر حق تعالی ست و روز یاری مظلومانست و روز زیارت کردن مومنانست
و روز محبت کردن ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهی ست و روز پاک گردانیدن
اعمال ست و روز فاش کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک
گناهان کبیره است و روز ندا کردن بحق ست و روز عبادتست و روز موعظت و نصیحت
و روز انقیاد پیشوایان دین ست حذیفه گفت که پس از خدمت امیر المومنین ع برخاستم و گفتم
اگر در نیابم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و دانستن فضیلت
این را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر
کنیم خداوندی را که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانید پس بخانه های
خود برگشتیم و این روز را عید گرفتیم صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث را از خط علی
بن محمد بن طی رحمه الله نوشتیم و در کتب دیگر تتبع کردیم حدیثی روایتی موافق این یافتیم
بدین روایت نمودیم و سزاوارست شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی
در این روز بکنند و شیخ ابراهیم بن علی الکفعمی در مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه گفته است

که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب است در این روز اطعام برادران مومن و خوشبو گردانیدن ایشان و توسعت دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامه های نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز بر طرف شدن غمهاست و روز روزه و غسل نیست **مولف گوید** که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و وقوع این قضیه مبارک که دران احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است و بر خلافش روایتی بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب چندین جمعی کرد و چون می تواند بود که مضبوط نماند جوابش آنست که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه عظیم تر نیست و در هر یک از آنها خلاف میان خاصه و عامه است و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که با غیّی از قرای ایشان در بیجا نیست جواب میگوئیم که نشهه در هر دو جاست و باعث قوی در اینجاست زیرا که ممکن است که برای رفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه آنست که در مستحبات با حادیث ضعیفه متمسک میشوند بنابر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و آن را بجا آورد آن ثواب داده میشود و هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی از شادی وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد بود و بعضی میگویند که عمر ابن سعد علیه اللعنه در این روز بجهنم واصل شد اگر چنین باشد این شرافت نیز برای آن کافی است و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نموده و مستحب است برای شکر این مواصلت عظیم البرکة شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول صلی الله علیه و آله داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکی است و ایضا دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بودند در این روز به نهایت رسید

که بر دارد و قیراطی از ثواب یابد
که آن قیراط مانند کوه احد باشد
و در حدیث دیگر فرمود که مومنی
که بر جنازه نماز گذارد بهشت او را
واجب کرد مگر آنکه منافق یا عاق
پدر و مادر باشد و نیز منقول از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که چون مومنی ... بر جنازه او

وزائل کردید و این نیز فضیلت دیگرست برای این روز و اکثر شیعیان ولادت باسعادت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم درین روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی رحمة الله علیه از علمای
امامیه نیز در کتاب کافی چنین قائل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از روایات
این را ظاهر میدانند و اگرچه خلاف مشهور میان علمای امامیه است اما اگر روزه و غسل و زیارت
و سائر اعمال که در روز هفدهم مذکور خواهد شد درین روز بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید ابن
طاوس رحمه الله از بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در روز دوازدهم
این ماه دو رکعت نماز بجا آورد و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت
دوم سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله عنهما روایت کرده اند که
یزید پلید علیه اللعنة در روز چهاردهم این ماه بدرک اسفل جهنم منتقل شده باید که شیعیان این روز
را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز
راسنت دانسته اند **فصل دوم** در فضائل و اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان علمای شیعه
آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول
واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت بآسمانها نیز در شب هفدهم
واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و در هر دو زیارت حضرت رسالت پناه
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما مناسبست و علما ذکر کرده اند روزه آن روز فضیلت
بسیار دارد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که این روز شریفی است و پیوسته فرقه محقه شیعه از
قدیم الایام الی الآن تعظیم آن میکرده اند و حق آن را می شناخته اند و روزه میداشته اند و از
ائمه هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکساله برای
او نوشته شود و مستحب است که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مومنان و مومنات
را شاد کنند و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و ضریح منور حضرت امیر المومنین علیه السلام و شیخ مفید و شیخ شهید و سید
ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

پس از زیارت کنی غسل بکن و شبیه بقبر در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آنحضرت را
بر آن بنویس بایست و دل خود را متوجه بحضرت گردان بگو

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً
گواهی میدهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه که نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ
بنده او است و فرستاده او است و بدرستیکه او سرور پیشینیان و پسینیان است و بدرستیکه او سرور پیغمبران
وَالْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
و فرستاده شدگانست بار خدایا درود فرست بر او و بر اهل بیت او که امامان پاکان پاکانند
پس بگوید السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللّٰهِ
سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو
يَا رَحْمَةَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللّٰهِ السَّلَامُ
ای رحمت خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو ای دوست خدا سلام باد
عَلَيْكَ يَا نَجِيبَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ
بر تو ای نجیب خدا سلام باد بر تو ای آخر پیغمبران سلام باد بر تو ای سرور
الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِماً بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ السَّلَامُ
فرستادگان سلام باد بر تو ای قائم بعدل سلام باد بر تو ای گشاینده درهای خیر سلام
عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغاً عَنِ اللّٰهِ السَّلَامُ
بر تو ای کان وحی و قرآن سلام باد بر تو ای تبلیغ نماینده احکام از جانب خدا سلام باد
عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَشِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ
بر تو ای چراغ روشن هدایت سلام باد بر تو ای بشارت دهنده بثواب سلام باد بر تو ای بیم دهنده

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ

سلام باد بر تو ای ترساننده بعذاب سلام باد بر تو ای نور خدا نوری که روشنی کرفته میشود باو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ

سلام باد بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان پاکیزکان راه نمایان راه یافته شدکانند

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلَى اَبِيكَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ

سلام باد بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله سلام باد

عَلَى اُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَامُ

بر مادر تو آمنه دختر وهب سلام باد بر عموی تو حمزه سرور شهیدان سلام باد

عَلَى عَمِّكَ وَكَفِيلِكَ اَبِي طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيَّارِ فِي

بر عم تو و کفیل تو ابو طالب سلام باد بر پسر عم تو جعفر که پرواز کننده است در

جِنَانِ الْخُلْدِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَحْمَدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

باغهای بهشت سلام باد بر تو ای محمد سلام باد بر تو ای احمد سلام باد بر تو

يَا حُجَّةَ اللهِ عَلَى الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالسَّابِقَ فِي طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ

ای حجه خدا بر پیشینیان و پسینیان و سبقت کیرنده در طاعت پروردکار عالمیان و

الْمُهَيْمِنَ عَلَى رُسُلِهِ وَالْخَاتِمَ لِاَنْبِيَائِهِ وَالشَّاهِدَ عَلَى خَلْقِهِ وَالشَّفِيعَ اِلَيْهِ

کواه بر فرستادکان خدا و خاتم انبیا و شاهد بر خلق او و شفاعت کننده بسوی او

وَالْمَكِينَ لَدَيْهِ وَالْمُطَاعَ فِي مَلَكُوتِهِ الْاَحْمَدَ مِنَ الْاَوْصَافِ الْمُحَمَّدَ لِسَائِرِ الْاَشْرَافِ

و صاحب منزلت نزد او و اطاعت کرده شده در عالم غیب او ستوده از جهت صفتها ستایش کرده شده بجمیع شرافتها

الْكَرِيمَ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْفَائِزَ بِالسِّبَاقِ وَالْفَائِتَ

کرامی نزد پروردکار و سخن کننده از عقب پرده ها رسنده بسبقت و فائت

عَنِ اللِّحَاقِ تَسْلِيمَ عَارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيَامِهِ بِوَاجِبِكَ

از لحوق شدن سلام آن کسیکه شناسا بحق تست اعتراف نماینده بکوتاهی در قیام خود بحق واجب تو

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که ابتدا کند بسخن پیش از سلام جوابش مگوئید و کسی را بطعام خود مطلبید پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود

از جمله تواضع آنست که بهر که برخوردی سلام کنی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بخیل کسی است که بخل ورزد بسلام کردن با احدی ... افشای سلام بکنید و نماز کنید در شب و مردم در خواب باشند و طعام مردم بخورانید و

غیر منکر ما انتهی الیه من فضلک موقن بالمزیدات من ربک مؤمن

غیر منکر چیزی را که رسیده است باو از فضل تو یقین کننده بافزونی عطایا از جانب پروردگار تو ایمان آرنده

بالکتاب المنزل علیک محلل حلالک محرم حرامک اشهد یا رسول الله

بکتابی که فرستاده شده بر تو حلال کننده حلال ترا حرام داننده حرام ترا گواهی میدهم ای پیغمبر خدا

مع کل شاهد وانا احملها عن کل جاحد انک قد بلغت رسالات ربک

با هر گواهی دهنده و بر میدارم آنرا از هر کوشش کننده بانکه تو رسانیدی رسالتهای پروردگار خود را

ونصحت لامتک وجاهدت فی سبیل ربک وصدعت بامره واحتملت

نصیحت فرمودی مرامت خود را وجهاد کردی در راه خدای خود و آشکار کردی فرمان او را و متحمل شدی

الاذی فی جنبه ودعوت الی سبیله بالحکمة والموعظة الحسنة

اذیت را در مقابل آن و خواندی بسوی راه او بحکمت و وعظ نیکو

الجمیلة وادیت الحق الذی کان علیک وانک قد رؤفت بالمؤمنین

خوب و ادا نمودی حقی را که بود بر تو و بدرستیکه تو بتحقیق مهربانی کردی بمؤمنان

وغلظت علی الکافرین وعبدت الله مخلصا حتی اتاک الیقین فبلغ

و سخت بودی بر کافران و پرستیدی خدا را در حالت اخلاص تا آمد ترا مرگ پس رسانید

الله بک اشرف محل المکرمین واعلی منازل المقربین وارفع درجات

خدا ترا به بزرگتر مکان بزرگ کرده شدگان و بلندترین جایهای مقربان و بالاترین مرتبه‌های

المرسلین حیث لا یلحقک لاحق ولا یفوقک فائق ولا یسبقک سابق

فرستاده شدگان جائیکه لاحق نشود ترا لاحقی و برتری نجوید بر تو برتری جوینده و پیشی نمیگیرد ترا پیشی گیرنده

ولا یطمع فی ادراکک طامع الحمد لله الذی استنقذنا بک من الهلکة

و طمع نمیکند در دریافت مرتبه تو طمع کننده حمد خدای را که نجات داد ما را بسبب تو از هلاکت

وهدانا بک من الضلالة ونورنا بک من الظلمة فجزاک الله یا رسول الله

و راه نمود ما را بسبب تو از گمراهی و روشن کرد ما را بسبب تو از تیرگی پس مزد دهد ترا خدا ای پیغمبر خدا

مِن مَبعُوثٍ اَفضَلَ ما جازى نَبِيّاً عَن اُمَّتِهِ وَرَسُولاً عَمَّن اُرسِلَ اِلَيهِ بِاَبى
از برانگیخته شده بهتر از آنچه مزد داده پیغمبر را از امت او و فرستاده را از جانب کسیکه فرستاده شده بسوی ایشان پدرم

اَنتَ وَاُمّى يا رَسُولَ اللّهِ زُرتُكَ عارِفاً بِحَقِّكَ مُقِرّاً بِفَضلِكَ مُستَبصِراً
فدای تو باد و مادرم ای پیغمبر خدا زیارت کردم ترا در حالتیکه شناسایم بحق تو و اقرار کننده ام به بزرگی تو و بینایم

بِضَلالَةِ مَن خالَفَكَ وَخالَفَ اَهلَبَيتِكَ عارِفاً بِالهُدَى الَّذى اَنتَ عَلَيهِ
بگمراهی کسیکه مخالفت نمود ترا و مخالفت نمود اهل بیت ترا در حالتیکه شناسایم براه راستی که تو بر آن راهی

بِاَبى اَنتَ وَاُمّى نَفسى وَاَهلى وَمالى وَوَلَدى اَنَا اُصَلّى عَلَيكَ كَما صَلَّى اللّهُ
پدرم فدای تو باد و مادرم و نفس من و اهل من و مال من و فرزند من من درود میفرستم بر تو چنانچه درود فرستاده خدا

عَلَيكَ وَصَلّى عَلَيكَ مَلائِكَتُهُ وَاَنبِياؤُهُ وَرُسُلُهُ صَلوةً مُتَتابِعَةً وافِرَةً مُتَواصِلَةً
بر تو و درود فرستاده اند بر تو فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او درودی پی در پی بسیار بهم پیوسته

لَا انقِطاعَ لَها وَلا اَمَدَ وَلا اَجَلَ صَلَّى اللّهُ عَلَيكَ وَعَلى اَهلِبَيتِكَ الطَّيِّبينَ
نیست انقطاعی مر آن را و نه نهایتی و نه مدتی درود فرستد خدا بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان

الطّاهِرينَ كَما اَنتُم اَهلُهُ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيم اَللّهُمَّ اجعَل جَوامِعَ صَلَواتِكَ وَنَوامِىَ
و پاکیزگانند چنانچه شما سزاوار آن هستید بار خدایا بگردان رحمتهای کامله خود را و فزون شونده

بَرَكاتِكَ وَفَواضِلَ خَيراتِكَ وَشَرائِفَ تَحِيّاتِكَ وَتَسليماتِكَ وَكَراماتِكَ
برکتهای خود را و خیرهای فاضل خود را و درودهای بزرگ خود را و تسلیمات خود را و کرامتهای خود را

وَرَحَماتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ وَاَنبِيائِكَ المُرسَلينَ وَاَئِمَّتِكَ
و رحمتهای خود را و استغفار فرشتگان مقربین خود و پیغمبران مرسل خود را و امامان

المُنتَجَبينَ وَعِبادِكَ الصّالِحينَ وَاَهلِ السَّمواتِ وَالاَرَضينَ وَمَن سَبَّحَ
برگزیدگان خود را و بندههای صالح خود را و اهل آسمانها و زمینها را و هر که تسبیح کند

لَكَ يا رَبَّ العالَمينَ مِنَ الاَوَّلينَ وَالآخِرينَ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ وَرَسُولِكَ
ترا ای پروردگار عالمیان از پیشینیان و پسینیان بر محمد بنده خود و فرستاده خود

وَشَاهِدِكَ وَنَبِيِّكَ وَنَذِيرِكَ وَاَمِينِكَ وَمَكِينِكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ

و گواه خود و پیغمبر خود و بیم دهنده خود و امانت دار خود و منزلت داده خود و برگزیده خود و دوست خود

وَخَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ

و خلیل خود و پسندیده خود و خالص خود و خاصه خود و دوست خود و رحمت خود و بهترین

خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَمُنْقِذِ

برگزیده‌های خود از خلق خود پیغمبر رحمت و خزانه دار آمرزش کشنده خیر و برکت رهاننده

الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِاِذْنِكَ وَدَاعِيهِمْ اِلَى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِاَمْرِكَ اَوَّلِ النَّبِيِّينَ

بنده‌ها از هلاکت باذن تو و خواننده ایشان بسوی دین تو که پاینده است بامر تو اول پیغمبران

مِيثَاقاً وَآخِرِهِمْ مَبْعَثاً الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ لِلْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَالدَّرَجَةِ

از روی پیمان و آخر ایشان از روی بعثت آنکه فرو بردی او را در دریای فضیلت برای مرتبه بزرگ و پایه

الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ وَاَوْدَعْتَهُ الْاَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ مِنْهَا اِلَى

بلند و مرتبه بزرگ و امانت سپردی او را در پشتهای پاک و نقل فرمودی او را از آن پشتها به

الْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفاً مِنْكَ لَهُ وَتَحَنُّناً مِنْكَ عَلَيْهِ اِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ

زهدانهای پاک از راه لطف خود مر او را و مهربانی از جانب خود بر او از آنجهت که موکل ساختی

وَحِرَاسَتِهِ وَحِفْظِهِ وَحِيَاطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْناً عَاصِمَةً حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ مَدَانِسَ

و نگهبانی و محافظت و حراست او از قدرت خود چشمی نگاهدارنده که از او داشتی آن را چرکهای

الْعَهْرِ وَمَعَائِبَ السِّفَاحِ حَتَّى رَفَعْتَ بِهِ نَوَاظِرَ الْعِبَادِ وَاَحْيَيْتَ بِهِ مَيْتَ الْبِلَادِ

زنا و عیبهای زنا تا آنکه بلند کردی به او دیده‌های بنده‌ها را و زنده کردی مرده شهرها را

بِاَنْ كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلَادَتِهِ ظُلَمَ الْاَسْتَارِ وَاَلْبَسْتَ حَرَمَكَ بِهِ حُلَلَ

باین که برطرف کردی از نور ولادت او تاریکیهای پرده‌ها را و پوشانیدی حرم خود را با و حله‌ها

الْاَنْوَارِ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هٰذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ وَذُخْرِ هٰذِهِ

نورها را بار خدایا پس چنانچه خاص گردانیدی او را به بزرگی این مرتبه بزرگ و ذخیره کردن

المنقبة العظيمة صلّ عليه كما وفى بعهدك وبلّغ رسالاتك وقاتل

این ستوده که عظیم و درود بفرست برا و چنانچه وفا کرد بعهد تو و رسانید رسالتهای ترا و مقاتله کرد

اهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس

با اهل انکار بر توحید تو و برید قرابت کفر را در عزیز کردن و غالب کردن دین تو

ثوب البلوى في مجاهدة اعدائك واوجبت له بكلّ اذى مسّه

جامه محنت را در جهاد کردن با دشمنان تو و واجب کردانیدی مر او را بهر رنجی که رسانیدی بر او

او كيد احسّ به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل

یا کری که احساس کرد با و از گروهی که قصد کردند کشتن او را فضیلتی که بالا باشد بر همه فضائل را

وتملك بها الجزيل من نوالك وقد اسرّ الحسرة واخفى الزفرة وتجرّع

و مالک شد بآن عطاهای بزرگ ترا و بتحقیق پنهان داشت حسرت را و مخفی داشت تنهد که بر او و فرو برد

الغصّة ولم يتخطّ ما مثّل له وحيك اللهم صلّ عليه وعلى اهل بيته

غصه و تجاوز نکرد چیزی که ثابت کرد برای او وحی تو بار خدایا درود بفرست برا و و بر اهل بیت او

صلوة ترضاها لهم وبلّغهم منّا تحيّة كثيرة وسلاما وآتنا من لدنك

درودی که بپسندی از برای ایشان و برسان بایشان از جانب ما تحیت بسیار و سلام و بده ما را از نزد خود

من موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انّك ذو الفضل العظيم

بسبب دوستی ایشان تفضل و جود و احسان و مهربانی و آمرزش بدرستیکه تو خداوند جود بزرگی

پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام بهر سوره که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح

حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس بگو

اللهم انّك قلت لنبيّك محمّد صلى الله عليه وآله ولو انّهم اذ ظلموا انفسهم

خداوندا بدرستیکه تو گفتی مر پیغمبر خود را که محمد است درود فرستد خدا بر او و بر آل او و اگر بدرستیکه ایشان

جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توّابا

نزد تو آمدند پس طلب آمرزش نمودند از خدا و طلب آمرزش نماید از برای ایشان پیغمبر هر آینه یافتند خدا را

منقول است که از امام جعفر صادق علیه السلام ... معصوم و منزه بودند و آنحضرت ... پیغمبر بودند و خود از امثال ایشان ... و امثال اینها از برای تعلیم دیگران ... از برای که سلام کردن و طلب سلام ... می فرمودند که ...

رحيماً ولم أحضر زمان رسولك عليه وآله السلام اللهمّ زرته راغباً

مهربان حاضر نبودم در زمان پیغمبر تو براو وآل او سلام باد خدایا زیارت کردم پیغمبر ترا از روی خواهش

تائباً من سيّء عملي ومستغفراً لك من ذنوبي ومقرّاً لك بها وأنت أعلم بها

توبه کننده از بدی کردار خود وطلب آمرزش کننده از تو از گناهانم واقرار نماینده مر ترا بگناهان وحال آنکه تو داناتری بآن

منّي ومتوجّهاً إليك بنبيّك نبيّ الرحمة صلواتك عليه وآله فاجعلني

از من ودر حالت توجه بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر بخشایش درودهای تو براو وآل او پس بگردان مرا

اللهمّ بمحمّد وأهل بيته عندك وجيهاً في الدنيا والآخرة ومن المقرّبين

بارخدایا بحرمت محمد واهل بیت او نزد خود خوش رو در دنیا وآخرت واز جمله مقربان

يا محمّد يا رسول الله بأبي أنت وأمّي يا نبيّ الله يا سيّد خلق الله إنّي

ای محمد ای پیغمبر خدا پدرم فدای تو باد ومادرم ای پیغمبر خدا ای سرور خلق خدا بدرستیکه

أتوجّه بك إلى الله ربّك وربّي ليغفر لي ذنوبي ويتقبّل منّي عملي ويقضي لي

توجه می نمایم بسبب تو بسوی خدا که پروردگار تو وپروردگار منست تا بیامرزد برای من گناهانم وبپذیرد از من کردارم را وبرآورد برای من

حوائجي فكن لي شفيعاً عند ربّك وربّي فنعم المسؤول المولى ونعم الشفيع

حاجتهای مرا پس باش برای من شفاعت کننده نزد پروردگار خود وپروردگار من پس نیکو سؤال کرده شده است آقا ونیکو شفاعت کننده

أنت يا محمّد عليك وعلى أهل بيتك السلام اللهمّ وأوجب لي منك المغفرة

توئی ای محمد بر تو وبر اهل بیت تو سلام باد بارخدایا واجب گردان برای من از جانب خود آمرزش

والرحمة والرزق الواسع الطيّب النافع كما أوجبت لمن أتى نبيّك

وبخشایش وروزی فراخ پاک سودمند چنانچه واجب کردی برای کسیکه آمد نزد پیغمبر تو

محمّداً صلواتك عليه وآله وهو حيّ فأقرّ له بذنوبه واستغفر له رسولك

محمد درود باد براو وبر آل او در حالیکه زنده بود پس اقرار کرد بگناهان خود وطلب آمرزش کرد برای او پیغمبر تو

عليه السلام فغفرت له برحمتك يا أرحم الراحمين اللهمّ وقد أمّلتك و

براو باد سلام پس آمرزیدی او را برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان بارخدایا وبتحقیق امیدوار شدم بتو و

رَجَوْتُكَ وَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَقَدْ أَمَّلْتُ

امید کردم بتو وایستادم در برابر تو ورغبت کردم بسوی تو در حالت باز آمدن از غیر تو وامیدوار شدم

جَزِيلَ ثَوَابِكَ وَإِنِّي مُقِرٌّ غَيْرُ مُنْكِرٍ وَتَائِبٌ إِلَيْكَ مِمَّا اقْتَرَفْتُ وَعَائِذٌ بِكَ

ثواب بزرگ ترا و بدرستیکه من اقرار کننده ام ومنکر نیستم وتوبه کننده بسوی تو از چیزیکه کسب کرده ام وپناه برنده ام بتو

فِي هٰذَا الْمَقَامِ مِمَّا قَدَّمْتُ مِنَ الْأَعْمَالِ الَّتِي تَقَدَّمْتَ إِلَيَّ فِيهَا وَنَهَيْتَنِي عَنْهَا

درین مقام از انچه پیش ازین کردم از کردارهائیکه تقدم کردی بسوی من در ان ومنع کردی مرا از ان

وَأَوْعَدْتَ عَلَيْهَا الْعِقَابَ وَأَعُوذُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ أَنْ تُقِيمَنِي مَقَامَ الْخِزْيِ وَ

ووعید کردی بران بعقاب وپناه میبرم به بزرگواری ذات تو ازینکه ایستاده کنی مرا در مقام رسوائی و

الذُّلِّ يَوْمَ تُهْتَكُ فِيهِ الْأَسْتَارُ وَتَبْدُو فِيهِ الْأَسْرَارُ وَالْفَضَائِحُ وَتَرْعَدُ

مقام خواری روزیکه دریده شود در ان روز پرده ها وآشکار شود در ان روز رازها وفضیحتها ولرزان شود

فِيهِ الْفَرَائِصُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ يَوْمَ الْآفِكَةِ يَوْمَ الْآزِفَةِ يَوْمَ

در ان روز گوشت دوشها روز حسرت وپشیمانی روز بازگشت روز نزدیک روز

التَّغَابُنِ يَوْمَ الْفَصْلِ يَوْمَ الْجَزَاءِ يَوْماً كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ

زیان کشیدن روز جدا کردن حق از باطل روز پاداش روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال

يَوْمَ النَّفْخَةِ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ يَوْمَ النَّشْرِ يَوْمَ الْعَرْضِ

روز دمیدن صور روزیکه بلرزد زمین لرزنده پی آن میرسد از پی رسنده روز پراکندگی روز نمودن اعمال

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ

روزیکه می ایستند مردم برای پروردگار عالمیان روزیکه میگریزد مرد از برادر خود ومادر خود وپدر خود

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ وَأَكْنَافُ السَّمَاءِ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ

وزن خود وپسران خود روزیکه شکافته شود زمین وکناره های اسمان روزیکه بیاید هر نفسی

تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللّٰهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى

جدل کنان از جانب خود روزیکه برگردانیده شوند بسوی خدا پس خبر دهد ایشان را بانچه عمل کرده اند روزیکه بی نیاز نکند دوستی

عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم
از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری داده میشوند مگر کسیکه رحم کند او را خدا بدرستیکه او غالب مهربانست

يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى الله مولاهم الحق
روزیکه برگردانیده میشوند بسوی دانای پنهان و آشکارا روزیکه برگردانیده میشوند بسوی خدا مولای

يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون وكانهم
روزیکه بیرون می آیند از قبرها شتابان گویا ایشان بسوی علمی برپا کرده شده می شتابند و گویا ایشان

جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم ترج الارض
ملخ پراکنده اند شتابنده بسوی طلب کننده بسوی خدا روز واقعه روزیکه بلرزد زمین

رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن ولا يسأل حميم
لرزیدن سخت روزیکه میشود آسمان مثل مس گداخته و می شوند کوهها مثل پشم و نمی پرسد خویشی

حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم
از حال خویشی روز حاضر و حاضر کرده شده روزیکه می شوند فرشتگان صف صف بار خدایا

ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك
رحم کن ایستادن مرا در آن روز به ایستادن من در این روز و رسوا مکن مرا در آن

الموقف بما جنيت على نفسي واجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك
جای ایستادن بانچه خطا کردم بر نفس خود و بگردان ای پروردگار من در آن روز با دوستان خود

منطلقي وفي زمرة محمد واهل بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه
راه رفتن مرا و در جماعت محمد و اهل بیت او بر ایشان باد سلام برانگیخته شدن مرا و بگردان حوض

موردي وفي الغر الكرام مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي
او را جای ورود من و در بزرگان کریمان جای بازگشت من و بده نامه عمل مرا بدست راست من تا برسم بعملهای

وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي وترجح به ميزاني وامضي مع الفائزين
و سفید کنی با آن روی مرا و آسان کنی با آن حساب مرا و سنگین کنی بان ترازوی عمل مرا و بگذرم با رستگاران

مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ إِلٰهَ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ

از بنده‌های نیکوکاران تو بسوی رضوان تو و بهشتهای تو ای خدای عالمیان بار خدایا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَفْضَحَنِي فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ بَيْنَ يَدَيِ الْخَلَائِقِ بِجَرِيرَتِي أَوْ

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز در برابر آفریدگان بجرم و گناه من یا

أَنْ أَلْقَى الْخِزْيَ وَالنَّدَامَةَ بِخَطِيئَتِي أَوْ أَنْ تُظْهِرَ فِيهِ سَيِّئَاتِي عَلَى حَسَنَاتِي

آنکه ببینم خواری و پشیمانی را بگناه خود یا آنکه ظاهر کردی در آن روز بدیهای مرا بر نیکیهای

وَأَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ بِاسْمِي يَا كَرِيمُ الْعَفْوَ الْعَفْوَ السَّتْرَ السَّتْرَ

و آنکه بلند کنی میان آفریدگان بنام من ای کریم میخواهم بخشش بخشش را میخواهم پوشش

اللّٰهُمَّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ فِي مَوَاقِفِ الْأَشْرَارِ

بار خدایا پناه میبرم بتو از آنکه باشد در آن روز در جاهای ایستادن بدان

مَوْقِفِي أَوْ فِي مَقَامِ الْأَشْقِيَاءِ مَقَامِي وَإِذَا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ

جای ایستادن من یا در جای بدبختان جای من و چون جدا کنی میان آفریدگان خود پس براندی

كُلًّا بِأَعْمَالِهِمْ زُمَراً إِلَى مَنَازِلِهِمْ فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

همه را بسبب عملهای ایشان گروه گروه بسوی جاهای نزول آنها پس بران مرا برحمت خود در بندگان نیکوکار خود

وَفِي زُمْرَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَى جِنَانِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و در گروه دوستان خود که پرهیزکارانند بسوی بهشتهای خود ای پروردگار عالمیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ السَّلَامُ

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای بشارت دهنده ترساننده سلام باد

عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللّٰهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ

بر تو ای چراغ روشن سلام باد بر تو ای برسالت آمده میان خدا و میان خلق او

أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

گواهی میدهم ای پیغمبر خدا بدرستیکه تو بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه و رحمهای پاکیزه

لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد

نجس نگردانید ترا جاهلیت بپلیدیهای خود و نپوشانید ترا جاهلیت از تیره رختهای خود و گواهی میدهیم

يا رسول الله انى مؤمن بك وبالائمة من اهل بيتك موقن بجميع ما اتيت

ای پیغمبر خدا بدرستیکه من بجان آورنده ام بتو و با امامان از اهل بیت تو و یقین دارنده ام همه آنچه آوردی

به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بيتك اعلام الهدى و

از آن راضی و ایمان آورنده ام و گواهی میدهیم بدرستیکه امامان از اهل بیت تو نشانهای هدایت اند و

العروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم لا تجعله اخر العهد من زيارة

دست آویزان محکم و حجت بر اهل دنیا اند بار خدایا مگردان این آخر عهد از زیارت

نبيك عليه واله السلام وان توفيتنى فانى اشهد فى مماتى على ما اشهد

پیغمبر خود برا او و خانواده او سلام باد و اگر بمیرانی مرا پس بدرستیکه من گواهی هم در مردن خود بر آنچه گواهی میدهیم

عليه فى حيوتى انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان

بر آن در زندگی خود اینکه بدرستیکه تو خدائی نیست معبود بحق بجز تو یگانه نیست انبازی مر ترا و بدرستیکه

محمدا عبدك ورسولك وان الائمة من اهل بيته اولياؤك و

محمد بنده تو و پیغمبر تست و بدرستیکه امامان از اهل بیت او دوستان تو اند و

انصارك وحججك على خلقك وخلفاؤك فى عبادك واعلامك فى

یاوران تو اند و حجتهای تو اند بر خلق تو و خلیفهای تو اند در بندهای تو و نشانهای تو اند در

بلادك وخزان علمك وحفظة سرك وتراجمة وحيك اللهم صل

شهرهای تو و خازنان علم تو اند و حافظان راز تو اند و بیان کنندگان وحی تو اند خداوندا درود فرست

على محمد وال محمد وبلغ روح نبيك محمد واله فى ساعتى هذه وفى كل

بر محمد و آل محمد و برسان روح پیغمبر خود محمد و آل او را در ساعت من این ساعت و در هر

ساعة تحية منى وسلاما والسلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته

ساعتی درود از جانب من و سلام و سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او

لاجعله الله آخر تسلیمی علیك

نگرداند آنرا خدا آخر سلام کردن من بر تو

مولف گوید که این زیارت اگرچه سندش بنظر فقیر نرسید لهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده ام اما زیارت جامع کاملیست و در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی نخواند زیارت مختصر که بعد ازین ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیرالمومنین علیه السلام درین روز سنت است و خصوص این زیارت را درین روز ذکر کرده اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم میشود و بهترین زیارات است از جهت لفظ و معنی و بسند بسیار معتبر منقولست و در همه ایام و اوقات از نزدیک و دور میتوان کرد خصوصا درین روز چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه را در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را براوی ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیرالمومنین علیه السلام غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش ج خود را خوشبو کن و بر تو باد به آرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه که ضریح مقدس نمایان شود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو

اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلی خِیَرَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْبَشیرِ النَّذیرِ السِّراجِ

سلام باد بر پیغمبر خدا سلام باد بر برگزیده خدا سلام باد بر بشارت دهنده ترساننده چراغ

الْمُنیرِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی اَنْبِیاءِ اللّٰهِ الْمُرْسَلینَ وَ عِبادِ

روشن و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر پیغمبران خدا که فرستاده شد کانند و بندهای

اللّٰهِ الصّالِحینَ اَلسَّلامُ عَلی مَلائِکَةِ اللّٰهِ الْحافّینَ بِهذَا الْحَرَمِ وَ

خدا که نیکانند سلام باد بر فرشتگان خدا که احاطه کنندگانند باین حرم و

بِهذَا الضَّریحِ اللّائِذینَ بِهِ پس نزدیک قبر برو و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وَصِیَّ الْاَوْصِیاءِ

باین قبه و پناه برندگانند باین قبر سلام بر تو باد ای وصی وصیت کردگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتْقِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ
سلام بر تو باد ای ستون پرهیزکاران سلام بر تو باد ای دوست دوستان سلام
عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللهِ الْعُظْمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ
بر تو باد ای سرور شهیدان سلام بر تو باد ای نشان بزرگ خدا سلام بر تو باد
يَا خَامِسَ أَهْلِ الْعَبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْأَتْقِيَاءِ السَّلَامُ
ای پنجم اهل عبا سلام بر تو باد ای پیشوای روشنان دست و پا سفیدان پرهیزکاران سلام
عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُوَحِّدِينَ النُّجَبَاءِ السَّلَامُ
بر تو باد ای پناه اولیا سلام بر تو باد ای زینت اهل توحید که نجیبان اند سلام
عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْأَخِلَّاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْأُمَنَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
بر تو باد ای برگزیده دوستان سلام بر تو باد ای پدر امامان که امینانند سلام بر تو باد
يَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللِّوَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَلَظَى السَّلَامُ
ای صاحب حوض کوثر و بردارنده علم سلام بر تو باد ای قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام
عَلَيْكَ يَا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَهْفَ الْفُقَرَاءِ
بر تو باد ای کسیکه مشرف شد باو مکه و منا سلام بر تو باد ای دریای علوم و پناه فقیران
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَكَانَ
سلام بر تو باد ای کسیکه زاده شده در کعبه و تزویج کرده شده در آسمان بسیده زنان حال آنکه بودند
شُهُودُهَا الْمَلَائِكَةُ السَّفَرَةُ الْأَصْفِيَاءُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الضِّيَاءِ
گواهان او فرشتگان نویسندگان برگزیدگان سلام باد بر تو ای چراغ روشنائی
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحِبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ
سلام باد بر تو ای کسیکه خاص گردانید او را پیغمبر بعطای بزرگ سلام باد بر تو ای کسیکه شب گذرانید بر بستر خوابگاه
خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَوَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ
خاتم پیغمبران نگاهداشت پیغمبر را بجان خود از شر دشمنان سلام باد بر تو ای کسیکه برگردانیده شد برای او آفتاب

فسامی شمعون الصفا السلام علیک یا من انجی الله سفینة نوح باسمه

پس برتر شد از شمعون الصفا سلام باد بر تو ای کسیکه نجات داد خدا کشتی نوح را بنام او

واسم اخیه حیث التطم الماء حولها وطمی السلام علیک یا من تاب الله به

و بنام برادر او جائی که بر هم خورد آب گرد کشتی و بلند شد سلام باد بر تو ای کسیکه قبول توبه کرد خدا به او

وباخیه علی آدم اذ غوی السلام علیک یا فلک النجاة الذی من رکبه

و برادر او بر آدم چون از راه صلاح بیرون رفت سلام باد بر تو ای کشتی رستگاری آنکه هر که سوار شد از آن

نجا ومن تاخر عنه هوی السلام علیک یا من خاطب الثعبان وذئب

نجات یافت و هر که خود را پس داشت هلاک شد سلام باد بر تو ای کسیکه خطاب کرد اژدها و گرگ

الفلا السلام علیک یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته السلام

بیابان را سلام باد بر تو ای امیر مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او و سلام

علیک یا حجة الله علی من کفر واناب السلام علیک یا امام

بر تو باد ای حجت خدا بر کسیکه کافر شد و برگشت سلام باد بر تو ای پیشوای

ذوی الالباب السلام علیک یا معدن الحکمة وفصل الخطاب السلام

صاحبان خرد سلام باد بر تو ای کان حکمت و خطاب مفصل سلام

علیک یا من عنده علم الکتاب السلام علیک یا میزان الحساب السلام

بر تو باد ای کسیکه نزد اوست علم قرآن سلام باد بر تو ای میزان روز حساب سلام

علیک یا فاصل الحکم الناطق بالصواب السلام علیک ایها المتصدق

بر تو باد ای جدا کننده حکم گویا به راستی سلام بر تو باد ای تصدق کننده

بالخاتم فی المحراب السلام علیک یا من کفی الله المؤمنین القتال به

انگشتر در محراب سلام بر تو باد ای کسیکه کفایت کرد خدا از مؤمنان جنگ را به سبب او

یوم الاحزاب السلام علیک یا من اخلص لله الوحدانیة واناب

در روز احزاب سلام بر تو باد ای کسیکه خالص گردانید برای خدا یگانگی و بازگشت

السَّلامُ عَلَيْكَ يا قاتِلَ خَيْبَرَ وَقالِعَ الْبابِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ دَعاهُ

سلام باد بر تو ای کشنده مشرکان خیبر و کننده در سلام بر تو باد ای کسیکه طلب کرد او را

خَيْرُ الْأَنامِ لِلْمَبيتِ عَلى فِراشِهِ فَأَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَأَجابَ السَّلامُ عَلَيْكَ

بهترین خلق برای خوابیدن بر فرش خواجه پس سپرد نفس خود را بمرگ و قبول کرد سلام بر تو باد

يا مَنْ لَهُ طُوبى وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ

ای کسیکه مر او راست خوشی و نیکوئی بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر تو ای متولی

عِصْمَةِ الدّينِ وَيا سَيِّدَ السّاداتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ

نگهبانی دین و ای سرور سروران سلام باد بر تو ای صاحب معجزه ها

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْعادِياتِ السَّلامُ عَلَيْكَ

سلام باد بر تو ای کسیکه نازل شد در فضیلت او سوره و العادیات سلام باد بر تو

يا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّماءِ عَلَى السُّرادِقاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ

ای کسیکه نوشته شده است اسم او در آسمان بر سراپرده ها سلام بر تو باد ای ظاهر کننده

الْعَجائِبِ وَالْآياتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَ الْغَزَواتِ السَّلامُ عَلَيْكَ

عجائب و آیات سلام بر تو باد ای سرور جنگها سلام بر تو باد

يا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَبِما هُوَ آتٍ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُخاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَواتِ

ای خبر دهنده بآنچه گذشت و بآنچه آینده است سلام باد بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابانها

السَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتِمَ الْحَصى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ

سلام باد بر تو ای مهر کننده سنگریزه و بیان کننده مشکلها سلام بر تو باد

يا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِي الْوَغا مَلائِكَةُ السَّماواتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ

ای کسیکه بعجب درآمده است از حملهای او در روز جنگ فرشتگان آسمانها سلام بر تو باد ای کسیکه

ناجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْواهُ الصَّدَقاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا

راز گفت با پیغمبر پس مقدم کرد پیش از خود صدقه ها را سلام بر تو باد ای

وَالِدِ الْأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ

پدر امامان که نیکان و سروران بودند و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد ای پیرو پیغمبر

الْمَبْعُوثِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

برانگیخته شده سلام بر تو باد ای وارث علم بهترین میراث برده شدگان و رحمت خدا و برکتهای او

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای پیشوای پرهیزکاران سلام بر تو باد ای فریادرس اندوه زدگان سلام باد

عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای پناه مؤمنان سلام باد بر تو ای ظاهر کننده حجتها سلام بر تو باد

يَا طٰهٰ وَيٰسٓ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ

ای طاها و یاسین سلام بر تو باد ای رسن خدا که محکم است سلام بر تو باد ای کسیکه صدقه داد

فِي صَلٰوتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ

در نماز خود بانگشتر خود بر درویش سلام بر تو باد ای برکننده سنگ از دهن

الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللّٰهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ

چاه و ظاهر کننده آب شیرین سلام بر تو باد ای چشم خدا که بیننده است و دست او

الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

که گشاده است و زبان او که تعبیر کننده احکام است از او در خلق او همه خلق سلام بر تو باد ای وارث

عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَاحِبَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ

علم پیغمبران و جای امانت علم پیشینیان و پسینیان و صاحب نشان حمد و آب دهنده

أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ

دوستان خود از حوض تمه پیغمبران سلام باد بر تو ای پادشاه دین و پیشوای

الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى

پیشانیهای روشنان و دست و پا سفیدان و پدر امامان پسندیدگان و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر

بسم الله الرضي و وجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي السلام

نام خدا که پسندیده است و روی خدا که تابنده است و پهلوی خدا که توانا و راه خدا که راست سلام

على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على

بر امام پرهیزکار اخلاص مند گزیده سلام بر ستاره تابنده سلام بر

الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام على امام الهدى و

امام ابوالحسن علی و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر امام هدایت و

مصباح الدجى وعلم التقى ومنار الهدى وذي النهى وكهف الورى والعروة

چراغ تاریکی و علم پرهیزکاری و مناره هدایت و صاحب عقلها و پناه خلائق و دستاویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار

محکم و حجت بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام باد بر نور نورها

وحجة الجبار والد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار

و حجت خدای بزرگ و پدر امامان پاک و قسمت کننده بهشت و دوزخ خبر دهنده از آثار

المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الاوزار السلام

هلاک کننده کفار رهاننده شیعیان اخلاص مند از گناهان بزرگ سلام باد

على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار

بر کسیکه خاص کرده شده بزن پاکیزه پرهیزکار دختر پیغمبر مختار زائیده شده در خانه صاحب پرده ها

المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار ورحمة الله

تزویج کرده شده در آسمانها بزن نیک پاک پسندیده و پسندیده شده دختر پاکان رحمت خدا

وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون

و برکتهای او و سلام باد بر خبر بزرگ آنچنان خبری که ایشان در آن اختلاف دارند و بر او عرض کرده شوند

وعنه يسئلون السلام على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله

و از او سوال کرده میشوند سلام بر نور خدا که روشن است و روشنی او که تابنده تر و رحمت خدا

وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصته اشهد

وبرکتهای او سلام بر تو باد ای دوست خدا و حجت او و اختیار کرده خدا و برگزیده او گواهی میدهم

يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله

ای دوست خدا هر آینه بتحقیق جهاد کردی در راه خدا حق جهاد او و پیروی کردی راه پیغمبر خدا را

صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرام الله وشرعت احكامه

درود خدا بر او و آل او و حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی حرام خدا را و ظاهر کردی احکام او را

واقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت

و برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی بکار نیکو و باز داشتی از کار زشت و جهاد کردی

في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتاك

در راه خدا صبر کننده پند دهنده کوشش کننده امید ثواب دارنده نزد خدا بمزد بزرگ تا آنکه آمد

اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك ولعن

مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که باز داشت ترا از حق تو و زائل کرد ترا از مکان تو و لعنت کند

الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملائكته وانبيائه ورسله

خدا کسی را که رسید او را این خبر پس راضی شد باین گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او و پیغمبران او را

اني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته

بدرستیکه من دوستم مر کسی که دوست دارد ترا و دشمنم مر کسی که دشمن دارد ترا سلام بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

پس خم شو بر ضریح و ببوس آن را و بگو اشهد انك تسمع كلامي وتشهد مقامي و

گواهی میدهم بدرستیکه تو میشنوی سخن مرا و می بینی جای مرا

اشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي يا حجة الله يا امين الله

گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا برسانیدن حکم خدا و ادا کردن ای مولای من ای حجت خدا ای امین خدا

يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري ومنعتني

ای دوست خدا بدرستیکه میان من و میان خدای عز و جل گناهانی هست که بتحقیق سنگین کرده است پشت مرا و باز داشته

مِنَ الرُّقَادِ وَذِكْرُهَا يُقْلِقُ أَحْشَائِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ

از خواب ویاد آن گناهان مضطرب میکند حشای مرا وبتحقیق گریختم بسوی خدای عزیز وبزرگ وبسوی تو

فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ

پس بحق کسیکه امانت گذاشت ترا بر راز خود و گردانید ترا راعی کار خلق خود وقرین طاعت ترا بطاعت خود

وَمُوَالاتَكَ بِمُوَالاتِهِ كُنْ لِي إِلَى اللهِ شَفِيعاً وَمِنَ النَّارِ مُجِيراً وَعَلَى الدَّهْرِ

و دوستی ترا بدوستی خود باش برای من بسوی خدا شفاعت کننده واز آتش پناه دهنده وبر روزگار

ظَهِيراً پس با خود در انقبر بچسبان قبر را ببوس و بگو يَا وَلِيَّ اللهِ يَا حُجَّةَ اللهِ يَا بَابَ حِطَّةِ اللهِ

پشتیبان ای ولی خدا ای حجت خدا ای دروازه منزل خدا

وَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي

دوست تو وزیارت کننده تو وپناه آورنده بقبر تو وفرود آینده بفضای خانه تو وفرود آورنده بار خود را در

جِوَارِكَ يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي

جوار تو سوال میکند از تو اینکه شفاعت کنی برای او بسوی خدا در قضای حاجت او و روا کردن مطالب او در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ

دنیا و آخرت پس بدرستیکه ترا نزد خدا قدر و منزلت بزرگست و شفاعت پذیرفته شده است پس گردان مرا ای مولای من

مِنْ هَمِّكَ وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ

از کسانیکه فکر آنها را هست در او و مراد و ارکرده خود و سلام بر تو باد وبر دو همخواب تو که آدم و نوح اند

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ

وسلام باد بر تو وبر دو پسر تو حسن وحسین وبر امامان پاک

مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

از اولاد تو ورحمت خدا وبرکتهای او

پس از روی تضرع وخشوع هر حاجت که داری از حق تعالی طلب نما مولف گوید که هرکه از دور زیارت کند در هذا الحرم و بهذا الضریح قصد روضه و ضریح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میکند و زیارتها و دعا را متصل بیکدیگر میخواند نزدیک رفتن و

حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثوابست برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی است برای نیکان

بوسیده می باشند یعنی عوض آنها در کارند که چیزی بعمل آورد و سید ابن طاوس رحمه الله علیه گفته است مستحب است در هر روز دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت

بعد از سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید جای نماز خود نشسته این دعا بخواند

أَنْتَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَخَالِقٌ لَا يُغْلَبُ وَبَدِيءٌ لَا يَنْفَدُ وَقَرِيبٌ لَا يَبْعُدُ وَ

تو زنده که نمی میری و آفریننده که مغلوب نمیشوی و اولی که انقطاع نداری و نزدیکی که دور نمی شوی و

قَادِرٌ لَا يُضَادُّ وَغَافِرٌ لَا يَظْلِمُ وَصَمَدٌ لَا يَطْعَمُ وَقَيُّومٌ لَا يَنَامُ وَعَالِمٌ لَا يُعَلَّمُ

توانائی که خصومت کرده نمیشوی و آمرزنده که ستم نمیکنی و بی نیازی که چیزی نمیخوری و پاینده که نمیخوابی و داننده که تعلیم کرده نمیشوی

وَقَوِيٌّ لَا يَضْعُفُ وَعَظِيمٌ لَا يُوصَفُ وَوَفِيٌّ لَا يُخْلِفُ وَغَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ

و زورمندی که سست کرده نمیشوی و بزرگ هستی که وصف کرده نمیشوی و وفا کننده که خلاف وعده نمی کنی و توانگری که محتاج نمیشوی

وَحَلِيمٌ لَا يَجُورُ وَمَنِيعٌ لَا يُقْهَرُ وَمَعْرُوفٌ لَا يُنْكَرُ وَوَكِيلٌ لَا يَخِيبُ وَغَالِبٌ

و حلیمی که ستم نمیکنی و صاحب عزتی که مغلوب نمیشوی و شناخته شده که انکار کرده نمیشوی و وکیلی که نومید نمیشوی و غالبی که

لَا يُغْلَبُ وَفَرْدٌ لَا يَسْتَشِيرُ وَوَهَّابٌ لَا يَمَلُّ وَسَرِيعٌ لَا يَذْهَلُ وَجَوَادٌ

غلبه کرده نمیشوی و یگانه هستی که مشورت نمیکنی و بسیار بخشنده که تنگ نمیشوی و شتابنده که فراموش نمیکنی و بخشنده که

لَا يَبْخَلُ وَعَزِيزٌ لَا يَذِلُّ وَحَافِظٌ لَا يَغْفُلُ وَقَائِمٌ لَا يَزُولُ وَمُحْتَجِبٌ لَا يُرَى

بخل نمیورزی و ارجمند هستی که خوار نمیشوی و یاد کننده که غافل نمیشوی و پاینده که برطرف نمیشوی و در پرده نمونده که دیده نمیشوی

وَدَائِمٌ لَا يَفْنَى وَبَاقٍ لَا يَبْلَى وَوَاحِدٌ لَا يَشْتَبِهُ وَمُقْتَدِرٌ لَا يُنَازَعُ اللَّهُمَّ

و پایداری که فانی نمیشوی و پاینده که کهنه نمیشوی و یگانه که مشتبه نمیشوی و توانائی که نزاع کرده نمی شوی بارخدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُحْيِيَنِي

بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعلم غیبی که نزد تست و توانائی تو بر خلائق همه آنها که زنده داری مرا

مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْراً لِي وَأَنْ تَتَوَفَّانِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْراً لِي وَأَسْأَلُكَ

تا وقتیکه دانی زندگی را بهتر از برای من و بمیرانی مرا وقتیکه باشد مرگ بهتر از برای من و سوال میکنم از تو

الْخَشْيَةَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ

ترس را در پنهان و آشکار او سوال میکنم از تو بارخدایا سخن حق را در حالت خشم

والرضا واسالك نعيما لا ينفد واسالك الرضا بعد القضاء واسالك
وخوشنودی وسوال میکنیم از تو نعمتی را که منقطع نمی شود وسوال میکنیم از تو رضا بعد از رسیدن قضا وسوال میکنیم

برد العيش بعد الموت واسالك لذة النظر الى وجهك الكريم امين
خنکی زندگانی را پس از مرگ وسوال میکنیم از تو لذت نظر کردن بسوی روی رحمت تو که گرامی است قبول کن

رب العالمين اللهم اني اسالك بمنك الكريم وفضلك العظيم ان
ای پروردگار عالمیان ای خداوندا بدرستیکه من سوال میکنیم از تو باحسان تو که بزرگ است وفضل تو که عظیم است

تغفر لي وترحمني يا لطيف الطف بي في كل ما تحب وترضى اللهم اني
بیامرزی مرا و بر من ببخشایی ای لطف کننده لطف کن بحال من در هرچیز که دوست میداری و پسندیدی ای خدا

اسالك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومخالطة
سوال میکنیم از تو کردن کارهای نیک وگذاشتن کارهای زشت و دوستی مسکینان را وآمیزش

الصالحين وان تغفر لي وترحمني واذا اردت بقوم فتنة فتوفني غير مفتون
صالحان را وانکه بیامرزی مرا وببخشایی مرا و هرگاه خواهی بگروهی آشوبی بمیران مرا بی آشوب

واسالك حبك وحب من يحبك وحب كل عمل يقربني الى حبك
وسوال میکنیم از تو دوستی تو ودوستی کسی را که دوست میدارد ترا ودوستی هر کردار که نزدیک گرداند مرا بدوستی تو

اللهم بحق محمد صلى الله عليه واله حبيبك وبحق ابراهيم خليلك
بار خدایا بحق محمد درود فرستد خدا براو وآل او حبیب تو وبحق ابراهیم دوست تو

وصفيك وبحق موسى كليمك وبحق عيسى روحك واسالك بصحف ابراهيم
وبرگزیده تو وبحق موسی هم سخن تو وبحق عیسی روح تو وسوال میکنیم از تو بصحیفهای ابراهیم

وتورية موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه واله
وتوریت موسی وانجیل عیسی وزبور داود وقران محمد درود فرستد خدا براو وآل او

واسالك بكل وحي اوحيته وبحق كل قضاء قضيته وبكل سائل اعطيته
وسوال میکنیم از تو بهر وحی که پیغام کردی وبحق هر حکمی که قرار دادی وبحق هر سائلی که بخشیدی ورا

واسألك بكل اسم انزلته في كتابك واسألك باسمائك التي استقل بها

وسوال میکنم از تو بهر نامیکه فرود آوردی آنرا در کتاب خود وسوال میکنم ترا بنامهای تو که قرار گرفت بآنها

عرشك واسألك باسمائك التي وضعتها على النار فاستنارت واسألك

عرش تو وسوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنها را بر آتش پس روشن شد وسوال میکنم ترا

باسمائك التي وضعتها على الليل فاظلم واسألك باسمائك التي وضعتها على

بنامهای تو که نهادی آنرا بر شب پس تاریک شد وسوال میکنم ترا بنامهای تو آن نامهای که گذاشتی آنها را

النهار فاضاء واسألك باسمائك التي وضعتها على الارض فاستقرت و

روز پس روشن شد وسوال میکنم بنامهای تو که گذاشتی آنها را بر زمین پس قرار گرفت و

اسألك باسمك الاحد الصمد الذي ملأ اركان كل شيء واسألك

سوال میکنم از تو بنام تو که یگانه و بی نیاز است آن نامیکه پر کرده است ستونهای هر چیز را وسوال میکنم از تو

باسمك الطهر الطاهر المبارك الحي القيوم لا اله الا هو الرحمن الرحيم

بنام تو که پاک پاکیزه مبارک زنده پایدار است نیست معبودی جز او بخشنده مهربان

واسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمائك

وسوال میکنم از تو بجایهای بستن عزت از عرش تو و بجای رسیدن رحمت از کتاب تو و بنامهای تو

العظام وجدك الاعلى وكلماتك التامات ان ترزقنا حفظ القرآن

که بزرگ اند و عظمت تو که بلند مرتبه است وسخنهای تو که تام اند اینکه روزی کنی ما را حفظ قرآن

والعمل به والطاعة لك والعمل الصالح وان تثبت ذلك في اسماعنا

وعمل کردن بآن و فرمان بردن برای تو و کردار نیک و اینکه ثابت داری آنرا در گوشهای ما

وابصارنا وان تخلط ذلك بلحمي ودمي ومخي وشعري وان تستعمل بذلك

و چشمهای ما و اینکه بیامیزی آنرا بگوشت من و خون من و مغز من و موی من و اینکه استعمال کنی آن

بدني وقوتي فانه لا يقوى على ذلك الا انت وحدك لا شريك لك

تن مرا و قوت مرا پس بدرستیکه شان این است که توانا نیست بر این کار مگر تو که یگانه ئی نیست شریک تو

يَا اللهُ الْوَاحِدُ الرَّبُّ الْقَدِيرُ يَا اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ يَا اللهُ الْبَاعِثُ

ای خدای یگانه پروردگار توانا ای خدای آفریننده پیدا کننده صورت دهنده ای خدای برانگیزنده

الْوَارِثُ يَا اللهُ الْفَتَّاحُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ يَا اللهُ الْمَلِكُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ

وارث ای خدای بسیار گشاینده غالب دانا ای خدا پادشاه توانا صاحب اقتدار

اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ

بیامرز مرا و به بخشا مرا بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشندگانی بار خدایا تو گفتی و حال آنکه گفته تو درست است

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَأَسْأَلُكَ يَا اللهُ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ صَلَّى اللهُ

که بخوانید مرا استجاب میکنم شما را پس میخوانم ترا ای خدا بنام تو آن نام که خواند ترا با آن نام آدم درود فرستد خدا

عَلَيْهِ فَأَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شِيثُ بْنُ آدَمَ

بر او پس واجب گردانیدی برای او بهشت را میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا با آن نام شیث پسر آدم

فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ أَبِيهِ بَعْدَهُ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَأَنْ تَرْزُقَنَا إِنْفَاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ

پس گردانیدی او را وصی پدر او بعد از او اینکه مستجاب گردانی دعای ما را و اینکه روزی کنی ما را اجرا کردن هر وصیتی

لِأَحَدٍ عِنْدَنَا وَأَنْ تُقَدِّمَ وَصِيَّتَنَا أَمَامَنَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

که یکی را نزد ما باشد و اینکه پیش کنی وصیت ما را پیش ما و سوال می نمایم ترا بنامیکه خواند ترا

بِهِ إِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا أَنْ تَرْفَعَنَا إِلَى أَحَبِّ الْبِقَاعِ إِلَيْكَ وَتَمُنَّ

با آن نام ادریس پس بالا بردی او را بمکانی بلند اینکه بلند گردانی ما را بسوی دوست ترین بقعه ها بسوی تو و منت نهی

عَلَيْنَا بِمَرْضَاتِكَ وَتُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بر ما و احسان کنی بر ما بخشنودی خود و درآوری ما را در بهشت برحمت خود و سوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا با آن نام

نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ وَأَهْلَكْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِمَّا نَخَافُ فِيهِ

نوح ع پس رهانیدی او را از غرق و هلاک کردی گروه ستمکاران را اینکه نجات دهی ما را از آنچه ما در آن میترسیم

مِنَ الْبَلَاءِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ هُودٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ

از فتنه و سوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا با آن نام هود بر او سلام باد پس نجات دادی او را

من الرحيم العظيم ان تنجينا من بلاء الدنيا والآخرة وعذابهما واسألك

از بازو عظیم اینکه نجات دهی ما را از بلای دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا

باسمك الذي دعاك به صالح فنجيته من خزي يومئذ ان تنجينا من خزي

بنام تو آنچنان نامی که دعا کرد با آن صالح پس نجات دادی ورا از خواری آن روز اینکه نجات دهی ما را از خواری

الدنيا والآخرة وعذابهما واسألك باسمك الذي دعاك به لوط فنجيته

دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا بنام تو آن نامیکه خواند ترا با آن نام لوط پس نجات دادی اورا

من المؤتفكة والمطر السوء ان تنجينا من مخازي الدنيا والآخرة واسألك

از شهر زیر و زبر شده و باران بد اینکه نجات دهی ما را از خواریهای دنیا و آخرت و سوال می کنم ترا

باسمك الذي دعاك به شعيب فنجيته من عذاب يوم الظلة ان تنجينا

بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا با آن نام شعیب پس نجات دادی ورا از عذاب روز ظله اینکه نجات دهی ما را

من العذاب الى روحك ورحمتك واسألك باسمك الذي دعاك به

از عذاب بسوی روزی خود و رحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا با آن نام

ابراهيم فجعلت النار عليه بردا وسلاما ان تخلصنا كما خلصته وان

ابراهیم پس گردانیدی آتش را براو سرد و سلامت اینکه برهانی ما را چنانچه رهانیدی او را و اینکه

تجعل ما نخافه بردا وسلاما كما جعلتها عليه واسألك باسمك الذي دعاك به

بگردانی چیزی که داریم سرد و سلامت چنانچه گردانیدی آتش را برابراهیم و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا

اسمعيل عند العطش فاخرجت من زمزم الماء الروي ان تجعل مخرجنا

اسمعیل نزد تشنگی و برآوردی از چاه زمزم آب سیراب کننده اینکه بگردانی برآمدن ما را

الى خير وان ترزقنا المال الواسع برحمتك واسألك باسمك الذي دعاك به

بسوی خیر و اینکه روزی دهی ما را مال فراخ برحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا با آن

يعقوب فرددت عليه بصره وولده وقرة عينه ان تخلصنا وتجمع

یعقوب پس برگردانیدی براو بینائی چشم او را و فرزند او را و روشنی چشم او را اینکه رهانی ما را و جمع کنی

بيننا وبين اولادنا واهالينا واسألك باسمك الذي دعاك به يوسف فاخرجته

میان ما و میان فرزندان ما و خویشان ما و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامی که خواند ترا بان نام یوسف پس بیرون آوردی

من السجن ان تخرجنا من السجن وتملكنا نعمتك التي انعمت بها علينا واسألك

از زندان اینکه بیرون آری ما را از زندان و مالک کردانی ما را نعمت خود آنچنان نعمتی که انعام کردی بان

باسمك الذي دعاك به الاسباط فتبت عليهم وجعلتهم انبياء ان تتوب

بنام تو آنچنان نامی که خواندند ترا بان نام پسران یعقوب پس قبول کردی توبه ایشان را و کردانیدی ایشان را پیغمبران اینکه توبه

علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك والخلاص مما نحن فيه واسألك

ما را قبول کنی و روزی کنی ما را طاعت خود و عبادت خود و رستگاری از آنچه ما در آنیم و سوال میکنم از تو

باسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به البلاء فقال رب اني مسني الضر وانت

بنام تو آن نامی که خواند ترا بان نام ایوب وقتیکه نازل شد باو رنج پس گفت ای پروردگار من بدرستیکه رسیده است مرا ضرر و تو

ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه ضره ورددت عليه اهله

مهربان ترین مهربانانی پس مستجاب کردی او را و برطرف کردی رنج او را و برگردانیدی بر او مردم او را

ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى للعابدين اللهم اني اقول كما قال

و مانند آنها با آنها از روی مهربانی از جانب خود و یادآوری برای عبادت کنندگان خداوندا بدرستیکه من میگویم چنانچه گفت

رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا

که ای پروردگار من بدرستیکه رسیده است مرا رنج و تو مهربانترین مهربانانی پس مستجاب کن برای ما و رحم کن ما را و خلاص کن ما را

ورد علينا اهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا من

و باز کردان بر ما اهل ما را و مال ما را و مانند آنها با آنها از روی مهربانی خود و بگردان ما را از

العابدين لك واسألك باسمك الذي دعاك به موسى وهرون فقلت عز

عبادت کنندگان برای خود و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواندند ترا بان نام موسی و هارون پس گفتی عزیز است

من قائل قد اجيبت دعوتكما ان تستجيب دعاءنا وتنجينا كما انجيتهما

گوینده ای که بتحقیق اجابت کرده شده دعای شما اینکه مستجاب کنی دعای ما را و نجات دهی ما را چنانچه نجات دادی ایشان را

وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ فَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَتُبْتَ عَلَيْهِ
وسؤال میکنم از تو بنام آن نامی که خواند ترا بآن نام داود پس آمرزیدی گناه او را و توبه او را قبول کردی
اَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
اینکه بیامرزی گناه مرا و قبول توبه نمائی بدرستیکه تو توبه پذیرنده و مهربانی وسؤال میکنم از تو
الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ مُلْكَهُ وَاَمْكَنْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ
آن نامی که خواند ترا بآن سلیمان پس رد کردی براو پادشاهی او را و قدرت دادی او را بر دشمن او
وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ وَالطَّيْرَ اَنْ تُخَلِّصَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَتَرُدَّ عَلَيْنَا
و مسخر کردی برای او پریان و آدمیان و مرغان اینکه برهانی ما را از دشمن ما و رد کنی بر ما
نِعْمَتَكَ وَتَسْتَخْرِجَ لَنَا مِنْ اَيْدِيهِمْ حَقَّنَا وَتُخَلِّصَنَا مِنْهُمْ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
نعمت خود را و بیرون آری برای ما از دستهای آنها حق ما را و برهانی ما را از آنها بدرستیکه تو بر همه چیز
قَدِيرٌ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ
توانائی وسؤال میکنم از تو بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام آن کسیکه نزد او بود علمی از کتاب
عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَا اَنْ يُحْمَلَ اِلَيْهِ فَاِذَا هُوَ مُسْتَقِرٌّ عِنْدَهُ اَنْ تَحْمِلَنَا مِنْ
بر تخت ملکه سبا اینکه برداشته شود بسوی او پس ناگاه آن تخت قرار گرفته بود نزد او اینکه برداری ما را از
عَامِنَا هَذَا اِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجاً وَزُوَّارَ قَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ
سال ما که این است بسوی خانه خود که صاحب حرمت است حج کنندگان و زیارت کنندگان قبر پیغمبر تو بر او و آل او سلام
وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا
وسؤال میکنم از تو بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام یونس پسر متی در تاریکیها اینکه نیست معبودی بحق
اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ
تو منزهی بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کردی او را و رهانیدی او را از شکم ماهی
مِنَ الْغَمِّ وَقُلْتَ عَزَّتْ مِنْ قَائِلٍ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَنَشْهَدُ اَنَّا مُؤْمِنُونَ
از غم و گفتی تو عزیز است از گوینده و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را پس گواهی میدهیم که ما مؤمنانیم

وَنَقُولُ كَمَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لِي

ومیگوییم چنانچه گفت یونس که نیست معبودی بحق بجز تو تنزیه میکنیم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کن مرا

وَنَجِّنِي مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَا ضَمِنْتَ أَنْ تُنَجِّيَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

ونجات ده مرا از غم دنیا و آخرت چنانچه ضامن شدی این که نجات دهی مومنان را وسوال میکنم از تو بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ زَكَرِيَّا وَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

آن نامیکه خواند ترا بآن نام زکریا و گفت که ای پروردگار من مگذار مرا تنها وحال آنکه تو بهترین وارثانی

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْتَ لَهُ زَوْجَهُ وَجَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُونَ

پس مستجاب کردی برای او وبخشیدی مر او را یحیی واصلاح آوردی برای او زوج او را وگردانیدی ایشان را که سرعت کننده بودند

فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَكَ خَاشِعِينَ فَإِنِّي أَقُولُ

در خیرها ومیخواندند ترا از روی خواهش وترس وبودند مر ترا زاری کنندگان پس بدرستیکه من میگویم

كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْ لِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي

چنانکه گفت او ای پروردگار من مگذار مرا تنها وحال آنکه تو بهترین وارثانی پس اجابت کن برای من ونیکو کن برای من حال مرا

وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَخَلِّصْنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ

وهمه چیزها را که انعام کردی بآن بر من ورها کن مرا از آنچه من در آنم وببخش مرا بزرگی دنیا و

الْآخِرَةِ وَأَوْلَادًا صَالِحِينَ يَرِثُونِّي وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَهَبًا وَرَغَبًا

آخرت وفرزندان نیکوکاران که میراث برند مرا بگردان ما را از آن کسان که میخوانند ترا از ترس ورغبت

وَمِنَ الْخَاشِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَحْيَى

واز زاری کنندگان اطاعت کنندگان مر ترا وسوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام یحیی

فَجَعَلْتَهُ بَرًّا تَقِيًّا وَلَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَهُمَّ بِهَا أَنْ تَعْصِمَنِي مِنِ اقْتِرَافِ الْمَعَاصِي

پس گردانیدی او را ... وحال آنکه نکرده باشد گناهی وقصد نکرده باشد بگناه اینکه نگهداری مرا از کسب گناهان

حَتَّى نَلْقَاكَ طَاهِرِينَ لَيْسَ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِيَةٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

تا ملاقات کنیم ترا در حالت پاکیزگی نباشد ترا جانب ما گناهی وسوال میکنم از تو بنام تو آن نامی که

دعاك به مريم فنطق ولدها بحجتها ان توفقنا وتخلصنا بحجتنا عندك

خواند ترا بآن نام مريم پس ناطق شد فرزند او بحجت او و اينكه توفيق بدهي ما را و برهاني ما را بحجت ما نزد تو

وعند كل ملمّة حتى تظهر حجتنا على ظالمينا واسألك باسمك الذي

و نزد هر حادثه نازله تا ظاهر كني حجت ما را بر ستمكاران ما و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نامي كه

دعاك به عيسى بن مريم فاحيا به الموتى وابرأ الاكمه والابرص

خواند ترا بآن نام عيسى پسر مريم پس زنده كرد بآن نام مرده را و شفا داد كور مادرزاد را و صاحب برص را

ان تخلصنا وتبرّأنا من كل سوء وآفة والم وتحيينا حيوة طيبة في الدنيا

اينكه خلاص كني ما را و پاك سازي ما را از هر بدي و آفتي و رنجي و زنده داري ما را بزندگاني پاك در دنيا

والآخرة وان ترزقنا العافية في ابداننا واسألك باسمك الذي دعاك

و آخرت و اينكه روزي دهي ما را عافيت در بدنهاي ما و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نامي كه خواند ترا

به الحواريون فاعنتهم حتى بلغوا عن عيسى ما امرهم به وصرفت عنهم

بآن نام حواريون پس ياري كردي ايشان را تا رسانيدند از عيسى آنچه فرموده بود ايشان را و برگردانيدي از ايشان

كيد الجبارين وتوليتهم ان تخلصنا وتجعلنا من الدعاة الى

مكر جباران را و متولي كارهاي ايشان شدي اينكه خلاص كني ما را و بگرداني ما را از دعوت كنندگان بسوي

طاعتك واسألك باسمك الذي دعاك به جرجيس فرفعت عنه الم

طاعت خود و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نامي كه خواند ترا بآن نام جرجيس پس برطرف كردي از او رنج

العذاب ان ترفع عنا الم العذاب في الدنيا والآخرة وان لا تبتلينا

عذاب را اينكه برطرف كني از ما رنج عذاب را در دنيا و آخرت و اينكه مبتلا نسازي ما را

ان ابتليتنا فصبّرنا والعافية احب الينا واسألك باسمك الذي دعاك

اگر مبتلا سازي پس صبر ده ما را و عافيت دوست تر است بسوي ما از ابتلا و سوال ميكنم از تو بنام تو آن نامي كه خواند ترا

به الخضر حتى ابقيته ان تفرج عنا وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا

بآن نام خضر تا باقي داشتي او را و اينكه بگشائي از ما و ياري دهي ما را بر هر كه ستم كند ما را و برگرداني ما را

الی امامنا واسئلك باسمك الذی دعاك به حبیبك محمد صلی الله علیه

بسوی پناه خود و سوال میکنیم از تو بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام دوست تو محمد درود فرستد خدا بر او

وآله فجعلته سید المرسلین وایدته بعلی سید الوصیین ان تصلی علیهما

و آل او پس گردانیدی او را سرور پیغمبران و تقویت بخشیدی او را بعلی سرور اوصیا اینکه درود فرستی بر محمد و علی

وعلی ذریتهما الطاهرین وان تقیلنی فی هذا الیوم عثرتی وتغفر لی

و بر فرزندان آنها که پاکان اند و اینکه درگذری در این روز از لغزش من و بیامرزی مرا

ما سلف من ذنوبی وخطایای ولا تصرفنی من مقامی هذا الا بسعی

آنچه گذشته است از گناهان من و خطاهای من و برنگردانی مرا از جای من که این است مگر بسعی

مشکور وذنب مغفور وعمل مقبول ورحمة ومغفرة ونعیم موصول

شکر کرده شده و گناه آمرزیده شده و کردار پسندیده و بخشش و آمرزش و نعیمی پیوسته شده

بنعیم الآخرة برحمتك یا حنان یا منان یا ذا الجلال والاکرام انك

بنعمت آخرت برحمت خود ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای خداوند بزرگواری و گرامی ازینکه تو

علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

بر همه چیز توانائی و نیست قوت و توانائی بر کاری مگر بخدای بلند قدر بزرگ مرتبه

باب نهم در اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الثانیه است و در آن سه فصل

فصل اول در اعمال ربیع الثانی سید ابن طاوس [illegible] روایت کرده است که در روز اول این ماه [illegible]

اللهم انت الله کل شیء وخالق کل حی ورب کل شیء اسئلك بالعروة

بار خدایا تو معبود هر چیزی و آفریننده هر زنده و پروردگار هر چیزی سوال میکنیم از تو بدستاویز

الوثقی والغایة والمنتهی وبما خالفت به ما بین الانوار والظلمات

محکم و منتهای نهایت و بچیزی که مخالفت افکندی بآن میان روشنیها و تاریکیها

والجنة والنار والدنیا والآخرة وباعظم اسمائك فی اللوح المحفوظ

و بهشت و دوزخ و دنیا و آخرت و ببزرگترین نامهای تو در لوح محفوظ

صادق علیه السلام

وَأَتَمِّ أَسْمَائِكَ فِي التَّوْرَاةِ نُبْلاً وَأَظْهَرِ أَسْمَائِكَ فِي الزَّبُورِ عِزّاً وَأَجَلِّ أَسْمَائِكَ

و تمام ترنامهای تو در توریت اندر بزرگی ظاهرترین نامهای تو در زبور اندر عزت بزرگترین نامهای تو

فِي الْإِنْجِيلِ قَدْراً وَأَرْفَعِ أَسْمَائِكَ فِي الْقُرْآنِ ذِكْراً وَأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ فِي

در انجیل اندر قدر و بلندترین نامهای تو در قرآن اندر ذکر و بزرگترین نامهای تو در

الْكُتُبِ الْمُنْزَلَةِ وَأَفْضَلِهَا وَأَسَرِّ أَسْمَائِكَ فِي نَفْسِكَ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

کتابهای فرستاده شده افضل آنها پنهانترین نامهای تو در نفس تو که نیست مانند او چیزی

وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَبِالْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَا حَمَلَ وَبِالْكُرْسِيِّ

و سؤال میکنم بعزت تو و قدرت تو و بالعرش بزرگ و آنچه بر داشته است و بکرسی

الْكَرِيمِ وَمَا وَسِعَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُنْجِحَ لِي مِنْ عِنْدِكَ فَرَجَكَ

گرامی و آنچه وسعت دارد اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و مقدر کنی برای من از نزد خود گشایش

الْقَرِيبَ الْعَظِيمَ الْأَعْظَمَ اللَّهُمَّ أَتْمِمْ عَلَيَّ إِحْسَانَكَ الْقَدِيمَ الْأَقْدَمَ وَتَابِعْ

نزدیک بزرگ بزرگترت بار خدایا تمام کن بر من احسان خود را که قدیم و قدیمترست و پی در پی

إِلَيَّ مَعْرُوفَكَ الدَّائِمَ الْأَدْوَمَ وَانْعَشْنِي بِعِزِّ جَلَالِكَ الْكَرِيمِ الْأَكْرَمِ

بسوی من احسان خود را که دائم و دائمتر است و برپا دار مرا بعزت بزرگی خود که گرامی و گرامیتر است

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

و خدای شما خدای یگانه است نیست معبودی بحق مگر او بخشاینده و مهربان خدائی که نیست معبودی بحق مگر او

الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ الم اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

که زنده و پاینده است نمیگیرد او را سستی و نه خواب الم الله نیست معبودی بحق مگر او که زنده و پاینده است

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آن کسیکه صورت میدهد شما را در رحم ها هر قسم که خواهد نیست معبودی بحق بجز او که غالب صاحب حکمت است

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِماً بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ

شهادت داد خدا بر اینکه نیست معبودی بحق بجز او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان علم

هو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ذلكم

او که غالب صاحب حکمت خدا نیست معبود مگر او جمع میکند شما را در روز قیامت نیست شکی در آن همانست

الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل

خدا پروردگار شما نیست معبود بحق مگر او آفریننده هر چیز پس عبادت کنید او را و او بر هر چیز نگهبانست

اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين

پیروی کن آنچه وحی کرده شده است بسوی تو از پروردگار تو نیست معبود بحق مگر او و رو بگردان از مشرکان

قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض

بگو ای محمد که ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آن خدا آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین

لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي

نیست معبود بحق بجز او زنده میکند و میمیراند پس ایمان بیاورید بخدا و رسول او که پیغمبر نانویسنده است آنکه

يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا

ایمان می آرد بخدا و کلمهای او و پیروی کنید او را که شاید شما راه یابید و مامور نشده اند مگر اینکه پرستند

الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل

خدای یگانه را نیست معبود بحق مگر او پاکست او از آنچه شریک میکنند مشرکان پس اگر بگردانند روی پس بگو

حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

کفایت میکند مرا خدا نیست معبود بحق مگر او بر او کار گذاشتم و او پروردگار عرش بزرگ است

حتى اذا ادركه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذي امنت به

تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم هر آینه نیست خدا جز او آنکه ایمان آورده اند باو

بنوا اسرائيل وانا من المسلمين قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت

بنی اسرائیل و من نیز از مسلمانان هستم بگو او پروردگار من نیست معبود بحق بجز او بر او کار گذاشتم

واليه متاب ينزل الملائكة بالروح من امره على من يشاء من عباده

و بسوی او است بازگشت من میفرستد فرشتگان را بروح از امر خود بر هر که خواهد از بندهای خود

ان انذروا انه لا اله الا انت فاتقون وان تجهر بالقول فانه یعلم
اینکه بیم دهید بندگان را بدرستیکه نیست معبودی بحق بغیر از من پس بترسید از من و اگر آشکارا و بلند بگوئی پس بدرستیکه خدا میداند
السر واخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی وانا اخترتک فاستمع
راز و پنهان تر از آن را خدا نیست معبودی بحق مگر او مر او راست نامهای نیک و من اختیار کردم ترا پس بشنو
لما یوحی انّنی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة لذکری انما
چیزی را که وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست معبودی بحق جز من پس عبادت کن مرا و بر پا دار نماز را برای یاد من نیست
الهکم الله الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما وما ارسلنا من قبلک
خدای شما مگر خدا اینکه نیست معبودی بحق بجز او فرا گرفته است همه چیز را از روی علم و نفرستادیم پیش از تو
من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ
پیغمبری را مگر آنکه وحی میکردیم بسوی او اینکه نیست معبودی بحق جز من پس پرستید مرا و یاد کن صاحب ماهی را که یونس است
ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان
وقتیکه رفت غضبناک پس گمان برد این را که تنگ نمیکنیم بر وی پس ندا کرد در تاریکیها این را که
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فتعالی الله الملک الحق
نیست معبودی بحق بجز تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس بلند است خدای پادشاه راست
لا اله الا هو رب العرش الکریم الله لا اله الا هو رب العرش العظیم
نیست معبودی بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگ است نیست معبودی بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگ است
وهو الله لا اله الا هو له الحمد فی الاولی والآخرة وله الحکم
و اوست خدا اینکه نیست معبودی بحق بجز او و مر او راست ستایش در آغاز یعنی دنیا و انجام یعنی عقبی و مر او راست حکم
والیه ترجعون ولا تدع مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا
و بسوی او برگردانیده میشوید و مخوان با خدا خدای دیگر را نیست معبودی بحق بجز او همه چیز نابود شونده است مگر
وجهه له الحکم والیه ترجعون یا ایها الناس اذکروا نعمة الله علیکم
ذات خدا و مر او راست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید ای گروه مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما

هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى

آيا هست هيچ آفريننده غير از خدا كه روزى دهد شما را از آسمان و زمين نيست معبود بحق مگر او پس كجا

تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب

برگردانيده ميشويد اين است خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهى نيست معبودى بحق مگر او پس بكجا برگردانيده ميشويد آمرزنده گناه

وقابل التوب شديد العقاب ذى الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم

و پذيرنده توبه سخت عقوبت صاحب بزرگى و نفع نيست معبودى بحق مگر او بسوى اوست بازگشت اين است

الله ربكم خالق كل شىء لا اله الا هو فانى تؤفكون ذلكم الله ربكم فتبارك

خدا پروردگار شما آفريننده هر چيز نيست معبودى بحق مگر او پس كجا برگردانيده ميشويد اين است خدا پروردگار شما

الله رب العالمين هو الحى لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين

خداى پروردگار عالميان اوست زنده نيست معبودى بحق مگر او پس بخوانيد او را خالص كنندگان براى او دين را

الحمد لله رب العالمين رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم

حمد مر خدا را كه پروردگار عالميان است پروردگار آسمانها و زمين و آنچه ميان آنهاست اگر هستيد

موقنين لا اله الا هو يحيى ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فانى لهم

صاحبان يقين نيست معبودى بحق مگر او زنده ميكند و ميميراند پروردگار شما و پروردگار پدران پيشينه شما پس

اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين

هرگاه بيايد ايشان را ياد ايشان پس بدان كه نيست معبودى بحق مگر خدا و طلب آمرزش كن براى گناه خود و براى

والمؤمنات هو الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن

و زنان مؤمنه اوست خدائى كه نيست معبودى بحق مگر او داناى نهان است و آشكار اوست بخشاينده

الرحيم هو الله الذى لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن

مهربان اوست خدائى كه نيست معبودى بحق مگر او پادشاه بسيار پاك سالم ايمنى دهنده

المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون الله لا اله الا هو

ايمن سازنده نگهبان صاحب عظمت بسيار بزرگوار منزه است خدا از آنچه شريك ميكنند نيست معبودى بحق مگر او

وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم إني أسألك عفواً ليس بعده
و بر خدا باید که توکل نمایند مومنان بار خدایا من سوال میکنم از تو عفوی را که نباشد بعد از آن
عقوبة ورضاً ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة
عقابی و خشنودی را که نباشد بعد از آن خشمی و عافیتی که نباشد بعد از آن رنجی و نیکبختی
ليس بعدها شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وإيماناً لا يداخله
که نباشد بعد از آن بدبختی و هدایتی که نباشد بعد از آن گمراهی و ایمانی که در نیاید او را
كفر وقلباً لا يداخله فتنة اللهم إني أسألك السعة في القبر والحجة
کفر و دلی که در نیاید او را فتنه بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو فراخی در قبر و حجت
البالغة والقول الثابت وأن تنزل علي الأمان والفرج والسرور
رسا و قول پایدار و اینکه نازل کردانی بر من امان و گشایش را و شادی را
ونضرة النعيم اللهم صل على محمد وآل محمد وعرفني بركة هذا
و تازگی نعمت را بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این
الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من
ماه و یمنیت آنرا و روزی کن مرا خوبی او را و دفع کن از من بدی او را و بگردان مرا در آن از
الفائزين برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم أنت وهاب الخير فهب لي
رسندگان برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا تو بسیار بخشنده خیری پس ببخش مرا
شوقاً إلى لقائك وإشفاقاً من عذابك وحياءً منك وتوقيراً وإجلالاً
خواهشی بسوی ملاقات خود و ترسیدن از عذاب خود و شرم از خود و بزرگ داشتن
حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويتجافى له جنبي
تا آنکه بترسد از این دل من و بلرزد از آن پوست من و برخیزد پهلوی من
وتدمع منه عيني ولا أخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا أرحم
و اشک بریزد از آن چشم من و خالی نشوم از یاد تو در شب خود و روز خود ای مهربان

الرّحمين اللّهمّ انّي اثني عليك وما عسى ان تبلغ مدحي وثنائي

مهربانان بارخدايا بدرستيكه من ثنا ميكنم بر تو ونيست قريب اينكه برسد مدح كردن من وستايش من

مع قلّة عملي وقصر رأيي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك

با كمي كردار من وكوتاهي بينش من تو آفريننده ومن آفريده شده ام و تو مالكي

وانا المملوك وانت الرّبّ وانا العبد وانت العزيز وانا الذّليل

ومن مملوكم و تو پروردگاري ومن بنده ام وتو عزيزي ومن خوارم

وانت القويّ وانا الضّعيف وانت الغنيّ وانا الفقير وانت المعطي

و تو توانائي ومن ناتوانم و تو بي نيازي ومن محتاجم و تو بخشنده

وانا السّائل وانت الحيّ الّذي لا يموت وانا خلق اموت فاغفر لي

ومن طلب كننده ام و تو زنده كه نمي ميرد ومن آفريده ام كه مي ميرم پس بيامرز مرا

وارحمني واعطني سؤلي في دنياي وآخرتي وتجاوز عنّي وعن جميع

و ببخشاي مرا و بده مسئولات مرا در دنياي من و آخرت من و درگذر از من و از همه

المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم و

مردان مومن و زنان مومنه و مردان مسلم و زنان مسلمه زندگان از ايشان و

الاموات اللّهمّ صلّ على محمّد عبدك ورسولك ونبيّك وصفيّك

مردگان بارخدايا درود بفرست بر محمد بنده خود و پيغمبر خود و نبي خود و برگزيده خود

وخيرتك من خلقك اللّهمّ ارفع درجته وكرّم مقامه واجزل ثوابه

و مختار خود از خلق خود بارخدايا بلند كن درجه او را و بزرگ گردان جاي او را و عظيم گردان ثواب او را

وافلج حجّته واظهر عذره وعظّم نوره وادم كرامته والحق به امّته

و ظاهر گردان حجت او را و آشكار گردان عذر او را و عظيم كن نور او را و پاينده كن بزرگي او را و ملحق كن باو امت او را

وذريّته واقرر بذلك عينه اللّهمّ اجعل محمّداً اكرم النّبيّين تبعاً

و فرزندان او را و روشن كن چشم او را بارخدايا بگردان محمد را گرامي ترين پيغمبران از راه تابعان

وَاَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً وَاَشْرَفَهُمْ كَرَامَةً وَاَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَاَفْسَحَهُمْ فِي

و بزرگترین آنها از روی منزلت و شریفترین آنها از روی کرامت و بلندترین آنها از روی درجه و گشاده‌ترین آنها در

الْجَنَّةِ مَنْزِلًا اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا دَرَجَةَ الْوَسِيلَةِ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ

بهشت از روی خانه بارخدایا برسان محمد را بدرجه وسیله و بزرگ کن بنیاد او را و عظیم کن

نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلٰوةَ اُمَّتِهِ عَلَيْهِ

نور او را و برهان او را و قبول کن شفاعت او را در حق امت او و قبول کن درود امت او را بر او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَتَلَا اٰيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ

بارخدایا درود بفرست بر محمد چنانکه تبلیغ کرد رسالتهای ترا و خواند آیتهای ترا و نصیحت کرد مر بندگان ترا و جهاد کرد

فِي سَبِيلِكَ حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ زِدْ مُحَمَّدًا مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا وَمَعَ كُلِّ

در راه تو تا آمد او را مرگ بارخدایا زیاده کن محمد را با هر بزرگی بزرگی و با هر

فَضْلٍ فَضْلًا وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَمَعَ كُلِّ سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتّٰى

فضیلتی فضیلتی و با هر بزرگی بزرگی و با هر نیک بختی نیک بختی تا آنکه

تَجْعَلَ مُحَمَّدًا فِي الشَّرَفِ الْاَعْلٰى مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بگردانی محمد را در مرتبهٔ بلند از مرتبه‌های بلند بارخدایا درود بفرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ لِي مَحَبَّتِي وَبَلِّغْنِي اُمْنِيَّتِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي

و آل محمد و آسان کن برای من محبت مرا و برسان مرا بآرزوی من و وسعت بده بر من در روزی

وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَيَسِّرْ لِي اِرَادَتِي

و برطرف کن از من وام و بگشای از من غم و اندوه و حزن مرا و آسان کن برای من اراده مرا

وَاَوْصِلْنِي اِلٰى بُغْيَتِي سَرِيعًا عَاجِلًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و برسان مرا بسوی حاجت من بزودی شتاب ای مهربان‌ترین مهربانان

و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است در روز دهم ماه ربیع الآخر سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی صلعم حضرت امام حسن عسکری متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحبست که شکر

این نعمت عظمی سوزه ارزند مؤلف گوید که زیارت آنحضرت و سائر اعمال خیر درین روز بابرکت است

فصل دوم

در اعمال ماه جمادی الاولی است سید ابن طاوس رضی الله عنه از بعضی کتب معتبره نقل کرده که در روز اول این ماه مستحب است که این دعا را بخوانند

اللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ وَاَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ وَاَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ وَاَنْتَ السَّلَامُ
بار خدایا توئی خدا و توئی بخشاینده مهربان و توئی پادشاه بسیار پاک و توئی سالم از نقص

الْمُؤْمِنُ وَاَنْتَ الْمُهَیْمِنُ وَاَنْتَ الْعَزِیزُ وَاَنْتَ الْجَبَّارُ وَاَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ
امان دهنده و توئی این سازنده و توئی غالب و توئی بسیار بزرگوار و توئی صاحب بزرگی و توئی

الْخَالِقُ وَاَنْتَ الْبَارِئُ وَاَنْتَ الْمُصَوِّرُ وَاَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ وَاَنْتَ الْاَوَّلُ
آفریننده و توئی پیدا کننده و توئی صورت دهنده و توئی غالب صاحب حکمت و توئی آغاز همه

وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی اَسْئَلُكَ یَا رَبِّ بِحَقِّ
و انجام همه آشکار و پنهان همه مر تراست نامهای نیکو سوال میکنم از تو ای پروردگار من بحق

هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ كُلِّهَا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ وَ
این نامها و بحق نامهای تو همه آن اینکه درود و رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و

آتِنَا اللّٰهُمَّ فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ
بده ما را بار خدایا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کن ما را به نیکبختی

وَالشَّهَادَةِ فِی سَبِیلِكَ وَعَرِّفْنَا بَرَكَةَ شَهْرِنَا هٰذَا وَیُمْنَهُ وَارْزُقْنَا خَیْرَهُ وَ
و شهید شدن در راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما که این ماه است و میمنت او و روزی کن ما را خیر او

اصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَاجْعَلْنَا فِیهِ مِنَ الْفَائِزِینَ وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ یَا اَرْحَمَ
برگردان از ما شر او و بگردان ما را در این ماه از رستگاران نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای ارحم

الرَّاحِمِینَ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پس این آیات بخوانند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
مهربانان بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی حمد مر خدا را که پروردگار عالمیان است

جمادی الاول

الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم
حمد مر خدایرا که آفرید آسمانها و زمین و پیدا کرد تاریکیها و روشنی را پس
الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم قضی
آنانکه کافر شدند به پروردگار خود برابر میکنند دیگری را اوست آن کسیکه آفرید شما را از گل آنگاه تقدیر کرد
اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون وهو الله فی السموات وفی
اجلی را و اجل معین نزد اوست آنگاه شما شک می آورید اوست خدا در آسمانها و در
الارض یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون الحمد لله الذی
زمین میداند نهان شما و آشکار شما و میداند آنچه کسب میکنید شما حمد مر خدایرا که
انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما لینذر بأسا شدیدا من
فرو فرستاد بر بنده خود قرآن را و نکرد اندر آن هیچ کجی در حالیکه راستی تا بیم دهد از سختی را از
لدنه الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی
جانب او حمد مر خدایرا که مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است مر او راست حمد در
الآخرة وهو الحکیم الخبیر الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل
آخرت و اوست صاحب حکمت آگاه حمد مر خدایرا که پیدا کننده آسمانها و زمین است گرداننده
الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء
فرشتگان فرستادگان صاحبان بالها دو دو و سه سه چهار چهار افزاید در خلق آنچه خواهد
ان الله علی کل شیء قدیر ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک
بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست آنچه می گشاید خدا برای مردم از بخشایش پس نیست گیرنده
لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم الحمد لله
مر آنرا و آنچه بسته کند پس نیست بازکننده مر آنرا از پس آن و اوست غالب حکیم حمد مر خدایرا
الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
که راه نمود ما را به این و نبودیم ما که راه یابیم اگر نبود آنکه راه می نمود ما را خدا

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی وَهَبَ لِی عَلَی الْکِبَرِ

هرآئینه بتحقیق آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی حمد مر خدایرا که بخشید مرا بر پیری

اِسْمٰعِیلَ وَ اِسْحٰقَ اِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَکْثَرُهُمْ

اسمعیل و اسحاق را بدرستیکه پروردگار من هرآئینه شنوای دعا حمد مر خدایرا بل اکثر ایشان

لَا یَعْلَمُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی نَجّٰنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی

نمیدانند حمد مر خدایرا که نجات داد ما را از گروه ستمکاران حمد مر خدایرا که

فَضَّلَنَا عَلٰی کَثِیرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سَیُرِیکُمْ اٰیَاتِهِ

که زیادتی فضل داد ما را بر بسیار از بندهای خود که مؤمنانند حمد خدایرا زود باشد که بنماید شما را آیات خود را

فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّکَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَذْهَبَ عَنَّا

پس خواهید شناخت شما آنرا و نیست پروردگار تو غافل از آنچه میکنید حمد مر خدایرا که برد از ما

الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَکُورٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ

اندوه را بدرستیکه پروردگار ما آمرزنده جزا دهنده است حمد مر خدایرا که راست کرد ما را وعده خود

وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَیْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِینَ

و میراث داد ما را زمین جا میگیریم از بهشت هر جا خواهیم پس نیکوست مزد عمل کنندگان

تَرَی الْمَلٰئِکَةَ حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

و می بینی فرشتگان را طواف کنندگان از گرد عرش تسبیح میکنند بحمد پروردگار خود

وَقُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِیلَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِینَ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ

و حکم کرده شده میان ایشان براستی و گفته حمد مر خدایرا که پروردگار عالمیانست پس خدایراست حمد که پروردگار

السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعٰلَمِینَ وَلَهُ الْکِبْرِیَاءُ فِی السَّمٰوٰتِ

آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عالمیان او راست بزرگی در آسمان

وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ

و زمین و اوست غالب صاحب حکمت حمد مر خدایرا که اختیار نکرد فرزند را و نداشته

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

مراورا شریک در پادشاهی ونشد مراورا یاری دهنده از خواری وتکبیر بکو اورا تکبیر گفتنی

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَدَارَكْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي

بارخدایا بیامرز مرا آنچه گذشته از گناهان من ودریاب مرا درآنچه باقی مانده از عمر من

وَقَوِّ ضَعْفِي لِلَّذِي خَلَقْتَنِي لَهُ وَحَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي

قوت بده ناتوانی مرا برای چیزیکه آفریده مرا برای آن ودوست کردان بسوی من ایمان را وزینت ده آنرا در دل من

وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللّٰهُمَّ أَصْبَحْتُ

وبتحقیق دعا کردم ترا چنانچه فرمودی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده کردی مرا بارخدایا صبح کردم

لَكَ عَبْدًا لَا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا أَكْرَهُ وَلَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُو وَأَصْبَحْتُ

حالیکه برای تو بنده ام توانائی ندارم دفع چیزیرا که ناخوش دارم ومالک نیستم چیزیرا که امید دارم وصبح کردم

مُرْتَهَنًا بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي

گروکرده شده بکردار خود پس نیست محتاجی حاجتمندتر از من بسوی تو ای پروردگار عالمیان سوال میکنم از تو اینکه بکار داری مرا

عَمَلَ مَنِ اسْتَيْقَنَ حُضُورَ أَجَلِهِ لَا بَلْ عَمَلَ مَنْ قَدْ مَاتَ وَرَأَى عَمَلَهُ

مثل کار کسیکه یقین دارد حاضر شدن اجل خود را نه بلکه مثل کار کسیکه بتحقیق مرد پس دید کار خود را

وَنَظَرَ إِلَى ثَوَابِ عَمَلِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ هٰذَا مَكَانُ الْعَائِذِ

ونظر کرد بسوی ثواب عمل خود بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی بارخدایا این جای کسی است که پناه برنده است

بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَهٰذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِعَفْوِكَ مِنْ غَضَبِكَ

برحمت تو از عذاب تو واین مکان کسی است که پناه برنده است به بخشش تو از غضب تو

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ دَعَاكَ فَأَجَبْتَهُ وَسَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَأَمَّلَكَ فَهَدَيْتَهُ

بارخدایا بگردان مرا از آنانکه خواندند ترا پس اجابت کردی آنهارا وسوال کردند ترا پس بخشیدی آنها را

وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَدْنَيْتَهُ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ فَأَغْنَيْتَهُ

وتوکل کردند بر تو پس کفایت کردی آنها را ونزدیکی خواستند بسوی تو پس نزدیک کردی آنهارا ومحتاج شدند بسوی تو پس غنی کردی آنهارا

واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وارضيته وهديته الى

وطلب آمرزش کردند تو پس آمرزیدی آنها را و راضی شدی از آنها و راضی کردی آنها را و راه نمودی

مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابداً ما احييته

خوشنودی خود و بکار داشتی آنها را بطاعت خود و از برای همین فارغ کردی آنها را همیشه تا ...

فتب علي يا رب واعطني سؤلي ولا تحرمني شيئاً مما سألتك واكفني

پس قبول توبه من بکن ای پروردگار من بده مرا سؤل مرا و نا امید مکن مرا از چیزی که سؤال کردم از تو ...

شر ما يعمل الظالمون في الارض واستغفر الله الذي لا اله الا

شر آنچه میکنند ظالمان در زمین و طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست معبودی بحق

هو الذي لا يغفر الذنوب الا هو اللهم صل على محمد وعلى آل

او آن کسیکه نمی آمرزد گناهان را کسی بجز او بار خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

محمد واعني على الدنيا وارزقني خيرها وكره الي الكفر والفسوق

محمد و یاری کن مرا بر کار دنیا و روزی کن مرا خیر آن را و ناخوش گردان بسوی من کفر و فسوق

والعصيان واجعلني من الراشدين اللهم قوني لعبادتك

و گناه را و بگردان مرا از راه یافتگان بار خدایا قوت بده مرا برای عبادت خود

واستعملني في طاعتك وبلغني الذي ارجو من رحمتك يا

و بکار دار مرا در طاعت خود و برسان مرا آنچه امید آن دارم از رحمت تو ای

ارحم الراحمين اللهم اني اسألك الري يوم الظماء والنجاة يوم

مهربان ترین مهربانان بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو سیرابی را در روز تشنگی و رستگاری را در روز

الفزع الاكبر والفوز يوم الحساب والامن يوم الخوف واسألك

ترس بزرگتر و فیروزی یافتن در روز حساب و امن بودن در روز ترس سؤال میکنم از تو

النظر الى وجهك الكريم والخلود في جنتك في دار المقامة من

نظر را بسوی روی تو که بزرگوار است و همیشه بودن در بهشت تو در جای اقامت از

فضلك والسجود يوم يكشف عن ساق والظل يوم لا ظل الا ظلك

فضل تو وسجده کردن را روزیکه برهنه کرده میشود از ساق وسایه را روزیکه سایه نیست بجز سایه تو

ومرافقة انبيائك ورسلك واوليائك اللهم اغفر لي ما قدمت

و همراهی پیغمبران تو و فرستادگان تو و دوستان تو بار خدایا بیامرز مرا آنچه پیش کردم

من ذنوبي وما اخرت وما اسررت وما اعلنت وما اسرفت

از گناهان خود و آنچه آخر کردم و آنچه نهان داشتم و آنچه آشکار کردم و آنچه اسراف کردم

على نفسي وما انت اعلم به مني وارزقني التقى والهدى والعفاف

بر نفس خود و آنچه تو داناتری بآن از من و روزی کن مرا پرهیزکاری و راه یافتن و نگاهداشتن خود را

والغنى ووفقني للعمل بما تحب وترضى اللهم اصلح لي ديني الذي

و توانگری و توفیق ده مرا برای عمل کردن بچیزیکه دوست میداری و خوشنود میشوی بار خدایا اصلاح کن از برای من دین مرا آنچنان

هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معاشي واصلح

آن حفظ امر من است و نیکو کن برای من دنیا مرا که در آن معاش من است و نیکو کن

لي آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي في

برای من آخرت مرا آنچنان آخرتی که بسوی آن بازگشت من است و بگردان زندگانی را زیاده برای من در

كل خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء اللهم اني

هر خیر و بگردان موت را آسایش برای من از هر بدی بار خدایا بدرستیکه

اسالك يا رب الارباب ويا سيد السادات ويا مالك الملوك

سوال میکنم از تو ای پروردگار پروردگاران و ای سرور سروران و ای مالک پادشاهان

ان ترحمني وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح من صلح من عبادك

اینکه رحم کنی بر من و مستجاب کنی برای من و نیکو کنی مرا پس بدرستیکه شان این است که نیکو نمیکند کسی را که نیکو است از بندگان تو

الا انت فانك انت ثقتي ورجائي ومولاي وملجاي

بجز تو پس بدرستیکه تو پروردگار منی و معتمد منی و امید منی و یاور منی و پناه منی

وَلَا رَاحِمَ لِي غَيْرُكَ وَلَا مُغِيثَ لِي سِوَاكَ وَلَا مَالِكَ سِوَاكَ وَلَا مُجِيبَ

و نیست مهربانی مرا غیر از تو و نه فریادرسی مرا غیر از تو و نه مالکی سوای تو و نه اجابت کننده

إِلَّا أَنْتَ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْخَاطِئُ الَّذِي

غیر از تو من بندهٔ تو و پسر غلام تو و پسر کنیز تو خطاکاری که

وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِحَالِي وَحَاجَتِي وَكَثْرَةِ ذُنُوبِي

فراخ است برای او بخشش تو و تو بی دانا بحال من و احتیاج من و بسیاری گناهان من

وَالْمُطَّلِعُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا فَأَسْأَلُكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي

و آگاه بر کارهای من همه آن پس سؤال میکنم از تو ای آنکه نیست معبودی بجز تو اینکه بیامرزی برای من

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِي وَمَا تَأَخَّرَ اللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ

آنچه پیش گذشته از گناه من و آنچه متأخر است بار خدایا مگذار برای من گناهی مگر آنکه بیامرزی آن را

وَلَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضاً إِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا عَيْباً

و نه اندوهی مگر آنکه بگشائی آن را و نه حاجتی که آن باعث خشنودی است مگر آنکه روا کردانی آن را و نه عیبی

إِلَّا أَصْلَحْتَهُ اللّٰهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

مگر آنکه اصلاح کنی آن را بار خدایا بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ اللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدُّهُورِ

و نگاهدار مرا از عذاب آتش بار خدایا یاری کن مرا بر ترسندهای دنیا و فتنهٔ روزگاران

وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ اللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِي مِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ

و مصیبتهای شبها و روزها بار خدایا و در پناه دار مرا از شر آنچه میکنند

الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي

ستمکاران در زمین پس بدرستیکه نیست قوت و نه توانائی مگر بتو بار خدایا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ إِيمَاناً ثَابِتاً وَعَمَلاً مُتَقَبَّلاً وَدُعَاءً مُسْتَجَاباً وَيَقِيناً صَادِقاً

سؤال میکنم از تو ایمان پایدار و کردار پذیرفته و دعای مستجاب و یقین صادق را

وقولاً طيباً وقلباً شاكراً وبدناً صابراً ولساناً ذاكراً اللهم انزع
وسخن پاک را و دل شکرگذار را و تن شکیبا را و زبان ذکرکننده را بار خدایا برکن
حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهواتها من قلبي اللهم انك
دوستی دنیا و گناهان آن را و یاد آن را و خواهش آن را از دل من بار خدایا بدرستیکه تو
بكرمك تشكر اليسير من عملي فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن
بکرم خود راضی میشوی باندکی از عمل من پس عفو کن مر بسیاری از گناهان من و باش
لي ولياً ونصيراً ومنيعاً وحافظاً اللهم هب لي قلباً اشد رهبة
برای من دوست و یاری دهنده و بازدارنده و حفظ کننده بار خدایا ببخش مرا دلی که باشد سخت ترسنده
لك من قلبي ولساناً ادوم لك ذكراً من لساني وجسماً اقوى
مر ترا از دل من و زبانی که مداومت کننده باشد مر ترا در ذکر از زبان من و تنی که توانا باشد
على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من زوال
بر طاعت تو و پرستش تو از تن من بار خدایا بدرستیکه من پناه میبرم از زائل شدن
نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن تحول عافيتك ومن حلول
نعمت تو و از ناگاه در رسیدن غضب تو و از گردیدن عافیت تو و از در آمدن
غضبك واعوذ بك من جهد البلاء ومن درك الشقاء ومن
خشم تو و پناه می برم بتو از کوشش بلا و از دریافت شقاوت و از
شماتة الاعداء وسوء القضاء في الدنيا والاخرة اللهم اني
سرزنش دشمنان و بدی قضا در دنیا و آخرت بار خدایا بدرستیکه من
اسألك باسمك الكريم وعرشك العظيم وملكك القديم يا واهب
سوال میکنم از تو بنام تو که صاحب کرم است و عرش تو که بزرگست و پادشاهی تو که دیرینه است ای بخشنده
العطايا ويا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب ويا كاشف العذاب
عطاها و ای رها کننده اسیران و ای بسیار جدا کننده گردنها و ای برطرف کننده عذاب

اَسْأَلُكَ اَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا غَانِمًا وَاَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ

سوال میکنم از تو انکه بیرون بری مرا از دنیا بسلامت با غنیمت و انکه در آوری مرا در بهشت

بِرَحْمَتِكَ اٰمِنًا وَاَنْ تَجْعَلَ اَوَّلَ شَهْرِي هٰذَا صَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ

برحمت خود با امن و انکه بگردانی اول ماه مرا که این ماه است صلاحی و میان آنرا

فَلَاحًا وَاٰخِرَهُ نَجَاحًا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

فیروزی و آخر آنرا رستگاری بدرستیکه توئی بسیار داننده غیبها

مولف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت صلعم زنده بودند پس بر مشهور وفات حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت درین ایام مناسب است خصوصا در روز چهاردهم که ظاهر است شیخ مفید علیه الرحمه گفته که در شب پانزدهم حضرت امام زین العابدین علیه السلام متولد شده است و روز شریفی است و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز درین روز میسر شد مولف گوید که زیارت آن امام علیه السلام درین روز مناسب است و اگر زیارت جامعه در ششم امام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بهتر است

فصل سوم در اعمال ماه جمادی الثانیه [illegible] ابن طاوس رضی الله عنه روایت کرده که درین ماه هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند یعنی و سلام در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سوم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد و پنج مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ هفتاد مرتبه

تنزیه میکنم خدا را و سپاس مر خدا راست و نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است

اللّهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ اغفر للمؤمنين والمؤمنات

خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد بار خدایا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را

پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید

يا حيّ يا قيّوم يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين

ای زنده ای پاینده ای صاحب بزرگی و گرامی کردن ای خدا ای مهربان ای بخشاینده ای مهربان ترین مهربانان

پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدا خویش را و مالش را و فرزندانش را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در آن سال بمیرد بشهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ولادت با سعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شده و شهادت آنحضرت در سوم این ماه نیز واقع شده و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند اگرچه وفات منافی روایتی است که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز سوم مراسم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بر ستمکاران آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم ولادت آنحضرت زیارت کنند چنانچه شیخ مفید گفته است و اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید ابن طاوس روایت کرده است که هر که آنحضرت را زیارت بکند باین زیارت که بگوید

السّلام عليك يا سيّدة نساء العالمين السّلام عليك يا والدة الحجج على النّاس اجمعين السّلام عليك ايّتها المظلومة الممنوعة حقّها

سلام بر تو باد ای بهترین زنان عالمیان سلام بر تو باد ای مادر حجتها بر مردم همه سلام بر تو باد ای ستم رسیده منع کرده شده از حق خود

پس بگوید اللّهمّ صلّ على امتك وابنة نبيّك وزوجة وصيّ نبيّك

بار خدایا درود بفرست بر کنیز خود و دختر پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود

صلوة تزلفها فوق زلفی عبادك المكرمین من اهل السموات واهل الارضین

درودی که منزلت دهد او را بالاتر از منزلت بندهای تو که گرامی کرده شده اند از اهل آسمانها و اهل زمینها

پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی خدا گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند و این زیارت مختصر

و همه وقت میتوان کرد و اما زیارت مبسوطیست که علما ذکر کرده اند در کتب زیارات سند بنظر نرسیده و آن زیارت اینست

السلام علیك یا بنت رسول الله السلام علیك یا بنت نبی الله

سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا

السلام علیك یا بنت حبیب الله السلام علیك یا بنت خلیل الله

سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا

السلام علیك یا بنت صفی الله السلام علیك یا بنت امین الله

سلام بر تو باد ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دختر امانت دار خدا

السلام علیك یا بنت خیر خلق الله السلام علیك یا بنت افضل

سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو باد ای دختر بهتر

انبیاء الله السلام علیك یا بنت خیر البریة السلام علیك یا سیدة

پیغمبران خدا سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق سلام بر تو باد ای سرور

نساء العالمین من الاولین والاخرین السلام علیك یا زوجة ولی الله

زنان عالمیان از پیشینیان و پسینیان سلام بر تو باد ای زن ولی خدا

و خیر خلقه بعد رسول الله السلام علیك یا ام الحسن والحسین

و بهترین خلق او بعد از رسول خدا سلام بر تو باد ای مادر حسن ع و حسین ع

سیدی شباب اهل الجنة السلام علیك یا ام المؤمنین

دو سرور جوانان بهشت سلام بر تو باد ای مادر مومنان

السلام علیك ایتها الصدیقة الشهیدة السلام علیك ایتها

سلام بر تو باد ای صدیقه شهیده سلام بر تو باد ای

الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الرَّشِيدَةُ السَّلامُ

پسندیده خدا و کسیکه خدا از او راضیست سلام بر تو باد ای راستگو راه یاب سلام

عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ

بر تو باد ای صاحب عقل پاک سلام بر تو باد ای حور آدمیان

السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ

سلام بر تو باد ای پاک پاکیزه سلام بر تو باد ای محدثه

الْعَلِيمَةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ السَّلامُ عَلَيْكِ

دانا سلام بر تو باد ای صاحب عصمت ستم رسیده سلام بر تو باد

اَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ

ای پاک پاک کرده شده سلام بر تو باد ای قهر کرده شده غصب کرده شده

السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْغَرَّاءُ الزَّهْرَاءُ السَّلامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ

سلام بر تو باد ای نورانی تابنده روی سلام بر تو باد ای فاطمه دختر محمد

رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ يَا مَوْلاتِي وَابْنَةَ

پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او درود فرستد خدا بر تو ای مالکه من و دختر

مَوْلايَ وَعَلَى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ وَاَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى بَيِّنَةٍ

آقای من و بر روح تو و بدن تو و گواهی میدهم باینکه گذشتی از دنیا بر برهان

مِنْ رَبِّكِ وَاَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ اللهَ وَمَنْ جَفَاكِ فَقَدْ جَفَا

از جانب پروردگار خود و باینکه هرکه ترا شاد کرد پس تحقیق شاد کرد خدا را و هرکه جفا کرد بر تو پس تحقیق جفا کرد

رَسُولَ اللهِ وَمَنْ آذَاكِ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللهِ وَمَنْ وَصَلَكِ

پیغمبر خدا و هرکه ایذا بتو رساند پس تحقیق ایذا کرد پیغمبر خدا را و هرکه پیوست بتو

فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ لِاَنَّكِ

پس تحقیق پیوست به پیغمبر خدا و هرکه ببرید از تو پس تحقیق برید از پیغمبر خدا از جهت آنکه تو

بضعة منه وروحه التي بين جنبيه كما قال عليه افضل الصلوة

پاره از رسول خدا و روح او آن روحی که میان دو پهلوی اوست چنانچه گفت آنحضرت

واكمل السلام اشهد الله وملائكته انى ولى لمن والاك وعدو

و کامل تر سلام که گواه میگیرم خدا و فرشتگان او را اینکه من دوستم مرکسی که دوست دارد ترا و دشمنم

لمن عاداك وحرب لمن حاربك انا يا مولاتى بك وبابيك وبعلك

مرکسی را که دشمنی کند با تو و جنگم با کسی که محاربه کند با تو من ای مالکه من بتو و بپدر تو و بشوهر تو

والائمة من ولدك موقن بولايتهم مؤمن ولطاعتهم ملتزم اشهد

و با امامان از فرزندان تو یقین دارنده ام بولایت ایشان ایمان دارنده ام و بطاعت ایشان لازم گیرنده ام گواهی

ان الدين دينهم والحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز

میدهم باینکه دین دین ایشانست و فرمان فرمان ایشانست و ایشان بتحقیق تبلیغ کردند از جانب خدای عز

وجل ودعوا الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا تأخذهم

و بزرگ و خواندند بسوی راه خدا بحکمت و پند نیک نمیگیرد ایشان را

فى الله لومة لائم وصلوات الله عليك وعلى ابيك وبعلك

در راه خدا سرزنش سرزنش کننده و رحمتهای خدا بر تو باد و بر پدر تو و شوهر تو

وذريتك الائمة الطاهرين اللهم صل على محمد واهل بيته وصل

و فرزندان تو که امامان پاک اند بار خدایا درود بفرست بر محمد و اهل بیت او و درود بفرست

على البتول الطاهرة الصديقة المعصومة التقية النقية الرضية

بر بتول پاک بسیار صدق نگاه داشته شده از خطا پرهیزکار پاکیزه خوشنود

الرشيدة المظلومة المقهورة المغصوبة حقها الممنوعة ارثها

راه یافته ستم رسیده قهر کرده شده حق گرفته شده او باز داشته شده میراث

المكسورة ضلعها المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك

شکسته پهلوی او ستم رسیده شوهر او کشته شده فرزند او فاطمه دختر پیغمبر تو

وَبَضعَةِ لَحمِهِ وَصَمیمِ قَلبِهِ وَفِلذَةِ کَبِدِهِ وَالنُّخبَةِ مِنکَ لَهُ وَالتُّحفَةِ
و پارهٔ گوشت او و خالص دل او و پارهٔ جگر او و برگزیده از جانب تو برای او و تحفه

خَصَصتَ بِها وَصِیَّهُ وَحَبیبَةِ المُصطَفیٰ وَقَرینَةِ المُرتَضیٰ وَسَیِّدَةِ
که خاص گردانیدی بآن وصی او را و دوست او را که برگزیده است و قرین او را که پسندیده است و بزرگ

النِّساءِ وَمُبَشِّرَةِ الأولِیاءِ وَحَلیفَةِ الوَرَعِ وَالزُّهدِ وَتُفّاحَةِ
زنان و بشارت دهندهٔ دوستان و هم عهد پارسائی و زاهدی و سیب

الفِردَوسِ وَالخُلدِ الَّتی شَرَّفتَ مَولِدَها بِنِساءِ الجَنَّةِ وَسَلَلتَ
بهشت و جنت آنکه شرف دادی مولد او را بزنان بهشت و برآوردی

مِنها أنوارَ الأئِمَّةِ وَأرخَیتَ دونَها حِجابَ النُّبُوَّةِ اللّهُمَّ صَلِّ
از او نورهای امامان را و افکندی نزد او پردهٔ نبوت را بار خدایا درود بفرست

عَلَیها صَلاةً تَزیدُ فی مَحَلِّها عِندَکَ وَشَرَفِها لَدَیکَ وَمَنزِلَتِها
بر او درودیکه بیفزاید در منزلت او نزد تو و بزرگی او پیش تو و قدر او

مِن رِضاکَ وَبَلِّغها مِنّا تَحِیَّةً وَسَلاماً وَآتِنا مِن لَدُنکَ فی حُبِّها
از رضای تو و برسان او را از جانب ما تحیت و سلام و بده ما را از نزد خود در دوستی او

فَضلاً وَإحساناً وَرَحمَةً وَغُفراناً إنَّکَ ذُو العَفوِ الکَریمِ
زیادتی و عطا و نیکی و بخشایش و آمرزش بدرستیکه تو صاحب بخشش بزرگی

وسید ابن طاوس علیه الرحمه گفته است که پس نماز زیارت بکن اگر توانی نماز آنحضرت را بجا آور و
آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان اگر نتوانی
دو رکعت بکن در رکعت اول بعد از فاتحه یک مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم
یک مرتبه قل یا ایها الکافرون بخوان بعد از نماز تسبیح آنحضرت را بگو و این دعا بخوان

اللّهُمَّ إنّی أتَوَجَّهُ إلَیکَ بِنَبِیِّنا مُحَمَّدٍ وَبِأهلِ بَیتِهِ صَلَواتُکَ عَلَیهِم
بار خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو بوسیلهٔ پیغمبر ما محمد و بوسیلهٔ اهل بیت او درود های خدا بر ایشان باد

وَاَسْاَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَايَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاَسْاَلُكَ

وسوال میکنم از تو بحق بزرگ تو که بر ایشان دارای آنچنان حقی که نمیداند کنه آنرا سوای تو و سوال میکنم از تو

بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي اَمَرْتَنِي اَنْ

بحق کسیکه حق او نزد تو بزرگ است و بنامهای تو که نیکوترند آن نامها که فرمودی مرا آنکه

اَدْعُوَكَ بِهَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِي اَمَرْتَ بِهِ اِبْرَاهِيمَ

بخوانم ترا بآن نامها و سوال میکنم ترا بنام بزرگ تو که امر کردی بآن نام ابراهیم

اَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ

که هر آینه بخواند بآن نام مرغان را پس اجابت کردند مرغان و بآن نام بزرگ تو آنکه گفتی آتش را آن نام

كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْدًا وَبِاَحَبِّ الْاَسْمَاءِ اِلَيْكَ

که بشو سرد و سلامت بر ابراهیم پس سرد شد آتش و سوال میکنم بدوست ترین نامها بسوی تو

وَاَشْرَفِهَا وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ وَاَسْرَعِهَا اِجَابَةً وَاَنْجَحِهَا طَلِبَةً وَبِمَا اَنْتَ

و بزرگترین آنها بعلیم تو آنها نزد تو و شتابان ترین آنها از روی پذیرفتن و پیروز رسنده ترین آنها در طلب و بآنچه تو

اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ

سزاوار آنی و مستحق آنی و لایق آنی و وسیله میکنم بسوی تو و رغبت میکنم بسوی تو

وَاَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْاَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي اَنْزَلْتَهَا عَلَى اَنْبِيَائِكَ

و زاری می نمایم و الحاح میکنم بر تو و سوال میکنم از تو بکتابهای تو آن کتابها که فرو فرستادی بر پیغمبران

وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ

و فرستادگان تو درود تو بر ایشان باد از توریت و انجیل و زبور و فرقان

الْعَظِيمِ فَاِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْاَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ اَسْمَائِكَ الْعُظْمٰى اَنْ تُصَلِّيَ

بزرگ پس بدرستیکه در این کتب نام تو که اعظم است و بآنچه که در این کتب از نامها بس بزرگ آنکه درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي

بر محمد و آل محمد و آنکه بگشائی از آل محمد و شیعیان و یاران ایشان و دوستان ایشان

وَتَفْتَحَ اَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِی وَتَرْفَعَهُ فِی عِلِّیِّینَ وَتَاْذَنَ فِی هٰذَا الْیَوْمِ

وبگشائی درهای آسمان بجهت دعای من و بلند کنی آن دعا را در علیین اذن دهی درین روز

وَفِی هٰذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِی وَاِعْطَائِی اَمَلِی وَسُؤْلِی فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ

و درین ساعت بگشایش من و بخشیدن من امید مرا و سوال مرا در دنیا و آخرت

یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ اَحَدٌ کَیْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ اِلَّا هُوَ یَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ

ای کسیکه نمیداند احدی چگونه است او و قدرت او را مگر او ای کسیکه لبست هوا را

بِالسَّمَاءِ وَکَبَسَ الْاَرْضَ عَلَی الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْمَاءِ یَا

بآسمان و انباشت زمین را بر آب و اختیار کرد برای ذات خود نیکوترین نامها را ای

مَنْ سَمَّی نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ الَّذِی یُقْضٰی بِهِ حَاجَةُ مَنْ یَدْعُوهُ اَسْاَلُکَ بِحَقِّ

کسیکه نامید ذات خود را بنامیکه روا میشود بآن نام حاجت کسیکه میخواند او را سوال میکنم از تو بحق

ذٰلِکَ الْاِسْمِ فَلَا شَفِیعَ اَقْوٰی لِی مِنْهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

آن نام پس نیست شفاعت کننده قوی تر برای من از آن نام آنکه درود فرستی بر محمد و آل محمد

تَقْضِیَ لِی حَوَائِجِی وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ

آنکه روا کردانی برای من حاجتهای مرا و بشنوانی با محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی

بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ

پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر

مُوسٰی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ لِاِذْنِکَ

موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت بسیار انتظار کشیده شده مر اذن

صَلَوَاتُکَ وَسَلَامُکَ وَرَحْمَتُکَ وَبَرَکَاتُکَ عَلَیْهِمْ صَوْتِی لِیَشْفَعُوا

درودهای تو و سلام تو و رحمت تو و برکتهای تو بر ایشان باد آواز مرا تا شفاعت کنند

لِی اِلَیْکَ وَتُشَفِّعَهُمْ فِیَّ وَلَا تَرُدَّنِی خَائِبًا بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

برای من بسوی تو و شفیع گردانی ایشان را در حق من و بر مگردانی مرا نا امید بحق نیست معبودی بجز تو

پس حاجتهای خود را طلب کن که برآورده است باب سیم در اعمال هر ماه است بدانکه در رؤیت ماه نو خواه در شب اول و خواه دوم و خواه سوم مستحب است که دعاهای منقول را بخوانند و بهترین آنها دعای صحیفهٔ کامله است که دعای چهل و سوم است و هفت مرتبه سورهٔ حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن گفته اند مستحب است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو لقمه است پنیر دهان را شیرین و خوشبو میکرداند و اشتهای طعام می آورد و باعث هضم طعام میشود و هرکه در اول ماه بخورد حاجات او روا میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه سورهٔ انعام بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند نه بیند در آن ماه امری که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که چون ماه تازه در آید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلنا و بعد از نماز تصدق بکن و چون چنین کنی سلامتی آن ماه را از حق تعالی خریده و در روایت دیگر وارد است که مستحب است که بعد از این دو رکعت این دعا بخوانند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او و میداند قرارگاه او را و

مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ

جای امانت او را همه در لوح محفوظ است بنام خدای بخشاینده مهربان و اگر مساس کند ترا خدا

بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ

برنجی و سختی پس نیست برطرف کننده آنرا غیر او و اگر اراده کند ترا بخیر پس نیست رد کننده مر نیکی او را میرساند

بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

آنرا بهر که خواهد از بندهای خود و اوست آمرزنده مهربان بنام خدای بخشاینده مهربان

سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ

زود میگرداند خدا بعد از دشواری آسانی آنچه خواهد خدا نیست توانائی مگر بخدا کافی ست ما را خدا و

نِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ لَا إِلٰهَ إِلَّا

نیکو کسی ست که کار را و گذارند و میسپارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست به بندگان نیست معبودی بحق

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ

تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من هستم از ستمکاران ای خدا بدرستیکه من برای هر چیزی که فرستادی بسوی من از

خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

خیر محتاجم ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

و بدانکه از جملهٔ سنتهای مؤکده که حضرت رسول صلعم بران مواظبت می نمود تا از دنیا رفت روزه سه روز هر ماه ست و آن موافق مشهور پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبهٔ اول از دهه میان ماه ست و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده ست یعنی چهارشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ آخر و پنجشنبهٔ اول از دهه میان اول مشهور بهترست و سخن آنحضرت تا الی احبابست در فضیلت و تاکید آنحضرت نماز سنت را و در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرموده هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت وتر بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده می شود برابر یک رکعت ست و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش نماز صبح و اینها تتمه فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل آنند و باید که اگر ترک کند سنت ست که قضا کند و از برای ترک آن کفاره یک مد از گندم یا جو برای نافله هر یک برای نافله شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت و برابر روزه واجب ست که تمام ماه شعبان سنت و در روزه ماه و یکدیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت که قضا کند و اگر در زمستان شود اگر باشد سنت ست که در زمستان قضا کند و اگر دشوار باشد بدل هر روز یکدرم بدهد که بحساب زر ده دانگی سه سیری و سه ماهی باشد و بحساب زرهای ناقص این زمان اخو شاهی چهار غازبگی ست یا یک مد گندم که بحساب وسط صد درم قدیم اصفهان باشد

احوط است و درسم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
حضرت رسول صلعم در ابتدای روزه سنت آنقدر گرفت که مردم گمان کردند که هرگز افطار
نخواهد کرد و بعد از آن افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزهٔ سنت نخواهد گرفت پس مثل روزهٔ حضرت
داود علی نبینا و علیه السلام را گرفت که یکروز روزه میداشت و یک روز افطار میفرمود پس در
آخر عمر اکتفا نمود بروزه سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت تا اینکه بر امت آسان باشد متابعت
آنحضرت و فرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزهٔ تمام سال و وساوس شیطان را
از سینه بر طرف میکند راوی پرسید که کدام روزه هاست فرمود که پنجشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ اول
دههٔ دوم و پنجشنبهٔ آخر پرسید که چرا این روزه ها را روزه میدارند فرمود برای آنکه عذاب امتهای
سابق در این روزها نازل می شده است پس امر کرده است در این روزها روزه بدارند برای
رفع عذاب و در روایت دیگر فرمود که پنجشنبه از برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در این روز
بر خدا عرض میکنند و چهارشنبه میان از برای این روزه میدارند که آتش جهنم در روز چهارشنبه
خلق شده است و روزه سپر آتش جهنم است و در روایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شد
است در چهارشنبه میان ماهها نازل شده است اگر در دههٔ اول دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبهٔ اول را
گرفتن بهتر است و اگر میسر نشود پنجشنبهٔ دوم را بگیرند و اگر در دههٔ آخر دو پنجشنبه بوده باشد موافق
مشهور پنجشنبهٔ دوم افضل است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد
شده است که پنجشنبهٔ اول افضل است و بعضی حمل کرده اند به تخییر و محتمل است که پنجشنبهٔ دوم اول ماه
دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه در هر ماه این سه روز را
روزه بگیرد باید که با کسی مجادله نکند و سفاهت و نادانی و تعجیل در چیزی ننماید و سوگند
خوردن بجا و اگر کسی با او سفاهت و تعجیل کند درگذرد و معارضه نکند و اگر در این ایام
روزه باشد و بخانهٔ برادر مؤمن او رود و او تکلیف کند افطار کردن بهتر است از آنکه
بنهفتاد برابر ثواب برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست در حدیث
صحیح دیگر فرموده که هرگاه داخل شوی بر برادر خود و روزه باشی و افطار کنی ...

که برا دوست گذارد حق تعالی ثواب روزه یک سال برای او بنویسد اگر این سه روز را در اول یا میان
ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه سال در
مییابد چه حق تعالی فرموده است که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هرکه حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای
او هست ده برابر آن و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی
باشد که اول مذکور شد و از جمله روزه های سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق عامه و خاصه منقول است در بعضی
از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم علیه السلام مرتکب آن ترک اولی شد و از بهشت
و او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود تا بعد از قبول توبه سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون
ملائکه این حالت را در او دیدند خروش برآوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی
ندا کرد که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن سیاهی
برطرف شد پس روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت ثلث
دیگر برطرف شد پس روز پانزدهم باز باو ندا رسید از آسمان چون روزه داشت تمام سیاهی
برطرف شد پس باو ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هرکه در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه داشته
باشد و ابن بابویه گفته است که روزه دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل از ایام البیض مقرر شده است
و منافات ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما
اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت که بگو بعلی علیه السلام که روزه بدارد از هر ماه
برای تو نوشته میشود بروزه روز اول ده هزار سال و بروزه دوم سی هزار سال و بروزه
روز سوم صد هزار سال حضرت امیر علیه السلام گفت یا رسول الله این ثواب مخصوص من است
یا برای همه کس است حضرت فرمود که هرکه از شیعیان تو این روزه ها را بدارد
برای او خواهد بود گفت کدام روزها است از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم

روزهای مرغوب در روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسیکه حج یا عمره یا جهاد اشته باشد چنانچه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده‌ام و مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه اراده عمل خیری داشته باشد مثل تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعفست و ابن جنید گفته که مستحب نیست در روز جمعه تنها روزه گرفتن مگر ملحق سازد بآن یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است و گفته است استحباب روزه روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است و روزه روز شنبه نهی از آن وارد شده است مصنف گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف مشهور میان علماست و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که ترغیب در روزه روز جمعه وارد شده است و بهتر آنست که آنرا تنها روزه ندارد مگر آنکه یک روز پیش روزه بدارد و گمان حقیر آنست که نهی از تنها گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از ابوهریره علیه اللعنه نقل کرده‌اند و بعضی از علما نهی از روزه روز جمعه را حمل بر کراهیت آن در صورتیست که آن ضعیف کرداند از فرائض و نوافل و دعاها در روز جمعه و این حمل بد نیست و اما روزه روز دوشنبه احادیث در نهی از روزه آن واقع شده است و بهتر ترکست خصوصاً هرگاه بقصد برکت روزه روز دوشنبه باشد مگر آنکه بار روز متبرکی از روزهای ماه موافق شود مثل عید مبعث و مولد و امثال اینها و نهی از روزه روز شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنکه شیخ مفید روایت کرده است که هرکه در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حقتعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد

باب یازدهم

در بیان زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه سابق مذکور شد

بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب و مؤکد بعد از غسل باشد افضل است خصوصاً در شب و روز جمعه و سایر ایام و اوقات متبرکه چنانچه در کتاب تحفة الزائر

به تفصیل ذکر کرده‌ام و درین مقام بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامع و دعاها و صلوات وسلام بر ایشان اکتفا می‌نمایم اما زیارت حضرت رسالت پناه صلعم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خدا را ملکی چند هست که سیر میکنند در زمین و هر که از امت من بر من سلامی میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که شنوای صداهای همه بندگان خدا گردد و حق تعالی با و عطا کرد و این ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مومنان بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید علیک یعنی بر تو باد صلوات و سلامی پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بشما پس حضرت پیغمبر میفرماید علیه السلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز کنم با توانم و فرمود که همیشه میسر نمی‌شود که باین مکان شریف بیائی و فرمود که نزد قبر رسول صلعم میروی گفتم بلی فرمود که بدرستیکه سلامی که از نزدیک میکنی آنحضرت می‌شنود و اگر دور باشی سلامت بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هدیه کنید بر رسول خدا صلوات و سلام هر چند صلوات مومنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که صلوات بفرستید بر محمد صلعم در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات مومنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد که در نزدیک قبر نماز کنند و ثوابش را هدیه روح مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آن حضرت و زیارت آنحضرت در شهرها دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات

و سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید فرستاد فرمود که می‌گوئی

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُوْلَ اللهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر تو باد

يا محمد بن عبد الله السلام عليك يا خيرة الله السلام عليك يا حبيب الله

ای محمد بن عبد الله سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا

السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا امين الله اشهد انك

سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای امانت دار خدا گواهی میدهم بدرستیکه تو

رسول الله واشهد انك محمد بن عبد الله واشهد انك قد نصحت لامتك

پیغمبر خدائی و گواهی میدهم بدرستیکه محمد پسر عبد الله هستی و گواهی میدهم بدرستیکه بتحقیق نصیحت کردی امت خود را

وجاهدت في سبيل ربك وعبدته حتى اتاك اليقين فجزاك الله

و جهاد کردی در راه پروردگار خود و پرستیدی او را تا آمد ترا مرگ پس جزا دهد ترا خدا

يا رسول الله افضل ما جزى نبيا عن امته اللهم صل على محمد

ای پیغمبر خدا بهتر آنچه جزا داده پیغمبری را از امت او بار خدایا درود بفرست بر محمد

وآل محمد افضل ما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد

و آل محمد بهتر درودیکه فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگی

در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و قبر حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین او قبرهای حجتهای خدا صلوات الله علیهم اجمعین را در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرا پس چهار رکعت نماز بگذارد و با هر سوره که میسر شود پس بایستد رو بقبله و بگوید

السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته السلام عليك

سلام بر تو باد ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد

ايها النبي المرسل والوصي المرتضى والسيدة الزهراء والسبطان

ای پیغمبر فرستاده شده و وصی پسندیده و فاطمه زهرا و دو نبیره

المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء المنتجبون جئت انقطاعا

برگزیده و فرزندان نشانهای هدایت و امینان برگزیدگان آمدم در حالتیکه بریدم از دیگران

اِلَیْکُمْ وَاِلی آبائِکُمْ وَوُلْدِکُمْ اَلْخالِفِ عَلی بَرَکَةِ الْحَقِّ فَقَلْبی لَکُمْ مُسَلِّمٌ

بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان شما که باز مانده رشید برکت حق کس دل شما را اطاعت کرده است

وَنُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّةٌ حَتّی یَحْکُمَ اللهُ لِدینِهِ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لا مَعَ عَدُوِّکُمْ

و یاری من مر شما را مهیا کرده شده است تا حکم کند خدا برای دین خود پس با شمایم با شمایم نه با دشمن شما

اِنّی لَمِنَ الْقائِلینَ بِفَضْلِکُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِکُمْ لا اُنْکِرُ للهِ قُدْرَةً وَلا اَزْعَمُ

بدرستیکه من هر آینه از قرار کنندگان فضل شمایم اقرار کننده بباز گشت شمایم انکار نمی‌نمایم مر خدا را قدرتی و گمان نمی‌برم

اِلاّ ما شاءَ اللهُ سُبْحانَ اللهِ ذِی الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوتِ یُسَبِّحُ اللهَ بِاَسْمائِهِ جَمیعُ

مگر آنچه خواهد خدا تنزیه مر خدا را که خداوند پادشاهی عالم سفلی عالم علوی است تسبیح میکنند خدا را بنامهای او همه

خَلْقِهِ وَالسَّلامُ عَلی اَرْواحِکُمْ وَاَجْسادِکُمْ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

آفریدگان او و سلام بر روحهای شما و تنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

در روایت دیگر وارد شده است که این زیارت را بر بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه علیها السلام سابقاً مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بسند معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که ای سدیر آیا میکنی زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر روز گفتم فدای تو شوم میان من و میان آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالا برو بر بام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر آنحضرت می‌گردانی و می‌گوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ

سلام بر تو باد ای ابو عبد الله سلام بر تو باد ای پسر رسول خدا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

سلام بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسیار است که من در روزی زیاده از

بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که ناحیه‌اش بعید و خانه‌اش دور باشد از بالای بام برود و بر بام خود دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالای بام خانه خود رو و دو رکعت نماز بکن و متوجه شو بسوی من بدرستیکه هرکه مرا زیارت کند در حیات من چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه مرا زیارت کند بعد از من چنانست که مرا زیارت کرده باشد در حیات مولف گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه در زمانها حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر در سامره کند در وقت زیارت بهترست و بعضی از زیارات مخصوصه آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق علیه السلام بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلام را گفت از بسیاری شغل میسر نمی‌شود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالای بام خانه خود برو و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام میکنی ماهی یک مرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یک مرتبه گفت نه فرمود هر سال یک مرتبه گفت نه فرمود چه بسیار جفا کارید بسید و آقای خود گفت یا ابن رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی که تعلیم کنم ترا زیارتیکه مقبول باشد هرچند زیارت کنند و نباشد گفت چگونه زیارت کنم یا ابن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکترین جامه‌های خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود و یا برو بصحرائی و رو بجانب قبر کن و بگو

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَسَيِّدي وَابْنَ سَيِّدي السَّلامُ

سلام بر تو باد ای آقای من و پسر آقای من و سرور من و پسر سرور من سلام

السلام عليك يا شهيد ابن الشهيد يا قتيل ابن القتيل يا مولاي عليك

سلام بر تو باد ای شهید پسر شهید ای کشته شده پسر کشته شده ای آقای من بر تو باد

ورحمة الله وبركاته انا زائرك يا ابن رسول الله بقلبي ولساني وجوارحي

و رحمت خدا و برکتهای او من زیارت کننده توام ای پسر پیغمبر خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود

وان لم ازرك بنفسي والمشاهدة لقبتك فعليك السلام يا وارث

و اگر چه زیارت نکردم ترا بنفس خود و معاینه کردن قبه روضه ترا پس بر تو سلام ای وارث

آدم صفوة الله ووارث نوح نبي الله ووارث ابراهيم خليل الله

آدم برگزیده خدا و وارث نوح پیغمبر خدا و وارث ابراهیم دوست خدا

ووارث موسى كليم الله ووارث عيسى روح الله وكلمته ووارث

و وارث موسی هم سخن خدا و وارث عیسی روح خدا و سخن خدا و وارث

محمد حبيب الله ونبيه ورسوله ووارث علي امير المؤمنين ووصي

محمد دوست خدا و پیغمبر او و فرستاده او و وارث علی سردار مومنان و وصی

رسول الله وخليفته ووارث الحسن بن علي ووصي امير المؤمنين

پیغمبر خدا و جانشین او و وارث حسن پسر علی و وصی سرور مومنان

لعن الله قاتليك وجدد عليهم العذاب في هذه الساعة وفي كل

لعنت خدا کشندگان ترا و تازه نماید بر ایشان عذاب را در این ساعت و در هر

ساعة انا يا سيدي متقرب الى الله جل وعز والى جدك رسول الله و

ساعت من ای سرور من تقرب بجویم بسوی خدا که بزرگست و غالب و بسوی جد تو که پیغمبر خداست و

الى ابيك امير المؤمنين والى اخيك الحسن واليك يا مولاي عليك

بسوی پدر تو که امیر مومنانست و بسوی برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من بر تو باد

سلام الله ورحمته وبركاته بزيارتي لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي

سلام خدا و رحمت او و برکتهای او بزیارت خود مر ترا بدل و زبان خودم تمام اعضای خودم

فَکُن یا سَیِّدی شَفیعی لِقَبُولِ ذلِکَ مِنّی وَ اَنَا بِالبَراءَةِ مِن اَعدائِکَ

پس باش ای سرور من شفاعت کننده من بجهت قبول این زیارت از من و من بیزارم از دشمنان تو

وَ اللَّعنَةِ لَهُم وَ عَلَیهِم اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَ اِلَیکُم اَجمَعینَ فَعَلَیکَ

و لعنت کردن ایشان را و بر ایشان تقرب میجویم بسوی خدا و بسوی شما همه پس بر تو باد

صَلَواتُ اللهِ وَ رِضوانُهُ وَ رَحمَتُهُ

درودهای خدا و خوشنودی او و رحمت او

پس اند کی میکردی بجانب جیب خود و رو میکردانی بسوی قبر علی بن الحسین علیه السلام که اکنون زیارت پدر خود مدفونست و سلام میکنی بر او بمثل این سلام پس عامی کنی و می طلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میگذاری که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت بهتر هشت رکعت است پس میکنی بجانب قبر امام علیه السلام و میگوئی

اَنَا مُوَدِّعُکَ یا مَولایَ وَ ابنَ مَولایَ وَ سَیِّدی وَ ابنَ سَیِّدی

من وداع کننده توام ای آقای من و پسر آقای من سرور من و پسر سرور من

وَ مُوَدِّعُکَ یا سَیِّدی وَ ابنَ سَیِّدی یا عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ وَ مُوَدِّعُکُم

و وداع کننده توام ای سرور من و پسر سرور من ای علی پسر حسین و وداع کننده شمایم

یا سادَتی یا مَعشَرَ الشُّهَداءِ فَعَلَیکُم سَلامُ اللهِ وَ رَحمَتُهُ وَ بَرَکاتُهُ وَ رِضوانُهُ

ای سروران من ای جماعت شهیدان پس بر شما باد سلام خدا و رحمت او و برکتهای او و خوشنودی او

مولف گوید که چون عبارت این حدیث مشوش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد بهتر است که همین زیارت را با وداع چنانچه رو بقبر شریف میخوانند و بقبله نیز میکنند و بخوانند تا آنکه به همه احتمالات عمل کرده باشند و در زیارت علی بن الحسین بجای زیارت و در همه جا این زیارت بخوانند یا از زیارت قصد در اثبات امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده است بدانکه این حدیث دلالت میکند بر آنکه از هر که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید بکنند و احادیث بسیار دلالت کرده بر آنکه پیش باید کرد و دور نیست که مخیر باشند و اگر این زیارت را کنند

بهمین نحو که وارد شده است بکنند و ازین احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت بعید سنت است
و از بعضی مفهوم میشود که بی غسل نیز می توان کرد و از بعضی عمومات مستفاد میشود که بهر جائی
میتوان کرد چنانکه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا در صحرا واقع سازد احوط و اولیست و در حدیث
معتبر از حسین ابن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من بسیار است
امام حسین علیه السلام از زیارتش محروم ام چه چیز بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ
که سلامت بآنحضرت میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی علیه الرحمة ذکر کرده است که زیارت
میتوان کرد ائمه صلوات الله علیهم را از نزدیک و دور چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت
میکنند اما در جائیکه أَتَيْتُكَ زَائِراً باشد نگوید بلکه بگوید
قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زَائِراً إِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ وَجَّهْتُ إِلَيْكَ
قصد کردم ترا بدل خود در حالت زیارت از جهت که عاجز شدم از حاضر شدن قبر تو و متوجه ساختم بسوی تو
سَلَامِي لِعِلْمِي أَنَّهُ يَبْلُغُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ
سلام خود را از جهت علم من بآنکه آن بتو میرسد درود فرستد خدا بر تو پس شفاعت کن مرا نزد پروردگار خود که بزرگست عا
و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده اند از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام می رفتم پس چند گاه بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت را
نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام
در خدمت آنحضرت بودند چون من نزدیک ایشان رسیدم حضرت امام حسین علیه السلام
گفت یا رسول الله این مرد بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت رسول
متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت مثل حسین ع می توان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال
و پیری مرا مانع از ادراک این سعادت گردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو و بجانب
شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره بکن و بگو
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَأَخِيكَ
سلام بر تو باد و بر جد تو و پدر تو سلام بر تو باد و بر مادر تو و برادر تو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الاَئِمَّةِ مِنْ بَنیکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ

سلام بر تو باد و بر امامان از پسران تو سلام بر تو باد ای صاحب

الدَّمْعَةِ السّاکِبَةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمُصیبَةِ الرّاتِبَةِ لَقَدْ اَصْبَحَ

اشک ریزنده سلام بر تو باد ای صاحب مصیبت سخت هر آینه تحقیق گردید

کِتابُ اللهِ فیکَ مَهْجُوراً وَرَسُولُ اللهِ فیکَ مَوْتُوراً اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ

کتاب خدا درباره تو متروک و پیغمبر خدا در توجیح خون ناگرفته مانده سلام بر تو باد و رحمت خدا

وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی اَنْصارِ اللهِ وَخُلَفائِهِ اَلسَّلامُ عَلی اُمَناءِ اللهِ وَاَحِبّائِهِ

و برکتهای او سلام باد بر یاوران خدا و خلفای او و سلام باد بر امنای خدا و دوستان او

اَلسَّلامُ عَلی مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِکْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ کِتابِ اللهِ

سلام باد بر جاهای شناخت خدا و کانهای حکمت خدا و نگاه دارندگان راز خدا و بردارندگان کتاب خدا

وَاَوْصِیاءِ نَبِیِّ اللهِ وَذُرِّیَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

و وصیت کردهای پیغمبر خدا و اولاد پیغمبر خدا و فرستد خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او

پس حاجت که خواهی از خدا سوال کن پس کرچنین کنی زیارت تو از نزدیک و دور هر دو مقبول است

و اما زیارت سایر ائمه از نزدیک و دور بهترین آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران

بسند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی علیه السلام سوال نمود که ای فرزند رسول خدا

مرا تعلیم نما سخن بلیغ کاملی که آنرا بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه رسیدی بایست و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ

گواهی میدهم بانیکه نیست معبودی بجز خدا تنها نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بانیکه هر آینه محمد درود خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

بر او و آل او بنده او و فرستاده اوست

و باید که با غسل باشی پس چون داخل شوی قبر را ببینی بایست و سی مرتبه اَللهُ اَکْبَرُ بگو پس اندکی برو با آرامی و وقار و گامها را نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه اَللهُ اَکْبَرُ بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه اَللهُ اَکْبَرُ بگو که صد تکبیر تمام شود

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ

سلام باد بر شما ای اهل خانه نبوت و جایگاه رسالت و محل آمدن فرشتگان

وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَاُصُولَ الْكَرَمِ

و جای فرود آمدن وحی و مکان رحمت و خزانه داران علم و نهایت بردباری و اصلهای کرم

وَقادَةَ الْاُمَمِ وَاَوْلِياءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ الْاَخْيارِ وَساسَةَ

و پیشروان امتها و کارگزاران نعمتها و بنیادهای نیکوکاران و ستونهای نیکان و سیاست کنندگان

الْعِبادِ وَاَرْكانَ الْبِلادِ وَاَبْوابَ الْاِيمانِ وَاُمَناءَ الرَّحْمنِ وَسُلالَةَ

بندگان و رکنهای شهرها و درهای ایمان و معتمدان خداوند رحمن و فرزندهای

النَّبِيّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلينَ وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

پیغمبران و برگزیدگان فرستادگان و خویشان برگزیدگان پروردگار عالمیان و رحمت خدا و برکاتش

السَّلامُ عَلى اَئِمَّةِ الْهُدى وَمَصابيحِ الدُّجى وَاَعْلامِ التُّقى وَذَوِي النُّهى

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانهای پرهیزکاری و خداوند عقلها

وَاُولِي الْحِجى وَكَهْفِ الْوَرى وَوَرَثَةِ الْاَنْبِياءِ وَالْمَثَلِ الْاَعْلى وَالدَّعْوَةِ

و صاحبان خرد و پناه خلق و وارثان پیغمبران و مثل برتر و دعوت

الْحُسْنى وَحُجَجِ اللهِ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَالْاُولى وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

نیکو و حجتهای خدا بر اهل دنیا و اهل سرای آخرت و اولی و رحمت خدا و برکتهایش

السَّلامُ عَلى مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَساكِنِ بَرَكَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ

سلام بر مکانهای شناخت خدا و منزلهای برکت خدا و کانهای حکمت خدا

وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ وَاَوْصِياءِ نَبِيِّ اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ

و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیای پیغمبر خدا و ذریه رسول خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ

درود فرستد خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر دعوت کنندگان بسوی خدا

وَالْأَدِلَّاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللهِ وَالْمُسْتَوْفِرِينَ فِي أَمْرِ اللهِ وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ

و دلالت نماینده کان بر خشنودی خدا و طلب افزایش کننده کان در امر خدا و کاملان در دوستی

اللهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ

خدا و خالص گرداننده کان در یکانه پرستی خدا و آشکار کننده کان امر خدا و نهی او و بنده کان او

الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

که گرامی داشته شده اند آنانکه سبقت نمیگیرند بر خدا در سخن و ایشان بامر او عمل می نمایند و رحمت خدا و برکتهای او

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَ

سلام بر پیشوایان دعوت کننده کان و پیشروان راه نماینده کان و سروران سالاران و

الذَّادَةِ الْحُمَاةِ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ

دفع کننده کان مضرت و حمایت نماینده کان اهل ذکر و صاحبان امر و باقی مانده کان خدا و برگزیده کان خدا و گروه او

وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ

و ظرف علم او و حجت او و راه او و نور او و رحمت خدا و برکتهای او و گواهی میدهم که

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ

نیست معبود بحق مگر خدا حال آنکه تنها است نیست شریک او را همچنانکه گواهی داد خدا برای خود و گواهی دادند

وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

و صاحبان علم از خلق او نیست خدا مگر او که عزیز و حکیم است و گواهی میدهم باینکه حضرت محمد بنده

الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

برگزیده او و رسول پسندیده او است فرستاده او را براهنما و دین ثابت تا غالب گرداند او را بر دین

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ

همه و اگر چه ناخوش دارند مشرکان و گواهی میدهم که شما اید پیشوایان راه یافته کان

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ

نگاه داشته شده کان از خطا و تعظیم کرده شده کان مقربان پرهیزکاران راست گویان برگزیده کان

المطيعون لله القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بكرامته

اطاعت کنندگان خدا را بر پا دارندگان بامر او عمل نمایندگان باراده او رسندگان بنوازش او

اصطفاكم بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته

برگزید شما را برای علم خود و پسندید شما را از برای غیب خود و اختیار کرد شما را برای راز خود و انتخاب نمود شما را بقدرت خود

واعزكم بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وايدكم بروحه ورضيكم

و عزیز نمود شما را بهدایت خود و مخصوص کرد شما را بحجت خود و برگزید شما را برای نور خود و نصرت کرد شما را بروح خود و پسندید شما را

خلفاء في ارضه وحججا على بريته وانصارا لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه

جانشینان در زمین خود و حجتها برای آفریدگان خود و یاری کنندگان از برای دین خود و نگهبانان برای راز خود و خزینه داران برای علم خود

ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء على

و محل ودیعه حکمت خود و بیان کنندگان وحی و ستونهای برای یگانه پرستی خود و گواهان بر

خلقه واعلاما لعباده ومنارا في بلاده وادلاء على صراطه عصمكم الله

خلق خود و نشانهای برای بندگان خود و علامات نمایان در شهرهای خود و دلالت نمایندگان بر راه خود نگاه داشت شما را خدا

من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس واذهب عنكم الرجس و

از لغزش و ایمن گردانید شما را از فتنه ها و پاک گردانید شما را از آلایش و دور گردانید از شما پلیدی

طهركم تطهيرا فعظمتم جلاله واكبرتم شانه ومجدتم كرمه وادمتم

پاک گردانید شما را پاک کردنی پس تعظیم نمودید بزرگواری او را و بزرگ شمردید شان او را و بعظمت ذکر کردید کرم او را و دایم کردید

ذكره ووكدتم ميثاقه واحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية

یاد او را و استوار ساختید پیمان او را و محکم نمودید عقد فرمانبرداری او را و خالص بودید از برای او در پنهان و آشکار

ودعوتم الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته

و خواندید مردم را بسوی راه او بحکمت و موعظت نیکو و دادید جانهای خود را در راه خوشنودی او

وصبرتم على ما اصابكم في جنبه واقمتم الصلوة واتيتم الزكوة وامرتم

و شکیبائی کردید بانچه رسید شما را در جنب او و برپا داشتید نماز را و دادید زکوة را و امر نمودید

بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله حق جهاده حتى اعلنتم

بانچه پسندیده است ونهی فرمودید از انچه ناپسندیده است وجهاد کردید در راه خدا حق جهاد

دعوته وبينتم فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم شرائع احكامه وسننتم

دعوت او را وبیان نمودید واجبات او را وبرپا داشتید حدود او را وپهن کردید احکام شریعتهای او را وجاری کردید

سنته وصرتم في ذلك منه الى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم

طریقه او را وگردیده آید در این باب رضا او خشنود وگردن نهادید از برای قضای او وتصدیق نمودید

من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر

از پیغمبران او هر که رفته است پس اعراض کننده از شما از دین بدر رفته است

في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه

در حق شما نابود شونده وحق با شما ودر میان شما واز جانب شما وبسوی شماست وشما اهل آن وکان آن

وميراث النبوة عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم

ومیراث پیغمبری نزد شماست وبازگشت خلق بسوی شماست وحساب خلق بر شماست

وفصل الخطاب عندكم وآيات الله لديكم وعزائمه فيكم ونوره

وخطاب فیصل فهم نزد شما وآیتهای خدا نزد شماست وعزیمتهای خدا در میان شما ونور او

وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم فقد والى الله ومن عاداكم

وحجت او نزد شما وامر او بسوی شماست که هر که دوستی کند با شما پس بتحقیق دوستی کرده خدا را

فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد

پس بتحقیق دشمنی کرده با خدا وهر که دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته خدا را وهر که دشمن

ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم السبيل الاعظم

دشمن داشته خدا را وهر که اعتصام نماید بشما پس بتحقیق اعتصام نموده بخدا شمائید راه عظیم تر

والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة

وشمائید راه راست تر وگواهان خانه نیست ونابود وشفیعان سرای پاینده عقبی ورحمت

الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلى به

همه پیوسته و نشانه بزرگی در خزانه نهاده شده و امانت حفظ کرده شده و درگاه که امتحان کرده شدند آن

الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم يأتكم فقد هلك الى الله تدعون

مردمان هر که بیاید بسوی شما این تحقیق نجات یافت هر که نیاید بسوی شما این تحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید

وعليه تدلّون وبه تؤمنون وله تسلّمون وبامره تعملون والى سبيله

و بر او دلالت می کنید و باو میگروید و مر او را اطاعت میکنید و بامر او عمل می کنید و بسوی راه او

ترشدون وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم

راه نمائی میکنید و بگفته او حکم میکنید نیک بخت شد قسم بخدا هر که دوستی نمود با شما و هلاک شد کسی که دشمنی کرد

وخاب من جحدكم وضلّ من فارقكم وفاز من تمسّك بكم وامن من لجأ

و نا امید شد هر که انکار کرد شما را و گمراه شد هر که مفارقت نمود و رستگار شد هر که چنگ زد بشما و ایمن شد هر که پناه آورد

اليكم وسلم من صدّقكم وهدى من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة مأويه

بسوی شما و سالم ماند هر که تصدیق نمود شما را و راه یافته شد هر که چنگ زد بشما هر که متابعت نماید شما را پس بهشت جای اوست

ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك

و هر که مخالفت نمود شما را پس آتش قرارگاه اوست هر که انکار کند شما را کافر است و هر که جنگ کند با شما مشرک است

ومن ردّ عليكم في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم

و هر که رد کند بر شما در پست ترین طبقه است از جهنم گواهی میدهم بتحقیق اینکه این گذشته است برای شما

فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم

در آنچه گذشته و جاریست از برای شما در آنچه باقی ماند و بتحقیق که ارواح شما و نور شما و طینت شما

واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم

یکی است پاکیزه است و پاک است بعضی از آنها از بعضی دیگر آفرید شما را خدا نورها پس گردانید شما را

بعرشه محدقين حتى منّ علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله

بعرش خود احاطه کننده تا آنکه منت گذاشت بر ما بشما پس قرار داد شما را در خانه‌ها که رخصت داد خدا

أَنْ يُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ

که برافراشته شود و یاد کرده شود در آنها نام او و گردانید درود ما را بر شما و آنچه اختصاص داد ما را

وَلَايَتِكُمْ طِيباً لِخَلْقِنَا وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَتَزْكِيَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا

... خلقت ما و پاکی از برای نفسهای ما و پاکی ما و کفاره از برای گناهان ما

فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَمَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلَغَ اللّٰهُ

پس بودیم نزد او گردن نهندگان بفضل شما و شناخته شدگان به تصدیق ما شما را پس رسانید خدا

بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ

شما را بهترین جایگاه گرامیان و برترین منزلهای مقربان و بلندترین درجه‌های

الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ

رسولان جائیکه ملحق نشود بآن ملحق شونده و برتر از آن نشود برتر شونده و سبقت نگیرد بر آن سبقت گیرنده

وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ

و طمع نکند در یافتن آن طمع کننده تا آنکه باقی نماند فرشته مقربی و نه پیغمبر مرسلی

وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ وَلَا

و نه صدیقی و نه شهیدی و نه دانائی و نه نادانی و نه پست مرتبه و نه صاحب فضلی و نه

مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَلَا خَلْقٌ

مؤمن صالحی و نه گنهکار نابکاری و نه گردنکش عناد پیشه و نه شیطان سرکشی و نه خلقی

فِيمَا بَيْنَ ذٰلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَّفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ

در میانه آنچه مذکور شد حاضر شده مگر آنکه شناسانید خدا بزرگی کار شما و بلندی مرتبه شما و بزرگی شأن

وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ

و تمامی نور شما و درستی جایگاه شما و ثابت بودن مقام شما و ارجمندی جایگاه شما

وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبِ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ

منزلت شما نزد خود و گرامی بودن شما بر خود و خصوصیت شما از خود و نزدیکی منزلت شما از خود

السلام على محمد عبد الله خاتم النبيين ... السلام على الائمة ... السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين

بأبي أنتم وأمي وأهلي ومالي وأسرتي أشهد الله وأشهدكم أني

فدای شما باد پدر من و مادر من و اهل من و مال من و خویشان من گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را اینکه

مؤمن بكم وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر

ایمان آورده‌ام بشما و بآنچه ایمان آورید شما بآن و کافرم به دشمن شما و بآنچه اعتقاد ندارید شما بآن بینایم

بشأنكم وبضلالة من خالفكم موال لكم ولأوليائكم مبغض لأعدائكم

بحال شما بان و بگمراهی هر که مخالفت نمود با شما و دوستی کننده‌ام با شما و با دوستان شما و دشمنی کننده‌ام با دشمنان شما

ومعاد لهم سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم

و عداوت کننده‌ام با ایشان صلحم با هر که صلح کرد با شما و جنگم با هر که جنگ کرد با شما تصدیق نماینده‌ام بآنچه شما

مبطل لما أبطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم

باطل کننده‌ام آنچه را باطل کردید ... اطاعت کننده‌ام شما را شناسا‌ام حق شما را اقرار کننده‌ام بفضل شما بردارنده‌ام علم شما را

محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بإيابكم مصدق برجعتكم منتظر

پناه گیرنده‌ام بامان شما اعتراف نماینده‌ام بشما و ایمان آورنده‌ام به بازگشت شما تصدیق نماینده‌ام

لأمركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل بأمركم مستجير بكم

امر شما را چشم براهم دولت شما را گیرنده‌ام بفرمودهٔ شما عمل کننده‌ام بامر شما پناه جوینده‌ام

زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع إلى الله عز وجل بكم

زیارت کننده‌ام شما را پناه آورنده‌ام بشما پناه گیرنده‌ام بقبرهای شما شفیع آورنده‌ام بسوی خدای عز و جل شما را

ومتقرب بكم إليه ومقدمكم أمام طلبتي وحوائجي وإرادتي في

و تقرب جویم بوسیلهٔ شما بسوی خدا و پیش دارنده‌ام شما را در پیش مطالب و حاجتها و ارادهٔ خود در

كل أحوالي وأموري مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم

همه احوال خود و کارهای خود ایمان آورنده‌ام به پنهان و آشکار شما و بحاضر شما و غایب شما

وظاهركم وباطنكم وأولكم وآخركم ومفوض في ذلك كله إليكم ومسلم

و ظاهر شما و باطن و اول شما و آخر شما و تفویض کننده‌ام در همهٔ اینها بسوی شما و تسلیم کننده‌ام

فيه معكم وقلبي لكم مسلم ورأيي لكم تبع ونصرتي لكم معدة حتى يحيي الله

تعالى دينه بكم ويردكم في أيامه ويظهركم لعدله ويمكنكم

برتری دین خود را بشما و باز گرداند شما را در روزگار خود و ظاهر سازد شما را از برای عدل خود و تمکین دهد شما را

في أرضه فمعكم معكم لا مع عدوكم آمنت بكم وتوليت آخركم

در زمین خود پس من با شمایم با شمایم نه با دشمن شما ایمان آوردم بشما و دوست داشتم آخر شما را

بما توليت به أولكم وبرئت إلى الله عز وجل من أعدائكم ومن الجبت

بآن نحو که دوست داشتم اول شما را و بیزاری جستم بسوی خدای عز وجل از دشمنان شما و از جبت

والطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين لحقكم

و طاغوت و شیاطین و گروه ایشان که ستمکارانند در حق شما و انکار کنندگانند حق شما

والمارقين من ولايتكم والغاصبين لإرثكم والشاكين فيكم

و غصب کنندگان میراث شما و شک نمایندگانند در حق شما

والمنحرفين عنكم ومن كل وليجة دونكم وكل مطاع سواكم ومن

و هر اطاعت کرده شده سوای شما و از

الأئمة الذين يدعون إلى النار فثبتني الله أبدا ما حييت على

پیشوایانی که میخوانند مردم را بسوی آتش پس ثابت قدم بدارد مرا خدای تعالی همیشه مادام که زنده باشم بر

موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم

دوستی شما و محبت شما و دین شما و توفیق دهد مرا خدای تعالی از برای اطاعت شما و روزی کناد مرا شفاعت شما

وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم إليه وجعلني ممن

و بگرداند مرا از نیکان از دوستان شما که پیروی کنند آنچه را دعوت نموده اید بآن و بگرداند مرا از آنان

يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم

که پیروی نماید آثار شما را و میرود براه شما و راه یابد براهنمائی شما و محشور میشود

في زمرتكم ويكرّ في رجعتكم ويملّك في دولتكم ويشرّف في عافيتكم

در گروه شما و بازگشت می نماید در رجعت شما و پادشاهی داده شود در زمان دولت شما و بزرگ گردانیده شود در عافیت شما

ويمكّن في ايامكم وتقرّ عينه غداً برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي و

و تمکین داده شود در ایام پادشاهی شما و خنک شود چشم او فردا بدیدن شما پدرم فدای شما و مادرم و جانم و

اهلي ومالي من اراد الله بدأ بكم ومن وحّده قبل عنكم ومن قصده

اهل من و مال من هر که اراده کند خدا را ابتدا کند بشما و هر که بیگانگی پرستد او را قبول کند از شما و هر که قصد او نماید

توجّه بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن

رو آورد بشما ای آقایان من نمی توانم شمرد ثنای شما و نمی توانم رسید بمدح کردن کنه شما و از

الوصف قدركم وانتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج

وصف نمودن قدر شما و شمائید نور نیکان و راه نمایان نیکوکاران و حجتهای

الجبار بكم فتح الله وبكم يختم وبكم ينزّل الغيث وبكم يمسك

خداوند با عظمت بشما ابتدا نمود خدا و بشما ختم می نماید و بشما فرو میفرستد باران را و بشما نگاه دارد

السماء ان تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفّس الهمّ وبكم يكشف الضرّ

آسمان را از اینکه بیفتد بر زمین مگر برخصت او و بشما زائل میکند غم را و بشما بر طرف میکند سختی

وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى جدّكم بعث الروح الامين

و نزد شماست آنچه فرود آوردند او را رسولان او و فرود آمدند با آن فرشتگان او و بسوی جد شما فرستاده شد روح الامین

واگر زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

باشد بجای والی جدکم بعث الروح الامین بگو

والى اخيك بعث الروح الامين آتاكم الله ما لم يؤت احداً

و بسوی برادر تو فرستاده شده روح الامین داده است بشما خدا آنچه نداده است بهیچ یک

من العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر لطاعتكم

از عالمیان سر بزیر کرد هر بزرگی از برای بزرگی شما و خاضع شد هر متکبری از برای فرمانبرداری شما

وخضع كل جبار لفضلكم وذلّ كل شيء لكم واشرقت الارض بنوركم

و فروتنی نمود هر سرکشی از برای فضیلت شما و خوار شد هر چیز از برای شما و روشن شده زمین بنور شما

وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد

و فیروزی یافتند فیروزی یافتگان بمحبت شما بسبب شما راه برده میشود بسوی خشنودی خدا و بر کسیکه انکار نمود

ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي ذكركم

با امامت شما غضب خداوند است پدرم فدای تو باد و مادرم و جانم و اهلم و مالم ذکر شما

في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم

درمیان یادکنندگان و نامهای شما درمیان نامها و کالبدهای شما درمیان کالبدها و روحهای شما

في الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور

درمیان روحها و نفسهای شما درمیان نفسها و از آثار شما درمیان اثرها و قبرهای شما درمیان قبرها

فما احلى اسمائكم واكرم انفسكم واعظم شأنكم واجل خطركم واوفى

پس چه شیرین است نامهای شما و چه گرامی است نفسهای شما و چه بزرگست شان شما و چه بزرگست قدر شما و چه وفا کرده شده

عهدكم واصدق وعدكم كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم

پیمان شما و چه راست است وعده شما سخن شما نور است و فرمان شما رستگاریست و وصیت شما

التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان وسجيتكم الكرم وشأنكم

پرهیزکاریست و کار شما خیر است و عادت شما نیکوئی است و طبیعت شما کرم است و امر شما

الحق والصدق والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وحزم

حق و راستی و مدارا و قول شما حکمت است و حتم و رأی شما علم است و حلم و حزم

ان ذكر الخير كنتم اوله واصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه

اگر ذکر شود خیری شما اول آن و اصل آن و فرع آن و معدن آن و جایگاه آن و منتهای آن

بابي انتم وامي ونفسي كيف اصف حسن ثنائكم واحصي جميل بلائكم

فدای شما مادر و پدرم و جانم چگونه وصف کنم خوبی ثنای شما و شمارم نعمت نیکوئی شما

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ...

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ...

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ...

فصل دوم در ...

وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَأَنْقَذَنَا بِكُمْ

و حال آنکه بسبب شما بیرون آورد ما را خدا تعالی از خواری و گشود از ما سختیهای اندوه را و رهانید ما را بسبب شما

مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي بِمُوَالاتِكُمْ

از کنار گودال مهلکه ها و از آتش پدرم فدای شما باد و مادرم و جانم بدوستی شما

عَلَّمَنَا اللهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَبِمُوَالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ

تعلیم نمود خدای تعالی معالم دین ما را و اصلاح نمود آنچه را که فاسد شده بود از دنیای ما و بدوستی شما تمام شد کلمهٔ دین

وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوَالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ

و عظیم شد نعمت و به الفت بدل شد جدائی و بدوستی شما مقبول میشود طاعت فرض شده

وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَالدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكَانُ

و از برای شماست دوستی و محبتی که واجب است و مرتبه‌های بلند و مقام ستوده و آن مقامی

الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ

که معلوم است نزد خدا غالب و بزرگ و منزلت عظیم و شان بزرگ و شفاعت

الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پذیرفته ای پروردگار ما ایمان آوردیم بآنچه فرو فرستاده و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را در زمرهٔ گواهی دهندگان

رَبَّنَا لا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ

ای پروردگار ما میل مده دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردهٔ ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی بدرستیکه تو

الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً يَا وَلِيَّ اللهِ إِنَّ بَيْنِي

بسیار بخشنده پاک و منزه است پروردگار ما بدرستیکه هست وعدهٔ پروردگار ما هر آینه بجا آورده شده ای ولی خدا بدرستیکه میان من

وَبَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلاَّ رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ

و میان خدای عز و جل گناهانی است که محو نمیکند آنها را مگر خشنودی شما پس بحق آنکه امین گردانید شما را

عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ

بر راز خود و بشما سپرد کار خلق خود را و پیوسته گردانید طاعت شما را بطاعت خود که اینکه طلب نمائید از خدا بخشایش

ذنوبی و کنتم شفعائی فانی لکم مطیع من اطاعکم فقد اطاع الله و
گناهان مرا و بوده باشید شفیعان من پیش پروردگار من پس بدرستیکه من مر شما را فرمانبردارم هر که اطاعت کند شما را پس بتحقیق اطاعت نموده خدا را

من عصاکم فقد عصی الله و من احبکم فقد احب الله و من ابغضکم
هر که نافرمانی کند شما را پس بتحقیق نافرمانی کرده خدا را و هر که دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته خدا را و هر که دشمن دارد

فقد ابغض الله اللهم انی لو وجدت شفعاء اقرب الیک من
پس بتحقیق که دشمن داشته خدا را بار خدایا بدرستیکه من اگر می یافتم شفاعت کنندگانی که نزدیکتر باشند بسوی تو

محمد و اهل بیته الاخیار الائمة الابرار لجعلتهم شفعائی فبحقهم
از محمد و اهل بیت او که نیکان اند و پیشوایان نیکوکاران اند هر آینه می گردانیدم ایشان را شفیعان خود پس بحق

الذی اوجبت لهم علیک اسألک ان تدخلنی فی جملة العارفین
آن حقی که واجب ساختی از برای ایشان بر خود سؤال میکنم آنکه داخل سازی مرا در جمله شناسندگان

بهم و بحقهم و فی زمرة المرحومین بشفاعتهم انک ارحم الراحمین
ایشان و حق ایشان و در گروه رحمت کرده شدگان بوسیله شفاعت ایشان بدرستیکه تو بخشاینده ترین بخشایندگانی

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و سلم تسلیما و حسبنا الله و نعم الوکیل
و درود فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند و سلام فرستد سلام فرستادنی و کافی است ما را خدا و نیکو وکیلی است

مؤلف گوید که این زیارت کامل ترین زیارات است از برای نزدیک و دور چون منظور عمده در رساله
زیارت جامعه است زیارت وداع را نقل نکردیم چون این زیارت مشتمل است بر جملی از مجامع صفات
که در شناسائی ائمه علیهم السلام از شیعه درست اگر در هر جمعه بلکه هر روز این زیارت را بخوانند و تدبر و تفکر
در معانی آن بکنند موافق است چنانچه والد مرحوم علیه الرحمه مفصلا شرح نموده برای کمال معرفت ایشان
بسیار نافع خواهد بود و عمده ارکان ایمان شناسائی ایشان است علیهم السلام زیارت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه
بطریق بسیار منقول شده در کتاب تحفه الزائر ذکر کرده ام و اینجا یک زیارت مختصری که تجدید عهد و ولایت
آنحضرت را در آن مینماید که شیعه امام خود را یاد نمایند و از کافت زیارات آنحضرت بهتر است و سید
ابن طاوس علیه الرحمه ذکر کرده است که مستحب است که هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را زیارت کنند

[illegible]

اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین

خداوندا برسان آقای من صاحب زمان را درودهای خدا بر او باد از همه مردان مومن

والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها

و زنان مومنه که در مشرقهای زمین و مغربهای آن و بیابان آن و دریای آن و زمین هموار آن و کوه

حیهم ومیتهم وعن والدی وولدی وعنی من الصلوات والتحیات زنة

زنده ایشان و مرده ایشان از جانب پدر و مادر من و فرزندان من و از من از درودها و دعاها به وزن

عرش الله ومداد کلماته ومنتهی رضاه وعدد ما احصاه کتابه

عرش خدا و به مداد کلمه های او و نهایت خشنودی او و شمار چیزیکه احاطه کرده بر آن کتاب او

واحاط به علمه اللهم انی اجدد له فی هذا الیوم وفی کل یوم عهدا

و احاطه نموده بر آن علم او بار خدایا تازه میکنم برای صاحب زمان این روز و هر روز عهد و پیمانی

وعقدا وبیعة له فی رقبتی اللهم کما شرفتنی بهذا التشریف وفضلتنی

و قراری و بیعتی مر آنحضرت را در گردن خود بار خدایا چنانچه مشرف کردی مرا باین [illegible] و زیادتی دادی

بهذه الفضیلة وخصصتنی بهذه النعمة فصل علی مولای وسیدی

باین فضیلت و خاص کردی مرا باین نعمت پس درود بفرست بر آقای [illegible] و سید من

صاحب الزمان واجعلنی من انصاره واشیاعه والذابین عنه واجعلنی

صاحب زمان و بگردان مرا از یاوران او و مطیعان او و دفع کنندگان از او و بگردان مرا

من المستشهدین بین یدیه طائعا غیر مکره فی الصف الذی نعت اهله

از شهادت یافتگان در برابر او بطوع و رغبت بدون اکراه در صفیکه تعریف کردی اهل آنرا

فی کتابک فقلت صفا کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک وطاعة رسولک

در کتاب خود پس گفتی صفی که گویا ایشان بنایی هستند محکم اندر طاعت تو و طاعت پیغمبر تو

وآله علیهم السلام اللهم هذه بیعة له فی عنقی الی یوم القیمة

و آل او بر ایشان سلام باد بار خدایا این بیعتی مر صاحب الزمان را در گردن من تا روز قیامت

[illegible]

[illegible]

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد
او را از قبرش بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد اینست

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ
بارخدایا پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای برکرده و فرستنده
التَّوْرٰاةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ
توریت و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب و فرستنده قرآن بزرگ
وَرَبَّ الْمَلٰائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْاَنْبِيٰاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
و پروردگار فرشتگان مقرب و پروردگار پیغمبران و فرستادگان بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ
از توجه تو که بزرگ است و بنور روی تو که روشن است و بپادشاهی تو که دیرین است ای زنده ای پایدار
اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰاوٰاتُ وَالْاَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي
سؤال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه تابان شده است بآن آسمانها و زمینها و بنام تو آنچنان نامیکه
يَصْلَحُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ يٰا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيٰا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يٰا حَيّاً
شایسته میشوند بآن پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده بعد از هر زنده ای زنده
حِينَ لٰا حَيَّ يٰا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى وَمُمِيتَ الْاَحْيٰاءِ يٰا حَيُّ لٰا اِلٰهَ اِلّٰا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ
هنگامیکه هیچ زنده نماند ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده که نیست معبودی بجز تو بارخدایا برسان
مَوْلٰانَا الْاِمٰامَ الْهٰادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقٰائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلٰى
آقای ما امام راهنمای راه یافته شده پاینده بحکم تو درودهای خدا بر او باد و بر
آبٰائِهِ الطّٰاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ فِي مَشٰارِقِ الْاَرْضِ
پدران او که پاکانند از جانب همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه در مشرقهای زمین
وَمَغٰارِبِهٰا سَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا وَعَنِّي وَعَنْ وٰالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوٰاتِ
و مغربهای آن همواران و کوه آن و بیابان آن و دریای آن و از جانب من و از جانب پدر و مادر من از درودها

وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ

و دعاها بوزن عرش خدا و درازی سخنان او و آنچه احاطه کرده است آنرا علم او و فرا گرفته است آنرا کتاب او

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هٰذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْداً وَعَقْداً

بار خدایا بدرستیکه من تازه میکنم مر آنحضرت را در صبح روز خود که این روز است و آنچه زنده باشم از روزهای خود عهدی را و اقراری را

وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَداً اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ

و بیعتی را که مر او راست در گردن من بر نگردم از آن و زائل نشوم هرگز بار خدایا بگردان مرا از یاران او

وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ

و یاری دهندگان او و دفع کنندگان از او و شتابندگان بسوی او در بر آوردن حاجتهای او و فرمانبرداران

لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

امرهای او و حمایت کنندگان او و سبقت کنندگان بسوی اراده او و شهادت یافتگان روبروی او

اَللّٰهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْماً فَأَخْرِجْنِي

بار خدایا اگر حائل شود میان من و میان او مرگی که گردانیدی آنرا بر بندهای خود واجب پس بیرون آر مرا

مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِراً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قَنَاتِي مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي

از قبر من در حالتی که پوشیده باشم کفن خود را و بر آورده باشم شمشیر خود را برهنه کرده باشم نیزه خود را لبیک گوینده باشم دعوت خواننده را

فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اَللّٰهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحُلْ

در ساکن شهر و بادیه بار خدایا بنما مرا صورت نیکو و پیشانی نورانی ستوده و سرمه کش

نَاظِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ

چشم مرا بنظری از من بسوی او و زود کن گشایش کار او را و سهل کن برآمدن او را و وسیع کن راه او را

وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَزْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ

و ببر مرا بطریق و جاده او و جاری کن امر او را و قوی کن پشت او را و آباد گردان بار خدایا بسبب او شهرهای خود را

وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

و زنده گردان باو بندهای خود را بدرستیکه تو گفتی و گفته تو حق است که ظاهر شد فساد در بیابان و دریا

بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ

بانچه کسب کرده است دستهای مردم پس ظاهر گردان بار خدایا برای ما ولی خود را و پسر دختر نبی خود

الْمُسَمّٰى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتّٰى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ

که نامیده شده است بنام رسول تو تا ظفر نیابد بچیزی از باطل مگر پاره کند آنرا و درست گرداند حق را

وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعًا لِلْمَظْلُومِ مِنْ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ

و تحقیق آن نماید و بگردان او را بار خدایا پناه برای ستم رسیده از بنده های خود و یاری کننده برای کسیکه نیابد

لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ

برای خود یاوری غیر از تو و تازه کننده مر چیزی را که معطل مانده از احکام کتاب تو و محکم کننده مر چیزی را که وارد شده

مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ

از نشانهای دین تو و طریقه های پیغمبر تو درود فرستد خدا بر او و آل و بگردان او را بار خدایا از کسانیکه

مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ

از ترس تجاوز کنندگان شاد گردان پیغمبر خود را محمد درود فرستد خدا بر او و بر آل او بدیدن او و کسیکه پیروی کرد

عَلٰى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ

بر دعوت او و رحم کن بر فروتنی ما بعد او بار خدایا بگشا این غم را از امت بحاضر شدن او

وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و تعجیل کن برای ما آشکار شدن او بدرستیکه منافقان می بینند او را دور و ما می بینیم نزدیک برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان

پس سه مرتبه دست بر ران است خود میزنی در هر مرتبه میگوئی

الْعَجَلَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

زود زود شتاب ای آقای من ای صاحب زمان

و اما دعائی به که مشتمل است بر عقائد حقه و تاسف بر غیبت حضرت قائم صلوات الله علیه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که این دعا را در چهار عید بخوانند یعنی روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر

الحمد لله الذي لا اله الا هو وله الحمد رب العالمين وصلى الله على محمد

حمد مر خدا را که نیست معبود بحق مگر او و مر او راست حمد که پروردگار عالمیانست و درود فرستد خدا بر محمد

نبيه وآله وسلم تسليما اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك

پیغمبر خود و آل او و سلام فرستد سلام فرستادنی خدایا مر تراست حمد بر چیزی که جاری شده بآن حکم تو در دوستان تو

الذين استخلصتهم لنفسك ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من

آنانکه خالص کردانیدی ایشان را برای نفس خود و دین خود چون اختیار کردی برای ایشان بسیاری آنچه نزد تست از

النعيم المقيم الذي لا زوال له ولا اضمحلال له بعد ان شرطت عليهم

نعیم پایداری که نیست زوالی مر او را و نه کداختنی مر او را بعد از آنکه شرط کردی بر ایشان

الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك

ترک رغبت در درجه های این دنیای پست مرتبه و زینت آن و آرایش آن پس شرط کردند

ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت لهم الذكر

این زهد را و دانستی از ایشان وفا را بآن شرط پس قبول کردی ایشان را و مقرب کردانیدی و پیش کردانیدی برای ایشان ذکر

العلي والثناء الجلي واهبطت عليهم ملائكتك وكرمتهم بوحيك

بلند و ثنای آشکار و فرود فرستادی بر ایشان فرشتگان خود و گرامی کردی ایشان را بوحی خود

ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذرائع اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض

و عطا کردی ایشان را از علم خود و گردانیدی ایشان را وسیله ها بسوی خود و وسیله بسوی خوشنودی خود پس بعضی

اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها وبعض حملته في فلكك ونجيته

ساکن کردانیدی او را در بهشت خود تا آنکه بیرون آوردی او را از بهشت و بعضی برداشتی او را در کشتی خود و نجات دادی

ومن آمن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا

و کسانیکه ایمان آورده بودند با او از هلاکت برحمت خود و بعضی را اختیار کردی او را برای نفس خود دوست

وسألك لسان صدق في الآخرين فاجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته

و طلب کرد خلیل از تو زبان راستی در پسینیان پس قبول کردی آن را و کردانیدی آن را بلند و بعضی سخن

مِن شَجَرَةٍ تَكلِيماً وَجَعَلتَ لَهُ مِن أَخِيهِ رِدءاً وَوَزِيراً وَبَعضٌ وَلَدتَهُ مِن غَيرِ

ازدرخت سخن کردی وگردانیدی براو از برادراو یار و وزیر و بعضی زاییدی اورا ازغیر

أَبٍ وَآتَيتَهُ البَيِّنَاتِ وَأَيَّدتَهُ بِرُوحِ القُدُسِ وَكُلٌّ شَرَعتَ لَهُ شَرِيعَةً

پدر وداوی اوراحجتها وقوت بخشیدی اورا بروح قدس یعنی جبرئیل وبرکدام انبیا قراردادی برای او شریعتی

وَنَهَجتَ لَهُ مِنهَاجاً وَتَخَيَّرتَ لَهُ أَوصِيَاءَ مُستَحفِظاً بَعدَ مُستَحفِظٍ مِن مُدَّةٍ

ومقرر کردی برای اوراهی واختیار کردی برای او وصیان نگاهبانی بعد نگاهبانی ازمدتی

إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَلِئَلَّا يَزُولَ الحَقُّ عَن مَقَرِّهِ

تامدتی ازجهت قائم داشتن مردین تراوحجت بربنده های تو وتا اینکه زائل نگردد حق از قرارگاه خود

وَيَغلِبَ البَاطِلُ عَلَى أَهلِهِ وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَولَا أَرسَلتَ إِلَينَا رَسُولاً مُنذِراً

وغلبه نماید باطل براهل خودش ونگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبر بیم دهنده

وَأَقَمتَ لَنَا عَلَماً هَادِياً فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبلِ أَن نَذِلَّ وَنَخزَى إِلَى أَنِ انتَهَيتَ

وچرا برپا نکردی برای ما علمی راهنما پس پیروی میکردیم آیات ترا پیش از آنکه خوار گردیم ورسوا شویم تا اینکه رسانیدی

بِالأَمرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا انتَجَبتَهُ سَيِّدَ مَن

کاررا بسوی دوست خود وبرگزیده خود محمد درود فرستد خدا براو وآل او پس شد چنانچه برگزیدی اورا سرور هرکه

خَلَقتَهُ وَصَفوَةَ مَنِ اصطَفَيتَهُ وَأَفضَلَ مَنِ اجتَبَيتَهُ وَأَكرَمَ مَنِ اعتَمَدتَهُ

آفریدی اوراو برگزیده هرکه برگزیدی اورا وبرترازهرکه اختیار کردی اوراو بزرگتر هرکه اعتماد کردی براو

قَدَّمتَهُ عَلَى أَنبِيَائِكَ وَبَعَثتَهُ إِلَى الثَّقَلَينِ مِن عِبَادِكَ وَأَوطَأتَهُ مَشَارِقَكَ

مقدم کردی بر پیغمبران خود وبرانگیختی اورا بسوی جن وانس از بنده های خود وسیر فرمودی در مشرقها

وَمَغَارِبَكَ وَسَخَّرتَ لَهُ البُرَاقَ وَعَرَجتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ وَأَودَعتَهُ

ومغربهای خود ومسخر گردانیدی براو براق را وبالا بردی روح اورا بسوی آسمان خود وسپردی اورا

عِلمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انقِضَاءِ خَلقِكَ ثُمَّ نَصَرتَهُ بِالرُّعبِ وَحَفَفتَهُ

علم آنچه شده است وآنچه خواهد شد تا آخر شدن آفرینش تو آنگاه یاری کردی اورا به ترس وفراگرفتی اورا

بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك ووعدته ان تظهر دينه على

بجبرئيل وميكائيل وعلامت داران از فرشتگان خود و وعده فرمودی او را که غالب گردانی دین او را

الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوأته مبوأ صدق من اهله

بهمه دینها اگرچه ناخوش دارند مشرکان و این بعد از آن بود که جای دادی او را جایگاه صدق از اهل او

وجعلت له ولهم اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين

و گردانیدی برای او و برای ایشان اول خانه که بنا گذاشته شده برای مردم هر آینه خانه ایست در مکه با برکت و هدایت برای عالمیان

فيه آيات بينات مقام ابراهيم ومن دخله كان آمنا وقلت انما يريد

در آن نشانه علامتهای آشکار است جای ابراهیم و هرکه درآید در وی ایمن است و گفتی جز این نیست که میخواهد

الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا ثم جعلت

خدا که برطرف کند از شما پلیدی را ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک کردنی و گردانیدی

اجر محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت قل لا اسئلكم

مزد محمد درودهای تو باد بر او و بر آل او دوستی ایشان در کتاب خود پس گفتی بگو نمی طلبم از شما

عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما اسئلكم عليه من اجر الا من

بر این مزدی را مگر دوستی در خویشاوندان و گفتی نمی طلبم از شما بر او هیچ مزدی مگر آنکه

شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك

خواهد که بگیرد بسوی پروردگار خود راهی پس بودند ایشان راه بسوی تو و راه

الى رضوانك فلما انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابي طالب صلواتك

بسوی خشنودی تو پس چون منقضی شد ایام او نصب کردی ولی خود علی ابن ابیطالب را درودهای تو

عليهما وآلهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال

بر هر دو باد و آل هر دو باد در حالیکه هدایت کننده است بجهت آنکه بود او بیم دهنده و هر گروهی را راه نماینده پس گفت

والملأ امامه من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد

و حال آنکه جماعتی پیش او بودند که هر که هستم من مولای او پس علی مولای اوست بار خدایا دوست دار کسی را که دوست دارد علی را و دشمن باش

من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت انا نبيه

هر که دشمن باشد او را و یاری کن کسی را که یاری کند او را و ترک کن یاری کسی که ترک یاری کند او را و گفت کسی که منم پیغمبر او

فعلي اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس من اشجار

پس علی امیر اوست و گفت من و علی از یک درخت ایم و باقی مردم از درختهای

شتى واحله محل هرون من موسى فقال له انت مني بمنزلة هرون من

مختلف و جای داد او را جای هارون از موسی پس گفت مر او را که تو از من بمنزله هارونی از

موسى الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين واحل

موسی مگر اینکه نیست پیغمبری بعد از من و تزویج کرد او را دختر خود که سرور زنان عالمیانست و حلال کرد

له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه وحكمته

برای او از مسجد خود آنچه حلال بود مر او را و بست درهای مسجد را مگر در او را پس سپرد علم خود و حکمت خود را

فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد الحكمة فليأتها من بابها

پس گفت که من شهر علمم و علی دروازه آن شهرست پس کسیکه خواهد حکمت را پس باید که بیاید از در او

ثم قال انت اخي ووصيي ووارثي لحمك من لحمي ودمك من دمي

آنگاه گفت مر او را که تو برادر منی و وصی منی و وارث منی گوشت تو از گوشت منست و خون تو از خون منست

وسلمك سلمي وحربك حربي والايمان مخالط لحمك ودمك كما خالط

و صلح تو صلح منست و جنگ تو جنگ منست و ایمان آمیخته است بگوشت تو و خون تو چنانچه آمیخته

لحمي ودمي وانت غدا على الحوض خليفتي وانت تقضي ديني وتنجز عداتي

گوشت مرا و خون مرا و تو فردا بر حوض خلیفه منی و تو ادا میکنی قرض مرا و وفا میکنی وعدهای مرا

شيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة وهم جيراني ولولا

شیعیان تو بر منبرها از نورند سفید شده روی ایشان گرد من در بهشت و ایشان همسایگان منند و اگر نه

انت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي وكان بعده هدى من الضلالة

تو ای علی شناخته نمی شدند مومنان بعد از من و بود بعد او هدایت از گمراهی

وَنُوراً مِنَ الْعَمى وَحَبْلَ اللهِ الْمَتينَ وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ لا يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ في رَحِمٍ

و نوری از نابینایی و ریسمان خدا که محکم است و راه او که راست است سبقت گرفته نمی شود به نزدیکی در رحم

وَلا بِسابِقَةٍ في دينٍ وَلا يُلْحَقُ في مَنْقَبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ

و نه به پیشی در دین و لحق کرده نمی شود در منقبتی از منقبتهای او پیروی میکند عقب پیغمبر

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما وَيُقاتِلُ عَلَى التَّأْويلِ وَلا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ

درود فرستد خدا بر ایشان و آل ایشان و مقاتله می نماید بر تاویل و نه میگیرد او را در راه خدا سرزنش

قَدْ وَتَرَ فيهِ صَناديدَ الْعَرَبِ وَقَتَلَ اَبْطالَهُمْ وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ فَاَوْدَعَ

بتحقیق که ریخت در راه خدا خون بزرگان عرب و کشت دلیران ایشان را و جنگ کرد با گرگان ایشان پس گذاشت

قُلُوبَهُمْ اَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ فَاَضَبَّتْ عَلى عَداوَتِهِ

در دلهای ایشان کینه های بدر و خیبر و حنین و غیر آنها پس در دل گرفتند دشمنی

وَاَكَبَّتْ عَلى مُنابَذَتِهِ حَتّى قَتَلَ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ وَلَمّا قَضى

و اقبال نمودند بر جنگ کردن با او تا آنکه کشت عهدشکنان را که اهل جمل اند و ستمکاران را که اهل شام اند و خارجیان را و چون

نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ اَشْقَى الْآخِرينَ يَتْبَعُ اَشْقَى الْاَوَّلينَ لَمْ يُمْتَثَلْ اَمْرُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

مدت عمر خود را و کشت او را بدبخت ترین پسینیان تابع بدبخت ترین پیشینیان اطاعت کرده نشد فرمان پیغمبر رحمت خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهادينَ بَعْدَ الْهادينَ وَالْاُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلى

بر او و بر آل او در راه نمایان بعد از راه نمایان و امت مصر بودند بر دشمنی او و فراهم آمده بودند

قَطيعَةِ رَحِمِهِ وَاِقْصاءِ وُلْدِهِ اِلَّا الْقَليلَ مِمَّنْ وَفى لِرِعايَةِ الْحَقِّ فيهِمْ

قطع رحم او و دور کردن فرزندان او مگر کمی از کسانی که وفا کردند مر رعایت حق را در فرزندان او

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَاُقْصِيَ مَنْ اُقْصِيَ وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ

پس کشته شد هر که کشته شد و اسیر شد هر که اسیر شد و دور کرده شد هر که دور کرده شد و جاری شد قضا برایشان

بِما يُرْجى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ اِذْ كانَتِ الْاَرْضُ لِلّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ

بچیزی که امید داشته میشود از برای آن ثواب نیکو چونکه باشد زمین مر خدا را وارث میکند آنرا هر که خواهد از

عِبادِهِ وَالعاقِبَةُ لِلمُتَّقِينَ وَسُبحانَ رَبِّنا اِن كانَ وَعدُ رَبِّنا لَمَفعُولاً وَ

بنده های خود و خوشی آخرت مر پرهیزکاران راست منزه و تسبیح مر پروردگار ما راست به تحقیق که هست وعده پروردگار ما البته کرده شده و

لَن يُخلِفَ اللّٰهُ وَعدَهُ وَهُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ فَعَلَى الاَطائِبِ مِن اَهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

خلاف نمیکند خدا وعده خود را و اوست صاحب حکمت پس بر بسیار پاکان از اهل بیت محمد و علی

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِما فَليَبكِ الباكُونَ وَاِيّاهُم فَليَندُبِ النّادِبُونَ وَلِمِثلِهِم فَلتُذرَفِ

رحمت کند خدا بر هر دو پس باید که بر ایشان گریه کنندگان و بر ایشان باید که گریه و زاری کنند زاری کنندگان و برای مانند

الدُّمُوعُ وَليَصرُخِ الصّارِخُونَ وَيَضِجَّ الضّاجُّونَ وَيَعِجَّ العاجُّونَ اَينَ الحَسَنُ وَاَينَ الحُسَينُ

ایشان باید اشکها ریخته شود و باید فریاد کنند فریاد کنندگان و باید ناله کنند ناله کنندگان کجاست حسن کجاست حسین

وَاَينَ اَبناءُ الحُسَينِ صالِحٌ بَعدَ صالِحٍ وَصادِقٌ بَعدَ صادِقٍ وَاَينَ السَّبِيلُ

و کجاست پسران حسین ع نیکوکار پس نیکوکار و راست گو بعد از راست گو و کجاست راه

بَعدَ السَّبِيلِ وَاَينَ الخِيَرَةُ بَعدَ الخِيَرَةِ وَاَينَ الشُّمُوسُ الطّالِعَةُ اَينَ الاَقمارُ المُنِيرَةُ

بعد از راه و کجاست برگزیده بعد از برگزیده و کجایند آفتابهای درخشان کجایند ماه های تابان

اَينَ الاَنجُمُ الزّاهِرَةُ اَينَ اَعلامُ الدِّينِ وَقَواعِدُ العِلمِ اَينَ بَقِيَّةُ اللّٰهِ الَّتِي لا تَخلُو مِنَ

کجایند ستاره های فروزان کجایند نشانه های دین و بنیادهای علم کجاست باقی گذاشته خدا که نباشد خالی از

العِترَةِ الطّاهِرَةِ اَينَ المُعَدُّ لِقَطعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ اَينَ المُنتَظَرُ لِاِقامَةِ الاَمتِ

ذریت پاک کجاست آماده شده برای بریدن بنیاد ستمکاران کجاست انتظار کشیده شده برای راست کردن کجی

وَالعِوَجِ اَينَ المُرتَجى لِاِزالَةِ الجَورِ وَالعُدوانِ اَينَ المُدَّخَرُ لِتَجدِيدِ الفَرائِضِ

و بلندی کجاست امید داشته شده برای طرف کردن ستم و زیادتی کجاست ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبها

وَالسُّنَنِ اَينَ المُتَخَيَّرُ لِاِعادَةِ المِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ اَينَ المُؤَمَّلُ لِاِحياءِ

و سنتها کجاست اختیار کرده شده برای برگردانیدن ملت و شریعت کجاست آرزو کرده شده برای زنده کردن

الكِتابِ وَحُدُودِهِ اَينَ مُحيِي مَعالِمِ الدِّينِ وَاَهلِهِ اَينَ قاصِمُ شَوكَةِ المُعتَدِينَ

کتاب و حدود آن کجاست زنده کننده علامتهای دین و اهل آن کجاست شکننده شوکت تجاوز کنندگان

أَيْنَ هَادِمُ أَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ
کجاست ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق کجاست هلاک کننده اهل فسق و معصیت
وَالطُّغْيَانِ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقَاقِ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ
و سرکشی کجاست برنده شاخهای گمراهی و مخالفت کجاست محوکننده اثرهای میل
وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْافْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَ
وخواهشها کجاست قطع کننده ریسمانهای دروغ و افترا کجاست هلاک کننده سرکشان
الْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزُّ
سرتابان کجاست برارنده اهل دشمنی و گمراه کردن و از دین در گذشتن کجاست عزیز کننده
الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابُ اللّٰهِ
دوستان خوار کننده دشمنان کجاست جمع کننده پرهیزکاران کجاست دروازه خدا
الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ
که از آن درآمده میشود کجاست روی خدا که بسوی او متوجه میشوند اولیا کجاست سبب
الْمُتَّصِلُ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى
پیوسته میان اهل زمین و آسمانها کجاست صاحب یوم فتح و برافرازنده علم هدایت
أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ
کجاست جمع نماینده پراکندگی شایستگی خوشنودی کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران و پسران
الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنِ اعْتَدَى
پیغمبران کجاست طلب کننده خون کشتگان کربلا کجاست کسیکه یاری کرده شده بر کسیکه ستم کرده
عَلَيْهِ وَافْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ
براو و افترا کرد کجاست مضطر یکه اجابت کرده میشود هرگاه بخواند کجاست سرگروه خلائق
ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنُ
صاحب نیکی و پرهیزکاری و کجاست پسر پیغمبر برگزیده و پسر علی پسندیده و پسر

خديجة الغرّاء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بأبي أنت وأمّي ونفسي لك

خدیجه صاحب شرف و پسر فاطمه زهرا بزرگ مرتبه فدای تو شود پدر من و مادر من و جان من

الوقاء والحمى يا ابن السادة المقرّبين يا ابن النجباء الأكرمين يا ابن الهداة

حفظ و حمایت ای پسر سروران مقربین ای پسر برگزیدگان بزرگواران ای پسر راهنمایان

المهتدين يا ابن الخيرة المهذّبين يا ابن الغطارفة الأنجبين يا ابن

راه یافتگان ای پسر برگزیدگان نیکو اخلاق ای پسر سروران بسیار برگزیده ای پسر

الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الأكرمين يا ابن الأطائب المعظّمين

صاحبان برگزیدگان ای پسر مهتران بسیار گرامی گان ای پسر پاکان بزرگ کرده شدگان

المطهّرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن الشهب

پاک کرده شدگان ای پسر ماههای روشن ای پسر چراغهای روشن ای پسر شهابهای

الثاقبة يا ابن الأنجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الأعلام

درخشنده ای پسر ستارگان روشن ای پسر راههای روشن ای پسر علمهای

اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم

نمایان ای پسر علمهای کامل ای پسر سنتهای مشهور ای پسر نشانهای

المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل المشهودة يا ابن الصراط

راه نشانه دار ای پسر معجزه محقق ای پسر دلیلهای دیده شده ای پسر کسیکه او راه

المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في أمّ الكتاب لدى الله عليّ

راست است بحقیقت ای پسر خبر بزرگ ای پسر کسیکه او در لوح محفوظ نزد خداوند

حكيم يا ابن الآيات والبيّنات يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين

صاحب حکمت است ای پسر آیات و نشانه‌ها ای پسر دلیلهای آشکار ای پسر برهانهای

الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن النعم السابغات يا ابن طه

روشن غالب ای پسر حجتهای رسا ای پسر نعمتهای کامل ای پسر طه

والمحکمات یا ابن یس والذاریات یا ابن الطور والعادیات یا ابن من

محکمات ای پسر یٰسین و ذاریات ای پسر طور و عادیات ای پسر کسیکه

دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی دنوا واقترابا من العلی الاعلی

نزدیک شد پس آویخت پس بود بقدر دو گوشه کمان یا نزدیکتر از روی قرب و نزدیکی از خدای برتر

لیت شعری این استقرت بک النوی بل ای ارض تقلک او ثری

کاش میدانستم که کجا قرار گرفت ترا نقل مکان بلکه کدام زمین برمیدارد ترا یا کدام خاک

ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی عزیز علی ان اری الخلق ولا تری

آیا بکوه رضوی یا سوای آن یا ذی طوی سخت است بر من اینکه می‌بینم خلق را و دیده نمیشوی

ولا اسمع لک حسیسا ولا نجوی عزیز علی ان تحیط بک دونی

و نمیشنوم مر ترا آواز نرمی و نه رازی سخت است بر من اینکه فرا گیرد ترا غیر من

البلوی ولا ینالک منی ضجیج ولا شکوی بنفسی انت من مغیب لم یخل منا

رنجی و نه رسد بتو از من فریادی و نه شکایتی بجان من تو غائب کرده شده که نیست خالی از ما

بنفسی انت من نازح ما نزح عنا بنفسی انت امنیة شائق یتمنی من مؤمن ومؤمنة

تویی غایبی که دور نشد از ما بنفس من تویی آرزوی مشتاقی که آرزو کند از مرد مومن و زن مومنه

ذکرا فحنا بنفسی انت من عقید عز لا یسامی بنفسی انت من اثیل مجد لا یجاری

که یاد کردند پس ناله کردند بنفس من تویی از بسته عزتی که برابری کرده نمیشود بنفس من تویی از ریشه بزرگی که برابری کرده نمیشود

بنفسی انت من تلاد نعم لا تضاهی بنفسی انت من نصیف شرف لا یساوی الی متی احار

بنفس من تویی در نعمتهای کهنه که شبیه کرده نمیشود بنفس من تو همتای بزرگی که برابر کرده نمیشود تا کی حیران باشم

فیک یا مولای والی متی وای خطاب اصف فیک وای نجوی عزیز علی ان

در باب تو ای آقای من و تا کجا و کدام خطاب وصف کنم در حق تو و کدام راز سخت است بر من اینکه

اجاب دونک واناغی عزیز علی ان ابکیک ویخذلک الوری عزیز

جواب داده شوم غیر تو و سخن گفته شوم سخت است بر من اینکه گریه کنم ترا و فرو گذارند ترا مردم سخت است

علی ان یجری علیک دونهم ما جری هل من معین فاطیل معه العویل

بر من اینکه جاری بشود بر تو نه بر ایشان آنچه جاری شد آیا یاوری هست پس دراز کنم با او فغان را

والبکاء هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا هل قذیت عین فساعدها

و گریه را آیا هیچ جزع کننده هست پس یاری کنم جزع او را وقتیکه تنها باشد آیا خاشاک انباشته شد چشمی پس یاری کند آنرا

عینی علی القذی هل الیک یا ابن احمد سبیل فتلقی هل یتصل یومنا

چشم من بر خاشاک آیا بسوی تو ای پسر احمد راهی هست پس ملاقات کرده شود آیا متصل میشود روز ما

منک بعدة فنحظی متی نرد مناهلک الرویة فنروی متی ننتقع من

از تو بفردا تا آن پس بهره مند شویم کی خواهیم رسید بجاهای آب خوردن تو که سیراب است پس سیراب شویم کی بهره مند شویم از

عذب مائک فقد طال الصدی متی نغادیک ونراوحک فنقر عیونا

آب گوارای تو پس تحقیق بطول انجامید تشنگی کی صبح خواهیم کرد با تو و شام خواهیم کرد با تو پس روشن کنیم چشمهای خود را

متی ترانا ونراک وقد نشرت لواء النصر تری اترانا نحف بک وانت

کی خواهی دید ما را و خواهیم دید ترا در حالتیکه گشوده باشی نشان نصرت را دیده شوی آیا می بینی ما را که گرد تو باشیم و تو

تؤم الملأ وقد ملأت الارض عدلا واذقت اعداءک هوانا وعقابا

امامت کنی جماعت بسیار را در حالتیکه پر کرده باشی زمین را از عدل و چشانیده باشی دشمنان خود را خواری و عقوبت

وابرت العتاة وجحدة الحق وقطعت دابر المتکبرین واجتثثت اصول

و هلاک کرده باشی سرکشان و انکار کنندگان حق را و قطع کرده باشی آخر تکبر کنندگان را و برکنده باشی بیخهای

الظالمین ونحن نقول الحمد لله رب العالمین اللهم انت کشاف الکرب

ستمکاران را و ما در دل بگوئیم ستایش خدا راست که پروردگار عالمیان است بار خدایا توئی بسیار زایل کننده اندوه

والبلوی والیک استعدی فعندک العدوی وانت رب الآخرة

و بلا و بسوی تو دادخواهی میبرم پس نزد تو است دادرسی و توئی پروردگار آخرت و

والدنیا فاغث یا غیاث المستغیثین عبیدک المبتلی واره سیده

دنیا پس بفریاد رس ای فریادرس فریاد کنندگان بنده حقیر خود را که مبتلا است بنمای او را سید او را

بِأَيْدٍ بِأَيْدِ الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ

ای سخت توانا و زائل کردان از بنده خود بسبب آن بسر اندوه و سوزش را و سرد کن سوزش تشنگی او را ای کسیکه

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ

بر عرش غالب شده و ای کسیکه بسوی آنست باز گشت و انتها بار خدایا و ما بنده گانتوئیم

التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذاً وَأَقَمْتَهُ

که مشتاقانیم بسوی دوست تو که یاد دهنده است بتو و به پیغمبر تو آفریدی تو او را برای ما پناه و مرجع و بپا کردی او را

لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَزِدْنَا

برای ما پایداری و پناهی و گردانیدی او را برای مؤمنان از ما پیشوا پس برسان او را از جانب ما درود و سلام و بیفزای ما را

بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرّاً وَمُقَاماً وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ

بااین ای پروردگار ما عزت و اکرام و بگردان قرارگاه او را برای ما جای قرار و جای اقامت و تمام کن نعمت خود را

بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ

بمقدم داشتن خود او را پیش ما تا برسانی ما را به بهشتهای خود و برفاقت شهیدان از

خُلَصَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

خالصان خود بار خدایا درود بفرست بر حجت خود و ولی امر خود و درود بفرست بر جد او محمد

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ وَحَامِلِ اللِّوَاءِ

پیغمبر خود سرور بزرگتر و درود بفرست بر علی پدر او سرور شیر صولت و بردارنده علم

فِي الْمَحْشَرِ وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهَرِ الْكَوْثَرِ وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ

در محشر و آب دهنده دوستان خود از نهر کوثر و امیر بر همه آدمیان

الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفِرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللَّهُ

آنکه هر که ایمان آورد باو پس بتحقیق ظفر یافته و هر که ایمان نیاورد باو پس بتحقیق مشرف بهلاک کافر شده درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَعَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرَرِ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ

بر او و بر برادر او و بر اولاد هر دو که صاحبان میمنت و شرف اند تا زمانیکه طلوع کند آفتاب و تا زمانیکه بتابد ماه

وَعَلَى الجَدَّةِ الصِّدِّيقَةِ الكُبْرَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ المُصْطَفَى وَعَلَى

و بر جدهٔ او بسیار صدق و بزرگ فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی و بر

مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ البَرَرَةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ

هر که بر گزیدی از پدران او که نیکان بودند و بر او بهتر و کامل تر و تمام تر و دایم تر و بیشتر

وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ

و فراوان تر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و آن اختیار کرده از خلق خود و درود فرست بر او

صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ

درود و رحمتی که نهایت نباشد مر شمار او را و آخر نباشد مدد او را و آخر شدن نباشد مر مدت آن را بار خدایا و برپا دار به او

الحَقَّ وَأَدْحِضْ بِهِ البَاطِلَ وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ

حق را و زایل گردان به سبب او باطل را و برابر آر دوستان خود را و خوار گردان به او دشمنان خود را

وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا

و وصل کن بار خدایا میان ما و میان او پیوستگی که برساند به سوی همراهی آنانکه پیش از او گذشته اند از پدران

مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ

از آنکه بگیرند بحجزه و امان ایشان جا داده شوند در سایه ایشان و یاری کن ما را بر ادا کردن حقهای او به سوی او

وَالاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَالاجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ

و سعی کردن در طاعت او و پرهیز کردن از نافرمانی او و احسان کن بر ما به رضامندی او

وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ

و ببخش ما را مهربانی او و رحمت او و دعای او و خیر او که دریابیم به آن وسعتی از رحمت تو

وَفَوْزًا عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً

و رستگاری نزد تو و بگردان نمازهای ما را به سبب او مقبول کرده شده و گناهان ما را به او آمرزیده شده

وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً

و دعاهای ما را مستجاب و بگردان روزیهای ما را به او گشاده و اندوههای ما را به او برطرف کرده شده

وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَيْكَ

و حاجتهای ما را با و برآورده شده متوجه شو بسوی ما بروی خود که کریم ست و قبول کن تقرب ما را بسوی خود

وَانْظُرْ اِلَيْنا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها

و نگاه کن بسوی ما نگاه مهربانی که بکمال رسانیم با آن بدین گرامی بودن را نزد تو آنگاه مگردان

عَنّا بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ

از ما نظر را بخشش خود و آب ده ما را از حوض جد او درود فرستد خدا بر او و آل او بجام او

وَبِيَدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سائِغاً لا ظَمَاءَ بَعْدَهُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

و دست او سیراب سیر گوارا آسان که تشنگی نباشد بعد از آن ای مهربان ترین مهربانان

و اما طریق صلوات فرستادن برایشان شیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر روایت کرده است که

عبد الله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که املا نماید بر

من کیفیت صلوة فرستادن بحضرت رسول صلعم و اوصیای آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین و با خود

حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس املا فرمودند بی آنکه از کتابی املا کنند باین نحو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ وَصَلِّ عَلى

بار خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه برداشت وحی ترا و رسانید رسالت ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَعَلَّمَ كِتابَكَ وَصَلِّ عَلى

محمد و آل محمد چنانچه حلال گردانید حلال ترا و حرام گردانید حرام ترا و تعلیم کرد کتاب ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَقامَ الصَّلوةَ وَآتَى الزَّكوةَ وَدَعا اِلى دِينِكَ

محمد و آل محمد چنانچه بر پا داشت نماز را و داد زکوة را و خواند بسوی دین تو

وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه تصدیق نمود بوعده ثواب تو و ترسید از وعید عذاب تو

وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه آمرزیدی باو گناهان را و پوشیدی باو عیبها را

وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ
وگشایش دادی باو اندوهها را ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه دفع کردی باو بدبختی را

وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى
وبرطرف کردی باو غمها را مستجاب کردی دعا را ونجات دادی باو از بلا ورحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ
محمد وآل محمد چنانچه رحم کردی باو بندها را وزنده کردی باو شهرها را وشکستی باو جباران را

وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَضْعَفْتَ بِهِ
وهلاک گردانیدی باو فرعون صفتان را ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه مضاعف گردانیدی باو

الْأَمْوَالَ وَحَذَّرْتَ بِهِ الْأَهْوَالَ وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ
مالها را وترسانیدی باو از هولهای قیامت وشکستی باو بتان را ومهربان شدی باو

الْأَنَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَأَعْزَزْتَ بِهِ
برخلق ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه برانگیختی او را به بهترین دینها واعزاز فرمودی باو

الْإِيمَانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
ایمان را وهلاک کردی باو بتان را وبزرگی دادی باو کعبه را ورحمت کن بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
واهل بیت او که پاکان برگزیدگانند وسلام بفرست سلام فرستادنی بارخدایا ودرود بفرست بر امیر مومنان

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ
علی بن ابی طالب که برادر پیغمبر تست ودوست او ووصی اوست ووزیر اوست ومحل امانت علم او

وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ
وجای راز اوست ودروازه حکمت اوست وگویا بحجت اوست وخواننده بسوی شرع اوست وجانشین

فِي أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ
او در امت اوست وگشاینده اندوه از روی اوست شکننده کافران وبینی بخاک مالنده فاجران آنکه گردانیدی او را

مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هٰارُونَ مِنْ مُوسىٰ اللّٰهُمَّ والِ مَنْ وٰالاٰهُ وَعٰادِ مَنْ عٰادٰاهُ

نسبت به پیغمبر خود بجای هارون نسبت بموسی بارخدایا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن باش هر که او را دشمن دارد

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْاَوَّلِينَ

و یاری ده هر که او را یاری دهد و ترک یاری کن هر که ترک یاری او کند و لعن کن کسی که دشمن باشد مر او را از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْصِيٰاءِ اَنْبِيٰائِكَ

و پسینیان و صلوات فرست بر او بهتر از آنچه درود فرستادی بر یکی از وصیت یافتگان پیغمبران خود

يٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فٰاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ

ای پروردگار عالمیان بارخدایا درود بفرست بر بسیار صدق فاطمه پاک دوست دوست تو

وَنَبِيِّكَ وَاُمِّ اَحِبّٰائِكَ وَاَصْفِيٰائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهٰا وَفَضَّلْتَهٰا وَاخْتَرْتَهٰا عَلىٰ

و پیغمبر تو و مادر دوستان و برگزیدگان تو آنکه برگزیدی او را و بزرگی بخشیدی او را و اختیار کردی او را بر

نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ اللّٰهُمَّ كُنِ الطّٰالِبَ لَهٰا مِمَّنْ ظَلَمَهٰا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهٰا وَكُنِ

زنان عالمیان بارخدایا باش طلب کننده حق او را از کسانیکه ستم کردند و سبک شمردند حق او را و باش

الثّٰائِرَ اللّٰهُمَّ بِدَمِ اَوْلاٰدِهٰا اللّٰهُمَّ وَكَمٰا جَعَلْتَهٰا اُمَّ الْاَئِمَّةِ الْهُدىٰ

خون طلب بارخدایا بخون فرزندان او بارخدایا و چنانچه گردانیدی او را مادر امامان هدایت

وَحَلِيلَةَ صٰاحِبِ اللِّوٰاءِ وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَاِ الْاَعْلىٰ فَصَلِّ عَلَيْهٰا وَعَلىٰ اُمِّهٰا

و زوجه صاحب علم که علی است و گرامی نزد فرشتگان عالم بالا پس درود بفرست بر او و بر مادرش

صَلٰوةً تُكْرِمُ بِهٰا وَجْهَ اَبِيهٰا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقِرُّ بِهٰا اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهٰا

درودیکه گرامی داری بآن روی پدر او را محمد رحمت کند خدا بر او و آل او و روشنی بآن دهی چشم فرزندانش را

وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هٰذِهِ السّٰاعَةِ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلاٰمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

و برسان ایشان را از جانب من در این ساعت بهتر درود و سلام بارخدایا رحمت کن بر حسن

وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ

و حسین دو بندهٔ خود و دو دوست خود دو پسر پیغمبر خود دو نبیره رحمت دو آقای

شباب اهل الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين

جوانان اهل بهشت بهتر از انچه رحمت کردی بر یکی از فرزندان پیغمبران

والمرسلين اللهم صل على الحسن ابن سيد النبيين ووصي امير المؤمنين

و فرستادگان بارخدایا رحمت کن بر حسن پسر بهتر پیغمبران و وصیت کرده شده امیر مؤمنان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين

سلام باد بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای پسر سید اوصیا

اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما

گواهی میدهم بدرستیکه تو ای پسر امیر مؤمنان امانت دار خدا و پسر امانت دار او زندگانی کردی در حال مظلومیت

ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم

و در گذشتی در حال شهادت و گواهی میدهم بدرستیکه تو امام پاکی راه نماینده یافته شده بار خدایا

صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة افضل التحية

درود و لعنت بر او و برسان روح او را و تن او را از من در این ساعت بهترین تحیت

والسلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة

و سلام بارخدایا رحمت کن بر حسین ابن علی ستم رسیده شهید مقتول کافران

وطريح الفجرة والسلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله

و انداخته فاجران و سلام باد بر تو ای ابو عبد الله سلام باد بر تو ای پسر پیغمبر خدا

السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه

سلام باد بر تو ای پسر امیر مؤمنان گواهی میدهم در حالت یقین بدرستیکه تو امانت دار خدا و پسر امانت دار او

قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك

کشته شده در حالت ستم رسیدگی و در گذشتی شهید و گواهی میدهم بدرستیکه خدای بزرگ طلب کننده خون توست

ومنجز ما وعدك من النصر والتأييد في هلاك عدوك واظهار دعوتك

و وفا کننده است بانچه وعده کرد ترا از یاری و قوت بخشیدن در هلاک دشمن تو و اشکار کردن دعوت تو

واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله

و گواهی میدهم بدرستیکه تو وفا کردی بعهد خدا و جهاد کردی در راه خدا و پرستیدی خدا را

مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك

در حالت خالص تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ترک یاری کردند ترا

ولعن الله امة البت عليك وابرء الى الله تعالى ممن كذبك واستخف بحقك

و لعنت کند خدا گروهی را که ... بر تو و بیزاری میجویم بسوی خدا از کسی که تکذیب کرد ترا و سبک شمرد حق ترا

واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله

و حلال دانست خون ترا پدر و مادرم فدای تو باد ای ابا عبد الله لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا

خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله

فرو گذارنده ترا و لعنت کند خدا کسی را که شنید فریاد ترا پس اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا

من سبى نسائك وانا الى الله منهم بريء وممن والاهم ومالاهم و

کسی را که اسیر کرد زنان ترا و من بسوی خدا از آنها بیزارم و از آنها که دوست داشتند آنها را و همراهی کردند آنها را

اعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب

یاری کرد ایشان را بر او گواهی میدهم بدرستیکه تو و امامان از فرزندان تو سخن پرهیزکاری اند و دروازه

الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن

هدایت و دستاویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم بدرستیکه بشما ایمان دارم

وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي و

و بمنزلت شما یقین دارم و مر شما را پیروی کننده ام بذات نفس خود و بشریعتهای دین خود و خاتمه‌های کردار خود و

منقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين

جای بازگشت خود در دنیای خود و آخرت خود بار خدایا رحمت کن بر علی بن الحسین آقای عبادت کنندگان

الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون

آنکسیکه خالص گردانیدی او را برای خود و ساختی از او پیشوایان هدایت آنانکه هدایت میکنند

بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته

باستی و براستی داد میدهند اختیار کردی او را برای نفس خود و پاک گردانیدی او را از پلیدی و برگزیدی او را

وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من

و گردانیدی او را راه نماینده راه یافته بار خدایا پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی

ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والآخرة انك

فرزندان پیغمبران خود تا برسانی او را بچیزی که روشن گردانی بآن چشم او را در دنیا و آخرت بدرستیکه تو

عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد

غالب حکیمی بار خدایا رحمت کن بر محمد بن علی باقر علم و امام راه نما و پیشوای

اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم كما جعلته علما لعبادك

پرهیزکاران و برگزیده از بندهای تو بار خدایا و چنانچه گردانیدی او را نشان هدایت بندهای خود

ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت

و منار برای شهرهای خود و جای امانت از حکمت خود و ترجمه کننده برای وحی خود و امر کردی خلق را

بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت

برای فرمان بردن او و ترسانیدی مردم را از معصیت او پس رحمت کن بر او ای پروردگار من بهتر از آنچه رحمت کردی

على احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين

بر یکی از نسل پیغمبران خود و برگزیدهای خود و فرستادگان خود و امینهای خود ای پروردگار عالمیان

اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور

بار خدایا رحمت کن بر جعفر پسر محمد ملقب بصادق خزانه دار علم دعوت کننده بسوی تو براستی نور

المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك

آشکار خدایا چنانچه گردانیدی او را کان سخن خود و وحی خود و خزانه دار علم خود

ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما

و زبان توحید خود و صاحب امر خود و نگاهدارنده دین خود پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه

صليت على احد من اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين

بر یکی از برگزیدهای خود وحجتهای خود بدرستیکه تو ستوده بزرگی بار خدایا رحمت کن بر امانتدار

المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد

امین کرده شده موسی پسر جعفر نیکوکار وفا کننده پاکیزه پاک بیان کننده جهد کننده

المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن ابائه ما استودع

احتساب کننده صبر کننده بر ایذا در راه تو بار خدایا وچنانچه رسانید از پدران خود آنچه امانت سپرده شده بود

من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة والشدة فيما كان

از امر تو ونهی تو وبرکشانید بر راه راست وسختی کشید از اهل غلبه وشدت در آنچه بود

يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت على احد

میرسید از نادانان گروه او ای پروردگار من پس رحمت کن بر او زیاده تر وکامل تر از آنچه رحمت کردی بر یکی

ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم اللهم صل على علي بن موسى

از آنها که اطاعت کردند ترا ونصیحت کردند مر بندگان ترا بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی بار خدایا رحمت کن بر علی پسر موسی

الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته

آنکه پسندیدی او را وراضی گردانیدی باو هرکه را خواستی از خلق خود خداوندا چنانچه گردانیدی او را

حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك

حجت بر خلق خود وقائم بامر خود ویاری دهنده برای دین خود وگواه بر بندههای خود

وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة

وچنانچه نصیحت کرد مر ایشانرا در پنهان وآشکار وخواند بسوی راه تو بحکمت وپند

الحسنة فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك

نیک پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود وبرگزیدگان خود

من خلقك انك جواد كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى

از خلق خود بدرستیکه تو صاحب جود وصاحب کرمی بار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزکاری

وَنُورِ الهُدیٰ وَمَعدِنِ الوَفاءِ وَفَرعِ الاَزکیاءِ وَخَلیفَةِ الاَوصیاءِ وَاَمینِكَ

و روشنی هدایت و کان وفا و شاخ پاکان و جانشین وصیت شدگان و امین

عَلیٰ وَحیِكَ اَللّٰهُمَّ وَکَما هَدَیتَ بِهِ مِنَ الضَّلالَةِ وَاستَنقَذتَ بِهِ مِنَ الحَیرَةِ

بر وحی تو بار خدایا چنانچه هدایت کردی با او از گمراهی و رهایی بخشیدی با او از حیرت

وَاَرشَدتَ بِهِ مَنِ اهتَدیٰ وَزَکَّیتَ بِهِ مَن تَزَکّیٰ فَصَلِّ عَلَیهِ اَفضَلَ ما

و راه نمودی با او کسی را که راه یافت و پاک گردانیدی با او کسی را که پاک شد پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه

صَلَّیتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِن اَولِیائِكَ وَبَقِیَّةِ اَصفِیائِكَ اِنَّكَ عَزیزٌ حَکیمٌ

رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و باقی برگزیدگان خود به درستیکه تو غالب صاحب حکمتی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ عَلِیِّ بنِ مُحَمَّدٍ وَصِیِّ الاَوصیاءِ وَاِمامِ الاَتقیاءِ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ

بار خدایا رحمت کن بر علی پسر محمد وصیت کرده شده وصیت کرده شدگان و پیشوای پرهیزکاران جانشین امامان

الدّینِ وَالحُجَّةِ عَلَی الخَلائِقِ اَجمَعینَ اَللّٰهُمَّ کَما جَعَلتَهُ نوراً یَستَضیءُ بِهِ

دین و حجت خدا بر آفریدگان همه بار خدایا چنانچه گردانیدی او را نوری که روشنی طلبند با او

المُؤمِنونَ فَبَشَّرَ بِالجَزیلِ مِن ثَوابِكَ وَاَنذَرَ بِالاَلیمِ مِن عِقابِكَ وَحَذَّرَ

مومنان پس بشارت داده به بزرگی از ثواب تو و بیم فرموده با الم رساننده از عقوبت تو و ترسانیده

بَأسَكَ وَذَکَّرَ بِآیاتِكَ وَاَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَبَیَّنَ شَرائِعَكَ وَ

از عذاب تو و یاد داده آیات ترا و حلال کرده حلال ترا و حرام کرده حرام ترا و آشکار نموده شریعتهای ترا

فَرائِضَكَ وَحَضَّ عَلیٰ عِبادَتِكَ وَاَمَرَ بِطاعَتِكَ وَنَهیٰ عَن مَعصِیَتِكَ

فریضه های ترا و تحریص کرده بر پرستش تو و امر کرده به اطاعت تو و نهی کرده از گناه تو

فَصَلِّ عَلَیهِ اَفضَلَ ما صَلَّیتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِن اَولِیائِكَ وَذُرِّیَّةِ اَنبِیائِكَ یا اِلٰهَ

پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و فرزندان پیغمبران ای خدای

العالَمینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ البَرِّ التَّقِیِّ الصّادِقِ الوَفِیِّ النّورِ المُضیءِ خازِنِ عِلمِكَ

عالمیان بار خدایا رحمت کن بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راست گو وفادار نور روشنی دهنده خزانه دار علم تو

والمذكر بتوحيدك وولي امرك وخلف الائمة الذين الهداة الراشدين

[illegible] و سنده به یکتائی تو و متولی امر تو و جانشین امامان بن راه نمایان راه یابان

والحجة على اهل الدنيا فصل عليه يا رب افضل ما صليت على احد

و حجت خدا بر اهل دنیا پس رحمت کن بر او ای پروردگار من بهتر آنچه رحمت کردی بر یکی

من انبيائك وحججك واولاد رسلك يا اله العالمين اللهم صل على

از پیغمبران و حجتهای تو و فرزندان پیغمبر خدای ای خدای عالمیان بار خدایا رحمت کن

وليك وابنا اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت حقهم و

دوست خود و پسر دوستان خود آنانکه فرض کردی طاعت ایشان را و واجب کردی حق ایشان را و

اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انصره وانتصر به

بردی از ایشان پلیدی را و پاک کردی ایشان را پاک کردنی بار خدایا یاری کن او را و [illegible]

لدينك وانصر به اوليائك واوليائه وشيعته وانصاره و

برای دین [illegible] دوستان خود را و دوستان او را و یاوران او را

اجعلنا منهم اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك واحفظه

بگردان ما را از ایشان بار خدایا پناه ده او را از شر هر ستم کننده طغیان نماینده و از شر همه خلق خود [illegible]

من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه

از پیش روی او و از پس او و از جانب راست او و از جانب چپ او [illegible]

من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك واظهر به

[illegible] رسد به او بدی و حفظ کن در او پیغمبر خود را و آل پیغمبر خود را و آشکار کن به او

العدل وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم به جبابرة

عدل را و تقویت ده او را و یاری ده یاری کنندگان او را و ترک یاری کن ترک کنندگان او را و بشکن به او [illegible]

الكفرة واقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا

[illegible] و بکش به او کافران و منافقان را و همه ملحدان را هر جا که باشند

من مشارق الارض ومغاربها وبرّها وبحرها واملأ به الارض

از مشرقهای زمین ومغربهای زمین وصحرای آن ودریاهای آن وپرکن باو زمین را

عدلاً واظهر به دین نبیک علیه وآله السلام واجعلنی اللهم من

از عدل وآشکار کن باو دین پیغمبر خود را بر او وبر آل او سلام باد وبگردان مرا بارخدایا از

انصاره واعوانه واتباعه وشیعته وارنی فی آل محمد ما یأملون

یاران او ویاری دهندگان او وپیروان او ویاری دهندگان او وبنمای مرا در حق آل محمد آنچه آرزو دارند

وفی عدوهم ما یحذرون اله الحق آمین

ودر دشمنان ایشان آنچه از آن حذر میکنند ای خدای حق مستجاب کن

باب دوازدهم

در بیان نمازهای واجب که مخصوص روزی از ماهی نیست ونمازهای سنت که مخصوص وقتی نیست و اعمالی که بغیر ماههای عربی تعلق دارد ودر آن هشت فصل است **فصل اول** در بیان نماز آیات است بدانکه این نماز واجب است نزد کسوف آفتاب وخسوف ماه خواه کل بگیرد وخواه بعض وزلزله که زمین بلرزد ومشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث میشود که موجب خوف عامه خلق گردد این نماز واجب میشود ومانند بادهای بسیار شدید که برخلاف عادت باشد خواه رنگین باشد خواه نباشد وصاعقه های عظیم ورعدهای بسیار شدید وتاریک شدن هوا وامثال اینها واین قول اقوی است وکیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات دیگر میکنم واجب بجهت آنکه واجب است از برای رضای خدای باقی پس الله اکبر بگوید وحمد ویک سوره بخواند پس رکوع کند پس برخیزد وسنت است که در برخاستن الله اکبر بگوید یا حمد وسوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد ودر رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن حمده بگوید وبعد از آن بسجود رود ودو سجده بجا آورد پس برخیزد ویک رکعت دیگر بجا آورد بستور رکعت اول ودر سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید واگر در هر رکوعی از ده بعد از حمد بعضی از سوره بخواند وبرکوع رود وبعد از سر برداشتن باقی سوره را

بخواند اعاده حمد نمی کند و اگر سوره که پنج آیت باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول خواند
بسم الله آنرا بکند و همچنین در رکعت دوم بیک حمد و سوره همچنین که تفریق کند اکتفامی تواند کرد و بهتر
آنست که بطریق اول بکند و به ده حمد و ده سوره بجا آورد و اگر وقت تنگ باشد و اول وقت نماز کسوف
و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد فقیر و جمعی از
محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقت باقیست و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور
تمام عمر او است و اگر کسی ترک کرده نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست
که قضا میکند آن نماز را مطلقا و بعضی گفته اند بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام
قرص نگرفته باشد و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان علما آنست
که قضای کسوفین بر او واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجب است قضا مطلقا و
قول اول اقوی است و ثانی احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت کنند و طول بدهند بقدر زمان
کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است
و بعضی واجب دانسته اند و مستحب است خواندن سوره های طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن
رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم

و اگر در ایام زلزله اکثر این آیت را بخوانند مناسب است

اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا

بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زائل شوند و اگر زائل شوند نگاه نمیدارد آنها را

مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ کَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا

هیچکس بعد از او بدرستیکه او هست بردبار آمرزنده

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب بخواند این آیه را خانه بر سرش خراب
نشود

فصل دوم

در بیان نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتیکه باران کم
آید و آب چاهها و چشمه ها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد و بجماعت باید کرد
و در قنوتها طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و در قنوتها بهترین دعاها که نوزدهم

صحیفهٔ کامله است و اکثر گفته‌اند که وقتش میان طلوع آفتاب است تا زوال و باید که امام امر کند
مردم را که سه روز روزه بدارند و در روز سوم ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز
دوشنبه بصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه و وقار و مؤذنان عصا بدست گرفته پیش
امام بروند و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند یعنی آنچه بر جانب راست است بر جانب
چپ بگرداند و جانب چپ را بجانب راست و رو بقبله کند و بآواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید پس بجانب
راست بگردد و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ گردد و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو
بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و گفته‌اند که مردم نیز در اذکار با او موافقت کنند پس برگشتن
خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبه‌های منقوله بهتر است و در بعضی
که اگر آن را بعد از خطبه باز بخواند خوب باشد فصل سوم در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله
است سید ابن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت
سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول صلی الله علیه و
آله شاید حضرت رسول نماز جعفر نکرده باشد و شاید جعفر نماز آن حضرت را کرده باشد راوی
گفت که آن نماز را تعلیم کن پس حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت یک مرتبه فاتحه
و پانزده مرتبه سورهٔ انا انزلناه میخوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجدهٔ اول و سر برداشتن و
سجدهٔ دوم و سر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سورهٔ قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و چون فارغ
شوی میان تو و خدا گناهی نمی‌ماند مگر آنکه آمرزیده شده و هر حاجت که طلبی روا شود بعد از آن این دعا بخوان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ إِلَهاً وَاحِداً
نیست معبود بحقی بجز خداوند پروردگار ما و پروردگار پدران ما که گذشته‌اند نیست معبود بحقی بجز خدا
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
و ما او را گردن نهنده‌ایم نیست معبود بحقی بجز خدا پرستش نمی‌کنیم مگر او را در حالتیکه خالص گرداننده‌ایم برای او دین را
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ
اگرچه ناخوش دارند مشرکان نیست معبود بحقی بجز خدا در حالتیکه یگانه است یگانه است یگانه است وفا کرد وعده

نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ
یاری نموده بنده خود را و غالب کردانید لشکر خود را و گریزانید طوایف را به تنهائی پس او راست پادشاهی و مر او راست
وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ
و او بر همه چیز تواناست بار خدایا تو نور آسمانها و زمین هستی و هر که
فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ قَيَّامُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ
در آنهاست پس او راست حمد توئی بر پا دارنده آسمانها و زمین هر که در آنهاست پس مر تراست
الْحَمْدُ وَ أَنْتَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ إِنْجَازُكَ الْحَقُّ وَ الْجَنَّةُ
سپاس توئی حق و وعده تو حق ست و گفته تو حق ست و وفای وعده تو حق ست و بهشت
حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ بِكَ
حق ست و دوزخ حق ست بار خدایا مر ترا گردن نهادم و بتو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و بتو
خَاصَمْتُ وَ إِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا
مخاصمه کردم و بسوی تو محاکمه کردم ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بیامرز مرا آنچه پیشتر کردم
أَخَّرْتُ وَ أَسْرَرْتُ وَ أَعْلَنْتُ أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
و آنچه بعد کردم و آنچه پنهان کردم و آنچه آشکار کردم توئی خدای من نیست معبودی بحق بجز تو رحمت کن بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
محمد و بیامرز مرا و رحم کن بر من و توبه مرا بپذیر بدرستیکه توئی توبه بسیار پذیرنده مهربان

مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهور ست و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده اند و بعضی این نماز را از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایات اختصاص معلوم نمی شود و ظاهرا در سائر ایام توان کرد

فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ست ابن بابویه و عیاشی و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد و بعضی بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و

وشیخ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المومنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده بود و حاجتهای او بر آورده شود و در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند

و چون فارغ شود این دعا بخواند که تسبیح آنحضرت است

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ

منزه است کسیکه پاک نمی شود نشانهای او منزه است کسیکه کم نمی شود خزانه های او منزه است کسیکه

لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ

نیست کم شدن مر فخر او را منزه است کسیکه منقطع نمی شود آنچه نزد او ست منزه است کسیکه انقطاعی ندارد

لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَداً فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلٰهَ غَيْرُهُ

مدت او منزه است کسیکه شریک نمی کند هیچیک را در کار خود منزه است کسیکه نیست معبود بحق غیر او

پس این دعا بخواند يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللّٰهُ

ای کسیکه عفو کرد از بدیها و سزا نداد بآن رحم کن بر بنده خود ای خدا

يَا اللّٰهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ

ای خدا نفس مرا نفس مرا من بنده توام ای آقای من من بنده توام در برابر تو ای پروردگار من

بِكَ إِلٰهِي بِكَيْنُونَتِكَ يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

بتو ای معبود من ببودن تو ای امید من ای بخشاینده من ای فریادرس من بنده تو بنده تو

لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ يَا سَيِّدَاهُ

نیست چاره مر او را ای نهایت خواهش من ای روان کننده خون در رگهای بنده تو ای آقای من

يَا مَالِكَاهُ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

ای مالک من ای آنکه او ست ای آنکه او ست ای آنکه او ست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنىٰ بِي عَنْ نَفْسِي وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرّاً وَلَا نَفْعاً وَلَا أَجِدُ

نیست چاره مرا و نیست بی نیازی من از نفس من و استطاعت ندارم برای نفس خود ضرری و نه نفعی و نمی یابم

ایشان و عطایای ایشان از شان است و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی برای پیغمبران تخم و زراعت کردن را اختیار کرده است کار آن زمین باران که ... حدیث دیگر فرمود که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت و ... حیوانات و از رو داده است تا از قطره از باران آسمان که ... نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت بنشانید والله که مردم کاری از این حلال تر و پاکیزه تر نکنند والله که زراعت خواهید کرد و درخت خواهید نشاند بعد از خروج دجال ...

[illegible]

مِنْ اَصَابِعِهِ تَقَطَّعَتْ اَسْبَابُ الْخَدَائِعِ عَنِّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي

قطع شده است سببهای مکرها و فریبها از من و گداخته شده است هر گمان برده شده از من

اَفْرَدَنِي الدَّهْرُ اِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هٰذَا الْمَقَامَ يَا اِلٰهِي بِعِلْمِكَ هٰذَا

تنها کرده است مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم در برابر تو در این جا ای خدای من بدانست تو این

كَانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ اَنْتَ صَانِعٌ بِي وَلَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي اَتَقُولُ

شد همه آن پس چگونه تو ای کنی بمن کاش من میدانستم که چگونه میگوئی مر دعای مرا آیا میگوئی

نَعَمْ اَمْ تَقُولُ لَا فَاِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي

آری یا میگوئی نه پس اگر گوئی نه پس ای وای من ای وای من ای وای من ای نوحه من ای نوحه من

يَا عَوْلِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي اِلٰى مَنْ وَمِمَّنْ

ای نوحه من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من بسوی که و از که

اَوْ عِنْدَ مَنْ اَوْ كَيْفَ اَوْ مَاذَا اَوْ اِلٰى اَيِّ شَيْءٍ اَلْجَأُ وَمَنْ اَرْجُو وَمَنْ يَجُودُ

یا نزد که یا چگونه یا چه چیز یا بسوی کدام چیز پناه برم و بکه امیدواری نمایم و یا که بخشد

عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِيْنَ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَاِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ

بر من بفضل خود هنگامیکه ترک کنی مرا ای گشاده آمرزش و اگر گوئی آری چنانچه آن گمان

بِكَ وَالرَّجَاءُ لَكَ فَطُوبٰى لِي اَنَا السَّعِيدُ وَاَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبٰى لِي وَاَنَا

بتو هست و امید از تو هست پس خوشحال من من نیک بخت خواهم بود و من سعادتمند خواهم بود پس خوشحال من و من

الْمَرْحُومُ يَا مُتَرَحِّمُ يَا مُتَرَئِّفُ يَا مُتَعَطِّفُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا مُتَمَلِّكُ يَا مُقْسِطُ لَا عَمَلَ

مهربانی کرده شده ام ای رحم کننده ای مهربان ای مهربانی کننده ای صاحب عظمت ای پادشاه ای عدالت کننده نیست عملی

لِي مَعَ نَجَاحِ حَاجَتِي اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونِ غَيْبِكَ

مرا با روای حاجت من سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه گردانیدی آنرا در پنهان شده غیب خود

وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلٰى شَيْءٍ سِوَاكَ اَللّٰهُمَّ بِهِ وَبِكَ وَبِكَ وَبِهِ

و قرار گرفت نزد تو پس بر نمی آید از تو بسوی چیزی که غیر تست بار خدایا بحق آن نام و بحق تو و بحق تو و بحق آن نام

فَاِنَّهُ اَجَلُّ وَاَشْرَفُ اَسْمَائِكَ لَاشَیْ‌ءَ لِی غَیْرُ هٰذَا وَلَا اَحَدَ اَعْوَدُ عَلَیَّ مِنْکَ

پس بدرستیکه بزرگترین و شریفترین نامهای تست نیست چیزی مرا غیر آن نام و نیست کسی نافع‌تر از تو

یَا کَیْنُونُ یَا مُکَوِّنُ یَا مَنْ عَرَّفَنِی نَفْسَهُ یَا مَنْ اَمَرَنِی بِطَاعَتِهِ یَا مَنْ نَهَانِی عَنْ

ای صاحب وجود و ای پدید آورنده ای کسیکه شناسانید نفس خود را ای کسیکه امر کرد مرا بطاعت خود ای کسیکه منع کرد

مَعْصِیَتِهِ وَیَا مَدْعُوُّ وَیَا مَسْئُولُ یَا مَطْلُوبًا اِلَیْهِ رَفَضْتُ وَصِیَّتَکَ الَّتِی

گناه خود و ای خوانده شده و ای سوال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا آنکه

اَوْصَیْتَنِی بِهَا وَلَمْ اُطِعْکَ وَلَوْ اَطَعْتُکَ فِیمَا اَمَرْتَنِی لَکَفَیْتَنِی مَا قُمْتُ اِلَیْکَ فِیهِ

وصیت کرده بودی مرا بآن و اطاعت نکردم ترا و اگر اطاعت میکردم ترا در آنچه فرموده بودی هر آینه کفایت میکردی آنچه برخاسته‌ام بسوی تو

وَاَنَا مَعَ مَعْصِیَتِی لَکَ رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ مَا رَجَوْتُ یَا مُتَرَحِّمًا لِی اَعِذْنِی

و من با وجود گناه خود ترا امیدوارم پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای مهربان بر من پناه ده مرا

مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَمِنْ فَوْقِی وَمِنْ تَحْتِی وَمِنْ کُلِّ جِهَاتِ الْاِحَاطَةِ

از برابر من و از عقب من و از بالای من و از پایین من و از جمیع طرفهای احاطه

بِی اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَیِّدِی وَبِعَلِیٍّ وَلِیِّی وَبِالْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ

من بار خدایا بحق محمد آقای من و بحق علی یاری دهنده من و بحرمت امامان من که راه یابنده‌اند بر ایشان باد سلام

اِجْعَلْ عَلَیْنَا صَلَوَاتِکَ وَرَأْفَتَکَ وَرَحْمَتَکَ وَاَوْسِعْ عَلَیْنَا مِنْ رِزْقِکَ

بگردان بر ما رحمتهای خود را و مهربانی خود را و رحمت خود را و فراخ کن بر ما از روزی خود

وَاقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ وَجَمِیعَ حَوَائِجِنَا یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدِیرٌ

و ادا کن از ما وام و همه حاجات ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

پس حضرت فرمود که هر که این نماز بکند و این دعا بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه

آمرزیده شود **فصل پنجم** در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها

است سید ابن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده

است که فرمود که نادر هم حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل علیه السلام

علیه السلام تعلیم کرده و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام می گفت این دعا را می خواند

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ

منزه است صاحب عزت بلند بلند قدر منزه است صاحب بزرگی متکبر بزرگ

سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ

منزه است صاحب پادشاهی فخر کننده منزه است کسی را که پوشید حسن و جمال را

سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّی بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفَا

تنزیه مر کسی را که متلبس شد بنور و وقار تنزیه مر کسی را که می بیند نشان رفتار مور در سنگ صاف

سُبْحَانَ مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَکَذَا وَلَا هَکَذَا غَیْرُهُ

تنزیه مر کسی را که می بیند بر آمدن مرغ را در هوا تنزیه مر کسیکه او چنین است و نیست چنین غیر او و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد هر نماز خوانده میشود بخوانند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که چون سلام بگوئی تسبیح فاطمه علیها السلام را بخوان بعد از آن این دعا را بخوان یعنی دعائیکه پیش گذشت که گفته است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد سبعه را بخاک بچسباند که چیزی در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات خود را از حقتعالی طلب نماید

یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرَهُ رَبٌّ یُدْعَی یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ إِلٰهٌ یُخْشَی یَا مَنْ لَیْسَ

ای کسیکه نیست بغیر او پروردگاری که خوانده شود ای کسیکه نیست بالاتر از او خدائی که ترسیده شود ای کسیکه

دُونَهُ مَلِکٌ یُتَّقَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ

سوای او پادشاهی که ترسیده شود ای کسیکه نیست او را وزیری که نزد او آمده شود ای کسیکه نیست او را دربانی

یُرْشَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشَی یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلَی کَثْرَةِ السُّؤَالِ

که رشوت داده شود ای کسیکه نیست مر او را دربانی که پوشیده شود ای کسیکه زیاده نمیکند بر بسیاری خواستن

إلا كرماً وجوداً وعلى كثرة الذنوب إلا عفواً وصفحاً صل على محمد

مگر کرم و بخشش را و بر بسیاری گناهان مگر بخشایش و درگذشتن را و درود و بفرست بر محمد

وآل محمد وافعل بي كذا وكذا

و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

پس بجای وافعل بی کذا حاجتهای خود را یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت و کیفیت واحکام نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه سندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب دانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلعم نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانه روزی بحسب صحت سند و کثرت ثواب نمازی باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بر دست حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شده بود و حضرت رسول صلعم بقدر یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش کنم نسبت بتو میخواهی عطیه را ارزان نمایم و میخواهی ترا بر گزینم مردمان گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم فرمود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که صفتش این است که آن چهار رکعت است بدو تشهد و بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخواند و در رکعت دوم سوره والعادیات و در رکعت سوم سوره اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ

تنزیه مر خدای را و حمد مر خدای را که نیست معبودی بجز خدا و خدا بزرگتر است

و در رکوع همچنین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع برمیدارد ده مرتبه و در سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سی صد مرتبه میشود و هزار و دویست مرتبه تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده میشود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت معتبرهٔ دیگر اگر بقدر کف دریاها و بعدد ریگ بیابانها گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در تمام عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که در این نماز مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در سجدهٔ آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ

منزه است کسیکه پوشیده عزت و تمکین را منزه است کسیکه رو آورده بزرگواری و کرامی گشت بآن

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ

پاک است کسیکه سزاوار نیست تنزیه مگر او را پاک است کسیکه احاطه کرده هر چیز را علم او

سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

پاک است خداوند منت و نعمتها پاک است خداوند قدرت و فرمان بار خدایا بدرستیکه من

اَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ

سؤال میکنم بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو و نهایت رحمت از کتاب تو و بنام تو

الاعظم وکلماتک التامة التی تمت صدقا و عدلا صل علی محمد و اهل بیته

که بزرگترست و بسبحان تو که تمام اند آن کلماتی که تمام شده اند براستی و عدل درود و رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او

پس حاجت خود را ذکر کند و شیخ در مصباح این دعا را روایت کرده است با این زیادتی

سبحان ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة والفضل سبحان ذی

پاکست خداوند قدرت و بزرگواری پاکست خداوند غلبه و احسان پاکست خداوند

القوة والطول اللهم انی اسألک

توانائی و طاقت بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم

تا آخر دعا و در مصباح شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نماز جعفر را بجا آورد پس این دعا خواند یا رب یا رب بقدر یک نفس که فوا کند یا رباه یا رباه بقدر یک نفس یا ربّ یا ربّ بقدر یک نفس یا رب یا رب بقدر یک نفس یا الله یا الله بقدر یک نفس یا حلیم یا حلیم بقدر یک نفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه پس این دعا خواند

اللهم انی افتتح القول بحمدک وانطق بالثناء علیک وامجدک ولا غایة

بار خدایا بدرستیکه من ابتدا میکنم سخن را بسپاس تو و گویا میشوم بستایش کردن تو و بزرگی یاد میکنم ترا و نیست نهایتی

لمدحک واثنی علیک ومن یبلغ غایة ثنائک وامد مجدک وانی

مر مدح ترا و ثنا میگویم بر تو و که میرسد بنهایت ثنای تو و انتهای بزرگی تو و کجاست

لخلیقتک کنه معرفة مجدک وای زمن لم یکن ممدوحا بفضلک موصوفا

مر آفریده ترا کنه شناسائی بزرگی تو و کدام روزگار بود که نبود ستوده شده بفضل خود و صفت کرده شده

بمجدک عوادا علی المذنبین بحلمک تخلف سکان ارضک عن طاعتک

ببزرگی خود و بسیار رجوع کننده بر گناهکاران به بردباری خود و تخلف نمودند ساکنان زمین تو از فرمانبرداری تو

فکنت علیهم عطوفا بجودک جوادا بفضلک عوادا بکرمک

پس بودی بر ایشان مهربان بجود و بخشش خود و بخشش کننده بفضل خود و بسیار رجوع کننده بفضل خود

يا لا اله الا انت المنان ذو الجلال والاكرام

اى آنكه نيست خدا مگر تو بسيار نعمت دهنده خداوند بزرگى و بخشش كردن

پس حضرت فرمود اى مفضل هرگاه ترا حاجتى ضرورى رو نمايد نماز جعفر را بكن و اين دعا بخوان حاجت خود را از خدا طلب كن برآورده ميشود ان شاء الله تعالى و اين دعا را شيخ زين العابدين نماز بيست و سيد ابن طاوس رحمة الله عليهما

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدَّى بِهِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ

تنزيه ميكنم آنكه پوشيد عزت و رداء كرد بان تنزيه ميكنم كسى كه رداء خود ساخت بزرگى و بزرگ قدر شد بان

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ جَلَّ جَلَالُهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ

پاكست كسيكه سزاوار نيست تسبيح كردن مگر براى او بزرگست بزرگى او منزه است كسيكه شمار آورد همه چيز را

بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ

بدانش خود و پيدا كرد آنرا بقدرت خود تنزيه ميكنم كسى را كه صاحب احسان و نعمتهاست تنزيه ميكنم كسى كه صاحب توانائى

وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ

و كرامت خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو بجاهاى بستن عزت از عرش تو و انتهاى رحمت

مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً

از كتاب تو و بنام تو كه بزرگترند و سخنان تو كه تمام اند آن سخنان كه تمام شده اند از روى راستى

وَعَدْلاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ

و عدالت اينكه درود بفرستى بر محمد و آل محمد كه پاكان و پاكيزگانند و اينكه جمع كنى براى من خير

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَعْدَ عُمُرٍ طَوِيلٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

دنيا و آخرت بعد عمر دراز بار خدايا توئى زنده و پاينده بلند مرتبه بزرگوار

الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْمُبْدِئُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْمَجْدُ

آفريننده روزى دهنده زنده كننده ميراننده پيدا كننده حاصل كننده مر تراست كرم و مر تراست بزرگى

وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ

و مر تراست احسان مر تراست بخشش و مر تراست فرمان در حالتيكه تنهائى نيست شريكى مر ترا اى تنها اى يگانه

من خلقك وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم السلام

الامنات اسألك بصفوتك

ولا فوق منارها ذو فوقه

الحول كلها في حول الابد

وبك يطول الطائل او

اللهم بك يصول الصائل

الارض تا آخر سوره

ان في خلق السموات و

وانا انزلناه في ليلة القدر ونزل القرآن

رب الناس و آية الكرسي

يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى ويا اهل

ای آنکه باو محتاج اند ای کسیکه زائیده و زائیده نشده و نیست مراو را همتا هیچ یکی ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار

المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور يا ودود يا شكور انت ابر بي

آمرزش ای مهربان ترین مهربانان ای عفو کننده ای آمرزکار ای دوست ای جزا دهنده تو نیکوکارتری بمن

من ابي وامي وارحم بي من نفسي ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهم

از پدر من و مادر من و مهربان تری بمن از نفس من و از مردم همه ای صاحب کرم ای بخشنده بار خدایا

اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك

بدرستیکه من نماز گذاردم این نماز را ازجهت خشنودی تو و طلب احسان تو و عطای تو

ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك ورضوانك وقديم غفرانك

و امیدواری عطای تو و بخشش تو و عفو بزرگ تو و خشنودی تو و آمرزش دیرینه تو

اللهم فصل على محمد وال محمد وارفعها في عليين وتقبلها مني واجعل

خداوندا پس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بلند کن این نماز را در علیین و قبول کن از من و بگردان

نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك فكاك رقبتي من النار والفوز

عطای خود و احسان خود و امید چیزی را که امیدوارم از تو جدا گردیدن گردن من از آتش و ظفر یافتن

بالجنة وما جمعت من انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل

به بهشت و آنچه فراهم آوردی از انواع نعمت و از حسن سیاه چشمان فراخ چشم و بگردان

جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي

عطا مرا از جانب خود آزادی از آتش و آمرزش گناهان من و گناهان پدر و مادر من

وما ولدا وجميع اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين

و آنچه از انها ولادت یافت و همه برادران من و خواهران من مردان مومن و زنان مومنه و مردان مسلم

والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تستجيب دعائي وترحم

و زنان مسلمه زندگان ایشان و مردگان و اینکه مستجاب گردانی دعای مرا و رحم کنی

صَرْخَتِی وَنِدَائِی وَلَا تَرُدَّنِی خَائِبًا خَاسِرًا وَاقْلِبْنِی مُنْجِحًا مُفْلِحًا مَرْحُومًا مُسْتَجَابًا

بفریاد من و بانگ من ورد مکن مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا بمطلب رسیده رستگار رحم کرده شده پذیرفته شده

دُعَائِی مَغْفُورًا لِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ

دعای من آمرزیده شده برای من ای مهربان ترین مهربانان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بتحقیق عظیم شده است گناه

مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْكَ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ

از بنده تو پس باید که نیکو شود عفو از جانب تو ای نیکو در گذشتن ای فراخ آمرزش ای گشاینده

الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا نَفَّاحًا بِالْخَيْرَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَسْئُولَاتِ يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ

هر دو دست برحمت ای بسیار عطا دهنده بنیکوئیها ای بخشنده سوالها ای بسیار جدا کننده جسدها

مِنَ النَّارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي

از آتش درود بفرست بر محمد و آل محمد و جدا کن تن مرا از آتش و ببخش مرا حاجتهای مرا

وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ صَرْخَتِي وَتَضَرُّعِي وَنِدَائِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا

و بپذیر دعای مرا و رحم کن بر آواز من و زاری من و بانگ من و روا کن برای من حاجتهای مرا همه آن

لِدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَدِينِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَذْكُرْ وَاجْعَلْ لِي فِي ذَلِكَ

برای دنیای من و آخرت من و دین من آنچه ذکر کردم از آن و آنچه ذکر نکردم و بگردان برای من در این

الْخِيَرَةَ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا وَاقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي مَغْفُورًا

بهبود و نگردان مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا رستگار رسیده بمطلب اجابت کرده شده برای من دعای آمرزیده

لِي مَرْحُومًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

برای من بخشیده شده ای مهربان ترین مهربانان ای محمد ای ابو القاسم ای پیغمبر خدا ای امیر مومنان

أَنَا عَبْدُكُمَا وَمَوْلَاكُمَا غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ بَلْ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ

من بنده شما و غلام شما هستم در حالیکه عار ندارم و نه بزرگی میخواهم بلکه زاری کننده خوار

عَبْدٌ مُقِرٌّ مُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكُمَا مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوِلَايَتِكُمَا أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِكُمَا

بنده اقرار کننده چنگ زننده بریسمان محبت شمایم پناه برنده از گناهان خود بدوستی شما نزدیکی میجویم بسوی خدا تعالی بشما

وَاَتَوَسَّلُ اِلَى اللهِ بِكُمَا وَاُقَدِّمُكُمَا بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي اِلَى اللهِ جَلَّ وَعَزَّ

و متوسل میشوم بسوی خدا بسبب شما و تقدیم می نمایم شما را پیش روی حاجتهای خود بسوی خدا که بزرگ است و عزیز

فَاشْفَعَا لِي فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي وَاِجَابَةِ دُعَائِي

پس شفیع شوید مرا در رهانیدن تن من از آتش و آمرزیدن گناهان من و قبول کردن دعای من

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعَائِي وَاغْفِرْ لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بارخدایا درود فرست بر محمد و آل او و قبول کن دعای مرا و بیامرز مرا ای مهربانترین مهربانان

و اما احکام این نماز پس رعایت مقصد برای آن می نمایم اول آنکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود و بحسب نیت قضا نافله میتوان کرد و احادیث در این مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترک است دوم روایات وارد شده است و اکثر علما گفته اند که کسیکه مضطر باشد یا تعجیلی داشته باشد بخواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند سوم حدیث صحیح وارد شده است که کسیکه دو رکعت نماز جعفر را بکند و او را امری رو دهد میتواند باقی آن را [illegible] دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین بکند [illegible] چهارم روایت معتبری از حضرت قائم علیه السلام وارد شده است که کسیکه تسبیحات نماز جعفر را در بعضی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده است و اگر باین روایت عمل کند بد نباشد پنجم خلاف است در تعیین سوره ها که مستحب است در این نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول اذا زلزلت و در دوم والعادیات و در سوم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد بخوانند و این با [illegible] در رکعت اول والعادیات و در دوم اذا زلزلت گفته اند و در روایت [illegible] در رکعت اول اذا زلزلت و در دوم [illegible] و در سوم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت [illegible] حدیث صحیح وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد بخوانند و در روایتی وارد شده است

فصل سوم

که هر سوره که خواهد بخواند و این بابویه گفته است که همه را با سورهٔ توحید می توان کرد و ظاهر همه خوبست اگرچه اول و سوم افضل است ششم مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجدهٔ دوم رکعت اول و سوم نشسته میخوانند و بعضی گفته اند بعد از برخاستن رکعت دویم پیش از قرائت میخوانند و عمل مشهور اولی هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت هشتم مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت می باید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائه بخوانند یا بعد از قرائت و عمل بمشهور اقوی و اولیست فصل هفتم در بیان فضیلت اعمال نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار است بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته اند نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمولست و این مطالب در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام و این رساله ذکر گنجایش آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب و اضبط است بحساب و اگر بنای اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست و اما فضائل و اعمال این روز باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق علیه السلام بوده است منقولست که گفت در روز نوروز بخدمت امام جعفر صادق علیه السلم رفتم فرمود که آیا می شناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم می کنند و در این روز تحفه ها و هدیه ها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق پروردگار خانهٔ کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی پس گفتم ای آقای من دانستن این را از برکت شما محبوب تر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حق سبحانه و تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند بپیغمبران و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین از ائمهٔ معصومین

صلوات الله علیهم اجمعین و این اول روزی است که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای آبستن کننده درختان وزیده است و کلها و شکوفه‌های زمین آفریده شده است و درین روز کشتی حضرت نوح علی نبینا علیه السلام بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیک نفخه خداوند قهار همه را میرانید پس از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بران استخوانها گذشت و از پروردگار خود سوال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکرداند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بپاش بر این استخوانهای ایشان در همان جاهای خود که هستند پس چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس قدیم است و باین سبب سنت شد که درین روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره باین قصه نموده است و آنجا که فرموده

الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت

آیا ندیدی بسوی آنانکه برآمدند از خانه‌های خود و ایشان هزاران بودند از جهت حذر از مرگ

فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم

پس گفت ایشان را خدا بمیرید آنگاه زنده گردانید

مفسران گفته‌اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که درین روز جبرئیل علیه السلام بر حضرت رسول بوحی نازل شده است یعنی روز نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسول بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابراهیم علیه السلام نیز درین روز بتهای کافران را شکست و اول اشاره است باینکه سنی و شیعه روایت کرده‌اند بطریق بسیار که شبی رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست پس مراد این است که آن شب این روز بود و فرمود که درین روز حضرت رسول امر کرد اصحاب را

همه بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنان است یعنی روز عید غدیر این روز بوده یا آن روز که سرکرده های اصحاب را گفت بروید و بر علی سلام کنید و بگویید السلام علیک یا امیر المؤمنین این روز بوده فرمود که درین روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد بسوی وادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که درین روز حق خلافت با امیر المؤمنین علیه السلام برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان علیه اللعن با آنحضرت بیعت کردند و درین روز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان که ذو الثدیه می گفتند کشته شد و درین روز قائم آل محمد صلوات الله علیه سلامه ظاهر خواهد شد و درین روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و درین روز قائم علیه السلام ظفر خواهد یافت بر دجال و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بردار خواهد کشید و هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج می کشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست آن روز را عجمان حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما عربان آن را ضایع کردید پس حضرت فرمود به معلی که چون روز نوروز شود غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین خوشبوهای خود را خوشبو گردان و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله های فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره

قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

بخوان و بعد از نماز سجده شکر برو و این دعا را بخوان

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیٰاءِ الْمَرْضِیّینَ وَعَلىٰ جَمیعِ اَنْبِیٰائِکَ

بارخدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد وصیت کرده شده کان پسندیدگان و بر همه پیغمبران خود

وَرُسُلِکَ بِاَفْضَلِ صَلَوٰاتِکَ وَبٰارِکْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکٰاتِکَ وَصَلِّ عَلىٰ

و فرستادگان خود به بهترین درودهای خود و برکت ده بر ایشان به بهترین برکتهای خود درود بفرست بر

[illegible]

فصل هفتم

ارواحهم واجسادهم اللهم بارك على محمد وآل محمد وبارك لي في

روحهای ایشان و بدنهای ایشان ای خدا برکت ده بر محمد و آل محمد و برکت ده ما را در

يومنا هذا الذي فضلته وكرمته وشرفته وعظمت خطره اللهم

روز ما که این است آن روزی که فضیلت دادی او را و بزرگ گردانیده او را و بزرگ کردی قدر او را خداوندا

بارك لي فيما انعمت به علي حتى لا اشكر احدا غيرك ووسع علي

برکت ده مرا در آنچه انعام کردی تا آنکه من نا شکر نکنم هیچکس را غیر از تو و فراخ کن بر من

في رزقي يا ذا الجلال والاكرام اللهم ما غاب عني فلا يغيبن عني

روزی مرا ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن بار خدایا آنچه غایب شود از من پس باید که غایب نشود از من

عونك وحفظك وما فقدت من شيء فلا تفقدني عونك عليه

یاری تو و حفظ تو و آنچه گم کردی از چیزی پس نابود مکن از من یاری خود را بر آن

حتى لا اتكلف ما لا احتاج اليه يا ذا الجلال والاكرام

تا آنکه رنج نکشم از چیزی که احتیاج ندارم بسوی آن ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن

چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام و در غیرت

مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا بسیار بخوانند یعنی سیصد و شصت و شش مرتبه

يا محول الحول والاحوال حول حالنا الى احسن الحال و در روایت دیگر

ای گرداننده سال و حالها بگردان حال ما را بسوی بهترین حال

يا مقلب القلوب والابصار يا مدبر الليل والنهار يا محول الحول

ای بدل کننده دلها و چشمها ای تدبیر کننده شب و روز ای گرداننده سال

والاحوال حول حالنا الى احسن الحال

و حالها بگردان حال ما را بسوی بهترین حال

و ایضا بعضی روایت کرده اند که این عبارت نیز در

روز نوروز بعد از ایام سال بخواند [illegible]

اللهم هذه سنة جديدة وانت ملك قديم اسألك خيرها وخير
بار خدایا این سال نوست و تو پادشاه دیرینه می طلبم از تو خیر این سال و خیر
ما فيها واعوذ بك من شرها وشر ما فيها واستكفيك
آنچه در آنست و پناه میبرم از تو از شر این سال و شر آنچه در آنست و طلب میکنم از تو که کفایت کنی
مؤنتها وشغلها يا ذا الجلال والاكرام
رنج آن را و شغل آن را ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن

اگر خواهی ورد بعد ... ست با دعای دل را خواندن هر چند نمازش کم شود چون سند معتبر وارد بهترست

فصل هشتم در بیان ماه های رومی ست سید جلیل علی بن طاوس رحمة الله علیه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه نشسته بودند حضرت رسالت پناه صلعم داخل شد و بر ایشان سلام کرد ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل علیه السلام مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشید پس حضرت امیر المؤمنین ع و سلمان فارسی رضی الله عنه و دیگران سوال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران بگیر و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه بخوانی و در روایت دیگر سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را نیز هفتاد مرتبه بخوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله بگوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستی و هفت روز در بامداد و پسین از آن می آشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد میکنم که جبرئیل علیه السلام گفت که حقتعالی بردارد از شخصی که این آب را بیاشامد هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند درد ها را از بدن او و رگهای او و اعضای او و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید و بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد و آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزند روزی گردد و اگر زن عقیم

و فرزند نیاورد و از این آب بنیت بیاشامد فرزندان او بوجود آید و اگر فرزندان هر دو پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما یعنی می بخشد حق تعالی هر که را خواهد دختران و می بخشد هر که را خواهد پسران با جفت میکرداند برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را میخواهد عقیم و بی فرزند میکرداند پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صحت یابد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطرهٔ از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را از این آب بشوید باذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن این آب دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو گرداند و لعاب بن دندان را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلاء خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن متاذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زائل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و کر و زمین گیر نشود و آب سیاه بر دیدهاش نزول نکند و درد دیگر موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه جنیان و شیاطین متاذی نگردد پس حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردهائی که مردم می باشند مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاد که هر که این آیات را در این آب بخواند حق تعالی سینهٔ او را مملو گرداند از نور روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت را بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بنزد او فرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد مؤلف گوید این روایت مشهور بعید الله...

و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که چون کسی بسفری بیرون رود بگوید اللهم انت الصاحب فی السفر والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد ...

پسر عمر علیه اللعنه منتهی میشود و باین سبب سند سن ضعیف است و فقیر بخط شیخ شهید علیه الرحمه دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود با این خواص و سورها اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است که بخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی الذی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک هفتاد مرتبه و میگوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص آن مذکور است که اگر کسی در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارک است و منفعت بسیار دارد خواه در نیسان بیارد و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که بیاشامید از آب آسمان که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی می فرماید وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی می فرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سوره ها را و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که می خوانند فائده اش عظیم تر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی می شود و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهی است که حضرت موسی علیه السلام در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل

و در یک شب دیگر در سیصد هزار کس از ایشان مردند و بار سند معتبر از حضرت منقولست
که حق تعالی چلپا را در ماه حزیران نزدیک می گرداند یعنی موت در آن بسیار باشد از آنکه
ماههای رومی بنابر حرکت آفتابست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول
تشرین الآخر کانون الاول کانون الآخر شباط اذار نیسان ایار
حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه را سی می گیرند که آنها تشرین الآخر و نیسان و
حزیران و ایلول اند و در هفت دیگر غیر شباط را سی و یک می گیرند و شباط را در سال
اول و دوم و سوم بیست و هشت می گیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه می گیرند و سال ایشان
سیصد و شصت و پنج روز و ربعیست و تشرین اول که اول سال ایشانست در این سالها در وقت
نزول ... در برج میزانست و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث
مذکور شده است محلی را اینجا ایراد نمودم **باب سیزدهم** در بیان احکام اموات است و در آن
پنج فصل است **فصل اول** در بیان آداب احکام حال احتضار و برداشتن میت است
باید که چون بیمار آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان خود توبه کند و بر
گذشته نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نگردد و وصیت
کند و حقوق خدا و حقوق خلق ... ادا نکرده باشد ... بدیگران نگذارد و به ثلث مال وصیت
کند که بخویشان ... فقرا و مساکین ... برادران
مؤمن طلبد و هر که غیبت او کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان
التماس نماید که ایشان از او عفو کنند و اگر غائب باشند ... باید که ایشان را ...
کرده باشد و از برای ایشان استغفار نماید ... در میان اطفال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس
الهی بامینی بگذارد و ... و باید کفن خود را حاضر سازد و شهادتین
و اقرار بائمه علیهم السلام و اعتقادات ... سنت است که بر کفن نوشته
شود و بهتر آنست که به تربت امام حسین بر آن بنویسند ... کفن را مهیا کرده باشد ...
سنت است که کفن ... باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

کفنش با او باشد و در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه نظرش بران کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در آن وقت امیدوار رحمت حقتعالی و شفاعت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت او است گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله چگونه وصیت کند فرمود که چون

نزدیک وفاتش شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید

اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ

خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین و داننده نهان و آشکارا بخشاینده مهربان

اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو بدرستیکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر تو در حالیکه یگانۀ نیست شریکی

لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السَّاعَةَ

مر ترا و بدرستیکه محمد درود و رحمت خدا بر او و آل او بنده تو است و رسول تو است و بدرستیکه قیامت

آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ

آینده است نیست شکی در آن و بدرستیکه تو مبعوث کردانی هر که را در قبرهاست و بدرستیکه حساب حق است

وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَاْكَلِ وَالْمَشْرَبِ

و بدرستیکه بهشت حق است و آنچه وعده کرده خدا در آن از نعمت از خوردن و آشامیدن

وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ

نکاح حق است و بدرستیکه آتش حق است و بدرستیکه ایمان حق است و بدرستیکه دین چنانست که صفت کردی تو

وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَ

و بدرستیکه اسلام چنانست که قرار داده و بدرستیکه قول چنانست که گفته و بدرستیکه قرآن چنانست که نازل کرده

اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَاِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي رَضِيتُ بِكَ

و بدرستیکه توئی خدای حق آشکار و بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو در خانه دنیا بدرستیکه من راضی شدم

رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ إِمَامًا

از روی پروردگار و باسلام از روی دین و به محمد درود فرستد خدا بر او و اولادش از روی پیغمبر بودن و علی

وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَئِمَّتِي اَللّٰهُمَّ

وبقرآن از راه کتاب و بدرستیکه خانواده پیغمبر تو بر او و آل او و بر ایشان باد سلام پیشوایان من اند خداوندا

أَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ

تو اعتماد منی نزد سختی من و امید منی نزد سختی من و سامان منی نزد اموری

الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَإِلٰهِي وَإِلٰهُ آبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

که فرود آید بمن و تو یاور منی و کارسازی در نعمت من و خدای منی و خدای پدران منی درود فرست بر محمد

وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَآنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي

و آل او و وامگذار مرا بسوی نفس خودم یک چشم بر هم زدن همیشه مونس باش در قبر من وحشت مرا

وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ أَلْقَاكَ مَنْشُورًا

و بگردان برای من نزد خود عهدی روزی که ملاقات کنم ترا گشاده

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این عهد و پیمان میت ست با خدا در زیر که

میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب ست بر هر مسلمانی و صحیفهٔ اعتقادات خود را چنانچه

در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و بهر گواهان بسپارند تا در میان کفن او گذارند

و چون آثار احتضار ظاهر شود این دعا را مکرر بخوانند

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ

خداوندا بیامرز مرا بسیار از نافرمانی تو و قبول کن از من اندک از بندگی تو

تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان در آن وقت بر بالین او بنشینند و او را تنها

نگذارند و نزد او دعا و قرآن بخوانند و تلقین و اعانت نمایند او را بجانب قبله و اعتقاد بوحدانیت

خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامت ائمهٔ هدی

و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سوال قبر و سایر اعتقادات حق را که در تلقین آینده مذکور خواهد شد

و نزد او اگر تواند خواند سوره ... او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی نداند مضمونش را او
القا کنند که در این وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمه طیبه
لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر
سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله بدرستیکه گناهان را
درهم می شکند پس مومن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که
در هنگام مردن این کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پای او را
جانب قبله گردانند تا ملائکه رحمت باو رو آورند و در این وقت حائض و جنب نزد او نباید که ملائکه از
ایشان نفرت می کنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جائز است که برای ضرورت پرستاری
او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است
که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآن جائی که همیشه نماز میکرده است یا بجانماز
او را ببرند یعنی جای نمازی که بر آن نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا هست شفا می یابد و الا
جانش بآسانی بر می آید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار در حال احتضار
دست بر او مگذارید و اگر دست و پا را حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او
قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر حضرت رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر
منقولست که فرزندی از حضرت صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام بر کنار خانه نشسته بودند هر که نزدیک او میرفت منع میکردند و می فرمودند که دست بر او
مگذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانی است هر که دست بر او می گذارد خیال آنست که
او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه
کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید و کلمات فرج این است
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
نیست خدائی مگر خدای بردبار بزرگوار نیست خدائی مگر خدای بلند بزرگ منزه است خدا

رَبِّ السَّمٰوٰاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَ

پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و

مَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

آنچه میانه آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و سپاس خدا را که پروردگار عالمیانست

و در حدیث دیگر منقولست که چون این کلمات را تلقین میتی می کردند حضرت امیر المؤمنین میفرمودند

که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول این کلمات را تلقین شخصی کرد و چون آن شخص مرد

حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میکرداند بر

او که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمی توانند

برا و دست یافت پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج را و شهادتین و توحید خدا

و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلام یک یک را بخصوص تا آن سخن گفتن باز ماند و نیز

سنت است که در آن حال که جان کندن او شد این دعا تلقین او کنند

يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي

ای آنکسیکه قبول میکند اندک را و عفو میکند از بسیار قبول کن از من اندک را و در گذر از من

الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الرَّحِيمُ و بروایت دیگر اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ

بسیار را بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان — بدرستیکه توئی عفو کننده آمرزنده

و چون روح او مفارقت کند سنت است که دهانش را برهم گذارند و چانه اش را ببندند

و چشمهایش را برهم آورند و دستهایش را بپهلوهایش بکشند و اگر پارچه ای باشد بپوشانند

و قرآن نزد او بخوانند و ریش برو ازند مگر بقدر جمع شدن مردمان اگر شب است در موت او

نباشد و اگر شبه باشد تا یقین نشود مرگش بر ندارند و از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که سزاوار آنست که برادران مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر

گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و ثبت ایشان همه ... و در حدیث

حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مومن را در قبر میگذارند ندا میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشت و اول عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرموده که اول تحفه که بمومن میدهند در قبر آنست که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مومنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک را برای او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند از موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد البته هیچ گناه کبیره او آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست که برای کسیکه تشییع جنازه کند اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست خود بردارد پس از پشت جنازه بر دور پای چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع نماید کند از پیش جنازه برود و ملک از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و اکثر علما بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه می کنند پس پای راست پس پای چپ پس دست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولیست و اگر هر دو را بعمل آورند بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها راه روند و پیش جنازه نروند و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر جنازه مومن باشد پیش آن راه رفتن خوبست و پیش جنازه مخالف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب می کنند با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جنازه را ببیند این دعا بخواند

الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا

خدا بزرگتر است این است آنچه وعده کرده ما را خدا و رسول او و راست گفته خدا و رسول او خداوندا بیفزا ما را

ایماناً و تسلیماً الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت

ایمان و تسلیم سپاس خدا را که عزیز است بقدرت و غالب است بندگان را بمرگ

نقلست حضرت صادق علیه السلام
تا آنحضرت رسیدند که در راه که
روایت شده که مشهور است که محققی

هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر او و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون نعش جنازه را ببینی دعا بخوان

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بنام خدا و بیاری خدا خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مومن و زنان مومنه را

منقولست که حضرت امام زین العابدین ع هرگاه جنازه را میدید میگفت

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ

سپاس مر خدا را که نگردانید مرا از گروه هالکان

و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

فصل دوم در غسل دادن میت

بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام میت همه واجب کفائی است یعنی بر همه واجب است اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب می شوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این معنی تعلق بوارث میت دارد و بی رخصت او دیگری متوجه اینها نمی تواند شد و مردان ورثه اولی اند از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط آنست که بی رخصت خود غسل ندهند و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب است برای شیعه اثناعشری و در سنی و سایر فرقه مخالفان خلاف است و ظاهر او جب نباشد مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمی دهند و کفن نمی کنند بلکه نماز میکنند با همان جامه که پوشیده است دفن می کنند و بعضی گفته اند که در جهاد حقی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میت عضوی یافته شود که در آن استخوان باشد می شویند و کفن می کنند و دفن میکنند و بعضی سه کفن را در این حالت واجب دانسته اند و اگر عضوی باشد که دل در آن باشد نماز هم می باید کرد و احوط آنست که اگر سینه را تنها بیابند با چنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای

باید بفرستی پیش فرس ... که
کس شیطان است و دو ما دو شیطان
وسه نفر مصاحبانند و چهار نفر
رفقا اند و پنج نفر معتبر از حضرت
موسی بن جعفر صلوات الله علیهما
منقولست که هرگاه تنها شوند و بگوید
ما شاء الله لا حول و لا قوة
الا بالله اللهم آنسنی وحشتی

میت را بیابند و عضوی که در آن استخوان باشد مشهور آنست که در لته می‌پیچند و دفن میکنند و بعضی
لته پیچیدن واجب ندانسته‌اند و بچه که در شکم ساقط شود هرگاه چهار ماه یا زیاده داشته باشد غسل میدهند
و کفن و دفن می‌کنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته‌اند که سه جامه کفن میکنند و حنوط می‌کنند و اگر
چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته می‌پیچند و دفن میکنند و در روایت در لته پیچیدن مذکور
نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده‌اند در غسل و کفن نه چهار ماه و این احوط است
و اگر عضوی استخوان‌داری از زنده بریده باشند احوط آنست که غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه
اظهر عدم وجوب است و اگر طفلی در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون
می‌آورند و الا پاره پاره میکنند و بیرون می‌آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را
می‌شکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می‌آورند و بهتر آنست که شکم را بدوزند و واجب
است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی هریک
دیگری را غسل می‌توانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت نکند و بهتر آنست که
بدون ضرورت غسل ندهند خصوصاً مرد زن را دوم جائز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن
کسی و در عدت کسی نبوده باشد و در غسل دادن کنیز آقا را خلاف است سوم جائز است که غسل دهد مرد
اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی پنج ساله نیز تجویز کرده‌اند چهارم هرگاه مردی فوت
شود و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن
فوت شده باشد و ظاهر در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل می‌توانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد
زنان را زن و مردان را مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کند و اول
حبره را بعد از آن سرتاسری بعد از آن پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن را برگرداند و لنگ را و بعد از آن
ران‌پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت را در وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است
و مستحب است که در وقت غسل پاهای میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته‌اند و در
سائر احوال با این چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید که رختهایش را بکند و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد اگر خواهد
لنگ به ... و پیراهن را بکند و بر هر تقدیر واجب است که در وقت غسل دادن عورتین میت را بپوشانند مشهور آنست

که واجبست که اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و سنتست که برای حرمت میت پیراهن او را از
پا بیرون بکنند و اگر تنگ باشد با اذن وارث بشکافند و سنتست که در زیر سقفی یا خیمه غسل بدهد که رو به
آسمان نباشد و سنتست که در [illegible] غسل دهنده کسی آب ریزد و دیگری گرداند میت را و مستحبست
که انگشتان میت را بمدارا نرم کنند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارند و واجبست
که میت را سه غسل بدهند اول بآب سدر بعد از آن بآب کافور بعد از آن بآب خالص سنتست که اول
دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشویند بنابر بعضی از روایات پس عورت میت را بشویند و احوط آنست
که چون خواهد عورت را بشوید لته بر دست ببندد که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید
بهترست و سنتست که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشویند و آب بسیار بریزند
تا خوب پاک شود پس دست بالای شکمش بگذارند و بنرمی بهموار بپایین کشند که اگر فضله باشد بیرون آید
و اگر چیزی بیرون آید باز مخرج را بشویند و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر
شکمش نکشند و علما گفته اند که سنتست که غسل دهنده پیش از غسل بکف سدر را بشوید و سنتست که
دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت بگذارد پس وضو دهد میت را بروش
وضوی زندگان بآب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند وضو میدهم این میت را
قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط
آنست که آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر
غسل را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا بکنند پس اول نیت میکند که
این میت را غسل میدهم بآب سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجبست از برای رضای
خدا قربة الی الله پس میت را بآب سدر میشویند و احوط آنست که اول سر میت را
بشویند و بعد از آن بجانب راست و سنتست که سر او و گردن و جانب راست را سه مرتبه بشویند پس میت را بر
پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشویند و سنتست که سه مرتبه بشویند و هر عضوی
که میریزند قطع نکنند تا آب بهمه رسانند و اگر آنکه میت را میگرداند در هنگام [illegible] دست بر پشت و
شکم بمالد بهموار که آب خوب برسد بهترست و سنتست [illegible] تا آنکه بران [illegible] چنان [illegible]

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت لقمان بپسر خود نصیحت فرمود که چون سفر کنی [illegible]

فصل دوم

که آب بزیر انگ و عورت و ران و سائر عضا خوب جاری شود پس میت را بر گرداند و پهلوی راست بخواباند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشویند و در آب سدر
و مشهور آنست که حد ندارد و بعضی گفته‌اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا این با و تنها برای شستن فرج و سائر عضا بیش از غسل بوده باشد و احوط آنست که در آب غسل آنقدر داخل نکند که مضاف شود و آب بن نگویند و در بعضی از روایات در شستن سر جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است شاید بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت بخواباند و ظرفها را آب شویند که از سدر از آنها برطرف شود و اندکی کافور را ریزه می کنند و داخل آب بکنند و غسل دهنده دستهای خود را تا مرفق بشوید و بهتر آنست که دستهای میت را نیز تا نصف ذراع سه مرتبه باب کافور بشوید و فرجش را نیز سه مرتبه بشوید بهمان نحو یکه لته یا دستمالی بر دست پیچد و دست بر شکم میت بکشند بهموار و بهتر آنست که نشکیده دست بر شکم می کشند سر میت را بلند کند که فضلات از آن طرف بیرون رود و لیرا احتیاطاً آب ریزنده و گرداننده هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهم باب کافور از برای آنکه واجب است از برای رضای خدا پس سر را بشویند و سنت است که سه مرتبه بشویند و در هر مرتبه ابتدا از جانب راست سر بکنند و گرداننده بهموار و سعی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحویکه در غسل سدر مذکور شد بشویند پس میت را بر پشت بخواباند و باز دست خود را تا مرفق بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر و کافور در آنها نماند و اگر سبوی دیگر برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط آنست که آب غسل قراح را از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است بر ندارند و از آب بردارند که اینها مطلقاً در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه با آب خالص بشویند و استنجا باد و فرج میت را نیز باب خالص سه مرتبه بشویند و اگر در این وقت نیز بار دیگر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهت آنکه واجب است قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشویند که یکمرتبه واجب است و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که گرداننده بجا آورد وقت آب ریختن دست بکشد

بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت بکشند و چون از هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاسات بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کنند و چنین در دهان و بینی قدری از پنبه داخل کنند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش را بجامه خشک کنند و بعد از آن او را بر روی جامهای کفن بگذارند و سنت است که هر مرتبه که میت را از جائی بجائی کردند این دعا خوانند

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ

خداوندا بدرستیکه این بدن میت بنده مؤمن تست و بتحقیق برآوردی روح او را از آن بدن و تفرقه انداختی

بَيْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ واگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ

میان آنها پس میطلبیم عفو ترا عفو ترا — خداوندا بدرستیکه این بدن کنیز مؤمنه تست

و اگر رو بها بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل مکرر بگوید

رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ

ای پروردگار من میطلبیم عفو ترا عفو ترا

تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد چنانکه از ائمه منقول شده و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست بایستد و گودالی برابر قبله بکند و تخته سر او بلند باشد که آب غسل در آن گودال رود و مکروه است که آب غسل را بجائی که در آن بول و غایط کنند بریزند و اگر جائی باشد که نافذ خانه در آن ریزند ضرر ندارد و مکروه است میت را بآب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که ناخن میت را بگیرند یا موی او را بگیرند یا بشانه کنند و اگر بگیرد یا ناخن و موی او در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد و با میت دفن کنند و بسند معتبر منقول است که زنانی از حضرت امام محمد باقر پرسیدند که چون حضرت امام صادق علیه السلام داوند وفات یافتند که با آن غسل کنند ... گفت سه مرتبه با آب قراح غسل دهند و احوط آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر بیش از آن هم دهند خوب آنست که بسیار ...

غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد
تیمم دهند او را و ظاهر آنکه یک تیمم کافی است و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند
که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سه گانه کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای
رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطاً قربة الی الله و همچنین
قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست
میت و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر دو ضرب تیمم بدهد یکی برای رو و یکی برای دستها
خوب است و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند

فصل سوم

در کفن کردن
میت است واجب است که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول آنها لنگ است که از ناف
تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند که سنت است که سینه را بپوشاند و بعضی گفته اند که سینه
را بپوشاند و تا پاها برسد دوم پیراهن است و سوم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشاند و بعضی از علما
گفته اند که پیراهن است و دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر
بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد
و احوط آنست که با اینها لنگ نیز بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافی است و باید که کفن حریر
محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نبوده باشد احوط آنست که کفن از پوست
نبوده باشد و بهتر آنست که از مو و پشم نیز نبوده باشد و مستحب است که از پنبه سفید بوده باشد
و سنت است که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بوده که از یمن
می آورده اند و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما
گفته اند که سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند و
بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کنند اگر چه
سندش بنظر نرسیده و سنت آنست که خرقه طویلی که عرضش یک شبر و نیم باشد و طولش اقلا سه
ذراع و نیم باشد تا دو ذراع و دست زیاده کنند برای ران پیچ با آنکه سنت آنست که
و بر کمر میت ببندند و پنبه بسیار بر عورت و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند

و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند بهتر باشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از زیر
بخیه بکمرش بسته اند بیرون آورند و محکم ببندند که فرج او و پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها را
بهم آورند و رانهارا با یکدیگر با آن خرقه سخت ببندند تا زانوها و بهر جا که منتهی شود سرش را بآنچه
پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد پیدا کنند که بر دور سرش بگردانند و موافق مشهور
بزیر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از هر دو طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند چپ را بر جانب
راست و راست را بر جانب چپ و بدل عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه
زن ببندند که پستانهای او بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی
که تازه کنند آستین و ... شسته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست و بدین آستین
و باستین پاکی میت اما تکمه ها و بند ها پیش را ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در
پیراهنی که در آن نماز بسیار کرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بهتر
و سنت است که در جامه که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحب است که کفن خوب و پاکیزه
و مناسب میت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان
خود را که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنت است که در قیمت
کفن مضایقه و ... نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و سنت است موافق
مشهور که بر کفن شهادتین و اقرار بائمه معصومین ع بنویسند و دعای جوشن کبیر و غیر آن را بعضی
روایات وارد شده است و سنت است که بتربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما
گفته اند که سنت است که کفن را بریسمانی که از و بیرون آورند بدوزند و باب دهان تر نکنند
و سنت است که در وقتیکه غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند دستهایش تا دوش تا مرفق
بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن واجب است حنوط کردن میت را با آنکه بر هفت
موضع سجده او یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشتان مهین پا کافور بمالند
اگر چه اندکی باشد بهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بزنند و اگر اول
باطن گردن ... بندهای پا و بندهای دست و در فقها و زیر بغلها ... ببندند ...

و سائر بندها را بالندا حوط است و بهتر آنست که کافور حنوط و کافور خام جود انه باشد و مقدار آن
بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر ازین آنست که مثقالی باشد و بهتر
ازین آنست که سیزده درم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه و آله که تنها
هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور غسل ازین مقدارها نباشد و سنت مؤکد
سنت که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که با این دو چوب تر تا
میت را عذاب نمی کنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب
درخت سدر و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هم
نرسند هر چوب تری خوبست و باید که تر باشند و تازه از درخت بریده شده و خشک
هر چند از درخت خرما باشد اما کهنه بریده شده فایده نمیکند و باید که هر یک بقدر شبر
بوده باشد یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر
بیشتر است و ظاهرا همه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها بپیچند تا رطوبت شان بیشتر
باشد و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر گردن گذارند و ملصق به بدن سازند و
دیگری را از جانب چپ میان پیراهن و ستر تا سری بگذارند و سر آن را نیز بچنبر گردن گذارند و بعضی
گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند به تربت شریف و اگر تقیه باشد و جریده
نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان آید
در میان قبر فرو برند و باید که کفن واجب میت از اصل مال او است مقدم بر دین و وصیت و میراث
و اگر چیزی نگذاشته باشد رختهای او را تطهیر کنند و بآنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد
برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت می توان کرد و خالی
از قوتی نیست و سنت موکد است که مومنان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مومنی را چنانست که ضامن جامه او
شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مومنی قبری چنانست که او را در خانه موافق
نیکو جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجب است هر چند زن مالدار باشد همچنین کفن بنده.

بر صاحبش واجب است و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند آنرا می شویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر می گذارند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر با لگن و آفتابه ببرند و بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن بنجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد کفن را نیز بآن عنوان بشویند و این احوط است و جمعی گفته اند که مکروه است کفن را با آهن بریدن و گفته اند از مشائخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنت است که بالینش بجانب قبله باشد مسئله و در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله می کنند و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اول سر را می شویند و آخر بدن را و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود گل رست می ریزند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست در حکم چنین کسی که اول خون را می شویند و آب بر وی می ریزند در غسل و دست بر بدنش نمی مالند و جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافوری پاشند بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را می شویند و بعد از آن بدن را پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله میگردانند

فصل چهارم در نماز میت است و این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی هم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می شود و واجب است نماز بر هر شیعه اثناعشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهر القصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است و جائز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان که ائمه علیهم السلام را خدا دانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و ...

که جدا از جسم میت برانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلاف است و ظاهر امخیر است میان آنکه
نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت بر او بکند و در موضع تقیه کسی نباید که نزد او
ترین مردم به نماز میت وارث اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت
نمی توان کرد و با نفراد می توان کرد و احوط آنست که تا توانند از ایشان رخصت گرفتن بی رخصت
نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر
خود قابلیت پیش نمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد
و جایز است که زن پیش نمازی زنان بکند و با ماموان در یک صف بایستد و مرد باید که
پیش بایستد اگر چه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان
بایستند و اگر حائض باشد سنت است که در صف جدا بایستد و واجب است که نماز گذارنده رو بقبله
بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط
در منفرد آن است که از برابر جنازه بیرون نباشند و واجب است که میت را بر پشت بخوابانند
و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حائض بی وضو این نماز می توانند کرد
و احوط آنست که سائر شروط نماز یومیه را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت
و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله آنها منافی افعال نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان
و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت
تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی اخبار آنست که بدون عذر هم تیمم مستحب است
و می باید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد
و نماز بر میت نمی توان کرد تا او را غسل و کفن بکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را
بقبر بگذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد
و سینه زن بنابر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشند در کار نیست
کندن و اگر پا برهنه باشند بهتر است و واجب است که نیت کنند و بهتر آنست که چنین نیت کنند

که نماز براین میت حاضر بکنیم از برای آنکه واجب است قربة الی الله پس پنج تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را برابر گوشها بردارد یعنی در غیر تکبیر اول سنت می دانند دست بر داشتن را و اول واجب است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف است و اظهر وجوب است و ظاهر این دعای مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ و بعد از دوم اَللّٰهُمَّ صَلِّ

گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا بحق و گواهی میدهم آنکه محمد فرستاده خداست خداوندا رحمت فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ و بعد از سوم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از چهارم

بر محمد و آل محمد — خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتِ و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود و مخیر است و موافق مشهور آنست که چنین کند و بعد از نیت بگوید

خداوندا بیامرز این مرده را

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا

خدا بزرگتر است گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا بحق در حالتیکه یگانه است نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ پس بگوید

بنده او و فرستاده او است فرستاد او را براستی بشارت دهنده و ترساننده پیش از قیامت

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

خدا بزرگتر است خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى

و رحم کن محمد و آل محمد را مانند بهتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم نمودی بر

اِبْرَاهِيمَ وَاٰلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلِّ عَلٰى جَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ پس بگوید

ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری و رحمت فرست بر همه پیغمبران و مرسلان

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

خدا بزرگتر است خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان مسلمان و زنان مسلمه

[illegible]

الاحياء منهم والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات انك مجيب

زنده‌های ایشان و مرده‌ها متابعت بده در میان ما و میان ایشان بنیکی‌ها بدرستیکه تو اجابت کننده

الدعوات انك على كل شيء قدير پس بگويد الله اكبر اللهم ان هذا عبدك

دعاهائی بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خدا بزرگترست خداوندا بدرستیکه این بنده

وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم

و پسر بنده تست و پسر کنیز تست فرود آمد نزد تو و تو بهترین فرود شدگانی خداوندا بدرستیکه ما ندانیم

منه الا خيرا وانت اعلم به منا اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان

از و مگر نیکی و تو داناتری باو از ما خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر هست

مسيئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندك في اعلا عليين واخلف

گناه گار پس درگذر از و و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش بر

على اهله في الغابرين وارحمه برحمتك يا ارحم الراحمين پس بگويد الله اكبر و اگر

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن بر و برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان خدا بزرگترست

مى شود و اگر زن باشد مى گويد اللهم ان هذه امتك وابنة عبدك وابنة امتك

خداوندا بدرستیکه این کنیز تست و دختر بنده تست و دختر کنیز تست

نزلت بك وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خيرا وانت اعلم

فرود آمده است بتو و تو بهترین فرود شدگانی خداوندا بدرستیکه ما ندانیم از و مگر نیکی و تو داناتری

بها منا اللهم ان كانت محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة

باو از ما خداوندا اگر هست احسان کننده پس زیاده کن در احسان او و اگر هست گناه کار

فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندك في اعلا عليين واخلف

پس درگذر از او و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش

على اهلها في الغابرين وارحمها برحمتك يا ارحم الراحمين

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن او را برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان

واگر بعد از سه چهار تکبیر این دعا بخواند خوب است

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه در حالیکه نیست شریکی او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و پیغمبر او

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مومن و زنان مومنه را خداوندا بدرستیکه این

الْمُسَجَّى قُدَّامَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَقَدْ قَبَضْتَ رُوحَهُ إِلَيْكَ وَقَدِ احْتَاجَ

چادر بوش کرده پیش ما بنده تست و پسر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را بسوی خود و بتحقیق محتاج

إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهِ اللّٰهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْ ظَاهِرِهِ إِلَّا خَيْراً

بسوی رحمت تو و توئی بی نیازی از عذاب او خداوندا بدرستیکه ما نمی دانیم از ظاهر او مگر نیکی

وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهِ اللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِناً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ

و تو داناتری به پنهان او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر

مُسِيئاً فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِ

گنهکار پس درگذر از گناهان او

واگر زن باشد بگوید

اللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ الْمُسَجَّاةَ قُدَّامَنَا أَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَقَدْ قَبَضْتَ رُوحَهَا

خداوندا بدرستیکه این چادر بوش کرده پیش ما کنیز تست و دختر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را

إِلَيْكَ وَقَدِ احْتَاجَتْ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهَا اللّٰهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ

بسوی خود و بتحقیق محتاج است بسوی رحمت تو و توئی بی نیازی از عذاب او خداوندا ما نمی دانیم

مِنْ ظَاهِرِهَا إِلَّا خَيْراً وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهَا اللّٰهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ

از ظاهر او مگر نیکی و تو داناتری بباطن او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن

فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهَا

در نیکی او و اگر هست گنهکار پس درگذر از گناهان او

بلکه موافق جمع بین الاحادیث بهتر است واگر بعد از هر تکبیر این دعا را بخوانند نیز خوب است

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی مگر خدا در حالتیکه یگانه است نیست شریکی او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده و پیغمبر او

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بر امامان راهنما و بیامرز ما را و برادران ما را

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ

که سبقت کردند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ما بدرستیکه تو

رَؤُوفٌ رَحِيمٌ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِأَحْيَائِنَا وَأَمْوَاتِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَأَلِّفْ

آمرزنده مهربانی خداوندا بیامرز زنده های ما را و مرده های ما را از مردان مومن و زنان مومنه و الفت ده

قُلُوبَنَا عَلَىٰ قُلُوبِ أَخْيَارِنَا وَاهْدِنَا لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي

دلهای ما را بر دلهای بهتران ما و راه نمائی کن ما را بسوی چیزیکه اختلاف کرده شده در آن از حق باذن تو بدرستیکه تو هدایت میکنی

مَنْ تَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ

کسی را که میخواهی بسوی راه راست خداوندا بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز تو و تو داناتری باو

افْتَقَرَ إِلَىٰ رَحْمَتِكَ وَاسْتَغْنَيْتَ عَنْهُ اللّٰهُمَّ فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَزِدْ فِي حَسَنَاتِهِ

محتاج است بسوی رحمت تو و بی نیازی تو از او خداوندا پس درگذر از گناهان او و افزون کن در نیکیهای او

وَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَنَوِّرْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و بیامرز او را و رحم کن او را و نور بخش او را در قبر او و بیاد ده او را حجت او را و لاحق کن او را به پیغمبر او درود فرستد خدا بر او

وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ

و آل او و محروم مگردان ما را از اجر او و میازما ما را بعد او

و اگر زن باشد از اول این دعا بخواند تا

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و بعد از آن میگوید اللّهمّ امتک ابنة عبدک ابنة امتک انت اعلم بها

خداوندا کنیز تو دختر بنده تو دختر کنیز تو تو داناتری بآن

افتقرت الی رحمتک واستغنیت عنها اللّهمّ فتجاوز عن سیّئاتها وزد

و محتاج ست بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از و خداوندا پس درگذر از گناهان او و زیاده کن

فی حسناتها واغفر لها وارحمها ونوّر لها فی قبرها ولقّنها حجّتها

در نیکیهای او و بیامرز او را و رحم کن او را و نور بخش مر او را در قبرش و تلقین کن او را حجت او

والحقها بنبیّها صلّی الله علیه واله ولا تحرمنا اجرها ولا تفتنّا بعدها

و لاحق کن او را به پیغمبر او درود فرستد خدا بر او و اولاد او و محروم مکن ما را اجر او و مفتون مکن ما را بعد او

و تکبیر پنجم نیز وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید

ربّنا آتنا فی الدّنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النّار

ای پروردگار ما عطا کن ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش

و اگر میّت مخالف مذهب نمازگذارنده باشد بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر

او مذمت و لعن کند و بهتر این ست که چنین بگوید

اللّهمّ اخز عبدک فی عبادک وبلادک اللّهمّ اصله حرّ نارک

خداوندا رسوا کن این بنده خود را در بندگان خود و شهرهای خود خداوندا در آور او را گرمی آتش

اللّهمّ اذقه اشدّ عذابک فانّه کان یوالی اعدائک ویعادی اولیائک

خداوندا بچشان او را سخت ترین عذاب خود پس بتحقیق که بود که دوست میداشت دشمنان ترا و دشمن میداشت دوستان ترا

ویبغض اهل بیت نبیّک صلّی الله علیه واله

و دشمن میداشت اهل بیت پیغمبر ترا رحمت خدا بر پیغمبر و اولاد او

و اگر میّت مستضعف باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان حق و باطل نکند یا آنکه مذهب

او را ندانی [illegible] باشد [illegible] اهل بیت علیهم السلام

دشمنی نداشته باشد و دشمنان ایشان نباشد [illegible]

اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم

خداوندا بیامرز جماعتی را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا و نگاهدار ایشانرا از عذاب دوزخ

و اگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید

اللهم ان هذه النفس انت احييتها وانت امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها مع من احبت

خداوندا بدرستیکه این نفس تو زنده کردی آنرا و تو میرانیدی او را خداوندا متوجه کن او را

بآنچه متوجه بوده و محشور گردان ورا با کسیکه دوست میداشت

و اگر میت طفل و نابالغ باشد بگوید

اللهم اجعله لابويه ولنا سلفا وفرطا واجرا

خداوندا بگردان او را برای پدر و مادرش و برای ما پیشرو و پیش رسنده و مزد

و مشهور در همه آنست که دعاها بعد تکبیر اول را میخواند بنحویکه گذشت و این دعا را بعد از تکبیر
چهارم میخواند و بر سنی اگر نماز کند تکبیر پنجم را نگوید و سنت است که بر جای خود بایستد
تا جنازه را بردارند خصوصا پیشنماز و نماز جنازه را در مسجدی توان کرد و مشهور آنست که
اگر در مسجد نکند بهتر است و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست در جواز
آن و در میت که کسیکه نماز نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در اثنای نماز برسد بقصد جمع
ملحق میشود و دعاها که خود پیش را می باید خواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود بقیه را
با دعاهای مختصر بخواند اگر جنازه را بردارند و اگر دور شود باید که دو تکبیر باقی را پی در پی
بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز کنند هر چند دفن شده
باشد و همه وقت نماز جنازه می توان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ باشد که حاضره را مقدم
میدارد و بهتر آنست که با وسعت وقت نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت نماز
جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت **فصل پنجم** در آداب دفن میت است و آداب بعد از آن
سنت است که تا میت را در قبر بگذارند نشینند و واجب است کفایة دفن کردن میت

و قدر واجب آنست که میت را در گوری پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور گردد و

و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجب است بقول

مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است

کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که انقدر فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر

زمین سست باشد و لحد نتوان کند بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند

با آنکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که توان نشست و دو طرف داشته باشد که

خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست که در مانند سرداب و

تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خم گذارند

و سرش را ببندند و [illegible] با اندازند اگر ممکن باشد و الا او را سنگین کنند و رو بقبله بآب

اندازند و چون جنازه نزدیک بقبر رسد سنت است که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد

و اگر زن باشد برابر قبله بگذارند و مشهور است که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند

و مرتبه چهارم او را بقبر می برند و آنچه در روایات معتبره وارد شده است آنست که چون

میت را نزدیک قبر رسانی او را بناگاه در قبر مبر که کار را بر او سنگین مکن و پایین تر از قبر بدو

ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا تهیه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای

عظیم است [illegible] و دعا کن خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است که سر میت را

پیش کنند و از نزد پای قبر سرازیر بقبر فرو برند و جمعی از علما گفته اند که زن را از پهنا

قبله میگیرند و بعرض قبر می برند و سرازیر نمی کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است

و سنت است که شخصی که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش و ردا

را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جائز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد

و خواه جفت [illegible] اکثر علما گفته اند که مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه

از احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر

اقارب را باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او او را بقبر برد

واگر محرم نبوده باشد زن صالحه ببرد واگر زن نبوده باشد مرد صالح ببرد و در رفتن و
بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبر باشد سنت است که چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهٖ

خداوندا بنده تو پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمد بتو و تو بهتر از کسانیکه فرود آمده شوند باو

و چون میت را بردارد که بقبر برد بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اِلٰى

بنام خدا و بیاری خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا براو و آل او خداوندا بسوی

رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهٗ فِىْ قَبْرِهٖ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهٗ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ

رحمت تو نه بسوی عذاب تو خداوندا فراخی کن برای او در قبر او و یاد ده او را حجت او را و ثابت گذار او را بقول

الثَّابِتِ وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ

ثابت و نگاهدار ما را و او را از عذاب قبر

و چون در قبر بگذارد سنت است که بندهای کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف
راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر سر او از خاک بلند ترکند بدنیست و خشتی بر پشت
بگذارد که بر پشت نیفتد و سنت است که مهری از تربت حضرت امام حسین در برابر روی
او بگذارد و اگر تربت آنحضرت در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ

پس سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ

بنام خدا و بیاری خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا براو و اولاد او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ فِىْ قَبْرِهٖ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهٖ

خداوندا درود فرست بر محمد و اولاد محمد خداوندا فراخی کن او را در قبر او و لاحق کن او را به پیغمبر او

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ

درود فرستد خدا بر او و اولاد او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر هست

مُسِيئًا فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجَاوَزْ عَنْهُ پس بگوید اَللّٰهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ

گنه‌کار پس بیامرز او را و ترحم کن او را و درگذر از او خداوندا دور دار زمین را

عَنْ جَنْبَيْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا پس بگوید اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ

از دو پهلوی او و بالا بر عمل او را و بنما او را از خود خوشنودی خداوندا بنده تو

وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ

و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا گشاده

لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّهِ حُجَّتَهُ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ وَقِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ

برای او در گور او و بنما او را حجت او را و برسان او را به پیغمبر او و نگاهدار او را از شر منکر و نکیر

بِسْمِ اللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بنام خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولاد

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ

خداوندا بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا

افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ

گشاده کن برای او در گور او و برسان او را به پیغمبرش خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر نیکوئی و تو

أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا و بروایت دیگر بگوید اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ

داناتری باو از ما خداوندا ای پروردگار من بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو

وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا

و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاده کن در نیکوئی او و اگر باشد گناهکار

فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَالِحِ شِيعَتِهِ

پس درگذر از او و برسان او را به پیغمبر او که محمد است درود فرستد خدا بر او و آل او و نیکوکاران شیعه او

واهدنا وایاه الی صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک

وراه نما ما را و او را بسوی راه راست خداوندا می خواهم عفو تو عفو تو

اللهم هذا عبدک فلان و بجای فلان نام او را بگوید وابن عبدک قد نزل

خداوندا این بنده تو فلان و پسر بنده تو بود فرود آمد

بک وانت خیر منزول به فقیرا محتاج الی رحمتک اللهم ولا نعلم

بتو و تو بهترین فرود آمده شده که بتحقیق نیازمند شده بسوی رحمت تو خداوندا و نمیدانیم ما

منه الا خیرا وانت اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته اللهم جاف

از و مگر نیکوئی و تو داناتری به پنهان او و مائیم گواهان آشکار او خداوندا دور کن

الارض عن جنبیه ولقنه حجته واجعل هذا الیوم خیر یوم اتی علیه

زمین را از دو پهلوی او و بیاموز او را حجت او را و بگردان این روز را بهترین روزی که گذشت

واجعل هذا القبر خیر بیت نزل فیه وصیره الی خیر مما کان فیه ووسع

و بگردان این قبر را بهترین خانه که فرود آمده در و بگردان او را بسوی بهتر از آنچه بود در آن و فراخ گردان

له فی مدخله وانس وحشته واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده

برای او در جای آمدنش و رام کن وحشت او را و بیامرز گناه او را و محروم مکن ما را از ثواب مصیبت او و گمراه مکن ما را بعد از او

وسنت که در این حال عقائد حقه را تلقین کند خصوصا ولایت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

دست راست را بگیرد و دست چپ بر دوش چپ او و حرکت دهد و تلقین کند

اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم یا فلان بن فلان هل انت علی

بشنو بفهم بشنو بفهم بشنو بفهم ای فلان پسر فلان آیا تو هستی بر

العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک

عهدی که مفارقت کردی ما را بر آن از شهادت اینکه نیست خدائی مگر خدا به یگانگی که نیست شریک

له وان محمدا صلی الله علیه واله عبده ورسوله وسید النبیین وخاتم

مر او را و بدرستیکه محمد بنده او و رسول او و سید پیغمبران و آخر

الْمُرْسَلِينَ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِمَامٌ افْتَرَضَ اللّٰهُ
فرستاده شدگان و بدرستیکه علی امیر مومنان است و سرور اوصیا و امامیکه واجب کرده است
طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ
طاعت او را بر عالمیان و بدرستیکه حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر
عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی
وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ
و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت مهدی درودهای
اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَجُ اللّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَأَئِمَّتُكَ
خدا بر ایشان پیشوایان مومنان و حجتهای خدا بر خلق همه و پیشوایان تو
أَئِمَّةُ هُدًى أَبْرَارٌ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ إِذَا أَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ رَسُولَيْنِ
پیشوایان هدایت نیکان ای فلان پسر فلان هرگاه بیایند ترا دو فرشتگان و مقرب درگاه دو فرستاده
مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَأَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ
از نزد خدا که بزرگ است و بلند و سوال کنند ترا از پروردگار تو و از پیغمبر تو
وَعَنْ دِينِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ قِبْلَتِكَ وَعَنْ أَئِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ
و از دین تو و از کتاب تو و از قبله تو و از امامان تو. پس مترس
وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللّٰهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
و بگو در جواب ایشان خدا که بزرگست بزرگواری او پروردگار منست محمد درود خدا بر او و فرستاده
آلِهِ نَبِيِّي وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ
اولاد او پیغمبر منست و اسلام دین منست و قرآن کتاب منست و کعبه قبله منست و
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى
امیر المومنین علی پسر ابوطالب امام منست و حسن پسر علی برگزیده

إمامي والحسين بن علي الشهيد بكربلا إمامي وعلي زين العابدين

امام من است وحسين پسر علي شهيد در كربلا امام من است وعلي زينت عابدان

إمامي ومحمد بن علي باقر علم النبيين إمامي وجعفر الصادق إمامي

امام من است ومحمد پسر علي باقر علم پيغامبران امام من است وجعفر صادق امام من است

وموسى الكاظم إمامي وعلي الرضا إمامي ومحمد الجواد إمامي

وموسى كاظم امام من است وعلي بن موسى الرضا امام من است وامام محمد تقي امام من است

وعلي الهادي إمامي والحسن العسكري إمامي والحجة المنتظر إمامي

وعلي نقي راهنما امام من است وحسن عسكري امام من است وحجت خدا انتظار برده شده امام من است

هؤلاء صلوات الله عليهم أجمعين أئمتي وسادتي وقادتي وشفعائي

اين جماعت درودهاي خدا بر ايشان همه پيشوايان من اند وسروران من وپيشوايان من وشفاعت كنندگان من

بهم أتولى ومن أعدائهم أتبرأ في الدنيا والآخرة ثم اعلم

با ايشان تولى مينمايم واز دشمنان ايشان بيزاري ميجويم در دنيا وآخرت بعد از ان بدان

يا فلان بن فلان أن الله تبارك وتعالى نعم الرب وأن محمدا صلى الله عليه

اي فلان پسر فلان بدرستيكه خداي بلند وبلند خوب پروردگاري است وبدرستيكه محمد درود خدا

وآله نعم الرسول وأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وأولاده

وآل او خوب رسولي است وبدرستيكه امير المؤمنين علي پسر ابو طالب واولاد او

الأئمة الأحد عشر نعم الأئمة وأن ما جاء به محمد صلى الله عليه

امامان يازده گانه خوب ائمه اند وبدرستيكه انچه آورده است آنرا محمد درود خدا بر او

وآله حق وأن الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق

وآل او حق است وبدرستيكه مرگ حق است وسؤال منكر ونكير در قبر حق است

والبعث حق والنشور حق والصراط حق والميزان حق وتطاير

وبعث حق است وزندگي بعد مرگ حق است وپل صراط حق است وميزان حق است وپريدن

اَلْكُتُبَ حَقٌّ وَاَلْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ

کتابها حق است وبهشت حق است ودوزخ حق است وبدرستیکه قیامت آینده است نیست شکی

فِيهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ پس بگوید اَفَهِمْتَ يَا فُلَانُ حدیث

دران وبدرستیکه خدا مبعوث میکند کسیکه در قبر است آیا فهمیدی ای فلان

که میت در جواب میگوید فهمیدم ثَبَّتَكَ اللّٰهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَدَاكَ اللّٰهُ اِلٰى صِرَاطٍ

ثابت وارد ترا خدا بالقول ثابت هدایت کند ترا خدا بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ عَرَّفَ اللّٰهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ پس بگوید

است شناسا و بدخدا میان تو و میان دوستان تو در قرارگاهی از رحمت خود

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاصْعَدْ بِرُوحِهِ اِلَيْكَ وَلَقِّهِ

خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او و بالا ببر روح او را بسوی خود و بنما او را

مِنْكَ بُرْهَانًا اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ پس خشت بر لحد بگذارد و آجر پخته نیز

از خود برهانی خداوندا میخواهیم عفو ترا عفو ترا خوبست وخشت خام بهترست

واگر خشت عریض باشد دست بگذارد و بر خشتها خشت دیگر بگذارد و با گل پخته

بگیرد واگر خشتها کوچک باشد بزرگ کند بر بیرا تعدیر خشتها را محکم کند هماکه بر ست ... زود وقت وچیدن خشتها باید بخواند

اَللّٰهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ

خداوندا وصل کن تنهائی او را ومونس شو وحشت او را و مبدل کن خوف او را وجا بده

اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ

بسوی او از رحمت خود رحمتی که بی نیاز گردانی او را بآن از رحمت غیر خود

فَاِنَّمَا رَحْمَتُكَ لِلظَّالِمِينَ و در روایت دیگر دارد ثمة يَسْتَغْنِي

پس جز این نیست که رحمت تو برای ظالمانست رحمتی که بی نیاز شود

بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ

بآن از رحمت آنکه جز تست ومحشور کن او را با کسیکه همیشه دوست میداشت او را

و مکروه است فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را بتابوت گذاشتن مگر آنکه زمین آب
برآرد یا نم بسیار داشته باشد و چون از میت با بی قبر بیرون آید بگوید

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهٗ

بدرستیکه ما بنده خدائیم و بدرستیکه بسوی او رجوع کننده ایم و سپاس خدای را که پروردگار عالمیانست خداوندا بلند کن درجه او را

فِیْ اَعْلٰی عِلِّیِّیْنَ وَاخْلُفْ عَلٰی عَقِبِهٖ فِی الْغَابِرِیْنَ وَعِنْدَكَ نَحْتَسِبُهٗ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

در مرتبه بلند علیین و خلیفه باش بر عقب او در باقیماندگان و نزد تو حساب میکنیم از اجر او ای پروردگار عالمیان

پس سنت است که حاضران بپشت کف خاک در قبر بریزند و اگر بشکم دست کفها را پر کنند
و بریزند نیز خوبست و سنت است که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن بگویند

اَللّٰهُمَّ اِیْمَانًا بِكَ وَتَصْدِیْقًا بِكِتَابِكَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ

خداوندا از راه ایمان بتو و تصدیق به کتاب تو چیزیست که وعده کرده است ما را خدا

وَرَسُوْلُهٗ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَمَا زَادَنَا اِلَّا اِیْمَانًا وَتَسْلِیْمًا

و پیغمبر او و راست گفت خدا و رسول او و نیفزود ما را مگر ایمان و قبول کردن

و در حدیث است که هر که چنین کند و اینه عا بخواند حق تعالی بعدد هر ذره از خاک حسنه از برای
او بنویسد و مکروه است که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که مورث قساوت قلب است و دوری
از رحمت الهی و سنت است که بغیر خاک قبر میت نریزند که ما بهت بر میت و سنت است
که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی هم آورده گفته اند ظاهر
هر دو خوب باشد و در سنت که یک شبر نیز مجوز باشد و مستحب است که قبر را چهار گوشه کنند
و روی هن کنند و خر پشته نکنند بنحویکه سنیان می کنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند
و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمی کنند و سنت است که آب ریزنده
رو بقبله بنشیند و ابتدا از پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا بپیش پا و بگرداند بجانب
دیگر و بریزد تا بپیش سر و بعد از آن بمیان قبر بریزد و سنت است که آب قطع نکند و متصل بریزد
تا تمام شود و مستحب است که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالیکه انگشتان ایشان گشاده باشد

و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند و ر ولیقید باشند و از بعضی روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَاَصْعِدْ اِلَیْکَ رُوحَهُ وَلَقِّهِ مِنْکَ

خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او و بالا بر بسوی خود روح او را و ملاقات ده او را از جانب خود

رِضْوَاناً وَاَسْکِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تُغْنِیهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ

خوشنودی و ساکن کن در قبر او از رحمت خود چیزی را که بی نیاز کند او را از رحمت کسی که سوای تست و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مونث بیاورند و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و بآواز بلند آن تلقین که گذشت بار دیگر بکند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوب است و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر نکیر میگویند بیا برویم که تلقین حجتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست پس میگردند و سوال نمی کنند و مکروه است عمارت بر قبر زدن و بر سر قبر بسیار ماندن و رو مالیدن بر قبر مگر قبور ائمه و انبیا و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه است در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدیکه در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن بلکه بجهة زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمت افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و مشهور آنست که از برای مصیبت گریبان چاک کردن و جامه

دریدن برای غیر پدر و برادر و پسر ایشان جائز است بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصاً بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جائز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قائل شده اند که زنیکه موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجب است که کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و بعضی گفته اند که گناه دارد و کفاره بر او نیست و در غیبت که سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما قائل شده اند که واجب است کفاره بر زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون برآید و بر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره همین ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد و بعضی واجب ندانسته اند و احوط عمل به مشهور است و لازم است اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بی حساب کرامت میفرماید و باید که صاحب مصیبت بسیار بگوید

اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ

هر آئینه ما منقادیم خدا را و هر آئینه بسوی اوست بازگشت ما را

تا ثواب آن گذشته او آمرزیده شود و هرگاه که آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین این دو کلمه آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر آورد اگر چه بعد از مدتی باشد و بگوید

اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِیْ

بدرستیکه ما برای خدائیم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کنندگانیم و سپاس خدای پروردگار عالمیان خداوندا مزد ده مرا

عَلٰی مُصِیْبَتِیْ وَ اَخْلِفْ عَلَیَّ اَفْضَلَ مِنْهَا

بر مصیبت من و خلیفه باش بر من بهتر از آن

ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیت ایشان بکنند و ایشان را تحریص بر شکیبائی کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیت آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که

[illegible]

صبر فرماید اند و ثنا گوید او در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را حله نیکوئی از حله‌های
بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را ثواب
آن صاحب مصیبت بدهد و کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و مروی است که ثواب تعزیه صبر کردن
بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت تغیر وضع خود بکند تا او را بشناسند و جایز است گریه و ندبه
کردن که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزی که بد باشد
برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه گر نیاورند و مستحب است تعزیه و دیگران
خصوصا همسایگان برای صاحب مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که
چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم میگیرد یا آنکه جامه‌های رنگین نمی پوشد و زینت نمیکند و سنت
موکد است زیارت قبور مؤمنان خصوصا خویشان چون داخل قبرستان شوند بگویند

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ
سلام باد بر صاحبان دیار از مؤمنان و مسلمانان شما برای ما پیش روانید و ما
إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و در روایت دیگر السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ
اگر خواهد خدا بشما لاحق شونده‌ایم سلام باد بر شما ای اهل دیار
الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا
از مسلمانان و مؤمنان ببخشد خدا پیشینیان را از ما و پسینیان را و بدرستیکه
إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و در روایت دیگر السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ
اگر خواهد خدا بشما لاحق شونده‌ایم سلام باد بر شما ای اهل دیار از
قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللَّهُ
گروه مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد شما پیش روندگانید و ما شما را پیرواییم ببخشد خدا
الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
پیشینیان را از شما و پسینیان را و بدرستیکه ما از خداییم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کننده‌ایم
و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه انا انزلناه بخواند

[illegible]

[illegible]

از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گرددو در روایت دیگر خدا او و صاحب قبر را بیامرزد و سنت ست که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و سنت ست که این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصَاعِدْ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ

خداوندا دور گردان زمین را از پهلوهای ایشان و بلند کن بسوی خود ارواح ایشان را و ملاقات ده ایشان را

مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُونِسُ

از جانب خود خوشنودی و ساکن گردان بسوی ایشان از رحمت خود چیزی که وصل کنی بآن تنهائی ایشان را و انس

بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در روایت معتبر دیگر این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ

دهی بآن وحشت ایشان را بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی — خداوندا رحم کن

غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاٰنِسْ بِهِ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ

غربی او را و وصل کن تنهائی او را و رام کن بآن ترسیدگی او را و ایمن کن ترس او را و ساکن کن بسوی او از

رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ

رحمت خود آنچه بی نیاز شود بآن از رحمت شخصی که سوای تست و برسان او را بشخصی که دوست میداشت

و بروایت دیگر مستحب ست که نزد قبر سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان قبرستان ببخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح کند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحب ست و در احادیث معتبره وارد شده است که بر هر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیاد آورد که صعب ترین مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب او حبط میشود نباید که شیون و فریاد کند و واویلا و واثکلاه بگوید و در حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از و برود و صبر کند بهترست برای او از آنکه هفتاد فرزند از و بماند که همه سوار شوند

و در راه خدا جهاد کند و منقول است که هر که را دوست میدارد بهترین فرزندان او میگیرد
و منقول است که ثواب مومن از مردن فرزندش بهشت است خواه صبر کند و خواه نکند
و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق در مصیبت این دعا میخواندند

الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء ان یجعل
سپاس مر خدا را که نگردانید مصیبت مرا در دین من و سپاس خدا را که اگر میخواست میگردانید
مصیبتی اعظم مما کانت والحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان
مصیبت مرا بزرگتر از آنچه هست سپاس مر خدا را بر امری که میخواهد آنکه بشود پس شد

و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و امید ایشان به فرزندان و خویشان و برادران مومن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براه اند خصوصا دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه و پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست که قرض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گردانند و حج و سایر عبادتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کنند باستیجار یا بتبرع بعمل آورند و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطینا میخواندند و بسند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی باشد و حق تعالی آنرا وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو بگویند که این فرج که ترا رو داده است بسبب نمازیست که فلان برادر مومن برای تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوان کرد فرمود بلی فرمود

که میت شاد می شود و فرح می یابد بدعا و استغفاری که برای او کنند چنانچه زنده شاد می شود
بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و
سائر عملهای خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در
حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف
میکرداند و میت باین عمل منتفع میکردد و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی بجهت
میتی تصدق بکند حقتعالی جبرئیل را امر فرماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند
و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلام علیک ای دوست
خدا این هدیه فلان مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود حق تعالی هزار شهر در
بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج می نماید و هزار حله باو می پوشانند و
هزار حاجت او روا میکردانند و در حدیث معتبر منقول است که شش چیز بمومن میرسد بعد از
وفات او اول فرزندیکه از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او
بماند و مردم بعد از و بخوانند سوم درختی که بکارد و مردم از آن نفع یابند چهارم آبی
که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است که مردم آن را
عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند آن باب چهاردهم در بعضی
احکام زکوة و خمس و اعتکاف است و در آن سه فصل است فصل اول در زکوة آیات
و احادیث بر وجوب آن و عقاب ترک کنندگان آن بسیار است از آن جمله حقتعالی می فرماید

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ
فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ
لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

یعنی آن کسانیکه جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند و در راه الهی صرف نمایند
پس بشارت ده ایشان را بعذاب دردناک در آن روز که سرخ کنند این طلا و نقره را در آتش جهنم
و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان را و بایشان گویند این مالهائیست که از برای خود
جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
ندهد قیراطی از زکوة را که لازم است پس او نه مؤمن است و نه مسلمان است و در وقت مردن استغاثه
میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ

یعنی تا وقتیکه بیاید یکی از ایشان را مرگ گوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا شاید عمل شایسته
کنم در آن مالی که بعد از خود گذاشتم و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و اهلبیت
طاهرین علیهم السلام بطرق صحیحه منقولست که کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة آن را ندهد
حقتعالی او را در روز قیامت محشور خواهد نمود در زمینی لغزنده که بایستادن نتواند بر آن و مسلط سازد
بر او ماری را که زهرش از مارهای دیگر عظیمتر است و در عقب او گردد و او از وی گریزد
تا چون او برسد و داند که از آن خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس بدندان
بگزد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان فرو برد پس طوق گردد در گردن

او و این است معنی قول حق تعالی

سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

یعنی زود باشد طوق کرده شوند در گردن ایشان چیزی را که بخل ورزیدند در دنیا بآن در راه
خدا و در روز قیامت و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة آن را ندهد
حق تعالی حبس کند او را در صحرائی هموار و پامال کنند او را هر حیوانی که شاخدار است بشاخ
خود و گزند او را بدندان [illegible] و هر کس زمین [illegible] داشته باشد
یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را ندهد او را بپوشانند قطعه از زمین با طبقه هفتم

طوق کرده در گردن او اندازند و آن همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد حق تعالی آن مال را اژدهائی گرداند در گردن او که دائم گوشتش را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلائق فارغ شوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرموده که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نشود مگر به ندادن زکوة و حق تعالی می فرماید

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

یعنی مثل جماعتی که صرف می نمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیرها مانند دانه ایست که بروید از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی مضاعف میگرداند باضعاف این از برای که خواهد و آیات و اخبار درین باب بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده خدا و رسول صلی الله علیه و آله داشته باشد کافی است و اما اجناسی که در آنها زکوة واجب میشود پس جنس است اول طلا هر گاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یک سال بماند که بدل نکنند و تغیر نداشته باشد مقدار چهل و یک آن از زکوة می باید داد و بعد از آن هر چهار اشرفی که زیاده می شود بعد از سال چهل و یک می باید داد دوم نقره است هر گاه برسد که تخمینا دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق زر رائج و سکه داشته باشد یکسال بحال خود بماند بعد از سال چهل و یک می باید داد و همچنین هر چند چهل درهم زیاده شود که دوازده هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک آن را می باید داد سوم شتر است و نصاب آن دوازده است اول پنج شتر است و در آن یک گوسفند است دوم ده شتر است و در آن دو گوسفند است سوم پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در آن پنج گوسفند است و گوسفند یکه میدهند باید هفت ماهه یا زیاده داشته باشد و کمتر نباشد اگر بز میدهند یکساله یا زیاده باشد ششم بیست و شش شتر است و در آن یک شتر است باید که تمام یکساله یا زیاده باشد و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا زیاده بدهند هفتم سی و شش شتر است باید که شتر

تا ده دو ساله یا در سه **هشتم** چهل و شش است باید شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند

نهم شصت و یک است و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهند **دهم** هفتاد و

شش است و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند **یازدهم** نود و یک است

باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند **دوازدهم** صد و بیست و یک است و هرچه

زیاده شود در هر پنجاه یک شتر ماده سه ساله میدهد و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهد

چهارم گاو است در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یک ساله یا در دو میدهد و در هر چهل گاو

یک گاو ماده دو ساله یا در سه میدهد پنجم گوسفند است و در چهل گوسفند یک گوسفند واجب است

و در صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند است و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجب

است و در سیصد و یک گوسفند احوط آنست که چهار گوسفند بدهد و چون بچهار صد برسد هرچه

زیاده شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرط است

که در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشند زکوة واجب نیست و اگر

بعضی از سال چریده باشند و بعضی علف ملک خورده باشند احوط آنست که اگر چریدنش بیشتر

باشد زکوة بدهند و بچه ها را تا شیر میخورند حساب نمی باید کرد بنابر مشهور و احتیاط در آن است که از

روزیکه متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات نیز شرط است که سال بر ایشان

بگذرد و سال زکوة یازده ماه است چون ماه دوازدهم داخل میشود زکوة واجب می شود

و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشد پس اگر بار کشند یا خیش کنند زکوة واجب نیست

و گوسفند و بز را برابر هم حساب میکنند و گاو و گاومیش را برابر هم حساب میکنند و شتر

ماده و لوک را برابر هم حساب میکنند **ششم** و **هفتم** و **هشتم** و **نهم**

گندم و جو و خرما و مویز است و شرط است که هر یک بنصاب برسند و نصاب بسیصد

و شصت من و نیم [illegible] درم است بسنگ تبریز و انگور هرگاه [illegible] باشد احوط

آنست که زکوة بدهند و شرط است این غلات [illegible] رسیده باشند اگر گندم و جو را

جدا [illegible] باشند زکوة [illegible]

بر مساجر واجب است و اگر مزارعت بکیرد به نصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک
بر مالک واجب است و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهائی به نصاب رسید باشد
پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشد
ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخاب خورده باشد بست و یک میدهند
و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشد پانزده یک میدهند
و احوط و اقوی آنست که غیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را بدر نکنند در دادن
زکوة و چون اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط آنست
که اول ارباب خبرت را بیاورد که تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازد که تا آن
نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورد از غوره و انگور حلال باشد با آنکه آنچه بردارد بکشد و حساب
یا آنچه بردارد عشر غوره را بدهد و همچنین گندم و جو وقتیکه دانه به بندد و بعضی از علما گفته اند که زکوة
واجب است در حبوبات مانند برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هرگاه به نصاب جو
و گندم برسند بهمان شرائط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة در اینها سنت است
و در مادیان که در علف مباح چرا کنند و سال بر و بگذرد زکوة سنت است پس اگر پدر و مادرش
عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگی میدهد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی
نباشند یک اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قائل شده اند و مشهور آنست که سنت است
و آن مالی است که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بآن
داشته باشد و می باید که قیمت آن یکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال نصاب باقی باشد و در
تمام سال از مایه کم نشود که یا بمایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنت است که زکوة
یک سال را بدهد و اگر مایه باقی باشد هر سال چهل و یک را میدهد و اگر معاوضه کند در اثنای سال بقصد
تجارت خلاف است و احوط آنست که باز بدهد و سنت است که در وقت درو کردن اگر فقیر حاضر
باشد هر فقیر را دسته گندم بدهد هر قدر در دستش در آید و در وقت چیدن خرما و انگور یک مشت بدهد و در زکوة
حساب نکنند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست که ترک نکنند اما مستحق زکوة پس هشت طائفه اند

اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سال خود و عیال خود را نداشته باشند
و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود بآن توانند گذرانید و احوط آنست که صالح باشند
و گدا و سائل بکف نباشند سوم کسی است که امام علیه السلام نصب میکند برای گرفتن زکوة
و حصه باو میدهد و در زمان آن نمی باشد غالبا و سهم چنین چهارم که مولفة قلوبهم اند و در زمان
نمی باشند غالبا پنجم صرف کردن در آزادی بندگان است مثل آنکه آقای غلام خود را مکاتب کرده است
که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد از ادای آن اگر بر آقا زکوة واجب شده باشد باید که قدری
از زکوة را بمال کتابت او حساب کند والا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که با آقا بدهد و آزاد شود
یا غلامی که از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند ششم قرضداران اند که قرض
کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند در ادای قرض ایشان می توان داد هفتم فی سبیل الله است
یعنی صرف در راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زوار ائمه معصومین علیهم السلام
و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است در زمانیکه جهاد حق باشد و
این احوط است هشتم ابن السبیل است و آن کسی است که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بجای خود
نداشته باشد بقدر رفتن باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسیکه باو زکوة
میدهند غیر مولفه شیعه اثنا عشری باشد و احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصاً
شراب خوردن و دیگر شرط است که واجب النفقه آنکس نباشد مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند
بالا روند و فرزندان و فرزندزادگان هر چند پائین روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را به
خویشان پریشان بدهند غیر آنها که مذکور شدند اگر شرائط را داشته باشند و غیر سید زکوة
بسید نمی تواند داد و غیر سید احوط آنست که بشریف ندهد و بهتر آنست که زکوة به مجتهد
یا عالمی که مصارف زکوة را داند که بمصرف برساند فصل دوم در خمس است بدانکه خمس در
هفت چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگگاه باشد خواه
بیرون دوم معادن است مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و عنبر و قیر و نفط
و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن را بدر برد و پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد

بعضی گفته اند نصابش یک دینارست تا به بیست دینار برسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته
اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اول طلاست و اکثر متاخرین باین قائل شده اند و خالی از قوتی
نیست و اگر چند کس شریک باشند باید که حصهٔ هر یک جدا بنصاب برسد سوم گنج ست یعنی
مالیکه در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در انجا مسلمانی نباشد هر چند
سکهٔ اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام بیابند و سکهٔ اسلام نداشته باشد و به بیست دینار یعنی
بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس آنرا بدهد و باقی از وست و اگر نقره باشد بدویست درهم برسد که موافق
نزده و دو از ده هزار و ششصد دینارست و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن بیکی از این دو مقدار
برسد و اگر سکهٔ اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور
میان علما آنست که حکم لقطه دارد می باید که یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد
و الا مخیرست میان مالک شدن و تصدق کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در صورت اول صاحبش
پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است
و اگر در زیر زمین بوده است گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قائل
شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران او رسیده باشد از وست
اگر خمس آنرا بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند بایع نزدیک را و اگر نشانی
بدهند که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان بدهد علی المشهور و الا از وست و باز احوط آنست که خمس آنرا بدهد
و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم او چیزی بیابد تعریف میکند بایع و اگر نشان نداد از وست
و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی چیزی بیابد خمس بدهد احتیاطا و باقی از وست و بآن ملحق
کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو اگر محتمل باشد که در خانهٔ مالک سابق خورده باشد احوط آنست
که تعریف او بکند چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب آن
معتبرست و مشهور آنست که نصابش یک دینارست یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند
و اگر چند مرتبه در آورد همه را بنصاب باهم حساب میکند هر چند در یک دفعه کمتر از نصاب آورده باشد علی الاحوط
و اگر چند کس شریک باشند حصهٔ هر یک باید بنصاب برسد و عنبر را اگر از دریا بغوص آورند حکم

مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست
که بهر حال خمس آن را بدهند و رعایت نصاب در آن نکنند **پنجم** فاضل مؤنت سالیانه است
از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمی باشد
و خرج سالیانه را که بیرون کنند قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف
کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد آن را هم بیرون
میکند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاده آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که
هر چه حاصل شود و خرج بکند و زیادتی را روز بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضروری
واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت
ائمه معصومین علیهم السلام و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون میکنند و همچنین تعدیات و زیادتیها
ظلمه میکنند جمیع را بیرون میکنند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح رح قائل شده است
که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی
جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائیکه گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین
باو برسد خمس می باید داد و عمل باین روایت احوط است **ششم** زمینی است که یهودیان
و نصرانیان و مجوسان از مسلمانی بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن را بارضای ذمی میگیرند
و اگر خانه یا باغ بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض
این نوع خمس نشده اند **هفتم** مال حلالی است که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آن را
ندانند و مقدار حرام را ندانند خمس آن را میدهند بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی آن را مخصوص
سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمی توان داد و ظاهرا بهر دو توان داد و اگر بسید
بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نیز داند آن مقدار را واجب است
که بصاحبش بدهد و اگر صاحب داند و مقدار را نداند با صاحب باید که صلح کند و بعضی گفته اند
که در این صورت خمس را بصاحب بدهد و بعضی گفته اند مقداری را که علم دارد بصاحب میدهد
و باقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند

سعی میکنند تا صاحب را بهم رسانند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکنند و این صورت و صورت
اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از ان صاحب پیدا شود
خلاف است آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد و اما مستحق خمس مشهور میان علما
آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیت کریمه است حصه خدا و حصه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و ذوی
القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول خدا از امام زمان علیه السلام است و نصف دیگر سه
حصه میشود که به یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابنای سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق
مشهور کسی است که منسوب باشد از جانب پدر به عبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت
و در یتیم احوط آنست که پریشان باشد و ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود برود و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که در زمان حضور امام علیه السلام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت می برده اند و حضرت نصف را خود میداشتند
و نصف را بآن سه فرقه سادات میداده اند که مذکور شدند و بهر یک بقدر کفایت ایشان در یک
سال میداده اند و آنچه زیاده می آمده خود بر میداشتند و اگر وفا نمیکرد از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان
بمنزله عیال امام علیه السلام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل امینی
بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان
غیبت خلاف است و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه به نیابت آنحضرت بسادات
بدهد و اگر چیزی زیاده آید حفظ کند و بعد از ان خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیاید باو بدهد و الا از
برای آنحضرت ضبط کند و این فرض درین زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیار اند و خمس
دهندگان کم اند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این
سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال
کرده باشند بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت
ابی عثمان عمری و پسر او محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع
خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده حضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که درین زمان نیز نایب
عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید که بگیرند و بسادات که عیال آنحضرت اند

برسانند والا باید سادات که اشرف خلق اند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس العوض آن با ایشان داده اند و بسبب اختلافی که در میان علما هم رسیده است و بعضی از علمای عصر که عتبار اجرات داده اند بر منع خمس باعث این شده است که اکثر سادات در نهایت فقر و فاقه مسکنند اند و حقوق ایشان و اجداد ایشان در ذمهٔ اغنیا می ماند و بر تقدیریکه امام بر ایشان رحم کرده باشد و در زمانها که از تقیه و خوف و تعدیات خلفای جور بر ایشان و از تمرد شیعه حلال کرده باشد ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطرار ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال و مردم در قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق علیه السلام فرمود که من یکدرهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و میگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که احسانی با جمعی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم او را در روز قیامت اکثر علما را آنست که اگر صاحب مال خود بخدمت امام علیه السلام رساند یا بسادات بدهد بری الذمه نمی شود مگر آنکه بمجتهد عادل برساند که ایشان بفقرا قسمت کنند احتیاط در این حکم واضح است

فصل سوم در بیان فضیلت و کیفیت

اعتکاف

اعتکاف ماندن است در مسجد جامع جهت عبادت و آن سنت مؤکده است مقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه مبارک رمضان چنانچه سید المرسلین صلی الله علیه و آله همیشه در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می نمودند مگر یک سال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال دیگر بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای سال گذشته و ده روز ادا و از آنحضرت منقولست که اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان برابر است بحج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره و امثال اینها بالغیر واجب می شود و اگر بنذر واجب شده باشد و نکرده باشد احوط آنست که پسر بزرگ قضا کند و بعضی گفته اند که بر مجرد شروع کردن واجب میشود و بعضی گفته اند روز سوم واجب میشود

[illegible]

بین بیست و ششم و بیست و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هر چه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمی شود تا آن اسباب وجوب بفعل نیاید و این محل قوّتیست و احوط آنست که در اول شبهائی که تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند بیرون رود و کار خود که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی درین مضایقه کرده اند و ظاهرا عارض و مانع اعم از عذر ضروری است و محل این شرط در اعتکاف سنّت نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب به نذر نزد گفتن صیغه نذر است و خالی از اشکالی نیست و فایده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد اگر چه در روز سوم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند قضا برو واجب نیست اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف نمی باشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند و خلاف درین باب بسیار است و مسجد این ده بناها که پا معلوم نیست و مسجد بصره درین اوقات ویران است و اعتکاف در آن مشکل است و گفته اند مراد مسجد مکه و مدینه آن قدر یست که در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مسجد بود نه آنچه بعد از آن حضرت الحاق کرده اند و ظاهرا در هر مسجد جامع اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگیست در بلد که در آنجا نماز با جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر بآنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند و متعدد و باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان و سایر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد محل تأمل است و احوط آنست که اگر در مکه و مدینه و کوفه نباشند در غیر آن مساجد مخصوصه در جامع بسازند در بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند و اگر مسجد [illegible] کبیر شهر باشد [illegible] است و غایت احتیاط آنست که قصد کنند که اعتکاف [illegible] مسجد اگر مشکوک [illegible] باشد بعنوان اعتکاف معتبر فیها و الا در عبادت [illegible] از [illegible] قربة الی الله شرط است و در اعتکاف لبث سه روز

بابیشتر و مشهور آنست که دو شب میان داخل اند و بعضی گفته اند شب اول نیز داخل است و احوط
آنست که نزدیک بغروب آفتاب بنیت اعتکاف بکند تا شام روز سوم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند
نهایت احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب خواه
سنت و در سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند
شوهر زن را و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان
بی رخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازد و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهر آنست قصد قربت کافی
است و واجب است که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز
جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مومن یا حاضر شدن در جنازه مومن یا قضای حاجت
مومن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در
غسل جمعه بنابر قول باستحباب آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست
که نمی توان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات
اگر کسی نداشته باشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن
و گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی ننشیند
تا بر گردد بمسجد و بهتر آن است که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیکتر
بمطلب برود و به بیت الخلای نزدیکتر برود و اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاده از ضرورت
واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف است
نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا می تواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر
سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمی شود مگر آنکه زمان بسیار بکشد که او را معتکف نگویند
و همچنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را نیز از مسجد بیرون نکند و بعضی
منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهر اگر داخل مسجد باشد ... ندارد و بدانکه حرام است
بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرام است بوسیدن بشهوت و دست
بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از همه اگر چه بشهوت نباشد و حرام است

طلب منی کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه عادتش آن باشد که از و منی آید بسبب آن و احوط آنست که لعبت دست بر ذکر نمالد و حرام است بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گلی که باشد علی المشهور و باید که جدل و نزاع با کسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقدر اظهار حق و خرید و فروش نکند مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط آنست که وکیلی از برای خود نگیرد و بدیگری آنها را نکند و احوط آنست که مطلقا معاملات خود را واقع نسازد و عقد نکاح را و جمیع آنها که در اعتکاف حرام است در روزها و شبها همه حرام است مگر خوردن و آشامیدن که در شب جایز است نه در روز و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل می کند اگر در روز بفعل آورد و در شب افطار می تواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را واقع میتواند ساخت و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب اگر کسی جماع کند اعتکاف او باطل می شود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف سنت خلافست و احوط آنست که کفاره بدهد اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند اگر آنها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اول احوط است بلکه اظهر پس اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه مبارک واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند که اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد و آن بیوجه است و بیع و شرا و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره باینها واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و باینچه ضرور بود اکتفا کردیم **خاتمه** در بیان کفارات است بدانکه کفاره بر دو نوع است **اول** کفارات احرام حج و عمره و آنها را در رساله حج بیان کرده ام **دوم** سایر کفارات و آنها بسیار است [illegible] متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت

و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را یاد کرد بسبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادت آن و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان می نماید اول کفارهٔ افطار روزهٔ ماه مبارک رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن و آشامیدن آن معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلاف است و اشهر و اقوی وجوب است و جماع کردن اتفاقا و دروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه علی الاحوط و باقی ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن بار دیگر یا زیاده تا صبح علی الاحوط و رسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی بطلب منی کردن و دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بر نامحرم تا منی بیاید علی الاحوط و قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و حقنه کردن به مایعات عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و حضرت رسول و ائمه هدی علیه علیهم السلام بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی ازین امور را بعمل آرد عمدا و مسئله داند کفاره باید داد و در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلاف است و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن است و بعضی به ترتیب قائل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر بنده آزاد کردن آن مقدم است والا دو ماه روزه گرفتن و اگر ازین نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و گوشت خنزیر و مال مغصوب و استمنا و زنا و لواطت بعضی از علما قائل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب می شود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است دوم هرگاه در قضای روزهٔ ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور آنست که کفاره واجب است و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که کفاره ده مسکین را طعام دادن است و اگر عاجز شود سه روز روزه بگیرد و بعضی مخیر میان این دو و سه میدانند و بعضی کفارهٔ سیم و بعضی کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم میدانند سیم کفارهٔ ظهار است که ...

... علی کظهر امی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر منی یا سائر محارم علی
... اشهر اگر این را بگوید در وقتیکه زن حائض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده باشد و در
... دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره
... [illegible] بنابر قول مشهور و کفاره یک بنده آزاد کردن ست و اگر عاجز شود
... [illegible] و با عجز شصت مسکین را اطعام کردن ست چهارم کفاره
... ایلاست یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را به نزد
... حاکم [illegible] برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که
کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم ست که بعد ازین مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
پنجم کفاره مخالفت قسم ست بانکه قسم خورد باسمای مقدسه خدا که کردن فعلی که ترکش رجحان
ندشته باشد و یا کردن فعلی که فعلش رجحان ندشته باشد و مخالفت آن قسم نماید کفاره اش
آنست که یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از همه
عاجز باشد سه روز پیاپی روزه بدارد ششم کفاره مخالفت نذر ست بانکه نذر کند فعل امری را
که راجح باشد یا ترک امری را که مرجوح باشد و مخالفت نماید کفاره اش بعضی گفته اند مانند
کفاره قسم ست بعضی گفته اند مانند کفاره فطار ماه مبارک رمضان ست یک بنده آزاد
کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر
نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره اش کفاره افطار ماه مبارک رمضانست و اگر تعلق بغیر
روزه داشته باشد کفاره اش کفاره قسم ست و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفاره
ماه مبارک رمضانست مطلقا هفتم کفاره عهد ست که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی
یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک کند امر غیر راجحی یا امر مرجوحی را و مخالف آن عهد نماید
کفاره اش مانند کفاره نذر خلاف نیست و احوط آنست که در نذر مذکور هشتم
قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و حضرت رسول و حضرت ائمه معصومین علیهم السلام
... [illegible] حرمت این قسم خلاف نیست ولیکن در وجوب کفاره چنین قسمی یا کردن خلاف

بعضی گفته اند کفاره ششم کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن دو ماه روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین را اطعام کردن و اگر عاجز شود ده مسکین را اطعام یا کسوت دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره ششم کفاره نذر است و ابن بابویه گفته است که سه روز را روزه بدارد و ده مسکین را اطعام بدهد و بعضی گفته اند که گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری نوشت که شخصی سوگند یاد کرد به بیزاری از خدا و حضرت رسول و مخالفت کرد توبه و کفاره او چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را اطعام دهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش [illegible] و بعضی از علما باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضاً خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت سوگند کردن و باید که چنین سوگند یاد نکند و اگر بکند بمحض سوگند عمل بقول اول بکند اگر چه ظاهر است که عمل بروایت مجزی است نهم بعضی از علما قائل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره افطار ماه مبارک رمضان بدهد به ترتیب بر قول بعضی و بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و در روایت وارد شده است که کفاره افطار ماه مبارک رمضان لازم است و احوط عمل بروایت است و بعضی تراشیدن موی سر را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره دهم هرگاه زنی در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند خود یا زوجه خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود بنابر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است و احوط است هر چند وجوب ثابت نیست یازدهم مردی که زن دائمه یا متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قول بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما آن است که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسی که بخواب رود و نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب بگذرد و بعضی گفته اند که واجب است که آن روز را روزه بدارد و مشهور استحباب است و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور آن است که بر تقدیر وجوب

رده است کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته اند کفاره ماه مبارک رمضان و این قول
ضعیف است و احوط آنست که یک روزه قضا بگیرد سیزدهم کفاره قتل عمد است که دانسته
کسی را بکشد یا کاری که غالباً کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود و قصد کشتن
نداشته باشد کفاره اش آنست که بنده آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین
اطعام دهد چهاردهم کفاره قتل خطاست که کسی را ندانسته بکشد یا آنکه قصد قتل
نداشته باشد و کاری کند که غالباً کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه طفلی را برای
تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود یا در راه سنگی بخورد
و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد و کاری کند که از آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی
بکند و کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد و یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست
که کفاره لازم نمی شود مگر چند دیت لازم شود و کفاره بنده آزاد کردن است و بعد از عاجز بودن
از آن دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین اطعام دادن پانزدهم
اگر کسی زنی را در عدت دیگری تزویج کند می باید از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما
پنج صاع آرد تصدق میکند و احوط است که اگر زن دیگری را عقد کند نیز این کفاره
را بدهد یا بجد بهم تصدق کند شانزدهم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از
علما گفته اند موافق بعضی از روایات که واجب است که آن مملوک را بکفاره آن عمل
آزاد کند و این احوط است و اگر او را بکشد بعد کفاره جمیع میدهد و اگر بخطا بکشد کفاره
قتل خطا میدهد و واجب است که قیمت آن غلام را تصدق کند بنابر مشهور هفدهم کسی که روزه
ماه مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه دیگر رمضان بیمار باشد مشهور
آنست که قضا ساقط می شود و برای هر روز یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف
... قضا میکند و این چند ... گفته است احتیاطاً هر دو را میکند و اگر ما بین
دو رمضان ... و قادر بر روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا آنکه
... آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای

هر روز یک بار و بدهد مدی بعضی کفاره را واجب دانسته اند و بعضی گفته اند کفاره در صورتی است
که عزم بر قضا نداشته باشد اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر
دیگر عارض شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول قوی ترست و بحدیثهم نوادر که
ست از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای حاجت مومنانست
و کفارهٔ غیبت آنست که برای آن شخص که او را غیبت کرده است استغفار کند [illegible]

که چون از مجلس برخیزد بگوید

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

منزه است پروردگار تو خداوند غلبه از آنچه وصف میکنند و سلام باد بر پیغمبران

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و سپاس خدای که پروردگار عالمیانست

و کفارهٔ خنده آنست که بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي یعنی خداوندا مرا دشمن مدار و از
غضب مکن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر کس بدیگری بگوید لا اَبَ
لَكَ وَلَا اُمَّ لَكَ یعنی ترا پدر مباد یا ترا مادر مباد باید چیزی تصدق کند و کسیکه بگوید
یا بجان پدرم کفارهٔ این آنست که بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و خلافست در این که
از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند و اشهر کراهتست
و احوط ترکست و اما احکام کفارات مذکوره این در چند فصل بیان می شود اول
هر گاه بنده باید آزاد کرد و در کفارهٔ قتل می باید آن بنده مومن باشد و در باقی کفارات
خلافست و احوط رعایت ایمانست و در کفارهٔ قتل احوط آنست که بالغ باشد [illegible]
مرد و زن بالغ و نابالغ مجزیست باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد
و مولی حبشی یا در برابر بنده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند
زنا شده و ولد الزنا باشد و مشهور اجزاست و احوط ترک است و غلام مکاتب
که آزاد می توان کرد تا قسط مکاتبه هم نرسد و بعضی [illegible]

... بنده ... که ظن حیات او باشد دوم در کفاره مرتبه بار از بنده آزاد کردن عاجز شود
بروزه منتقل میشود و هر جا که روزه دو ماه باشد می باید متوالی بگیرد و توالی ... یکماه و یک روز
متصل بگیرد بعمل می آید باین معنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند باید از سر بگیرد و ...
جائز است بی عذر یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یک ماه و یک روز
بی عذر افطار کند از سر بگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری
... بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود در افطار
روزی بنا بر اقوی و هر جا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه ...
بگیرد علی الاقوی سوم هر جا که اطعام لازم شود مشهور آنست که بهر یک آنقدر طعام بخوراند
که سیر شوند و بهتر آنست که نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند
می باید چاشت و شام هر دو بهر مسکین بخوراند آنقدر که سیر شود و احوط این است اگر چه اظهر آنست
یک وقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد طعام بمسکین میتوان داد و در مقدار آن خلاف است
... گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با نان نان خورشی نیز بدهد چنانچه
بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصه
اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خوراند ظاهر اصغیر و کبیر را با هم ضم توان کرد و اگر دو
طفل را بجای ... احوط است در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمی توان داد مگر آنکه
مستحق ... نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مومن ندهد و بپریشان بسیار پریشان
... که مسکینی ... و صادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاع یک من تبریزی ...
مثقال و ربعی ... بنا بر مشهور و چون در احادیث اختلافی در تحدید صاع و مد هست احوط آنست
... دو مد نیم من شاه تقریبا بدهد چهارم در جای که کسوت باید داد در زن پیراهن و مقنعه
... و بعضی یک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم دانسته
... که پیراهن و قبا بدهد یا ... و بالاپوش و بهتر آنست که نو باشند و جامه طفل ...
... از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه و بعد از آن

قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او را مجزی نیست و بهتر آنست که ترک کند [illegible]
آزاد کند خصوصاً هرگاه کمتر از یک ماه و یک روز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قائل
شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز شود از گرفتن آن هیجده روز
روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روزی مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند
و اشهر و اقوی آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود و [illegible] کفاره ظهار که
بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و [illegible] استغفار
بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهل
اند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم می شود و نمیدانند و مشغول الذمه بحقوق الهی
میمانند قدری از احکام آنها را درین رساله کثیر الفائده ایراد نمودم و ملتمس از برادران
آنست که هرگاه ازین رساله منتفع گردد در حالت حیات یا بعد از وفات این شکسته [illegible]
رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کنند

تم بفضل الله سبحانه و تاییده فی شهر الله
المعظم شهر رمضان من سنة سبع و مائة و الف من الهجرة
المقدسة علی ید مؤلفه الراجی رحمة الله الکریم المنان
فی محروسة اصفهان صینت عن طوارق الحدثان مع وفور
الاشتغال و اختلال الاحوال و توزع البال الحمد لله اولاً
و آخراً و الصلوة علی سید المرسلین محمد
و آله الاطهرین الاقدسین
و لعنة الله علی
اعدائهم
اجمعین

CALL No. ف ۲۹۷، ۷ / ز ۱۱ ـــ ACC. NO. ۷۹۱۸

AUTHOR باقر محمد

TITLE زاد المعاد

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over-due.